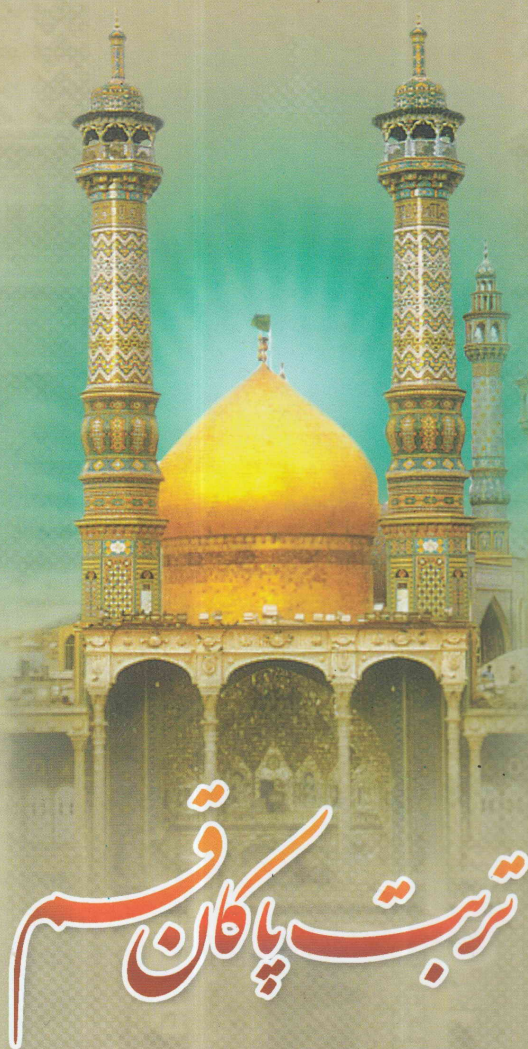
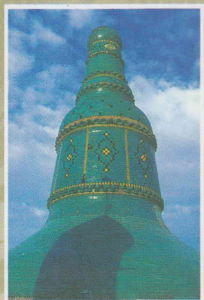
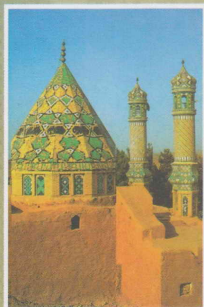
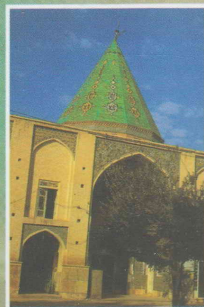
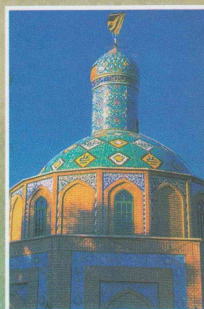




شرح حال مدفونین در سرزمین قم



# تربت پاکان قم

شرح حال مدفونین در سرزمین قسم

جلد دوم

تألیف:

عبدالحسین جواهر کلام

جواهر کلام، عبد الحسین

تربت پاکان قم: شرح حال مدفونین در سرزمین قم تألیف عبد الحسین  
جواهر کلام. - قم: انصاریان، ۱۴۲۴ = ۱۳۸۲.  
۴ ج. (۲۵۷۶ ص) : مصور، عکس.

ISBN Vol.2: 964-438-551-9

کتابنامه.

۱. مجتهدان و علماء - قم - سرگذشتنامه. ۲. آرامگاهها - ایران - قم (استان).  
۳. زیارتگاههای اسلامی - قم. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۹۶

ت ۹ ج ۲/ ۵۵۵ BP

۱۳۸۲

## تربت پاکان قم جلد دوم

«شرح حال مدفونین در سرزمین قم»

مؤلف: عبد الحسین جواهر کلام

ناشر: انتشارات انصاریان - قم

چاپ اول ۱۳۸۲ - ۲۰۰۴ = ۱۴۲۴

چاپخانه: نگین - قم

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

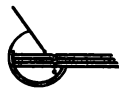
تعداد صفحات ج ۲: ۶۴۸ ص.

قطع: وزیری

شابک ج ۲: ۹-۵۵۱-۳۳۸-۹۶۴

شابک دوره ۲: ۲-۵۴۶-۳۳۸-۹۶۴

حلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

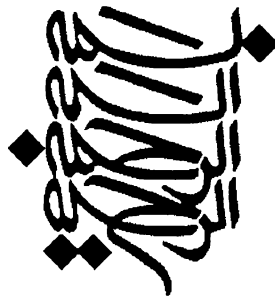
خیابان شهدا - کوچه ۲۲

ص. پ ۱۸۷

تلفن: ۷۷۴۱۷۴۴ (۲۵۱) (۹۸) دورنما: ۷۷۴۲۶۴۷

پست الکترونیک: ansarian@noormet.net

www.ansarian.org & www.ansarian.net









اهداء

سنگ مزار مادر مؤلف

به تربت عطرآگین مهر و محبت

عشق و مهربانی

به نخستین آموزگار، و گرانترین یادگار

مدفونین در سرزمین پاک قم

مادر عزیزم، خانم زهرا جواهری، نواده شیخ الفقهاء و المجتهدين

شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر» و نبیره آیت الله، عارف

ربانی سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی، متوفای ۲۴ / رمضان /

۱۴۱۷ ق در قم، و مدفون در قبرستان حاج شیخ «نو»،

ثواب این جلد را به روان پاکش تقدیم می دارم.

فرزندت

عبدالحسین



# فهرست

|     |       |                                    |
|-----|-------|------------------------------------|
| ۷۰۱ | ..... | شیخ راضی تبریزی نجفی               |
| ۷۰۵ | ..... | سید رضا آل محمد طالقانی            |
| ۷۰۶ | ..... | میرزا رضا اهری «باغمیشه‌ای»        |
| ۷۰۸ | ..... | سید رضا باقرمنش قمی «ثابت»         |
| ۷۱۰ | ..... | سید رضا برقی قمی                   |
| ۷۱۲ | ..... | سید رضا بهاء‌الدینی                |
| ۷۲۱ | ..... | سید رضا تفرشی همدانی               |
| ۷۲۲ | ..... | سید رضا جابلقی                     |
| ۷۲۳ | ..... | میرزا رضا حکمت شیرازی «سردار فاخر» |
| ۷۲۵ | ..... | شیخ رضا خمیرانی رشتی               |
| ۷۲۵ | ..... | استاد رضا روزبه                    |
| ۷۳۰ | ..... | سید رضا صدر                        |
| ۷۳۵ | ..... | سید رضا علما قمی                   |
| ۷۳۷ | ..... | میرزا رضی زنوزی تبریزی             |
| ۷۳۹ | ..... | سید رضی‌الدین وحیدی شبستری         |

- میرزا رفیع الدین تبریزی «نظام العلما» ..... ۷۴۱  
 شیخ روح الله کمالوند خرم آبادی ..... ۷۴۴  
 شیخ ریحان الله گلپایگانی «نخعی» ..... ۷۴۶

ز

- سید زکریا قزوینی ..... ۷۵۳  
 شیخ زین الدین شریعتی زنجانى ..... ۷۵۴  
 شیخ زین العابدین ابهری «امام» ..... ۷۵۵  
 سید زین العابدین کاشانی ..... ۷۵۸  
 سید زین العابدین یشربی قمی ..... ۷۶۱

س

- سام میرزا شاه صفی اول ..... ۷۶۳  
 شیخ سلمان خاقانی ..... ۷۶۶

ش

- شیخ شجاع الدین جلیلی کرمانشاهی ..... ۷۶۹  
 سید شرف الدین طالقانی ..... ۷۷۱  
 شیخ شعبان راسخی لنگرودی ..... ۷۷۲  
 میرزا شفیع ساعد الملک تبریزی ..... ۷۷۳  
 سید شمس الدین ابهری ..... ۷۷۴  
 سید شمس الدین احمدی بروجردی ..... ۷۷۶  
 شیخ شهاب الدین اشراقی قمی ..... ۷۷۸  
 سید شهاب الدین مرعشی «آقا نجفی» ..... ۷۷۹  
 شیخ شهاب الدین مصطفوی همدانی ..... ۷۸۳

- ۷۸۵ ..... شیخ شهاب‌الدین نراقی کاشانی
- ۷۸۶ ..... میر شهاب‌الدین نیریزی

## ص

- ۷۸۹ ..... شیخ صابر کرهرودی اراکی
- ۷۹۰ ..... میرزا صادق تبریزی
- ۸۰۳ ..... صادق جوادی خرم‌آبادی
- ۸۰۴ ..... سید صادق حسینی رشتی
- ۸۰۶ ..... سید صادق روحانی قمی
- ۸۰۸ ..... شیخ صادق سربندی بروجردی
- ۸۱۱ ..... شیخ صادق شیرازی
- ۸۱۲ ..... میرزا صادق طاهباز تبریزی
- ۸۱۳ ..... شیخ صادق فراخی خوئی
- ۸۱۴ ..... شیخ صادق نصیری سرابی
- ۸۱۶ ..... سید صدرالدین تنکابنی
- ۸۱۶ ..... سید صدرالدین صدر
- ۸۲۴ ..... شیخ صدرالدین صمدی لنکرانی

## ض

- ۸۲۷ ..... شیخ ضیاءالدین جوادی ابهری
- ۸۲۸ ..... سید ضیاءالدین خوانساری «کاشفی»

## ط

- ۸۳۱ ..... سید طالب خراسان



ع

- ۸۳۷..... سيّد عباد علي هندی
- ۸۳۸..... شيخ عباس ايمانی جهرودی قمی
- ۸۳۹..... سيّد عباس تقوی قزوینی
- ۸۳۹..... شيخ عباس تهرانی
- ۸۴۳..... شيخ عباس حائری یزدی
- ۸۴۴..... سيّد عباس داعی الاسلام همدانی «دعوتی»
- ۸۵۱..... عباس راسخی نجفی «گیلانی»
- ۸۵۳..... شيخ عباس شیرازی رفسنجانى
- ۸۵۵..... میرزا عباس صفاء السلطنه نائینی (صفا)
- ۸۵۶..... شيخ عباس طسوجی
- ۸۵۷..... عباس طلائیان
- ۸۵۸..... میرزا عباس عشقی بحرینی
- ۸۵۹..... شيخ عباس علی اسلامی سبزواری
- ۸۶۱..... شيخ عباسعلی شاهرودی
- ۸۶۳..... شيخ عباسعلی محقق خراسانی
- ۸۶۵..... میرزا عباسعلی نجفی ارومیه‌ای
- ۸۶۶..... سيّد عباس فقیه مبرقع قمی
- ۸۶۷..... شيخ عباس فیض قمی
- ۸۷۰..... عباس کتابدار قمی «خادم»
- ۸۷۰..... شيخ عباس مستقیم قمی
- ۸۷۱..... سيّد عباس ملکی طسوجی
- ۸۷۳..... سيّد عباس مهري
- ۸۷۵..... سيّد عباس میرزاده اهري

- عباس میرزا ملک آرا قاجار ..... ۸۷۶
- سید عبدالباقی رشتی «شریف العلما» ..... ۸۷۷
- میرزا عبدالجواد کلباسی اصفهانی ..... ۸۷۹
- سید عبدالحجة ابروانی «تبریزی» ..... ۸۸۱
- سید عبدالحجه بلاغی نائینی «حجت» ..... ۸۸۲
- عبدالحسین آیتی تفتی ..... ۸۸۵
- شیخ عبدالحسین بروجردی «صاحب الداری» ..... ۸۹۰
- شیخ عبدالحسین بقال ..... ۸۹۲
- شیخ عبدالحسین تبریزی «غروی» ..... ۸۹۵
- سید عبدالحسین خردمند تهرانی ..... ۹۰۱
- سید عبدالحسین خسروی همدانی ..... ۹۰۳
- شیخ عبدالحسین رضوی هشتروندی ..... ۹۰۳
- سید عبدالحسین سیدی قمی ..... ۹۱۱
- شیخ عبدالحسین شرع الاسلام نجفی ..... ۹۱۲
- شیخ عبدالحسین صادقی لاهیجانی «رئیس العلما» ..... ۹۱۳
- سید عبدالحسین طاهری قمی ..... ۹۱۴
- شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی ..... ۹۱۴
- شیخ عبدالحسین معین الشعراء قمی ..... ۹۱۷
- میرزا عبدالحسین نائینی «بقائی» ..... ۹۱۸
- عبدالحسین نزهتی قمی ..... ۹۱۹
- شیخ عبدالحسین وکیل قمی ..... ۹۲۱
- میرزا عبد الرحمن بروجردی ..... ۹۲۵
- شیخ عبد الرحمن حیدری ایلامی ..... ۹۲۶
- شیخ عبد الرحمن صالحی لرستانی ..... ۹۲۷
- شیخ عبد الرحیم ربّانی شیرازی ..... ۹۲۸

- ۹۳۱ ..... سیّد عبدالرحیم شوکی
- ۹۳۱ ..... شیخ عبدالرحیم مدرس تبریزی
- ۹۳۳ ..... میرزا عبدالرحیم نهاوندی
- ۹۳۴ ..... شیخ عبدالرحیم نیری بروجردی
- ۹۳۶ ..... شیخ عبدالرزاق خائف قمی
- ۹۳۷ ..... شیخ عبدالرسول قائمی اصفهانی
- ۹۳۹ ..... شیخ عبدالستار اسلامی آبادانی
- ۹۴۱ ..... عبدالصاحب صفائی قمی «حائری»
- ۹۴۳ ..... سیّد عبدالعزیز طباطبائی یزدی
- ۹۴۹ ..... عبدالعلی سلام فایز تبریزی
- ۹۵۰ ..... شیخ عبدالعلی شریفی کابلی
- ۹۵۱ ..... شیخ عبدالعلی مشایخی اراکی «حاج آقا»
- ۹۵۲ ..... شیخ عبدالعلی نطنزی «صدرالعلما»
- ۹۵۳ ..... سیّد عبدالغنی اردبیلی
- ۹۵۴ ..... شیخ عبدالقدوس کرمانشاهی
- ۹۵۵ ..... سیّد عبدالکریم انواری اردبیلی
- ۹۵۵ ..... شیخ عبدالکریم حائری یزدی
- ۹۶۳ ..... شیخ عبدالکریم خوئینی زنجان
- ۹۶۷ ..... سیّد عبدالکریم غیرت کرمانشاهی
- ۹۶۸ ..... شیخ عبدالکریم کریمی اصل هشتروندی
- ۹۶۹ ..... سیّد عبدالکریم کشمیری
- ۹۷۸ ..... شیخ عبداللطیف سمّامی حائری
- ۹۸۲ ..... شیخ عبداللطیف مجد الواعظین اردبیلی
- ۹۸۴ ..... شیخ عبدالله آل آقا کرمانشاهی
- ۹۸۵ ..... سیّد عبدالله بحرانی حائری

- ۹۸۶ ..... شیخ عبدالله جوادی ابهری  
 ۹۸۸ ..... شیخ عبدالله شهیدی قزوینی  
 ۹۸۹ ..... سید عبدالله قاهانی «صدر عراقی»  
 ۹۹۱ ..... شیخ عبدالله قمی  
 ۹۹۲ ..... شیخ عبدالله گشایشی اهری  
 ۹۹۲ ..... شیخ عبدالله لنکرانی  
 ۹۹۴ ..... میرزا عبدالله مجتهدی سرابی  
 ۹۹۶ ..... سید عبدالله موسوی شبستری  
 ۹۹۹ ..... شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی  
 ۱۰۰۰ ..... ملا عبدالله واعظ طالقانی  
 ۱۰۰۱ ..... میرزا عبد المحمّد الهامی اسکوئی  
 ۱۰۰۲ ..... سید عبدالمطلب بهبهانی  
 ۱۰۰۳ ..... سید عبدالمطلب جزائری «آل مهدی»  
 ۱۰۰۵ ..... سید عبدالمطلب شیرازی  
 ۱۰۰۵ ..... میرزا عبدالمطلب فقیه اردوبادی  
 ۱۰۰۷ ..... شیخ عبد المنعم خاقانی  
 ۱۰۰۸ ..... شیخ عبد الوهاب روحی یزدی  
 ۱۰۰۹ ..... شیخ عبد الهادی قمی «حاج آخوند»  
 ۱۰۱۰ ..... شیخ عزالدین نجفی اصفهانی «مسجد شاهی»  
 ۱۰۱۳ ..... شیخ عزیزالله علیمرادیان نهاوندی  
 ۱۰۱۵ ..... سید عزیز موسوی اردبیلی  
 ۱۰۱۶ ..... شیخ عسکری بروجردی  
 ۱۰۱۷ ..... سید علاءالدین علوی طالقانی  
 ۱۰۱۸ ..... سید علم الهدی کابلی «ملایری»  
 ۱۰۲۱ ..... شیخ علی اخوان خراسانی

- ۱۰۲۲..... سیّد علی اشکوری  
 ۱۰۲۴..... میرزا علی اصغر اشعری قمی  
 ۱۰۲۶..... سیّد علی اصغر جابلقی  
 ۱۰۲۷..... سیّد علی اصغر خوئی «صادقی»  
 ۱۰۳۰..... سیّد علی اصغر دربانی قمی (حاجب التولیه)  
 ۱۰۳۱..... شیخ علی اصغر ذکاوتی قراگوزلو «همدانی»  
 ۱۰۳۱..... میرزا علی اصغر زیبا قمی  
 ۱۰۳۳..... شیخ علی اصغر شفیعیان همدانی  
 ۱۰۳۴..... شیخ علی اصغر صالحی کرمانی  
 ۱۰۳۸..... سیّد علی اصغر طباطبائی بروجردی (سلطان العلما)  
 ۱۰۳۹..... سیّد علی اصغر عارف بروجردی  
 ۱۰۴۰..... شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی  
 ۱۰۴۱..... میرزا علی اصغر وثوق  
 ۱۰۴۲..... علی اکبر آرداقتی قزوینی  
 ۱۰۴۴..... شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی  
 ۱۰۴۷..... میرزا علی اکبر اهری  
 ۱۰۴۹..... سیّد علی اکبر برقمی قمی  
 ۱۰۵۶..... سیّد علی اکبر پیشوائی یزدی  
 ۱۰۵۷..... میرزا علی اکبر تابش اصفهانی  
 ۱۰۵۸..... شیخ علی اکبر تبریزی «واعظ»  
 ۱۰۶۰..... میرزا علی اکبر حکیمی یزدی «تجلی»  
 ۱۰۶۶..... شیخ علی اکبر حکیمی یزدی  
 ۱۰۶۷..... دکتر علی اکبر سیاسی  
 ۱۰۷۰..... شیخ علی اکبر صبوری قمی  
 ۱۰۷۱..... علی اکبر صفاری

- شیخ علی اکبر علمی تنکابنی ..... ۱۰۷۲
- میرزا علی اکبر عماد تبریزی ..... ۱۰۷۲
- علی اکبر قمی «افصحی» ..... ۱۰۷۳
- سید علی اکبر گلستانه اصفهانی ..... ۱۰۷۷
- میرزا علی اکبر مجتهدی تبریزی ..... ۱۰۷۹
- دکتر علی اکبر مجتهدی تبریزی ..... ۱۰۸۰
- میرزا علی اکبر مظهر همدانی ..... ۱۰۸۱
- میرزا علی اکبر ملک‌زاده آملی ..... ۱۰۸۴
- شیخ علی انصاری همدانی ..... ۱۰۸۵
- سید علی بدری ..... ۱۰۸۶
- سید علی برقی قمی ..... ۱۰۸۶
- سید علی بطحائی گلپایگانی ..... ۱۰۹۰
- شیخ علی بوستانی بلتستانی ..... ۱۰۹۱
- شیخ علی بیانی گیلانی ..... ۱۰۹۲
- سید علی تهجدی ساوه‌ای ..... ۱۰۹۲
- سید علی جزائری شوشتری ..... ۱۰۹۴
- سید علی حسینی قمی «دشتی» ..... ۱۰۹۵
- میرزا علی حق‌نویس قمی ..... ۱۰۹۸
- شیخ علی حیدری کاشانی ..... ۱۰۹۹
- شیخ علی خوانساری «متفقهی» ..... ۱۱۰۱
- سید علی دعوتی همدانی «داعی» ..... ۱۱۰۲
- سید علیرضا سعیدی یزدی «ریحان» ..... ۱۱۰۸
- علیرضا کاشفی قمی ..... ۱۱۱۳
- سید علی رضا مدرسی یزدی ..... ۱۱۱۵
- علیرضا هدایتی قمی «خاموش» ..... ۱۱۱۶

- ۱۱۱۸..... سیّد علی رضوی قمی «قدرت».
- ۱۱۲۲..... میرزا علی روحانی نجف آبادی.
- ۱۱۲۵..... میرزا علی رهامی زنجانى.
- ۱۱۲۵..... سیّد علی سیّد صدر دزفولی.
- ۱۱۲۷..... سیّد علی شاه چراغی نهاوندی.
- ۱۱۲۸..... سیّد علی شمس الدینی قمی «پویان».
- ۱۱۳۰..... شیخ علی شمس گیلانی «حاج اعتماد».
- ۱۱۳۳..... میرزا علی شیرازی «اصفهانى».
- ۱۱۳۷..... شیخ علی صفائی حائری «قمی».
- ۱۱۳۹..... علی عارفی قمی.
- ۱۱۴۱..... شیخ علی عاملی «علیکم السلام».
- ۱۱۴۱..... سیّد علی علامه فانی اصفهانى.
- ۱۱۴۸..... شیخ علی علم الهدی فومنی.
- ۱۱۴۸..... شیخ علی علما کرمانشاهی دامغانی «واعظ».
- ۱۱۴۹..... سیّد علی علوی قزوینی.
- ۱۱۵۰..... سیّد علی علوی قزوینی «آقابزرگ».
- ۱۱۵۳..... سیّد علی علوی کاظمی.
- ۱۱۵۶..... میرزا علی غروی علیاری.
- ۱۱۷۲..... شیخ علی قاضی زاهدی گلپایگانی.
- ۱۱۷۴..... میرزا علی قاضی طباطبائی «تبریزی».
- ۱۱۷۵..... شیخ علی قدوسی نهاوندی.
- ۱۱۷۷..... شیخ علی قدیری اصفهانى.
- ۱۱۷۸..... میرزا علی قلی شهیدی خوئی.
- ۱۱۷۸..... شیخ علی قمی (پایین شهری).
- ۱۱۷۹..... شیخ علی قمی تهرانی.

- ۱۱۸۰..... شیخ علی قوانینی بروجردی  
 ۱۱۸۱..... شیخ علی کاشانی «فریده الاسلام»  
 ۱۱۸۲..... میرزا علی کفائی خراسانی  
 ۱۱۸۴..... دکتر علی کنی تهرانی  
 ۱۱۸۶..... سید علی کوهکمری تبریزی  
 ۱۱۸۷..... شیخ علی گنبدی «لطیفی»  
 ۱۱۹۰..... شیخ علی لاهیجی حائری  
 ۱۱۹۱..... شیخ علی محدث زاده قمی  
 ۱۱۹۳..... شیخ علی محمد خرم آبادی «بروجردی»  
 ۱۱۹۴..... سید علی محمد مجد قزوینی  
 ۱۱۹۵..... شیخ علی محمد موحد قمی  
 ۱۱۹۶..... علی مخصوص «کاتب الخاقان»  
 ۱۱۹۷..... علی منظوری حقیقی تفرشی  
 ۱۱۹۹..... سید علی مولانا تبریزی  
 ۱۲۰۳..... سید علی مهدوی قائینی  
 ۱۲۰۴..... شیخ علی میرزا جابلقی  
 ۱۲۰۵..... میرزا علی ناسوتی یزدی  
 ۱۲۰۶..... شیخ علی نحوی رامسری  
 ۱۲۰۷..... میرزا علی نورمحمدی تهرانی  
 ۱۲۰۸..... میرزا علی هاشمی سنجانی «اراکي»  
 ۱۲۰۹..... میرزا علی هسته ای اصفهانی «واعظ»  
 ۱۲۱۱..... عمادالدین دولتشاهی «کرمانشاهی»  
 ۱۲۱۲..... شیخ عیسی خوشنویس حائری  
 ۱۲۱۲..... شیخ عیسی لواسانی تهرانی



## غ

- ۱۲۱۵..... شیخ غلامحسن صالحی کشمیری
- ۱۲۱۶..... شیخ غلامحسین آل آفاکرمانشاهی «معتمد العلما»
- ۱۲۱۷..... غلامحسین احتشامی خوئی
- ۱۲۱۸..... شیخ غلامحسین جعفری همدانی
- ۱۲۲۰..... شیخ غلامحسین دارابی «شرعی»
- ۱۲۲۱..... شیخ غلامحسین عابدی قمی
- ۱۲۲۲..... غلامحسین غفاری «صاحب اختیار»
- ۱۲۲۳..... شیخ غلامرضا بلاغی بلخی
- ۱۲۲۴..... شیخ غلامرضا خوانساری «معلم»
- ۱۲۲۵..... سید غلامرضا سعیدی بیرجندی
- ۱۲۳۱..... شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»
- ۱۲۳۲..... سید غلامرضا کسائی تبریزی
- ۱۲۳۳..... شیخ غلامرضا گلسرخی کاشانی
- ۱۲۳۷..... شیخ غلامرضا مطهری نجف آبادی
- ۱۲۳۷..... سید غلامرضا واعظی قائینی
- ۱۲۴۰..... شیخ غلامعلی روحیان بهبهانی
- ۱۲۴۱..... دکتر غلامعلی شیخ نیا «اراکی»
- ۱۲۴۲..... شیخ غلامعلی کماری تبریزی

## ف

- ۱۲۴۳..... سید فاخر موسوی آبادانی
- ۱۲۴۵..... شیخ فاضل لنکرانی «قققازی»
- ۱۲۴۷..... خانم فاطمه امامی زنجان

|                                           |      |
|-------------------------------------------|------|
| میرزا فتح الله ثقة الاسلام تبریزی .....   | ۱۲۴۸ |
| شیخ فتح الله شهیدی قزوینی .....           | ۱۲۴۹ |
| سید فخرالاعلام آیت اللهی شیرازی .....     | ۱۲۵۰ |
| سید فخرالدین فیض دزفولی .....             | ۱۲۵۱ |
| سید فخرالدین قمی «سیدی» .....             | ۱۲۵۴ |
| شیخ فخرالدین محسنی بروجردی .....          | ۱۲۵۷ |
| میرزا فخرالدین نراقی کاشانی .....         | ۱۲۵۷ |
| شیخ فرج الله کاظمی «هرسینی» .....         | ۱۲۵۸ |
| فضل الله آرتا .....                       | ۱۲۶۰ |
| سید فضل الله خوانساری .....               | ۱۲۶۰ |
| میرزا فضل الله زنجانی «شیخ الاسلام» ..... | ۱۲۶۲ |
| شیخ فضل الله محلاتی .....                 | ۱۲۶۵ |
| شیخ فضل الله ناصری الیگودرزی .....        | ۱۲۶۶ |
| شیخ فضل الله نوری .....                   | ۱۲۶۷ |
| سید فضل الله هاشمی طالخونچه‌ای .....      | ۱۲۷۴ |
| شیخ فضل علی قزوینی .....                  | ۱۲۷۵ |
| فیض الله سعادت کرمانشاهی .....            | ۱۲۷۸ |

## ق

|                                      |      |
|--------------------------------------|------|
| شیخ قاسم اسلامی .....                | ۱۲۸۱ |
| شیخ قدرت الله وجدانی فخر سرابی ..... | ۱۲۸۴ |
| شیخ قربانعلی ذوالقدر زنجانی .....    | ۱۲۸۷ |
| شیخ قنبر علی توسلی مازندرانی .....   | ۱۲۸۸ |
| شیخ قوام اسلامی جاسبی .....          | ۱۲۸۹ |
| سید قوام الدین موسوی زنجانی .....    | ۱۲۹۱ |

شیخ قوام‌الدین و شنوه‌ای قمی ..... ۱۲۹۲

## ک

- میرزا کاظم تبریزی ..... ۱۲۹۷
- شیخ کاظم زین‌العابدین ..... ۱۳۰۰
- میرزا کاظم شبستری ..... ۱۳۰۰
- سید کاظم شریعتمداری ..... ۱۳۰۶
- شیخ کاظم فائق تهرانی ..... ۱۳۱۲
- میرزا کاظم قاضی طباطبائی «تبریزی» ..... ۱۳۱۳
- کاظم کریمی اراکی «کربلائی کاظم» ..... ۱۳۱۳
- سید کاظم گلپایگانی «کوشا» ..... ۱۳۱۶
- شیخ کاظم ناصح یزدی ..... ۱۳۱۸
- کامران میرزا نایب السلطنه قاجار ..... ۱۳۱۸
- کریم بوذرجمهری ..... ۱۳۱۹
- سید کمال‌الدین مرتضوی اصفهانی ..... ۱۳۲۰
- سید کمال‌الدین موسوی شیرازی ..... ۱۳۲۰

## ل

- میرزا لطفعلی شریفی زنوزی ..... ۱۳۲۵
- شیخ لطفعلی محقق اردبیلی ..... ۱۳۲۶

## شیخ راضی تبریزی نجفی

(۱۳۲۵-۱۴۰۹ ق)



حاج شیخ راضی نجفی فرزند  
آیت الله شیخ محمد حسین فرزند علامه  
شیخ محمد رضا فرزند حاج علی  
تبریزی، از علمای بزرگ و فقهای سترگ  
معاصر بود.

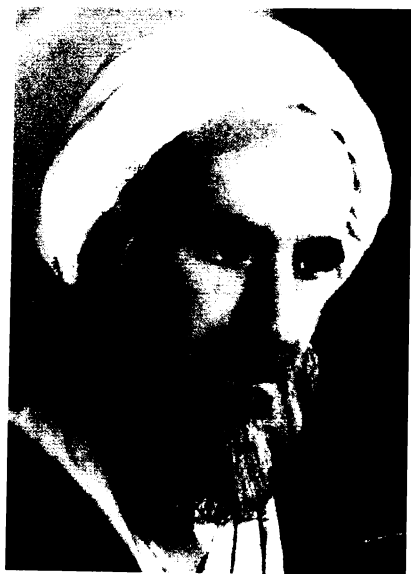
ایشان در سال ۱۳۲۵ ق در نجف  
اشرف دیده به جهان گشود (چنانکه  
خود ایشان به نگارنده اظهار داشتند).

در سن کودکی همراه پدر خود به  
تبریز رفت و در مکتب خائن میرزا  
عبدالوهاب شعار، برخی از مقدمات را

فراگرفت. آنگاه دروس ادبیات را نزد علامه شیخ حسن نحوی، شیخ حسین اهری و  
پدر ارجمند خود بیاموخت. و قسمتی از دروس را نزد پدرش تلمذ کرد.

علامه شیخ راضی در سال ۱۳۴۷ ق جهت ادامه تحصیلات خود به حوزه علمیه قم رهسپار شد و در مدرسه دارالشفا سکونت اختیار نمود.

دروس سطح را نزد علامه میرزا محمد همدانی (مکاسب و کفایه و قسمتی از رسائل) به پایان برد. و دروس عالی خارج را از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (خارج کتابهای طهارة و صلاة و درر الاصول)، سید محمد تقی خوانساری (خارج اصول و فقه و شرح منظومه) و شیخ ابوالقاسم قمی «کبیر» (ریاض المسائل) و دروس اسفار را نزد علامه شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود.



وی در اثر اشتیاق به زیارت عتبات عالیات و شوق تحصیل از فقهای آن سامان، در سال ۱۳۵۹ ق به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی (خارج مکاسب و اصول فقه) و سید ابوالحسن اصفهانی (کتاب الحج) استفاده شایان بدست آورد.

در سال ۱۳۶۵ ق به ایران بازگشت و مجدداً در قم سکونت اختیار نمود و به افتخار دامادی علامه شیخ احمد

حائری همدانی - داماد آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی - نایل آمد. در ضمن در دروس خارج آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست و خود به تدریس متون کتب درسی پرداخت و در اثر تقاضای طلاب سالها به تدریس خارج اشتغال داشت.

علامه تبریزی دارای اجازات اجتهادی از حضرات آیات: سید محمد تقی

خوانساری (در سال ۱۳۵۸ ق)، سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۲ ق) و سید حسین طباطبائی بروجردی بود و اجازات روائی ایشان عبارت است از: حاج آقا بزرگ تهرانی (در سال ۱۳۶۳ ق)، سید محسن طباطبائی حکیم (در ۱۳۶۳ ق) و شیخ محمد تقی فقیه عاملی [حاریصی] می باشند.

در نجف اشرف دوستی ایشان با آیت الله سید محمد تقی بحرالعلوم و آیت الله شیخ محمد تقی فقیه عاملی زبان زد همگان بود و علاقه تا پایان زندگی همگان ادامه داشت. هنگامی که آیت الله بحرالعلوم در زمان آیت الله بروجردی وارد قم می شوند به مسافرخانه وارد می شوند که مورد اعتراض آیت الله بروجردی قرار می گیرند. بحرالعلوم در جواب می فرمایند: یا در مسافرخانه می مانم یا در منزل آقای شیخ راضی وارد می شوم، که به دستور آیت الله بروجردی به آقای تبریزی اطلاع می دهند و برایشان وارد می شوند.

### از آثار قلمی ایشان

- ۱- الذکر الحکیم فی تفسیر القرآن الکریم.
- ۲- الحکمة العملية الکمالیة.
- ۳- الفوائد المنتخبة.
- ۴- المحاورات الاصولیة الضروریة أو واقع الاصول اللفظیة، در سه جلد.
- ۵- المسائل التداخلیة.
- ۶- الوجیزة فی الاجازة.
- ۷- تحلیل العروة الوثقی، بحث الاجتهاد و التقليد.
- ۸- تحلیل الکلام فی شرح قضاء شرائع الاسلام، در ۸۰۰ صفحه.
- ۹- حاشیة علی کتاب الطهارة من ریاض المسائل.
- ۱۰- خلاصة الکلام فی فقه الاسلام، در چند جلد.



- ۱۱ - داوری وجدان در توحید.
  - ۱۲ - دیوان شعر.
  - ۱۳ - رسالة فی البیع.
  - ۱۴ - شرح کتاب الطهارة من الشرائع.
  - ۱۵ - طرق الجنة.
  - ۱۶ - طلوع الفجر فی شهادة الامام الحسین علیه السلام.
  - ۱۷ - عقد اللقاح فی عقد النکاح.
  - ۱۸ - علم حضوری.
  - ۱۹ - غراف الحبر الملتقط من وسائل الشیعة.
  - ۲۰ - قضاء الفطرة فی برهان امامة العترة علیهم السلام، در دو جلد.
  - ۲۱ - مژده های شیعه.
  - ۲۲ - منظومة فی المنطق.
  - ۲۳ - نتایج الأفكار (کشکول).
- علامه تبریزی در ساعت هفت بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۴ / ذی قعدة / ۱۴۰۹ مطابق با ۲۸ / خرداد / ۱۳۶۸ ش پس از چند ماه بیماری در سن ۸۴ سالگی در یکی از بیمارستانهای تهران چشم از جهان فرو بست. پیکر پاک ایشان صبح روز سه شنبه از خیابان چهارمردان تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی در یکی از حجرات صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.
- فرزندان ایشان عبارتند از: ۱ - آقا محمد محمود ۲ - آقا محمد مسعود حائری، وکیل دادگستری ۳ - آقا محمد رضا.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۹۲/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۷۹.



- ۳ - شرح حال مستقلی به قلم شاگرد ایشان، علامه سید محمد علی حسینی اصطهباناتی در ۱۶ صفحه، در ذی حجه / ۱۴۰۶ ق نوشته‌اند استفاده شده است.
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۹۸/۲.
- ۵ - نقباء البشر ۷۱۷/۲ (تولد ایشان را سال ۱۳۲۶ ق نوشته‌اند).
- ۶ - یادداشت‌های شخصی نگارنده، در تاریخ ۱۳ / جمادی الاول / ۱۴۰۶ ق در قم با ایشان آشنا شدم و همواره ملازم ایشان شدم و از وی استفاده‌ها نمودم.

## سید رضا آل محمد طالقانی

(ح ۱۳۱۶ - ۱۴۱۸ ق)

حاج سید رضا فرزند سید صادق آل محمد طالقانی، از علمای معاصر قم بود. وی در حدود سالهای ۱۳۱۶ ق در طالقان دیده به جهان گشود. مقدمات را همانجا آموخت، سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و درس سطح را از محضر آیات: شیخ حسن فاضل و سید محمد باقر قزوینی بهره‌مند شد. درس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود. به اقامه جماعت، ارشاد و هدایت اشتغال داشت. سالی چند به تهران می‌رفت و به امور مذهبی می‌پرداخت. سالهای آخر عمر خود به قم بازگشت. آل محمد، در زمستان / ۱۴۱۸ ق در قم پس از یک قرن و اندی خدمت، بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

📖 منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۴۱۰.
- ۲ - اطلاعات متفرقه.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۹۲/۲ (نامش را محمد رضا ثبت کرده است).



## میرزا رضا اهری «باغمیشه‌ای»

(۱۳۱۴ - ۱۳۸۳ ق)

میرزا رضا فرزند آیت‌الله میرزا علی اکبر و نوّه شیخ عبدالله اهری، از بزرگان و فضلا و سخنوران تبریز بود. او در سال ۱۳۱۴ ق در تبریز متولد گردید.

### در حوزه تبریز

میرزا رضا پس از طی مقدمات، شرح لمعه را نزد پدرش آموخت، و دروس عالی را از محضر آیات: سید ابوالحسن انگجی و میرزا رضی زنوزی استفاده نمود، و به وعظ و ارشاد و هدایت مردم پرداخت، و نماز جماعت را در مسجد شکلی تبریز برپا می نمود. از وی کتابی در «مجالس و مواعظ» به جای مانده است.

### درگذشت و اعقاب

او در سال ۱۳۸۳ ق در سن ۶۹ سالگی در تبریز درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد. فرزندانش: ۱ - آیت‌الله شیخ محمد علی اهری: متولد سال ۱۳۴۶ ق در تبریز، او ادبیات را نزد شیخ علی اکبر نحوی و میرزا علی اصغر باغمیشه‌ای تلمذ کرد، و در سال ۱۳۶۳ ق به قم رهسپار شد، و شرح لمعه را نزد میرزا صادق طاهباز و سید بیوک ششگلانی، و کفایه را نزد میرزا محمد مجاهدی تبریزی و سید شهاب‌الدین مرعشی و رسائل و مکاسب را نزد میرزا محمد مجاهدی و سید حسین قاضی تبریزی تلمذ کرد.

دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (به مدت

یازده سال)، سید محمد داماد یزدی و سید کاظم شریعتمداری استفاده نمود. در ضمن شرح منظومه و شرح تجرید را از علامه شیخ عبدالله جوادی آملی، و تفسیر را به مدت یکسال از سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود.



شیخ محمد علی اهری / شیخ علی اکبر مهدی‌پور

وی در سال ۱۳۸۲ ق به تبریز مراجعت کرد، و به تدریس سطح و اقامه جماعت اشتغال ورزید.

### از آثار قلمی ایشان

- ۱ - حاشیه بر بحث قطع رسائل.
  - ۲ - حاشیه بر عروة الوثقی (استدلالی).
  - ۳ - حاشیه بر مکاسب.
  - ۴ - قاعدة لاضرر و لاضرار (تقریرات داماد یزدی).
- اما سایر فرزندان میرزا رضا: ۲ - آقا یدالله ۳ - آقا محسن ۴ - آقا مرتضی.

تبعه منع

افادات فرزند معظم له، آقای شیخ محمد علی اهری.

## سید رضا باقرمنش قمی «ثابت»

(۱۳۴۳ - ۱۴۰۴ ق)

سید رضا باقرمنش. پدرش سید باقر پیشه مسگری داشت و زندگی اش با فقر و تنگدستی می گذشت.

سید رضا در سال ۱۳۴۳ ق مطابق با ۱۳۰۳ ش در شهر قم متولد گردید. او تحصیلات ابتدایی را در شرایط نامساعد مادی پدرش طی کرد، نه ساله بود که پدرش درگذشت و مسؤولیت زندگی بر دوشش افتاد، ناگزیر ترک تحصیل کرد و به دنبال کار رفت تا درآمدی کسب کند و معیشت خانواده اش را تأمین نماید. بدین جهت چندی در انبار شرکت نفت قم کار کرد و مدتی نیز در یکی از دفاتر اسناد رسمی مشغول کار شد.

نامبرده در سال ۱۳۲۹ ش به استخدام اداره کل فرهنگ درآمد و به عنوان آموزگار در مدارس به تدریس اشتغال ورزید، و ضمن خدمت آموزشی توانست به تحصیل پردازد و دوره اول متوسطه را به اتمام رساند، اما دیگر قادر به ادامه تحصیل نگردید.

باقرمنش دارای حافظه ای قوی بود، بیشتر قرآن را حفظ داشت، خط را خوش می نوشت و در امور حسابداری بصیر بود. مدتی در آموزش و پرورش به عنوان کارپرداز خدمت کرد، و چندی نیز در کارگزینی انجام وظیفه نمود، و چند سالی نیز مدرسه ملی «رودکی» را در اختیار داشت که بعداً به اداره آموزش و پرورش واگذار کرد، و پس از فراغت کار اداری امور حسابداری پیمانکاری نادری را اداره می کرد، و در سال ۱۳۵۹ ش بازنشسته گردید و چند سال آخر عمر را در شرکت «راه و ساختمان دیجم» به شغل حسابداری اشتغال داشت.

ایشان در روز سه شنبه ۱۵ / ربیع الاول / ۱۴۰۴ ق مطابق با ۲۹ / آذر / ۱۳۶۲ ش درگذشت. پیکرش در صحن امامزاده ابراهیم علیه السلام قم به خاک سپرده شد.

باقرمنش که در شعر «ثابت» تخلص می‌کرد، از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش در روزنامه‌های محلی: استوار، سرچشمه، و پیکار مردان به چاپ رسید.

### قصیده مولودیة نیمه شعبان

هلال ماه شعبان از افق زد خیمه بر صحرا  
 هوا شد مشک بیز و خاک تیره گشت عنبرزا  
 کهن شد شوکت اردیبهشت و فرّ فروردین  
 فسانه شد حدیث لاله و نیلوفر و مینا  
 فلک از جلوه انجم بدان ماند که پنداری  
 زنقره میخ کوبیدند بر نیلوفرین دیبا  
 ولادت یافت خورشیدی که از خورشید رخسارش  
 زخجلت چهره پنهان کرد خورشید جهان آرا  
 ولادت یافت مولودی که بعد از مولد ذاتش  
 سترون گشت مام اُمّهات علوی و سفلی  
 حسین بن علی بن ابوطالب که در خلقت  
 ندارد مثل ماندی، ندارد ثانی و همتا  
 گلستان علی را گل، بدوش مصطفی زیور  
 طفیل هستیش عالم، دُر یکدانه زهرا  
 نمی‌جنباند اگر گهواره‌اش را دست جبرائیل  
 به سر باید زند آن دست را در عرصه فردا  
 معین تاجدارانی، امید ناامیدانی  
 پناه بی‌پناهانی، چه این دنیا، چه آن دنیا  
 به امید قبول طاعت و قرب الهی هست  
 کند بر تربت پاک تو سجده اعلی و ادنی



بیاموزد بشر گر از تو راه و رسم آزادی  
براندازد بساط ظلم و کین را سر به سر از پا  
تو آن آزاده‌مرد پاکبازی کز تو در حسرت  
بشر در خاک می‌باشد ملک در عالم بالا  
مرا بس از بهشت و قصر فردوس برین باشد  
سرکوی تو ای سرخیل خوبان ای شه والا  
چو از عشق حسینم هست دل آکنده هرگز نیست  
نه از دوزخ مرا بیمی، نه از برزخ مرا پروا  
بیا ثابت که می‌بخشد گناهان و معاصی را  
به عشاق حسینی ذات ربّ عالی اعلا

✱

منابع

- ۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۱۶۳.
- ۲ - سخنوران نامی معاصر ایران ۹۵۹/۲.

## سید رضا برقی قمی

(۱۳۴۳-۱۴۱۷ ق)

سید رضا برقی، از فضلا و خدمتگزاران راستین فرهنگ و مذهب تشیع بود. وی در اول / محرم / ۱۳۴۳ ق در قم چشم به جهان گشود. تولدش در محله‌ای به نام (سیدان) بود که همه خانواده وی در آنجا ساکن بودند. نسبش به حضرت موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام برمی‌گردد.

برقی دوره ابتدایی را در مدرسه باقریه طی کرد و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه بزرگ قم یعنی «حکیم نظامی» به اتمام رساند، و در سال ۱۳۲۰ ش برای ادامه دروس حوزوی وارد مدرسه فیضیه شد. دروس قدیمه را تا خارج ادامه داد و



از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و آیت الله سید روح الله خمینی استفاده کرد. وی تفسیر قرآن را از آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی فراگرفت، و علاقه عجیبی به حضرت آیت الله سید صدرالدین صدر داشت.

او پس از آن برای تکمیل دروس حوزوی به نجف اشرف رفت، و مدت پنج سال در آن جا به تحصیل پرداخته و از اساتیدی چون حضرات آیات: سید یحیی مدرسی یزدی و سید احمد یزدی بهره‌های فراوان برد، سپس به ایران بازگشت.

برقی، برای تحقق اهداف اسلامی به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد، و با تلاش بسیار به همراهی رفیق خویش دکتر محمد جواد باهنر توانست به سازمان تدوین تألیف کتب درسی راه یافته، و تألیف کتب تعلیمات دینی دوره دبستان، راهنمایی و دبیرستان مطابق با روشهای جدید تعلیم و تربیت و همراه با محتوایی کاملاً اسلامی و اصیل را به عهده بگیرد. در این راه مرارتها و زحمات بسیاری را متقبل شد، اما نتیجه کار درخشان بود.

دفتر نشر فرهنگ اسلامی از بدو پیدایش (۱۳۵۲ ش) تا سال ارتحالش با چاپ بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب، بدون تردید بزرگترین ناشر کشور از لحاظ چاپ کتب اسلامی است. به همت برقی انتشار کتاب برای کودکان و گروههای سنی متفاوت در این مرکز از ابتدا با اهمیت تلقی شده، و کتب متعدد راجع به آموزش قرآن برای خردسالان، آشنایی با زندگانی حضرت رسول اکرم ﷺ، ائمه بزرگوار علیهم السلام، بزرگان دین، تاریخ ایران، داستانهای علمی و سودمند و.... در این مرکز با تیراژهای میلیونی چاپ و در اختیار نونهالان قرار گرفته است. برقی در راه اندازی و گسترش چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی نیز سهم شایسته‌ای داشت، و اکنون این چاپخانه در مجاورت تهران به کار چاپ و توزیع کتب دفتر نشر فرهنگ اسلامی مبادرت می‌ورزد.

وی دارای تألیفات متعددی است. علاوه بر کتب درسی، او روش جدیدی برای آموزش قرآن به کودکان ابداع نمود که تحت عنوان «خودآموز قرآن مجید» چاپ شده است. این کتاب و راهنمای تعلیم آن تاکنون به زبانهای مختلف از

جمله: عربی، انگلیسی، روسی و اردو ترجمه شده است.

### آثار قلمی آن مرحوم عبارتند از:

- ۱ - تعالیم قرآن مجید.
  - ۲ - اسلام مذهب رسمی ما.
  - ۳ - اصول دین و احکام برای خانواده.
  - ۴ - احکام دین.
  - ۵ - خدا شناسی.
  - ۶ - راهنمای معلم برای تعلیم قرآن مجید.
- و اما فعالیت‌های اجتماعی اش فراگیر و گسترده بود. در تأسیس بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق علیه السلام که پیگیر برخی از فعالیت‌های خدا پسندانه، از جمله احداث زائرسرا برای زائرین حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می‌باشد، نقش عمده‌ای را ایفا نمود. برای خود کفایی در امور پزشکی اقدام به تأسیس دهکده تندرستی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در نزدیکی تنکابن نمود، و در هیئت امنای مجموعه فرهنگی اسلامی حضرت رضا علیه السلام در شمیرانات عضویت داشت.
- سرانجام او در روز پنجشنبه ۲۵ / مرداد / ۱۳۷۵ ش در سن ۷۴ سالگی در تهران درگذشت، جسدش روز جمعه تشییع و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید. از آن مرحوم فرزندانی به یادگار باقی مانده‌اند که چهار پسر و سه دختر می‌باشد. پسران وی عبارتند از آقایان: ۱ - مهدی ۲ - ابراهیم ۳ - امیر اسماعیل ۴ - امیر احمد.

### سید رضا بهاء الدینی

(ح ۱۳۲۰ - ۱۴۱۹ ق)

سید رضا فرزند سید صفی، ملقب به «بهاء الدینی»، از علما و اساتید بنام

حوزه علمیه قم بود.

وی در حدود سال ۱۳۲۰ ق در قم چشم به جهان باز نمود. پدرش مردی متقی و از خادمان آستانه مقدسه قم بود.



### شکل‌گیری شخصیت ایشان

برخورد و رفتار شایسته پدر در شکل‌گیری شخصیت ایشان در دوران کودکی، بسیار مؤثر بوده، یکی از شاگردان آقا می‌گوید:

« پدر ایشان احترام خاصی به آقا

می‌گذاشت و از این گذشته آزادی عمل فراوانی به ایشان می‌داد، به گونه‌ای که در روح آماده به انقلاب وی، اثر بسیار داشت. معظم‌له احترام‌های پدر و استادان خود را در ساخت شخصیت خود بسیار مؤثر می‌دانست.

حاج آقا بهاء‌الدینی خود در این مورد می‌فرمایند: « پدرم مرا به جاهای خطر آفرین می‌فرستاد، لکن قلباً مطمئن بود که خطری تهدید نمی‌کند. »

یکی از ویژگی‌های خاص زندگی حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی که نکته‌ای بسیار دقیق و شایان توجه است، این است که این مرد بزرگ روحانی از همان آغاز دوره کودکی، مورد عنایت خاص خداوند و تحت حضانت و الطاف نورانی اهل بیت علیهم‌السلام هدایت یافته، و همواره به این عبد صالح خداوند ارائه طریق شده است. شاگردان ایشان در این باب می‌گویند:

« یکی از نکات برجسته زندگی حاج آقا بهاء‌الدینی این است که در سرتاسر زندگی حتی از دوران کودکی تا به حال زندگی ایشان همه در حفاظت الهی بوده است، و در همه حال و همه جا مؤید من عندالله بوده‌اند. »



آیت الله بهاء الدینی می فرمودند که: از همان دوره طفولیت بسیار به ما توجه شده و خیلی سرمایه گذاری کردند، حتی در خواب هم این طور بود، ولی ما به جایی نرسیدیم. آقا می فرمود علاقه من به بازی زیاد بود، اما به واسطه خوابی که دیدم و کسی با ناراحتی گفت: «این - الک دولک» می کند!، دیگر از شش سالگی بازی را کنار گذاشتیم».

### تحصیلات ابتدایی و فراگیری دروس حوزه

بهاء الدینی از همان آغاز کودکی، خردی موهوبی و ورزیده داشت و از هوش سرشار و فوق العاده ای نیز برخوردار بود، به طوری که در سه یا چهار سالگی به مکتب رفتند و خواندن و نوشتن، قرائت قرآن و تجوید قرآن را آموختند، و در شش سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و به تحصیل علوم دینی روی آوردند.

ایشان از همان بدو ورود به حوزه مورد عنایت خاص و محبت ویژه بزرگانی همچون فقهای کرام: شیخ ابوالقاسم قمی «کبیر»، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و شیخ محمد تقی بافقی یزدی بوده اند، و از محضر پرفیض این عالمان وارسته و مفاخر حوزه، بهره ها برده اند.

یکی از فضلاء حوزه می گوید:

«از همان ۶ سالگی آقا مورد توجه خاص حاج شیخ ابوالقاسم کبیر بوده اند، کراراً ایشان می فرمایند: از همان ۶ سالگی بسیاری از بزرگان برای ما زحمت کشیدند و به ما التفات داشتند، حاج شیخ محمد تقی بافقی هم توجه زیادی به ایشان داشتند و بسیاری از چیزها را که با دیگران مطرح نمی کردند از معظم له دریغ نداشتند، و این مسئله به سبب اطمینانی بود که به شخص ایشان داشته اند».

فرزند آقا در این باره می گوید:

«آقا نقل می کنند: من ۷ ساله بودم که در مجالس علمای بزرگ مثل مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری شرکت می کردم، وقتی وارد می شدم، حاج شیخ ابوالقاسم

قمی برمی خاستند و مرا کنار خود می نشاندند.»

فضلائی حوزه واقعه‌ای از آن زمان را چنین نقل می‌کنند:

« حاج آقا بهاء الدینی نقل می‌کردند که: مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم مشغول نوشتن سندی بودند که من سر رسیدم، (در آن موقع ۱۲ سال داشتم)، به آقا گفتم نکند در این معامله غرری باشد، ایشان توقف کردند و سند را ننوشتند و گفتند: باید تأمل کنم.»

« حاج شیخ محمد تقی بافق‌ی آنچنان به حاج آقا بهاء الدینی اطمینان و ارادت داشتند، و ایشان را در عنفوان جوانی مهذب و غالب بر هوا و هوس می‌دیدند، که طلبه‌های مبتدی نوجوان و بچه سال را به حجره ایشان در مدرسه فیضیه می‌آوردند، و می‌فرمودند که این بچه‌ها در نزد تو بمانند.»

### استادان معظم‌له

حضرت آیت الله بهاء الدینی مقدمات علم را نخست از محضر پدر گرانقدرشان و پس از آن، مقدمات و سیوطی و مغنی را از محضر استادان آن زمان، شیخ ولی الله عامره‌ای و میرزا محمد علی ادیب تهرانی با شور و شوق فراوان فرا گرفت. و به دنبال آن، سطح را از محضر استادان بزرگ و عالمان گرانقدر میرزا محمد همدانی و آخوند ملا علی همدانی (معصومی) استفاده بردند.

آیت الله بهاء الدینی پس از اتمام سطح و تکمیل و تحکیم مبانی علمی به منظور فراگیری دروس خارج، در محضر علمای بزرگ و فحول محققان نامدار شیعه، چون: حاج شیخ عبدالکریم حائری، سید محمد حجت کوهکمری و حسین طباطبائی بروجردی حضور یافتند، و از خرمن علوم و اطلاعات عمیق آنان خوشه‌چینی کردند، و همچنان با شور و شوقی وصف‌ناپذیر و با اراده استوار به تحقیق و مطالعه و تدریس پرداختند، و سرانجام به درجه اجتهاد نایل آمدند.

یکی از شاگردان ایشان می‌گوید:

آیت الله بهاء الدینی می فرمودند: «از زمان شروع بحث «رکوع صلوة» درس حاج شیخ عبدالکریم به مدت ۶ سال در درس خارج ایشان، شرکت کردم. همچنین در درس مرحوم سید محمد حجت کوه کمری نیز شرکت می کردم. به خاطر ندارم که چند سال طول کشید، اما از ابتدا درس ایشان مطلوب واقع شد، لذا در درس فقه و اصول ایشان شرکت کردم. مدتی نیز در درس حاج شیخ محمد علی حائری قمی مبحث تعادل و تراجیح شرکت کردم. و در درس مرحوم بروجرودی، نیز شرکت می کردم. تدریس ایشان برای بنده بسیار مطلوب بود. ایشان پس از سالیان سال زحمت کشیدن، همچنان مطالعه می کرد. تا زمانی که ایشان در قید حیات بودند، در درس ایشان شرکت می کردم، به این لحاظ که علاقه فراوانی به درس ایشان داشتم...».

بهاء الدینی این عالم روشن ضمیر، در نوجوانی «اخلاق عملی» را نیز از شیخ ابوالقاسم قمی (کبیر) آموخته و تحت اشراف ایشان پرورش یافته اند. ایشان «کلام» را در محضر استاد بزرگوار میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی) تلمذ کردند، و در درس اسفار شیخ بزرگوار شیخ محمد علی شاه آبادی نیز شرکت می نمودند.

آیت الله بهاء الدینی در این باره چنین می فرمایند:

«اخلاق عملی را از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده می کردم، و در ۲۱ سالگی به درس مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی [ملکی رفتیم. ایشان آیه ﴿والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا﴾ را مطرح فرمودند، ولی آن وقت درس ایشان برای ما قدری مشکل بود...»

بنده در درس کلام میرزا علی اکبر حکمی که در حوزه، فلسفه نیز تدریس می کرد، می رفتیم. ایشان اهل یزد و مرد شریفی بود... در درس مرحوم شاه آبادی هم شرکت می کردم. زمانی که به درس اسفار مرحوم شاه آبادی می رفتیم، آقای خمینی را می دیدم که از اتاق پشتی خارج می شوند، مرحوم شاه آبادی به ایشان «فصوص»

درس می‌داد. مباحثه ما اسفار بود، البته من مدت کوتاهی رفتم، نمی‌دانم چطور بود که خیلی علاقه به فلسفه نداشتم، ما در فقه و اصول بسیار اهتمام داشتیم. در کتاب آثار الحجة از شیخ محمد رازی دو استاد دیگر برای آیت‌الله بهاء‌الدینی نقل می‌کنند که عبارتند از حضرات آیات: میرزا محمد فیض قمی، و سید محمد تقی خوانساری.

شایان ذکر است فقیه اهل بیت حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی با اوتاد زمان، یعنی فقهای بزرگوارى چون: سید احمد زنجانی و میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، نیز مباحثه کمپانی و جلسه تبادل علمی داشته‌اند.

### اجازه اجتهاد و روایت

بهاء‌الدینی، بدون آنکه درصدد اخذ اجازه اجتهاد و روایات باشند، از عالم بزرگوار سید محمد تقی خوانساری اجازه اجتهاد دریافت کردند و محرر این اجازه هم شیخ الفقها شیخ محمد علی اراکی بوده‌اند. ایشان همچنین از علامه محدث حاج شیخ عباس قمی (صاحب مفاتیح‌الجنان) اجازه روایت داشتند.

### مسافرت به عتبات مبارکه

بهاء‌الدینی (تقریباً) در ۱۹ سالگی، به منظور زیارت ائمه هدی علیهم‌السلام به عتبات مشرف شده‌اند، در مدت اقامت خود در نجف اشرف در درس فقهای گرانمایه از جمله: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی، شرکت می‌کرده‌اند. و سید از ایشان می‌خواهند که در حوزه نجف بمانند. ولی چون سفر ایشان زیارتی و از طرفی هم در اوایل ازدواجشان صورت گرفته بود به ایران باز می‌گردند تا در امثال امر سید، به منظور تحصیل در نجف مقدمات سفر را فراهم کنند، ولی مشکلاتی پیش می‌آید و ایشان موفق به مراجعت نمی‌شوند.

### پایداری و استقامت در تحصیل و تدریس

آنچه در شرح احوال عالمان راستین و اندیشمندان فرزانه، گفتنی است، کوشایی و جدیت فوق العاده در راه تحصیل علم و فضیلت است. در شرح حال آیت حق، حاج میرزا مهدی نراقی می خوانیم، نامه هایی که از موطن ایشان به او می رسید سر نامه را باز نمی کرد و نمی خواند، به این دلیل که مبدا حرفی و مطلبی نوشته باشند که باعث تفرقه حواس و مانع از درس ایشان باشد. همه نامه ها را به طور در بسته در زیر فرش می گذاشت... و یا در احوال مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل می کنند که خود می فرمود: وقتی طلبه بودم در سامرا، به علت گرما همه می رفتند در سرداب، اما من به تنهایی در بالاخانه می ماندم. عرق از سر و صورتم می ریخت، لباسهایم را کنده بودم و یک لنگ بسته بودم تا گرما خیلی در من اثر نکند، و در عین اینکه عرق می ریختم مشغول تفکر بودم.

ما این شور و شوق و جدیت در تحصیل علم و تحقیق و تدریس را در زندگی حضرت آیت الله بهاء الدینی بعینه شاهدیم. یکی از شاگردان ایشان می گوید:

« آقا می فرمود یک سال تمام از مدرسه فیضیه بیرون نیامدم، مادرم می آمد درب مدرسه و از دور مرا نگاه می کرد و باز می گشت، اشتغالات ما به حدی بود که فرصت نمی کردیم به منزل سری بزنیم ».

در خصوص شیوه تدریس معظم له، به بیانات دو تن از شاگردان معظم له اشاره می کنیم:

« ایشان در جاهای مختلف تدریس داشتند، از یک ساعت به اذان صبح مشغول بودند، سپس نماز صبح را می خواندند و تا شب مشغول درس و بحث می شدند، بسیاری از بزرگان امروز از شاگردان معظم له هستند، ایشان به تفکر زیاد، بیشتر از نقل اقوال و بحث در اقوال اهمیت می دادند. باید گفت که ایشان اهل تتبع نیستند، بلکه اهل تفکرند، بیان روشنی داشتند و به شاگردان خود بینش می دادند ».

« آیت الله بهاء الدینی در پرورش اشخاص و شاگردان خود، به گونه ای تدریس

می‌کردند و آنان را پرورش می‌دادند که ظرف یک الی دو سال اگر کسی نزد ایشان تحصیل می‌کرد، رشته اصلی فقه دستگیرش می‌شد، و همین امر سبب می‌شد که وی به مرحله اجتهاد برسد. نه اینکه تنها به فروعات پردازد و وقت خود را به هدر دهد. ایشان درس اصول هم داشتند...».



نکته دقیق و شایان اهمیت اینکه آیت‌الله بهاء‌الدینی علاوه بر تدریس عمومی، یک تقریر دومی به طور خصوصی برای شاگردان خاص خود، نظیر استاد مطهری داشته‌اند، یکی از فضلا در همین زمینه می‌گویند:

«ایشان برای مرحوم مطهری رسائل و مکاسب می‌گفتند، خود آقا اظهار فرمودند که من رسائل و مکاسب عمومی می‌گفتم، ولی برای شهید مطهری، خصوصی درس می‌گفتم و دوباره مطالعه می‌کردم، چون استعداد ایشان قوی بود و دقتشان زیاد، در واقع درس ما سطح و خارج بود، اگر چه اسمش سطح بود.».

آیت‌الله بهاء‌الدینی علاوه بر تدریس فقه و اصول درسهای اخلاق پربرای هم داشته‌اند، که از آن جمله درس اخلاقی بوده است که در مدرسه فیضیه برقرار نمودند. و مدتی نیز ادامه داشت که به علت کسالت ایشان به حسینیه معظم‌له منتقل شد، و هر شب جمعه شیفتگان معارف حقه الهی را از نقاط مختلف قم و

حتی از بعضی از شهرهای دیگر به حسینه ایشان می‌کشاند، و آنان چون پروانه‌ای گرد شمع فروزان سروشهای غیبی برخاسته از انفاس قدسیه ایشان جمع می‌شدند و بهره می‌بردند.



اخلاق عملی ایشان، شاگردان توانا و برجسته‌ای پرورش داده که بسان ستارگان فروزان زینت بخش آسمان علم و عمل و محور تقوا و فضیلت به حساب می‌آیند، از جمله این شاگردان حاج آقا مصطفی خمینی بود که به توصیه پدرشان ملازم حاج آقا بهاء‌الدین بوده، و از اعمال و انفاس و اخلاق ایشان بهره‌ها برده‌اند. و همچنین استاد مرتضی مطهری.

در مورد تألیفات ایشان بیان این

نکته لازم است که اهتمام خاص ایشان به تدریس متون حوزوی، و عنایت وافر ایشان به مسائل اخلاقی و تربیت شاگردان وارسته و اهمیت ویژه‌ای که ایشان به تفکر و تدبّر می‌دهند، بیشتر اوقاتشان را اشغال کرده بود، لذا فرصت تألیف کمتر برای ایشان مهیا بوده است.

### آثار قلمی ایشان

۱ - تقریرات درس حاج شیخ عبدالکریم حائری.

۲ - شرح بر صحیفه سجاده.

۳ - شرح نهج البلاغه.

۴ - مباحثی در تفسیر قرآن.

که متأسفانه تا این زمان هیچ یک به زیور طبع آراسته نشده است.

### جامعیت معظمله

تا به حال سخن از اشتغالات پردامنه علمی این فقیه فرزانه و سعی و تلاش فراوان ایشان در تعلیم و تعلم بود، حال سخن بر سر این است که اشتغالات علمی، نه تنها ایشان را از معنویات دور نکرده، بلکه ایشان را آماده ساخته است تا از همان آغاز دوره کودکی و نوجوانی در امر خود سازی سعی و تلاش فراوان بنمایند، و با الگوگیری از زندگی ائمه اطهار علیهم السلام به مرحله ای از سلوک برسند، که خود الگویی برای سالکان طریق الی الله و شیفتگان سیر و سلوک، به شمار می رفت.

کوتاه سخن اینکه بهاء الدینی فقیهی است موحد و مخلص، زاهدی روی بر تافته از زخارف دنیوی، وارسته ای بی تکلف و بی تعین، بزرگ مردی مسلط بر هوا و هوس، بنده ای در اعلی درجه مقام رضا و تسلیم، عارفی متمسک به اهل بیت علیهم السلام، تقوا پیشه ای شب زنده دار و متهجد، و مردی اهلی صاحب کرامات و مکاشفات، و مهمتر و ارزشمندتر از همه اینکه، مستجمع بسیاری کمالات است، یعنی به آن کمالاتی که دیگران را به آن سفارش می کنند، خود به آن مرحله و درجه رسیده و نمونه عینی و عملی آن شده اند، لذا وقتی فردی ولو چند لحظه در محضر ایشان می نشیند، حس می کند که سبک شده و علاقه او به آخرت افزون گشته و از عشق و علاقه اش به دنیا کاسته شده است.

### سید رضا تفرشی همدانی

( ۱۴۰۴ ق )

حاج سید رضا فرزند سید اکبر مصطفوی حسینی تفرشی همدانی، از اهالی درجین همدان و از فضایل معاصر بود.

ایشان ابتدا در فارسجین همدان خدمت آیت الله شیخ مقیم زنجانی سطح را





تحصیل کرده، سپس مدتی چند در نجف اشرف تحصیلاتی داشت و پس از مراجعت به ایران وارد حوزه علمیه قم شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی شایان استفاده نمود.

وی در روز چهارشنبه ۷ / ربیع الثانی

۱۴۰۴ ق مطابق با ۲۱ / دی / ۱۳۶۲

درگذشت و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.

❦ منبع

۱ - آینه دانشوران ۲۵۷.

## سید رضا جاپلقی

(- ۱۳۵۴ ق)

سید رضا فرزند علی محمد و نوه آریاب موسوی جاپلقی بروجردی. از علمای برجسته و بزرگان عصر خود بود.

نامبرده نواده دختری علامه سید شفیع جاپلقی - صاحب الروضة البهية - و داماد علامه سید محسن عراقی (متوفی ۱۳۲۵ ق) می باشد.

ایشان تحصیلات عالی خود را در اصفهان نزد میرزا ابوالمعالی کلباسی تلمذ کرد، و در حدود سال ۱۳۰۵ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد کاظم خراسانی استفاده نمود و پس از پنج سال

اقامت در حدود سال ۱۳۱۰ ق به ایران بازگشت و در جاپلق سکونت اختیار کرد. بنابر اظهارات علامه سید محمد حسین علوی بروجردی (دام مجده): مرحوم جاپلقی هر سال مدت یک ماه در سال در قم اقامت می‌کرد و مورد تجلیل و احترام سایر طبقات قرار می‌گرفت، و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از ایشان دیدن می‌کرد.

او در سال ۱۳۵۴ ق مطابق با ۱۳۱۴ ش درگذشت و در صحن حضرت معصومه (علیها السلام) قم به خاک سپرده شد. فرزندش سید عطاءالله جاپلقی است.

منابع

۱ - تاریخ بروجرد ۴۲۲/۲.

۲ - نقباء البشر ۷۶۴/۲.

## میرزا رضا حکمت شیرازی «سردار فاخر»

(۱۳۱۱ - ۱۳۹۷ ق)

میرزا رضا فرزند حسام‌الدین و نوۀ محمد شیرازی، ملقب به «حکمت» و «سردار فاخر» از سیاستمداران معروف تاریخ معاصر ایران بود. وی در سال ۱۳۱۱ ق مطابق با ۱۲۷۲ ش در تهران تولد یافت.

### فعالیت‌های سردار فاخر

دوره ابتدائی را در مدرسه علمیه سپری کرد و در سال ۱۳۲۲ ق همراه پدر خود به شیراز رفت و به کار کشاورزی پرداخت. از همان اوان به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و همراه جمعی از دوستان و همفکران، «حزب دمکرات» را در همان شهر تأسیس نمود. در سال ۱۳۲۲ ق از طرف احمد شاه قاجار به «فاخر السلطنه» ملقب گردید.

حکمت در شیراز عضو کمیته حافظین استقلال بود و همواره علیه انگلیسی‌ها

با سایر مجاهدین آن خطه به جنگ و مبارزه پرداخت. در سال ۱۲۹۶ ش (۱۳۳۶ ق) به تهران رفت و از شاه لقب «سردار فاخر» دریافت نمود. او با قرارداد وثوق الدوله (در سال ۱۹۱۹ م) با انگلیسی‌ها سخت به مخالفت پرداخت، و به همین خاطر به اروپا رفت و پس از یک سال به ایران مراجعت نمود.

در سال ۱۳۳۸ ق با میرزا کوچک‌خان جنگلی ملاقات کرد و جدا شدن از بلشویکی‌ها را از او خواستار شد، که این مأموریت موفقیت‌آمیز بود و به تهران بازگشت.

از جمله مناصب او: نمایندگی در مجلس مؤسسان از آباءه (استان فارس در سال ۱۳۰۴ ش)، حاکم گرگان (۱۳۱۳ ش)، حاکم یزد (۱۳۱۵ ش)، استاندار کرمان (۱۳۱۹ ش)، ریاست کل آمار و ثبت احوال (۱۳۲۲ ش)، استاندار کرمان و بلوچستان (۱۳۲۵ ش)، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات ایران، عضو شورای سلطنتی و نیز نمایندگی در مجلس شورای ملی از آباءه، دوره‌های: چهارم (۱۳۰۰ ش مطابق با ۱۳۳۹ ق) و پنجم (۱۳۰۲ ش مطابق با ۱۳۴۲ ق) و هفتم از شیراز (۱۳۰۷ ش مطابق با ۱۳۶۳ ق) و پانزدهم (۱۳۲۶ ش مطابق با ۱۳۶۶ ق) و شانزدهم (۱۳۲۸ ش مطابق با ۱۳۶۹ ق) و هیجدهم (۱۳۳۲ ش مطابق با ۱۳۸۰ ق) و نیز سمت ریاست مجلس شورای ملی را در دوره پانزدهم بر عهده داشت.

ایشان در ذی‌قعدة / ۱۳۹۷ ق مطابق با آبان / ۱۳۵۶ ش در سن ۸۶ سالگی در پی بیماری و خونریزی مغزی درگذشت. پیکرش به قم حمل و در مقبره خانوادگی‌شان مدفون گردید.

منابع

۱ - رهبران مشروطه ۶۳۸/۲

۲ - نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۱۹.

## شیخ رضا خمیرانی رشتی

( ۱۳۳۹ ق )

از دانشمندان و فقهای متقی بود.

وی در رشت گیلان دیده به جهان گشود و پس از نشو و نما و طی مقدمات لازم به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و تحصیلات عالی خود را نزد آیت الله میرزا حبیب الله رشتی و دیگران به پایان رسانید و خود اقدام به تشکیل حوزه درسی و عده ای از طلاب را تربیت نمود. ولی پس از چند سال به رشت بازگشت و به انجام امور دینی از قبیل: اقامه جماعت و ارشاد و نشر احکام الهی اشتغال ورزید. نامبرده در سال ۱۳۳۹ ق جهت ادای زیارت حضرت معصومه علیها السلام به قم مشرف شد و در همان مدت درگذشت و پیکرش در آن زمین پاک مدفون گردید.

❦ منع

۱ - نقباء البشر ۷۲۸/۲.

## استاد رضا روزبه

( ۱۳۴۰ - ۱۳۹۳ ق )

این بزرگ مرد، در سال ۱۳۰۰ شمسی در خانواده ای مشهور به تقوا و صلاح، در شهر زنجان دیده به جهان گشود.

پدر پاک سرشتش، کربلایی محمود خباز، او را «رضا» نامید و چه نیکو نامی بر او نهاد. چرا که با عملش ثابت کرد همواره راضی به رضای حق است.

در دوران تحصیل، پیوسته خوش درخشید و از اوان کودکی با نبوغ و استعداد درخشان خود، همگان را به اعجاب واداشت. دوران دبستان و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاشت. در این زمان، علاوه بر تحصیل، مقدمات علوم حوزوی و سطح را فراگرفت و نزد آیت الله شیخ حسین دین محمدی و آیت الله سید محمود

حسینی زنجانى - كه از علما و مراجع بزرگ شهر زنجان بودند - به تحصيل سطوح عالى فقه، اصول، منطق و فلسفه پرداخت.

او پس از گرفتن ديپلم، به كسوت معلمى درآمد و در دبستان توفيق - كه از مدارس مذهبى آن روز در خطه زنجان بود - مشغول تدریس گشت. آن زمان (۱۳۲۴ ش)، مقارن بلواى فرقه دمكرات، به رهبرى جعفر پيشه‌ورى، در آذربايجان بود. شهر زنجان نيز از اين مصيبت بى‌بهره نماند و آفت دمكرات به آن شهر هم سرايت كرد و در همين راستا بود كه روز به اولين مبارزه اعتقادى را براى دفاع از مكتب خود آغازيد.

اين اقدام، او را با مشكلات و خطراتى مواجه ساخت و تنگناى رها كردن خدمت معلمى و چه بسا دستگيرى و زندان قرار داد، اما لطف خدا مددكار شد و وى بار ديگر راهى را كه آگاهانه و هدفدار برگزيده بود - ادامه داد، پس از آن به تهران آمد.

در سال ۱۳۳۰ ش وارد دانشكده علوم دانشگاه تهران شد. در رشته فزيك، در قسمت تربيت دبير، تحصيلات عالى خود را پى گرفت و پس از سه سال، به اخذ ليسانس نائل شد. در دانشكده، هماره دانشجويى مبّرز و ساعى به شمار مى‌آمد و استادان او، از داشتن چنين شاگردى بر خود مى‌باليدند.

در سخت كوشى وى همين بس كه براى بررسى روش تجربى فوكو در باره گردش وضعى زمين، ۲۴ ساعت تمام در آزمائشگاه ماند تا صحت تحقيق فوق را خود بيازمايد. استاد پس از دريافت مدرک ليسانس، پروژه‌اى تحقيقاتى تحت عنوان «مطالعه در آثار ميدان الكتريكى و رادياسيون و گاز ازن، روى موجودات زنده» را از زير نظر استاد محقق دكتر جناب در دانشگاه با موفقيت به پايان برد.

اين تحقيق علمى، از اوّل مهر ماه ۱۳۳۴ تا اوّل مهر ماه ۱۳۳۸ ش به طول انجاميد كه خود بيانگر دقت نظر و روحيه مو شكافانه روزه است. مقارن با درخشش خورشيد گونه روزه در دانشگاه و بلند آوازه گشتن نامش، علامه

کرباسچیان از او دعوت کرد تا در تأسیس مدرسه‌ای منسوب به نام مولایشان - علوی - با وی همگام شود؛ او نیز بی‌درنگ پذیرفت و تا آنجا در این انتخاب ثابت قدم ماند که عنوان «دانشیار دانشگاه» را نپذیرفت و فرصت تحقیقاتی خارج از کشور را که در اختیارش گذاشته بودند، نادیده انگاشت.

روشنگری روزبه به همین جا خلاصه نشد، بلکه پس از مدتی، خلأ مدارس دخترانه مذهبی در ذهن پویایش احساس شد و بر اثر تلاش پیگیر آن فقیه و همراهی برخی از روحانیون فاضل و آگاه، بانوان تحصیل کرده و متدینی تربیت شدند که ثمره‌اش، تأسیس مدرسه راهنمای و دبیرستان دخترانه روشنگر بود.

زبان فرانسوی را به خوبی می‌دانست. در ادبیات عرب فصل دوران بود و در عین این که همگان او را استاد مسلم فیزیک قلمداد می‌نمودند، در رشته زیست‌شناسی و طبیعی اهل نظر بود و در فلسفه و منطق نیز پاسخگوی پرسش‌های مشتاقان به شمار می‌آمد.

روزبه مطالعات گسترده‌ای در فقه و اصول داشت تا آنجا که برخی او را مجتهد می‌دانستند. تفسیر را به خوبی می‌دانست و در علم کلام ید طولایی داشت. در راه کسب علم و دانش، مبدأ و معاد صدرالمتألهین و منطق حکمت الاشراق را به نیکی نزد آیت‌الله سید محمود زنجان‌ی فراگرفت و از سال ۱۳۳۳ ش برکت وجودیش بیش از پیش رخ عیان کرد. در عین سخت‌کوشی، آرام و درون‌گرا بود و اعتقاد داشت که از لحظات عمر باید بهره‌مند شد تا در آینده ایام، هیچ‌گاه حسرت گذشته نخورد. به این سخن خویش نیک ایمان داشت که: «اگر یک بار دیگر عمرم تکرار شود، دوباره همین راه را انتخاب خواهم کرد.»!

اندیشه‌ای به پهنای افق داشت. جملات را آرام و شمرده ادا می‌کرد؛ جملاتی که هر کدام باریک دنیا معرفت را به دوش می‌کشیدند. کم حرف می‌زد، اما مفاهیم سخنانش بلند، پر معنی و رسا بود. ناطقی ورزیده به شمار می‌آمد که سخنانش به سادگی خودش بودند و مانند روزبه شمیم بی‌ریایی را می‌پراکندند. برایش «کار»

اصل به شمار می آمد و زندگی چیزی جز فرع نبود. برای دانش آموختگان مکتب وی، روزبه کسی بود که به راستی می شد او را سرمشق قرار داد. کسی که به غذای ساده ای بسنده کند، کسی که نوافلش ترک نشود و به هنگام ادای نماز، ادب ایران باشد، واقعاً شایسته اقتداست.

چشمان جذاب و ابروان پر پشتش، موهای سفید و جوگندمی اش، اندام نسبتاً کوتاه و درشت استخوانی اش شخصیت آرام و خوش برخوردش، مهربانی و صفایش، همه و همه از او محبوبی ساخته بود که در نخستین دیدار، مهرش بر قلب ها می نشست و در دیدار، مهرش بر قلب ها می نشست و در دیدارهای بعد جدایی از او، چه مشکل می نمود!

فردی که مقید بود نمازها را در اوّل وقت بگزارد، توسن نفس را مهار سازد و لگام زند، در تربیت و تهذیب خود و دیگران تا پای جان بکوشد، چرا چنین جذبه ای نداشته باشد؟

پشتکار عجیبی داشت تا آن حد که در اواخر عمر به فراگیری کامل زبان انگلیسی پرداخت و در این راه نیز، شاهد موفقیت را در آغوش کشید.

به گفته شاگردانش، با طلوع آفتاب در مدرسه حاضر می شد و تا پاسی از شب در مدرسه می ماند. تا آن جا که بعضی می پنداشتند که استاد شب را در مدرسه به صبح می آورد! برنامه مدرسه را با تفسیر قرآن آغاز می کرد و با اخلاق و فقه پی می گرفت و بعد از آن، کار روزانه شروع می گشت. معلمی توانا و زبردست بود و هر درسی را که به او محول می شد، با تسلط کامل بیان می کرد. چرا که طبق گفته خودش برای تدریس هر صفحه درس، قریب ۱۰ ساعت وقت صرف می کرد و بهتر از هر کس درس را در اذهان شاگردان جای گیر می ساخت.

سطح علمی اش تا آن حد بالا بود که برخی استادان دانشگاه، مسایل علمی خود را با ایشان در میان می گذاشتند. چنان که علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان در مورد بعضی آیات، نظر روزبه را جویا می شد.

به تفکر و اندیشه و عقیده‌مندی شناخته شده بود و دلش برای مذهب می‌تپید. در نظراو، زندگی مادی این دنیا، پست و بی‌ارزش بود. به خوراک و پوشاک اهمیتی نمی‌داد و زیستی او خبر می‌داد. در دهه آخر حیات سراسر برکت خود، همراه شهید موسوی، به انگیزه تسهیل آموزش و یادگیری زبان عربی، کتابی به نام «عربی آسان» تهیه و تدوین کرد، که مورد استقبال محافل آموزشی واقع شد. این کتاب، نه تنها در دبیرستان علوی جایگزین سایر کتابها شد، بلکه در حوزه‌های علمیه نیز جای خود را باز کرد. سرانجام در سازمان تدوین کتاب‌های درسی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفت و تألیف کتاب عربی دوره راهنمایی بر عهده این دو شخصیت گذاشته شد. از آن پس تا امروز نیز، این کتاب همچنان راهگشای افرادی است که در پی آموختن زبان عربی‌اند.

ولی ... دریغ و افسوس که «دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند!» در سال ۱۳۴۷ ش، به دنبال یک سرماخوردگی ساده، استاد بیمار شد و به مرور زمان بیماری‌اش شدت یافت. سرانجام به تشخیص پزشکان، بیماری استاد، سرطان اعلام شد. به توصیه آنها، استاد بایست برای معالجه به خارج از کشور عزیمت می‌کردند. ولی ایشان نمی‌پذیرفت تا این که، آیت‌الله سید محمد هادی میلانی، مرجع تقلیدشان حکم کردند که برای معالجه تشریف ببرند. استاد پس از بازگشت از این سفر درمانی، بر حجم کار خود افزود. گویا دریافته بود که زمان زیادی از عمر او باقی نمانده است و باید هر چه در توان دارد به کار بندد، تا افقهای روشن دین‌داری توأم با عزت را به مشتاقان بنمایاند.

متأسفانه بعد از پنج سال، بار دیگر بیماری استاد شدت گرفت. در سال ۱۳۵۲ ش، به دومین و واپسین سفر معالجاتی خود رفت. اما در شامگاه دوشنبه ۲۱ / آبان، مقارن ساعت ۱۹، آن آفتاب علم و ادب غروب کرد و دل‌هایی را در داغ ماتم خود سوگوار و عزادار ساخت.

مراسم تشییع پیکر مطهر او در تهران و قم، با حضور مقامات علمی و دینی و



شاگردان وفادار روزبه، بهترین گواه بر بزرگ مردی و محبوبیت قلبی روزبه است؛ کسی که علامه طباطبائی در نوشتاری او را «استاد عالی قدر» خواند! روحش شاد و راهش همواره پر رهرو باد.

## سید رضا صدر

(۱۳۳۹ - ۱۴۱۵ ق)



حاج سید رضا صدر بن سید صدرالدین بن سید اسماعیل بن سید صدرالدین عاملی بن سید صالح شرف الدین بن الشریف محمد بن الشریف ابراهیم (الشهیر بشرف الدین) بن زین العابدین بن علی نورالدین بن نورالدین علی بن حسین بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن تاج الدین (المعروف بابی الحسن) بن محمد بن عبدالله بن احمد بن حمزة بن سعدالله بن حمزة بن محمد بن عبدالله بن محمد

بن علی بن عبدالله بن محمد بن طاهر بن حسین بن موسی بن ابراهیم المرتضی بن الامام موسی الکاظم علیه السلام.

آقا رضا در ۵ / رمضان / ۱۳۳۹ ق در مشهد مقدس از دخت آیت الله حاج سید حسین طباطبائی قمی دیده به جهان گشود.

در سن کودکی همراه پدر و مادر به قم رفت و پس از طی مقدمات، سطوح و خارج را از محضر آیات: پدر خود، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوهکمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی در فقه و

اصول و فلسفه را از محضر آیت الله سید روح الله خمینی بهره‌مند گردید. نامبرده سالهای متمادی در تهران سکونت اختیار کرد و در مسجد امام حسین علیه السلام واقع در میدان امام حسین به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال داشت و مورد توجه عموم طبقات شده بود و سرانجام به قم بازگشت و به اشتغالات مذهبی خود ادامه داد.



سید رضا صدر

سید محمد شاهرودی

### آثار قلمی اش

صدر علاوه بر کار تدریس و تعلیم و تربیت و خطابه، قلمی روان و نثری قوی و دارای سبک داشت، رسالات و مقالات مختلفی را در زمینه‌های گوناگون به رشته تحریر درآورده، که کاشف از تسلط آن مرحوم به نثر فارسی و عربی، و جامعیت وی در رشته‌های مختلف علمی و ادبی می‌باشد.

### آثار چاپ شده آن فقید عبارتند از:

۱ - الاجتهاد و التقليد (فقه استدلالی).

- ۲ - الفلسفة العليا (حكمت متعاليه).
- ۳ - المسيح عليه السلام في القرآن.
- ۴ - محمد صلى الله عليه وآله في القرآن.
- ۵ - العدالة في الفقه .
- ۶ - ارث الزوجة عند الامامية (فقه استدلالی).
- ۷ - يوم الانسانية (حديث غدیر).
- ۸ - مقدمة نهج الحق.
- ۹ - مقدمه غايه المرام (علامه بحرانی).
- ۱۰ - نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی.
- ۱۱ - قرآن شناسی.
- ۱۲ - راه محمد صلى الله عليه وآله، دو جلد.
- ۱۳ - راه علی عليه السلام.
- ۱۴ - تفسیر سورة حجرات.
- ۱۵ - حسن يوسف (تفسیر سورة يوسف).
- ۱۶ و ۱۷ - راه قرآن.
- ۱۸ - پیشوای شهیدان.
- ۱۹ - بانوی کربلا (ترجمه کتاب زینب بطلة کربلاء).
- ۲۰ - فلسفه آزاد.
- ۲۱ - استقامت.
- ۲۲ - دروغ.
- ۲۳ - حسد.
- ۲۴ - زن و آزادی.
- ۲۵ - زیارتنامه حضرت رضا عليه السلام.

۲۶ - سخنان سران کمونیسم درباره خدا.

۲۷ - مرد وفا.

۲۸ - زیر درختان سدر.

۲۹ - مقدمه نامه دانشوران.

و اما آثار ارزنده خطی مرحوم به قرار زیر می باشند:

۳۰ - أربعون و مأتا مسألة (۲۵۰ تمرین فقهی).

۳۱ - التعليقة على العروة الوثقى.

۳۲ - صحائف فی الفلسفة (حاشیه بر منظومه سبزواری).

۳۳ - حاشیه بر اسفار صدر المتألهین.

۳۴ - الجهاد و الثورة.

۳۵ - الفقه على مذهب اهل البيت (ع) (کتاب الصلوة).

۳۶ - نفائس الاصول.

۳۷ - القواعد الثلاث (قاعدة التجاوز، قاعدة الفراغ و قاعدة الحيلولة).

۳۸ - رسالة فی الاجزاء.

۳۹ - رسالة فی مقدمة الواجب.

۴۰ - رسالة فی حکم نجاسة الباطن.

۴۱ - رسالة فی الشبهة العبائية.

۴۲ - رسالة فی الملاقی لأحد أطراف الشبهة المحصورة.

۴۳ - المتفق و المتفرق.

۴۴ - خواجه نصیرالدین طوسی.

۴۵ - درست و نادرست.

۴۶ - سبب (کشکول).

۴۷ - خليفة رسول الله ﷺ.

- ۴۸ - برهان صدیقین.  
 ۴۹ - راه مهدی (عجل الله فرجه).  
 ۵۰ - دیوان شعر.  
 ۵۱ - ترجمة رسالة الحقوق (از امام چهارم).

### فرزندانش عبارتند از:

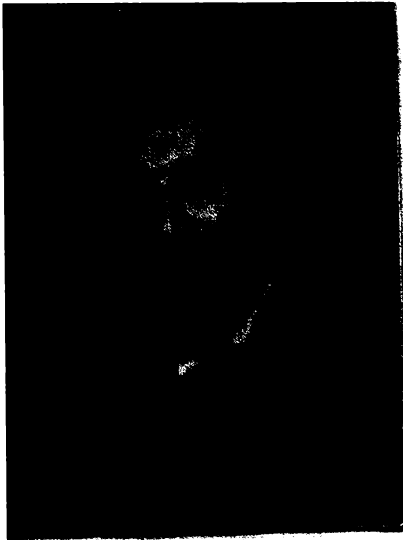
- ۱ - آقای دکتر سید کاظم صدر (دکترای اقتصاد کشاورزی و استاد دانشگاه بهشتی).  
 ۲ - آقای دکتر سید محمد صدر (معاون سابق وزیر خارجه و دکترای داروسازی و مدیر مجله رازی).  
 ۳ - آقای سید مهدی صدر (از طلاب فاضل حوزه علمیه قم).  
 نامبرده در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۶ / جمادی الاول / ۱۴۱۵ ق مطابق با ۱۰ / آبان / ۱۳۷۳ ش در سن ۷۶ سالگی در پی بیماری سرطان در قم درگذشت. جسدش در روز عصر چهارشنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در صحن مطهر حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲۰۵/۱ و ۹۴/۲.  
 ۲ - بغية الراغبين فی سلسلة آل شرف الدین ۲۵۷/۱.  
 ۳ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۳۰۳/۱.  
 ۴ - روزنامه اطلاعات ۲۸ / آذر / ۱۳۷۳ ش بقلم شیخ علی حجتی کرمانی.  
 ۵ - فهرست کتابخانه قدس رضوی ۵۴۱/۶.  
 ۶ - گنجینه دانشمندان ۵۰۳/۴.  
 ۷ - مؤلفین کتب چاپی ۱۷۱/۳ (که تولدش را در قم نوشته است).

## سید رضا علما قمی

(۱۳۳۲-۱۴۰۴ ق)



حاج سید رضا علما ملقب به «خادم الشریعه» فرزند سید حسین قمی، یکی از فضلا و شعرای معاصر بود.

او در سال ۱۳۳۲ ق در قم پا به عرصه گیتی نهاد.

پس از طی مقدمات، سطح را نزد استاد ترابی تلمذ نموده، و خارج را از محضر آیات: سید صدرالدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده

کرده است. در ضمن منظومه را از محضر آیت الله سید روح الله خمینی، و فلسفه را از محضر علامه شیخ محمد مهدی مازندرانی (امیرکلایی) بهره مند گردید.

برادر ارجمند ایشان جناب حجة الاسلام سید تقی علما، سایر اساتید برادرش را چنین یاد می کند:

میرزا محمد فیض قمی، سید محمد تقی خوانساری و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی. سپس عازم نجف اشرف گردید، و مدت دو سال از محضر آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین اصفهانی و سایرین بهره ها برد و مجدداً به زادگاهش بازگشت.

### از آثار او

۱ - جزواتی در تفسیر.

۲- دیوان اشعار (که مفقود شده است).

۳- شمع انجمن (به نثر و نظم).

دو نمونه زیر از اشعار ایشان است:

نمونه اول:

|                          |                        |
|--------------------------|------------------------|
| ای بانوی دین شکسته پهلوی | خاتون سیاه گشته بازو   |
| بعد از پدر بزرگوارت      | بد تا دم مرگ گریه کارت |
| رخساره ظلم گشته نیلی     | آزرده شده ز ضرب سیلی   |
| از ضرب در و دل حزینت     | ساقط شده محسن جنینت    |
| بر حضرت تو ز راه یاری    | داریم امید رستگاری     |

نمونه دوم:

|                            |                           |
|----------------------------|---------------------------|
| تا یکی پای بند این قفسی    | گوش داری ببانگ هر جرسی    |
| می کنی تا بچند بوالهوسی    | هر دم از عمر می رود نفسی  |
| چون نگه می کنی نماند بسی   |                           |
| هیچ آری بیاد وقتی را؟      | دادن جان زمان سختی را؟    |
| قدر دان ز عمر خویش لختی را | تا کنی درک نیک بختی را    |
| کن ز اعمال خویش بازرسی     |                           |
| پس طبیبان ز تو کناره کنند  | چاره نیست تا که چاره کنند |
| اهلیت تو را نظاره کنند     | جامه صبر پاره، پاره کنند  |
| هست جاری ز چشم اشک بسی     |                           |
| زن و فرزند خویش می نگری    | لیک از دیده که رشک بری    |
| مال دیگر نمی دهد ثمری      | زن خیالش بشوهر دیگری      |
| شده فرزند زیر دست کسی      |                           |

علما سرانجام در روز دوشنبه ۲۱ / ذی الحجه / ۱۴۰۴ ق مطابق با ۲۶ / شهریور / ۱۳۶۳ ش در سن ۷۲ سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان ابو حنین به خاک سپرده شد.

#### منابع

۱ - افادات برادر معظم ایشان آقای سید تقی علما.

۲ - شمع انجمن ۲۸۹ و ۲۹۱.

۳ - معلومات فرزند ایشان آقای سید مهدی علما.

### میرزا رضی زنوزی تبریزی

(۱۲۹۴-۱۳۷۴ ق)

آیت الله حاج میرزا رضی (نامش محمد است) فرزند علامه شیخ محمد حسن و نوه ملا عبدالکریم زنوزی تبریزی، در ۱۴ / ذی قعدة / ۱۲۹۴ ق در تبریز دیده به جهان گشود.

مقدمات و ادبیات را خدمت آقا جمال شیروانی در مدرسه حاج صفرعلی آموخت، و سطوح را نزد آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی تلمذ کرد، و در سال ۱۳۱۸ ق به نجف اشرف مهاجرت و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد فاضل شریبانی، آقا رضا همدانی، شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود و به درجه اجتهاد نایل گردید، در ضمن علم هیئت و معقول و طب را به قدر وافیه و کافی از برادر خود میرزا عبدالحسین فیلسوف الدوله زنوزی و شیخ محمد باقر اصطهباناتی (شهید) فراگرفت. و به امر تدریس و نشر احکام پرداخت در سال ۱۳۳۵ ق به زادگاهش بازگشت. و در سال ۱۳۴۸ ق به قم هجرت کرد و فضلا و طلاب از خدمتشان بهره مند شدند. و همینطور در حال انتقال بین قم و تبریز بود.



## از آثار او:

- ۱ - فلاح الفاعل (رسالة عملیه).
- ۲ - حاشیه علی نجات العباد.
- ۳ - تعلیقه علی العروة الوثقی.
- ۴ - رسالة فی الکنی و الألقاب.
- ۵ - کتاب القضاء و الشهادات.
- ۶ - حاشیه علی الاشارات.
- ۷ - فهرست ترتیب رجال الکشی و النجاشی و الخلاصة.
- ۸ - تقریرات اصول خراسانی.
- ۹ - تعلیقه علی کفایة الاصول.
- ۱۰ - الخيارات.
- ۱۱ - کتاب الطهارة.
- ۱۲ - رساله ای در اثبات توحید.
- ۱۳ - حاشیه بر نخبه کلباسی.
- ۱۴ - حاشیه علی وسیلة النجاة.
- ۱۵ - ضمنیات در رجال.
- ۱۶ - حاشیه علی المکاسب.
- ۱۷ - حاشیه بر منتخب الرسائل.

سرانجام در ۱۳۷۴ ق به سن ۸۰ سالگی در تبریز درگذشت، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام قم به دستور آیه الله طباطبایی بروجردی مدفون گردید. فرزندش علامه میرزا علی زنوزی از علمای تبریز در نجف اشرف دیده به جهان گشود و همراه پدرش به تبریز رفت و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۴۸ ق به قم رهسپار شد، و از شاگردان آیات: پدرش و سید محمد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد خوانساری، میرزا محمد همدانی،

شیخ محمد علی شاه‌آبادی بود.

از آثار او: مدخل علم التفسیر (که بسیار محققانه نوشته است).  
در ۹ / جمادی ثانی / ۱۴۰۱ ق در اثر سکتۀ قلبی در تبریز درگذشت و در  
قبرستان مارالان به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/۲۲۷.
- ۲ - آینه دانشوران ۱۷۴.
- ۳ - الاجازة الكبيرة ۶۰.
- ۴ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۱۸۲.
- ۵ - زندگینامۀ رجال و مشاهیر ایران ۳/۳۶۸.
- ۶ - علمای معاصرین ۴۰۳.
- ۷ - گنجینۀ دانشمندان ۳/۳۱۲.
- ۸ - مستدرک اعیان الشیعة ۱/۴۳.
- ۹ - مؤلفین کتب چاپی ۳/۲۱۸.
- ۱۰ - نقباء البشر ۲/۷۸۴.

## سید رضی‌الدین وحیدی شبستری

(۱۳۰۴ - ۱۳۶۷ ق)

سید رضی‌الدین فرزند علامه سید محمد و نوۀ سید اسماعیل حسینی  
شبستری، ملقب به «وحیدی» از دانشمندان و مشاهیر شبستر بود.

وی در سال ۱۳۰۴ ق در شبستر - واقع در استان آذربایجان شرقی - تولد یافت.  
پدرش از فضلا و نمایندگان آیت‌الله ملا محمد کاظم خراسانی و آیت‌الله سید  
محمد کاظم طباطبائی یزدی در امور مذهبی منطقۀ شبستر بود.

وی در سال ۱۳۰۴ ق در شبستر - واقع در استان آذربایجان شرقی - تولد یافت. پدرش از فضلا و نمایندگان آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در امور مذهبی منطقه شبستر بود.

جدش سید اسماعیل، از فقها و مشاهیر آن منطقه و از شاگردان شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر» در نجف اشرف بود. سید رضی الدین، مقدمات و دروس سطح را در زادگاه خود فراگرفت. سپس در سن جوانی به نجف اشرف رفت و حدود ۹ سال در آن دیار اقامت نمود. دروس عالی را از مراجع مشهور نجف، از جمله: آیت الله شیخ الشریعہ اصفهانی استفاده نمود و پس از نایل مدارج عالی در حدود سال ۱۳۲۹ ق به شبستر مراجعت فرمود و به حلّ و فصل و رسیدگی امور شرعی اهالی پرداخت.

وی در سال ۱۳۶۷ ق در پی عمل جراحی در سن ۶۳ سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست و به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

فرزندانش: ۱ - سید مرتضی شبستری، در رمضان / ۱۳۲۴ ق در نجف اشرف تولد یافت. در دوران کودکی همراه پدرش به شبستر رفت و مقدمات را فراگرفت. در سال ۱۳۳۸ ق (در سن ۱۴ سالگی) به نجف اشرف مراجعت نمود و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید محمد حجت کوهکمری در فقه و اصول و آیت الله شیخ علی قمی «زاهد» در اخلاق و تفسیر استفاده نمود. و پس از چهارده سال توقف (یعنی در سال ۱۳۵۲ ق) به شبستر بازگشت.

او علاوه بر تسلط در فقه و اصول، در علوم مختلف دیگر مثل: ریاضیات، نجوم، جغرافیا و علوم اجتماعی مطالعات زیادی داشته است.

دو سال در شبستر اقامت می کند و به امور مذهبی و مشکلات مردم و تدریس می پردازد، آنگاه به تبریز می رود و سرانجام در سال ۱۳۶۹ ق (برابر با ۱۳۲۹ ش) روانه تهران می شود و تا آخر عمر در آن شهر می ماند و به تدریس، سخنرانی و

تفسیر قرآن و دیگر فعالیت‌های مذهبی اهتمام می‌نماید.  
ایشان در دوره هفدهم ( ۱۳۳۱ ش برابر با ۱۳۷۱ ق ) مجلس شورای ملی، از  
سوی اهالی تبریز به سمت نمایندگی انتخاب و روانه مجلس می‌شود.

#### از آثار او:

- ۱ - تفسیر سورة نساء.
- ۲ - تفسیر سورة حمد.
- ۳ - تفسیر سورة حجرات.
- ۴ - بحوث فی التفسیر.
- شبستری در بامداد روز دوشنبه ۲۲ / محرم / ۱۴۰۱ ق برابر با ۱۰ / آذر / ۱۳۵۹ ش در اثر سکنه قلبی در سن ۷۶ سالگی در تهران زندگی را وداع گفت.
- پیکرش در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام شهرری مدفون گردید.
- ۲ - مرحوم سید محمد وحیدی، از علمای قم بود که اخیراً درگذشت.
- ۳ - مرحوم سید حسن.
- ۴ - آقای سید حسین و چهار دختر.

#### منابع

- ۱ - اطلاعات متفرقه.
- ۲ - اظهارات فرزند ایشان، آیت‌الله سید محمد وحیدی، به تاریخ محرم / ۱۴۲۱ ق در قم.

### میرزا رفیع الدین تبریزی « نظام العلما »

( ۱۲۵۰ - ۱۳۲۶ ق )

حاج سید رفیع الدین فرزند میرزا علی اصغر مستوفی و نوه رفیع الدین  
طباطبائی تبریزی، ملقب به « نظام العلما » و متخلص به « نظام » از دانشمندان بزرگ  
و ادبای سترگ بود.

فرزندان و نوادگان ایشان، کلمه «دبیا» را  
برای خود به عنوان نام خانوادگی انتخاب  
کردند و تاکنون به همین لقب معروفند.

### آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

۱ - آداب الملوک در شرح عهدنامه  
مالک اشتر رضی الله عنه.

۲ - الأدب الفارسی، در علم صرف و نحو.

۳ - التحقیقات العلویة.

۴ - الفوائد النظامية.

۵ - المجالس الحسينية.

۶ - المجالس النظامية في الأحكام الدينية.

۷ - المقالات النظامية.

۸ - انیس الادباء و سمیر السعداء «کشکول به زبان فارسی».

۹ - تحفة الأمثال و الحكم.

۱۰ - تحفه خاقانیه.

۱۱ - ترجمة الأدب في قواعد لغة العرب.

۱۲ - تشریح التقویم.

۱۳ - حقوق دول و ملل.

۱۴ - حقوق نظامیه در شرح رساله حقوق (از امام سجاد علیه السلام).

۱۵ - حقيقة الأمر في الجبر و التفويض.

۱۶ - دستور حکمت.

۱۷ - دیوان رضویه (دیوان اشعاری که در مشهد الرضا علیه السلام سروده است).

۱۸ - دیوان في المدائح و المراثی.



- ۱۹ - سفرنامه رضوی.
- ۲۰ - سفرنامه غروی.
- ۲۱ - فتوحات نظامیه در غیبت امام زمان (عج).
- ۲۲ - کفایة العروض.
- ۲۳ - کنوز السعادة و رموز الشهادة.
- ۲۴ - لب الحساب.
- ۲۵ - لؤلؤة البحار فی منقبة الأئمة الأطهار عليهم السلام.
- ۲۶ - مجمع الفضائل (در فضایل امام علی عليه السلام).
- ۲۷ - مصابیح الأنوار و مفاتیح الأسرار، در توحید و معاد.
- ۲۸ - مفتاح الكنوز در مراثی.
- ۲۹ - نور الشهادة.
- ۳۰ - وسیلة الزائرین.

نظام العلماء در اوایل سال ۱۳۲۶ ق در پی حوادث مشروطه در تبریز از آن شهر، به روستای «باسمنج» - واقع در دو فرسخی تبریز - منتقل گردید. پس از مدتی کوتاه دچار بیماری شد و در همان سال در سن ۷۶ سالگی در باسمنج درگذشت. پیکرش جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در صحن حضرت معصومه عليها السلام به خاک سپرده شد.

«تذکرة العلوم» نام کتابی است که در شرح حالات و مؤلفات مرحوم نظام العلماء به رشته تحریر در آمده، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

#### فرزندان ایشان عبارتند از:

- ۱ - حاج میرزا عبدالعلی دیبا ملقب به «سید المحققین»، از علما و سیاسیون که تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیت الله شیخ محمد فاضل شریانی





به انجام رسانید. و سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را برعهده داشت.

۲- میرزا نصرالله طباطبائی دیبا ملقب به «ناصرالسلطنه»، متوفای اردیبهشت / ۱۳۱۲ ش، یکی از اعیان و بزرگان بود.

### منابع

۱- المآثر و الآثار.

۲- تحفة الألباء في تذكرة الأولیاء الشرفاء (خطی - ص ۱۷۷).

۳- تذكرة شعراى آذربایجان ۱/۳ و سال مرگش را ۱۳۲۷ ق دانسته است).

۴- تراجم الرجال ۲۱۶/۱.

۵- جغرافیای تبریز ۲۶۲.

۶- دانشمندان آذربایجان ۳۸۰.

۷- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۱۵۷ (سال مرگش را در سال ۱۳۲۷ ق دانسته است).

۸- ریحانة الأدب ۲۰۷/۶.

۹- سخنوران آذربایجان ۷۳۲.

۱۰- علماء معاصرین ۹۲.

۱۱- مؤلفین کتب چاپی ۲۲۴/۳.

۱۲- نسب‌نامه شاخه‌ای از طباطبائی‌های تبریز ۱۵.

۱۳- نقباء البشر ۷۸۷/۲.

## شیخ روح‌الله کمالوند خرم‌آبادی

(۱۳۱۹ - ۱۳۸۳ ق)

حاج شیخ روح‌الله کمالوند فرزند حاج رضا خرم‌آبادی، یکی از اعظام دانشمندان خطه لرستان بود. تولدش به سال ۱۳۱۹ ق در خرم‌آباد اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات نزد سید ابوتراب جزایری، به سال ۱۳۳۶ ق به حوزه علمیه بروجرد مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات: شیخ محمد حسین غروی، سید





حسین طباطبائی بروجردی و سید فخرالدین طباطبائی احمدی به انجام رسانید، و به سال ۱۳۳۸ ق به اراک رفت و از محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند گردید، و هنگام هجرت استادش در سال ۱۳۴۰ ق به قم ایشان نیز به آنجا رفت و ادامه تحصیل را نزد آن بزرگوار داد. دروس حکمت و فلسفه را از محضر حکیم نامی میرزا علی اکبر

حکمی یزدی (تجلی) استفاده نمود، و در سال ۱۳۴۶ ق به خرم‌آباد بازگشت و به ارشاد و خدمات دینی پرداخت.

وی پس از مهاجرت آیت‌الله طباطبائی بروجردی به قم در سال ۱۳۶۴ ق به آنجا رفت و ۵ سال دیگر از محضر آنجناب بهره‌مند گردید، و به امر استاد خود به خطه لریستان (خرم‌آباد) بازگشت، و به تأسیس حوزه علمی و یک مسجد و به پرورش و تدریس طلاب اشتغال ورزید. و در آن سامان نفوذ و محبوبیت زیادی پیدا کرد.

استاد شیخ محمد رازی می‌نویسند: (مرحوم کمالوند از دانشمندان با فضیلت معاصر ما بود، و در معاشرت خوش برخورد و رفیق و در امور دینی متعصب و غیور بود. در سفری که در خرم‌آباد حدود یک ماه میهان ایشان بودم، خاطرات شیرین از ایشان دارم).

سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ / ذی حجه / ۱۳۸۳ ق مطابق با ۱۶ / اردیبهشت / ۱۳۴۳ ش به سن ۶۴ سالگی در خرم‌آباد درگذشت، و در کنار مرقد استاد خود آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در حرم حضرت معصومه علیها السلام قم



در روز جمعه ۲۵ / ذی حجه مدفون گردید.



شیخ روح‌الله کمال‌وند خرم‌آبادی (۱۳۳۲ ش)

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/ ۲۸۶.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۴۳.
- ۳ - افادات دانشمند معظم، سید شمس‌الدین طباطبائی احمدی (دام ظلّه).
- ۴ - خورشید آسمان فقاقت و مرجعیت ۵۱.
- ۵ - گنجینه دانشمندان ۲۸/۵.
- ۶ - مشاهیر لر «خرم‌آباد» ۱۴۶.
- ۷ - هفت هزار روز ۱۸۷/۱.

### شیخ ریحان‌الله گلیایگانی «نخعی»

(۱۳۱۸ - ۱۴۱۲ ق)

آنچه که در پیش رو دارید زندگینامه ایشان و سایر حالاتش، که به وسیله «مجله حوزه» تهیه و به چاپ رسیده است که آنرا تقدیم می‌داریم (با اندکی حذف و اضافه):

حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه با مجله ما را پذیرفتید، ابتدا اجمالی از زندگی علمی خود بیان کنید؟



حقیر در سال ۱۳۱۸ ق، در شهر گلپایگان متولد شدم. مقدمات را در محضر والد بزرگوارم، آخوند ملا زین‌العابدین مجتهد گلپایگانی به اتمام رساندم. پس از این مرحله، در سال ۱۳۳۸ ق برای ادامه تحصیل، راهی

اراک شدم. در این شهر از محضر حجج اسلام میرزا ابوالحسن عراقی و حاج میرزا محمد علی خان و آخوند ملا تقی گلپایگانی، کسب فیض کردم.

در سال ۱۳۴۰ ق، سال تأسیس حوزه علمی قم، به حوزه علمی قم مشرف شدم و تا آخر عمر شریف حضرت آیت الله حائری یزدی، در قم ماندگار شدم و از محضر آن بزرگوار بهره بردم.



پس از رحلت آن جناب. در سال ۱۳۶۰ ق به نجف اشرف، مشرف شدم. در آن حوزه مقدسه، از محضر حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی و سید جمال‌الدین گلپایگانی، استفاده کردم. پس از آن، به قم مشرف شدم و از

ابتدای ورود حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم، در خدمت آن حضرت بودم و به درس فقه و اصول ایشان حاضر می شدم.

حوزه: ابوی حضرت عالی از بزرگان حوزه بوده‌اند، از این روی برای ما و دیگر طلاب مفید خواهد بود، اگر با چهره ایشان آشنا شویم.

ابوی، از مجتهدین مسلم زمان خود بود. ایشان از شاگردان مخصوص سید محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بود. میرزا نسبت به ایشان خیلی ابراز علاقه می کرده‌اند. البته میرزا، به طلاب خیلی عنایت داشته‌اند. پدرم نقل می کردند:

«تازه برای تحصیل به سامرا رفته بودم. روزی به کنار شط رفتم و آن جا نشستم. در این هنگام، میرزا را دیدم که از آن جا عبور می کردند. ایشان تا چشمش به من طلبه افتاد، متوقف شد و از مرکب خود پیاده شد! احوال مرا پرسید و گفت:

اهل کجا هستی؟

گفتم: اهل گلپایگان.

گفت: تا کنون کجا اشتغال به تحصیل داشتی؟

گفتم: در اراک، ولی اکنون به خاطر علاقه‌ای که به حضرت عالی دارم برای استفاده از محضر شما به این جا آمده‌ام.

گفت: آیا تا کنون در مباحثه ما شرکت کرده‌ای؟

گفتم: بلی.

گفت: مباحثه ما را چگونه یافتی آیا پسندیدی؟

گفتم: خوب بود، ولی یک عیب دارد.

گفت: چه عیبی؟

گفتم: حضرت عالی، بیش از اندازه به شاگردان میدان می دهید که اظهار نظر کنند و آرای خود را بیان کنند، این موجب می شود که وقت کافی برای تقریر و توضیح مطلب باقی نماند.

ایشان از این سخن خوشش نیامد، و فرمود: چنانچه مدتی در درس من حاضر

شوید، خواهید فهمید که مباحثه من، به مراتب از مباحثه میرزای نائینی مفیدتر است.

پدرم گفت:

«راستی هم، چنین بود. من بعدها که بیشتر به درس میرزا رفتم، متوجه شدم که درس ایشان واقعاً مفید است. شیوه‌ای که میرزا داشت، مخصوص به خودش بود. آن مرحوم وقتی مطلبی را می‌گفت، از شاگردان نظر خواهی می‌کرد و از آنان می‌خواست که در جلسه بعد، نظرشان را راجع به آن مطلب بگویند. به خاطر همین، طلاب مجبور می‌شدند تلاش کنند، تا نفیاً و اثباتاً، مطلبی برای ارائه به استاد داشته باشند. این روش، استعدادپرور بود و شاگردان را رشد می‌داد. درست بر خلاف روش میرزای نائینی که ایشان، بنابر آنچه می‌گویند، خیلی کم به شاگردان اجازه اظهار نظر می‌داد».

حوزه: اساتیدی که حضرت عالی از محضر آنان بهره برده‌اید، چه شیوه‌ای در ارائه درس داشتند؟

از اساتید این جانب، آیت الله حائری یزدی، تقریباً روش میرزا را داشت. ایشان به شاگردان، مجال می‌داد تا اظهار نظر کنند. همچنین بود آیت الله بروجردی. در محضر ایشان هم اگر کسی اظهار نظر می‌کرد، خوشش می‌آمد و تشویق می‌کرد. ولی آیت الله حجت، این روش را نداشت، بلکه ایشان قبل از درس مطالب را دسته بندی و تنظیم می‌کرد و به شاگردان ارائه می‌داد، و کمتر به کسی اجازه می‌داد در وسط درس اظهار نظر کند.

حوزه: حضرت‌عالی در بیت آیت الله بروجردی، چه سمتی داشتید و به چه کارهایی مشغول بودید؟

همانطور که عرض شد، بنده از ابتدای ورود آیت الله بروجردی به قم، در خدمتشان بودم و آن جناب، به خاطر آشنایی قبلی که با حقیر و پدرم داشت، به من عنایت خاصی داشتند، و برخی از امور را به من محول کردند. از جمله: اگر طلبه‌ای

را می‌خواستند مسؤولیتی بدهند، تشخیص صلاحیت آن شخص به من واگذار می‌شد، و پس از تأیید صلاحیت نامه او را می‌نوشتیم و آیت الله بروجردی امضا می‌کردند. و همچنین از جمله اعضای هیأتی بودم که برای رسیدگی به امور حوزه و طلاب، از طرف آیت الله بروجردی تعیین شده بودند.

در این هیأت حضرت امام و حاج شیخ مرتضی حائری هم عضویت داشتند. علاوه بر این کارها، در برخی از جلسات استفتائی که مهم بود شرکت می‌کردم.

**حوزه: حضرت عالی چرا قم را ترک کردید و در تهران ساکن شدید؟**

آیت الله بروجردی، به تبلیغات، بسیار اهمیت می‌داد. سعی داشت که از طلاب فاضل، برای تبلیغ در شهرستانها و حتی خارج از کشور، استفاده شود. به همین منظور، هرگاه زمینه فراهم می‌شد، فوری اقدام می‌کرد. روی همین برنامه، بنابر تقاضای عده‌ای از مؤمنین تهران، که از ایشان خواسته بودند فردی را برای اقامه جماعت و تبلیغ و ارشاد به «مسجد پنبه‌چی» بفرستند، آن مرحوم، مرا فرستادند و در نامه‌ای خطاب به مردم آن جا نوشتند:

«من آقای نخعی را که مورد اعتماد من است، برای امامت جماعت و تبلیغ و رسیدگی به امور محل، به سوی شما فرستادم و...».

این جانب از آن زمان تا کنون، که حدود ۴۰ سال است، در تهران هستم و مشغول انجام وظیفه. عده‌ای دیگر هم در همان وقت از طرف ایشان به همین منظور به تهران فرستاده شدند، از جمله آقای سید احمد خوانساری بود که من برای معرفی ایشان به مردم، با ایشان به تهران آمدم...

**حوزه: آیا تألیفی هم در زمینه مسائل فقهی و اصول دارید؟**

تقریرات و نیز تحقیقاتی در اصول و فقه دارم که به همراه کتابهایم فرستادم قم برای کتابخانه مدرسه آیت الله گلپایگانی، زیرا دیدم با این حالت کسالت و کحولت سن، توانایی مطالعه ندارم و صحیح نیست این کتابها بدون استفاده بماند.

**حوزه: شنیده‌ایم که حضرت عالی طبع شعر هم دارید و اگر ممکن است یکی از**

اشعار خود را برای ما بخوانید.

بله، طبع شعر دارم و چند شعری هم گفته‌ام. متأسفانه از دفترهای شعرم این جا موجود نیست، زیرا آنها را هم با کتابهایم فرستادم قم. اکنون هم از شعرهایی که گفته‌ام چیزی جز یک رباعی که درباره «صبر» گفته‌ام، به خاطر ندارم و آن رباعی را خدمتان عرض می‌کنم:

گویند صبر کن که ترا صبر بر دهد      آری دهد، ولی به عمر دگر دهد  
من چون که عمر خویش به صبوری گزاردم      عمری دگر خواهد که تا صبر بر دهد

حوزه: در پایان اگر ممکن است ما را نصیحت بفرمایید.

نصیحت من این است که خداوند را، در جمیع حالات، در نظر داشته باشید. خدا را از یاد نبرید، تا این که از خطاهای عمدی مصون باشید. و به درس و مطالعه زیاد اهمیت بدهید که بسیار با ارزش است. به نظر من اگر امر دائر شود بین این که طلبه در نیمه شب، نماز شب بخواند ثوابش بیشتر است یا مطالعه فقه، من می‌گویم مطالعه فقه، زیرا فایده‌اش به دیگران هم می‌رسد.

نویسنده کتاب گوید: آیت الله نخعی همچون جد بزرگوارش مالک اشتر نخعی به خاندان علی علیه السلام عشق می‌ورزید، و شاید به توان به گوشه‌ای از این شور و عشق از لابلائی اشعار ادیبانه زیر که در مدح ولادت حضرت قائم (عجل الله فرجه) سروده است، پی برد:

صفحه گلزار را نشاط یکسر گرفت      به مؤذنه وصل یار روح به فیکر گرفت  
واسطه عدل و داد قدم بدین نهاد      پیر کهن سال دهر زندگی از سر گرفت  
راهنمای نجات والی بر کاینات      مقام مولائی از خالق اکبر گرفت  
با «نخعی» گو ترا جرم فزون از حد است      به مدح شه می‌توان شافع محشر گرفت

علامه نخعی سرانجام شب جمعه اول / ربیع‌الثانی / ۱۴۱۲ ق مطابق با ۱۸ /

مهر / ۱۳۷۰ ش در سن ۹۴ سالگی، در بیمارستان الوند تهران در پی عمل جراحی

درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون شد.

❦ منابع

- ۱ - آثار الحجة ۴۶/۲.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۵۸۲/۴.
- ۳ - مجله حوزه، شماره ۴۶، سال ۱۳۷۰ ش، ص ۴۰.
- ۴ - هفته‌نامه «نیرو»، به تاریخ چهارشنبه ۲۴ / مهر / ۱۳۷۰ ش، ص ۲.

❦ ❦

ز

## سید زکریا قزوینی

( - ح ۱۳۱۳ ق )

از بزرگان و فقها و دانشمندان عصر خود بود که در زهد تقوا زبان زد همگان بود. ایشان تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف از محضر آیات: شیخ مرتضی انصاری، سید حسین کوهکمری استفاده کرد و در سامرا از شاگردان ممتاز میرزا محمد حسن شیرازی به شمار می‌رفت که موفق به نیل درجه اجتهاد از این استاد گردید. قزوینی پس از انجام تحصیلات خود به ایران مراجعت کرد و در شهر مذهبی قم سکونت اختیار نمود و به کارهای دینی از قبیل: اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت.

نامبرده در حدود سال ۱۳۱۳ ق در قم درگذشت و همانجا مدفون گردید. فرزندش علامه سید اسحاق قزوینی و دامادهای او عبارتند از: حضرت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی و محدث گرانقدر شیخ عباس قمی بودند.

منابع

۱ - تاریخ قم ۲۶۹.

۲ - رجال قم ۱۱۷.



۳- گنجینه دانشمندان ۱۴۰/۱.

۴- نبقاء البشر ۷۹۱/۲.

## شیخ زین الدین شریعتی زنجانى

(ح ۱۳۲۷ - ۱۴۰۹ ق)

شیخ زین الدین شریعتی فرزند آیت الله شیخ فیاض زنجانى و نوۀ ملا محمّد مدرس دیزجی، از علما و فضلاى تهران بود.

وی در دامان پدری فقیه و دانشمند پرورش یافت. پدرش از علمای برجستۀ زنجان بود، و در سال ۱۳۶۰ ق در حدود سن ۸۵ سالگی درگذشت، و در «قبرستان بالا» زنجان به خاک سپرده شد.

شریعتی، در حدود سال ۱۳۲۷ ق در زنجان متولد گردید.

### در حوزه های علمیه

ایشان پس از طی مقدمات، به حوزه قزوین رفت، و از محضر علامه سید ابوالحسن رفیعی بهره مند گردید، آن گاه به مشهد مقدس مهاجرت کرد، و در درس آیت الله میرزا مهدی اصفهانی شرکت جست.

سپس جهت طی درس عالی حوزه، به قم رهسپار گردید، و از محضر پرفیض آیات: سید محمّد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبائی بروجردی فقهاً و اصولاً بهره مند شد، و خود به تدریس سطح اشتغال نمود.

### خدمات مذهبی

ایشان جهت ارشاد و هدایت و به امر آیت الله بروجردی به «خرقان» قزوین رفت، و سعی و تلاش زیادی در این امر نمود، و پس از مدتی چند رحل اقامت خود را تا آخر عمر در تهران افکند، و به خدمات دینی و روحی خود ادامه داد.

### از آثار او

- ۱ - الفوائد فی المسائل المتفرقة.
- ۲ - رساله‌ای در حق و حکم.
- ۳ - رساله‌ای در ردّ صوفیه.
- ۴ - رساله‌ای در غیبت.
- ۵ - کتاب بیداری، در دو بخش است.

### ارتحال و اعقاب

وی پس از عمری خدمت به مذهب، و درستکاری و صداقت‌پیشگی در روز جمعه ۲۷ / شوال / ۱۴۰۹ ق مطابق با ۱۲ / خرداد / ۱۳۶۸ ش در حدود سن ۸۲ سالگی در تهران درگذشت، و جنازه‌اش به قم حمل و در قبرستان ابو‌حسین به خاک سپرده شد.

وی، داماد علامه شیخ جعفر فرزند ملک زنجانی (مقیم خرقان) بود، و دارای اولادی چند گردید، که عبارتند از: ۱ - شیخ حسن (ساکن در تهران) ۲ - آقا علی ۳ - آقا محمد ۴ - آقا رضا ۵ - آقا حسین.

### منابع

- ۱ - اظهارات برادر مرحوم، آقا تقی شریعتی (ساکن زنجان).
- ۲ - افادات آیت‌الله شیخ احمد رضوانی زنجانی.
- ۳ - تاریخ زنجان ۳۱۷ و ۳۹۱.
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۲۵۲/۵.
- ۵ - مکارم الآثار ۲۷۱۴/۷.

## شیخ زین العابدین ابهری «امام»

(۱۳۱۱ - ۱۳۸۹ ق)

شیخ زین العابدین فرزند علامه میرزا عطاءالله امام جمعه و نوّه میرزا ابوالفتح

ابهری. مادرش مرحومه حاجیه فاطمه سلطان خانم امامی (صاحب دیوان فاطمیه) می باشد.

شیخ زین العابدین در ۱۹ / شوال / ۱۳۱۱ ق در ابهر تولد یافت.

پدرش میرزا عطاءالله امام جمعه یکی از دانشمندان و فضلا بود. وی ابتدا در ابهر و زنجان تحصیل نمود سپس به اصفهان رفت و سطح را به پایان برد آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرد و مدت حدود ده سال در آن سامان نزد اساتید وقت از جمله آیت الله میرزا حبیب الله رشتی بود و به درجه اجتهاد نایل آمد. پس از انجام تحصیلات عالی به موطن خود مراجعت نمود و به خدمات مذهبی و اجتماعی همت گماشت و همینطور در حال تردد بین ابهر و زنجان بود. ایشان در سال ۱۳۴۶ ق مطابق با ۱۳۰۶ ش در حدود سن ۸۵ سالگی در ابهر دارفانی را وداع گفت و پیکرش توسط فرزندش شیخ زین العابدین به نجف اشرف حمل و در وادی السلام به خاک سپرده شد. این شرح حال مختصر را از زبان فرزندش آقای محمد فتوحی در عصر روز پنجشنبه ۱۶ / ذی القعدة / ۱۴۱۹ ق مطابق با ۱۳ / اسفند / ۱۳۷۷ ش و معلوماتی دیگر درباره فضلالی این خاندان یادداشت گردید.

شیخ زین العابدین امام در سن شش سالگی به زنجان رفت و مدت پنج سال در مدرسه ملا محمد حسن زنجانی و بعداً تا شرایع و لمعه نزد میرزا علی نقی زنجانی به تحصیل مشغول بود و ضمن تأهل در سال ۱۳۳۰ ق برای تکمیل تحصیل عازم نجف اشرف گردید و در حوزه درس آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی به کسب علم ادامه داده است تا اینکه در شروع جنگ بین المللی اول ناچار به زنجان مراجعت کرد. آنگاه مجدداً به نجف بازگشت و حدود شش سال دیگر به تحصیلات خود ادامه داد، سپس به ابهر مراجعت نمود و به عنوان «امام جمعه» به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و چند سالی نیز در زنجان دارای دفتر اسناد رسمی بود. و در سال ۱۳۲۴ ش مجدداً به ابهر برگشت و دست به کار تألیفاتی توأم با ترویج دین شد. و از سال ۱۳۴۲ ش به علت کهولت خانه نشینی اختیار کرده اند.

امام جمعه که در شعر «مجنون» تخلص می‌کرد، دارای ۴ پسر و ۲ دختر می‌باشد.

### از آثار قلمی‌اش

- ۱- دیوان اشعار، در حدود پنج هزار بیت شعر، به زبانهای: عربی، ترکی، و فارسی.
  - ۲- مثنوی امثال و حکایات، به زبان ترکی در دو جلد.
  - ۳- ترجمه منظوم نهج البلاغه که ۱۰۵ خطبه از آن به چاپ رسیده است.
  - ۴- کتب و رسائلی در اخلاق و مواعظ در ۷ جلد.
  - ۵- علوم غریبه از قبیل جفر و رمل.
  - ۶- تاریخ زنجان (از اول ۳۰۰ قمری تا زمان پهلوی).
  - ۷- تاریخ آداب و رسوم اهالی زنجان و ابهر در عصر متقدم.
  - ۸- تاریخ شخصی خودشان (تا ۲۸ سالگی به نثر).
  - ۹- فلسفه و راه زندگانی پنج جلد.
  - ۱۰- جواب‌های هفت گانه به سؤالات مزیت دین اسلام، تألیف کرده‌اند که هر کدام به نوبه خود دارای ارزش بسیار است.
- امام ابهری دارای نفوذ کلام و حسن خلق، و مورد احترام مردم زنجان و ابهر است. شعر زیر از اوست:

### فوق العاده می‌خواهد

|                                        |                                          |
|----------------------------------------|------------------------------------------|
| چرا عدلیه حسنت ستم بر ما روا دارد؟     | مگر قانون او اینست، یا از بهر ما دارد؟   |
| نه با ما بر سر صلح است آن صلحیه چشمت   | نه خوب از بد تمیز آرد بدایت صد بدادارد   |
| باستیناف وصلش شرح حالی دادمش گفتا      | که دیگر موقعش بگذشت هجران از قفا دارد    |
| بگفتم: تمبر خالت که در بالای لب داری   | بزن بر حکم ما گفتا. که این تمبر بها دارد |
| تظلم کردم گفتا: که فوق العاده می‌خواهد | زر و سیم فراوان چون من مفلس کجا دارد؟    |
| لبت می‌کرد استنطاق ما را آخر انصافی    | بر این مستنطق خون ریزدل بازیم جا دارد    |

مگر من قاتلم؟ یا اعتراف قتل بنمودم؟ که حکم کشتنم را چشم مست بر ملا دارد  
 با حضاریه عشقت یکی رویت رقم کردم از این حکم غیابی در کجا قانون ما دارد؟  
 بتجدید ترافع عرض حالی داده‌ام ترسم که در این دایره زلف مسلسل صدخطا دارد  
 به لیلی ای صبا بر گو که مأموریت (مجنون)  
 برای عشق بی‌آلایش خود از خدا دارد

امام جمعه در روز شنبه ۲۷ / شعبان / ۱۳۸۹ ق مطابق با ۱۷ / آبان / ۱۳۴۸ ش  
 در سن ۷۹ سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در کوچه ابو حنین در  
 یکی از مقابر شرقی مدفون گردید.

#### فرزندانش:

۱ - آقا ابوعلی امام ۲ - آقا ابوالفضل ۳ - آقا کاظم ۴ - آقا قاسم ۵ - آقا حسن.

#### منابع

- ۱ - الفهرست لمشاهیر علماء زنجان ۱۳.
- ۲ - تاریخ زنجان ۱۳۸ (تولدش را در سال ۱۳۱۲ ق ثبت کرده است)
- ۳ - سخنوران و خطاطان زنجان ۱۷۵.

### سید زین العابدین کاشانی

(۱۲۹۷ - ۱۳۷۵ ق)

سید زین العابدین فرزند علامه سید محمد و نوه سید حسین حسینی لاجوردی  
 کاشانی حائری، از علمای برجسته و پارسایان مقدس بود.  
 در سال ۱۲۹۷ ق در کربلای معلّی دیده به جهان گشود.

#### تحصیلات عالی

مقدمات و سطوح را نزد: پدرش، شیخ علی بفروئی یزدی، سید محمد جعفر

کاشانی (عموی آیت الله سید مصطفی کاشانی)، ملا عباس سیبویه یزدی (أخفش)، ملا اسماعیل بروجردی و شیخ حسن کربلائی به انجام رسانید، و مدتی هم از محضر: سید اسماعیل صدر و سید محمد باقر حجت حائری بهره‌مند گردید، سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعہ اصفهانی کمال استفاده را نمود. آنگاه به دیار سامرا هجرت کرد، و از محضر آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بهره جست و به کربلا مراجعت کرد و به تدریس و تربیت طلاب همت گماشت، و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی قمی به کربلا ملازم ایشان گردید، و در جلسات استفتا به وی کمک می‌کرد.

### مهاجرت به ایران

در سال ۱۳۶۷ ق از کربلا به ایران مهاجرت کرد، و در قم بنابر درخواست آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی اقامت نمود، و از یاران نزدیکش گردید، و همواره در مجلس استفتای ایشان حضور پیدا می‌کرد. و در پس دعوت اهالی کویت و امر آیت الله بروجردی به آن سامان عزیمت کرد، و به ترویج مذهب و ارشاد مردم پرداخت، ولی پس از دو سال اقامت و در اثر کسالت و بیماری به قم مراجعت کرد، و حلقهٔ درسی تشکیل داد و عده‌ای را تربیت نمود.

### از جمله شاگردانش در کربلا عبارتند از:

- ۱ - سید مصطفی اعتماد ۲ - سید عبدالرضا شهرستانی ۳ - سید مهدی خراسانی بجستانی ۴ - سید عباس کاشانی ۵ - شیخ ابراهیم شیرازی ۶ - سید غلامرضا کسائی تبریزی ۷ - سید احمد فالی ۸ - سید محمد شیرازی ۹ - سید محمد علی بحرانی ۱۰ - شیخ عبدالرحیم قمی (داماد صاحب شرح حال) ۱۱ - سید ابراهیم علم الهدی سبزواری.

## از آثار او

جناب دانشمند معظم آقای سید عباس کاشانی سایر مؤلفاتش را چنین یاد می‌کند:

۱ - حاشیة علی العروة الوثقی.

۲ - دیوان شعر.

۳ - رسالة الأمر بین الامرین.

۴ - رسالة فی الاستصحاب.

۵ - رسالة فی الوقف الذری.

۶ - شرح شرائع الاسلام، در چند جلد.

۷ - شرح علی کفایة الاصول.

۸ - قاعدة لاضرر و لاضرار.

۹ - مناسک الحج (ارجوزة).

## درگذشت

سرانجام در روز پنجشنبه ۱۲ / صفر / ۱۳۷۵ ق مطابق با ۶ / مهر / ۱۳۳۴ ش به سن ۷۸ سالگی در قم درگذشت، و پس از ادای نماز میت توسط آیت‌الله بروجردی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. فرزندانش: ۱ - سید حسین ۲ - سید علی (۱۳۴۰ در کربلا - ۱۴۱۱ ق در دمشق و مدفون در مقبره جدید زینبیه).

برادر ایشان آیت‌الله سید حسین کاشانی یکی از فقها و دانشمندان معروف بود. وی در سیزدهم ماه شعبان ۱۳۰۰ ق در نجف اشرف متولد گردید.

سید حسین تا سن بیست سالگی در آن شهر در خدمت شیخ عبدالرضا دشتی به تحصیل مقدمات پرداخته، سپس در خدمت سید محمد سعید خوئی به تکمیل ادبیات عرب و سطوح فقه اشتغال داشته، بعداً در خدمت پدر بزرگوارش مرحوم سید محمد کاشانی به کربلا مهاجرت و در آنجا در دو درس خارج اصول و فقه پدر بزرگوارش و نگاشتن آنها مشغول بوده است.

در سال ۱۳۴۲ ق یک دوره فقه از آغاز کتاب طهارت تا انجام کتاب دیات، نظماً تألیف فرموده و ترجمه آن را به فارسی هم نگاشته‌اند «مسماة بضوء الرشده فی احکام النبی الامجد» که به چاپ رسیده و نظم منظومه درایة الحدیث که دو تقریظی که آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء به ایشان نوشته‌اند، کمال دلالت بر علوشان و اقتدار استاد محترم در علوم دینی و ادبیه می‌باشد.

استاد کاشانی مصنفات دیگر هم نثرأ و نظماً در موضوع‌های مختلف دارند از قبیل: بعض مباحث اصول و معانی و بیان و بدیع و از آن جمله دیوانی است در مدایح و مراثی ائمه هدی علیهم‌السلام که هنوز به چاپ نرسیده است.

#### منابع

۱ - افادات علامه آقای سید عباس کاشانی (دام ظلّه).

۲ - اعلام کربلاء (خطی - خوشحالت).

۳ - اعیان الشیعة.

۴ - گنجینه دانشمندان ۲۵۵/۶.

۵ - نعباء البشر ۸۰۴/۲.

### سید زین العابدین یثربی قمی

(۱۳۲۳ - ۱۴۱۱ ق)

حاج سید زین العابدین فرزند سید حسن و نوۀ میرزا زین العابدین حسینی قمی، معروف به «یثربی» از فضلا و معاریف قم بود.

او در سال ۱۳۲۳ ق در قم تولد یافت. پس از آنکه مقدمات و سطوح را به انجام رساند، در دروس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوهکمری، میرزا محمد فیض قمی، سید حسین طباطبائی بروجردی، و اخیراً سید شهاب الدین مرعشی شرکت می‌فرمود.



امامت جماعت را در «مسجد شاه حمزه» واقع در خیابان آذر قم، محل اجدادی خود، برپا می نمود.



نامبرده در روز سه شنبه ۷ / جمادی الثانی / ۱۴۱۱ ق در قم در سن ۸۸ سالگی و بر اثر کهولت سن بدرود حیات گفت. پیکرش روز چهارشنبه تشییع و در امامزاده شاه حمزه علیه السلام به خاک سپرده شد.

وی که داماد آیت الله شیخ ابراهیم مروه عاملی بود، دارای اولادی شد که از جمله آنان: ۱ - آقای سید ابوالفضل یثربی، سخنور با اخلاص اهل بیت علیهم السلام ۲ - سید علی محمد یثربی، که فعلاً

سمت نمایندگی قم را در مجلس شورای اسلامی دارد.

#### منابع

- ۱ - اطلاعات متفرقه.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۳۱۲/۲.



س

## سام میرزا شاه صفی اول

(۱۰۲۱-۱۰۵۲ ق)

نخستین پادشاهی که از خاندان صفوی در قم به خاک سپرده شد، شاه صفی بود. اسمش سام میرزا و فرزند صفی میرزا نوه شاه عباس اول، پادشاه ششم از سلاطین صفویه است. پس از مرگ شاه عباس بنابر وصیت وی او را که ۱۷ سال بیش نداشت در جمادی اول / ۱۰۳۸ ق پادشاه خواندند، و «میر محمد باقر داماد» خطبه سلطنت او را خواند. در سال اول سلطنت وی مردی که او را «غریب شاه» نامیدند، در گیلان به دعوی سلطنت برخاست و گیلان و لاهیجان را تصرف کرد، ولی از دولتیان شکست خورد و اسیر شد و در اصفهان به قتل رسید. سپس دیگری به نام «عادل شاه» قیام کرد، او نیز به سرنوشت غریب دچار گردید. در سلطنت این پادشاه «ابوالغازی» والی خوارزم به خراسان تاخت، و برادر خود «اسفندیار» را به فتح مرو گماشت، لکن هر دو سپاه از سپاهیان شاه صفی شکست خوردند، و اسفندیار برادر خود ابوالغازی را دست بسته نزد پادشاه ایران فرستاد و در (قلعه طبرک) محبوس شد، و دست از بکان از صفحه خراسان کوتاه گردید.

در سال ۱۰۳۸ ق سلطان عثمانی دو سپاه به بغداد و موصل فرستاد، و خسرو

پادشاه «بغداد» را محاصره کرد ولی به فتح آن موفق نشد. به سال ۱۰۳۹ ق شاه صفی برای نجات بغداد به عراق رفت، و چون سپاهیان عثمانی در زد و خورد با حاکم بغداد تلفات سنگینی دیده بودند فرار کردند.

رضا قلی خان هدایت در مجلد هشتم از (ملحقات روضة الصفا) نگاشته:

«در سال ۱۰۴۲ ق به سعایت و بدگویی بعضی امراء پسران عیسی خان قورچی باشی که دختر زادگان شاه عباس بودند، و چهار فرزند بی مانند سلطان العلماء خلیفه السلطان اعتماد الدولة داماد شاه عباس، و سه پسر میرزا رفیع صدر، و یک پسر میرزا رضی صدر سابق، و دو پسر میرزا محسن متولی باشی مشهد مقدس، عمه زاده های خود را غالباً مکفوف و مکحول، و پسران قورچی باشی را خاصه مقهور و کشتند، و با امرای بزرگ دل بد کرد و جمعی را معزول و برخی را از دم تیغ گذرانید. باز در این سال فرمان داد که در تجدید عمارت بقعه نجف اقدام شود، و آب از فرات به صحرای نجف آوردند».

به سال ۱۰۴۵ ق سلطان مراد خان عثمانی شخصاً به فتح «ایروان» آمد و آن شهر را پس از محاصره گرفت و از آرس گذشت، و لشگر به تبریز فرستاد و عمارات حکومتی و محله «شنب غازان» را غارت و ویران کردند، و نیمی از شهر را آتش زدند. اما چون سلطان هنگام عبور از ارس در آب افتاده و بیمار شده بود و زمستان در پیش و خبر نزدیک شدن شاه صفی می رسید، لشگر عثمانی به شتاب از آذربایجان گذشت و شاه صفی در ذیقعدة (۱۰۴۵ ق) ایروان را گرفت، و ۵۰۰۰ تن از عثمانیان را اسیر کرد و چند توپ بزرگ آنها را به اصفهان فرستاد.

به سال (۱۰۴۸ ق) سلطان مراد خان به تسخیر بغداد عازم شد، و ایرانیان ۵۰ روز پایداری کردند و محمد شاه صدر اعظم ترک را کشتند، ولی عاقبت ناچار به تسلیم گشتند و به فرمان سلطان مراد خان هزار تن از زوار کربلا و نجف را به دست جلادان دادند، و بیک فرمان سر آنان را از تن جدا ساختند. در شعبان (۱۰۴۹ ق)

پیمانی میان دولتین بسته شد، که بغداد از عثمانی و ایروان از ایران باشد.  
شاه صفی مانند سائر پادشاهان صفوی طبع شعر داشته، دیوانی دارد به نام  
«دیوان صفی صفوی» نمونه‌ای از شعرش این است:

دمی که از برم آن گل عذار می‌گذرد      هزار موج و سرشک از کنار می‌گذرد  
بدو چرخ نخوردیم جام سرشادی      مدار مستی ما بر خمار می‌گذرد  
صبور باش «صفیا» که در طریقت عشق      بهر طریق که ابشد مدار می‌گذرد

این بیت هم در روز روشن به نام او آمده است:

اگر بارم دهی در خدمتت جان بر کمر بندم

اگر بر خاطرت بارم بگو تا بار بر بندم

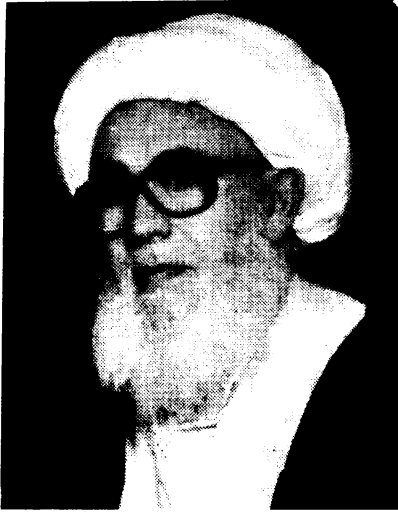
وی در ۱۲ / صفر ۱۰۵۲ ق درکاشان در پی بیماری درگذشت، و در حرم  
حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - الذریعة ۱۶/۹
- ۲ - تاریخ اردبیل و دانشمندان ۲۵۷/۱
- ۳ - تربت پاکان ۱۱۲/۱
- ۴ - دانشمندان آذربایجان ۲۳۷
- ۵ - ذیل عالم آرا ۲۵۷
- ۶ - روضة الصفا ۲۰۱/۸
- ۷ - سخنوران آذربایجان ۵۰/۱ (نام ایشان را حذف کرده و اشعار فوت را به نام پدرش اشتباهاً قرار داده است)
- ۸ - کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام ۳۳
- ۹ - گلستان مسرت ص ۱۳۶
- ۱۰ - لغت‌نامه دهخدا ۲۶۵

## شیخ سلمان خاقانی

(۱۳۳۲ - ۱۴۰۸ ق)



حاج شیخ سلمان فرزند آیت الله شیخ عبدالمحسن و نوه ملا حسین خاقانی، از علمای بنام و خدوم خطه خوزستان بود.

به سال ۱۳۳۲ ق در قریه (سوق الشیوخ) از توابع شهر ناصریه عراق متولد گردید. در سن ۸ سالگی به خرمشهر (محمره) رفت و مقدمات را نزد پدر خود آموخت.

از مرحوم آیت الله خاقانی شنیدم

در حالیکه با صمیمیت می گفت: نوجوان که بودم می رفتم به نانوائی که نان خریداری کنم، شاطر که مشغول کار خود بود بچه طلبه ها را سؤال پیچ می کرد و می گفت: پسر، چه می خوانی؟ طلبه هر چه از کتب مقدمات به خصوص کتب نحور را می گفت، شروع می کرد به سؤال طرح کردن؟ و بچه طلبه ها را گیر می داد. گاهی شاطر ابیاتی را از الفیه ابن مالک می خواند و می گفت: مراد از ابیات چیست؟ بعد معلوم شد که شاطر طلبه خوبی بوده و سایر مقدمات را بسیار عالی آموخته، ولی در اثر فشار زندگی تحصیل را رها نموده و به کار روی آورده است.

در سال ۱۳۴۵ ق جهت ادامه تحصیل به مدینه العلم و عاصمة الفضل نجف اشرف عزیمت نمود، و پس از طی سطوح دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (مدت کوتاهی)، شیخ محمد علی کاظمینی خراسانی، و میرزا باقرزنجانی، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، و تفسیر و



کلام را از محضر آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی بهره‌مند گردید.  
در سال ۱۳۷۴ ق به خرمشهر بازگشت، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت و  
نفوذ بسیار زیادی در منطقه حاصل نمود.

در سال ۱۴۰۰ ق در پی جنگ تحمیلی از خرمشهر به قم مهاجرت کرد و منزل  
ایشان همواره یکی از کانونهای فرهنگی و مجمع الفضلاء محسوب می‌شد. مهر،  
محبت، صداقت، راستی و اخلاص در کار، در سیمای این مرد بزرگ ظاهر بود.

### از آثار قلمی ایشان:

مرحوم آیت الله خاقانی قلمی بسیار ادبی روان داشت و آن را بیشتر در حوزه  
فرهنگی و ادبی به کار برد، ولی در اثر حمله به جهان تشیع و شروع جنگ ادبی و  
عقایدی، ایشان قلم خود را در خدمت به مذهب و دین قرار داد و آثاری بسیار  
گرانسنگ از خود به یادگار گذاشت.

۱- ردّ الجبهان.

۲- ردّ الحنفای.

۳- ردّ الخطوط العریضة.

۴- طریق المعرفة.

۵- بین الحق و الباطل.

۶- دیوان شیخ جاسم خاقانی (گردآوری).

۷- فی نادى آل الخاقانى.

۸- دیوان شعر (بنابر نقل خود ایشان این دیوان همراه با سایر کتابخانه‌اش در  
هنگام جنگ بین ایران و عراق از دست رفت، و به این خاطر بسیار تأثر و افسوس  
می‌خورد).

سرانجام در روز دوشنبه ۲۵ / رجب / ۱۴۰۸ ق مطابق با ۲۴ / اسفند /  
۱۳۶۶ ش در پی بیماری در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت، و پس از تشییع



با شکوهی در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

فرزندانیش:

۱ - محمد ۲ - مهدی ۳ - هادی

منابع

۱ - شعراء الغری ۱۶۸/۴.

۲ - گنجینه دانشمندان ۳۱/۵.

۳ - مستدرک اعیان الشیعة ۲۳۷/۵.

۴ - معجم المؤلفین العراقيين ۴۹/۲.

❖ ❖



## ش

## شیخ شجاع‌الدین جلیلی کرمانشاهی

(۱۳۱۸ - ۱۳۹۳ ق)

شیخ شجاع‌الدین فرزند شیخ بهاء‌الدین نوۀ شیخ محمد صالح جلیلی کرمانشاهی.

تولدشان در سال ۱۳۱۸ ق در شهر کرمانشاه واقع شده و پس از گذراندن دوران کودکی در دامن والد ماجدش، خدمت شیخ حسن کربلائی، شیخ احمد نجفی کرمانشاهی مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده، و در سال ۱۳۳۹ ق عزیمت به نجف اشرف نموده و از دراسات فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، و اصولی آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی، و حکمت و معقول را خدمت شیخ مرتضی طالقانی (که یکی از اوتاد و زهاد عصر خود بود) استفاده نموده‌اند.

و بعد از پنج سال اقامت و مجاورت به واسطه اغتشاش اوضاع عراق و تبعید آیات نجف به ایران اجباراً به وطن خود برگشته، و مدت یک سال توقف و در خلال آن مشرف به مکه شده و بعد از مراجعت به قم آمده و از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یتربی و کاشانی، حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی مدت یک سال بهره‌مند گردیده است.



و در سال ۱۳۴۶ ق مجدداً به نجف مهاجرت تا سال ۱۳۵۰ ق توقف و از محضر آیتین: اصفهانی و عراقی مستفیض شده، و پس از رسیدن به مقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازه به کرمانشاه بازگشته و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل: امامت جماعت و تعلیم و تربیت عده‌ای از محصلین کرمانشاه نموده، و در سال ۱۳۸۵ ق اقدام به تعمیر مدرسه علمیه (عماد الدوله) که در شرف انهدام بود نموده، و آنجا را مسکن طلاب قرار داده که تا هم اکنون از مدارس دائر کرمانشاه، و در تحت سرپرستی فرزند برومندش حجة الاسلام حاج آقا حسام‌الدین اداره می‌گردد.

وی در روز شنبه دوم / ربیع ثانی / ۱۳۹۳ ق مطابق با ۱۵ / اردیبهشت / ۱۳۵۲ ش دارفانی را وداع گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل به قم گردیده، و در آنجا نیز عموم مراجع و آیات و طلاب حوزه علمیه تشییع نموده، و در مقبره فاطمیه بین مسجد اعظم و صحن عتیق مدفون گردید.

او دارای آثار قلمی چندی است که به آن اشاره می‌گردد:

- ۱ - تقریرات فقه اصفهانی به نام الدرر الفقهیه.
- ۲ - تقریرات اصول عراقی به نام الدرر النجفیه.
- ۳ - قاعدة لاضرر ولاضرار.
- ۴ - کتابی در توحید.
- ۵ - اثبات امامت و ولایت.
- ۶ - مجالس رمضان و عاشوراء.

منابع

- ۱ - سراج المعانی در احوالات سید ابوالحسن اصفهانی ۱۲۴.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۴۱۷/۷.

## سید شرف‌الدین طالقانی

(۱۳۱۰-۱۳۹۵ ق)

سید شرف‌الدین فرزند سید کاظم حسینی گلیردی طالقانی، و برادر آیت‌الله سید محی‌الدین علوی و از فضلا و سخنوران بود.

وی در تاریخ ۱۰ / شوال / ۱۳۱۰ ق در طالقان دیده به جهان گشود.

تحصیلات اولیه‌اش را در گلیرد انجام داد، و در حدود سن ۲۱ سالگی به گیلان مهاجرت نمود، و چندی در روستای سنگر اقامت گزید، و برای تحصیلات مذهبی به رشت رفت، و در مدرسه حاج سمیع جهت استفاده از محضر اساتیدی چون: ملا محمد حسن محقق خلخالی در فلسفه و کلام، و شیخ جواد بن علی عاملی در فقه استفاده و از ملازمان ایشان گردید. رفته رفته در رشته‌های مختلف از جمله تاریخ و حدیث در میان مردم شهرت یافت تا آنجا که نظراتش را در این دو رشته ثقه می‌دانستند. یکی از جراید محلی رشت پس از انتشار خبر مرگ وی را چنین نوشت: (مرحوم سید اشرف‌الدین «نام دیگر است که در میان مردم شهرت داشت» یکی از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در طول ۸۰ سالگی عمر با حضور قلب و صفای دل و مال و روحانیت همواره نظر به تهذیب نفس و اعراض از ظواهر و رجوع به باطن و ردّ تظاهر و ریا و نشر حقایق داشت، و در این راه مقدس از نمایش بیرون دست کشید، و به گشایش درون چشم دوخت. از تجملات دیده برگفت و به نور اشراق دل سپرد، به حق داد سخن موعظه فرمود...).

از آثار قلمی او: کتاب المواعظ و النصایح در ۷ جلد، و هنوز هم که هنوز است مخطوط و نزد ورثه محفوظ می‌باشد.

وی در عصر روز دوشنبه ۱۹ / ذی‌الحجه / ۱۳۹۵ ق مطابق با اوّل / دی / ۱۳۵۴ ش به سن ۸۵ سالگی در رشت درگذشت، و پس از انتقال جسدش به قم در وادی‌السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

- ۱ - سید ضیاءالدین علایی نژاد، ۲ - سید معزالدین، ۳ - سید کاظم.
- ۴ - محمد تقی میرابوالقاسمی، نویسنده معاصر. او به سال ۱۳۰۹ ش در رشت متولد شد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به تهران رفت، و تحصیلات دینی را در مدرسه مروی نزد علامه سید نورالدین علوی (پسر عموی خود) گذرانیده و تحصیلات جدید را در دانشکده معقول و منقول و از محضر سخنور گرانقدر شیخ حسینعلی راشد تربتی (دوره فقه تجارت) را استفاده نمود، و در سال ۱۳۳۸ ش به اخذ درجه لیسانس موفق گردید. آنگاه به رشت بازگشت و از محضر علامه شیخ علی بیان بهره‌مند گردید. او دارای آثار قلمی چاپی و خطی بسیاری می‌باشد.
- ۵ - سید ابوالقاسم ۶ - سید احمد و شش دختر از وی به یادگار ماند.

### منابع

- ۱ - افادات فرزند معظم له دانشمند محترم آقای سید محمد تقی میرابوالقاسمی، نزیل رشت.
- ۲ - روزنامه روئین، چاپ رشت، شماره (۹۶۱)، به تاریخ ۳۱ / دی / ۱۳۵۴ ش.
- ۳ - مشاهیر طالقان، چاپ دوم، صفحه ۱۲۴، به قلم فرزندش میرابوالقاسمی.

## شیخ شعبان راسخی لنگرودی

(۱۳۰۲ - ۱۳۵۶ ق)

شیخ شعبان فرزند حسین لنگرودی چافی (راسخی)، از فضلا و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

در سال ۱۳۰۲ ق در لنگرود گیلان دیده به جهان گشود.

وی مقدمات را نزد ملا علی اکبر لنگرودی فرا گرفت، و در سال ۱۳۳۷ ق به قزوین رهسپار شد و نزد آیات: سید ابوالحسن رفیعی و میرزا یحیی مفیدی قزوینی تحصیل کرد، و در سال ۱۳۴۳ ق به قم عزیمت، و سطوح را نزد آیات: شیخ

ابوالقاسم قمی «کبیر»، سید محمد تقی خوانساری و میرزا محمد همدانی به انجام رسانید، و خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوهکمری استفاده نمود، و خود به تدریس سطح اشتغال ورزید.

وی در روز جمعه ۱۳ / شوال / ۱۳۵۶ ق مطابق با ۲۶ / آذر / ۱۳۱۶ ش در سن ۵۴ سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ به کد (۲۵۱۵۸) خاک سپرده شد.

❦ منع

۱ - آینه دانشوران ۲۲۷.

## میرزا شفیع ساعد الملک تبریزی

(ح ۱۳۳۰ ق)

میرزا شفیع خان ساعد الملک فرزند خان مؤتمن تبریزی.

پدرش از سادات طباطبائی و اعیان تبریز و داماد میرزا تقی امیرکبیر بود. ولی میرزا شفیع سبط امیرکبیر نبود بلکه از عیال دیگر مؤتمن بود.

به هر حال ساعد الملک نسبت به سایر برادران خود برتری داشت و از ذکاوت و فطانت بیشتر برخوردار بود، و پس از مرگ پدر خود، ریاست خانواده بدست او رسید. وی به مقام بگلریگی تبریز نایل آمد و از نزدیکان صمیمی محمد علی میرزا ولیعهد آن روز بود، و از اعیان و متنفذین درجه اول تبریز به شمار می‌رفت.

او پس از فوت مظفرالدین شاه با محمد علی میرزا به تهران رفت، چون آن طور که انتظار داشت شاه پس از جلوس با وی رفتار نکرد و به او منصب و مقام و وزارت نداد، تقریباً از شاه قهر کرد و به قم رفت و کمی در آنجا ماند و در حدود سالهای ۱۳۳۰ ق درگذشت.

فرزندانش:

۱ - عبدالحسین سردار مفخم ۲ - سردار ساعد ۳ - میرزا عنایت الله فقهی.

فتح الله پاکروان سیاستمدار معروف که مناصبی از قبیل: نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت مختاری، استانداری ایالت خراسان، تولیت آستان قدس رضوی و... برادرزاده صاحب شرح حال بود. جهت اطلاع بیشتر به رجال آذربایجان ص ۴۲ رجوع شود.

❦ منفع

۱- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۱۹۵.

## سید شمس الدین ابهری

(۱۳۲۴-۱۳۹۲ ق)



حاج سید شمس الدین فرزند  
علامه سید اسدالله موسوی ابهری، از  
علمای ساکن تهران بود.

در سال ۱۳۲۴ ق در ابهر متولد  
گردید، و برخی از مقدمات را نزد شیخ  
محمد حسین فحیمی در حوزه هیدج  
آموخت آنگاه در سن نوجوانی به قزوین  
رفته، ادبیات را از ملا محمد تقی ادیب  
آموخته، و در سال ۱۳۴۱ ق به قم  
عزیمت نموده، و سطوح را از محضر  
آیات: آخوند ملا علی همدانی، میرزا

محمد همدانی، و سید محمد تقی خوانساری تلمذ نمود.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی،  
شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد حجت کوهکمری، و سید محمد تقی  
خوانساری و حکمت را از محضر شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود. در  
حدود سال ۱۳۵۷ ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از محضر آیت الله سید

ابوالحسن اصفهانی بهره‌مند گردید، و در پی تقاضای اهالی ابهر و امر استادش اصفهانی به زادگاه خود مراجعت کرد، و به اقامه نماز جماعت در (مسجد جامع شهر) و انجام سایر وظایف پرداخت، و مورد توجه سایر اهالی گردید.

در سال ۱۳۶۲ ق در پی غائله توده‌ای‌ها در آذربایجان مجبور به مهاجرت و در تهران سکونت اختیار نمود، ابتدا چند سالی در (مسجد سلیمی) خیابان ناصر خسرو و بعداً در (مسجد باب الحوائج) خیابان صفا شهباز به اقامه جماعت، و انجام وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید.

از دیگر خدمات وی: تعمیر مساجد، به ویژه تجدید بنای «مسجد جامع» ابهر که از آثار باستانی محسوب می‌شود. و نیز احداث مدرسه‌ای برای طلاب علوم دینی و تکفل و تشویق طلاب به تحصیل علم می‌توان نام برد.

#### از آثار او:

۱ - مناسک حج (براساس فتاوی علماء).

۲ - تاریخ ائمه علیهم‌السلام.

ایشان در روز دوشنبه ۶ / جمادی ثانی / ۱۳۹۲ ق مطابق با ۲۶ / تیر / ۱۳۵۱ ش به سن ۶۸ سالگی در اثر سکت قلبی در تهران درگذشت، و در قبرستان باغ رضوان واقع در جنب قبرستان وادی السلام قم مدفون شد.

فرزندش: دانشمند محترم سید نورالدین ابهری است و دامادش آیه‌الله سید محمد فاطمی ابهری است.

#### منابع

۱ - آثار الحجة ۲/ ۲۵۵.

۲ - آینه دانشوران ۴۱۱.

۳ - الفهرست لمشاهیر علماء زنجان ۱۵.

۴ - تاریخ زنجان ۳۲۶.

۵ - گنجینه دانشمندان ۴۲/۳.

## سید شمس الدین احمدی بروجردی

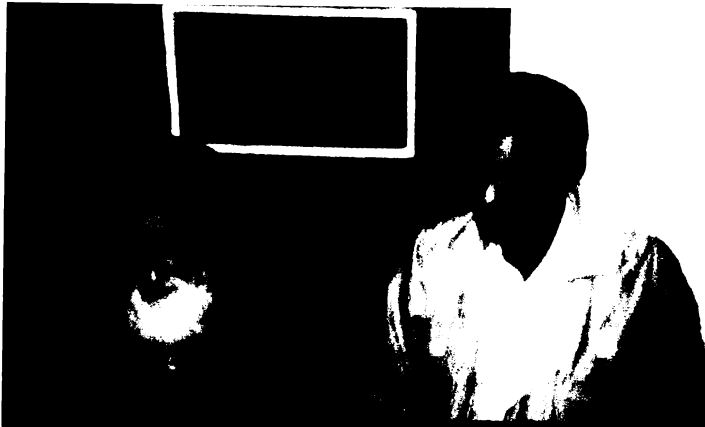
(۱۳۲۴ - ۱۳۲۰ ق)



سید شمس الدین فرزند علامه سید  
فخرالدین و نوۀ سید عبدالغفار طباطبائی  
احمدی بروجردی، از دانشمندان و  
فضلائی حوزه علمیه قم بود.  
وی در ربیع الاول / ۱۳۲۴ ق در  
بروجرد متولد گردید.

پدرش از دانشمندان متقی بروجرد  
و شوهرخواهر آیت الله سید حسین  
طباطبائی بروجردی و از جمله شاگردان  
میرزا جهانگیرخان قشقائی در اصفهان  
بود. او در روز چهارشنبه ۲۲ / شعبان /  
۱۳۶۴ ق در بروجرد در حدود سن ۷۰

سالگی درگذشت و در کنار مسجد خود واقع در محله صوفیان به خاک سپرده شد.





سید فخرالدین احمدی طباطبائی بروجردی

سید شمس‌الدین ادبیات و مقدمات را نزد: میرزا لطف‌الله فقیهی و شیخ محمد ابراهیم مدرس و شیخ حسین آقا ابو (ابن الشیخ) آموخت و دروس سطح را نزد حضرات آقایان: پدر ارجمند خود، سید اسماعیل گلپایگانی و شیخ کاظم دزفولی به انجام رساند. خارج را هم از محضر دائی خود آیت‌الله سید حسین طباطبائی بروجردی در بروجرد استفاده کرد.

ایشان در پی استقرار آیت‌الله بروجردی در قم، در سال ۱۳۶۵ ق خود

نیز به ایشان ملحق شد و از دروس وی و شیخ محمد علی حائری کرمانی بهره‌مند شد. مرحوم احمدی که از شخصیت والایی برخوردار بود، به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت.

از آثار او: تقریرات درس آیت‌الله بروجردی.

شرح حال فوق به تاریخ اواسط / اردیبهشت / ۱۳۷۴ ش در منزلشان در قم و مجدداً در ۲۹ / اسفند / ۱۳۷۴ ش یادداشت گردید.

متأسفانه در اثر کھولت سن و درگذشت همسر خود، چند ماهی به تهران منتقل شد و در روز چهارشنبه ۲۹ / ذی‌الحجه / ۱۴۲۰ ق مطابق با ۱۷ / فروردین / ۱۳۷۹ ش در یکی از بیمارستانهای تهران حیات را وداع گفت. پیکرش در غره محرم در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.



## شیخ شهاب‌الدین اشراقی قمی

(۱۳۴۲-۱۴۰۱ ق)



شیخ شهاب‌الدین فرزند علامه  
میرزا محمد تقی اشراقی و نوه آیت‌الله  
میرزا محمد ارباب قمی، از فضلا و  
اندیشمندان معاصر بود.

وی در سال ۱۳۴۲ ق در قم دیده  
به جهان گشود.

اشراقی پس از اخذ دیپلم به  
تحصیل علوم دینی روی آورد و  
مقدمات را نزد پدر ارجمند خود  
آموخت. آنگاه شرح لمعه را خدمت  
آیت‌الله شیخ جعفر صبری قمی (دام

ظله) که فعلاً در کاشان سکونت دارند، خواند. و قسمتی از دروس سطح را نزد  
آیت‌الله سید محمد باقر طباطبائی سلطانی استفاده نمود. دروس خارج را از محضر  
آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، سید کاظم  
شریعتمداری و سید روح‌الله خمینی (پدر همسر خود) استفاده کرد و به تألیف و  
ترویج مذهب پرداخت.

### از جمله آثار او

- ۱- پاسداران وحی (در امامت - با همکاری شیخ محمد فاضل لنکرانی).
- ۲- چهره‌های درخشان (در تفسیر آیه تطهیر - با همکاری لنکرانی).
- ۳- دانستنی‌هایی از اسلام.

۴ - سخن حق در تفسیر قرآن (در چند جلد).

۵ - شرح کتاب طهارت از عروة الوثقی.

نامبرده در روز شنبه ۱۳ / ذی‌قعدة / ۱۴۰۱ ق مطابق با ۲۱ / شهریور / ۱۳۶۰ ش در یکی از بیمارستانهای تهران در سن ۵۹ سالگی درگذشت و جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در مسجد بالا سر حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام مدفون گردید.

#### فرزندانش:

۱ - آقا علی ۲ - آقا مرتضی که از طلاب علم می‌باشند ۳ - آقا محمد تقی و ۴ دختر.

#### منابع

۱ - اطلاعاتی از علامه حاج آقای سعید اشراقی (دام ظلّه).

۲ - گنجینه دانشمندان ۶۹/۲

### سید شهاب‌الدین مرعشی «آقانجفی»

(۱۳۱۵ - ۱۴۱۸ ق)

سید شهاب‌الدین (نامش محمد حسین است) فرزند علامه سید محمود و نوه آیت‌الله سید علی سیدالحکماء، حسینی مرعشی تبریزی، مکنی به «ابوالمعالی» و معروف به «آقانجفی» از مراجع شیعه و فقها و اساتید به نام حوزه علمیه قم بود. وی در صبح روز پنجشنبه ۲۰ / صفر / ۱۳۱۵ ق (یا ۱۳۱۸ ق) در نجف اشرف دیده به جهان گشود. مقدمات را نزد پدر خود و دیگران آموخت. دروس سطح را نزد حضرات آیات: سید محمد کاظم خرم‌آبادی، میرزا علی ایروانی، میرزا ابوالحسن مشکینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا محمود شیرازی، میرزا آقا (سید ابراهیم)



اصطهباناتی و شیخ محمد حسین قاجار  
تهرانی به پایان رساند.

در دروس خارج حضرات آیات:  
شیخ ضیاءالدین عراقی و سید  
ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. در  
سال ۱۳۳۹ ق به سامرا و کاظمین رفت  
و نیز مشغول تحصیل گردید و مجدداً به  
نجف مراجعت و سرانجام در سال  
۱۳۴۲ ق ابتدا به تهران و سپس در  
حوزه علمیه قم سکونت اختیار نمود و  
از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم

حائری یزدی بهره‌ها برد. سپس خود به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در  
صحن و حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام پرداخت.



سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی

سید رضا فیروزآبادی



خدمات و شرح حال آیت‌الله  
مرعشی بیش از این است که در چند  
صفحه نوشته شود، به همین خاطر به  
کتابهای که راجع به زندگی‌اش نگارش  
یافته، مراجعه شود.

خدمات و آثار اجتماعی و خیریه  
ایشان بسیار زیاد است که می‌توان به:  
کتابخانه بسیار بزرگ در قم، مساجد،  
حسینه‌ها و مدارس در سراسر ایران  
احداث و ایجاد فرمودند، اشاره نمود.

#### از جمله آثار قلمی ایشان:

- ۱ - مشجرات آل الرسول ﷺ
- ۲ - مصباح الناسکین ۳ - منیه الرجال فی
- شرح نخبة المقال ۴ - تعليقات احقاق
- الحق ( چند جلد ) ۵ - رساله عملیه ۶ -
- مناسک حج ۷ - المسلسلات فی مشایخ
- الاجازات ۸ - الرحلة الشیرازیه ۹ -
- الرحلة الاصفهانیة ۱۰ - نهاية القصوى
- فی التعليق علی العروة الوثقى ۱۱ -
- طبقات النسابین، دو جلد. الفوائد
- الرجالیة، مستدرک شهداء الفضیلة،



سید محمود مرعشی

سید علی مرعشی (سید الحکما)

مسارح الأفكار فی حل مطارح الانظار (حاشیه)، مفاتیح احادیث الشیعة، مصباح الهدایة فی حل معضلات الکفایة، دو جلد، المصطلحات الفقہیة (معجم)، حاشیة تذکرة القبور، حدیث الکساء و حدیث سلسلة الذهب، رسالہ افطسیة، سجع البلابل فی ترجمة صاحب الوسائل، الفتحة فی ترجمة السيد ابو الفتح عرشاهی، اللثالی المنتظمة و الدرر الثمنیة، روض الریاحین ۳ جلد، اعیان المرعشیین، مزارات العلویین و الانبیاء و الصحابة فی اقطار العالم، جذب القلوب الی دیار المحبوب (خاطرات)، رسالہ فی ترجمة السيد عبدالحسین الخاتون آبادی، رسالہ فی نسب سادات طغروود القمیین، تعلیقة علی عمدة الطالب، کشکول (چند جلد)، تعلیقة علی الفرائد، تعلیقة علی القوانين، تعلیقة علی شرح اللمعة، تعلیقة علی الحاشیة فی المنطق، تعلیقة علی المطول، السیر و السلوک، الجفر، نفی التحریف، رسالہ فی



سید فخرالاعلام آیت اللہی شیرازی / سید شہاب الدین مرعشی نجفی

سید رضا بہاء الدینی / شیخ صادق نصیری سراہی

ترجمة الفتال النيسابوری، رسالة مفرج الكروب فی ترجمة صاحب ارشاد القلوب،  
ترجمة السيد ابوالفضل الیمانی. و آثار بسیاری که در کتابهای مفصل تراجم آمده است.  
آیت الله مرعشی در شامگاه چهارشنبه ۷ / صفر / ۱۴۱۱ ق برابر با ۷ / شهریور  
/ ۱۳۶۹ ش در قم در سن ۹۶ سالگی در اثر سکته قلبی زندگی را وداع گفت. به  
همین خاطر در ایران و پاکستان به مدت سه روز، عزای عمومی اعلام شد. پیکر پاک  
ایشان در صبح روز جمعه تشییع و در کنار کتابخانه خود - واقع در خیابان ارم - مقارن  
ظهر به خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

۱ - سید محمود، ۲ - سید محمد جواد، ۳ - سید امیر حسین، ۴ - سید کاظم.

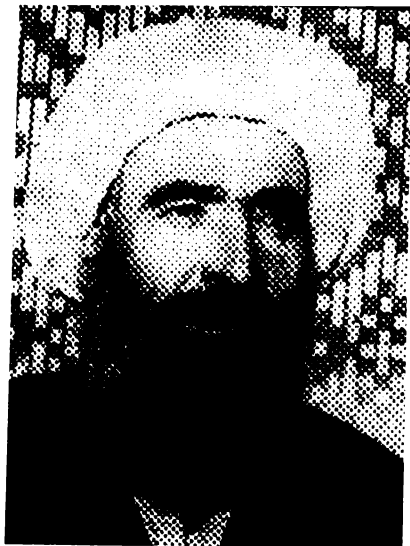
#### کتابهای منتخب

- ۱ - آثار الحجة ۴۶/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۱۷۷.
- ۳ - الاجازة الكبيرة ۵۱۹.
- ۴ - تاریخ علماء و شعراي گیلان ۱۷.
- ۵ - رجال اصفهان یا تذکرة القبور، در مقدمه ص ید.
- ۶ - علماء معاصرین ۲۱۷.
- ۷ - گنجینه دانشمندان ۳۷/۲.
- ۸ - گنجینه دانشوران ۱۵.
- ۹ - مؤلفین کتب چاپی ۴۵۵/۳.

### شیخ شهاب‌الدین مصطفوی همدانی

(۱۳۱۸ - ۱۳۷۸ ق)

حاج شیخ شهاب‌الدین فرزند حسن مصطفوی همدانی، متخلص به «بیدل»، از  
دانشمندان و اساتید و معارف حوزه‌ها بود.



وی در ۱۵ / شعبان / ۱۳۱۸ ق در  
قریه (سوزن) از توابع همدان متولد  
گردید.

مصطفوی پس از طی مقدمات، در  
سال ۱۳۳۷ ق به همدان رفت و ادبیات  
را نزد شیخ هاشم همدانی آموخت،  
سپس به فارسجین رفت و در مدرسه  
یمنی نزد آیت الله شیخ مقیم زنجانی  
تلمذ نمود و در سال ۱۳۴۳ ق به قم  
مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید  
محمد حجت کوهکمری، سید محمد

تقی خوانساری، سید علی یثربی کاشانی، میرزا محمد فیض قمی، شیخ محمد  
علی حائری قمی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در فقه و اصول و از شیخ  
محمد علی شاه آبادی در حکمت استفاده نمود و خود به تدریس سطح پرداخت.  
ایشان به همراه ۳۹ نفر دیگر از فضلاء مهذب به دستور آیت الله حجت جهت  
ادای نماز استسقا به جمکران رفت و نماز را به جا آورد و هنگام بازگشت به شهر  
باران زیادی بارید.

او در سال ۱۳۶۱ ق به دعوت مردم ملایر به آن شهر رفت و به ترویج مذهب  
پرداخت. و خدمات بزرگی انجام داد از جمله آثار خیریه اش در ملایر: تعمیر مدرسه  
شیخ ملوکی، احیای زمینهای کاظم آباد، بنای مسجد حسیب خانی فاطمیه و مسجد  
صفی، ایجاد غسل خانه، و احداث پل است.

از آثار او

۱- رساله فی البیع و الخيارات.

۲- اصول دین.

۳- قاعدة لا ضرر.

۴- حاشیه علی مصباح الفقیه.

۵- مقدمة فی علم التفسیر.

سرانجام روح پاک و قدسی‌اش در شب سه‌شنبه ۳ / ذی‌القعدة / ۱۳۷۸ ق مطابق با ۲۱ / اردیبهشت / ۱۳۳۸ ش در سن ۶۰ سالگی در ملایر به ملا اعلی پیرگشود و در جوار علی بن جعفر علیه السلام قم مدفون گردید.

منابع

۱- آثار الحجة ۳۵۷/۲ (تولدش را در سال ۱۳۲۳ ق نوشته است).

۲- آینه دانشوران ۲۴۲ (تولدش را در سال ۱۳۲۲ ق نوشته است).

۳- بزرگان و سخن سرایان همدان ۲۳۱/۲.

۴- گنجینه دانشمندان ۲۱۶/۷.

۵- معلومات متفرقه.

۶- نقباء البشر ۶۹/۲.

## شیخ شهاب‌الدین نراقی کاشانی

( ۱۳۵۰ ق )

حاج شیخ شهاب‌الدین فرزند علامه میرزا فخرالدین و نوه آیت‌الله ملا محمد نراقی کاشانی، از دانشمندان و بزرگان کاشان به شمار می‌رفت. وی در شهر کاشان دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از طی مقدمات و سطوح به حوزه نجف اشرف عزیمت کرد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت‌الله ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. آنگاه به زادگاهش بازگشت و به هدایت و ارشاد مردم پرداخت. مرحوم نراقی تولیت مدرسه سلطانی کاشان را برعهده داشت.



وی از آیت الله ملا حبیب الله کاشانی ساوجی اجازه روایتی دریافت داشته بود.  
از آثار قلمی او: ۱- البدائیة فی مسألة البداء.

ایشان در روز جمعه ۲۶ / شوال / ۱۳۵۰ ق مطابق با ۱۳ / اسفند / ۱۳۱۰ در کاشان درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

۱- الاجازة الكبيرة ۵۳۸.

۲- نعباء البشر ۸۴۶/۲.

## میر شهاب الدین نیریزی

(۱۲۵۵-۱۳۲۷ ق)

میر سید شهاب الدین فرزند سید نورالدین حسینی نیریزی شیرازی، فیلسوفی بزرگ و دانشمندی سترگ بود.  
تولدش در سال ۱۲۵۵ ق در شهر شیراز اتفاق افتاد.

### تحصیلات

علامه نیریزی تحصیلات خود را در شیراز آغاز کرد و بخشی از دروس فقه و اصول را نزد علامه شیخ مهدی مازندرانی شیرازی و دروس حکمت را نزد شیخ عباس دارابی و ملا آقا جهرمی فراگرفت. سپس رهسپار تهران شد و دروس عالی فقه و اصول را نزد علامه میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت را نزد اساتیدی چون: شیخ محمد رضا قمشه‌ای، ملا علی مدرس زنوزی و سید ابوالحسن جلوه اصفهانی به پایان برد.

وی پس از آن خود به تدریس کتابهای حکمت و عرفان در مدرسه‌های صدور مروی تهران پرداخت. علاوه بر این در فقه و اصول ید طولائی داشت، و جمع کثیری از محضر وی در علوم و فنون مختلف به ویژه در فلسفه استفاده نمودند.

آثاری که از قلم آن جناب به رشته تحریر درآمده و از آن یاد می‌کنند دو کتاب است که عبارتند از:

۱ - رسالة فی حقیقة الوجود.

۲ - حاشیه بر تمهید القواعد (اثر ابن ترکه) که در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره (۲۳۷۰۸) نگهداری می‌شود.

علامه حاج آقابزرگ تهرانی درباره اش می‌نویسد:

« حتی أصبحت له فی الفلسفة قدم راسخة، وأصاب حظاً عظيماً و كان بارعاً فی الفقه والاصول أيضاً، وله فی العرفان أشواط بعيدة، استقل بالتدريس فی الحکمة وغيرها «بمدرسة الصدر» فی طهران بعد وفاة استاذہ القمشهی، فاستفاد منه جمع من الفضلاء، و تخرج علیه کثیر من طلاب العلم، و كانت له مکانة فی الاوساط العامة فی طهران... ».

از جمله شاگردان ایشان می‌توان به حضرات آیات زیر اشاره کرد:

۱ - میرزا مهدی آشتیانی، که حکمت عالی را نزد ایشان خواند.

۲ - میرزا احمد آشتیانی، که شاگرد اسفارش بوده است.

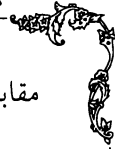
۳ - شیخ عبدالحسین رشتی (صاحب شرح کفایة الاصول).

۴ - سید محمد کاظم عصّار تهرانی، که حکمت عالی و اسفار اربعه و شواهد ربوبیه و مبدأ و معاد ملاصدرا را از محضر ایشان استفاده نموده است، و چنانچه استاد عصّار در شرح حال خود مرقوم داشتند: نیریزی دو حلقه درس تشکیل می‌نموده، یکی آزاد برای همه و دیگری را فقط جهت خواص منعقد می‌ساخت.

۵ - شیخ آقابزرگ تهرانی، که مدتی از درس ایشان استفاده نموده است.

۶ - شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیرکلائی» که هم شاگرد و هم وصی ایشان بوده است، و بر حسب وصیت ایشان جسدش را در قم به خاک سپرد.

علامه نیریزی پس از عمری تحقیق و تدریس سرانجام در ۱۴ / ربیع الاول / ۱۳۲۷ ق در سن ۷۲ سالگی در تهران بدرود حیات گفت و پیکرش به قم حمل و در



مقابر خاک فرج به خاک سپرده شد.

نامبرده برادری داشت به نام یوسف شهابی که اهل فضل و کمال بود و در سال ۱۳۶۲ ق درگذشت.

❦ منابع

- ۱ - الذریعه ۳۶/۲۵.
- ۲ - تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمتألهین ۶۸ و صفحات دیگر.
- ۳ - تذکرة الحکماء (اثر مدرس گیلانی - خطی).
- ۴ - نقباء البشر ۸۴۵/۲.

❦ ❦



## ص

## شیخ صابر کرهودی اراکی

( ۱۳۵۰ ق )

حاج شیخ صابر فرزند ملا محمد حسین کرهودی اراکی، دانشمندی توانا و فاضلی برجسته بود.

شیخ آقا بزرگ تهرانی وی را چنین معرفی می‌کند: (از معاصران، فقه و اصول و سایر علوم نزد بزرگان و دانشمندان عصر خود کسب کرد، سپس به وظایف دینی از قبیل: اقامه نماز جماعت و ترویج و نشر احکام الهی اشتغال ورزید، او از علمای محترم و بزرگان پذیرفته شده در سامان خود بود).

علامه شیخ مجتبی عراقی در کتاب خود «علماء گمنام» درباره ایشان چنین می‌نویسد:

این جانب راقم الحروف در ایام کودکی در کنگاور خدمت مرحوم حجة الاسلام آقا صابر کرهودی رسیدم، و معظم له در همراهی آقا زاده اش مرحوم آقا محمد از سفر کربلای معلی مراجعت می‌فرمود و بنظرم آمد که شخصی مهربان و خوش قلب و نیکو صورت و سیرت و مبادی آداب و علاقه‌مند به احکام شرع مواظب مستحبات و عبادات و علاقه‌مند به احیای مراسم امر به معروف و نهی از بود، و به

زبان مرسوم در کرهرود با مردم صحبت می‌کرد، و شنیدم و نقل کردند در ایام حکومت رضاخان پهلوی شبی از شبها سوار حیوان سواری خود به چند نفر از پاسبانها مصادف می‌شود و می‌گوید: آی آقا بیا جلو ببینم، پس از آمدن پاسبانها می‌گوید: شنیده‌ام شماها آدمها را می‌گیرید پس چرا مرا نمی‌گیرید؟! آنها با خنده می‌گویند: آقا کی ما آدمها را می‌گیریم: و مرحوم دکتر ابوالقاسم خان مؤید الاطباء پاشائی که از دکترهای بسیار حاذق بود، لطائف ظریفی از ایشان نقل می‌کرد که نقل آنها بطول می‌انجامد فرحمة الله علیهم اجمعین.

این عالم زاهد در سال ۱۳۵۰ ق مطابق با ۱۳۱۰ ش در اراک به رحمت ایزدی پیوست و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان شیخان دفن گردید.  
فرزندانش: ۱- شیخ محمد واعظ که مدفون در قبرستان حاج شیخ قم است. و دو دختر که آخوند ملا علی نقی کرهرودی دامادش بود.

منابع

۱- علماء گمنام ۲۰۱.

۲- نقباء البشر ۸۵۰/۲

## میرزا صادق تبریزی

(۱۲۶۹-۱۳۵۱ ق)

خاندان معظم له:

ایشان فرزند عالم فقیه و متکلم میرزا محمد آقا معروف به (بالا مجتهد) پسر آیت الله ملا محمد علی قراچه داغی دینوری (صاحب شرح تبصره علامه حلی و داماد میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریزی) است.

معظم له چهار برادر داشته ۱- آیت الله حاج میرزا محسن آقا مجتهد (صاحب تبیین المحجة الی تعیین الحجة) ۲- آیت الله حاج میرزا عبدالحسین آقا ۳- آیت الله حاج میرزا احمد آقا (صاحب نظام العالم) ۴- آیت الله حاج میرزا عبدالحلی آقا

مجتهد و نیاکانش تا هفت پشت از علما و فقهای بزرگ شیعه بوده‌اند.

### ولادت و تحصیل

در سال ۱۲۶۹ ق در خاندانی علمی، در شهر تبریز به دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر به پایان رساند و در سن ۱۹ سالگی به سال (۱۲۸۸ ق) به همراه برادر بزرگتر خود علامه حاج میرزا محسن آقا مجتهد، برای تکمیل معلومات خود به نجف اشرف مسافرت کرد و مدت ۲۴ سال در آنجا ماند و از محضر اعظام و اساتید آنجا از جمله بزرگان زیر استفاده کرد و به درجه قدسیه اجتهاد نائل آمد و در همانجا به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و آنان از نظریات صائب و عمیق معظم له استفاده می‌کردند.

### اساتید او

- ۱ - سید مهدی قزوینی حلی.
  - ۲ - سید حسین کوهکمری «ترک».
  - ۳ - میرزا محمد حسن شیرازی.
  - ۴ - ملا محمد فاضل ایروانی (م ۱۳۰۶ م).
  - ۵ - ملا محمد فاضل شریانی.
  - ۶ - محمد حسن مامقانی (م ۱۳۱۳ ق).
  - ۷ - شیخ هادی تهرانی - صاحب ذخائر النبوة (متوفای ۱۳۲۱ ق) که بیشتر تلمذ ایشان نزد وی بوده است و از آراء و نظریات استاد خویش طرفداری کرده و آنها را تأیید می‌نمود. مثلاً در عدم بطلان روزه بوسیله شرب تن، از فتوای استادش پیروی کرده و به همان گونه فتوی داده و عمل می‌کرد.
- وی نیز مدتی در کربلا اقامت کرد و از محضر ملا حسین فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی استفاده کرد.



همچنین ایشان مدت کوتاهی در دروس آیات: میرزا حبیب الله رشتی، سید علی بحرالعلوم و برادرش سید حسین بحرالعلوم و شیخ محمد طه نجف تبریزی بهره برده بود.

### بازگشت به ایران

معظم له در سال (۱۳۱۲ ق) به ایران آمد و در زادگاه خود تبریز اقامت گزید و به درس و بحث و افاده و وعظ و ارشاد پرداخت و در این شهر مرجعیت تامه داشت.

### تألیفات

- ۱- البیع و الخيارات.
- ۲- الفرق بين العقد الدائم والمنقطع.
- ۳- الفوائد فی مسائل فقهية - متفرقة -، این کتاب را در دوره تبعید خود در قم نوشته و در تهران در سال (۱۳۵۱ ق) به طبع رسیده است.
- ۴- المقالات الغربية فی تحقیق المباحث الاصولية، در سال (۱۳۱۷ ق) در تبریز به طبع رسیده است.
- ۵- الولاية الشرعية و انواعها.
- ۶- انوار الحقائق فی شرح القصيدة المنشأة فی مدح ائمة الناس بخیر الخلائق، انشا از مرحوم میرزا صادق آقا، بیت اول آن است:

|                            |                           |
|----------------------------|---------------------------|
| اتنوی بقاء الרכب و هو رحیل | ولا ظل يوماً دام ليس يزول |
| تشید داراً لست فیها بساکن  | و تهدم بیتاً انت فيه تزول |

۷- تقدیم الاحرام علی المیقات.

۸- حاشیه علی منهج الرشاد.

۹- حاشیه علی وسیلة النجاة.



- ۱۰ - دیوان شعر.
- ۱۱ - رساله در اصول دین.
- ۱۲ - رساله عملیه فارسی مشتمل بر اصول دین و مسائل اجتهاد و تقلید تا آخر مصارف خمس که در سال (۱۳۲۳ ق) به طبع رسیده است.
- ۱۳ - رساله فی المشتقات، در (۱۳۱۷ ق) در تبریز به چاپ رسیده است
- ۱۴ - رساله فی بعض مسائل الصلاة.
- ۱۵ - رساله فی شرائط العوضین، رساله در انتصاف المهر بالموت، رساله در ربا.
- ۱۶ - رساله مختصرة، چاپ قم.
- ۱۷ - شرح تبصرة المتعلمین (کتاب طهارت از ابتدا تا آخر احکام سلس است و به اتمام نرسیده).
- ۱۸ - طریق النجاة.
- ۱۹ - کتاب الصلوة در فقه، از اوّل مبحث صلاة تا آخر باب امامت و اقتدا در چهار جلد.
- ۲۰ - واجبات الاحکام (رساله عملیه) باب دیات که در سال (۱۳۴۵ ق) به چاپ رسیده است.

### خصایص و ملکات روحی ایشان

صاحب علماء معاصرین وی را این گونه می ستایند:

«ان حبر اعظم، وافر العقل، حديد النظر، عديم النظر، عميق الفكر بود، يقرأ مكتوب الغد من عنوان اليوم والمؤمن ينظر بنور الله.

پیش بینی او به نحوی بود که از امور فزیحه و قوانین مبتدعه قبل از وقوع، به فکر ثاقب و نظر صائب خود خبر می داد و همان طور می بود. حتی بعضی از اشخاص را معین می فرمود که به فلان امر متصدی خواهد شد و همان طور می شد. چنان صاحب حزم بود که احدی نمی توانست در امری به رأیش دخالت و غلبه



نماید. و نطق نمی‌کرد مگر به چیزی که نفع بخشد برای مردم در دین و دنیای ایشان و کسی را ذکر نمی‌کرد مگر به خیر و خوبی».

هم او در جای دیگر ایشان را این گونه توصیف می‌کند:

«اعلم وافقه و ادق نظراً و جمیل الخلق و حسن الخلق، حلیم، کریم، حکیم، قوی، شدید العزم، قوی القلب، بصیر در امور، صبور در شداید و ملّات و متصلّب در دین و شرعیات، طیب المحاوره، مترفق در محاضره، ادیب، منشی، شاعر، مجید، جید الخط، حسن الربط، و بالجمله خالق البریه جلّت عظمته نعم خود را در این وجود مسعود به اتمام رسانیده بود».

و صاحب احسن الودیعہ در ضمن ستایش از او، به صفت صبر وی اشاره کرده و گوید: «او مجهول القدر و صابر بر شدائد دهر است».

سبط او حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا مهدی صادقی گفتند:

او خیلی متواضع بود و بسیار مؤدب و حتی نزد من که نوه او بودم پایش را دراز نمی‌کرد و لباس در نمی‌آورد و اگر کسی به او بدی می‌کرد هرگز آن را به زبان نمی‌آورد و با اخلاق اسلامی با او مواجه می‌شد. یکی از منسوبین آن شادروان نوشته است:

(او) شخصی کریم، پشتیبان فقرا و مستضعفان و سیاستمداری هوشمند و متصلّب در دین و خوش محاوره و محاضره بود، تسلّطی قوی در ادبیات داشت و بسیار شعر می‌سرود، خطی زیبا و شیوه مخصوص در شکسته نویسی داشت و محبوبیت و نفوذ فوق العاده‌ای داشت.

مؤلف «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» می‌نویسد:

در شب عید فطر مردم از نصف شب به مسجد او می‌رفتند و برای خود جا می‌گرفتند و بعضی از مردم جای خود را به قیمت گران به اعیان و اشراف می‌فروختند.



### نمونه اشعار معظم له

آن مرحوم را اشعاری است در زمینه های زیر:

قصیده ای در قیام امام حسین علیه السلام و نوائب عاشورا، و قصیده ای در رثای علی اکبر علیه السلام که در کتاب وقایع الایام - جلد محرم الحرام - ص ۴۱۷ و ص ۴۹۵ به چاپ رسیده است و فردی آن را شرح کرده و انوار الحقائق فی شرح القصیده المنشأة فی مدح اشبه الناس بخیر الخلائق و قصیده دیگری نیز در مورد اردبیل دارد که خاتمه همان کتاب مذکور است و قصیده دیگری در فاجعه فتنه روس و توپ بستن گنبد حضرت امام رضا علیه السلام دارد و قصیده رثائییه ای در رثاء مرحوم حاج میرزا عبدالکریم آقا - امام جمعه شهید تبریزی - دارد که در ص ۱۱۳ کتاب علماء معاصرین در ضمن شرح حال امام جمعه تبریزی و در کتاب شهداء الفضیلة ص ۳۹۳ مذکور است و ما در اینجا اشاره ای به قصیده مربوط به توپ بستن بارگاه امام رضا علیه السلام می نمائیم:

تجدد رزه لم یکن یترصد      بنیرانه احشائنا تتوقد  
و اتی لکم رق و اسمی صادق      و امی الی انسابکم تتسند

### فرزندان ایشان

- ۱ - آقا میرزا جواد، که از شاگردان پدر خود بود، و در قم مدفون است. شیخ علی احمدی میانجی نقل می کند: آیت الله آقای بهاء الدینی فرمودند: در میان برادران تبریزی از نظر معنوی با کمالترا از آقا میرزا جواد برخورد نکرده ام.
- ۲ - میرزا رضا تبریزی، که این دو برادر تا آخر عمر مجرد زیستند.

### مبارزات ایشان

وی از بنیانگذاران نهضت اسلامی بر علیه زندقه و بی دینی و سیاستهای ضد اسلامی در کشورهای اسلامی در عمر خود بوده است. علناً با مشروطه مخالفت کرده، در دوران ملوک الطوائفی اواخر قاجار پیدایش مشروطیت و اوائل حکومت

پهلوی مبارزات قابل تقدیری داشته و با سخنان جذاب و دلنشین خود به افشای سیاستهای استعماری و حکام مستبد و قوانین موضوع آنها پرداخته است و آیت الله خمینی در سخنرانیهای خود در موارد متعدد به فداکاریها و مبارزات آیت الله میرزا صادق آقا اشاره فرموده اند: مثلاً برای سست کردن پایه های حکومت استبدادی رضا خان با قانون نظام وظیفه و سربازی اجباری مخالفت کرد و وقتی همه بازارها را به احترام نظر ایشان بستند، فرموده بود: ای کاش یکی از ما را می کشتند که اگر یک نفر از ما کشته می شد، کار تمام می شد.

سرانجام آقا میرزا صادق آقا و جمعی از علمای مبارز را به کردستان تبعید کردند و هنگامی که رضا خان، اقبال مردم را به آنان دید، دستور آزادی آنان را داد و هر کس به شهری رفت. اما میرزا صادق آقا در پادگان ماند و گفت من باید بدانم که گناه من چه بوده است. رضا خان دستور داد او را به قم تبعید کنند تا تحت الشعاع مرحوم حاج شیخ عبدالکریم قرار گیرد.

فاضل محترم حجة الاسلام آقای سید ابراهیم سید علوی در ارتباط با کناره گیری آقا میرزا صادق آقا از حکام و سلاطین قاجار و پهلوی می نویسد:

والد گرامی ام برایم نقل کرد که یک روز عبدالله خان طهماسبی گویا از سوی پهلوی می خواست با آقا دیدار کند. در آن موقع آقا میرزا صادق آقا در خانه نبود و در محله جامش آوان (جمشید آباد) یا عم زینه دین (عمو زین الدین) تبریز بود. عبدالله خان از محل زندگی آقا اطلاع یافت و به آنجا آمد و اجازه ملاقات خواست. اما آقا تمارض کرده، از ملاقات و دیدار با وی امتناع فرمود. ولی پس از آنکه او بر این اصرار ورزید به وی اجازه داده شد و بالاخره وارد اندرونی گردید. آقا در رختخواب نشسته و استراحت می کرد در همین حال با عبدالله خان مذاکره می فرمود. ناگهان صدای آقا بلند شد و شنیدیم آقا می فرماید: ای عبدالله خان، امکان ندارد من دستم را در دست این ستمگر بی دین بگذارم. من اگر نصف شب از دیوار خانه او بالا رفته و مشاهده کنم که او نماز شب می گزارد، باز باورم نمی شود و یقین دارم که حقه ای

در کار او است.

به هر حال معلوم شد که عبدالله خان آمده قرار ملاقات آقا را با پهلوی بگذارد. اما با مقاومت و امتناع آقا روبرو گردید.

نمونه دیگری، دفاع آن مرحوم از حقوق محرومانی است که توسط وابستگان قاجار به یغما می‌رفت. از جمله کسروی در تاریخ مشروطه ایران ص ۱۴۸ می‌نویسد:

یکی از رعایای تبریز به نام حاجی عباس، توسط ولیعهد و دار و دسته او مورد ستم قرار گرفته و ملکش تصرف عدوانی می‌شود. اما هر چه فریاد می‌کند و تظلم می‌نماید به جایی نمی‌رسد. سرانجام به خانه علما و مجتهدین پناه می‌آورد و راجع به غصب املاک و زمینهایش پرسشنامه‌ای تهیه و جواب می‌خواهد، آیت‌الله میرزا صادق آقا چون صحت ادعای آن رعیت مظلوم را می‌دانسته و به حقیقت ماجرا واقف بوده، جوابی به مضمون زیر می‌نویسد:

«اگر غصب املاک حاجی عباس درست است، پس غصب فدک هم درست بوده است».

علامه امینی می‌نویسد:

«او یکی از چهره‌های درخشان تشیع و از جمله دانشمندان متشخص امامیه است که در آذربایجان به مرجعیت تقلید رسید و سالها صاحب ریاست و زعامت دینی گردید. زعیمی که در اداره امور حسن تدبیر و در قضا و داوری، دادگر و در اظهار نظر، ثبات و پایداری و استواری نشان می‌داد و برای اصلاح جامعه برنامه‌هایی پیشرفته ارائه می‌نمود.

او همواره با هوشیاری و دوراندیشی و تحمل مشقات و مرارتها، مردم را رهبری می‌کرد و در مبارزه با کفر و الحاد از سختی‌ها و تلخی‌ها نمی‌هراسید و پیوسته با پند و اندرز و سخنان گیرا و نافذش بار مسئولیت را بدوش کشید.

شهید میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی می‌نویسد:

« آقا میرزا صادق آقا، فرزند میرزا محمد، فرزند مولی محمد علی قره داغی تبریزی، یکی از فحول محققین و از یگانه دانشمندان فقها و اصولیینی است که در علم اصول الفقه دارای مشربى تازه و ویژه است و آن را از استاد محقق خود شیخ هادی تهرانی نجفی رضوان الله علیه فرا گرفته است او (میرزا صادق آقا) مجتهدی است زاهد، عابد، بسیار کم حرف و متمایل به انزوا و گوشه گیری و دارای آثار و تألیف نیکویی است مثل: مباحث الفاظ، مشتقات و کتابی در فقه که من بخش طهارت آن را دیده ام. او که خداوند سلامتش بدارد از معاصران و فعلاً در قید حیات می باشد، پروردگار متعال را به رضای خویش موفق گرداند و پدرش مرحوم میرزا محمد نیز یکی از علمای عصر خویش و دانشمندی مورد اعتماد و مُشارِ بالبنان بوده و نزد عوام و خواص تبریز مقبولیت و محبوبیت داشته است و به عنوان بالامجتهد (مجتهد کوچک) خوانده می شده است.»

علامه سید محمد مهدی کاظمی اصفهانی می نویسد:

« و هو اطلال الله بقاء و من کل مکروه وقاه من کبار علماء ایران و احد مراجع الامامیه فی هذا الزمان، کانت له الرئاسة العامة و المرجعية الثّامة فی تبریز. سیرته الحكومة الايرانية فی الثورة المشهورة الّتی صارت فی تبریز الی بعض بلاد ایران.».

یعنی آقا میرزا صادق آقا یکی از علمای بزرگ ایران و از جمله مراجع تقلید شیعه امامیه در عصر حاضر است که صاحب ریاست عام و مرجعیت تام است و حکومت ایران به دنبال انقلابی که در تبریز رخ داد، وی را به برخی از بلاد تبعید کرد.

شادروان حاج ملا علی خیابانی می نویسد:

« بنابه موجبی به بلده سنندج، مقر حکومت کردستان مسافرت فرمود و اهالی آنجا با اینکه از جماعت عامه و اهل سنت شافعیه هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند و علمای ایشان هر روز می آمدند و به قدم وی در بلدشان افتخار می نمودند. حتّی شیخ اجل شیخ شکرالله امام جمعه سنندج گفت:

اگر ذبح ولد، شرعی بود. من یکی از اولادم را ذبح می‌کردم».

مرحوم مهدی مجتهدی می‌نویسد:

«رضا شاه دستور داد میرزا صادق آقا را گرفتند و به سردشت روانه ساختند.

وی مدتی آنجا بود تا به قم تبعید گردید».

علامه سید حسن امین عاملی می‌نویسد:

«او فقیهی بوده مجتهد، مرجع تقلیدی محبوب، انسانی زیباروی، نیکو

معاشرت، بردبار، خوش خط، واعظ و سخنور، دارای سعه صدر و قریحه شعر بوده

است. حکومت ایران در انقلاب مشهور که به سال ۱۳۴۷ ق، رخ داد او را به برخی

بلاد ایران، سپس به قم تبعید کرد».

محقق متبّع، شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد:

«او وجود خود را وقف تدریس، نشر احکام، سود رسانی به مردم، رفع احتیاج

نیازمندان، مبارزه با بدعت‌ها و بی‌دینی‌ها و پاسداری از حریم دین و دیانت کرد و

در این مسیر رنجی فراوان و ناملایماتی فزون از حد که کوههای عظیم و سخت را

تحمل توان آنها نیست، دید و با قلبی محکم و حوصله‌ای شگفت‌انگیز، همه آنها را

به جان خرید و خویشان را در راه خدا برای هر رویداد تلخ و ناگواری آماده ساخت

و در آخر عمر در قم رحل اقامت افکند».

خیرالدین زرکلی می‌نویسد:

«حکومت پهلوی وی را به ری! تبعید کرد، او آزاده‌ای بود که بر بالای منبر

زشتکاریهای پهلوی را مطرح می‌کرد و لذا پلیس او را دستگیر و نخست در همدان

زندانی کرد و سپس به قم تبعید نمود و در همان جا از دنیا رفت».

و بالاخره علامه شیخ محمد حرزالدین می‌نویسد:

«آقا صادق قره‌داغی، عالمی بود که در برابر سلطهٔ مزدور بیگانه در ایران

ایستاد. کسی که من به او و صحت سخنانش اطمینان دارم و در ایام تبعید وی (آقا

میرزا صادق آقا) توسط حکومت ترس و وحشت پهلوی همراهش بوده برای من

تعريف می‌کرد که در زهد و تقوای میرزا صادق آقا شک و شبهه‌ای نیست و او از یگانه‌های دوران بوده که جز امر به معروف و نهی از منکر هم‌تی نداشت و همین معنی بر حکومت پهلوی و مأموران مزدور او، گران می‌آمد.

### امداد غیبی

نوه ایشان جناب آقای صادقی نقل کردند هنگام تبعید ایشان از کردستان به قم، آقا نماز نخوانده بود. هر چه از مأمورین خواهش می‌کند تا توقف کنند تا ایشان نماز بخوانند، آنها امتناع ورزیده و توقف نمی‌کنند. طولی نمی‌کشد که ماشین پنجر می‌شود و مأمور رو به آقا کرده و می‌گوید حالا هر چقدر دلت می‌خواهد نماز بخوان!

آری خداوند سبحان بندگان مخلص و مجاهد را در کورانها و بحرانهای زندگی کمک می‌کند و آنان را از تنگنارهایی می‌بخشد که: ﴿والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا﴾.

سید عبدالحسین دستغیب در «داستانهای شگفت» تحت عنوان «کرامت علما» می‌نویسد:

جناب آقای حاج معین شیرازی ساکن تهران نقل فرمودند که روزی به اتفاق یکی از بنی‌اعمام در خیابان تهران ایستاده منتظر تاکسی بودیم تا سوار شویم و به محل موعودی که فاصله زیادی داشت برویم.

قریب نیم ساعت ایستادیم هر چه تاکسی می‌آمد یا پر از مسافر بود یا نگه نمی‌داشت و خسته شدیم. ناگاه یک تاکسی آمد و خودش توقف کرد و به ما گفت آقایان بفرمائید سوار شوید و هر جا می‌خواهید بفرمائید تا شما را برسانم. ما سوار شدیم و مقصدمان را گفتیم در اثنای راه من به ابن عمم گفتم شکر خدای را که در تهران یک راننده مسلمان پیدا شد که به حال ما رقت کرد و ما را سوار نمود. راننده شنید و گفت: آقایان تصادفاً من مسلمان نیستم و ارمنی هستم گفتم: پس چطور

ملاحظه ما را نمودی. گفت: اگر چه مسلمان نیستم، اما به کسانی که عالم مسلمان هستند و لباس اهل علم در بردارند عقیده مند و احترامشان را لازم می دانم بواسطه امری که دیدم.

پرسیدم چه دیدی؟ گفت سالی که مرحوم آقای حاج میرزا صادق مجتهد تبریزی را به عنوان تبعید از تبریز به کردستان (سنندج) حرکت دادند من راننده اتومبیل ایشان بودم. در اثنای راه نزدیک به درخت و چشمه آبی شدیم. آقای تبریزی فرمودند: اینجا نکه دار تا نماز ظهر و عصر بخوانم. سرهنگی که مأمور ایشان بود به من گفت: اعتنا نکن و برو، من هم اعتنائی نکرده رفتم تا محاذی آب رسیدم، ناگهان ماشین خاموش شد. هر چه کردم روشن نگردید، پیاده شدم تا سبب خرابی آن را بدانم هیچ نفهمیدم مرحوم آقا فرمود حالا ماشین متوقف است بگذارید نماز بخوانم. سرهنگ ساکت شد آقا مشغول نماز گردید. من هم سرگرم باز کردن آلات ماشین شدم، بالاخره هنگامی که آقا از نماز فارغ شد و حرکت کرد فوراً ماشین روشن گردید. از آن روز من دانستم که اهل این لباس نزد خدای عالم محترم و آبرومندند.

### وفات و مدفن

ایشان به دنبال کسالت ذات الریه در شب جمعه ششم / ذی القعدة / ۱۳۵۱ ق مطابق با ۱۲ / اسفند / ۱۳۱۱ ش در اثر بیماری در سن ۸۲ سالگی در قم از دنیا رحلت کرد و چون صبح جمعه فرا رسید اهالی قم و زائرین حضرت معصومه علیها السلام از ارتحال ایشان باخبر شده و قم یکپارچه عزادار گردید.

مراسم تغسیل و تکفین وی را عالم و روح و متقی شیخ مهدی محدث واعظ به عهده گرفت و نماز وی را مرحوم آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی «کبیر» خواند و بطوری که صاحب علماء معاصرین نوشته تقریباً پانزده هزار نفر در تشییع حاضر و مردم مثل عاشورا گریه و ناله می کردند و می خواندند:



رفت از دار فنا      سوی بقا سرور ما      خاک غم بر سر ما و ...  
 جنازه وی را به حرم حمل کردند و در کنار ضریح مقدس حضرت معصومه علیها السلام  
 و به هنگام حفر قبر، قبر آماده‌ای پیدا شد و مردم را به تعجب واداشت، زیرا حتی  
 خدام آستانه مقدسه احتمال نمی‌دادند که در رواقین اطراف حرم چنین قبر  
 حاضری، خالی وجود داشته باشد.

به دنبال این حادثه جبران‌ناپذیر در اکثر بلاد ایران و نجف مجالس ترحیم برگزار  
 شد و بازار برخی از شهرها بسته شد در قم مرحوم آیت‌الله حائری و در مشهد از  
 طرف آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر و در  
 نجف از ناحیه مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و دیگران نیز مجالس  
 یادبودی برگزار گردید و در آذربایجان از طرف اقشار مختلف و خانواده ایشان  
 مخصوصاً اخوان معظمش مجلس تذکر و یادبود با شکوهی برگزار و پس از مدتی به  
 خاطر کثرت ازدحام مردم در این مجالس، دولت رضا خانی از ترس اینکه شاید این  
 اجتماعات به تظاهرات بر علیه رژیم منجر شود، انعقاد مجالس را ممنوع نمود با  
 این همه مجالس فاتحه و اطعام فقرا در شهرهای: همدان، زنجان، اردبیل، مراغه،  
 ارومیه و خوی بطور بی‌سابقه‌ای برپا شد.  
 ماده تاریخ وفاتش به عربی (قد انجاه الله تعالی من ایدی الظلمة) و به فارسی  
 (قوام ملت و دین بوده مقتدای انام).

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۳۶/۱.
- ۲ - احسن الودیعة ۷۱/۲.
- ۳ - اعیان الشیعة ۳۶۶/۷.
- ۴ - الاجازة الکبيرة ۶۳.
- ۵ - الاعلام «الزرکلی» ۱۸۶/۳.
- ۶ - المسلسلات فی الاجازات ۴۰۲/۲.



- ۷ - المفصل فی تراجم الأعلام (خطی - اشکوری).
- ۸ - تاریخ و جغرافیای ارسباران ۲۴۸.
- ۹ - چهره آذربادگان در آئینه تاریخ ایران ۱۷۶.
- ۱۰ - دائرةالمعارف تشیع ۸۳/۴.
- ۱۱ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۱۰۳.
- ۱۲ - سخنوران آذربایجان ۸۰۰/۲.
- ۱۳ - شهداء الفضيلة - پاورقی - ص ۳۹۲.
- ۱۴ - علماء معاصرین ۱۵۳.
- ۱۵ - کیهان اندیشه، ش ۱۰ و ش ۱۶ مقاله آقای سید ابراهیم سید علوی تحت عنوان «بیان صادق» (که از آن بسیار استفاده شد).
- ۱۶ - گنجینه دانشمندان ۲۳۶/۱ و ۴۵۸/۴.
- ۱۷ - معارف الرجال ۲۲۶/۳ و ۳۷۴/۱.
- ۱۸ - معجم المؤلفین ۳۱۷/۴.
- ۱۹ - مکارم الآثار ۲۰۶۵/۶ (تولدش را در سال ۱۲۷۴ ق دانسته است).
- ۲۰ - مؤلفین کتب چاپی ۴۸۱/۳.
- ۲۱ - نقباء البشر ۸۷۳/۳ (تولدش را در سال ۱۲۷۴ ق دانسته است).
- ۲۲ - وقایع الایام - جلد محرم - ۴۱۷ و ۴۹۵.

## صادق جوادی خرم‌آبادی

(۱۲۹۶ - ۱۳۶۵ ق)

صادق فرزند شیخ باقر جوادی، از چهره‌های با نفوذ شهر خرم‌آباد بود. وی در سال ۱۲۹۶ ق مطابق با ۱۲۵۷ ش در خرم‌آباد تولد یافت. اجدادش اصالتاً اهل اصفهان بودند که از دیرباز به لرستان و مرکز آن، خرم‌آباد مهاجرت کرده و متوطن شده بودند. آقا صادق در مکتب خانه قرآن، گلستان سعدی و مقداری سیاق فراگرفت، و به





خواست پدر مقدمات عربی را هم خواند. آنگاه در اوان جوانی به کار و تجارت روی آورد و در کنار تاجران مهم آن روز به خرید و فروش کالاهای مختلف پرداخت.

او در سال ۱۳۰۷ ش که ادارهٔ بلدیه (شهرداری) تأسیس یافت، به سمت رئیس انجمن شهر انتخاب شد. در سال ۱۳۱۱ ش که مسألهٔ الغای قرارداد داری نفت جنوب مطرح گردید در

سبزه میدان سخنرانی کرده و مطالبی بر علیه سیاست استعماری بیان داشت. وی شخصی فهیم، مطلع و باهوش بود و در اختلافات گروه‌ها و افراد نافذ الکلمه بود. جوادی در سال ۱۳۶۵ ق مطابق با ۱۳۲۵ ش در خرم‌آباد چشم از این جهان پوشید و پیکرش طبق وصیت خود به قم حمل و به خاک سپرده شد.

❦ منع

۱ - مشاهیر لر ۲۲۶.

## سید صادق حسینی رشتی

(۱۲۶۴ - ۱۳۵۴ ق)

از علما و فقهای بزرگ رشت بود.

## تحصیلات عالی

وی پس از طی مقدمات و سطوح در رشت به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: سید حسین کوهکمری، میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ زین‌العابدین

مازندرانی در فقه و اصول، و میرزا حسین نوری در علم الحدیث استفاده نمود.

### مراجعت به رشت

وی پس از انجام تحصیلات عالی خود و دریافت اجازات علمی و روایی از آیات: میرزا حسین نوری، شیخ محمد طه نجف تبریزی و میرزا محمد علی مدرس چهاردهمی گیلانی به رشت مراجعت کرد.

ایشان در رشت اقبال زیادی پیدا کرد و محل رجوع و قضای حوائج مردم شد، و نیز به اقامه جماعت و هدایت و وعظ و ارشاد اشتغال داشت و در نهایت زهد ورع و تقوا بود.

### از آثار او

- ۱ - حاشیه علی الرسائل.
- ۲ - حاشیه علی المکاسب.

### درگذشت

حسینی رشتی در حدود سن ۹۰ سالگی به سال ۱۳۵۴ ق مطابق با ۱۳۱۴ ش در رشت درگذشت و در قبرستان حاج شیخ در قم به خاک سپرده شد. بنا بر اظهارات آیت الله شیخ محمد لاکانی (مقیم رشت) ایشان به «سیگارودی» معروف بود و اولادی از او باقی نماند.

### منابع

- ۱ - الاجازة الكبيرة ۶۴
- ۲ - المسلسلات فی الاجازات ۲/۲۴۷.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۷۷/۵.
- ۴ - نقباء البشر ۲/۸۵۳.

## سید صادق روحانی قمی

(۱۲۵۵-۱۳۳۸ ق)

حاج سید صادق فرزند میرزا زین العابدین حسینی قمی، جدّ سادات روحانی قم و از دانشمندان مشهور و فقهای نامدار عصر خود بود. در سال ۱۲۵۵ ق در قم دیده به جهان گشود.

### در حوزه‌های علمیه

وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در قم و اصفهان و تهران، (که در تهران از میرزا علی مدرس در حکمت استفاده نمود) در سال ۱۲۷۹ ق همراه با آیت‌الله شیخ غلامرضا قمی (حاج آخوند) به نجف اشرف رهسپار شد، و حدود سه سال از محضر شیخ الفقه شیخ مرتضی انصاری استفاده نمود، سپس مدت ۱۷ سال از محضر آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بهره‌مند گردید، و در سال ۱۲۹۶ ق به سامرا رفت و مدتی چند نزد آیت‌الله میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ کرد، و در سال ۱۲۹۸ ق به قم مراجعت نمود.

استاد علی اکبر فیض می‌نویسد: «حاج سید صادق یکی از اساتید و مدرسین این بلد شریف است، که طلاب علوم دین و محصلین سوم کشف و یقین همه روزه در مدرس تحقیقش حاضر شده، از خمیله فضلش اجتناء ثمرات فوائد می‌کنند، و از خرمن علمش التقاط حبات مطالب می‌نمایند.

اجداد و نیاکان و اقارب و عشایرش از تجّار متمولین با دیانت این بلد طیب‌اند. ولی این فرید یگانه و عالم فرزانه از شغل موروثی اجدادی روی بتافت، و با شوقی تمام و جدّی مستدام به تحصیل علوم که میراث انبیاء علیهم‌السلام است به پرداخت.

تکمیل مقدمات اجتهاد را در اصفهان و تهران و سایر بلدان ایران نمود، سپس با عزمی راسخ و شوقی غالب روی به اعتاب علیای نجف و کربلا آورد، و اندر آن

تربت پاک در محضر علما به خصوص حجة الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی - ادام الله ظلهما - چندان کوشش کرد که از حضيض تقلید به اوج اجتهاد مرتقی شد، از آن پس روی به وطن کرد.

او اکنون یکی از مفتیان و مدرسین این بلد شریف است که عقده کارهای متنازع فیه به ناخن رأی ایشان گشوده می شود، و فیصل حکومت شرعیه به کلک مشکین ایشان حواله می رود.

از جمله آثار خیر آن مرحوم، بنای مدرسه علمیه و مسجد عالی جنب آن، در محله سلطان محمد شریف قم که تا امروز برکات آن مشهود است.»

### از آثار او

- ۱ - تقریرات میرزای رشتی.
- ۲ - تقریرات میرزای شیرازی.
- ۳ - کتاب الزکاة، که نزد نواده اش آیت الله سید محمد صادق روحانی موجود است.

### درگذشت و اعقاب

وی در شب جمعه ۴ / ربیع اول / ۱۳۳۸ ق در سن ۸۳ سالگی درگذشت، و در قبرستان شیخان در جوار بقعه میرزای قمی دفن شد.

وی داماد آیت الله شیخ عبدالنبی ایروانی بود که از صبیبه ایشان دارای سه پسر و دو دختر شد و نیز عیال دیگری اختیار کرده بود.

### فرزندانش:

- ۱ - سید فخرالدین متخلص به (مصباح)، متوفای روز شنبه ۱۰ / شوال / ۱۳۴۹ ق مطابق با ۹ / اسفند / ۱۳۰۹ ش در سن ۳۹ سالگی مدفون و در صحن موزه

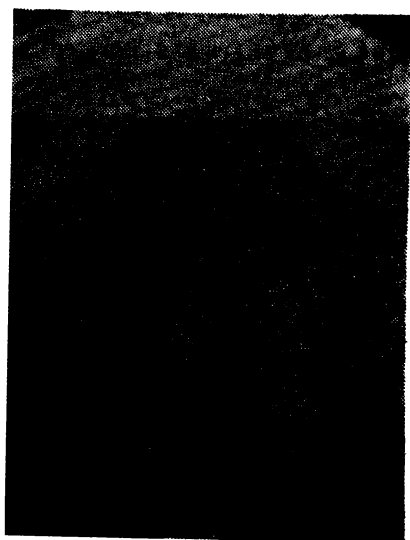
حضرت معصومه علیها السلام. وی در علوم جدید ید طولی داشت، و از دوستان نزدیکش علامه شیخ حسین لنکرانی و سید ضیاءالدین طباطبائی بود ۲ - سید محمود ۳ - سید ابوالحسن.

حاج سید ابوالحسن فرزند آیت الله سید صادق حسینی روحانی قمی، از دانشمندان و فضلا بود. وی در سال ۱۳۰۹ ق در قم متولد شد.

پس از نشو و نما به تحصیل علوم دینی روی آورد و پس از طی دوره های مقدمات و سطح در سال ۱۳۳۰ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آنگاه به قم مراجعت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فقه و اصول و آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی اخلاق و عرفان استفاده کرد.

از آثار او: کتابی مختصر در اخلاق.

نامبرده در روز دوشنبه ۶ / ذی قعدة / ۱۳۸۲ ق مطابق با ۱۲ / فروردین / ۱۳۴۲ ش در سن ۷۳ سالگی در نجف اشرف درگذشت.



شیخ محمد علی شاه آبادی

فرزندانش: (۱) علامه سید مهدی روحانی از جمله شاگردان آیت الله بروجردی است (۲) علامه سید هادی روحانی که شرح حالش در آثار الحجة ۲ / ۳۶ و گنجینه دانشمندان ۱ / ۳۳۶ آمده است.

۴ - سید ابوالقاسم ۵ - سید احمد و شش دختر که دامادهایش عبارتند از:  
۱ - علامه شیخ محمد علی شاه آبادی ۲ - علامه سید حسن بن عبدالله برقی ۳ - میرزا محمد تهرانی (حجة الاسلامی

عموی میرزا محمد تقی قمی مؤسس دارالتقريب ( ۴ - محمد باقر جواديان قمی ۵ -  
علامه شيخ مهدی حرم پناهی قمی ۶ - میرزا علی اکبر حسیبی یزدی (عموی  
مهندس کاظم حسیبی) .

تذکر: تولدش روی سنگ قبر (۱۲۵۳ ق) حک گردیده است.

منابع

- ۱ - تاریخ قم ۲۷۱.
- ۲ - رجال قم ۹۸.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۴۲/۱.
- ۴ - نقباء البشر ۸۵۵/۲.
- ۵ - هدية الرازی الى المجدد الشیرازی ۱۱۰.

## شيخ صادق سربندی بروجردی

(ح ۱۲۸۵ - ۱۳۶۵ ق)



حاج شيخ صادق سربندی فرزند  
علامه میرزا محمد بروجردی از  
دانشمندان زاهد و متقی بود.

معارف مقدماتی و سطوح را در  
بروجرد از اساتید عصر خود فراگرفت،  
و برای تکمیل تحصیلات از بروجرد به  
اصفهان رفت و از اعظم اعلام آن شهر  
چون: میرزا ابوالمعالی کلباسی،  
جهانگیرخان قشقائی، شيخ محمد علی  
ثقة الاسلام، و شيخ محمد تقی

اصفهانی مشهور به (آقا نجفی) استفاده کامل کرد و از اساتید نامبرده به اجازه اجتهاد



مجاز شد، و سپس به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاضه کرد. هم چنین از مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره ور و موفق به دریافت اجازه شد.

سپس به بروجرد مراجعت و به تدریس و افاضه مشغول گشت، و ضمناً در مجلس درس مرحوم آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی نیز شرکت می کرد. وی در شب پنجشنبه ۱۴ / جمادی اول / ۱۳۶۵ ق مطابق با ۲۶ / اردیبهشت / ۱۳۲۵ ش در بروجرد به رحمت ایزدی پیوست، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ دفن شد.

#### آثار قلمی ایشان:

مرحوم سربندی آثار علمی بسیاری در تفسیر و فقه و اصول و حدیث به جای گذاشت، که بعضی آنها با خط خودش در کتابخانه فرزند مرحوم برومندش حجة الاسلام حاج شیخ محمد تقی شریعت باقری متوفای غرة جمادی اول / ۱۴۰۵ ق و مدفون در بروجرد مقبره جهان آباد موجود است از جمله آنها:

- ۱ - تفسیر سورة فاتحة الكتاب، که گویا تقریرات بعضی اساتیدش باشد.
- ۲ - رساله استدلالی در بیع کلی.
- ۳ - رساله استدلالی در خیارات.
- ۴ - رساله استدلالی در وجوب صلوات بر پیغمبر ﷺ در موقع شنیدن و ذکر نام آن حضرت و در تشهد.
- ۵ - رساله در مقدمه واجب.
- ۶ - رساله در قضاء.
- ۷ - رساله در ولایت.
- ۸ - رساله در حجیت ظن.

۹ - مجموعه‌ای در احادیث متفرقه و اشعار و ادعیه.

اضافه بر تألیف و تدوین رسائل و کتب مذکور، چند کتاب نفیس نیز از آثار قدما به خط خود استنساخ کرده از جمله:

۱ - کتاب شهاب در حکم و آداب تألیف: شیخ یحیی بحرانی.

۲ - منهای الکرامه تألیف علامه حلی، که در سال ۱۳۰۵ ق در اصفهان استنساخ کرد.

۳ - قواعد شهید اول، که در سال ۱۳۰۶ ق در اصفهان استنساخ نموده است.

منبع

۱ - تاریخ بروجرد ۵۸۵/۲.

## شیخ صادق شیرازی

(ح ۱۲۷۲ - ۱۳۵۲ ق)

شیخ صادق فرزند رضا شیرازی، از فقها و بزرگان ساکن رشت گیلان بود.

وی در حدود سال ۱۲۷۲ ق متولد گردید.

نامبرده پس از نشو و نما و آموختن مقدمات به حوزه نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت الله میرزا حبیب الله رشتی کسب نمود و پس از سالیان دراز به ایران مراجعت کرد و در رشت سکونت اختیار نمود. و علاوه بر اقامه جماعت و تدریس متون کتب درسی، زعامت دینی را نیز بر عهده گرفت.

از آثار او: رساله عملیه.

شیرازی در روز سه شنبه عید غدیر خم سال ۱۳۵۲ ق مطابق با ۱۴ / فروردین / ۱۳۱۳ ش در حدود ۸۰ سالگی در رشت درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## میرزا صادق طاهباز تبریزی

(۱۲۸۲ - ۱۳۷۷ ق)

حاج میرزا صادق فرزند ملا احمد تبریزی، ملقب و متخلص به «طاهباز» یکی از دانشمندان و فضلالی تبریز بود.

وی در سال ۱۲۸۲ ق در تبریز دیده به جهان گشود.

### تحصیلات عالی

ایشان پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسط، جهت ادامه تحصیلات عالی رهسپار نجف اشرف گردید و مدت دوازده سال در آن سامان بسربرد و موفق به نیل درجه علمی خوبی گردید. آن گاه به زادگاهش بازگشت و به تدریس مقدمات و سطوح پرداخت و عده زیادی از فضلا از محضرش کسب فیض نمودند.

طاهباز، در سالهای آخر عمر - حدود ۱۲ سال - به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در پناه کریمه اهل بیت علیهم السلام زیست و به تدریس شرح لمعه پرداخت که درسش محفل بزرگی از طلاب را در برداشت. وی در تدریس در شرح لمعه تخصص داشت. نامبرده، مردی عابد، زاهد و پارسا که زهد و تقوای ایشان، زبان زد عام و خاص بود.

استاد طاهباز در ۲ / شعبان / ۱۳۷۷ ق در سن ۹۵ سالگی در قم درگذشت. پیکر ایشان در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. وی فرزندان زیادی داشت که عبارتند از پنج پسر و شش دختر از جمله فرزندان ایشان: ۱ - آقا خلیل ۲ - آقا جواد ۳ - آقا جمال و سه داماد اهل علم داشت که عبارتند از: ۱ - مرحوم علامه سید محمد کماری (پدر علامه سید مهدی کماری) ۲ - مرحوم علامه سید محسن میرغفاری آذرشهری ۳ - مرحوم میرزا ابوالقاسم حرمی خوئی که از جمله وعاظ تهران بود.

منع

۱ - افادات فاضل ارجمند سید علی میرغفاری فرزند سید محسن آذرشهری (مقیم تبریز).

## شیخ صادق فراخی خوئی

(۱۳۱۷-۱۴۰۹ ق)



حاج شیخ صادق فراخی فرزند علی  
خوئی از علمای معروف خوی بود.  
وی در سال ۱۳۱۷ ق مطابق با  
۱۲۷۸ ش در خوی متولد شد.

### تحصیلات

شیخ صادق ابتدا دروس جدید را  
تحصیل کرد، سپس به آموختن علوم  
دینی روی آورد و در مدت سه سال،  
مقدمات را در زادگاه خود آموخت.  
آنگاه در حدود سال ۱۳۴۵ ق به قم  
مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد

همدانی به پایان برد. دروس خارج را منحصراً از آیت الله سید محمد حجت  
کوهکمری استفاده نمود. و خود به تدریس پرداخت و پس از بیست و سه سال  
توقف در حوزه علمیه و درخواست اهالی خوی و امر آیت الله حجت به آن دیار  
مراجعت کرد و به اقامه جماعت و هدایت و تدریس اهتمام ورزید.

آثار قلمی ایشان که تمامی آنها از تقریرات درس آیت الله حجت می باشد، به  
شرح زیر است:

۱- اصول الفقه (دوره کامل).

۲- اللباس المشکوک.

۳- قاعدة لاضرر.

۴- كتاب الخمس.

۵- كتاب الصلاة.

۶- كتاب الصوم.

۷- كتاب الطهارة.

۸- كتاب المكاسب.

فراحي خوئی در روز ۱۷ / محرم / ۱۴۰۹ ق درگذشت و پیکرش در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد.

منابع

۱- آثار الحجة ۲/۲۹۷.

۲- آینه دانشوران ۴۲۰.

۳- گنجینه دانشمندان ۵/۹۵.

## شیخ صادق نصیری سرابی

(۱۳۳۱-۱۴۱۳ ق)



حاج شیخ صادق فرزند شیخ عباس نصیری سرابی، از دانشمندان و فضیای معاصر بود.

ایشان در سال ۱۳۳۱ ق مطابق با ۱۲۹۲ ش در شهر «سراب» آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود.

مهاجرت به قم

مقدمات را در سراب نزد پدرش آموخت، و در سال ۱۳۴۹ ق به قم

مهاجرت نمود، و سطح عالی را از محضر آیات: میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی ادیب تهرانی، شیخ عباسعلی شاهرودی، شیخ فاضل لنکرانی، سید شهاب‌الدین مرعشی و سید احمد زنجانی استفاده نمود، و از سال ۱۳۵۶ ق تا ۱۳۷۱ ق مرتباً در درس آیت‌الله سید محمد حجت کوهکمری حاضر و از دانش سرشار آن فقیه بزرگ بهره‌مند می‌شد و نیز از ورود آیت‌الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم تا سال رحلت ایشان از محضرش استفاده نمود، و پس از رحلت ایشان، از ملازمان آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی گردید، و جزو اعضای «لجنة احقاق الحق» درآمد، و در ضمن به تدریس سطوح اشتغال داشت.

یادآور می‌شویم که مرحوم نصیری در دروس منقول آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری، و دروس معقول آیت‌الله سید روح‌الله خمینی حاضر می‌شد.

### سجایای اخلاقی

وی مردی متین، مهذب، ذوفنون بود. کمتر سخن می‌گفت و همیشه در حال ذکر و یاد خدا بود. متأسفانه آن چنان که بود از محضرش استفاده نشد، و همواره درانزوا و عزلت گذرانید. صفا و صمیمیت در برخورد با او مشهود بود، هیچ‌گونه ادعا و ریا در کارش نبود.

### از آثار او

- ۱- رساله اجتماع امر و نهی.
- ۲- رساله ترتب.
- ۳- رساله قاعده لاضرر، که همه آن رسایل از تقریرات درس آیت‌الله حجت می‌باشد.
- ۴- رساله لباس مشکوک.

وی در روز پنجشنبه اول / محرم / ۱۴۱۳ ق مطابق با ۱۱ / تیر / ۱۳۷۱ ش درس

۸۱ سالگی در قم درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - آثار الحجة ۹۶/۲.

۲ - آینه دانشوران ۴۰۸.

۳ - گنجینه دانشمندان ۲۹۳/۲ و ۳۳۱/۵.

## سید صدرالدین تنکابنی

( ۱۳۷۰ ق )

سید صدرالدین فرزند سید هدایت الله تنکابنی، از فضلا بود.

وی در سال ۱۳۴۲ ق جهت ادامه تحصیلات خود از شمال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود و خود به تدریس متون کتب درسی اشتغال ورزید.

تنکابنی در روز جمعه ۷ / صفر / ۱۳۷۰ ق مطابق با ۲۸ / مهر / ۱۳۲۹ ش درگذشت و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - آینه دانشوران ۲۷۳.

۲ - بزرگان تنکابن ۱۲۴.

## سید صدرالدین صدر

( ۱۲۹۹ - ۱۳۷۳ ق )

سید صدرالدین (نامش محمد علی است) صدر، فرزند آیت الله سید اسماعیل

صدر موسوی - که از اکابر فقها و مدرسان سامرا و کربلا بود -.

ایشان در رجب / ۱۲۹۹ ق در خانواده ای اصیل و ریشه دار و مشهور به فضل و

ادب و تقوی در شهر «کاظمین» عراق به دنیا آمد.

وی دوران کودکی را در سامرا گذراند و ادبیات و ریاضیات را از اساتید وقت فراگرفت، هنگامی که پدر بزرگوارش در سال ۱۳۱۴ ق از سامرا به کربلا هجرت کرد همراه او به کربلا رفت، و سطوح را نزد اساتید آنجا چون: شیخ حسن کربلائی، شیخ عبدالوهاب شریعت، سید حسین فشارکی، شیخ جعفر هر، شیخ غلامحسین مرندی، شیخ علی بفروئی یزدی و پدرارجمند خویش خواند. و در سال ۱۳۲۸ ق به توصیه پدرش برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه نجف اشرف گردید، و از درس آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (یک سال واندی) و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره‌مند شد.

او یک سال پس از وفات پدرش (۱۳۳۹ ق) برای زیارت قبر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به مشهد رفت، و حدود پنج سال در مجاورت قبر امام هشتم علیه السلام به تدریس و ارشاد پرداخت. آنگاه مجدداً در سال ۱۳۴۴ ق به عراق بازگشت و در نجف اشرف ملازم درس آیت الله میرزا محمد حسین نائینی گردید و نیز از محضر آیات: سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شد. و پس از گذشت پنج سال، در سال ۱۳۴۹ ق برای دومین بار به ایران آمد و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکند و مشغول تدریس و افاده و احیاناً وعظ و ارشاد گردید، تا اینکه برای زیارت به مشهد مشرف شد، در آنجا از ایشان تقاضای اقامت دائمی گردید، ایشان پذیرفتند و به تدریس و اقامه نماز جماعت در مسجد گوهرشاد پرداختند. تا هنگامی که آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی که دوران کهولت خود را می‌گذراند، نگران آینده این حوزه جدیدالتأسیس بود، از این رو برای تقویت حوزه و تأمین آینده آن از آیت الله صدر خواستند که از مشهد به قم منتقل گردند، ایشان همین که از این پیشنهاد آگاه شدند، دعوت حائری را اجابت کرده و به قم آمدند، شیخ حائری از این جریان بسیار خرسند شدند.

صدر مورد توجه خاص حائری و درکارهای مهم یکی از مشاورین آن بزرگوار بودند، و بالأخره ایشان را وصی خود قرار داد و بر حسب پیشنهاد ایشان، آیت الله



سید محمد حجت نیز وصی گردید.

پس از وفات حائری از بین بردن حوزه علمیه قم یکی از اهداف رضا خان بود، و با توسل به شیوه‌های مختلف می‌خواست حوزه را متلاشی سازد. در آن دوران سخت آیت الله صدر با دو یار دیگرش آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید محمد حجت سرپرستی حوزه علمیه را به عهده گرفتند، و برای حفظ و توسعه حوزه مقدسه تا آنجا که توانائی داشتند کوشیدند، و بحمد الله موفق هم شدند و حوزه علمیه کنونی را باید از ثمرات آن کوششها و مجاهدتها دانست. صدر روزی دو درس می‌فرمود و در حوزه درس او حدود چهارصد نفر شرکت و استفاده می‌کردند.

### آثار علمی ایشان

۱ - المهدی، کتابی است شامل روایاتی که در کتابهای اهل تسنن پیرامون حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) وارد شده است. باید بدانیم که پیش از این تألیف، کتابی در این زمینه با آن نظم و ترتیب خاص نگاشته نشده و کاری کاملاً ابتکاری بود، و پس از آن «منتخب الاثر» به همان سبک با توسعه بیشتر تألیف شد. کتاب «المهدی» به فارسی ترجمه شده و هم اصل و هم ترجمه به چاپ رسیده است.

۲ - خلاصة الفصول، در حوزه‌های علمیه کتاب «قوانین» میرزای قمی و «فصول» شیخ محمد حسین اصفهانی کتاب درسی بود، ولی به خاطر طولانی بودن این دو کتاب معمولاً طلاب موفق به خواندن همه آنها نمی‌شدند و بخشی از یکی از این دو کتاب اکتفا می‌کردند، آن مرحوم با تلخیص کتاب فصول می‌خواستند این کتاب جایگزین آن دو کتاب شده و در حوزه‌ها تدریس شود، تا طلاب پیش از مشغول شدن به کتاب «رسائل» و «کفایه» یک دوره اصول را در سطح بالاتر از کتاب «معالم» دیده باشند. کتاب خلاصة الفصول یک بار چاپ شده است.

- ۳- الحقوق، همان رساله الحقوق حضرت امام سجاد علیه السلام است که با مقدمه‌ای کوتاه از ایشان مکرر چاپ شده است.
- ۴- مختصر تاریخ الإسلام، که دو جلد آن چاپ شده است.
- ۵- حاشیه عروة الوثقی، چاپ شده است.
- ۶- حاشیه وسیلة النجاة، چاپ شده است.
- ۷- سفینة النجاة (فقه فارسی).
- ۸- رساله در امر به معروف و نهی از منکر.
- ۹- رساله در تقیه.
- ۱۰- رساله در حکم ماء غسله.
- ۱۱- رساله در حج.
- ۱۲- رساله در نکاح.
- ۱۳- منظومه در حج.
- ۱۴- منظومه در صوم.
- ۱۵- رساله در حقوق زن در اسلام.
- ۱۶- حاشیه بر کفاية الأصول.
- ۱۷- رساله در اصول دین.
- ۱۸- رساله در اثبات عدم تحریف قرآن.
- ۱۹- رساله در ردّ شبهات وهابیه.
- ۲۰- لواء محمد صلی الله علیه و آله اخبار خاصه و عامه در ۱۲ جلد.
- ۲۱- مدینه العلم در اخبار اهل بیت علیهم السلام، در شش جلد.
- ۲۲- دیوان اشعار، قسمتی از اشعار ایشان به خصوص آنچه در مرثیه حضرت زهرا علیها السلام سروده‌اند از جاذبیت خاصی برخوردار و زینت بخش محافل و منابر است.
- ۲۳- حاشیه بر انیس المقلدین.

تألیفات یاد شده از شماره ۸ تا ۲۲ به زبان عربی است و متأسفانه چاپ نشده است.

### برخی از ویژگیهای آن مرحوم

۱ - آن مرحوم در تشویق طلاب بسیار کوشا بود. امتحانات هفتگی قرار داده بود و خود اوراق امتحانی آنان را تصحیح می کرد، و آنان را که سزاوار تشویق بودند با دادن جایزه مالی و غیره تشویق می نمود. به وضع طلاب و محصلین آبرومند و عفیف شخصاً رسیدگی می کرد. نسبت به طلاب چون پدری مهربان رفتار می کرد از بیست، سی قدمی با روی باز به آنان سلام می کرد و دلجویی می نمود، و راستی برای اهل علم پشت و پناهی بود.

۲ - ویژگی دیگر ایشان تواضع فوق العاده بود. حاج آقابزرگ تهرانی در شرح حال ایشان می نویسد: «وكان كثير التواضع يجالس سواد الناس».

۳ - عشق و علاقه سرشار به مقام ولایت داشت، این محبت فوق العاده را می توان در سروده های ایشان از قبیل: «قصیده غدیریه» و غیره لمس کرد.

۴ - همیشه به فکر ضعفاء و محرومین بود و مؤسسه ها و صندوقهایی ترتیب داده بود که از این راه به مستمندان کمک شود، و حتی گاهی با همه آن جلالت و وقار درب خانه این و آن می رفت تا شاید بتواند برای فقرا برگ و سازی تهیه سازد، به اندازه ای به فکر رفاه مردم بود که گاهی پول برق برخی خیابانها را که دولت به عذرهای واهی تأمین نمی کرد، متکفل می شد که مردم در زحمت نباشند و برای محله هایی که نیاز به آب داشتند در حد مقدور، سعی می کرد چاه آب و آب انبار بنا کند.

۵ - هنگامی که آیت الله بروجردی به قم آمدند ایشان محل اقامه نماز جماعت خود را به آن مرحوم تفویض کرد، و خود از ریاست و زعامت تا حد زیادی کنارگیری کرد، و در بیان فلسفه این کار این آیه شریفه را می خواند: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا

لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤﴾

### فرزندان و دامادهای ایشان

۱ - حاج سید رضا صدر، از مدرسین حوزه علمیه قم و دارای تألیفات زیادی بود.

۲ - سید علی (دام بقاؤه).

۳ - سید موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان.

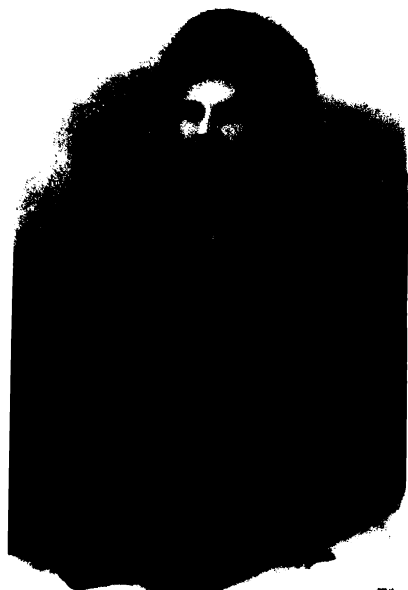
و دامادهای ایشان عبارتند از حضرات: ۱ - آیت الله مرحوم سید محمد باقر طباطبائی سلطانی بروجردی ۲ - مرحوم آیت الله سید محمد باقر صدر، که در نجف اشرف ساکن بود ۳ - مرحوم علامه سید مهدی صدر عاملی ۴ - مرحوم مصطفی فیروزان ۵ - مرحوم شیخ هادی عبادی طالقانی ۶ - آقای دکتر شیخ علی اکبر صادقی قمی، که فعلاً در تهران سکونت دارد ۷ - سید حسین شرف الدین عاملی.



سید محمد باقر طباطبائی سلطانی بروجردی



سید موسی صدر



سید محمد باقر صدر

سید حسین فرزند حجة الاسلام سید محمد علی و نوه آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، در ۱۱ / ذی الحجه / ۱۳۴۷ ق در نجف اشرف تولد یافت. در سن کودکی همراه والدین خود به لبنان رفت و در شهر صور مستقر شدند. تحصیلات خود را در مدارس جدید به پایان برد و مشغول مطالعه و پرورش اندیشه های خود گردید. سپس از سال ۱۳۶۶ ق به تربیت و تعلیم جوانان در دبیرستان جعفریه و آنگاه مدیریت همین مدرسه را برعهده گرفت.

از جمله مناصب و مشاغل فرهنگی ایشان می توان به موارد زیر اشاره نمود: مسؤل مقاومت مردمی در ناحیه صور (۱۹۵۸)، تأسیس و ریاست جلسات فرهنگی «جمعیات الامسیات العاملیة» در صور، تأسیس و اداره کتابخانه «سید عبدالحسین شرف الدین» در صور، ریاست هیئت «توثیق مسیره السید الصدر»، ریاست پروژه های آقای صدر در امور فرهنگی، عضویت در انجمن ادبا و نویسندگان لبنان، عضویت در «رابطة اهل البيت (علیهم السلام)» در لندن، یکی از اعضای مؤسس انجمن های فرهنگی و اجتماعی در لبنان، تهیه مقالات فرهنگی برای صدا و سیمای لبنان، و... آقای شرف الدین در اثر سالها فعالیت در امور سیاسی بارها مورد تعقیب و ادیب قرار گرفت و چند مرتبه نیز گرفتار زندان و شکنجه شده است.

از جمله آثار قلمی او:

۱ - الحیة الثقافیة فی صور.

۲ - الامام السید موسی الصدر، محطات تاریخیه.

۳ - جواهر الکلام و نفائس الکلم، اثر شیخ محمد بن مهدی مغنیه، تحقیق.  
وی فعلاً سخت مشغول انجام کارهای فرهنگی و علمی می باشد و در صورت  
بیروت سکونت اختیار کرده است.

### وفات

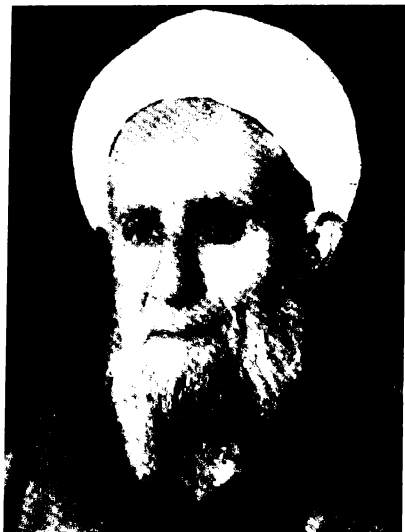
علامه صدر در روز شنبه ۱۹ / ربیع الثانی / ۱۳۷۳ ق مطابق با ۵ / دی / ۱۳۳۲ ش بود که حوزه علمیّه قم و جهان تشیع این مجتهد عالیقدر و مربی دلسوز و عالم نستوه را از دست داد. شهر قم یک پارچه عزادار شد و همه اقشار در تشییع جنازه ایشان شرکت کرده و اداء احترام نمودند. آنگاه آیت الله بروجردی بر بدن پاک او نماز خواند و در کنار قبر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. در قم، مشهد، کربلا، نجف، پاکستان، سوریه، لبنان، و آفریقا مجالس عزّا و فاتحه و بزرگداشت برپا شد. و از مقام علم و اجتهاد و مرجعیت و زعامت آن فقید سعید تجلیل فوق العاده به عمل آمد.

### منابع

- ۱ - آثار الحجه ۲۰۱/۱.
- ۲ - آینه دانشوران ۱۶۵.
- ۳ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲۹۱/۱.
- ۴ - تاریخ قم ۲۷۲.
- ۵ - رجال قم ۱۲۳.
- ۶ - ریحانة الادب.
- ۷ - علماء معاصرین ۲۱۶.
- ۸ - گنجینه دانشمندان ۳۲۶/۱.
- ۹ - نقباء البشر ۹۴۳/۳.

## شیخ صدرالدین صمدی لنکرانی

(۱۳۲۰-۱۴۰۷ ق)



حاج شیخ صدرالدین (نام واقعییش «بلال» بود) فرزند ابوالقاسم لنکرانی ملقب به (صمدی)، تولدش به سال ۱۳۲۰ ق در (بُرادیا) لنکران اتفاق افتاد. مقدمات را در لنکران آموخت، سپس به اردبیل رفت و قسمتی از سطوح را در مدرسه ملا ابراهیم نزد میرزا علی اکبر اردبیلی تلمذ کرد، و در سال ۱۳۴۰ ق به قم مهاجرت کرد و باقی سطوح را نزد سید احمد زنجانی

(شبیری) و شیخ فاضل لنکرانی به انجام رسانید.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، و استفاده نمود و خود به تدریس اشتغال ورزید و در ایام تعطیل به آستارا می‌رفت و به تبلیغ و ارشاد و مردم می‌پرداخت.

### از آثار او:

تقریرات درس آیة الله حجت، که خطی می‌باشد.

در اواسط / آبان / ۱۳۶۵ ش مطابق با ربیع اول / ۱۴۰۷ ق در قم درگذشت و در

باغ بهشت مدفون گردید.

فرزندانش:

۱ - حسن ۲ - حسین ۳ - محمد ۴ - علی، می باشند.

منابع

۱ - آثار الحجة ۹۶/۲.

۲ - آینه دانشوران ۴۰۵.

۳ - افادات آیت الله شیخ عبدالحسین لنکرانی (دام ظلّه).

\*\*\*





ض

## شیخ ضیاءالدین جوادی ابهری

(۱۳۴۳-۱۴۱۲ ق)

حاج شیخ ضیاءالدین فرزند آیت الله شیخ عبدالله و نوه علامه شیخ فضل الله شیخ الاسلام جوادی ابهری، از فضلاء و بزرگان معاصر بود.

در روز عید غدیر سال ۱۳۴۳ ق در قم دیده به جهان گشود.

وی در سن کودکی همراه پدر خود به ابهر رفت و شروع به تحصیل در مدرسه ابتدائی نمود و ادبیات را خدمت پدر بزرگوار خود آموخت. آنگاه به قم مهاجرت کرد و پس از طی دوره سطح دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری و سید محمد تقی خوانساری بهره مند شد.

وی در سال ۱۳۷۱ ق تصمیم به هجرت به حوزه کهن نجف اشرف برای ادامه و تکمیل مطالعات خود می گیرد.

در آن سامان دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین حمّامی، میرزا باقر زنجان‌ی و سید ابوالقاسم خویی استفاده کرد و در اوایل ورودش به نجف اشرف با کریمه استاد خود آیت الله میرزا باقر زنجان‌ی وصلت نمود و از ملازمان و نزدیکان ایشان می شوند و بسیاری از ارجاعات ضروری از طرف استاد به ایشان واگذار



میرزا باقر زنجانی

می شد که نشانه دیانت و امانت داری  
بی شائبه اش می باشد. مرحوم جوادی  
چند سالی تولیت و اقامه جماعت و  
تدریس مدرسه علمیه امیرالمؤمنین علیه السلام  
را برعهده داشت.

وی در حدود سال ۱۳۹۵ ق در پی  
فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت  
کرد و در حوزه قم اقامت گزید و به  
کارهای علمی و اجتماعی خود ادامه  
داد. در مسجد حکیم به اقامه جماعت  
و نیز تدریس متن کتب درسی اشتغال  
داشت.

وی دارای آثار قلمی نیز می باشد.

جوادی، سرانجام هنگام زیارت حضرت زینب علیه السلام در سوریه در سال ۱۴۱۲ در  
سن ۶۹ سالگی زندگی را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت  
- مقبرة العلما - به خاک سپرده شد.

تبع منبع

۱ - اطلاعات از منسوبان ایشان.

## سید ضیاءالدین خوانساری «کاشفی»

(۱۳۱۲ - ۱۳۵۸ ق)

سید ضیاءالدین موسوی خوانساری ملقب به «کاشفی»، از مفاخر فضیلتی  
حوزه قم بود.

وی در سال ۱۳۱۲ ق در شهر خوانسار متولد گردید.

نامبرده مقدمات را در زادگاهش آموخت، سپس به اراک رفت و سطوح را فرا گرفت. آنگاه به حوزه علمیه قم پیوست و یکی از شاگردان برجسته آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به حساب آمد. و پس از ارتحال این استاد در درس آیت الله سید محمد تقی خوانساری شرکت جست و یکی از اشکال کنندگان عمده درس او بود.

استاد شیخ محمد رازی وی را چنین می ستاید: (در تقوا و علم و فضیلت و جودت ذهن مشار بالبنان بوده، و مرحوم آیت الله حائری توجه مخصوصی به ایشان داشت. در عید فطر سال ۱۳۵۲ ق مرحوم آیت الله نماز عید را به وی واگذار نمود که در صحن به جماعت انجام دادند. نفوذی در خوانسار و حومه آن داشت و در تابستان ها که آنجا می رفتند، فصل دعاوی و خصومات با ایشان بود).

علامه خوانساری در سحرگاه روز جمعه ۸ / شعبان / ۱۳۵۸ ق مطابق با ۳۰ / شهریور / ۱۳۱۸ ش در سن ۴۶ سالگی در قم درگذشت و در اطاقی مخصوص در جوار شاهزاده احمد قاسم علیه السلام مدفون شد.

از او چهار فرزند ذکور باقی ماند که تنها علامه سید مصطفی کاشفی خوانساری در کسوت روحانیت بود.

منابع

۱ - آثار الحجة ۲۳۳/۱.

۲ - اطلاعات متفرقه.

۳ - گنجینه دانشمندان ۱۳۷/۲.





ط

## سید طالب خراسان

(۱۳۶۸ - ۱۴۲۰ ق)

سید طالب خراسان، از جمله پُرکارترین نویسندگان و محققان عرب زبان معاصر، بر اثر سکتۀ قلبی در ۵۲ سالگی درگذشت.

وی در روز پنجشنبه ۱۳ / رجب / ۱۳۶۸ ق مطابق با ۲۲ / اردیبهشت / ۱۳۲۸ ش در شهر علی غربی از توابع استان عماره «عراق» دیده به جهان گشود. پدرش سید علی حسینی (متوفای ۱۴۰۱ ق) از بزرگان شهر علی غربی بود که از محدث گرانقدر علامه شیخ عباس قمی (متوفای ۱۳۵۹ ق) اجازه روایت داشت، و در شهر یاد شده به اشتغالات دینی و رسیدگی به مراجعات اجتماعی اهتمام داشت. پدر سید علی، مرحوم آیت الله سید حسینعلی حسینی دشتکی (۱۲۶۱ - ۱۳۳۷ ق) از دانشمندان معروف شهر کاظمین بود. وی با چند واسطه به علامه محقق سید صدرالدین محمد فرزند غیاث الدین دشتکی شیرازی می‌رسد. او نیز از اعقاب حضرت زید شهید علیه السلام است.

استاد خراسان پس از پشت سر گذاشتن مراحل اولیه و دورۀ دبیرستان، جهت ورود به دانشگاه به بغداد رفت و در دانشکده حقوق ثبت نام کرد و پس از چندی

موفق به اخذ مدرک علمی گردید. در ضمن شب‌ها در دارالمعلمین تحصیل نمود و از آنجا دانشنامه دریافت کرد. در این مرحله از محضر محقق گرامی استاد احمد امین - زنجانی الأصل - (۱۳۲۰ - ۱۳۹۰ ق) در علوم ریاضی و فنون دیگر بهره‌مند شد. خراسان پس از انجام تحصیلات به امر تربیت و تعلیم در مدارس بغداد اشتغال ورزید و برخی از فعالیت‌های فرهنگی خود را در همانجا آغاز نمود. ولی پس از مدت کوتاهی گرفتار حساسیت‌ها و فشارهای سیاسی گردید، و در سال ۱۴۰۰ ق به ایران مهاجرت کرد و در شهر علم و اجتهاد، قم سکنی گزید. و از محضر اساتیدی چون: علامه شیخ مصطفی نورانی اردبیلی و علامه سید محمد علی طبسی حائری و دروس عالی خارج را از محضر آیات: سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی و شیخ محمد فاضل لنکرانی بهره‌مند شد.

زنده یاد خراسان، کار نویسندگی و تحقیق متون اسلامی را در این دوره با جدیت تمام و با سرعت لازم پیش گرفت و آثار گرانمایی از خود به یادگار گذاشت. متأسفانه به دلیل عائله‌مندی مجبور به فروختن آثار قلمی و نتایج تحقیقی خود می‌شد. بسیاری از مقالات و مطالب تاریخی نیز به مجلات و روزنامه‌های عربی زبان با نام مستعار ارسال می‌کرد. بخشی از آثار قلمی‌اش از سوی افراد فرصت طلب و سودجو و بی‌سواد مورد سوءاستفاده قرار گرفت.

**آثار فکری و ترشحات قلمی محقق گرانقدر و پژوهشگر توانا زنده یاد سید طالب**

**خراسان به شرح زیر است:**

- ۱ - الاسلام السعودی الممسوخ، ۱۴۱۰ ق، جامعه مدرسین قم، ۳۲۲ ص.
- ۲ - الشهاب المنیر فی تواتر حدیث الغدیر، ۱۴۱۱ ق، دار النشر قم، ۱۰۱ ص.
- ۳ - الفکر الشیوعی و النزعات الصهیونیة.
- ۴ - اللؤلؤة البیضاء فی فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام، ۱۴۱۱ ق، أنوار الهدی قم،

٥- الولاية (يا رحيق الكوثر فى ولاية حيدر عليه السلام)، ١٤١٣ ق، الشريف الرضى

قم، ٨٦ ق.

٦- ثورة الطّف، ١٤١٣ ق، أنوار الهدى قم، ٢٠٠ ص.

٧- مقتل الحسين عليه السلام، اثر خوارزمى حنفى، تحقيق، أنوار الهدى قم.

٨- نشأة التشيع، ١٤١٢ ق، الشريف الرضى قم، ١٤٤ ص.

### و اما آثار مخطوط ايشان عبارتند از:

٩- الأثر الحميد فى ذرية زيد الشهيد (رض)، درسه جلد.

١٠- الاجتهاد والتقليد: تقريرات آقاى مفتى الشيعة.

١١- الاسلام وتأثيره على الأخلاق.

١٢- البراهين الباهرة فى ذم الدنيا ومدح الآخرة.

١٣- التحفة الطالبية فى مناظرات علماء الشافعية.

١٤- التذكرة فى الفوائد النحوية النادرة.

١٥- التعريف و الاعلام بما فى الامامية من الأعلام.

١٦- الجوهر الفريد فى مناقب السبط الشهيد عليه السلام.

١٧- الروض الأريض فى الجبر و التفويض.

١٨- الرياض المستطابة فى الصحبة و الصحابة.

١٩- الصلة بين التصوف و التسنن.

٢٠- العقد الباهر فى وصيتى لقرة العين ولدى ياسر.

٢١- العقد الثمين فى أحوال العلامة أحمد أمين (صاحب التكامل فى الاسلام).

٢٢- القصة فى القرآن الكريم.

٢٣- المرأة بين المادية و الاسلام.

٢٤- المقلة العبراء فى تظلم فاطمة الزهراء عليها السلام.

٢٥- النور الشعشعانى فى أحوال العلامة السيد عباس الكاشانى.



- ۲۶- الهادي الى امامة علي الهادي عليه السلام.
- ۲۷- الباقوتة الحمراء فى ايمان أبى طالب سيّد البطحاء (رض).
- ۲۸- أخلاقيات المجتمع الاسلامى.
- ۲۹- أعيان المالكية.
- ۳۰- بذل الحبا فى فضل آل العبا عليهم السلام من طرق العامة.
- ۳۱- بغية النبلاء فى من استبصر من العلماء.
- ۳۲- تاج الأشعار فى رثاء أبى الأحرار عليه السلام.
- ۳۳- تحفة الأمجاد فى مسند الامام السجاد عليه السلام.
- ۳۴- تحفة الكملاء فى تراجم علماء كربلاء.
- ۳۵- تفسير سورة الاسراء.
- ۳۶- حكم الاسلام فى القومية.
- ۳۷- ديوان السيد طالب الخرسان.
- ۳۸- ريحان المجالس و تحفة المؤانس (يا كشكول طالب).
- ۳۹- زيد الشهيد عليه السلام.
- ۴۰- زيف التوحيد الوهابى.
- ۴۱- سرّ تشابه القرآن.
- ۴۲- سفير الحسين عليه السلام مسلم بن عقيل (رض).
- ۴۳- شخصيات عايشتها.
- ۴۴- شرح ديوان الامام زين العابدين عليه السلام.
- ۴۵- صدق الخبر فى خوارج القرن الخامس عشر.
- ۴۶- عقيلة بنى هاشم عليه السلام (زينب الكبرى).
- ۴۷- عهد الامام امير المؤمنين عليه السلام الى حذيفة بن اليمان، اثر حسن بن ابى الحسن محمد ديلمى، تحقيق.
- ۴۸- فريدة الزمن فى مناقب الامام الحسن عليه السلام.



۴۹- فیض الباری فی الطعن بأحادیث مسلم و البخاری.

۵۰- قسیم الثار فی فضائل الامام علی علیه السلام من طرق العامة.

۵۱- لمحات عن سيرة أطفی الطغاة (صدام).

۵۲- مباحث البسملة.

۵۳- محن العلماء.

۵۴- مسند سلیمان بن مهران الأعمش، در چند جلد.

۵۵- مشاهداتی فی ایران.

۵۶- مغیث الخلق فی اختیار الحق.

۵۷- تُخب المناقب: مناقب الامام علی علیه السلام، در چند جلد.

۵۸- نشأة الخوارج.

۵۹- نشأة المذاهب و الفرق.

۶۰- وارث النبی صلی الله علیه و آله.

۶۱- وجاء دور الحجاج.

۶۲- وصایا الی الشباب المسلم فی الخارج.

مرحوم خرسان هنگام اقامت خود در ایران جهت انجام وظایف دینی و ارشاد و هدایت مردم سال‌هایی چند به شهر «پُل دختر» از توابع استان لرستان رفت و آمد داشت. و سالهای آخر عمر خود را در کمال غربت سپری می‌کرد و سرانجام در شامگاه روز شنبه ۶ / صفر / ۱۴۲۰ ق مطابق با اوّل / خرداد / ۱۳۷۸ ش در اثر سکتۀ قلبی در بیمارستان آیت‌الله گلپایگانی زندگی را بدرود گفت. پیکرش عصر روز دوشنبه از مسجد امام رضا علیه السلام (هیئت نجفیه) تشییع و پس از ادای نماز میت توسط استاد گرانقدر حوزه علمیه حاج سید محمد جواد طباطبائی علوی بروجردی به سمت حرم مطهر بدرقه و در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد.





ع

## سید عباد علی ہندی

( ۱۳۸۴ ق )

سید عباد علی فرزند سید سعادت علی ہندی، از اساتید ادبیات حوزه علمیه قم بود.

وی در روستای «متویور» فیض آباد ہند متولد گردید.

ایشان پس از طی مقدمات و قسمتی از سطوح در ذی حجة / ۱۳۴۸ ق به حوزه قم رہسپار شد و سطوح را نزد علامہ شیخ ابوالقاسم قمی «کبیر» و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفادہ نمود. وی در ادبیات عرب تسلط کامل داشت و خود حلقہ تدریسی داشت و عدہ ای فضلا از محضرش کسب فیض کردند.

ہندی در روز چہارشنبہ ۲۰ / رجب / ۱۳۸۴ ق مطابق با ۴ / آذر / ۱۳۴۳ ش در قم درگذشت و جسدش در قبرستان ابوہسین بہ خاک سپردہ شد.

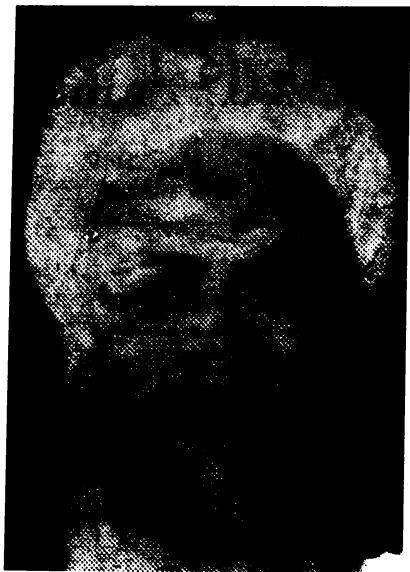
❦ منع

۱ - آئینہ دانشوران ۳۹۱.

\*

## شیخ عباس ایمانی جهرودی قمی

(۱۳۴۱-۱۴۱۱ ق)



حاج شیخ عباس فرزند علی اکبر  
ایمانی جهرودی قمی، از فضلا و  
نویسندگان معاصر بود.  
تولدش در سال ۱۳۴۱ ق در  
جهرود قم اتفاق افتاده بود.  
وی که در ورامین اقامت داشت،  
سمت امامت جمعه موقت و نیز امام  
جماعت مسجد امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)  
و مدرس حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) را  
برعهده داشت.

### از آثار او:

۱- زیده الأحادیث (احادیث اخلاقی و اجتماعی)، در چند جلد، قطع جیبی،  
در قم به چاپ رسیده است.  
نامبرده در روز پنجشنبه ۷ / ذی الحجه / ۱۴۱۱ ق برابر با ۳۰ / خرداد ۱۳۷۰ در  
سن ۷۰ سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان بقیع قم - در یکی از اطاقها -  
مدفون گردید.

منع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## سید عباس تقوی قزوینی

(۱۳۰۸ - ۱۳۷۵ ق)

سید عباس تقوی فرزند آیت الله میر عبدالصمد و نوه آیت الله سید محمد تقی حسینی قزوینی ملقب به «تقوی» از اعقاب زید شهید علیه السلام و از فضلا و خدمتگزاران واقعی آیین تشیع علوی بود.

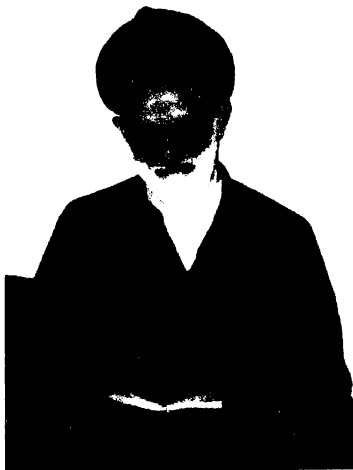
در سال ۱۳۰۸ ق دیده به جهان گشود.

وی همانند پدر بزرگوار خود از فضایل و مکارم اخلاقی برخوردار و خصوصاً سرپرستی ارحام و فامیل خود بود و در این راه سعی و تلاش فراوان داشت. از آثار باقی آن مرحوم تجدید بنای مسجد پدر خود در قزوین که به (مسجد آقا) معروف است، و مؤسس جامعه حسینی که تشکیلات جوامع دیگر قزوین از آنجا سرچشمه گرفت.

او در ۱۱ / شعبان / ۱۳۷۵ ق به سن ۶۷ سالگی در قم درگذشت و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### فرزندان ایشان عبارتند از:

۱ - میر اسماعیل ۲ - علامه سید علی اکبر که در سال ۱۳۴۳ ق در قزوین متولد گردید و در آنجا جزو شاگردان آیت الله سید ابوالحسن رفیعی بود و در سال ۱۳۲۸ ش به قم مهاجرت و پس از انجام دروس سطح خدمت آیات: سید محمد باقر طباطبائی سلطانی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی، دروس عالی خارج را نزد آیات: شریعتمدای



سید علی اکبر تقوی قزوینی

و خمینی و گلبایگانی به انجام رسانید. و دروس کلام و معارف اسلامی را نزد آیت الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی تلمذ کرد.

### از آثار او

- ۱ - انوار بیان در معارف قرآن.
- ۲ - کتابی در اخلاق اسلامی.
- ۳ - کتابی درباره وحی.
- وی فعلاً در قم و قزوین به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

### منابع

- ۱ - اطلاعاتی از علامه سید علی اکبر تقوی.
- ۲ - شجره اجداد و زندگینامه احفاد ص ۱۰۳.

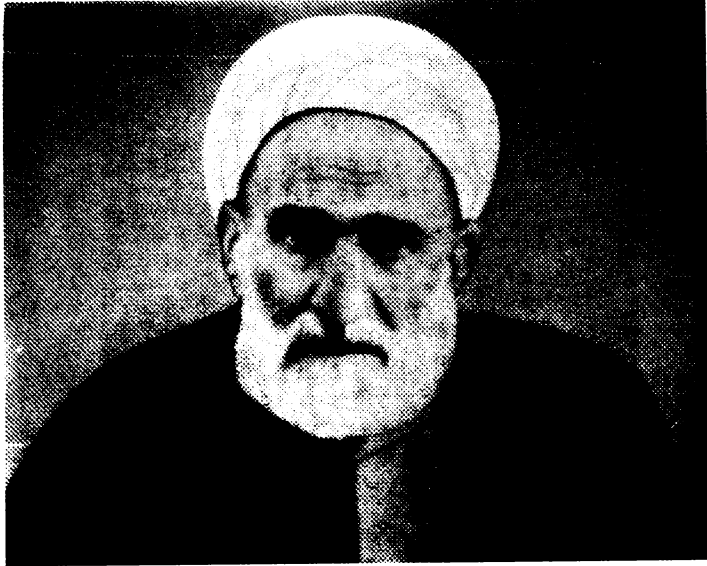
## شیخ عباس تهرانی

(۱۳۰۹ - ۱۳۸۵ ق)

حاج شیخ عباس فرزند محمد سیگارچی تهرانی، عالم و عارف و حکیم الهی بود. تولدش در سال ۱۳۰۹ ق در تهران اتفاق افتاد. پس از طی مقدمات و سطوح، از محضر آیات: سید محمد تنکابنی، شیخ محمد رضا مازندرانی و شیخ محمد حسن رشتی استفاده نمود.

در سال ۱۳۳۷ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ اسماعیل محلاتی، میرزا محمد حسین نائینی، و شیخ ضیاءالدین عراقی فقه و اصول تلمذ نمود. و در سال ۱۳۳۹ ق به ایران بازگشت، و در اراک به آیت الله حاج عبدالکریم استادش پیوست. و چون حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم مهاجرت کرد ایشان نیز به قم منتقل گردید، و در بحث آن جناب و در اخلاق در درس میرزا جواد آقاملکی تبریزی شرکت می کرد، و در ضمن به تدریس سطوح و معقول و گفتن درس اخلاق و اقامه

جماعت و ترویج دین اشتغال داشت. چند سالی هم در پی دعوت آیت الله سید محمد حجت کوهکمری روزهای جمعه در مدرسه حجتیه برای محصلین و طلاب درس اخلاق می گفت، و با خواندن دعای ندبه نورانیت و حالی دیگر به حاضرین می داد.



مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس تهرانی از همان زمان حیات استادش (مرحوم حائری) یعنی پیش از سال ۱۳۵۵ ق. به تدریس سطوح و خارج فقه و اصول و معقول و درس اخلاق و اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و طلاب و فضلاء بخصوص از درس اخلاق و عقاید، از ایشان استفاده های فراوان برده اند و از حدود سال ۱۳۷۰ ق (تا پایان عمر) به دعوت مرحوم آیه الله العظمی حجت «ره» روزهای جمعه در کتابخانه مدرسه حجتیه برای محصلین و طلاب حوزه درس اخلاق و عقاید گفته و با خواندن دعای شریف ندبه، نورانیت و حال خوشی برای حاضرین بوجود می آورد و چون این جلسات از یک معنویت خاصی برخوردار بود لذا طلاب و فضلاء با عشق و علاقه در آن شرکت می کردند و خود ایشان هم به این جلسات بسیار اهمیت می داد و با اینکه غالباً مریض و به کسالت قلب و معده و



ریوی مبتلا بود تا اواخر عمر این برنامه را تعطیل نکرد.

آن مرحوم سالهای متمادی در مساجد پایین شهر قم، از جمله در مسجدی در محله جامع قم و نیز در مسجدی معروف به مسجد امام زین العابدین (ع) و در سالهای اخیر عمرشان در مسجد مدرسه حقانی اقامه جماعت می کرد، و بعد از اقامه جماعت بخصوص در ماههای محرم و صفر و رمضان و بخصوص در شبهای قدر و اعیاء مریدان و ارادتمندان آن مرحوم و بخصوص طلاب و فضلاء حوزه قم از راه دور می آمدند و از بیانات آن مرحوم استفاده های معنوی فراوان می بردند.

### از آثار او:

- ۱ - دیوان اشعار در معارف الهی و اخلاق.
- ۲ - دین و وجدان (در حکمت و اخلاق) که نام این کتاب (أقدام العلم و أنوار المعرفة) می باشد.
- وی با اینکه در اواخر عمر غالباً مریض و به کسالت قلبی و ریوی مبتلا بود ولی برنامه های مذکور خود را تعطیل نکرد، سرانجام در ۱۳ / شعبان سال ۱۳۸۵ ق مطابق با ۱۶ / آذر / ۱۳۴۴ ش به سن ۷۶ سالگی در قم درگذشت، و در نزدیکی قبر حاج شیخ یزدی حائری در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه (علیها السلام) مدفون گردید.

### فرزندانش:

- ۱ - ثقة الاسلام مرحوم شیخ مهدی ۲ - حجة الاسلام شیخ احمد محمدی متولد سال ۱۳۱۳ و از شاگردان شیخ محمد علی عراقی و سید محمد رضا گلپایگانی محسوب می شود ۳ - آقا محمد حسین و ۵ دختر.

### منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۲۲۶.
- ۲ - ثقة الاسلام مرحوم شیخ مهدی.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۱۴/۲.

## شیخ عباس حائری یزدی

(۱۳۴۰-۱۴۰۶ ق)



شیخ عباس حائری فرزند علامه  
شیخ غلامرضا یزدی، از مورخان و  
فرهنگیان زحمتکش بود.  
او در سال ۱۳۴۰ ق در کربلا متولد  
گردید.

مقدمات و سطح را نزد آیات و  
حجج کربلا: شیخ محمد خطیب  
حائری، سید مصطفی اعتماد، سید  
محسن کشمیری، شیخ جعفر رشتی،  
شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی،  
و شیخ محمد شاهرودی تلمذ نمود.

رسماً وکیل آیت الله سید حسین حمّامی در کربلا گردید. در ضمن مدرسه ابتدائی  
امام صادق علیه السلام را در کربلا تأسیس و در آن به تعلیم کودکان پرداخت. وی در کارهای  
خیری شرکت می نمود و در قضای حوائج مردم کوشا بود.

حائری در سال ۱۳۹۱ ق به ایران تبعید شد و در قم سکونت اختیار کرد، و از  
محضر آیت الله سید مرتضی حسینی فیروزآبادی استفاده علمی نمود، و از ملازمان  
و نزدیکانش به شمار می رفت.

### از آثار او

۱- حوادث الأیام، به صورت یادداشت های روزانه در چند دفتر که اغلب دفترها  
را اینجانب دیده، و از برخی آنها استفاده نمودم. البته نثر عربی ایشان ضعیف بود.

اخيراً به وسيله استاد كوشا جناب آقاى شيخ احمد حائرى (خوشحالت) تحقيق و در «ميراث اسلامى ايران» به چاپ رسيد.

۲ - تاريخ الأعلام (در تراجم بزرگان).

۳ - قضايا اسلامية.

نامبرده در روز سه شنبه ۲۰ / ذى الحجه / ۱۴۰۶ ق مطابق با ۴ / شهريور / ۱۳۶۵ ش در سن ۶۶ سالگى در قم درگذشت. پيكش روز چهارشنبه تشييع و در قبرستان بقيع به خاک سپرده شد. از وي اولادى به جاى نماند، به همين خاطر ساير آثارش در ميان فاميلهايش پراكنده شد.

له منابع

۱ - اعلام من كربلا (خوشحالت - خطى).

۲ - مقدمه حوادث الايام.

## سيد عباس داعى الاسلام همدانى «دعوتى»

(۱۲۶۴ - ۱۳۹۲ ق)

حاج سيد عباس دعوتى ملقب به (داعى الاسلام) به سال ۱۲۶۴ قمرى دز همدان متولد گرديد، وي فرزند مرحوم سيد حسين فرزند مرحوم حاج سيد محسن بهبهانى فرزند مرحوم سيد اشرف الدين مجتهد فرزند سيد بابا، منتسب به سادات موسوى بهبهان كه به وسيله ۲۷ پشت، نسبت آن جناب به حضرت موسى بن جعفر عليه السلام امام هفتم شيعيان مى رسد.

## تحصيلات

مرحوم داعى الاسلام تحصيلات قديمه خود را در مدرسه بزرگ همدان معروف به (مدرسه زنگنه) نزد مرحوم حاج ملا محمد مدرس و مرحوم آقا محمد



هادی همدانی که هر دو از علما و مجتهدین بزرگ همدان بوده و در زهد و تقوی و حید عصر و یگانه زمان خود بوده‌اند شروع کرده و استفاده کامل نموده، و نیز علم و طب و نجوم را نزد مرحوم آقا سید محمد علی خسروی که از اطبای حاذق همدان بود خوانده و به پایان رسانیده، و علم تشریح یا (پاتولوژی) نزد مرحوم دکتر نجف قلی خان ملایری که از اروپا تازه به ایران آمده بوده خوانده و استفاده نمود.

مرحوم داعی الاسلام در تاریخ ملل

و نحل و اصول و مذاهب مختلفه دنیا اطلاعات وسیعی داشته، و زبان عبری را چون عربی نیک می‌دانست و آیات عبری که در تورات از آمدن پیغمبر اسلام بطور وضوح خبر داده ترجمه نموده و در کتاب خود در اثبات نبوت پیغمبر خاتم محمد بن عبدالله ﷺ به عنوان شاهد و بینه ذکر کرده.

داعی الاسلام به زراعت و غرس اشجار علاقه مفراطی داشته و چندین باغ در اطراف همدان به دست خودش احداث کرده، که نمونه ذوق و علاقه آن مرحوم به ایجاد باغ و کاشتن درخت بوده.

مرحوم داعی الاسلام صریح اللهجه و روشن فکر بود. فرزندان خود را به مدارس جدید فرستاد. در صورتی که برخی از علما رفتن به مدارس جدید را صلاح نمی‌دانستند و جداً منع می‌کردند، در تحصیل و تربیت فرزندان خود از مراقبت‌های لازم دریغ نداشت. سحر خیز و با تقوا بود، حافظه‌ای فوق‌العاده داشت و تا آخر عمر از دست نداد. چشمهای نافذ و درخشانی داشت و تا آخرین ساعات زندگانی

بدون عینک می نوشت و می خواند، قلبی محکم و صدائی بلند و پرنهییب داشت، از فقر و ضعف دستگیری می کرد. اصرار زیادی در صلۀ ارحام داشت. با کلیمیان رفت و آمد می نمود، ورزشکار و قوی بود، مزاجی سالم داشت و در سه وعده غذای خود را با کمال میل و اشتها می خورد، کمتر مریض می شد و اگر هم احتیاج به دوا و دارو پیدا می کرد، جز داروهای علفی (گیاهی) که خودش می شناخت داروی دیگری نمی خورد، تا آخرین روزهای زندگانی روزه خود را می گرفت، و تنها رنجی که می برد از درد پا بود که حتی ایستاده نمی توانست نماز بخواند.

### مسافرت‌های آن مرحوم

مرحوم داعی الاسلام مکرر به عتبات عالیات مسافرت نموده، دو مرتبه به همراه مادرش و چند سفر هم به مشهد مقدس به زیارت ثامن الائمه علیه السلام مشرف شده، و یک سفر هم در سن صد سالگی به زیارت خانه خدا در مکه معظمه و زیارت مرقد پاک نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه طیبه رفته و در نهایت سادگی اعمال خود را بجا آورده.

### خانه و اثاث زندگانی آن مرحوم

ابتدا خانه بسیار وسیعی داشت در محله «دورود آباد» که مجلس دعوت اسلام را در آنجا تأسیس و افتتاح نمود، و بعداً آنجا را فروخت و خانه محقری در خیابان عباس آباد خرید که تا آخر عمر در آن خانه بود. اثاث البیت آن مرحوم عبارت بود از یک قطعه قالی اراکی و دو قطعه گلیم و مختصر لوازم زندگی و یک کتابخانه چوبی که دارای چند طبقه بود که این کتابخانه پر از کتب فقهی اسلامی و تاریخی و علمی و کتب سایر مذاهب مختلفۀ دنیا که همگی مورد احتیاج آقایان علما بود. آن مرحوم به این کتابخانه خیلی علاقمند بود و پیوسته مشغول مطالعه و نوشتن رسایل مذهبی می شد. که کتاب (خداشناسی) در دو جلد یکی از مهمترین

آثار ایشان محسوب می شود.

### مجلس دعوت اسلام

سید عباس دعوتی اطلاعات کافی و مطالعات زیاد در اصول عقاید مذاهب مختلفه داشت، و سالها وقت خود را صرف مطالعه کتب ادیان مختلفه دنیا و مخصوصاً فرقه ضالّه بهائیت که بیشتر مورد احتیاج جوانها بود، کرده بود. در صدد چاره جوئی و مبارزه با آنها برآمد و به فکر تأسیس مجلس دعوت اسلام افتاد.

ابتدا با تمام علما و مراجع بزرگ همدان درباره تشکیل مجلس دعوت اسلام مشورت نمود، و پیش نهاد کرد که آقایان مجلسی به نام مجلس دعوت اسلام تشکیل دهند. آقایان متفقاً اظهار داشتند: چون خود شما در این رشته زحمات زیاد کشیده و اطلاعات کافی دارید شما شایسته این کار هستید، و از طرف ما مأمور به تشکیل چنین مجلسی خواهید بود و ما هم حتی المقدور از هر نوع کمک مضایقه نخواهیم کرد، و در این کار شما را یاری خواهیم نمود.

لذا مرحوم داعی الاسلام در تاریخ غره / ربیع الاول / ۱۳۲۴ ق مجلسی بنام مجلس دعوت اسلام در منزل شخصی خود دائر نمود، و هر هفته در روزهای یکشنبه و جمعه این مجلس منعقد می شد و اکثر علما در روزهای مذکور در این جلسات حاضر می شدند، و به مطالعه کتب مذاهب و ادیان مختلفه که قبلاً در کتابخانه مجلس آماده و تهیه شده بود می پرداختند، و جوابهایی برای ایرادات مبلغین که از اخبار و آیات قرآن گرفته بودند تهیه می کردند، و بعداً مباحثات شروع می شد.

مرحوم داعی الاسلام هر هفته بوسیله اطلاعیه هایی که با ژلاتین چاپ و تهیه می شد، از جوانان بازاری و دانشجویان و پیروان اقلیتهای مذهبی دعوت می کرد که به مجلس دعوت اسلام بیایند و مطالب و ایرادات خود را آزادانه بگویند تا جوابهای کافی و قانع کننده به آنها داده شود.

شخص داعی الاسلام در ردّ ایرادات و شبهات مبلغین به علت مطالعات زیاد که در اصول عقاید مذاهب داشت خیلی آماده و حاضر جواب بود، و به همین جهت مبلغین از مباحثه و مناظره با ایشان احتراز می نمودند.

و همچنین از بیانات آقایان علمای حاضر در جلسه، مخصوصاً از مطالب و بیانات فقید سعید مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمد علی ناظر الشریعه استفاده و استفاضه کامل می شد، کم کم این مجلس تبدیل به یک مجتمع اسلامی گردید.

اغلب علمای بزرگ و مجتهدین همدان قبول عضویت آن را نموده و مرتب در مجلس حاضر می شدند، و همچنین علمای سایر بلاد برای شرکت در مناظرات و مباحثات مذهبی به همدان مسافرت می کردند، و از وجود آنها استفاضه می شد.

و غالباً از شهرستانها سوالات کتبی می شد بلافاصله و فوری جواب آنها کتباً داده می شد، و این سوالات با ذکر نام سؤال کننده و جوابی که داده شده بود در دفتر مخصوصی ثبت و ضبط می گردید، و گاهی رسماً از مبلغین مسیحی و بهایی که غالباً دکتر یا معلم بودند دعوت به عمل می آمد، و در حضور دانشجویان و جوانان بازاری و عده کثیری، مباحثات و مناظرات شروع می شد و حقایق احکام و اخلاق اسلام برای کسانی که از همه جا بی خبر بودند بطور مشروح بیان می گردید، و نیز اشتباهات و انحرافات مذاهب مختلفه از روی کتب خود آنها بیان می گردید که دیگر جای هیچ گونه انکار نبود، و در این مجالس مبلغین در حضور جوانان و دانشجویان و جمع کثیری از پیروان خودشان محکوم و مجاب می شدند. و ضمناً به دانشجویان و جوانان بازاری ثابت می شد که مبلغین چیزی در چنته ندارند، و بیشتر با مغلطه کاری و جنجال مطالب خود را بیان می نمایند.

این مجلس دارای اعضای دائمی بود که مرتب در تمام جلسات حاضر می شدند، اسامی آنان به شرح زیر است:

۱ - مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد علی ناظر الشریعه.

۲ - مرحوم حجة الاسلام سید عبدالحسین فاضل.

- ۳- مرحوم حجة الاسلام عماد الاسلام.
- ۴- مرحوم حجة الاسلام میرزا ابوالقاسم طهوری.
- ۵- مرحوم حجة الاسلام شیخ عبدالمجید معروف به (صدر).
- ۶- مرحوم حجة الاسلام شیخ الاسلام صدوقی.
- ۷- مرحوم حجة الاسلام آقا رضا صدوقی.
- ۸- مرحوم حجة الاسلام آقا باقر صدوقی.
- ۹- مرحوم شیخ علی محمد آزاد، که از ادبا و شعرای معروف همدان بود.
- ۱۰- مرحوم حاج محمد حسن خجسته، از تجار معروف همدان بود.
- ۱۱- مرحوم سید حسین مترجم نظام مدنی، رئیس فرهنگ همدان.
- ۱۲- مرحوم قلی زاده.
- ۱۳- مرحوم عمادزاده.
- ۱۴- مرحوم میرزا حسن فرهودی، یکی از منشی های مجلس دعوت اسلام بود.
- ۱۵- مرحوم میرزا علی اکبر منشی باشی، منشی دیگر مجلس بود.
- ۱۶- مرحوم سید عباس داعی الاسلام، مؤسس مجلس دعوت اسلام.

### وفات

وفات آن مرحوم در روز سه شنبه نهم / ماه مبارک رمضان / ۱۳۹۲ ق مطابق با ۲۵ / مهر / ۱۳۵۱ ش در همدان اتفاق افتاد. پیکرش در قبرستان شیخان مدفون گردید.

### زوجات و فرزندان

مرحوم داعی الاسلام زوجات متعدد داشته، ولی فرزندان او منحصرأ پنج پسر از زوجه اولش مرحومه علویه زبیده خانم رضوی بوده که به شرح زیر می باشند:

- ۱- آقا سید علی دعوتی فرزند ارشد.





سید محمود دعوتی همدانی

۲- آقا سید حسین دعوتی.

۳- آقا سید حسن دعوتی.

۴- آقای دکتر میر محمود دعوتی،  
در سال ۱۳۴۱ ق مطابق با ۱۳۰۱ ش در  
همدان تولد یافت.

ابتدا در مدرسه آلیانس سپس در  
مدرسه آمریکایی همدان به تحصیل  
پرداخت. در ضمن علوم حوزه را نزد  
آیت الله آخوند ملا علی همدانی به  
مدت شش سال استفاده نمود، آنگاه به  
تهران رفت و در دانشکده ادبیات و  
دانشکده طبیعیات تحصیل و موفق به

اخذ لیسانس گردید. او دروس حکمت و فلسف را در تهران از محضر: سید محمد  
کاظم عصار، شیخ محمد حسین فاضل تونی و میرزا مهدی آشتیانی بهره مند گردید.  
ایشان هم اکنون به وکالت و کارهای حقوقی می پردازند.

از آثار او (برخی از آثار ایشان به زبان انگلیسی می باشد): ۱- آرمان آفریقا،  
۲- الفبای مصور قرآنی، ۳- بلاد الانبیا (سرزمین پیامبران)، ۴- کلمات قصار  
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام (به چند زبان)، ۵- آموزش دین (سه جلد)، ۶- حضرت  
عیسی علیه السلام، ۷- نگرشی کوتاه به زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، ۸- اسرار طبیعت،  
۹- لایحه قصاص، ۱۰- سانتی مانتالیسم، ۱۱- طرز دادرسی و مسئولیت کیفری در  
حقوق اسلام، ۱۲- چارلز دیکنز رمان نویس، ۱۳- تجارت در اسلام، ۱۴- بانکداری  
در اسلام، ۱۵- ده گفتار، ۱۶- طول عمر طبیعی انسان، ۱۷- سفرنامه سید محمود و  
علی آقا، ۱۸- فرهنگ جامع انگلیسی، ۱۹- قرآن کریم به صد زبان (گردآوری)،  
۲۰- چهره اسلام.

۵- آقای حاج سید احمد دعوتی، وی در سال ۱۳۴۴ ق مطابق با ۱۳۰۴ در همدان چشم به جهان گشود.

وی دروس جدید را در مدرسه آلیانس همدان به پایان رساند، سپس به تربیت و تعلیم دانش‌آموزان در مدارس همدان پرداخت و بیش از سی سال این افتخار را داشت. او در نگهداری اسناد و آثار هنری و تاریخی علاقه زیادی از خود نشان می‌دهد و گنجینه نفیسی در همدان هم اکنون در اختیار دارد.

### از آثار او:

- ۱- پردیس‌نامه (اشعار) ۲- از قاف تا قاف (تاریخ نفوذ اسلام در اروپا)
- ۳- دیوان اشعار.

## عباس راسخی نجفی «گیلانی»

(۱۳۳۱-۱۴۱۸ ق)



عباس فرزند شیخ عباس و نوه رجبعلی راسخی نجفی گیلانی، نویسنده نامدار معاصر که در شهر رشت مقیم بود.

در سال ۱۳۳۱ ق در نجف اشرف متولد گردید.

### تحصیلات دینی و دانشگاهی

وی مقدمات را در زادگاهش آموخت، و پس از ارتحال پدرش به گیلان رفت و در رشت اقامت نمود، و به

تحصیلات خود ادامه داد. سپس به قم مهاجرت کرد و از آنجا رهسپار تهران گردید، و در دانشکده معقول و منقول به تحصیل در رشته فلسفه پرداخت، پس از فراغت، مجدداً به رشت مراجعت نمود و به کار نویسندگی پرداخت.

### از آثار او

- ۱- اثبات خلافت بلا فصل علی علیه السلام.
- ۲- ایمان، یا نبرد مان ترقی و سعادت.
- ۳- بقية الأوصياء.
- ۴- پنج آیت در امامت و خلافت.
- ۵- ترجمه جدول ارث (اثر حرّ عاملی).
- ۶- ترجمه کتاب البقین فی امرة امیرالمؤمنین علیه السلام (اثر علامه ابن طاووس حلّی).
- ۷- ترجمه مناقب ثلاثه (امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام)، تألیف حافظ محمد بن یوسف بلخی شافعی.
- ۸- جذباتی از شراره عشق امام حسین علیه السلام.
- ۹- چند شخصیت برجسته از علمای شیعه.
- ۱۰- حضرت بقية الله (عج) و نود و دو تن از نجات یافتگان.
- ۱۱- حقایقی از گفتنی هایی که در سقیفه رخ داد.
- ۱۲- رمز نیک بختی جوانان (در اصول عقاید اسلامی).
- ۱۳- سقیفه سخیفه یا بطلان اجماع و شوری.
- ۱۴- سورة فلق، اعجاز قرآن.
- ۱۵- سورة کوثر، جلالت حضرت فاطمه علیها السلام.
- ۱۶- سورة والعصر، امام زمان (عج).
- ۱۷- شناسائی هفت تن در صدر اسلام (ترجمه السبعة من السلف اثر سید مرتضی فیروز آبادی).

- ۱۸ - ظهور و جهان.
- ۱۹ - عظمت قرآن در سوره اخلاص.
- ۲۰ - علل قیام امام حسین علیه السلام، در دو جلد.
- ۲۱ - غوغای سقیفه.
- ۲۲ - فاتحه و معنای آن (ترجمه سوره حمد اثر محمد رشید مصری).
- ۲۳ - کشکول راسخی، در چهار جلد.
- ۲۴ - کفایت یک آیت در امامت (بر امامت علی علیه السلام).
- ۲۵ - مصلح جهان از دیدگاه قرآن.
- ۲۶ - نواب اربعه (شرح حال آنان).
- ۲۷ - هفتاد و سه تن از متوسلین.

### درگذشت

وی در ۲۴ / شعبان / ۱۴۱۸ ق مطابق با ۴ / دی / ۱۳۷۶ ش در سن ۸۷ سالگی در رشت درگذشت، و جنازه اش روز بعد در قم تشییع و در ابتدای قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - اطلاعات متفرقه.
- ۲ - معجم رجال الفكر والأدب فی النجف ۵۸۷/۲.

## شیخ عباس شیرازی رفسنجانی

(۱۳۶۳ - ۱۴۰۵ ق)

حاج شیخ عباس شیرازی رفسنجانی از روحانیون سیاسی بود. وی در سال ۱۳۶۳ ق مطابق با ۱۳۲۳ ش در «کشکوئی» رفسنجان پا به عرصه گیتی نهاد.

پس از سپری کردن دوران کودکی، مقدمات ابتدائی را در زادگاهش آموخت. سپس در سال ۱۳۷۷ ق مطابق با ۱۳۳۶ ش جهت ادامه تحصیل رهسپار قم شد و تحصیلات خود را به پایان رساند. و روی به تبلیغ رسالت الهی آورد و از راه وعظ و ارشاد و نیز همکاری با «مؤسسه در راه حق» خدمات قابل توجهی نمود.

وی که به قشر محروم و رنج کشیده عشق می ورزید، برای گسترش احکام اسلامی و وحدت مردم، غالباً مناطق محروم و کویری خوزستان و بنادر جنوب را برای انجام فعالیتهای تبلیغی و سیاسی خویش برمیگزید. نظام حاکم که فعالیتها و سخنرانیهای وی را زیر نظر داشت و بارها منبرش را ممنوع کرده بود، در پس سخنرانیهای پُرشورش در کرج در سال ۱۳۵۷ ش او را دستگیر و زندانی نمود. شیرازی در ابتدای پیروزی انقلاب، از سوی آیت الله خمینی به امامت جمعه در شهر تنکابن و سپس در شهر خمین انتخاب گردید، آن گاه به قم بازگشت و با یاری جمعی از روحانیون «دبیرخانه ائمه جمعه» را تأسیس نمود. در زمستان / ۱۳۵۹ از سوی حجة الاسلام شیخ علی قدوسی - دادستان کل انقلاب - به عنوان «بازرس دادگاههای انقلاب سراسر کشور» معرفی شد. و در دی / ۱۳۶۰ ش از طرف شورای عالی قضایی به سمت «قائم مقام سازمان بازرسی کل کشور» منصوب شد.

از دیگر سمت های ایشان می توان به: عضویت در هیئت تشخیص صلاحیت قضات، عضویت در کمیسیون تصفیه ستاد مرکزی سپاه پاسداران، عضویت شورای سرپرستی دفتر تبلیغات قم، عضویت در شورای عالی تبلیغات (۱۳۶۱ ش)، قائم مقام سازمان تبلیغات، سرپرستی مؤسسه نارمک، اشاره کرد.

وی در روز جمعه ۱۷ / رمضان / ۱۴۰۵ ق مطابق با ۱۷ / خرداد / ۱۳۶۴ درگذشت. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منبع

۱ - هفته نامه «رفسنجان»، به تاریخ ۹ و ۱۶ / مهر / ۱۳۷۶ ش، شماره های ۱۱۲ و ۱۱۳، ص ۸

## میرزا عباس صفاء السلطنه نائینی ( صفا )

( - ح ۱۳۵۸ ق )

میرزا عباس ملقب به ( صفاء السلطنه ) و متخلص به ( صفا ) فرزند دانشمند میرزا علی و نوۀ میرزا محمد مجتهد نائینی، از بزرگان و ادبای معروف بود وی به خاندان مشهور و علمی « بقائی » نائین انتساب دارد. پدرش از فضلا و معاریف بود که در سال ۱۳۱۹ ق درگذشت و لقب ( صفاء السلطنه ) اش به همین فرزند رسید.

جدّش از مجتهدان و علمای نامدار دورۀ قاجاریه بود که در سال ۱۳۰۵ ق به دیدار معبود شتافت.

مرحوم حجت بلاغی در کتاب خود ( تاریخ نائین ) دربارهٔ ایشان چنین می نویسد: « یکی از فرزندان حاج میرزا محمد، میرزا عباس خان صفاء السلطنه است. شعر نیکو می سرود و یکصد و پانزده سال عمر کرد ». بنابراین عبارت تولد میرزا عباس در حدود سال ۱۲۴۳ ق می توان پیش بینی کرد ولی نام جدّ را به جای نام پدر در این نوشته اشتباه کرده است.

استاد سید احمد حسینی اشکوری در کتاب ( تراجم الرجال ) خود چهرۀ ادبی ایشان را چنین معرفی می نماید: « در ادبیات فارسی مسلط بود و شعر را زیبا می سرود. خط نستعلیق اش عالی بود. وی با اینکه در مناصب دولتی بود از امور فرهنگی غفلت نکرد و در زبان فرانسوی تسلط داشت. محل اقامتش تهران بود و در شعر به « صفا » تخلص می کرد ».

از آثار او: ۱ - دیوان اشعار.

صفاء السلطنه در حدود سال ۱۳۵۸ ق در تهران چشم از جهان خاکی فرو

بست، و جهت مراسم خاکسپاری کالبدش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

منبع

۱ - انساب خاندانهای مردم نائین ۳۷.

۲ - تاریخ نائین (مدینه العرفاء/ ۱۷۵) ۱ و ۳۷/۴.

۳ - تراجم الرجال ۲۶۳/۱.

۴ - سخنوران نائین ۷۴.

۵ - مکارم الآثار ۲۴۴۳/۷.

## شیخ عباس طسوجی

(۱۳۴۶ - ۱۴۱۴ ق)

حاج شیخ عباس فرزند محمد طسوجی شبستری، از فضلا و معاریف حوزه

بود.

وی در سال ۱۳۴۶ ق در بخش طسوج «تسوج» شهرستان شبستر آذربایجان شرقی متولد شد. ابتدا در مدارس جدید تحصیل کرد سپس به تحصیل علوم دینی روآورد و مقدمات را نزد شیخ عباس رحیمی در حوزه طسوج آموخت و در سال ۱۳۶۶ ق به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد علامه میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان برد. خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید صدرالدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عبدالنبی عراقی (مدت کوتاهی) به حد وافی برد، و به تدریس در منزل خود اشتغال ورزید.

از جمله آثار قلمی اش

۱ - حاشیه علی العروة الوثقی.

۲ - حاشیه بر توضیح المسائل (بروجردی).

۳ - حاشیه علی وسیلة النجاة (اصفهانی).

۴- کشکول.

۵- جامع الأثر فی احادیث الامام الثانی عشر (عجل الله فرجه).

طسوجی در روز چهارشنبه ۱۴ / ذی الحجه / ۱۴۱۴ ق مطابق با ۴ / خرداد / ۱۳۷۳ ش در سن ۶۸ سالگی در پی بیماری ریوی در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت. پیکرش در روز پنجشنبه در قم تشییع و در مقبره شیخ فضل الله نوری واقع در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

فرزندانش:

۱- آقا حسن ۲- آقا محمد ۳- آقا محمد حسین.

منابع

۱- اطلاعات متفرقه.

۲- گنجینه دانشمندان ۲۰۹/۸.

## عباس طلائیان

(۱۳۳۸-۱۴۰۲ ق)

عباس طلائیان متخلص به (طلا) فرزند احمد.

تولدش در سال ۱۳۳۸ ق مطابق با ۱۲۹۸ ش اتفاق افتاد. از وی اشعار زیادی در مراثنی و نوحه باقی مانده است. که نمونه زیر تقدیم می گردد:

|                                   |                                |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| پروانه را فدایی شمع و به بال و پر | اسرار عشق با قلم لا نوشته اند  |
| راز و نیاز عاشق و معشوق طور را    | صبح ازل به سینه سینا نوشته اند |
| فرهاد وش هر آنکه نهد پا به بیستون | رنج رهش به خط کف پا نوشته اند  |
| لیلی ندارد از چه زمجنون خبر ولی   | شرح غمش به صحنه صحرا نوشته اند |
| قرآن گشا به سورة یوسف نگر که چون  | بر لوح عشق نام زلیخا نوشته اند |
| نام حسین و کرب و بلا را زخون پاک  | روز ازل به دفتر دلها نوشته اند |



نازم به عاشقی که سرش را به نوک نی      سردار سر بریده سرها نوشته‌اند  
 سر داد و تن نداد به ذلت که نام وی      آزاد مرد عرصه هیجا نوشته‌اند  
 بر پرچم سیاه، پس از قرن‌ها هنوز      نام حسین با خط خوانا نوشته‌اند  
 ذکر حسین شد محک پاکی طلا  
 بر دفتر قبول به طغرا نوشته‌اند

\*

به گوش ناله جان سوز ساز می‌آید      مگر دوباره حسین از حجاز می‌آید  
 نوای نی رسد از نینوا که سبط نبی      به مقتل از ره دور و دراز می‌آید  
 فغان که قافله غم سوی دیار محن      کشیده رنج نشیب و فراز می‌آید  
 به عزم کرب و بلا دختر امیر عرب      درون قافله با عز و ناز می‌آید  
 بدشت ماریه لیلای خسته چون مجنون      دلا دوباره به سوز و گداز می‌آید  
 زمکه سید سجاد تا شود از کین      سوار بر شتر بی‌جهاز می‌آید  
 حسین جانب محراب قتلگه چو پدر  
 (طلا) برای ادای نماز می‌آید

طلایی در روز پنجشنبه ۱۰ / شعبان / ۱۴۰۲ ق مطابق با ۱۳ / خرداد /  
 ۱۳۶۱ ش در قم درگذشت و در مقبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

منبع

۱- تاریخ تکایا و عزاداری قم ۱۷۸.

## میرزا عباس عشقی بحرینی

( ۱۴۰۷- ق )

از خوشنویسان و هنرمندان معاصر قم بود.  
 وی در قم دیده به جهان گشود، و تحصیلات خود را در همان دیار به پایان برد



و از سال ۱۳۱۳ ش وارد خدمات فرهنگ گردید. او علاوه بر اشتغال به آموزش خط در دبیرستان‌های قم، از خوشنویسان آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام نیز بوده است.

آثار هنری و کتبی‌های فراوانی به رشته تحریر درآورده و در اماکن مذهبی در شهرهای: مشهد مقدس، قم، همدان و عتبات عالیات از او پیدا می‌شود.

از آثار او: خوشنویسی یا هنر خط.

عشقی در ۴ / اردیبهشت / ۱۳۶۶ ش درگذشت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - زیر ساعت - به خاک سپرده شد.

لله منیع

۱ - سالنامه دبیرستان حکمت قم، سالهای ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ ش، ص ۶۸

## شیخ عباس علی اسلامی سبزواری

(ح ۱۳۲۳ - ۱۴۰۵ ق)

حاج شیخ عباس علی اسلامی سبزواری، از واعظان نامی و مؤسس انجمن تعلیمات اسلامی تهران بود.

وی در حدود سال ۱۳۲۳ ق در سبزوار - استان خراسان - تولد یافت.

پس از آموختن مقدمات، به مشهد مقدس رهسپار شد و سطوح را به پایان رساند. دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا محمد آقازاده خراسانی، میرزا مهدی اصفهانی، شیخ مرتضی آشتیانی و سید حسین طباطبائی قمی استفاده



نمود. سپس به نجف اشرف رفت و مدتی چند از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بهره مند گردید. سرانجام به ایران بازگشت و در تهران توقف کرد و از راه منبر و ارشاد به تبلیغات مذهبی پرداخت. او از چهره های مبارزی بود که در طول سالهای نهضت ملی شدت صنعت نفت، همراهی مؤثری با آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ایفا نمود.

نامبرده جهت نجات نسل جوان و عامه مردم، به فکر تأسیس مدارس اسلامی



افتاد و با یک استقامت شگفت انگیز و مجاهدت طاقت فرسا، ده ها بلکه صدها دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه در سراسر ایران، در اثر کوشش های ایشان تأسیس گردید. از جمله آنها: تأسیس دبستان و دبیرستان علوی، تأسیس و ریاست «جامعه تعلیمات اسلامی» می باشد.

### از آثار او:

۱ - از یاد رفته.

۲ - حدیثی از حذیفه یمانی (آنجا که حق باید گفت).

اسلامی در ۲۵ / رجب / ۱۴۰۵ ق برابر با ۶ / فروردین / ۱۳۶۴ ش در حدود

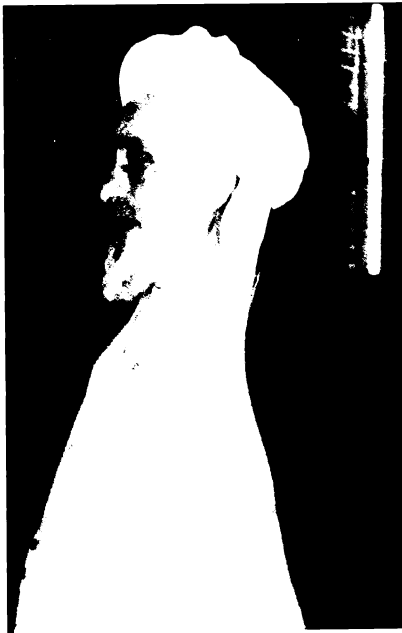
سن ۸۲ سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - کنار مزار آیت الله شیخ سلمان خاقانی - به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۶۸
- ۲ - سراج المعانی در احوالات سید ابوالحسن اصفهانی ۱۰۶.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۳۳۴/۲.
- ۴ - معجم القبور و وفیات الأعلام (مخطوط - شریف رازی).

## شیخ عباسعلی شاهرودی

(۱۳۲۰ - ۱۳۸۳ ق)



حاج شیخ عباسعلی فرزند ملا قدیر شاهرودی، از فقها و اساتید بنام حوزه علمیه قم بود. در سال ۱۳۲۰ ق در شاهرود متولد گردید.

### در حوزه قم

وی پس از طی مقدمات به مشهد مقدس عزیمت نمود و پس از تحصیل سطوح در سال ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت کرد، و به حوزه درسی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

پیوست، و نیز از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (در قم) بهره‌مند گردید، و خود اقدام به تأسیس حوزه درسی نمود، و شمار زیادی از طلاب تربیت داد. وی ابتدا در

مسجد عشقعلی و بعداً در مدرسه فیضیه به تدریس، و در مسجد حاج محمد جعفر بازار به اقامه جماعت اشتغال داشت.

### از آثار او

- ۱ - اجتهاد و تقلید.
- ۲ - برهان الشيعة فی اثبات الرجعة.
- ۳ - تعلیقه علی کفایة الاصول.
- ۴ - حاشیه بر عروة الوثقی.
- ۵ - حاشیه بر وسیلة النجاة (از اصفهانی).
- ۶ - رساله عملیه.

### از جمله شاگردان ایشان، حضرات آقایان حجج اسلام و فضایل کرام:

- ۱ - سید محمد علی صدرائی اشکوری.
- ۲ - شیخ حسین عشقی کمره‌ای.
- ۳ - سید کاظم صمدانی تبریزی.
- ۴ - شیخ محمد رضا نائینی.
- ۵ - شیخ ابراهیم منزوی خوانساری.
- ۶ - سید عبدالستار میانجی، ساکن میانه.
- ۷ - شیخ ابوالقاسم فروغی شاهرودی.
- ۸ - شیخ حسین بن آقا محمد کبیر قمی.
- ۹ - شیخ محمد ابراهیم یزدی (اعرافی).
- ۱۰ - سید حسین حجازی یزدی.
- ۱۱ - شیخ جواد بن محمد مجتهد قمی (کبیر).
- ۱۲ - میرزا احمد زاهدی لنکرانی.

- ۱۳ - شیخ حیدر راثی.
- ۱۴ - سید حسن شجاعی قمی.
- ۱۵ - سید علی شیخ الاسلامی تبریزی.
- ۱۶ - میرزا حسین عین الدینی آذربایجانی.
- ۱۷ - شیخ ابوالخیر احمدی خمینی.
- ۱۸ - سید علی اکبر موحدی تبریزی.
- ۱۹ - آیه الله حاج میرزا ابوالفضل علمائی سرابی.

### درگذشت

ایشان در روز جمعه ۲۲ / رمضان / ۱۳۸۳ ق مطابق با ۱۸ / بهمن / ۱۳۴۲ ش به سن ۶۳ سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۶ - آثار الحجة ۵۳/۲.
- ۱ - آینه دانشوران ۸۶ و ۲۰۴.
- ۷ - ستارگان درخشان ۳۳۴.
- ۵ - گنجینه دانشمندان ۱۷۸/۲.
- ۴ - گنجینه دانشوران ۱۷.
- ۲ - مؤلفین کتب چاپی ۶۹۲/۳.
- ۳ - وفيات العلماء ۲۶۴.

## شیخ عباسعلی محقق خراسانی

(۱۳۱۰ - ۱۳۸۳ ق)

حاج شیخ عباسعلی فرزند ملا بمانعلی محقق خراسانی، از مشاهیر وعّاظ ایران بود، در ۱۵ / صفر / ۱۳۱۰ ق در مشهد مقدس متولد شد.



ادبیات را نزد پدرش آموخت، و سطوح را نزد: میرزا محمد باقر مدرس رضوی و شیخ حسن بُرسی، و حکمت را از محضر آقا بزرگ شهیدی و حاج شیخ محمد علی فاضل استفاده نمود، سپس از راه وعظ و تبلیغ به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. و بالغ بر ۶۰ سال عمر خود را صرف مطالعه کتب نمود و با ذوق سرشار مردم را به سوی حقیقت هدایت می کرد، و مواعظ

سودمند و سخنان جذّاب او در قلوب بسیاری تأثیر داشت به طوری که هر شنونده را تحت الشعاع قرار می داد.

در سال ۱۳۵۲ ق به اعتاب مقدسه مشرف، و بعد از نماز مغرب و عشاء آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در صحن مطهر علوی منبر رفته، و سایر طلاب و فضلا و بلکه شخص آیت الله را شیفته بیانات خود نمود. در سال ۱۳۵۳ ق رسماً از مشهد مقدس به تهران نقل مکان نمود، و در نشر و گسترش معارف اسلامی و انجام وظایف دینی سعی کافی داشتند.

در اواخر عمر چند سال متوالی به خواسته آیت الله طباطبائی بروجردی سه ماه ذی حجه، محرم، و صفر را به قم رفته و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل آیت الله و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر می رفتند.

از آثار او: رساله در اثبات وجوب حجاب در دین مبین اسلام (که در ۱۳۶۷ ق به چاپ رسیده است).

سرانجام در صبح روز سه شنبه ۲ / ذی قعدة / ۱۳۸۳ ق مطابق با ۲۷ / اسفند /

۱۳۴۲ ش درگذشت، و در ارض پاک قم در مقبره بیات (مقابل پُل آهنچی) مدفون شد.

### از فرزندان وی:

۱ - شیخ هادی محقق، از فضلاء اهل منبر.

۲ - دکتر مهدی محقق، استاد دانشگاه تهران.

### تذکرات

۱ - گنجینه دانشمندان ۵۶۱/۴.

۲ - مؤلفین کتب چاپی ۶۹۱/۳.

## میرزا عباسعلی نجفی ارومیه‌ای

(۱۳۰۰ - ح ۱۳۹۵ ق)

از فضلا و بزرگان ارومیه به شمار می‌رفت.

وی در سال ۱۳۰۰ ق در ارومیه چشم به جهان باز کرد.

نامبرده پس از آموختن مقدمات، در سن ۷ سالگی به عتبات عالیات رهسپار شد و ابتدا در کربلای معلی مدت چهار سال سطوح تحصیل نمود. آنگاه در سال ۱۳۲۱ ق به نجف اشرف مشرف گردید و از محضر فقهای آن زمان به مدت ۲۶ سال استفاده شایان نمود.

نجفی در سال ۱۳۴۷ ق به زادگاهش بازگشت و به تشکیل حوزه درسی و تربیت طلاب پرداخت و در پی ارتحال برادرزن خود، آیت الله میرزا محمود اصولی به سال ۱۳۷۰ ق سرپرستی حوزه علمیه ارومیه را در اختیار گرفت و آن را به بهترین وجه اداره نمود.

ایشان در حدود ۱۳۹۵ ق در ارومیه چشم از جهان خاکی فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.



### فرزندانش:

۱ - میرزا عبدالمحمد نجفی ۲ - دکتر محمد نجفی و سه دختر از او باقی ماند.

### منابع

۱ - افادات دانشمند معظم آقای شیخ محمد فوزی (دام ظلّه).

۲ - تاریخ رضائیه ۲۶۰.

## سید عباس فقیه مبرقع قمی

(ح ۱۲۹۵ - ۱۳۳۵ ق)

حاج سید عباس فرزند سید محمد صادق فقیه مبرقع رضوی قمی، از فضلا بود. وی پدر حجة الاسلام سید مرتضیٰ فقیه مبرقع (معروف به حاج داداش) و داماد آیت الله سید احمد طباطبائی قمی بود.

نامبرده دروس عالی خود را در قم نزد حضرات آیات: شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند» و سید عبدالله برقی رضوی به پایان برد و از مدرسان مدرسه مهدی قلی خان - مدرسه خان - به شمار آمد. او در سال ۱۳۳۵ ق در اثر وبا در حدود سن ۴۰ سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام - ایوان آینه - به خاک سپرده شد.

تنها فرزند ذکور او، مرحوم سید مرتضیٰ فقیه بود و دارای چهار دختر گردید. دامادهايش عبارتند از حضرات آیات: ۱ - مرحوم شیخ فاضل لنکرانی «قفقازی»، ۲ - مرحوم سید شهاب الدین مرعشی ۳ - شیخ محمد کرمی (فعالاً در اهواز سکونت دارند) ۴ - مرحوم سید ابوالفضل لاجوردی، پدر دانشمند معظم آقای سید مهدی لاجوردی است.

### منبع

۱ - گنجینه دانشمندان ۲/۲۱۸.

## شیخ عباس فیض قمی

(۱۳۲۸ - ۱۳۹۵ ق)



شیخ عباس فرزند آیت الله میرزا محمد و نوّه علی اکبر فیض قمی، مورخ و نویسنده بزرگ معاصر بود.

وی در روز ۳ / جمادی الثانی / ۱۳۲۸ ق در سامرا دیده به جهان گشود (تولدش را به نقل از دست خط پدرش که بر روی یک قرآن قدیمی تحریر کرده بود، ثبت کردیم). او پس از رشد و نما ادبیات را نزد شیخ محمد حسین علامه آموخت، و دوره سطوح را نزد آیات: میرزا محمد همدانی، و آخوند ملا علی

همدانی گذرانید، آنگاه دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: پدر فقیه خود، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و روبه نویسندگی و پژوهش در رشته های تاریخ آورد، و آثار زیاد و گرانمایی را از خود به یادگار گذاشت.

### از آثار او

- ۱ - استقلال پاکستان.
- ۲ - انجم فروزان، در تاریخ قم.
- ۳ - بدر فروزان، در تاریخ آستان قدس رضوی.
- ۴ - تاریخ ری.

- ۵- تاريخ سامرا.
- ۶- تاريخ كاظمين و بغداد، ۲ جلد.
- ۷- تاريخ كربلا، ۲ جلد.
- ۸- تاريخ نجف.
- ۹- ترك دنيا.
- ۱۰- ثمره هستی.
- ۱۱- جدی فروزان در آئين تشيع.
- ۱۲- حشرات محشر.
- ۱۳- حل المشكلات در تفسير آيات مشكله قرآنی.
- ۱۴- خلاصة المقال في أحوال الأئمة عليهم السلام و الآل، ۲ جلد.
- ۱۵- خلد برين.
- ۱۶- دره فروزان.
- ۱۷- دوزخ نامه.
- ۱۸- ذخيره.
- ۱۹- راهنمایان توحيد در حالات پیامبران عليهم السلام.
- ۲۰- راهنمای ايران (تاريخ شهرها).
- ۲۱- رجال فيض.
- ۲۲- رهبانان اروپا با مبلغ اسلام.
- ۲۳- زيور زنان.
- ۲۴- سلسلة الذهب در انساب.
- ۲۵- شقایق.
- ۲۶- صراط مستقيم.
- ۲۷- ضجة بينوايان.
- ۲۸- طليعه سعادت.

۲۹ - ظلمتکده خرافات.

۳۰ - عفریت جهل.

۳۱ - غزاله.

۳۲ - فیض نامه.

۳۳ - قلعه فولادین.

۳۴ - قم و روحانیت.

۳۵ - کشتی طوفانی.

۳۶ - گنجینه آثار تاریخی قم، ۲ جلد.

۳۷ - لآلی پراکنده در مسائل متفرقه.

۳۸ - مدینه فاضله.

۳۹ - ندای حقیقت در حقایق دین اسلام.

۴۰ - وجوه المله.

۴۱ - یوسف کنعانی.

سرانجام در روز پنجشنبه ۲۹ / صفر / ۱۳۹۵ ق برابر با ۲۲ / اسفند /

۱۳۵۳ ش به سن ۶۷ سالگی در قم درگذشت، پیکرش در قبرستان شیخان مدفون گردید.

فرزندان: ۱ - حسن ۲ - محمد و سه دختر.

منابع

۱ - تاریخ علماء و شعرای گیلان ۱۶.

۲ - رجال قم ۱۲۵.

۳ - فهرست کتابهای چاپی فارسی ۱/۵۲۴ و ۷۰۶ و ۱۱۲۲.

۴ - گنجینه دانشوران ۱۳۶.

۵ - مستدرک اعیان الشیعة ۳/۱۰۷.

۶ - مؤلفین کتب چاپی ۳/۶۶۹.

## عباس کتابدار قمی « خادم »

( ۱۴۱۲- ق )

از شاعران معاصر قمی که به « خادم » تخلص می نمود.  
نمونه اشعارش در کتاب « تاریخ تکایا و عزاداری قم » آمده است.  
او در سال ۱۳۲۳ ش همراه با حاج محمد کتابدار « هیئت گذر صادق » از  
هیئت های معروف حسینی در قم، را بنیان نهاد.  
خادم، در اواسط / خرداد / ۱۳۷۱ ش درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ  
بهشت به خاک سپرده شد.

❦ منبع

۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۱۸۵.

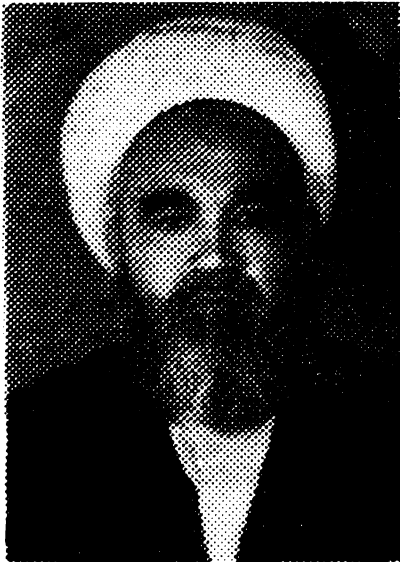
## شیخ عباس مستقیم قمی

( ح ۱۳۳۳ - ۱۴۰۴ ق )

حاج شیخ عباس فرزند میرزا حبیب الله تاجر قمی، ملقب به « مستقیم » از فضلا  
و اندیشمندان معاصر بود، که افتخار دامادی آیت الله میرزا محمد فیض قمی را  
داشت.

وی در حدود سال ۱۳۳۳ ق در قم دیده به جهان گشود.  
نامبرده پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیت الله سید شهاب الدین مرعشی  
به پایان رسانید. آنگاه دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری  
یزدی، شیخ محمد علی حائری قمی، شیخ محمد فیض قمی و سید محمد حجت  
کوهکمری استفاده نمود و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از  
شرکای بحث ایشان شد.

مستقیم علاوه بر تحصیل به تدریس مقدمات و متون کتب درسی و اقامه نماز



جماعت در مسجد امام حسن  
عسکری علیه السلام و ارشاد اشتغال داشت.  
وی دارای آثار قلمی در فقه و اصول  
می باشد که تاکنون به چاپ نرسیده است.  
ایشان در روز یکشنبه ۱۴ / جمادی  
الثانی / ۱۴۰۴ ق مطابق با ۲۸ / اسفند /  
۱۳۶۲ ش در حدود سن ۷۱ سالگی در  
قم درگذشت و پیکرش در صحن  
حضرت معصومه علیه السلام - صحن کهنه - به  
خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

۱ - دکتر مرتضی ۲ - آقا محمد تقی ۳ - آقا محمد سعید و یک دختر می باشد.

#### تألیفات

- ۱ - آثار الحجة ۵۵/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۴۰۰.
- ۳ - رجال قم ۱۲۷.
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۲۶۱/۲.

### سید عباس ملکی طسوجی

(۱۳۱۹ - ۱۴۰۲ ق)

حاج سید عباس فرزند سید حسین موسوی ملکی طسوجی، از علمای  
معروف آذربایجان بود.

وی در سال ۱۳۱۹ ق مطابق با ۱۲۸۰ ش در بخش «طسوج» چند کیلومتری

شبستر واقع در آذربایجان شرقی، متولد گردید.

ملکی پس از طی دوران کودکی و آموختن برخی از مقدمات به خوی رفت و در مدرسه علمیه نمازی و تحت نظارت دای خود علامه سید هاشم خوئی «مرفاتی» به تحصیل خود ادامه داد، سپس به مشهد مقدس رهسپار شد و چند سالی به تحصیل پرداخت.

ایشان جهت انجام تحصیلات عالی خود سرانجام رهسپار نجف اشرف شد و از محضر آیات: شیخ ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی بهره‌مند گردید. سپس به حوزه قم پیوست و از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوهکمری نیز استفاده نمود.

ایشان در حدود سال ۱۳۷۳ ق به تبریز عزیمت کرد به تدریس متون کتب درسی و اقامه جماعت اشتغال ورزید و

پس از چندی به خوی رفت و اقامه جماعت و ارشاد مردم را عهده‌دار شد.

ملکی در اواخر عمر خود به قم رفت و تا پایان عمر آنجا زیست و در سال ۱۴۰۲ مطابق با سال ۱۳۶۱ ش در سن ۸۳ سالگی درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ رضوان که مجاور قبرستان وادی السلام است، مدفون گردید. فرزندش حجة الاسلام سید حسن ملکی (متولد سال ۱۳۶۴ ق) ساکن قم می‌باشد.

منابع

۱ - اظهارات فرزند معظم‌له.

۲- سراج المعانی در احوالات سید ابوالحسن اصفهانی ۱۹۸.

۳- گنجینه دانشمندان ۳۵۴/۹.

## سید عباس مهری

(۱۳۳۳-۱۴۰۸ ق)

وی در استان فارس - ایران - در سال ۱۳۳۳ ق تولد یافت. در سنین جوانی به نجف اشرف رفت و مقدمات را فرا گرفت. سطح عالی را از محضر آیات: سید محمد باقر محلاتی، سید محمود شاهرودی و سید محمد تقی بحرالعلوم استفاده نمود. سپس به کویت مهاجرت کرد و به وعظ و ارشاد و هدایت عامه پرداخت. در آنجا از موقعیت بسیار خوبی برخوردار بود. در اوایل انقلاب در ایران، ایشان را از کویت به ایران بیرون راندند و در شهر مذهبی قم سکونت اختیار فرمود.

او زمانیکه نامه حضرت امام مدظله در زمینه حوادث آن روز به دستش رسید برنامه‌های مبارزاتی و انقلابی خود را بصورت آشکار شروع نمود و حکام خودفروخته کویت که تحمل افشاگریهای او را نداشتند رذیلانه بفرار ایجاد مانع بر سر راه او افتادند و بصورتی وحشت‌زده او را تهدید به مرگ کردند.

و زمانی که ابراهیم جبهان وهابی عقائد انحرافی را در میان مردم مسلمان کویت ترویج می‌نمود و از طرفی حکام فاسد کویت برنامه‌های انحرافات اخلاقی و... از طریق مدارس برای فرزندان آنان هدیه آورده بودند ایشان به فکر تأسیس مرکزی برای پرورش فکری جوانان برآمد که یکی از نتایجش تأسیس مدرسه دخترانه جعفری بود...

علامه مهری از ابتدای نهضت مردم مسلمان ایران پاب پای آنان بجلو می‌رفت و در این زمینه سهم مهمی داشت بطوریکه بیت او پناهگاه مبارزین و طرفداران نهضت بود و مدتهای قبل از پیروزی به اوج خود رسید بحدیکه اعلامیه‌ها نوارها و فیلمها از طریق بیت علامه مهری به ایران منتقل می‌شد.

و در آن زمان که حزب بعث وجود حضرت امام مدظله را تحمل نکرد و



معظم له از نجف اشرف به مرز کویت آمد او سعی و کوشش و تلاش زیادی نمود تا این افتخار را نصیب مردم مسلمان کویت نماید لکن حکام دست نشانده کویت مردم را از این نعمت محروم نموده و از ورود حضرتش به کویت جلوگیری کردند. بمحض پیروزی انقلاب و علی رغم مخالفت شدید حکام جبار کویت راهپیمایی عظیمی از منزلشان تا سفارت جمهوری اسلامی ایران ترتیب داد و به دستور ایشان مردم وارد سفارت شدند و پرچم ستم شاهی را بزیر کشیدند و بجای آن پرچم «الله اکبر» با تصویر مبارک حضرت امام نصب کردند طولی نکشید که حوادث و ماجراهای مسجد ایشن (معروف به مسجد شعبان) شروع شد و در آنجا مسائل و مشکلات ملت مظلوم کویت بررسی میشد و در مجالس عموم تشریح می گردید. سرعت حرکت نهضت و پافشاری ایشان در احقاق حق مردم و بعلاوه منصوب شدن ایشان به امامت جمعه کویت از طرف حضرت امام مدظله (که از طریق رادیو جمهوری اسلامی ایران پخش شد) حکام گنجه کویت را به وحشت انداخت و در نتیجه ایشان و تمام افراد خانواده و عائله اش را به جمهوری اسلامی ایران تبعید نمودند.

ولی او با این طرفنها از پای نشست و هیچگونه تردیدی بخود راه نداد و مسئله نهضت را هدایت و رهبری میکرد و فرزندان حزب الله با الهام از رهنمودهای ایشان مبارزاتی نظیر حادثه منطقه «مشرف» ادامه داده و میدهند تا اینکه آن بزرگوار در شب ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۰۸ ه. ق به لقاء پروردگار شتافت.

زاهدانه می زیست و علاوه بر فرائض نماز شب و نوافل روز او بهیچ وجه ترک نمیشد. در معاشرت با مردم و حتی خردسالان بسیار متواضع بود در میان سخن حق، بسیار شجاع و این شجاعت را از رهبرش آموخته بود و عاشق رهبر بود و مسئله رهبری و مرجعیت او همیشه مورد نظرش بود و در مصائب و سختیهای فی سبیل الله صابر و شکیبا در خدمت به مردم محروم جامعه و رفع حوائج آنان بسیار کوشا بود.

سلام علیه یوم ولد و یوم لاقی ربه و یوم یبعث حیا

مهری، در روز دوشنبه ۲۶ / جمادی الثانی / ۱۴۰۸ ق در پی بیماری در سن ۷۵ سالگی در تهران زندگی را وداع گفت. پیکرش روز سه‌شنبه در قم تشییع و در مسجد بالا سر، حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

تذ منیع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## سید عباس میرزاده اهری

(ح ۱۳۵۸ - ۱۴۰۰ ق)



سید عباس میرزاده فرزند سید محمد اهری، از فضلا و نویسندگان معروف حوزه علمیه قم بود. وی اصالتاً اهل «میرکند» اهر است. در حدود سال ۱۳۵۸ ق در اهر - واقع در استان آذربایجان شرقی - تولد یافت.

بخشی از مقدمات را نزد شیخ یدالله دهقان در اهر آموخت. سپس در سال ۱۳۳۸ ش به تبریز رفت و در حوزه آن دیار نزد آقایان: سید حبیب موسوی (ساکن بستان‌آباد)، میرزا محمد

آصفی، میرزا رسول شاهی و سید رضا مرنندی به تکمیل مقدمات و ادبیات پرداخت.

در سال ۱۳۴۲ ش به قم مهاجرت نمود و سطح را نزد شیخ ناصر مکارم شیرازی، شیخ جعفر سبحانی تبریزی و شیخ علی دوانی به انجام رساند. درس خارج را فقط از محضر آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری بهره‌مند گردید.

وی روی به راهنمایی نسل جوان آورد و از راه قلم و زبان به بیان حقایق و آشنایی جوانان با مذهب همت گماشت. از جمله کارهای فرهنگی ایشان می توان به: عضویت در هیئت تحریریه مجله «نسل نو»، عضویت در هیئت تحریریه مجله «پیام شادی» و از اعضای مؤسس مجله «غذای فکری برای نسل جوان» بود، اشاره کرد. مقالات زیادی در مجلات مذکور.

### از آثار او:

- ۱ - نهج البلاغه چیست؟، ترجمه کتاب ما هو نهج البلاغه (اثر علامه سیّد هبة الدین شهرستانی)، ۱۳۴۶ ش، قم، جیبی، ۱۴۳ ص.
- ۲ - تجلیگاه ولایت، همکاری در تألیف.
- میرزاده در اوایل سال ۱۳۵۹ ش در چهارراه حسن آباد «شهریار» در اثر تصادف بدورد حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بقیع مدفون شد.
- او از چند همسری که انتخاب کرده بود، دارای اولاد زیرگردید: ۱ - سیّد کاظم
- ۲ - سیّد رضا ۳ - سیّد مرتضی و پنج دختر.

### منبع

- ۱ - اظهارات چند تن از دوستان اهری آن مرحوم.

## عباس میرزا ملک آرا قاجار

(۱۲۵۵ - ۱۳۱۴ ق)

عباس میرزا ملقب به «ملک آرا» فرزند دوم محمد شاه و نوه عباس میرزا «نایب السلطنه» قاجار، از رجال سیاسی معروف ایران بود.

وی در رجب / ۱۲۵۵ ق در تهران متولد شد.

عباس میرزا از دوران کودکی مورد توجه پدر خود بود، و احتمال آن می رفت که جانشین او گردد، به همین خاطر ناصرالدین شاه که کینه برادر کوچک خود را در دل

داشت تا اینکه مبادا به پادشاهی برسد، در ذی الحجه / ۱۲۶۸ ق با مقررۃ سالیانه سه هزار تومان به عراق تبعید کرد و در بغداد مستقر شد. او پس از بیست و هفت سال اقامت در بغداد و مدت کمی هم در اسلامبول در محرم / ۱۲۹۵ به تهران بازگشت و پس از ورود به آن شهر، ناصرالدین شاه او را به «ملک آرا» ملقب نمود. چندی بعد به حکومت زنجان منصوب شد. در سال ۱۲۹۶ ق به تهران بازگشت. و در سال ۱۲۹۸ ق به حکومت قزوین رسید. در سال ۱۳۰۳ ق به وزارت تجارت منصوب شد. مدتی هم ریاست افتخاری شورای عالی دولتی بود.

### از آثار او

- ۱- کتابی در شرح حال خود (و اوضاع آن دوره).
- ملک آرا در ۱۴ / ذی القعدة / ۱۳۱۴ ق در سن ۵۹ سالگی در اثر سکتة قلبی حیات را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در جوار مزار پدر خود در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. محمد میرزا که از طرف مظفرالدین شاه به «ملک آرا» ملقب گردیده فرزند اوست.

### منابع

- ۱- شرح حال رجال ایران ۲/ ۲۲۲.
- ۲- مکارم الآثار ۵/ ۱۴۹۴.

## سید عبدالباقی رشتی «شریف العلما»

( ۱۳۱۱ ق )

میر سید عبدالباقی ملقب به «شریف العلما» و معروف به «حجة الاسلام» فرزند سید علیرضا موسوی رشتی، از دانشمندان و فقهای برجسته عصر خود در رشت بود.

نسب ایشان به سید شرفشاه گیلانی - از عرفای قرن هشتم هجری - منتهی

می شود و سرانجام به امام موسی کاظم علیه السلام می پیوندد.

### تحصیلات عالی در نجف اشرف

نامبرده تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف، نزد آیات: شیخ حسن کاشف الغطا و شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به انجام رسانید و از اساتید مذکور و آیه الله شیخ مهدی کاشف الغطا به دریافت اجازات علمی و روایی نایل آمد. وی هنگام اقامت در نجف اشرف به افتخار دامادی علامه سید علی طباطبائی بحرالعلوم (صاحب برهان قاطع) نایل شد، آن گاه به وطن خود یعنی «رشت» مراجعت کرد و ریاست امور دینی و مذهبی مردم را عهده دار شد.

### از آثار او

- ۱ - المواهب الغرویه فی شرح شرائع الاسلام، در چند جلد.
- ۲ - انوار الشیعة فی الاخلاق.

### درگذشت و اعقاب

ایشان به سال ۱۳۱۱ ق در شهر رشت (یا قم) درگذشت، و در شهر مذهبی قم در مقبره شماره شش صحن عتیق حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

- ۱ - علامه سید محمد علی بحرالعلوم ۲ - علامه سید حسین (آقامیر) بحرالعلوم که از جمله شاگردان و مقررین درس آیه الله میرزا حبیب الله رشتی بود. وی به سال ۱۳۲۷ ق در فتنه مشروطه همراه با فرزند خود سید جواد، شهید گردید.
- فرزند دیگر آقامیر، سید حسن بحرالعلوم (ح ۱۳۱۴ - ۱۳۹۷ ق) متولد و متوفای در رشت، و مدفون در صحن کهنه در مشهد رضوی می باشد.

سید حسن در نجف اشرف از جمله شاگردان آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بود.

منابع

۱ - المآثر والآثار.

۲ - أعيان الشيعة ۴۳۳/۷.

۳ - تراجم الرجال ۲۶۶/۱.

۴ - شهداء الفضيلة ۳۶۳/۲.

۵ - نقيب البشر ۱۰۲۰/۳.

## میرزا عبدالجواد کلباسی اصفهانی

(۱۳۱۹ - ۱۳۸۷ ق)

حاج شیخ میرزا عبدالجواد فرزند علامه میرزا محمد هاشم و نوۀ میرزا عبدالجواد کلباسی اصفهانی، و نوۀ دختری آیت الله شیخ محمد علی ثقة الاسلام «مسجد شاهی» و یکی از فضلاء و پارسایان بود.

وی در رمضان / ۱۳۱۹ ق در اصفهان متولد گردید.

پدرش میرزا هاشم (متوفای ۱۵ / ذی حجه / ۱۳۵۸ ق در اصفهان و مدفون در تخت فولاد) از علمای متقی و صالح بود و در اصفهان جزو شاگردان آیت الله سید محمد باقر درچه‌ای به شمار می‌رفت و در مسجد حکیم در هر سه وقت، نماز جماعت برپا می‌کرد. شرح حالش در مکارم الآثار ۱۴۷۹/۵ و تذکرة القبور یا دانشمندان اصفهان ۴۰۷ آمده است.

میرزا عبدالجواد، تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در حوزه اصفهان و نزد اساتید آن سامان به پایان رسانید و به جای پدر خود در مسجد حکیم به اقامۀ نماز جماعت و ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت.

وی مردی فاضل، خلیق، متواضع، مهربان و مورد احترام سایر طبقات و در زمینه کمک به ضعیفا و مستمندان و رفع حوائج نیازمندان کوشا بود. ایشان سالهای متمادی مرتباً به عتبات عالیات می‌رفت و هر دفعه پنج یا شش ماه در آنجا توقف می‌کرد و به تهذیب نفس و تحصیل کمالات می‌پرداخت. مرحوم شیخ محمد کلباسی در کتاب خود «خاندان کلباسی» درباره ایشان چنین می‌نویسد: «میرزا عبدالجواد حامی فقرا و ضعیفا بود و غالب عمر خود را در زیارات ائمه اطهار و معصومین علیهم‌السلام صرف می‌نمود». همیشه موفق به سحرخیزی و تهجد و محبوب القلوب بین الناس بود. مخصوصاً اهل اصفهان علاقمند به ایشان بودند و در نزد ملت و دولت و جاهت تام داشت.

### از آثار او

- ۱ - منهاج السالکین در آداب حج و زیارت مدینه منوره.
- کلباسی در روز شنبه ۱۹ / جمادی اول / ۱۳۸۷ ق مطابق با ۴ / شهریور / ۱۳۴۶ در سن ۶۸ سالگی در بین راه تهران - اصفهان (در نزدیکی دلیجان) دچار حادثه ناگوار تصادف شد و جان سپرد. پیکرش در روز یکشنبه در اصفهان تشییع و به قم انتقال داده شد و در یکی از حجرات صحن بزرگ حضرت معصومه علیها‌السلام - به طرف قبله - به خاک سپرده شد.
- از او اولاد ذکوری باقی نماند و هنگام مرگ فقط دارای دو دختر بود.

### منابع

- ۱ - تاریخ رجال خاندان کلباسی (خطی - محمّد علی معلم حبیب آبادی).
- ۲ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲۲۹/۳.
- ۳ - تذکرة القبور یا دانشمندان اصفهان ۲۹۵.
- ۴ - خاندان کلباسی (خطی - شیخ محمّد کلباسی).

## سید عبدالحجة ابروانی « تبریزی »

(۱۳۱۱ - ۱۳۹۵ ق)



سید عبدالحجة فرزند آیت الله سید علی و نوه سید عبدالله ابروانی تبریزی، از دانشمندان و اساتید معروف حوزه علمیه تبریز بود.

وی در سال ۱۳۱۱ ق مطابق با ۱۲۷۲ ش در شهر تبریز دیده به جهان گشود.

پدرش از علمای طراز اول و برجسته ابروان به شمار می رفت و به علت وارستگی و مقام معنوی، در زمان حیات مورد احترام خاص و عام بود و پس از رحلت در سال ۱۳۲۴ ق هم آرامگاه وی در ابروان مزار اهل ایمان

گردید. وی دارای کتابخانه نفیسی بود که آنرا بر طلاب و مشتغلین به تحصیل وقف نمود. از جمله آثار قلمی او، حاشیه علی تشویق السالکین است. مختصری از حالاتش در نقباء البشر ۱۴۷۱/۴ آمده است.

سید عبدالحجة پس از طی مقدمات و سطوح، به نجف اشرف رهسپار شد و از فقهای نامدار آن سامان از جمله آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی استفاده نمود. و پس از نیل به درجه عالی علمی به زادگاه خود مراجعت نمود. مدرسه خواجه علی اصغر تبریز زیر نظرش اداره می شد و در تربیت طلاب تلاش زیادی بذل نمود.



استاد سید هادی خسروشاهی در مجله «تاریخ و فرهنگ معاصر» هنگام نگارش شرح حال فرزند سید عبدالحجّه، وی را چنین معرفی می‌کند.

(... پدر مرحوم آقا سید عبدالمجید، آیت‌الله سید حجت ایروانی از معارف علمای تبریز به شمار می‌رفت. چهره‌ای بسیار نورانی و قیافه‌ای جذّاب داشت. همیشه لباس تمیز می‌پوشید و با وقار خاصی راه می‌رفت. به علت مقام علمی و معنوی خود، مورد احترام همه علمای آذربایجان و مردم متدین تبریز بود. جلسه تدریس برای طلاب خود، داشت و در دو مسجد حاج صفر علی و خواجه علی اصغر - ظهر و شب - اقامه نماز جماعت می‌نمود و ماه مبارک رمضان همه روزه در مسجد خود به ارشاد مردم و تفسیر قرآن می‌پرداخت... او در سال ۱۳۵۴ شمسی به رحمت حق پیوست).

### از آثار او

- ۱ - حاشیه بر رساله عملیه (از غروی اصفهانی).
- نامبرده در یکی از حجزات صحن مطهر که اینک جزء حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است، به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره (۵)، ص ۲۹۵.
- ۲ - مکارم الآثار ۱۵۶۳/۵.
- ۳ - نقباء البشر ۱۴۷۱/۴.

### سید عبدالحجّه بلاغی نائینی «حجت»

(۱۳۱۳ - ۱۳۹۷ ق)

سید عبدالحجّه فرزند سید حسن و نوه سید محمد باقر فرزند سید محمد تقی فرزند میر صدرالدین عریضی حسینی نائینی، معروف و متخلص به «بلاغی» و



« حجت » و ملقب به « حجت علیشاه »  
و « حجت بلاغی » از فضلا و  
نویسندگان نامی معاصر بود.

وی در ۲۴ / شعبان / ۱۳۱۳ ق در  
شهر نائین - استان اصفهان - تولد یافت.  
ایشان تحصیلات خود را در  
حوزه‌های نائین و اصفهان به پایان  
رساند و در اصفهان از محضر آیت الله  
شیخ نورالله اصفهانی « مسجدشاهی »  
استفاده کرده بود. سپس به عرفان و امور

معنوی روی آورد. ابتدا به سید حسین شمس العرفا ارادت حاصل نمود، سپس به  
شیخ عبدالحسین ذوالریاستین نزدیک شد و از او اجازه ارشاد گرفت و پس از فوت  
ذوالریاستین ادعای قطبیت سلسله نعمت الهی نمود.

ایشان بسیار فعالیت و سفر زیاد می نمود، حب پژوهش و اطلاع داشت.  
کتابهایی را که نوشته نکات فراوان و مطالب جدید بسیاری دارد.

در سال ۱۳۰۹ ش ( ۱۳۴۹ ق ) روزنامه « جامع » را در اصفهان تأسیس و منتشر  
ساخت.

استاد حجت بلاغی، علاوه بر آشنایی با علوم دینی از قبیل: فقه و اصول، در  
رشته‌های: تفسیر قرآن، ادبیات فارسی و عربی، تاریخ به صورت عام و تاریخ استان  
اصفهان به صورت خاص، دعا، عرفان و انساب آشنایی کامل و مهارت ویژه‌ای  
داشت و در این زمینه‌ها آثار قلمی دارد.

#### از آثار او:

۱ - الأسرار الالهية فی الأذکار والأورد والأدعية السرية.

- ۲ - انساب خاندانهای مردم نائین.
  - ۳ - تاریخ تهران، دو جلد.
  - ۴ - تاریخ مختصر پیامبران اولوالعزم، دو جلد.
  - ۵ - تاریخ مقابر اصفهان.
  - ۶ - تاریخ نائین «مدینه العرفاء»، دو جلد.
  - ۷ - تاریخ نجف و حیره، دو جلد.
  - ۸ - تاریخ و جغرافیای کاشمر.
  - ۹ - ترجمه صحیفه سجادیه.
  - ۱۰ - تفسیر قرآن، به فارسی تا سوره بقره، در چند جلد.
  - ۱۱ - دیوان اشعار.
  - ۱۲ - رساله شعریه در جبر و تفویض.
  - ۱۳ - زندگانی علی بن سهل اصفهانی.
  - ۱۴ - شطرنج العرفاء، در پنج جلد.
  - ۱۵ - فرهنگ تاریخ نائین.
  - ۱۶ - فرهنگ سمات در شرح دعای سمات.
  - ۱۷ - کشکول بلاغی.
  - ۱۸ - گلزار بلاغی.
  - ۱۹ - گل نرگس (دباره حضرت نرجس خاتون، مادر امام زمان «عج»).
  - ۲۰ - مسیر حضرت امام رضا علیه السلام.
  - ۲۱ - مقالات الحنفاء فی مقامات شمس العرفاء.
  - ۲۲ - مقامات العرفاء یا زندگانی شمس العرفاء.
  - ۲۳ - مقلاد الرشاد فی المؤنثات السماعیه والأضداد.
  - ۲۴ - نقد الروضات.
- محقق گرانقدر حجت بلاغی، در روز دوشنبه ۴ / صفر ۱۳۹۷ ق برابر با ۴ /

بهمن / ۱۳۵۵ ش در سن ۸۴ سالگی بدورد حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد. از او تنها یک فرزند ذکور به نام سید علی و ده دختر، به جای ماند.



سید صدرالدین بلاغی

استاد و سخنور بلند پایه مرحوم سید صدرالدین بلاغی (۱۳۲۹ - ۱۴۱۸ ق) و پژوهشگر معروف، برادر سید عبدالحجه بلاغی بود.

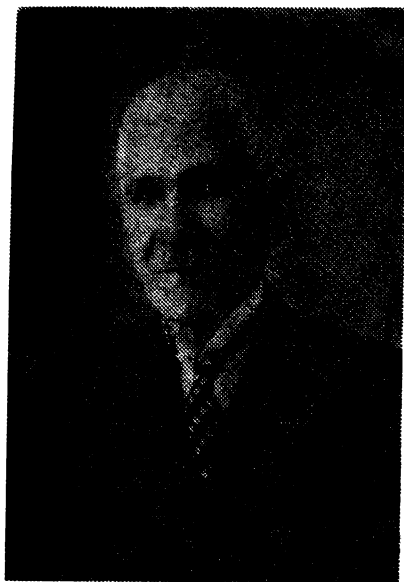
تذ منافع

- ۱ - انساب خاندانهای مردم نائین ۱۳۸.
- ۲ - تاریخ جراید و مجلات ایران ۱۶۲/۲.
- ۳ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲۰/۲.
- ۴ - تاریخ نائین ۶۰/۱.
- ۵ - تذکره سخنوران نائین ۴۳.
- ۶ - تذکره شعرای اصفهان ۹۲.
- ۷ - رجال اصفهان یا تذکره القبور، در مقدمه کتاب، ص یا.
- ۸ - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۳۴۲/۶ (تولدش را در سال ۱۳۲۲ ق نوشته که اشتباه است).
- ۹ - مؤلفین کتب چاپی ۷۱۵/۳.

## عبدالحسین آیتی تفتی

(۱۲۸۷ - ۱۳۷۳ ق)

عبدالحسین آیتی فرزند علامه شیخ محمد، مشهور به «حاج آخوند» از روحانیون مشهور یزد و نوه شیخ محمد معروف به «آقابزرگ» تفتی یزدی. آیتی در ۸ / ذی الحجه / ۱۲۸۷ ق در «تفت» یزد به دنیا آمد.



وی تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه به پایان برد و در سن ۱۵ سالگی به یزد رفت و در مدرسه خان بزرگ اقامت نمود و دوره صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را نزد میر بهاءالدین جندقی، ملا عبدالکریم مسگر و ملا علی اکبر ندوشنی تکمیل نمود. در سال ۱۳۱۳ ق به تقاضای اهالی یزد بر مسند پدر نشست، و امامت دو مسجد و حل و عقد امور شرعی مردم را عهده دار شد.

### گرایش به آئین بهائیت

در سی و چهار سالگی به مسلک بهائیت گروید و این عقیده را بیست سال حفظ کرد، و پس از آن دوباره به آئین اسلام بازگشت. آیتی خود در شرح واقعه قبول بهائیت، در خاطراتش می نویسد: «در آن موقع بهائیان دام برایم گسترده و به وسائل عذیده کتب خودشان را تحت مطالعه ام قرار دادند. بعضی از مشایخ و مقتدایان محلی مطلع شده پیش از آنکه به طرفی از رد و قبول بگرایم متهم ساختند، چندانکه نه تنها ریاست و محراب و منبرم در خطر افتاد، بلکه جانم نیز در معرض خطر بود، و کارم به مهاجرت کشید، به همان نسبت که مشایخ محلی و مریدانشان مرا از حوزه اسلامی دور کردند، به همان نسبت وجوه بابیه و بهائیه بغل گشوده مرا در آغوش کشیدند.

این جذر و مدّ مذهبی مرا در مدت بیست سال به اطراف جهان کشیده در سلک مبلغین و مبشرین و داخل در بساط حل و عقد امور بهائیت درآورده، امواج



حوادث، گاهی به ساحل قبولم می کشید و دم دیگر در وادی رد و نکولم می افکند، تا در سفر دوم که سه ماه مقیم کوی رئیس ایشان (عبدالبهاء عباس) گشتم، در «حیف»، کاملاً بر بطلان دعوی او و پدرش از جنبه مذهبی آگاه گشته، تنها از جنبه وطن خواهی و نعمات صلح جوئی و فلسفه نفوذ ایشان در عالم غرب غرق حیرت و منتظر کشف حقیقت بودم، تا پس از مرگ عبدالبهاء در زمامداری سبط کبیرش (شوقی افندی) موفق به سفر اروپا شدم، و از آن حیث نیز آسوده خاطر گشته، یقین کردم که این دروغ هم عطف بر دروغهای مذهبی شده نفوذی در جهان غرب نداشته اند، و اگرگاهی عده قلیلی توجهی نموده اند در اثر خیانت حضرات و نتیجه سیاست بیگانگان است نه چیز دیگر، و چون عبدالبهاء را خائن ایران هم از حیث مذهب و هم از حیث استقلال و سیاست شناختم دل از مهرشان به پرداختم، و خود را در زحمت و خطر دیگری انداخته چند هزار نفر بهائی متعصب را دشمن خود گردانیدم...».

آیتی هنگامی که بهائی بود کتاب «الکواکب الدریة فی المآثر البهائیة» را در دو جلد نگاشته که شرح پیدایش بهائیت است. خود در باره این کتاب می گوید:

«دو جلد کواکب الدریه که انشاء بنده است، و مواد تاریخی آن را با هزاران اختلاف و تصرف و تقلب، رؤسای بهائیه داده اند، لهذا خودم آن را معتبر نمی دانم و قطعاً استفاده تاریخی از آن نمی توان کرد، چه مسائل مسلمهای که حتی مانند (ادوارد براون) در کتب خود نوشته و من هم کاملترش را نوشته بودم، از کتابم در موقع طبع آن در مصر حذف کرده اند، زیرا به ضررشان تمام می شده و تعبیرات جعلیه را جانشین آن قرار داده اند.»

آیتی پس از مرگ «عبدالبهاء» پیشوای بهائیان در سال ۱۳۴۰ ق به همراه جمعی دیگر از بهائیان، دوباره مسلمان شد و از آئین بهائیت روی گرداند. او پس از اسلام آوردن کتاب «کشف الحیل» را در سه جلد در رد بهائیت نگاشت. خود در باره این کتاب می گوید:

«دو جلد کتاب کشف الحیل طبع تهران در رد بهائیت که اگر چه با قلم زهرا آگین و تند و تلخ نگاشته شده، ولی یک کلمه بی حقیقت و متزلزل و شبهه ناک در آن گنجانیده نشده، بلکه افتضاحات فزون از شماری دارند که عفت قلمی و مقتضیات محیط مانع از ذکر آن بوده است».

آیتی پس از سال ۱۳۴۰ ق به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و حدود ده سال به تدریس علوم ادبی در دبیرستانهای تهران پرداخت، و در سال ۱۳۰۸ ش مجله «نمکدان» را در تهران منتشر کرده بود که این امر سالها دوام یافت. پس از مدتی تدریس در تهران به یزد انتقال یافت و در دبیرستانهای یزد به تدریس و تعلیم همت گماشت.

ایشان شاعری خوش سخن بود و در جوانی بنا بر توصیه پدرش تخلص «ضیائی» داشت و پس از گرویدن وی به کیش بهائیت، بنا بر توصیه «عباس افندی» تخلص «آواره» را انتخاب کرد. آیتی در این باره می گوید: «اما تخلص آواره را عبدالبهاء عباس بر من روا داشت، و فلسفه اش این بود که کلمه «ضیاء» نزد او ناپسند بود، به سبب این که یک برادرش (ضیاء الله) نام داشت و او کاملاً با عباس افندی مخالفت کرده، زیر بار خدائیش نرفته بود، و پس از آنکه بعضی از اشعار مرا دید به من نوشت که: تخلص شما من بعد آواره باشد. و این منتهی متنی بود که بر من داشت، چه او و پدرش بدین لقب ملقب بوده همیشه می نوشتند: «ما آوارگان»، ولی باید دانست که در مدت معاشرت با ایشان کم شعر گفته ام...».

عبدالحسین آیتی سرانجام پس از عمری پرماجرا در صفر / ۱۳۷۳ ق مطابق با مهر / ۱۳۳۲ ش، ضمن سفری که به تهران کرده بود بیمارگشت و رخت به سرای دیگر کشید، و جنازه او در قم (ظاهراً در قبرستان حاج شیخ) به خاک سپرده شد.

### از آثار او

۱ - آتشکده یزدان (تاریخ یزد).

- ۲ - اشعه حیات (اشعار).
  - ۳ - تاریخ فلاسفه.
  - ۴ - انشاء عالی یا چهار فصل آیتی.
  - ۵ - چکامه شمشیر (اشعار).
  - ۶ - فرهنگ آیتی در لغت فارسی «سه گلبن»، در سه جلد.
  - ۷ - خردنامه (اشعار).
  - ۸ - روش نگارش یا موضوع نویسی.
  - ۹ - سیاحت نامه دکتر ژاک آمریکایی، در سه جلد (شامل: سه گمشده، سه فراری و سه عروس است).
  - ۱۰ - کتاب نبی یا ترجمه و تفسیر مختصر قرآن، به فارسی، در سه جلد.
  - ۱۱ - گفتار آیتی.
  - ۱۲ - الکواکب الدریة فی المآثر البهائیة.
  - ۱۳ - کشف الحیل در ردّ بهائیت، در سه جلد.
  - ۱۴ - ملکه عقل و عفریت جهل.
  - ۱۵ - نغمه دل (اشعار).
  - ۱۶ - هوگوی ایرانی یا نخستین پرواز بشر.
  - ۱۷ - قصیده قرآنی (اشعار).
  - ۱۸ - دیوان غزلیات و رباعیات و قطعات.
- نمونه ای از اشعار آیتی:

|                                    |                                  |
|------------------------------------|----------------------------------|
| دل را تو مپندار که در بند نماز است | بر قبله ابروت گرم روی نیاز است   |
| درویشم و بر کوی توام روی نیاز است  | تو شاهی و خاک در تو کعبه آمال    |
| کوتاه سخن رشته امید دراز است       | گر دست من از دامن وصلت شده کوتاه |
| زو روی فرو پوش که نامحرم راز است   | مجرم طلبد حاجت اگر زآن خم ابروی  |



صد تیر زمگان تو بر چشم دلم خورد  
 گه اوج مرا آمد و گه موج مرا برد  
 روشن بودم باز که بر روی تو باز است  
 در بادیۀ عشق نشیب است و فراز است  
 چون شد به وطن «آیتی» ازخشم بر او تاخت  
 آنکس که خود «آواره» و آواره نواز است

### منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۶۱۰
- ۲ - تاریخ جراید و مجلات ایران ۳۰۹/۴
- ۳ - تاریخ یزد ۲۷۷
- ۴ - تذکره سخنوران یزد ۳۷۴/۲
- ۵ - زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۲/۱
- ۶ - سخنوران نامی معاصر ۴۰/۲
- ۷ - شرح حال رجال ایران
- ۸ - فرهنگ شاعران زبان پارسی ۲۰ (تولدش را اشتباه نوشته است).
- ۹ - مجله وحید، شماره ۲۴۲
- ۱۰ - مجله یغما، سال بیستم
- ۱۱ - مؤلفین کتب چاپی ۷۱۸/۳
- ۱۲ - نقباء البشر ۱۰۷۴/۳

## شیخ عبدالحسین بروجردی «صاحب الداری»

(۱۳۰۸ - ۱۳۷۷ ق)

حاج میرزا عبدالحسین فرزند آخوند ملا علی بروجردی، اصالتاً از روستای «گنجینه» بروجرد است سال ۱۳۰۸ ق در بروجرد متولد و پس از وصول به حد تمیز معارف ابتدائی و علوم مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات خویش به اراک رفت و از ذخائر علمی آیات: سید نورالدین عراقی و ملا محمد علی خان عراقی استفاده کرد، تا سال ۱۳۳۲ ق که مرحوم آیت الله حاج شیخ



عبدالکریم حائری یزدی از کربلا به اراک  
تشریف برد صاحب الداری به ایشان  
پیوست و از خواص اصحاب و مقسم  
شهریه از طرف معظم له شد، تا در سال  
۱۳۴۰ ق که مرحوم آیت الله حائری به  
قم مهاجرت کرد او نیز به قم رهسپار  
شد.

آقای شیخ محمد رازی در آثار  
الحجه می نویسد:

(آقای حاج میرزا عبدالحسین  
بروجردی معروف به «صاحب الداری»

که مقسم آیت الله حائری در اراک بود برای نگارنده گفت که: پس از توقف آیت الله  
حائری در قم، اول کسی که از اراک به ایشان پیوست من بودم با حجة الاسلام حاج  
میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی.

پس از اینکه دو ماه به امر ایشان شهریه محصلین اراک را پرداختم و خدمتشان  
رسیدم، فرمود: ما ماندنی شدیم، اگر شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است،  
بروید خانواده خود را بیاورید.

پس حاج میرزا هدایت به اراک رفت و اصحاب آیت الله حائری را از قضیه  
مطلع و خانواده خود و مرا به قم آورد، و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس شد).

صاحب الداری، تا آخر عمر مرحوم آیت الله حائری متصدی امور مدارس  
فیضیه و دارالشفاء و امور طلاب و سرپرست کتابخانه فیضیه، و پس از ورود مرحوم  
آیت الله بروجردی نیز به سمت سرپرستی کتابخانه باقی بود، ضمناً از اباحت  
معظم له و نیز دروس سید محمد حجت کوهکمری، سید صدرالدین صدر، و سید  
محمد تقی خوانساری استفاده می کرد.

ایشان در رجب / ۱۳۷۷ ق مطابق با بهمن / ۱۳۳۶ ش به سن ۶۹ سالگی در گذشت و پس از ادای نماز توسط آیه الله بروجردی در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

و از آثار علمیة او: تعلیقه‌ای است بر رجال ابی محمد.

فرزندانش:

۱ - علی فرهنگی بازنشسته ۲ - علی اصغر ۳ - مهندس علی اکبر و ۴ دختر.

منابع

۱ - آثار الحجة ۱۷/۱ و ۵۶/۲.

۲ - آینه دانشوران ۱۸۹.

۳ - تاریخ بروجرد ۵۹۹/۲.

۴ - رجال قم ۱۲۸.

## شیخ عبدالحسین بقال

(۱۳۵۵ - ۱۴۲۰ ق)

پژوهشگر توانا استاد شیخ عبدالحسین محمد علی بقال، در ۶۵ سالگی در پی بیماری در لندن زندگی را بدرود گفت.

استاد حاج شیخ عبدالحسین فرزند حاج محمد علی و نوه حاج حسین بهبهانی محسنی، که به «بقال» اشتها یافت، در ۱۳۵۵ ق مطابق با ۱۳۱۵ ش در شهر نجف اشرف متولد گردید.

وی پس از گذراندن دوره دبیرستان، ادبیات عرب را از محضر دانشمند و ادیب بزرگ استاد حاج یحیی جواهری (۱۳۱۷ - ۱۴۰۰ ق) استفاده نمود. آنگاه جهت ادامه تحصیلات عالی خود وارد دانشکده فقه (کلیه الفقه) نجف اشرف شد و دروس دینی را از محضر اساتیدی چون: آیت الله شیخ محمد تقی ایروانی

(دام‌ظله)، علامه سید محمد تقی طباطبائی حکیم (دام‌ظله) و علامه مرحوم شیخ کاظم شمشاد، فراگرفت. در سال ۱۳۸۷ ق با درجه عالی موفق به دریافت لیسانس ادبیات عرب و علوم اسلامی گردید.

بقال خدمات فرهنگی خود را در وزارت آموزش و پرورش آغاز کرد و در شهرهای مختلف عراق (نجف اشرف بغداد و بصره) به تربیت و تعلیم نوباوگان و دانش‌آموزان پرداخت. او در ضمن کار، آثار ارزشمندی نیز از خود به یادگار گذاشت.

ایشان در سال ۱۴۰۱ ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران تبعید شد و ابتدا در تهران سکونت اختیار و با وزارت ارشاد اسلامی همکاری کرد. سپس در اثر عشق وافر و علاقه بی‌پایانش به ساحت قدسی اهل بیت (علیهم‌السلام) قم را به عنوان مسکن برگزید. دروس مکاسب محرمة را از محضر آیت‌الله شیخ محمد غروی (دام‌ظله) استفاده کرد و به تألیف و گردآوری موسوعه‌های بزرگی در لغت، جغرافیا و رجال اهتمام ورزید. مجموعه لغت ایشان از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و مجموعه جغرافیایی‌اش در دست چاپ و مجموعه رجال‌اش همچنان مخطوط مانده است. کوشش و تلاش فراوان، دقت زیاد، احساس مسئولیت شرعی و اخلاقی و معاشرت با دانشمندان و پژوهشگران از جمله ویژگی‌های ایشان بود.

### فهرست آثار تألیفی و پژوهشی استاد بقال به شرح زیر است:

۱- الاسلوب الأمثل فی خدمة المذهب، ۱۳۸۵ ق، مطبعة الآداب النجف،

۳۱ ص.

۲- الامامة حتى ولاية الفقيه، ۱۴۰۲ ق، وزارت ارشاد، ۹۰ ص.

۳- التریة، ۱۳۸۶ ق، چاپ نجف اشرف.

۴- الرسالة السعدية فی اصول الدین و فروعه، اثر علامه حلی، تحقیق و

تعلیق، ۱۴۱۱ ق، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۷۲ ص.

- ۵- الرعاية فى علم الدراية، اثر شهيد ثانى، تحقيق، ۱۴۰۸ ق، كتابخانه آيت الله مرعشى، ۴۰۶ ص.
- ۶- الشهيد الصدر، الفيلسوف الفقيه، ۱۴۰۱ ق، وزارت ارشاد، ۷۹ ص.
- ۷- الشيخ البهائى عميد الفقهاء و فقيه الادباء.
- ۸- الفهرسة فى بداياتها و تطوراتها.
- ۹- المعجم الجغرافى، در چند جلد، در دست چاپ است.
- ۱۰- المعجم الرجالى، در چند جلد، مخطوط مانده است.
- ۱۱- المعجم المجمعى، در هشت جلد، ۱۳۷۵ ش، انتشارات دانشگاه تهران، در چهار هزار صفحه است.
- ۱۲- المعجم المفهرس فى مفردات تفعال، در مجله المورد چاپ شده است.
- ۱۳- المعجم المفهرس فى مفردات يفعال، در مجله المورد، سال ۱۴۰۰ ق، مجلد ۹، شماره ۲، در ۳۶ ص رحلى چاپ شد.
- ۱۴- المعجم المفهرس لما فى اللغة من صيغ فعلة.
- ۱۵- المعجم المفهرس لمجامع الحديث الشريف.
- ۱۶- ايضاح الاشتباه فى ضبط تراجم الرجال، اثر علامه حلى، تحقيق، مخطوط.
- ۱۷- دور الصادق عليه السلام فى امامة الاسلام والمسلمين، ۱۴۰۱ ق، وزارت ارشاد، ۱۰۱ ص.
- ۱۸- رساله ايران الثورة فى عيد ميلاد المسيح عليه السلام، اخراج و مراجعة، ۱۴۰۲ ق، وزارت ارشاد، ۵۴ ص.
- ۱۹- شرائع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، اثر محقق حلى، تحقيق و تعليق، چهار جلد.
- ۲۰- شرح البداية فى علم الدراية، اثر شهيد ثانى، تحقيق و تعليق، ۱۴۰۲ ق، كتابخانه چهل ستون تهران، ۱۶۸ ص.
- ۲۱- كيف و نحن صامتون؟ ۱۳۸۵ ق، مطبعة الآداب النجف، ۲۹ ص.

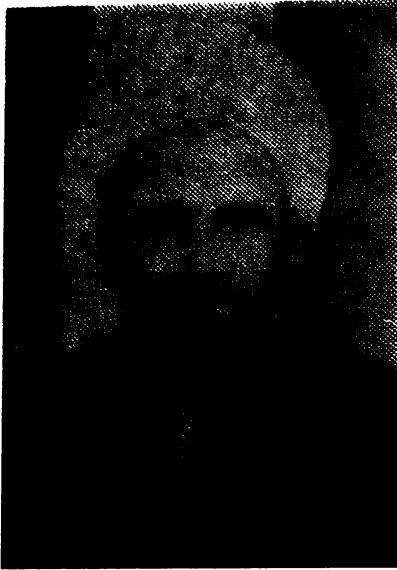
- ۲۲ - مبادئ الوصول الى علم الاصول، اثر علامه حلی، تحقیق، ۱۳۹۱ ق. مطبعة الآداب النجف، ۲۷۹ ص.
- ۲۳ - مسألة فی بیع من له نصف الدار، اخراج، ۱۴۱۰ ق، کتابخانه چهل ستون تهران، ۶۴ ص.
- ۲۴ - معالم الدین و ملاذ المجتهدین، اثر ابومنصور حسن فرزند شهید ثانی، تحقیق و تعلیق، ۱۳۹۲ ق، مطبعة الآداب النجف، ۴۷۱ ص.
- ۲۵ - مفردات لغویة.
- ۲۶ - واقعا المعاصر، ۱۳۸۵ ق، چاپ نجف اشرف.
- استاد بقال سالهای پایان عمر خویش را در تنهایی و غربت کامل سپری کرد و به طور شبانه روزی در حال نگارش و پژوهش بود.
- متأسفانه بیماری مزمن او شدت پیدا کرد و معالجات دایم سودی نبخشید. به همین خاطر به انگلستان رفت، ولی باز نتیجه نگرفت.
- سرانجام قبل از ظهر پنجشنبه ۲۶ / محرم / ۱۴۲۰ ق مطابق با ۲۳ / اردیبهشت ۱۳۷۸ ش در ۶۵ سالگی دیده از جهان فرو بست. پیکرش سه روز بعد به ایران انتقال یافت و در عصر روز دوشنبه اول ماه صفر در قم تشییع و پس از ادای نماز میت توسط علامه شیخ علی افتخاری گلپایگانی در یکی از اطاقهای قبرستان «باغ بهشت» قم به خاک سپرده شد.

### شیخ عبدالحسین تبریزی «غروی»

(۱۳۲۸ - ۱۴۱۵ ق)

حاج شیخ عبدالحسین غروی فرزند علامه شیخ مرتضی چهرقانی و نواده شیخ علی طسوجی تبریزی، از علمای معاصر تبریز بود.

مصاحبه زیر توسط مجله «حوزه» انجام گرفته است، که بخشهای مهم آنرا برای کتاب خودمان انتخاب کردیم و در اختیار محققین می‌گذاریم:



حوزه: لطفاً شمه‌ای از زندگی

تحصیلی و علمی خود را بیان کنید!

استاد: از مرحوم والده قرآنی مانده است، چاپ بمبئی، در داخل جلد آن تاریخ تولد مرا به سال ۱۳۲۸ ق در جوار قبر مولی امیرالمؤمنین علیه السلام ثبت کرده است.

هیأت علمای نجف، مدرسه‌هایی به سبک جدید، در نجف، کربلا و کاظمین تأسیس کرده بودند. نام مدرسه‌ای که در نجف تأسیس کرده

بودند «علوی» بود. بنده تا کلاس ششم در این مدرسه تحصیل کردم و گواهی نامه گرفتم. البته گواهی نامه‌های این مدارس، از تهران می‌آمد. در آن روزگار، مدارس دولتی نبود. اشراف نجف هم، فرزندان‌شان را به این مدارس می‌فرستادند. این مدارس، زیر نظر افراد بسیار خوبی اداره می‌شد. فرزند آخوند خراسانی، از اعضای هیأت مدرسه علوی نجف بود. متأسفانه این مدارس، بعدها دولتی شد.

بعد از این که گواهی نامه ششم ابتدایی را دریافت کردم، پدرم از تبریز نوشت: «خوب است ایشان، همان روش آبا و اجداد خود را پیشه کند و به تحصیل علوم دینی بپردازد».

بنابر سفارش والد، طلبه شدم. از اول شرح امثله، تا پایان جلد اول کفایه را در نجف خواندم. قوانین را در خدمت شیخ حسین اهری - تنها مدرس قوانین -، مقداری از مکاسب را در خدمت شیخ ابوالحسن مشکینی «صاحب حاشیه بر کفایه» و جلد اول کفایه را در خدمت میرزا باقر زنجان، فراگرفتم. با آیت الله زنجان خلیلی مأنوس بودم. سخنان اخلاقی و روش زندگی آن بزرگوار، برای من درس بزرگی بود.

مشغول تحصیل بودم که والد نوشت: «برای دیدار، چند صباحی به تبریز

بیایید».

(در سال ۱۳۵۰ ق) به تبریز آمدم. در همان روز ورود ما به تبریز، پهلوی ملعون، مرزها را بست و مانع رفت و آمد افراد به عراق شد. چند ماهی در تبریز ماندم و در بحث ارث آیت الله سید ابوالحسن انگجی، شرکت کردم. چون از تشریف به نجف، مأیوس شدم، (در سال ۱۳۵۳ ق) به قم مشرف شدم. در قم، آیت الله سید محمد حجت کوهکمری چون با پدرم رفیق بودند، بنده را می شناخت. از این روی، آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، به احترام ایشان، برای بنده، در مدرسه فیضیه حجره داد و شهریه ای هم مقرر فرمود. این در حالی بود که برنامه حاج شیخ این بود که: تا طلبه ای شش ماه در قم نمی ماند و دقیقاً شناسائی نمی شد، نه به او حجره می دادند و نه شهریه.

در قم، جلد دوم کفایه را در خدمت میرزا محمد همدانی خواندم. ایشان از مدرسین برجسته قم بود. بعد از رحلت حاج شیخ عبدالکریم حائری، به همدان رفت و در آن شهر، منشأ خیرات و برکات فراوان شد.

وقتی که از سطح فارغ شدم، در درس حائری و حجت، شرکت کردم. در درس حاج شیخ، اصول را از اوّل تا حجّیت خبر واحد و در فقه، کتاب طهارت را حضور داشتم. حجت، مرد جامعی بود. مثل آیت الله بروجردی، اصرار داشت طلبه ای که در درسش شرکت می کند، جامع بار بیاید. لذا علاوه بر درس پرباری که ارائه می کرد، شبهای پنجشنبه، ملل و نحل تدریس می کرد. متأسفانه پس از رحلت آیت الله حائری، گرفتار اداره حوزه و رسیدگی به طلاب شد و درس ملل و نحل، ادامه پیدا نکرد.

(شیخ عبدالحسین غروی در سال ۱۳۶۳ ق به تبریز بازگشت و به تدریس و ارشاد پرداخت).

حوزه: نکته فقهی اگر از اساتید بزرگوار خود به یاد دارید، بیان کنید.



استاد: نکته، فراوان است. حائری در بحث طهارت، به بحث طهارت یا نجاست اهل کتاب رسیدند. در این زمینه، مبسوط بحث کرد. در نهایت فرمود: «من هم، به این روایت که می‌فرماید:

سألت أبا عبد الله عن قوم مسلمين يأكلون و حضرهم مجوسی ، أیدعونه الی طعامهم؟ فقال: اما انا فلا اواکل المجوسی و اکره أن احرم علیکم شیئاً تصنعونه فی بلادکم. [وسائل الشیعة ۱۶ / ۳۸۳] عمل می‌کنم، و در باره طهارت و نجاست آنان، چیزی نمی‌گویم.

آیت الله خوئی می‌فرمود: «نجاست آنان، مانند کلب و خنزیر نیست، بلکه عرضی است. زیرا اینان، از چیزهای نجس، اجتناب نمی‌کنند.

بالاخره، برخی از مجتهدین شجاع، بایستی مبانی را دقیق بررسی کنند و نظر دهند، و مشکلاتی که این مسأله برای مسلمانان پدید می‌آورد، حل کنند.

برخی از مراجع، در فتوا، جامعیت خاصی داشتند. مثلاً آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، برای اولین بار، الکحل صنعتی را پاک دانستند و فرمودند:



«احکام، تابع عناوین اند. الکل صنعتی، اکنون مسکر نیست، بلکه داروست، لذا نمی تواند نجس باشد».

حوزه: از ویژگیهای برجسته اخلاقی آیت الله حائری، که برای امروز حوزه های علمیه، طلاب، فضلا و... چراغ راه کار ساز باشد، بفرمایید؟.

استاد: آیت الله حائری، خصایص برجسته ای داشت. واقعاً، مهذب و پیراسته بود. در روایت است: «آخر ما یخرج عن قلوب الصدیقین حب الجاه».

ایشان، واقعاً، حب جاه را از وجودش ریشه کن کرده بود. ریاست و مقام، در قلب او جایی نداشت. در این باره، نمونه بسیار دارم، از جمله:

تابستانی بود و هوا بسیار گرم. حاج شیخ و عده ای از بزرگان حوزه، به روستایی در سه فرسنگی قم، رفته بودند. بنده با عده ای از طلاب، برای دیدار با ایشان، به آن روستا رفتم. ایشان، با دوستان و اصحاب، در باغی نشسته بودند مشغول صحبت که ما به خدمتشان رسیدیم.

از هر بابی، سخنی گفته می شد. در این بین، حاج شیخ، خطاب به حاج سید محمد باقر قزوینی (عموی آقای ابوترابی) که از علمای بزرگ آن زمان بود، فرمود: «جناب سید محمد باقر! این ریاست که می بینی، خدا گواه است که یک قدم برای آن و در جهت آن برنداشته ام. هر چه آمده است، خودش آمده». حاج شیخ، چنین نفس قدسی داشت. این چنین افرادی باید الگو و اسوه طلاب و فضلا باشند.

خاطره دیگری که از آن بزرگوار به یاد دارم و بسیار سازنده است، مربوط می شود به بعد از رحلت میرزای نائینی. بعد از رحلت نائینی، مردم متدین زنجان، برای تعیین مرجع تقلیدشان، به آیت الله میرزا باقر زنجان، که از علمای بزرگ نجف بود و ما هم توفیق استفاضه از محضرش را یافته بودیم، مراجعه کردند. ایشان در نامه ای به من نوشت:

«من، همه جهات علمی و تقوایی سید ابوالحسن اصفهانی را می دانم. تقوا و ورع حاج شیخ عبدالکریم را هم می دانم. ولی در بُعد علمی ایشان، فقط در

الاصول را دیده‌ام. شنیده‌ام ایشان در صلاة، کتابی نوشته‌اند، اگر ممکن بود، یک نسخه از آن را برای من بفرستید».

برای گرفتن کتاب الصلاة، خدمت حاج شیخ رفتم. سیدصدرالدین صدر هم نشسته بودند. عرض کردم: استاد بزرگوار ما، آقای زنجانی، طی نامه‌ای از من خواسته‌اند که: کتاب الصلاة حضرت عالی را برای ایشان بفرستم. آیت الله صدر، از آقای زنجانی، بسیار تعریف کردند.

حاج شیخ در جواب فرمود: «میرزای نائینی، فوت کرده است. نمی‌خواهم رساله پراکنی کنم».

عرض کردم: این کتاب علمی است، نه رساله.

فرمود: «نتیجه آن، رساله پراکنی است».

بالاخره، با اصرار آیت الله صدر و پافشاری من، فرمودند: «مانعی ندارد. اجازه دارید که یک جلد از کتاب الصلاة من را بگیرید و برای ایشان بفرستید، امّا مشروط بر این که دیگر چنین تقاضاهایی نکنی. نمی‌خواهم بعد از میرزا، کسی از من ترویج کند!».

این نمونه‌ای بود از تقوا و ورع آن بزرگوار. واقعاً از شوائب نفسانی مبرا بود. همین قداست نفس او بود که مایه بقاء و رشد حوزه علمیه قم و این همه برکات شد. استاد غروی علاوه بر آثار علمی دارای آثار اجتماعی و اخلاقی نیز می‌باشد که از جمله آثار او:

۱ - اسلام و شیعه.

۲ - امامت امام زمان (عجل الله فرجه).

۳ - تقریرات درس حجت در فقه و اصول، در دو جلد.

۴ - کتابی در اخلاق اسلامی.

سرانجام غروی در شب چهارشنبه ۲۲ / آذر / ۱۳۷۳ ش مطابق با ۹ / رجب / ۱۴۱۵ ق در اثر سکتۀ قلبی در یکی از بیمارستانهای تبریز درگذشت. پیکرش صبح

روز چهارشنبه در تبریز تشییع و مدت سه روز در آذربایجان شرقی عزای عمومی اعلام شد.

پیکرش نزدیک ظهر پنجشنبه در قم تشییع، و در مقبرستان وادی السلام در کنار مزار پدر خود در حدود ساعت ۱/۵ بعد از ظهر به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - آثار الحجة ۲۳۱/۲.

۲ - آینه دانشوران ۳۰۵.

۳ - گنجینه دانشمندان ۳۱۹/۳.

۴ - مجله حوزه، شماره ۶۲ سال ۱۳۷۳ ش، ص ۳۷.

۵ - مؤلفین کتب چاپی ۷۵۳/۳.

## سید عبدالحسین خردمند تهرانی

(۱۳۳۲ - ۱۳۹۲ ق)

سید عبدالحسین فرزند سیدرضا حسینی تهرانی، ملقب به «خردمند نجفی» و داماد آیه الله میرزا مهدی شیرازی حائری و از جمله علمای با فضل تهران بود. نسبش به علی عریضی از اعقاب امام صادق علیه السلام می رسد. ایشان به سال ۱۳۳۲ ق در تهران متولد گردید.

### در حوزه قم

پس از طی مقدمات و قسمتی از سطح، به قم مهاجرت کرد و سطوح را به انجام رسانید و مدتی چند از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود.

### هجرت به نجف اشرف

وی در سال ۱۳۵۷ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و دروس عالی حوزه را نزد

آیات: میرزا ابوالحسن مشکینی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید محمود شاهرودی به انجام رسانید و به درجه رفیعۀ اجتهاد نایل گردید.

او پس از ده سال اقامت در سال ۱۳۶۷ ق به تهران بازگشت و در «مسجد مقداد» به اقامۀ جماعت و ارشاد و هدایت و نیز امر تدریس اشتغال ورزید.

### درگذشت و اعقاب

نامبرده در روز شنبه ۹ / ذی قعدة / ۱۳۹۲ ق مطابق با ۲۵ / آذر / ۱۳۵۱ ش در سن ۶۰ سالگی در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در انتهای قبرستان نو (حاج شیخ) - در یکی از اطاقها - به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

۱ - حجة الاسلام سید احمد خردمند، متولد حدود سال ۱۳۵۸ ق در کربلا، تحصیلات عالی حوزه را در قم نزد آیات: سید محمد داماد یزدی، شیخ مرتضی حائری یزدی، میرزا هاشم آملی، سید محمد رضا گلپایگانی و شیخ حسین وحید خراسانی طی نمود.

از آثار او

۱. مبانی دین و مذهب شیعه.

۲. هستی بخش جهان.

۳. فلسفه دو حکم اسلامی.

۴. رساله‌ای در نبوت.

۲ - سید مرتضی ۳ - سید مجتبی.

منع

۱ - شرح حال فوق از زبان فرزند ارشد ایشان، آقای سید احمد خردمند یادداشت گردید.

## سید عبدالحسین خسروی همدانی

(ح ۱۳۲۳ - ح ۱۴۰۹ ق)

سید عبدالحسین فرزند سید رضا و نوۀ سید خسرو موسوی همدانی، ملقب به «خسروی»، از فضلا و اطبای معاصر بود.

خسروی پس از نشو و نما رو به تحصیل علوم دینی رو آورد و در مدارس بزرگ و کوچک همدان تحصیل کرد. برخی از تحصیلات خود را نزد عموی خود سید محمد علی خسروی و شیخ مرتضی تالهی به پایان رسانید. وی در علوم پزشکی قدیم مهارت داشت و رسماً طبابت می‌کرد. در سالهای آخر عمر خود در تهران اقامت کرد و به کار طبابت بیماران ادامه داد.

### از آثار او:

۱ - برهان قویم در طب قدیم، در سه جلد.

۲ - اثبات الولاية در امامت.

وی در حدود سال ۱۳۶۸ ش در سن ۸۶ سالگی در تهران درگذشت و پیکرش در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام قم مدفون گردید. از او فقط یک دختر به جای ماند.

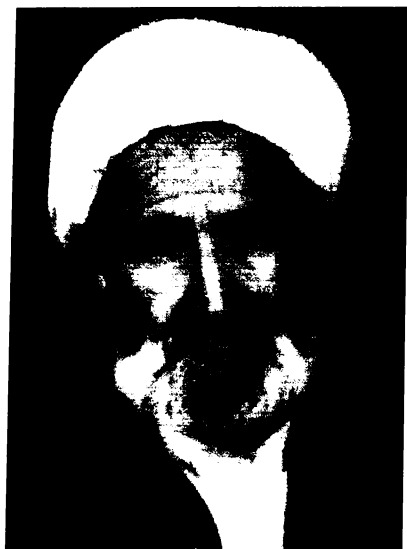
❦ منع

۱ - اظهارات پسر عموی صاحب شرح حال، جناب آقای سید حسین فرزند سید محمد علی خسروی.

## شیخ عبدالحسین رضوی هشترودی

(۱۳۴۰ - ۱۴۱۹ ق)

شمه‌ای از زندگینامۀ مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالحسین رضوی هشترودی رحمته الله که به درخواست برادر فاضل، جناب مستطاب



آقای جواهری زید عزه تقدیم می‌گردد:  
عالم ربانی مرحوم حاج شیخ  
عبدالحسین رضوی هشترودی، در سال  
۱۳۴۰ هجری قمری در شهرستان  
هشتروود واقع در استان آذربایجان  
شرقی در خانواده‌ای مذهبی و متدین  
در محله گنجینه کتاب دیده به جهان  
گشود.

از همان اوان طفولیت، بروز علائم  
حاکمی از استعداد و حافظه و توان  
سرشار فکری، خانواده را بر آن داشت

که تحصیل و تعلیم را در سرلوحه برنامه‌های این فرزند قرار دهند (برخلاف معمول  
آن روزگار که چندان به این امر پرداخته نمی‌شد، مخصوصاً در مناطق کوچک و دور  
از مراکز علمی).

به رسم آن زمان تحصیل را در مکتب‌خانه و با قرآن شروع نمود و کتب معمول  
آن دوران از قبیل: نصاب الصبیان و گلستان سعدی و... فراگرفت و سپس به فراگیری  
ادبیات عرب پرداخت.

مقداری از ادبیات را از قبیل کتب: جامع المقدمات - سیوطی - جامی و... نزد  
علمای محل فراگرفت. ولی استعداد وافر ایشان، خانواده و علمای بزرگ منطقه را  
بر آن داشت که به فکر تدارک مقدمات سفر ایشان به حوزه علمیه مقدسه قم بیافتند.

### سفر به قم و ادامه تحصیلات

در سال ۱۳۵۶ هجری قمری در سن ۱۶ سالگی به همت و مساعدت (و در  
معیت) مرحوم آیت‌الله حاج سید حسین هشترودی (رحمة الله علیه) که دارای



موقعیت و جایگاهی برجسته در حوزه علمیه قم بوده‌اند، به شهر مقدس قم هجرت نموده و به ادامه تحصیلات می‌پردازند.

بقیه دروس ادبیات را نزد بزرگانی همچون میرزا محمد علی ادیب تهرانی (به عنوان استاد کتاب مطوّل) و غیره فرا می‌گیرند.

دوره سطح حوزه، در محضر درس اساتید بنام و برجسته آن دوران حاضر می‌گردند که به عنوان نمونه می‌توان به چند استاد زیر اشاره کرد:

۱- درس معالم مرحوم آیت الله میرزا محمد مجاهدی (ره).

۲- درس شرح لمعه مرحوم آیت الله نجفی مرعشی (ره).

۳- درس رسائل مرحوم آیت الله میرزا احمد کافی الملکی (ره).

۴- درس مکاسب مرحوم آیت الله سید مهدی انگجی (ره).

ایشان در این دوران یک سال نیز که به دلیل پاره‌ای مشکلات قادر به حضور در حوزه علمیه قم نبوده‌اند، به تبریز رفته و در حوزه علمیه تبریز از محضر اساتیدی همچون: مرحوم آیت الله سید هادی خسروشاهی و مرحوم آیت الله انگجی و دیگران استفاده می‌برند.

سالهای حضور و تحصیل‌شان در قم با دوران پس از رحلت آیت الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره) و قبل از ورود مرحوم آیت الله بروجردی (ره) به قم مقارن بوده است. که به دوران زعامت آیات ثلاث (حضرت آیت الله سید محمد حجت - حضرت آیت الله سید محمد تقی خوانساری و حضرت آیت الله سید صدرالدین صدر) معروف است.

مرحوم حاج شیخ عبدالحسین رضوی هشترویدی از محضر این بزرگواران مخصوصاً آیت الله حجت (ره) بهره‌ها برده و مورد عنایت و توجه ویژه آن مرجع عظیم‌الشأن بوده‌اند.

در مدت حضور و تحصیل در قم جزو طلاب فاضل و زبده و مورد توجه خاص اساتید خود بوده‌اند و در ردیف محصلین ممتاز بطوریکه بعد از بازگشت ایشان به





موطن خود، بعضی از اساتید از جمله مرحوم حضرت آیت الله نجفی مرعشی با ارسال نامه‌ای مصرّانه می‌خواهند که به حوزه علمیه قم بازگشته و به تعلیم و تعلّم ادامه دهند. اما به دلیل وقوع پاره‌ای حوادث و مشکلات، مجبور به بازگشت به موطن و زادگاه خویش می‌شوند که همیشه از این جریان به عنوان خسران در زندگی خود یاد می‌کردند.

ولی شاید تقدیر الهی چنین رقم خورده بود که این بزرگ مرد با این بازگشت ناخواسته (گرچه خود را مغبون می‌دید) منشأ هدایت‌ها و خدمات و آثار گرانقدری در منطقه باشد که شاید به غیر از این میسر نمی‌شد.

### اقامت در هشت‌رود

بالاخره ایشان با دستی پر و اندوخته‌ای در خور به زادگاه خویش برگشت و نزدیک به نیم قرن منشأ خدمات دینی و فرهنگی و اجتماعی فراوانی در منطقه شد و ترویج معارف دین و دفاع از حریم تشیع را وجهه همّت خود قرار داد و تمام مشکلات و حوادث را به جان خرید و در مقابل فتنه‌ها و انحرافات فکری و عقیدتی مبارزه کرد که در این مقطع از زندگی ایشان را در ابعاد زیر می‌توان بررسی کرد:

### بعد علمی

ایشان پس از مراجعت مدتها در منزل خود جلسه درس و بحث داشته و به تدریس دروسی از قبیل: مطوّل، معالم و شرح لمعه و غیره برای طلاب منطقه پرداختند.

در طول این سالیان دراز، دوری از حوزه علمیه هیچ وقت او را از مطالعه و تحقیق باز نداشت و تا آخر عمر اکثر اوقات فراغت و تنهایی ایشان در منزل به مطالعه می‌گذشت. در تاریخ و مقاتل ید طولانی داشت و بر بعضی کتب در این زمینه حاشیه‌های مفیدی دارند و در اواخر عمر شروع به تألیف کتابی در زندگی



حضرت زینب علیها السلام نمودند که اجل او را مهلت نداد.

### تبلیغات دینی

برای علمای خارج از حوزه علمیه، این مسئله مهمترین هدف و وظیفه به شمار می‌رود. و ایشان هم وعظ و ارشاد مردم را در هر شرائط و در سرما و گرما و با زحمات طاقت فرسا حتی در اقصی نقاط منطقه و روستای دور افتاده با راههای صعب العبور، در زمستان‌های سرد آذربایجان با وسایل و امکانات محدود آن زمان، همه را به جان می‌خرید و با عشق و خلوصی عجیب در این راه می‌کوشید. در مقابل فتنه‌ها و انحرافات فکری و عقیدتی مردانه آستین‌ها را بالا می‌زد و زحمات و مشقات و موانع او را هرگز از ادای وظیفه باز نداشت. (با فتنه حزب توده در آذربایجان - با فرقه ضالّه بهائیت - با جهل و ناآگاهی و تحریف‌ها به مبارزه برخاست و یک عمر برای مردم از احکام و معارف دین بر بالای منبر داد سخن داد و در این راه سر از پا نمی‌شناخت).

بیانی بسیار شیوا و منطقی قوی داشت و خطابه‌های مؤثرش همه را مجذوب خود می‌ساخت، اثر می‌گذاشت و مخاطبین را متأثر و متحول می‌کرد، تنها حرف نمی‌زد، عمل می‌کرد و همین راز موفقیت او در تبلیغ دین بود.

### بُعد اجتماعی

یکی از ابعاد مهم زندگی ایشان شخصیت اجتماعی و مردمی و خدمات و فعالیت‌های عام‌المنفعه و اجتماعی ایشان است. حل و فصل اختلافات و مناقشات خانوادگی و فامیلی، قومی و قبیله‌ای و حل مشکلات اجتماعی مردم، یکی از کارهای روزمره ایشان بود که در این مجال فرصت سخن گفتن از آنها نیست. به عنوان مثال در ماههای اوّل پس از انقلاب، اگر مدیریت و فعالیت و نقش ارزنده ایشان نبود، شاید در منطقه خون‌های بسیار ریخته می‌شد.

آثار و خدمات اجتماعی از قبیل : احداث مساجد متعدد، نقش فعال در ساختن بیمارستان، کمک در ساختن حمام‌ها و مراکز آموزشی و فرهنگی در سطح شهرستان، نقش اول در پایه ریزی بنای حوزه علمیه شهرستان هشتروند (گرچه بعداً دیگرانی آمدند و دخل و تصرفاتی کردند و امورات را صاحب شدند) و غیره، تنها نمونه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی ایشان می‌باشد.

### بُعد اخلاقی

به شهادت همه افرادی که با او برخورد و الفتی داشته‌اند، سجایای اخلاقی نیک، یکی از بارزترین ابعاد شخصیتی ایشان را تشکیل می‌داد. حُسن خُلقی که از پیر و جوان، از دوست و دشمن، از غریبه و خودی، همه و همه خاطراتی از او دارند و کم نبودند بدخواهانی که تحت تأثیر اخلاق و رفتار بزرگوارانه ایشان تغییر روش دادند و بودند افرادی که بعد از وفات ایشان (وقتی حجاب معاصرت از بین رفت)، از بی‌مهری‌های خود نسبت به ایشان اظهار ندامت و پشیمانی می‌کردند و اشک می‌ریختند.

گشاده‌روئی، محبّت، عفو و گذشت، خیرخواهی و نصیحت، احترام به دیگران، کمک و دستگیری محتاجان، مهماندوستی و غیره، گویی جزو ذاتیات جدا نشدنی ایشان بود که نمونه‌های فراوان و گاهی بسیار اعجاب‌انگیز در طول زندگانی‌اش دیده می‌شد که شرح آنها در این مختصر ننگجد و شاید صلاح هم نباشد. به عنوان نمونه، بنده سالها شاهد برخورد و معاشرت گرانمایه ایشان با افرادی بوده‌ام که حتّی تا طرح مسئله قتل او و خانواده‌اش، و اقداماتی در این زمینه، پیش رفته بودند.

هر کس فقط یک برخورد و ملاقات با ایشان داشته، مجذوب روحيات و اخلاق والای ایشان می‌شد (که در این زمینه من خود مطالبی از آنها، از جمله از بعض مراجع معاصر رحمة الله عليهم شنیده‌ام. برای آوردنش در اینجا ضرورتی

دیده نمی شود) و یادآوری همین ویژگی ها بود که بعد از وفات ایشان، انبوه آشنایان و دوستدارانش را گریان و نالان ساخته بود.

صبر و حوصله ای عجیب داشت، از مشکلات شکوه نمی کرد، عصبانی نمی شد و خود را نمی باخت. همیشه به خدا توکل می کرد و دیگران را هم به توکل فرا می خواند، عزّت نفس و روحیه استغنا و زهد نسبت به دنیا و بی توجهی به زخارف دنیا از خصائص همیشگی اش بود.

### بعد ولائی

با این همه فضائل و کمالات، تنها چیزی که به آن افتخار می کرد و آن را مایه نجات فردای قیامت می دانست، نوکری خاندان رسول ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت  و روضه خوانی ابا عبدالله الحسین  بود.

در این وادی سر از پا نمی شناخت. با همه وجودش به اهل بیت عشق می ورزید. روضه های جانسوزی می خواند و خود بیشتر از همه گریه می کرد، گویی وقتی مصائب اهل بیت  را بیان می کرد، صحنه مصیبت را بعینه می دید. افتخارش این بود که روضه خوان سید الشهداء  است. در آن سالهای سیاه که حتی روضه خوانی و منبر را هم از او گرفته بودند، همه ساله صبح عاشورا تنهای تنها راهی صحرا و بیابان می شد زیارت عاشورا می خواند، برای خودش روضه می خواند و خود گریه می کرد.

مظلومیت امیرالمؤمنین  و فاطمه زهرا  مهمترین مسئله ای بود که او را بر بالای منبر به جوش و خروش می آورد و با همه وجود در راه احیای امر اهل بیت  و اثبات ولایت و حقانیت و بیان فضائل و مناقب و مصائب اهل بیت  می کوشید.

خود نیز در راه دین به پیروی از اربابانش مصیبت ها کشید. دچار حبس ها و ممنوعیت ها و محرومیت های فراوانی شد. ولی خم به ابرو نیاورد و دین و

ارزشهای دینی خود را فدای دنیا و راحتی دنیا نکرد.

در مقاطع بسیاری پناهگاه و هادی و روشنگر مردم منطقه بود و جمع کثیری را به لطف و یاری خدا از گزند فتنه‌ها و لغزش‌های عقیدتی و فکری حفظ کرد.

### وفات

در ماه‌های آخر عمر مرتب از مرگ خود خبر می‌داد و خیلی از مسائل بعد از فوت را پیش‌بینی و راهنمایی می‌کرد. شب وفات علائم مرگ مؤمن را که در روایات آمده است به رأی العین در چهره او دیدیم.

عرق سردی بر پیشانی نشسته بود، رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد تا بالاخره سفید شد. در آخرین لحظه‌ها به سمت قبله چشم دوخته بود، می‌شد حدس زد که منتظر کسی است. لحظه‌ای دقتش عمیق‌تر شد، تبسمی کرد (شاید انتظارش به سر آمده بود)، چشم از این دنیای فانی فرو بست و قلب پر تپش او پس از ۷۹ سال از حرکت ایستاد و این در شب پنجشنبه چهارم / شوال / ۱۴۱۹ هجری قمری مطابق با اول / بهمن / ۱۳۷۷ شمسی بود.

پیکر ایشان به قم حمل شد و در صبح روز جمعه تشییع و پس نماز آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم کوکبی، تشییع جنازه ایشان، با شرکت مراجع، علما و فضلا و مؤمنین از حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام تا قبرستان ابو حنین صورت گرفت و در جوار مراجع عالیقدر، در روز جمعه به خاک سپرده شد.

سالها خدمت، فداکاری، زحمت، دلسوزی و ارشاد، سبب شد که انبوه مردم گویی بعد از مرگ او خود را یتیم می‌دیدند و در فراق او می‌گریستند.

سالها نوکری اهل بیت علیهم السلام هم گویا مقبول درگاهشان گشته بود که نشانه‌های لطفشان یکی پس از دیگری ظاهر گشت. خواب‌هایی که دیده شد و جریاناتی که اتفاق افتاد شاید مؤید این معنی باشد.

بالاخره اینکه مرگ مردان خدا هم مثل حیاتشان با برکت است. روشنگر است،

هدایتگر است، پرده‌ها را کنار می‌زند و خفته‌ها را بیدار می‌کند.  
عزت و عظمتی که در مرگ این بزرگ مرد دیده شد و آثاری که بر وفات او  
مترتب گشت، خود مطلبی است که باید صحبت از آن به جایی دیگر غیر از این  
گفتار واگذار شود.<sup>۱</sup>

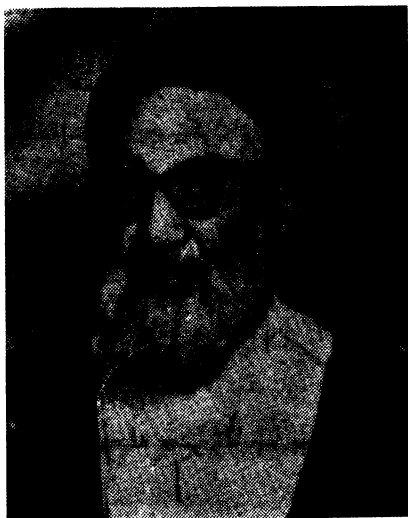
والسلام علیکم ورحمة الله

۱۳۷۸ / ۴ / ۲۶ ش

احمد رضوی هشترودی

## سید عبدالحسین سیدی قمی

(۱۳۲۸ - ۱۴۰۵ ق)



حاج سید عبدالحسین فرزند  
آیت الله سید فخرالدین نوّه سید  
ابوالقاسم شیخ الاسلام حسینی قمی، و  
از نوادگان میرزای قمی صاحب (قوانین  
الاصول) و از علمای تهران بود، تولدش  
به سال ۱۳۲۸ ق در قم اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات، سطوح را نزد  
آیت الله میرزا محمد همدانی تلمذ کرد،  
و خارج را محضر آیات: حاج شیخ  
عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد

حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، و سید

۱. مصحح می‌گوید: مرحوم رضوی کرامت باهره‌ای را در حرم حضرت معصومه علیها السلام مشاهده کرده بود که متن آن به نقل از ایشان در «کرامات معصومیه»، ص ۶۸ نقل گردید.

حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و قبل از ارتحال آیت الله طباطبائی بروجردی به تهران رفت، و در (مسجد لاله زار) به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

در ضمن از محضر آیت الله سید احمد خوانساری استفاده علمی می نمود. او در روز پنجمشنبه ۱۴ / جمادی ثانی / ۱۴۰۵ ق مطابق با ۱۶ / اسفند / ۱۳۶۳ ش به سن ۷۷ در تهران درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون شد.

#### فرزندانش:

۱ - سید محسن ۲ - سید محمد ۳ - سید علی، و دو دختر.

#### منابع

۱ - آثار الحجة ۹۸/۲.

۲ - آینه دانشوران ۲۸۳.

۳ - اظهارات برادر دانشمند ایشان سید حسن سیدی.

### شیخ عبدالحسین شرع الاسلام نجفی

( ۱۳۶۲ ق )

حاج شیخ عبدالحسین فرزند علامه شیخ محمد شرع الاسلام نجفی، از فضلا و بزرگان قم به شمار می رفت.

پدرش از علما و معاریف بود. به کتاب معارف الرجال رجوع شود. شیخ عبدالحسین، پس از تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف به ایران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه قم توقف و از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالحسین حائری یزدی استفاده علمی نمود و خود به تدریس و ترویج رو آورد.

از آثار او: ۱ - لسان المسلمین فی ردّ المبلغین من المسیحیین و الکلیمین.

ایشان در سال ۱۳۶۲ ق در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

منبع

۱ - الذریعة ۳۱۱/۱۸.

۲ - معجم مؤلفی الشيعة ۲۲۵.

## شیخ عبدالحسین صادقی لاهیجانی «رئیس العلما»

(۱۲۹۴ - ۱۳۷۷ ق)

حاج شیخ عبدالحسین صادقی لاهیجانی معروف به «رئیس العلما».

### سجایای علمی و اخلاقی

استاد شیخ حسن شمس گیلانی درباره ایشان می‌نویسد:

«مولانا از اکابر علمای گیلان، مردی زاهد و عابد و گوشه‌گیر و منزوی است. تاکنون دیده نشده که در گیلان خاطر کوچک و یا بزرگی را از خود رنجانیده باشد، و در کمال سکون و آرامش زندگی نموده، به غایت از مادیات دور و بی‌نهایت به زهد و تقوا نزدیک است. و به پاکی در عمل بین خواص و عوام مشهور و محل وثوق مردم است. و تاکنون مشغول به تدریس و ترویج احکام الهی است، و هیچ‌گاه از جاده شریعت منحرف نشده است.»

### درگذشت

ایشان در روز دوشنبه ۲۲ / جمادی ثانی / ۱۳۷۷ ق مطابق با ۲۳ / دی / ۱۳۳۶ ش در سن ۸۳ سالگی درگذشت، و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

منبع

۱ - تاریخ علما و شعرای گیلان ۱۲۵.



## سید عبدالحسین طاهری قمی

( ۱۳۳۷- ق )

حاج سید عبدالحسین فرزند علامه سید جواد و نوه سید علیرضا حسینی طاهری قمی، از علمای جلیل القدر و متولد در قم بود.

وی پس از سال ۱۳۲۰ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی و دیگران استفاده نمود. او در سال ۱۳۳۷ ق به قم بازگشت ولی افسوس پس از چندی ناگهان در ماه ذی قعدة به لقای حق شتافت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - گنجینه دانشمندان ۲۱۲/۶.

۲ - نقباء البشر ۱۰۳۵/۳.

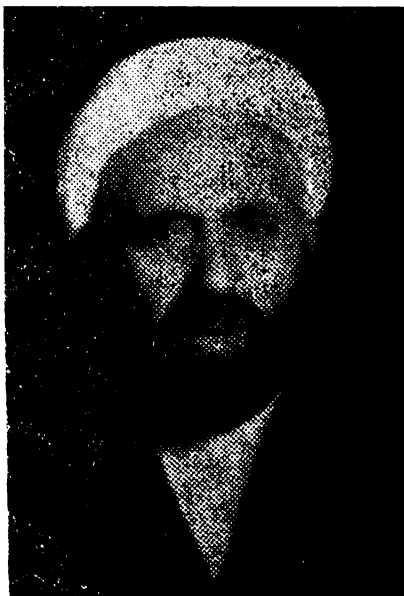
## شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی

( ۱۳۲۱ - ۱۴۱۰ ق )

حاج شیخ عبدالحسین فرزند آیت الله شیخ شعبان و نوه ملا مهدی گیلانی ملقب به (فقیهی)، از دانشمندان و اساتید توانای حوزه علمیه قم بود. در اوایل سال ۱۳۲۱ ق در نجف اشرف متولد گردید.

### در حوزه نجف اشرف

ایشان ادبیات را از میرزا عبدالحسین قفقازی و میرزا مجید گنجه ای کسب کرد، و سطوح را نزد آیات: سید علی کازرونی و شیخ علی مازندارانی به انجام رسانید، آن گاه مدتی چند از حضرات آیات: پدر خود، میرزا علی ایروانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ



محمد علی کاظمی خراسانی در فقه و اصول، و شیخ محمد جواد بلاغی در علوم قرآنی، و شیخ حسین عارف رشتی در علوم عقلی استفاده نمود.

### هجرت به حوزه علمیه قم

پدرش از اعظام علمای نجف اشرف بود و در سال ۱۳۴۸ ق در آن سامان درگذشت، به همین خاطر یک سال بعد از ارتحال پدر خود به سوی ایران مهاجرت کرد و در قم توقف نمود.

و از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره مند گردید، و خود به تدریس متون کتب درسی پرداخت.

نامبرده پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم جزو شاگردان و اصحاب و نزدیکان آیت الله شد، و چند سالی هم از طرف ایشان در مکه معظمه و مدینه منوره جهت رسیدگی به امور حجاج به نمایندگی می رفت و خدمات شایانی نمود. وی دارای اجازاتی است از حضرات آیات: نائینی، غروی اصفهانی، اصفهانی و شیخ آقا بزرگ تهرانی بود.

### از آثار او

- ۱ - البیع.
- ۲ - المكاسب المحرمة.
- ۳ - النجاسات.
- ۴ - أحكام صلاة المسافر.

- ۵- تروک الاحرام.
- ۶- حاشیه علی شرح السیوطی (فی النحو).
- ۷- حاشیه علی کفایة الاصول.
- ۸- حاشیه علی المكاسب.
- ۹- رساله فی الأغسال.
- ۱۰- رساله فی الغنیمه.
- ۱۱- صلاة الجمعة.
- ۱۲- کتاب الاجارة.
- ۱۳- کتاب الحج.
- ۱۴- کتاب الصوم.
- ۱۵- کتاب الطهارة.
- ۱۶- کتاب الوصية.
- ۱۷- کشکول، در سه جلد.
- ۱۸- لغات عرب.
- ۱۹- مسایل حج.
- ۲۰- مقال فی فذک.
- ۲۱- مقالة فی الارشاد.
- ۲۲- مناسک حج.
- ۲۳- منجزات المریض.
- ۲۴- نیابة الحج.
- ۲۵- ولایة الفقیه.

بعضی از آثار مذکور نزد برادر صاحب شرح حال یعنی علامه شیخ مرتضیٰ مدرس در تهران دیده شد، و این برادر با خط زیبای خود آن آثار را پاکت‌نویس نموده و ترتیب داده است.

## درگذشت

ایشان بامداد روز چهارشنبه ۲۷ / آبان / ۱۳۶۹ ش در پی بیماری در قم درگذشت، و جسدش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## منابع

- ۱ - آثار الحجة ۵۶/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۲۸.
- ۳ - اظهارات برادر آن مرحوم، علامه شیخ مرتضی مدرس گیلانی (ساکن تهران).
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۲۲۲/۲.
- ۵ - مقدمه کتاب القضاء فی الاسلام، به قلم شیخ مرتضی مدرس ص ۱۰.
- ۶ - هفته نامه (نقش قلم)، شماره مسلسل (۵۶۰) ص ۶، به تاریخ ۲۷ / آبان / ۱۳۶۹ ش، به قلم شیخ محمد علی فقیهی فرزند برادرش شیخ ابوالحسن است.

## شیخ عبدالحسین معین الشعراء قمی

( ۱۳۸۸ ق )

از شعرا و نوابغ و نواده دختری آیت الله ملا محمد طاهر اشعری قمی بود. تولدش در قم اتفاق افتاد. تحصیلات مختصری در اوایل جوانی داشت و بر اثر استعداد و هوش شگفت انگیز خود به مطالعه و پژوهش های فراوان پرداخت. بیشترین وقت خود را در مطالعه می گذراند. مطالعات او در فقه و اصول توقف نمی کرد، بلکه زمینه های: تاریخی، ادبی و عرفانی را نیز شامل می شد. عامه مردم را به تعلیم و ارشاد می پرداخت. حلقات تعلیم آنان را در هر جا و در هر کوی تشکیل می داد. در حوادث کشف حجاب به «زرنده» ساوه رفت و مقیم شد و تا آخر عمر به آنجا تردد می نمود.

## از آثار او:

- ۱ - جزوه اشعاری درباره حضرت امام عسکری علیه السلام، چاپ شده.
  - ۲ - جزوه های اشعار بسیاری، در زمینه های متعدد، که نزد فرزندش محفوظ است.
  - ۳ - منظومه ای در تاریخ امام حسن مجتبی علیه السلام.
- معین الشعرا در سال ۱۳۸۸ ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان وادی السلام مدفون گردید. فرزندش جناب آقای شیخ عبدالجواد معین از عرفا و ادبای معاصر و در قم سکونت دارند. نمونه اشعار پدر و پسر در کتاب «تاریخ تکایا و عزاداری قم» چاپ شده است. نام فامیلی شیخ عبدالحسین در آن کتاب «معین البکا» ثبت گردیده است.

## له منع

۱ - اطلاعات متفرقه ای از فرزند محترم صاحب شرح حال.

## میرزا عبدالحسین نائینی «بقائی»

(۱۲۹۰ - ۱۳۴۰ ق)

حاج میرزا عبدالحسین فرزند میرزا یوسف منشی باشی و نوه میرزا علی نقی مشیر لشگر نائینی، از فضلا و معاریف نائین و از خاندان علمی «بقائی» می باشد. وی در سال ۱۲۹۰ ق دیده به جهان گشود. جدش از خدمتگزاران میهن و دولت قاجار بود، و در امور دیوانی و امور مالی قشون خدمات زیادی داشته است.

پدرش نیز از منشیان و مستوفیان دربار ناصرالدین شاه به شمار می رفت. میرزا عبدالحسین بر خلاف روش پدر و جد خود، وارد خدمات دیوانی نشد و راه علم و تحصیل علوم دینی را پیش گرفت. ایشان تحصیلات عالی خود را در تهران و نجف اشرف به پایان رسانید و پس از نیل به مدارج عالی به ایران بازگشت و

یک سالی در نائین توقف نمود، و به اقامه جماعت و ارشاد پرداخت. مدتی هم در روستای «خاوران» که از توابع اردستان است رفت و آمدی داشت و به وظایف دینی و روحی اشتغال داشت. نامبرده در زهد و تقوا و ایمان سرآمد معاصران خود به شمار می‌رفت و قسمتی از دارائی‌اش را وقف طلاب علوم دینی کرد.

### از آثار او

۱ - دثار المؤمنین و شعار المتقین، در اعمال سال، در دو جلد که در سال ۱۳۵۶ ق در تهران به چاپ رسید.

ایشان در سال ۱۳۴۰ ق مطابق با ۱۳۰۰ ش در سن ۵۰ سالگی در روستای مذکور (خاوران) چشم از جهان خاکی فرو بست. پیکرش به قم حمل و در صحن آینه حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. اوصیای این بزرگوار عبارت بودند از حضرات آیات: حاج آقا حسین طباطبائی قمی و میرزا محمد فیض قمی.

### فرزندانش:

۱ - میرزا علیرضا فرید ۲ - میرزا علی اصغر تکاپومنش ۳ - میرزا علی اکبر هلاکو ۴ - میرزا عبدالله.

### تألیفات

- ۱ - الذریعة (المستدرک/ ۲۹۳) ۲۶.
- ۲ - انساب خاندانهای مردم نائین ۴۰.
- ۳ - تاریخ نائین (مدینه العرفاء) ۱۱۵.

## عبدالحسین نزهتی قمی

(۱۳۲۳ - ۱۳۹۹ ق)

شاعر معروف و قدیمی هیئت چهل اختران، سروان عبدالحسین نزهتی فرزند محمد اسماعیل، متولد به سال ۱۲۸۴ ش در قم و متوفی به سال ۱۳۵۸ ش و

مدفون در صحن چهل اختران است.

ایشان قصاید معروفی در شرح مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت سروده است، که دو نمونه آن در زمان رضا شاه بر کتیبه‌های قدیمی صحن چهل اختران وجود داشت، ولی با گذشت ایام آن کتیبه‌ها از بین رفته، و در دفتر شاعر تحریر شده که آنرا در زیر به نظر خوانندگان عزیز می‌رسد:

### مراتب عشق سالار شهیدان علیه السلام و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام

|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| این عشق اگر نبود زمین و زمان نبود  | این عشق اگر نبود زعالم نشان نبود   |
| این عشق اگر نبود به زیر سم ستور    | جسم شریف خسرو لب تشنگان نبود       |
| این عشق اگر نبود بگل‌بانگ العطش    | مقتول کینه بر لب آب روان نبود      |
| این عشق اگر نبود علمدار با وفاش    | دستش جدا زتن زجفای خسان نبود       |
| این عشق اگر نبود علی‌اکبر جوان     | در موقع سپردن جان شادمان نبود      |
| این عشق اگر نبود گل باغ مجتبی      | از خون سر، حنا به کف و گیسوان نبود |
| این عشق اگر نبود علی‌اصغر صغیر     | بر نوک تیر حرمله حلقش نشان نبود    |
| این عشق اگر نبود در آن دم زاهل بیت | بر عرش، بانگ العطش و الامان نبود   |
| این عشق اگر نبود سر سبط مصطفی      | از کوفه تا به شام به نوک سنان نبود |
| این عشق اگر نبود یقین زینب حزین    | تا شام با گروه لعین هم عنان نبود   |
| این عشق اگر نبود یقین زین‌العابدین | بر پا و گردنش غل و کندگران نبود    |
| این عشق اگر نبود سر انور حسین      | در طشت زر به مجلس سفیانیان نبود    |

این عشق اگر نبود مددکار «نزهتی»

از بهر آل فاطمه مرثیه خوان نبود

### در رثای حضرت سیدالشهداء علیه السلام

ای خونبهای خون گلویت خدا، حسین      وی حنجر تو بوسه‌گه مصطفی، حسین

ای عاشقی که بر لب آب روان شدی  
ای عاشقی که شمر لعین تشنه لب برید  
ای عاشقی که گشت زخون مطهرت  
ای آنکه گشت رأس منیرت چو آفتاب  
ای آنکه جسم پاک تو بعد از شهادت  
ای آنکه بی کفن بدنت ماند و پس نمود  
آتش زدند خیمه گهت را و شعله اش  
کشتند همراهان تو را از جوان و پیر  
از راه ظلم اهل و عیال ترا اسیر  
بردند سوی شام زکرب و بلای تو  
بی دین یزید بهر تماشای خاص و عام  
زد چوب خیزران به لبان مبارکت  
لیکن شبانه روز بود دست التجا  
ای درگه تو، درگه امید انس و جان

بیمار درد عشق تو گردیده «نزهتی»

ای بر تالم دل زارم دوا، حسین

منع

۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۱۵۰.

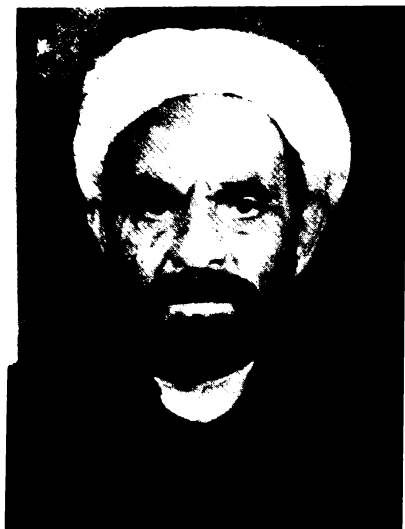
## شیخ عبدالحسین وکیل قمی

(۱۳۲۳ - ۱۴۰۶ ق)

حاج شیخ عبدالحسین وکیل، متخلص به (آهی) فرزند شیخ محمد تقی قمی،  
از فضلا و نویسندگان معاصر بود.

او در ۲۱ / شعبان / ۱۳۲۳ ق در محله «سیدسرخش» شهر قم دیده به





جهان گشود.

وی در کودکی از مکتب گریزان بود  
و علاقه‌ای به تحصیل از خود نشان  
نمی‌داد. خود در این باره می‌گوید:  
«پدرم میل داشت در رشته علوم  
دینی تحصیل کنم و در سلک روحانیت  
درآیم، اما بی‌ رغبتی و کم استعدادی من  
موجب یأس والد گردید، ناگزیر مرا به  
بازار برد، و به کاسبی سپرد و چیزی در  
گوشش گفت، بعداً فهمیدم که به او گفته

بود: کارهای سخت و طاقت‌فرسا به او محول کن، تا شاید از بازار منصرف و به  
خواندن درس راغب شود. او نیز سفارش پدر را بجا آورد و با کار سخت توأم با  
خشونت، آن هم بدون هیچ گونه مزدی به کار و می‌داشت، اما سختیها را تحمل  
می‌کردم و زغبتی به درس نشان نمی‌دادم، ناچار برادرم مرا با ضرب و شتم خدمت  
میرزا احمد صفایی برد و پس از چندی به «مدرسه جهانگیر خان» روانه کرد. در این  
مدت هر چه بیشتر می‌خواندم، کمتر می‌فهمیدم. تقریباً دو سال در «صرف میر» رنج  
بردم و چیزی از آن نفهمیدم، بالاخره متوسل به خداوند شدم و گفتم خداوند!  
کاسب شدم نه طالب علم، از تو می‌خواهم مرا یاری کنی و از بلا تکلیفی نجاتم دهی.  
در همان روز بعد از ساعتی افسردگی به خود آمدم، آنچه از قواعد صرف  
نمی‌فهمیدم، احساس کردم حالم دگرگون شده و آنچه می‌خوانم می‌فهمم. از عنایت  
خداوند مسرور شدم با جدیت به تحصیل ادامه دادم، دیگر راهم هموار شده بود، و  
پس از اتمام دوره سطح به درس خارج قدم گذاشتم، و اساتیدم در این دروه: آیت الله  
حجت و آیت الله بروجردی و آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری بودند».

تذکر: ایشان ادبیات فارسی را نزد شیخ احمد فقیهی قمی و شیخ عبدالحسین

ابن الدین قمی آموخت، و منطق را از شیخ ابوالحسن فقیهی قمی فراگرفت، و لمعه را از محضر آخوند ملا علی همدانی و کفایه را از میرزا محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود.

در ضمن مدت کوتاهی نیز از دروس خارج آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، میرزا محمد فیض قمی، و سید محمد تقی خوانساری بهره‌مند گردیده است. وکیل در سرودن شعر عربی و فارسی مهارت کامل داشت، و آثاری از خود به جا گذاشت که اغلب آنها منظوم است که می‌توان رساله‌ها و کتابهای زیر را نام برد:

- ۱ - دوره مختصر فقه به نام «لثالی الفقهاء»، در دو جلد.

۲ - لوح القلم.

۳ - تخمیس الکواکب الدریة فی مدح خیر البریة.

۴ - دیوان اشعار، متجاوز از یک هزار و پانصد بیت در مداخل و مراثی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که به چاپ نرسیده است.

۵ - تخمیس تائیه دعبل الخزاعی.

۶ - ارهاصات الاعجاز.

۷ - ستاره درخشان.

۸ - نفحة الصور فی یوم عاشور.

۹ - سر الصدور فی بطلان العبادة بالاجور.

۱۰ - الأمر یقتضی النهی عن ضده أم لا؟

استاد آقای شیخ محمد کاشفی که در مدرسه مؤمنیه قم با او همسایه حجره‌اش بود، اظهار می‌دارد که: آن مرحوم در یکی از مساجد پائین شهر تا آخر عمر به امامت جماعت اشتغال داشت و در بحثهای علمی بعضی از مراجع مانند آیت الله سید علی فانی اصفهانی شرکت می‌کرد و به آرای علمی اش بسیار معتقد بود و نیز با آیت الله شیخ مرتضی حائری بحث زیادی می‌نمود و گاهی بحث علمی به جدال کشیده می‌شد.

وکیلی در سال ۱۴۰۴ ق مبتلا به سرطان گردید و پس از چند بار عمل جراحی بهبودی حاصل نشد و پس از آن دستگاه گوارش او نیز از کار افتاد. و سرانجام در شب سه شنبه ۲۳ / شوال / ۱۴۰۶ ق مطابق با ۱۰ / تیر / ۱۳۶۵ ش در سن ۸۳ سالگی در قم درگذشت. پیکرش صبح روز جمعه تشییع و در درب ورودی علی بن جعفر علیه السلام طبق وصیتش - کنار مزار دخترش - به خاک سپرده شد.

اشعار زیر از اوست که به مناسبت ولادت با سعادت حسین بن علی علیه السلام سروده است:

|                                   |                                       |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| مژده رسید آشکار، ز فضل پروردگار   | که پاک و پاکیزه دار، عذار را از غبار  |
| لرزه بر اندام بید، بداد باد امید  | بر او در این دم دمید، روح و نشاط بهار |
| فکنده بر فرق دی، حریر استبرقی     | به عارضش شد هزار، حلّی و زیور نثار    |
| ز قامتش شد قیام قیامت خاص و عام   | که نیست در وی حرام، جام می خوشگوار    |
| شبم ابر بهار، نشسته بر مرغزار     | همچو دُر آبدار، بسته به زلف تثار      |
| شاخه شمشاد، شاد گشت زیاران و باد  | تا ک ز دامن بزاد چنین دُر شاهوار      |
| فرش زمرد نگر بر زیر دشت و بر      | نگر شجر پر ثمر، ز شبنم نوبهار         |
| نسیم صبح سعید از افقش چون دمید    | فروغ سرخ و سفید بداد بر سبزه زار      |
| برون کشیده چمن ز خاک تاریک تن     | یاسمن و نسترن، رسانده خود را به دار   |
| شکوفه در خود طپید، پیرهنش را درید | چه چه بلبل رسید، بر زیر شاخسار        |
| بیا بزن مطربا، بر دف و مزمار و نا | بشو تو نغمه سرا، همچو هزاران هزار     |
| کشید لعیا قدم، برون باغ ارم       | قابله شد در حرم، بر تن چون گلبهار     |
| به کوثر و سلسبیل، ز سندس رنگ نیل  | بشست و پوشید بر، گل همیشه بهار        |
| خود متجلی بگشت ز جلوه اش سست دست  | نقاب ظلمت بیست، خور به رخ شرمسار      |
| نمود بیرون قمر، زابر تاریک سر     | جامه خجلت به بر، گرفت از ابر تار      |
| مشتی آمد نشست، به گوشه ای در شگفت | کلید جنت گرفت در گرو روی یار          |
| فطرس مطرود دید، همره روح الامین   | خیل ملک را پدید، به دیدگان بی شمار    |



بگفت ای جبرئیل، مگر به امر خلیل  
گفت که نی چون خدا، داده به زهرا حسین  
فطرس فرخنده دید، امید خود را پدید  
گشته از این قال و قیل روز نشور آشکار  
زبهر تبریک او بگشته ام رهسپار  
که لطف رب مجید می کندش رستگار...

تذ مناع

۱ - آثار الحجة ۹۷/۲.

۲ - آینه دانشوران ۳۴۹ و ۳۹۰.

۳ - سخنوران نامی معاصر ایران ۱۲۶/۱.

۴ - گنجینه دانشمندان ۳۰۳/۲.

۵ - مؤلفین کتب چاپی ۷۶۳/۳.

## میرزا عبدالرحمن بروجردی

( ۱۳۸۲ ق )

میرزا عبدالرحمن فرزند محمد داراب و نوه فرهاد بیک بروجردی، از شعرای اهل بیت علیهم السلام بود. وی در بروجرد زاده شد و همانجا سکونت داشت. و بر اساس ذوق فطری و داشتن استعداد اشعاری را می سرود.

از آثار او:

دیوان مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السلام، به وسیله فرزندش در قم به چاپ رسید. نامبرده در رجب / ۱۳۸۲ ق در بروجرد وفات کرد و پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد. فرزندش حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالله مجد فقیهی، که فعلاً در قم و در بستر بیماری بسر می برد، عافاه الله.

تذ مناع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی

(۱۳۴۴-۱۴۰۷ ق)

وی در سال ۱۳۴۴ ق مطابق با ۱۳۰۴ ش دیده به جهان گشود.

ایشان پس از نشو و نما، در سن جوانی به کربلای معلی مهاجرت کرد و مقدمات و برخی از سطوح را نزد آیات: سید محمد سعید تنکابنی، شیخ جعفر رشتی، شیخ یوسف خراسانی و شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی فراگرفت. ایلامی در سال ۱۳۶۶ ق به سامرا رفت و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ مجتبیٰ لنکرانی، میرزا محمود شیرازی (کفایه و مکاسب)، شیخ حبیب الله اشتهاودی (رسائل) و شیخ عبدالرسول اصفهانی به مدت هشت سال به انجام رسانید.

آن مرحوم در سال ۱۳۷۴ ق به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجان، شیخ حسین حلی، سید روح الله خمینی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود.

ایشان در سال ۱۳۹۱ ق جهت تبلیغ و ترویج مذهب به بغداد رفت و سالی چند به امور مذهبی و دینی اشتغال ورزید. در سال ۱۳۹۵ ق به زادگاه خود بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی خود ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب، عضویت مجلس خبرگان را عهده دار شد.

وی در روز پنجشنبه ۲۹ / جمادی اول / ۱۴۰۷ ق مطابق با ۱۱ / دی ۱۳۶۵ ش

در سن ۶۳ سالگی درگذشت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## شیخ عبدالرحمن صالحی لریستانی

(۱۲۹۱-۱۳۵۵ ق)



حاج شیخ عبدالرحمن فرزند علامه میرزا محمد صالح و نوه ملا ابراهیم بروجردی، ملقب به «صالحی لریستانی» و متخلص به «حیرت»، از دانشمندان و فضلا و سیاستمداران بود. او در سال ۱۲۹۱ مطابق با دی / ۱۲۵۲ ش در «خرم آباد» - مرکز استان لرستان - متولد گردید.

پدرش از دانشمندان و بزرگان بود، و در خرم آباد سکونت اختیار کرد، و در سال ۱۳۲۱ ق درگذشت.

### در حوزه‌های علمیه

شیخ عبدالرحمن مقدمات را نزد پدر خود در خرم آباد آموخت، آن گاه به بروجرد منتقل شد و به خواندن متون کتب درسی پرداخت، و سرانجام راهی حوزه کهن نجف اشرف شد، و از محضر آیة الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی دروس عالی را استفاده و به زادگاه خود مراجعت نمود.

وی جزو مشروطه خواهان بود و در این راه گامهای مؤثری برداشت، و این مطلب را در اشعار خود نیز ثبت و منعکس کرده است.

ایشان به نمایندگی مجلس شورای ملی از خرم آباد، در وه پنجم (۱۳۴۲ ق مطابق با ۱۳۰۲ ش)، دوره ششم (۱۳۴۴ ق مطابق با ۱۳۰۵ ش)، و دوره هفتم (۱۳۴۷ ق

مطابق با ۱۳۰۷ ش) انتخاب شد، و گامهای بزرگی در راه اصلاح و آزادی برداشت.

### از آثار او

۱ - دیوان اشعار.

غزل زیر از اوست:

|                                       |                                       |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| هر طرف می‌نگرم، یار دل آرامم نیست     | نیست تقصیر مرا، گر دمی آرامم نیست     |
| من که از خویش بریدم، غم ایامم نیست    | تو که پیوند به خویشی، غم ایام تو راست |
| بهر صید دل این خلق، دگر دامم نیست     | گول تحت الحنکم را نخورد، دیگر کس      |
| همه جا هستم و در هیچ کجا، نامم نیست   | زاهد شهرم و دردی کش میخانه عشق        |
| برف من از همه کس بیشتر و بامم نیست    | این غم و درد مرا کشته و هم خواهد کشت  |
| آنقدر هست که گاهی، ره پیغامم نیست     | پر بود ز آه دل عاشق رویت، کویت        |
| با وصال رخ همچون خور تو، شامم نیست    | با خیال سر زلفت نبود صبح مرا          |
| گفتم از بهر چه؟ گفتا: چکنم؟ جامم نیست | «حیرت» مفلس دیروز به کف می خورد       |

وی در روز یک شنبه ۱۷ / رجب / ۱۳۵۵ ق مطابق با ۱۲ / مهر / ۱۳۱۵ ش در سن ۶۴ سالگی درگذشت، و جسدش در مقبره اختصاصی - مقبره لرستانی - در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

### منابع

۱ - فهرست کتابهای چاپی فارسی ۲/۲۲۹۶.

۲ - نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۳۸.

## شیخ عبدالرحیم ربّانی شیرازی

(۱۳۴۱ - ۱۴۰۲ ق)

حاج شیخ عبدالرحیم فرزند حاج مهدی ربّانی شیرازی، از فضلا و پژوهشگران معاصر علوم اسلامی بود.

وی در سال ۱۳۴۱ ق مطابق با ۱۳۰۱ ش در شیراز متولد شد.



سید علی اکبر تقوی / شیخ محمد حسین خیارجی / شیخ عبدالرحیم ربّانی شیرازی  
(در ردیف دوم شیخ هادی سلیمانی قزوینی)

او دوره ابتدایی را در مدارس فراگرفت، سپس به تحصیل ادبیات عرب پرداخت و بخشی از سطح و حکمت الهی را در شیراز فراگرفت. آن گاه در سال ۱۳۶۷ ق مطابق با ۱۳۲۷ ش به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطوح را نزد سید محمد داماد یزدی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری (مدت کوتاهی)، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی و تفسیر قرآن را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود و خود به تدریس و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

ربّانی در جهت پیروزی انقلاب از پیشতازان و سابقین بود و پس از پیروزی انقلاب، از طرف آیت الله خمینی سمت نمایندگی ایشان را در استان فارس عهده دار شد، و سمت عضویت شورای نگهبان را هم پذیرفت.



## از آثار او

- ۱- اثبات عدم تحریف القرآن الکریم.
  - ۲- الصلاة والأدعية و القرآن.
  - ۳- تاریخ تصوف.
  - ۴- تحقیق و تعلیق علی وسائل الشیعة.
  - ۵- تعالیک علی بحار الأنوار.
  - ۶- تقریرات اصول آیت الله بروجردی.
  - ۷- تقریرات فقه آیت الله بروجردی.
  - ۸- شرح حال شیخ صدوق، در ۹۴ صفحه، که در مقدمه کتاب معانی الأخبار به چاپ رسیده است.
  - ۹- مقدمه ای مفصل بر بحار الانوار در شرح حال علامه مجلسی و برخی از مشایخ امامیه.
  - ۱۰- یادداشت هایی در مبحث دیالکتیک.
- علامه ربّانی در روز دوشنبه ۱۲ / جمادی اوّل / ۱۴۰۲ ق مطابق با ۱۷ / اسفند / ۱۳۶۰ ش در سن ۶۱ سالگی در اثر حادثه ناگوار تصادف - در نزدیکی دلیجان قم - به لقاء الله پیوست. جسدش به قم حمل و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## منابع

- ۱- دانشمندان و سخن سرایان فارس ۵۹۲/۲.
- ۲- روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۶ / اسفند / ۱۳۵۸ ش، ص ۵.
- ۳- گنجینه دانشمندان ۱۵۶/۲.

## سید عبدالرحیم شوکی

( ۱۴۱۰ - ق )



سید عبدالرحیم فرزند سید علی شوکی، از فضلا و خطبای معاصر بود.

وی در عراق می زیست و از خاندان معروف به «آلبو شوکه» می باشد و تحصیلات خود را در همانجا به پایان برد و روی به وعظ و هدایت آورد. در اثر فشارهای رژیم بعث مجبور به مهاجرت شد و در قم سکونت اختیار نمود. جهت امر تبلیغ به کشورهای خلیج می رفت. فعلاً معلومات دقیقی از زندگی ایشان در

اختیار ندارم. فرزند ارجمند ایشان آقای سید محمد حسین شوکی است که اخیراً به کسوت روحانیت درآمد و در قم زندگی می کند.

نامبرده در ۱۵ / صفر / ۱۴۱۰ ق در امارات عربی در حدود ۶۰ سالگی درگذشت.

پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

تذ منیع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## شیخ عبدالرحیم مدرس تبریزی

( ۱۳۲۴ - ۱۴۰۲ ق )

حاج شیخ عبدالرحیم مدرس ماهر، فرزند محمد تقی خیابانی تبریزی، از دانشمندان و بزرگان معاصر بود.

تولدش به سال ۱۳۲۴ ق مطابق با ۱۲۸۵ ش در تبریز اتفاق افتاد.

### در حوزه‌های تبریز و قم

ایشان مقدمات و سطوح را در تبریز، نزد آیات: سید علی اکبر مرعشی، میرزا علی اصغر ملکی، سید محمد مولانا، میرزا رضی زنوزی، میرزا عبدالعلی اخوی تبریزی و سید عبدالحجه ایروانی، و سطح عالی را نزد آیات: میرزا صادق تبریزی و سید ابوالحسن انگجی تلمذ کرد.

آن‌گاه به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد، و از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، میرزا محمد فیض قمی، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عباسعلی شاهرودی فقهاً و اصولاً، و نزد میرزا مهدی آشتیانی و شیخ محمد مهدی مازندرانی (امیر کلائی) حکمت و فلسفه استفاده نمود.

### از آثار او

- ۱ - آلاء الرحیم فی الرد علی تحریف القرآن الکریم.
  - ۲ - حاشیه علی کفایة الاصول.
  - ۳ - رساله فی الرضاع.
  - ۴ - شرح علی المنظومة (للسبزواری).
  - ۵ - قاعدة لا ضرر.
- وی در ۱۵ / جمادی ثانی / ۱۴۰۲ ق مطابق با ۲۱ / فروردین / ۱۳۶۱ ش در سن ۷۸ سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۹۹/۲.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۱۰۷/۲.
- ۳ - مؤلفین کتب چاپی ۸۳۰/۳.

## میرزا عبدالرحیم نهاوندی

(۱۲۳۷ - ۱۳۰۴ ق)

شیخ عبدالرحیم نهاوندی فرزند میرزا نجف مستوفی و نواده میرزا محمد علی شیرازی، از فقها و اساتید حوزه تهران و از اکابر علما به شمار می‌رفت که در رشته‌های فقه و اصول مشهور و به زهد و تقوی معروف و در ادبیات و سرودن اشعار مهارت داشت.

او در سال ۱۲۳۷ ق در نهاوند متولد گردید.

### تحصیلات

نهاوندی پس از طی مقدمات در موطن خویش، به بروجرد عزیمت کرد و سطوح را نزد شیخ اسدالله بروجردی (حجة الاسلام) به انجام رسانید. سپس به نجف اشرف رهسپار گردید، و از محضر فقیه گرانقدر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) و علامه شیخ مرتضی انصاری بهره‌مند گردید، و خود بنای تدریس گذاشت و عده زیادی از محضر وی استفاده نمودند. سپس در سال ۱۲۸۹ ق به زیارت مشهد مقدس مشرف شد و یک سال اقامت جست، سپس رحل اقامت خویش را در تهران افکند، و در مدرسه مروی به تدریس همت گماشت، و مورد توجه فضلا واقع گشت و نماز جماعت نیز اقامه می‌نمود.

### از آثار او

- ۱ - أصل البرائة.
- ۲ - حاشية على القوانين.
- ۳ - كتاب الوقف.
- ۴ - كتاب العتق.

۵ - مجموعه اشعار.

۶ - حاشیه علی الرسائل.

علامه نهاوندی سرانجام در ۹ / ربیع الثانی / ۱۳۰۴ ق در تهران درگذشت، و ابتدا در صحن حضرت معصومه علیها السلام - زیر ساعت - به طور امانت مدفون گردید (که خودم سنگ قبرش را دیده‌ام)، سپس به نجف اشرف منتقل گردید.

#### فرزندانش:

۱ - علامه شیخ محمد حسن نهاوندی، شاگرد آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی بود.

۲ - علامه شیخ محمد نهاوندی، از علمای به نام مشهد مقدس بود و صاحب آثاری چون: نفحات الرحمان می باشد.

۳ - آقا ضیاء الدین ۴ - آقا عیسی.

#### منابع

۱ - أعيان الشيعة ۴۷۰/۷.

۲ - تاریخ بروجرد ۳۳۵/۲.

۳ - تاریخ علمای خراسان ۳۱۱.

۴ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ۳۲۷.

۵ - فوائد الرضویه ۲۲۸.

۶ - نقباء البشر ۱۱۰۸/۳.

### شیخ عبدالرحیم نیری بروجردی

(ح ۱۳۲۰ - ۱۴۱۲ ق)

حاج شیخ عبدالرحیم فرزند شیخ محمد حسین و نوه شیخ غلامرضا بروجردی معروف به (نیری)، تولدش در حدود سال ۱۳۲۰ ق در بروجرد اتفاق افتاد.

پس از رشد و نمو مقدمات را نزد پدر خود طی نمود و به قم رهسپار شد و سطوح را نزد آیة الله سید شهاب الدین مرعشی به انجام رسانید. خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و سید محمد رضا گلپایگانی بهره مند گردید. و از سایر اساتید خود و نیز آیة الله میرزا عبدالهای شیرازی مجاز بود.

آثاری که به رشته تحریر درآورده و جمع آوری نموده است به شرح زیر می باشد:

- ۱ - مستحبات و مکروهات احکام شریعت اسلام، در ۳ جلد.
- ۲ - سيرة الامام علی علیه السلام.
- ۳ - المهدی (عج) الامام الثانی عشر.
- ۴ - اخلاقیات، در ۲ جلد.
- ۵ - زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام، در ۲ جلد.
- ۶ - انتخابی از معجزات چهارده معصوم علیهم السلام، در ۲ جلد.
- ۷ - مجموعه فتاوی ابن الجنید.
- ۸ - فتاوی العلمین ابن ابی عقیل و علی بن بابویه (گردآوری - همکاری).
- ۹ - ایضاح الفوائد (تصحیح - همکاری).

تبرک به یک حدیث شریف:

متن زیر بقلم خود ایشان است که توسط یکی از دوستان در اختیار اینجانب قرار گرفت:

و فی روضة الواعظین عن السجاد علیه السلام ان ابا طالب سأل النبی صلی الله علیه و آله یابن اخی! الی الناس كافة أرسلت ام الی قومك خاصة، قال: لا، بل الی الناس أرسلت كافة، الی الأبيض والأسود والأحمر والعربی والعجمی، والذي نفسی بیده لأدعون الی هذا الامر الأبيض والأسود، و من علی رؤس الجبال و من فی لجج البحار، و لأدعون

ألسنة فارس و الروم. [روضة الواعظین: ۵۴/۱].

لاحقر عبدالرحیم نیری بروجردی از شاگردان حضرت آیت الله البروجردی هستم، و از آیات: آقای حاج سید حسین بروجردی، و آقای گلپایگانی، و آقای سید عبدالهادی شیرازی، و آقای مرعشی نجفی اجازه امور حسبی دارا هستم.

### کتابهایی که تدوین نموده‌ام:

- ۱- کتاب اخلاقی در دو جلد.
  - ۲- کتاب در حالات حضرت امام زمان (صلوات الله علیه) در یک جلد.
  - ۳- کتاب سیره مولی الموحدين حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در یک جلد.
  - ۴- زندگانی حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام در دو جلد.
  - ۵- احکام مستحبات و مکروهات، در سه جلد از اول کتاب طهارت تا دیات.
  - ۶- کتاب علمین ابن ابی عقیل و مسائل علی بن بابویه.
  - ۷- کتاب مجموعه فتاوا ابن جنید. حرره الاحقر عبدالرحیم نیری بروجردی.
- سرانجام در روز ۲۴ / ذی قعدة / ۱۴۱۲ ق مطابق با چهارشنبه ۶ / خرداد / ۱۳۷۱ ش در پی بیماری و کھولت سن در قم درگذشت، و جسدش صبح روز پنجشنبه تشییع و در یکی از مقابر مجاور قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### شیخ عبدالرزاق خائف قمی

(۱۲۸۴ - ۱۳۷۰ ق)

شیخ عبدالرزاق فرزند ملا علی اصغر قمی، متخلص به «خائف» از فضلا و شعرای قم بود.

وی سالهای متمادی به ارشاد و هدایت و آموزش مسائل شرعی، در صحن حضرت معصومه علیها السلام اشتغال داشت.

## از آثار او

۱ - تاریخ ایران (دورهٔ مقدماتی).

۲ - دیوان اشعار.

ایشان در روز شنبه ۱۰ / جمادی اول / ۱۳۷۰ ق مطابق با ۲۸ / بهمن / ۱۳۲۹ ش در حدود ۸۶ سالگی در قم درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## منابع

۱ - الذریعة ۲۷۷/۹.

۲ - تراجم الرجال ۲۸۶/۱ (سال مرگش را ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۵ ق دانسته است).

۳ - فرهنگ سخنوران ۳۰۱/۱.

۴ - مؤلفین کتب چاپی ۸۴۲/۳.

## شیخ عبدالرسول قائمی اصفهانی

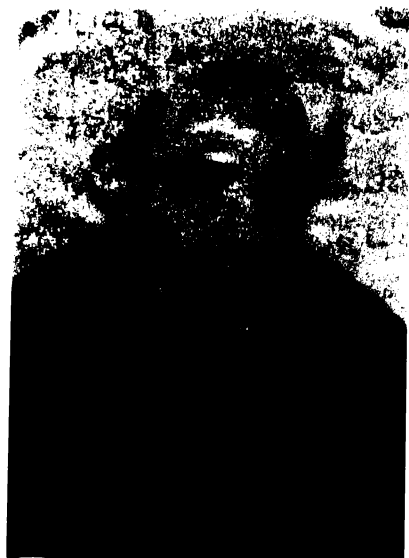
(۱۳۱۶ - ۱۴۱۴ ق)

حاج شیخ عبدالرسول قائمی فرزند شیخ فرج‌الله دیزچه‌ای اصفهانی، از دانشمندان و مشاهیر علمای اصفهان و آبادان بود.

وی ۳ / رمضان / ۱۳۱۶ ق در (دیزچه) اصفهان دیده به جهان گشود.

قائمی مقدمات را نزد شیخ فرج‌الله شریعت در دیزچه آموخت. سپس به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان پیوست و سطوح را نزد آیاتی چون: سید احمد درب امامی و شیخ علی یزدی (مسگر) به پایان رسانید. و دروس خارج را از حضرات آیات: سید محمد نجف آبادی، سید علی نجف آبادی و سید محمد رضا خراسانی استفاده نمود. آن گاه به حوزهٔ علمیهٔ قم رهسپار شد و از محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند گردید.





در سال ۱۳۴۹ ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی، و سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌ها برد و در سال ۱۳۵۶ سفری به آبادان کرد و چند ماهی ماند و به نجف مراجعت کرد و بالاخره در سال ۱۳۶۰ ق پس از مراجعت از سفر حج در پی درخواست اهالی آبادان و امر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در آن سامان اقامت نمود، و خدمات و کارهای فرهنگی

بزرگی انجام داد. در ضمن در مسجد نو به اقامه جماعت و ارشاد پرداخت. ساختن و تعمیر مساجد و مدارس و احداث مسجد نور و مدرسه قائمیه و دارالایتام اماکن خیریه در آبادان از یادگارهای ایشان است. از کارهای بزرگ ایشان احداث مسجد ولی عصر (عج) در جزیره خارک، تأسیس حوزه علمیه آبادان و اداره آن را، می‌توان نام برد.

### از آثار او

- ۱ - رساله‌ای در حدیث غدیر.
- ۲ - شرح برخی از خطب نهج البلاغه.
- ۳ - یادداشت‌هایی در فقه.

او در پی جنگ عراق و ایران، در سال ۱۴۰۱ ق به اصفهان رفت و در مسجد باب‌الرحمه واقع در دروازه دولت به اقامه جماعت و هدایت پرداخت. نیز برای طلاب اصفهان شهریه داشت.

قائمی در سحرگاه روز شنبه ۲۳ / شعبان / ۱۴۱۴ ق مطابق با ۱۶ / بهمن / ۱۳۷۲ در سن ۹۸ سالگی در اصفهان دار فانی را وداع گفت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - در یکی از اطاقهای صحن بزرگ - به خاک سپرده شد.

فرزندانش هشت پسر و ۱۲ دختر از سه همسر می باشند.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/۲۰۴.
- ۲ - اطلاعات متفرقه.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۶/۳.
- ۴ - مجله پژوهش، سال چهارم، شماره ۶، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۲۰.

## شیخ عبدالستار اسلامی آبادانی

(ح ۱۳۲۰ - ۱۴۲۰ ق)

حاج شیخ عبدالستار اسلامی فرزند علامه شیخ محمد بهبهانی، از فضلا و ادبای برجسته معاصر بود. وی در حدود سال ۱۳۲۰ ق در روستای «هندیجان» از توابع بهبهان - استان خوزستان - تولد یافت.

پدرش (متوفای ۱۳۶۰ ق) از علمای بهبهان و نواحی آن و از شاگردان آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و نماینده ایشان در منطقه مذکور بود.

شیخ عبدالستار، در سن دوازده سالگی همراه پدر خود به نجف اشرف رفت، و پس از به اتمام رساندن مقدمات، دروس سطح را از محضر آیت الله شیخ مجتبی لنکرانی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره مند گردید و خود اقدام به تدریس مقدمات و ادبیات پرداخت.

وی در پی رحلت پدر ارجمند خود در سال ۱۳۶۰ ق، از سوی آیت الله سید

ابوالحسن اصفهانی به نواحی آبادان عزیمت کرد و بیش از سی سال در میان آنان با اختلاف سلیقه‌هایشان، به سر برد و امور را به بهترین صورت اداره و سرپرستی نمود. سپس در سال ۱۳۸۶ ق به شهر آبادان کوچید و در مسجد صاحب الزمان (عج) به اقامه جماعت و ارشاد و نیز بنیاد و تعمیر مساجد و احیای مناسبات مذهبی پرداخت. نامبرده از علمای بسیار اجازات علمی و امور حسبه و روایت داشت، که برخی از ایشان عبارتند از حضرات آیات، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید شهاب‌الدین مرعشی و سید ابوالقاسم خوئی.

منزل و کتابخانه‌اش در آبادان، محل امید بسیاری از روحانیان و مبلغان دینی بود. او مبلغان را به اطراف و اکناف گسیل می‌داشت. حلّ امور دینی و شخصی سایر افراد و عشایر آبادان و اروندکنار، مایه خوشبختی ایشان می‌شد.

اسلامی، حافظه‌ای قوی داشت. در ادبیات عربی و فارسی بسیار مسلط بود. رشته‌های: تاریخ، لغت، شعر، حدیث و علوم نقلی دیگر مهارت داشت. هر کتابی را که می‌خواند بر آن حاشیه می‌نوشت. زندگی ساده و روحیه‌ای عالی و قانع داشت. پس از نماز جماعت، شب‌ها به منبر می‌رفت و به بیان تفسیر قرآن کریم و حدیث شریف می‌پرداخت.

در سال ۱۴۰۰ ق و در جریان جنگ تحمیلی، خانه و کتابخانه و سایر مایملک را یک شبه از دست داد و به قم مهاجرت کرد و تا آخر عمر آنجا زیست. پس از حدود ده سال بیماری بر ایشان تسلط یافت و کمتر ظاهر می‌شد و بعداً به کلی بستری گردید.

### از آثار او:

- ۱- المهدی (عج) و صفاته، دو جلد.
- ۲- الدّر الثمین فی المنتخب من البیان و التبین.
- ۳- ایقاظ الأنام عن خرافات العوام.

۴ - الأربعون حديث.

۵ - ترجمه منتخب الأثر ( اثر شيخ لطف الله صافی )، ترجمه به فارسی.

۶ - کشکول بدیع، در سه جلد.

و حواشی بر بسیاری از کتابها.

ایشان در روزاربعین حسینی یعنی ۲۰ / صفر / ۱۴۲۰ ق در پی سالها بیماری در حدود سن ۱۰۰ سالگی ( بر اساس گفته یکی از فرزندان ایشان ) در قم چشم از جهان فرو بست. پیکرش عصر روز بعد تشییع و در قبرستان باغ بهشت - مقبرة العلما - به خاک سپرده شد.

**فرزندانش که از چند همسر هستند عبارتند از:**

۱ - حجة الاسلام و المسلمین فاضل فرزانه شیخ محمد علی اسلامی، ساکن جراحی ( ماه شهر )، استان خوزستان ۲ - حجة الاسلام شیخ ابوطالب ۳ - آقا محمد کاظم، از فرهنگیان است ۴ - آقا محمد باقر ۵ - دکتر حسن ۶ - آقا محمد جواد، سرهنگ سپاه است ۷ - آقا حسین ۸ - آقا محسن.

منابع

۱ - اطلاعاتی از فرزندان ایشان، آقای دکتر حسن اسلامی.

۲ - گنجینه دانشمندان ۱۱/۳.

۳ - مطالبی از نوشته آقای شیخ ناصرالدین انصاری قمی.

## عبدالصاحب صفائی قمی «حائری»

( ۱۳۲۴ - ۱۳۷۴ ق )

عبدالصاحب فرزند آیت الله شیخ محمد علی حائری و نوه ملا محمد جعفر قمی، ملقب به « صفائی » از مردان با فضیلت و سیاستمداران معروف بود. وی در سال ۱۳۲۴ ق در سامرا ( عراق ) دیده به جهان گشود.



در سال ۱۳۳۵ ق همراه پدر خود  
به کربلای معلی رفت و در سال  
۱۳۴۹ ق در قم سکونت اختیار نمودند.  
او که تحصیلات علوم دینی خود را در  
عتبات عالیات شروع کرده بود، در قم به  
پایان رساند. آنگاه به تهران عزیمت  
نمود و توانست از دانشکده معقول و  
منقول درجه لیسانس دریافت کند. ابتدا  
در وزارت دارائی به خدمت پرداخت.  
از سال ۱۳۶۰ ق (۱۳۲۰ ش) دفتر ثبت  
اسناد رسمی در ساری و بابل برعهده

گرفت. سپس وارد میدان سیاست شد و در فعالیت‌های شدید، بارها به زندان افتاد.  
آنگاه در دوره‌های شانزدهم (۱۳۲۸ ش برابر با ۱۳۶۹ ق) و هیجدهم (۱۳۳۲ ش  
برابر با ۱۳۷۳ ق) از سوی مردم ساری به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی  
انتخاب گردید.

هفته‌نامه «صفا» را در سال ۱۳۲۳ ش در شهر ساری منتشر ساخت، سپس آن  
را به صورت مجله منتشر نمود.

### از آثار او:

- ۱- بیوگرافی وکلای دوره چهاردهم مازندران.
  - ۲- تاریخ مختصر احزاب سیاسی (پس از شهریور / ۱۳۲۰ ش).
  - ۳- قانون مرور زمان.
- استاد صفائی در سال ۱۳۷۴ ق برابر با ۱۳۳۴ ش در سن ۵۰ سالگی در اثر  
سکته قلبی در تهران دارفانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت

معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - اظهارات مرحوم شیخ علی صفائی فرزند شیخ عباس (برادر آقای عبدالصاحب) حائری.
- ۲ - چهره مطبوعات معاصر ۲۹۷.
- ۳ - رجال قم ۱۲۸.
- ۴ - فهرست روزنامه‌های فارسی ۱۴۴.
- ۵ - فهرست کتابهای چاپی فارسی ۸۸۲/۱ و ۱۱۲۹.
- ۶ - گنجینه دانشوران ۲۰۰.
- ۷ - مازندران ۱۰۸/۲.
- ۸ - مؤلفین کتب چاپی ۸۵۸/۳ (نام جدش را «محمد زمان» نوشته که اشتباه است).
- ۹ - نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۴۰.

## سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی

(۱۳۴۸ - ۱۴۱۶ ق)

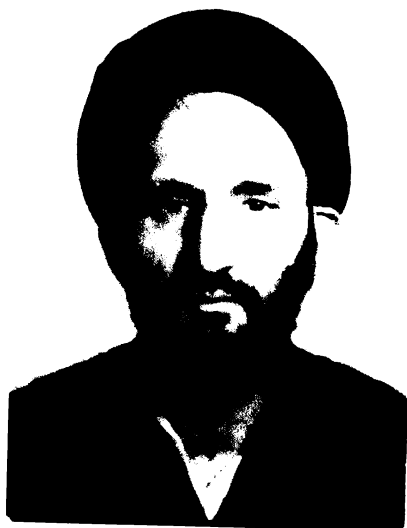


حاج سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی یکی از خبرگان سرشناس در کتابشناسی، نسخه‌شناسی، تاریخ، تراجم، حدیث و رجال بود.

فقید سعید در روز یکشنبه ۲۳ / جمادی الاول / ۱۳۴۸ ق مطابق با ۵ / آبان / ۱۳۰۸ ش در بیت علم و تقوا و فضیلت در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش مرحوم آقا سید جواد

طباطبائی (متوفای ۱۳۶۳ ق و مدفون در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام)  
 نوه دختری آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب العروة الوثقی) و از  
 شاگردان ایشان و مادرش فرزند آقا سید احمد فرزند صاحب عروه بوده است.  
 آن مرحوم در اوان بلوغ پدرش را از دست داد، اما با کوشش بسیار به تحصیل  
 علم برخاست و نزد اساتید بزرگ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت.  
 ادبیات را نزد آیت الله سید هاشم حسینی تهرانی، و قوانین را در محضر مرحوم  
 آیت الله سید علی علامه فانی اصفهانی، و شرح منظومه را نزد آیت الله سید  
 عبدالاعلی سبزواری، و اسفار را در خدمت علامه شیخ صدرا بادکوبه‌ای و عقاید را  
 نزد شیخ عبدالحسین امینی تبریزی فراگرفت.



نیز همزمان سطوح عالی را در  
 درسهای علامه بزرگوار آیت الله شیخ  
 عبدالحسین رشتی و علامه شیخ مجتبی  
 لنکرانی، و خارج فقه و اصول و تفسیر  
 را نزد حضرات آیات: سید ابوالقاسم  
 خوئی، میرزا عبدالهادی شیرازی و  
 شیخ حسین حلی آموخت. استاد فقید  
 در این سالها و پس از آن با حضرات  
 آیات: شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ  
 محمد علی غروی اردوبادی و بیش از  
 همه با علامه کبیر شیخ آقا بزرگ تهرانی

و علامه شیخ عبدالحسین امینی ارتباط نزدیک برقرار کرد، و سالیان بسیار از محضر  
 این دو بزرگ مرد بهره برد، و این رابطه تنگاتنگ ۲۵ سال به طول انجامید.

وی در این سالها با روش تحقیق و زمینه‌های پژوهش در رجال، تراجم،  
 کتابشناسی، حدیث و تاریخ آشنا شد، و بهترین همکاری‌ها را با علامه تهرانی و



علامه امینی به عمل آورد. او در تأسیس کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام (در نجف اشرف) با امینی همکاری گسترده‌ای به عمل آورد، و برای مخطوطات آن فهرست گسترده‌ای نگاشت که اینک آماده چاپ است. همچنین پیش از مهاجرت به قم، مدیریت «مدرسه سید» در نجف را سالها برعهده داشت و منشأ خدماتی بود، و همزمان به یاری علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در تدوین و تألیف «الذریعة الی تصانیف الشیعة» شتافته بود.

مرحوم استاد در سال ۱۳۹۶ ق نجف اشرف را به قصد قم ترک کرد و با فراغت بال و آسودگی خیال به تألیف و تحقیق دست یازید، و خانه‌اش محل آمد و رفت مؤلفان و محققان شد. سکونت استاد در قم باعث گشت تا مراکز تحقیقی و کتابخانه‌های کشور به او روی آورند، و از تجربیات و اطلاعات گرانبهای او استفاده‌های بسیار برند. از جمله ماهها در مشهد مقدس سکونت گزید و برای کتابخانه آستان قدس رضوی فهرست‌های گوناگون تهیه کرد.

در قم نیز به یاری مؤسسه آل البیت علیهم السلام شتافت، و در پی نهادن مجله وزین «تراثنا» و تداوم و غنای آن از هیچ کوششی دریغ نورزید. معظم‌له برای غنای تحقیقات خود سفرهای بسیار به کشورهای مختلف همچون: سوریه، لبنان، اردن، کویت، ترکیه، عربستان، انگلستان و آمریکا انجام داد، و در طول این سفرها از کتابخانه‌های مختلف بازدید کرد و یادداشت‌های بسیار برداشت، و نتیجه مطالعات خویش را در «نتایج الاسفار» گرد آورد. همچنین احادیث و فضایل اهل بیت علیهم السلام را به نقل از کتابهای مخطوط در کتاب «قید الاوابد و جمع الشوارد» جمع آورد.

فقید سعید از حضرات آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، سید ابوالقاسم خوئی و شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت داشت و به گروهی اجازه روایت داد.

وی به عنوان کتابشناسی برجسته شناخته شده بود، و در کنگره‌هایی مانند: هزاره شیخ طوسی (مشهد)، هزاره شریف رضی (تهران)، امام حسین علیه السلام (لندن) غدیر خم (لندن)، شیخ مفید (قم)، کتاب و کتابخانه در اسلام (مشهد)،



شرکت داشت و مقالاتی ارائه داد.

فقید سعید متواضع و فروتن، کم توقع، بردبار، قانع و با سخاوت، کم حرف و خوش محضر و خوش اخلاق، بذله‌گو و مهمان‌نواز، و دارای خطی خوش و حافظه‌ای شگرف بود. درب خانه‌اش به روی همگان باز بود و گاه کسانی تا چند روز مهمان او بودند. اطلاعات علمی و کتابخانه‌اش را به رایگان در اختیار همگان می‌نهاد (به همین جهت در مقدمه کتابهای بسیاری از ایشان تمجید و تقدیر شده است).

در فهم مطالب علمی دقت و حوصله بسیار داشت، و گاه برای درک یک مطلب رنج سفر را بر خویش هموار می‌نمود. اگر مطلبی را نمی‌دانست از هر کس حتی اگر شده از شاگردان جوانش می‌پرسید، و از این بابت ابایی نداشت. جوانان اهل تحقیق را بسیار تشویق می‌کرد و مطلقاً در مقام عیب جویی برنمی‌آمد. در یادداشت برداریها و مطالعات خود تنها به کتابهای چاپی بسنده نمی‌کرد و از کتابهای مخطوط نیز در نمی‌گذشت و لذا در آغاز و انجام کتابهایش موارد مهم کتاب یادداشت شده بود.



مؤلف / سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی / سید محمد مجتهدی کاشانی

بسیار متدین و متعبد بود و از سرِ غیرت دینی عمری در جهت بزرگداشت تشیع و غدیر و اهل البیت علیهم السلام کوشید. کتابخانه بزرگ و کم مانند خود را در اختیار دیگران نهاده بود، و گاه تا چندین جلد کتاب را به یک تن - برای مدتهای طولانی - امانت می داد و خم به ابرو نمی آورده ( او خود می فرمود: یک دهم کتابخانه ام نزد دیگران به امانت است). تبحر وی در رجال، تراجم، حدیث، تاریخ، کتابشناسی و نسخه شناسی از آثار متعدد او هویدا است.

### برخی از کتابهای و مقالات بلند چاپ شده اش عبارتند از:

- ۱ - اساتید و مشایخ شیخ طوسی.
- ۲ - الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد.
- ۳ - الشیعة و هجمات الخصوم.
- ۴ - الغدیر فی التراث الاسلامی.
- ۵ - اهل البیت علیهم السلام فی المكتبة العربیة ( معرفی و توصیف کتابهای عربی اهل سنت در فضائل اهل بیت )، در دو جلد.
- ۶ - حیاة الشیخ یوسف البحرانی ( اولین نوشتار استاد در سال ۱۳۷۷ ق ).
- ۷ - فهرست کتابخانه علامه طباطبائی دانشگاه شیراز.
- ۸ - فی رحاب نهج البلاغة.
- ۹ - ما ینبغی نشره من التراث ( معرفی کتابهای ارزنده مخطوط ).

### عنوان برخی از تحقیقها و تصحیحهای او عبارت است از:

- ۱۰ - الاربعون المنتقى من مناقب المرتضى علیه السلام ( ابو الخیر طالقانی قزوینی ).
- ۱۱ - الحسین علیه السلام و السنة ( مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین علیه السلام از فضایل الصحابة احمد بن حنبل، انساب الاشراف بلاذری و معجم الکبیر طبرانی ).

- ۱۲ - ترجمة امير المؤمنين عليه السلام (ابن عساكر).
- ۱۳ - ترجمه الحسن والحسين عليهما السلام (از كتاب طبقات ابن سعد).
- ۱۴ - طرق حديث من كتب مولاه فعلى مولاه (حافظ ذهبى).
- ۱۵ - عقد الدرر فى اخبار المهدي المنتظر (عج) (سلمى شافعى دمشقى).
- ۱۶ - فرائد السمطين فى فضائل المرتضى والبتول والسبطين (حموى جوينى).
- ۱۷ - فهرست شيخ منتجب الدين.
- ۱۸ - فهرست شيخ طوسى.
- ۱۹ - مقتل امير المؤمنين عليه السلام (ابن ابى الدنيا).
- ۲۰ - مناقب امير المؤمنين عليه السلام (احمد بن حنبل).

### و از ديگر تأليفات چاپ نشده او عبارت است از:

- ۲۱ - على صفاف الغدير (تكميل، تهذيب، تحقيق و استدراك الغدير).
- ۲۲ - نتائج الاسفار.
- ۲۳ - قيد الاوابد.
- ۲۴ - مستدرک الذريعة.
- ۲۵ - اضواء على الذريعة (تعليقات و ملاحظات بر الذريعة).
- ۲۶ - معجم اعلام الشيعة.
- ۲۷ - تعليقات على «طبقات اعلام الشيعة».
- ۲۸ - مكتبة العلامة الحلى.
- ۲۹ - انباء السماء برزية كربلاء (تكميل، تعليق و استدراك «سيرتنا و سنتنا» از علامه امينى).
- ۳۰ - فهرس المخطوطات العربية فى مكتبة امير المؤمنين عليه السلام.
- ۳۱ - فهرس المخطوطات الفارسية فى مكتبة امير المؤمنين عليه السلام.
- ۳۲ - فهرس الكتب الحديث فى مكتبة الامام الرضا عليه السلام.

۳۳- فهرس كتب الفقهية فى مكتبة الامام الرضا عليه السلام.

۳۴- الفهرس الوصفى للمنتخب من المخطوطات العربية فى مكتبات تركيا (نسخه خطى آن در كتابخانه آيت الله مرعى در دو جلد موجود است).

۳۵- مخطوطات اللغة العربية فى مكتبات ايران.

۳۶- فهرس المختارات من مخطوطات تركيا.

۳۷- فهرس المنتقى من مخطوطات الحجاز.

۳۸- فهرس المنتخب من مخطوطات تبريز.

۳۹- فهرس المنتخب من مخطوطات لندن.

۴۰- المهدي عجل الله فرجه فى السنة النبوية (مجموعه احاديث صحاح اهل تسنن پيرامون حضرت مهدى).

سرانجام آن قلب پر طيش پس از پشت سر نهادن چند سكتة قلبى، در تاريخ هفتم / رمضان / ۱۴۱۶ ق مطابق با ۸ / بهمن / ۱۳۷۴ ش در ۶۸ سالگى بدرود حيات گفت، و پس از يك تشيع باشكوه، در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه عليه السلام به خاک سپرده شد.

#### منابع

۱- مجله آينه پژوهش شماره (۳۶) سال ۱۳۷۴ ش صفحه ۱۰۷ به قلم شيخ ناصرالدین انصارى قمى (با اندك تصرف).

۲- مصاحبه ها و يادداشت هاى شخصى نگارنده با ايشان.

## عبدالعلى سلام فايز تبريزى

(۱۳۱۳ - ۱۳۹۲ ق)

حاج عبدالعلى فرزند محمد حسن سلام تبريزى، متخلص به «فايز» از شاعران مرثيه سراى توانا بود.

او در ۲۸ / صفر / ۱۳۱۳ ق در «محله خاقانى» تبريز تولد يافت.

در شعر و ادب مقامی والا بدست آورد و در راه عرفان و سلوک رتبه‌ای احراز نمود. تهران را جهت سکونت اختیار کرد.

این دو بیت از آخرین سروده‌هایش که بر روی قبرش هم حک شده است:

من مشتعل عشق علیم چکنم

جز او نبود سنی حلیم چکنم

در روز غدیر شد مسمی به ولی

این است غلام آن ولیم چکنم

از آثار او:

- ۱ - دیوان چهارده معصوم علیه السلام، که در سال ۱۳۶۸ ق در تهران به چاپ رسید.
- فایز در شب جمعه ۱۴ / ذی القعدة / ۱۳۹۲ ق برابر با ۳۰ / آذر / ۱۳۵۱ ش بدرود حیات گفت. پیکرش در وسط قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - اطلاعات متفرقه.
- ۲ - مؤلفین کتب چاپی ۸۸۷/۳

## شیخ عبدالعلی شریفی کابلی

( ۱۳۹۸ - ق )

تولدش در شهر غزنین از توابع کابل افغانستان اتفاق افتاد. پس از طی مقدمات و سطوح پس از سال ۱۳۶۵ ق به نجف اشرف رفت، و از محضر بزرگان نجف از جمله آیت الله سید مرتضی فیروزآبادی استفاده نمود، و در پی فشارهای دولت عراق در حدود سال ۱۳۹۳ ق به ایران مهاجرت کرد. وی مردی فاضل، متقی، اجتماعی و اخلاقی، و از منسوبین مرحوم حجة الاسلام شیخ عباس حائری یزدی بود.

در روز دوشنبه ۲۰ / ذی قعدة / ۱۳۹۸ ق مطابق با اول / آبان / ۱۳۵۷ ش در بیمارستان پهلوی تهران درگذشت، و در روز سه شنبه تشییع و در بهشت معصومه (علیه السلام) مدفون گردید.

فرزندانش:

۱ - عبدالامیر ۲ - علاء ۳ - عصام و یک دختر.

منع

۱ - حوادث الأیام (خطی).

## شیخ عبدالعلی مشایخی اراکی «حاج آقا»

( ۱۴۰۵ - ق )

شیخ عبدالعلی معروف به «حاج آقا» فرزند شیخ اسماعیل و نوۀ شیخ عبدالعلی مشایخی کرهرودی اراکی، از فضلا و سخنوران معاصر بود. پدرش که ساکن «کرهرود» اراک بود به تعلیم نوآموزان در مکتب خانه خود بود.

جدّش از علمای مهاجر به تهران و در آنجا از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. وی در حدود سال ۱۳۳۵ ق در تهران درگذشت. پیکرش در قبرستان ابن بابویه شهر ری مدفون گردید. شیخ عبدالعلی «حاج آقا»، در کرهرود پرورش یافت، مدتی چند در آنجا مشغول تحصیل بود، سپس در سن جوانی به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی و معقول را از محضر سید روح الله خمینی استفاده نمود. سپس به وعظ و ارشاد پرداخت و از فضایی سخنوران به شمار آمد.

او در سال ۱۴۰۵ ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

❦ منع

۱ - افادات حجة الاسلام سخنور توانا آقای شیخ محسن مشایخی (ساکن تهران، به تاریخ ۲۰ / صفر / ۱۴۲۱ ق).

## شیخ عبدالعلی نطنزی «صدرالعلماء»

(ح ۱۲۶۲ - ۱۳۴۴ ق)

حاج شیخ عبدالعلی فرزند ملا عبدالباقی و نواده آیت الله ملا احمد نطنزی (داماد ملا احمد فاضل نراقی) کاشانی، ملقب به «صدرالعلماء» و از مشاهیر علما و مجاهدان عصر خود بود.

### تحصیلات

او در حدود سال ۱۲۶۲ ق مطابق با ۱۲۲۵ ش متولد گردید. وی پس از رشد و نما در کاشان به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌های شایانی برد. و از این راه به درجات والای علمی ارتقا یافت و به گذشت زمان در ردیف علمای طراز اول کاشان به حساب آمد. صدرالعلماء، گذشته از اقامه جماعت و ارشاد در کاشان به تدریس دروس علمی و دینی نیز اشتغال داشت. وی در نهضت تنباکوک به رهبری میرزای شیرازی طی سالهای (۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ ق) در ایران روی داد و منجر به شکست استعمار انگلیس گردید، و نیز در قیام مردمی و اعلان مشروطه خواهی که با قیام و رهبری روحانیت شکل گرفت، از جمله علمای بزرگ مجاهد بود که در تهران و کاشان نقشی سازنده، بر عهده داشت.

وی در سال ۱۳۴۴ ق مطابق با آذر / ۱۳۰۴ ش در تهران در حدود سن ۸۲

سالگی درگذشت و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

❦ منبع

۱ - مشاهیر کاشان ۱۸۱.

## سید عبدالغنی اردبیلی

(ح ۱۳۳۵ - ۱۴۱۰ ق)

حاج سید عبدالغنی فرزند حسن موسوی اردبیلی. او در حدود سال ۱۳۳۵ ق در قریه (گازر) سرعین واقع در استان اردبیل، متولد گردید.

ادبیات را در اردبیل نزد: سید یونس افتخارالسادات (افتخار)، شیخ مهدی عالم، شیخ غفور عاملی (منطق) و سید مسلم محدث خلخالی آموخت، سپس به قم رفت و پس از طی سطوح خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی (در فقه و اصول) و سید روح الله خمینی (در فلسفه) استفاده نمود.

ایشان در حدود سال ۱۳۷۱ ق به اردبیل بازگشت و به تدریس علوم دینی در مدرسه ملاابراهیم و ارشاد مردم پرداخت. و در اواخر عمر خود مقیم تهران شد و در دستگاه قضائی کشور سمتی داشت.

### از آثار او

۱ - تقریرات آیت الله حجت.

۲ - تفسیر سورة يوسف ﷺ.

۳ - الواجب النفسی و مقدمة الواجب (تقریرات آقای خمینی).

۴ - شرح الاسفار (تقریرات آقای خمینی).

استاد اردبیلی در روز دوشنبه ۳ / ذی القعدة / ۱۴۱۰ ق مطابق با ۷ / خرداد /



۱۳۶۹ ش در تهران درگذشت و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

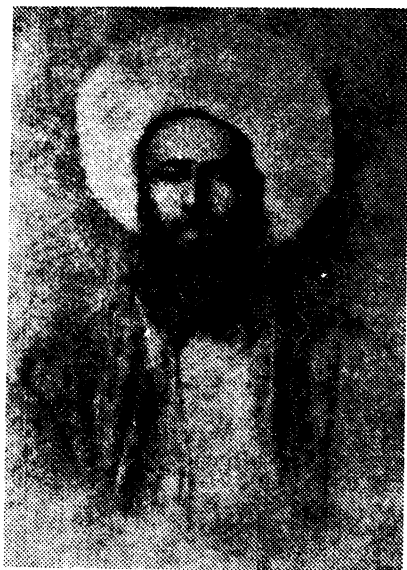
منابع

۱ - آثار الحجّه ۲/ ۲۱۴.

۲ - اطلاعات متفرقه و افادات آیت الله مفتی الشیعه.

## شیخ عبدالقدوس کرمانشاهی

( ۱۳۰۹ ق )



از عارفان و سالکان نامی ایران بود. در دانش و معرفت الهی مقامی ارجمند بدست آورد. سپس در سلسله ذهبیه وارد شد و سرانجام به قطبیت رسید. مرحوم سیّد حسین شمس العرفا از ملازمان ایشان گردید و از فضایل و معارفش بهره‌ها برد و پس از ایشان به قطبیت رسید. مرحوم سیّد عبدالحجّه بلاغی نائینی در تألیفات خود از بزرگان و معاریف این سلسله تا اقطاب بزرگ می‌رساند، نام برده است.

کرمانشاهی در ۲۰ / ذی الحجّه / ۱۳۰۹ ق چشم از جهان فرو بست و در جوار

علی بن جعفر علیه السلام قم مدفون گردید.

منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## سید عبدالکریم انواری اردبیلی

( - ح ۱۴۰۲ ق )

سلسله نسب ایشان به امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد. از دانشمندان و بزرگان تهران به شمار می‌رفت. انواری، تحصیلات خود را در حوزه‌های علمیه اردبیل و زنجان به پایان برد. در حوزه زنجان از محضر آیت‌الله شیخ فیاض زنجان‌ی بهره‌مند شده بود. سپس به شهر بهشهر استان مازندران رفت و حدود هفت سال مشغول ارشاد و تبلیغ مذهبی بود.

سرانجام تهران را جهت سکونت برگزید و در مسجد آذربایجانی‌ها واقع در خیابان آذربایجان به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید.

نامبرده در حدود سال ۱۴۰۲ ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بهشت معصومه علیه السلام مدفون گردید.

لله منیع

۱ - افادات علامه گرانقدر سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی.

## شیخ عبدالکریم حائری یزدی

( ۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ق )

حاج شیخ عبدالکریم فرزند محمد جعفر مهرجردی یزدی ملقب به «حائری» و معروف به «حاج شیخ مؤسس» یکی از مراجع مشهور تاریخ تشیع و از فقهای نامدار عصر خود بود.

وی در سال ۱۲۷۶ ق در روستای «مهرجرد» اردکان - استان یزد - تولد یافت.

تحصیلات علوم دینی

ابتدا در اردکان نزد مجدالعلماء، و بعداً در یزد نزد آیات: میر سید علی مدرس،



سید یحیی یزدی و سید حسین وامق  
(متوفای ۱۳۰۷ ق) سطوح را تلمذ کرد.

### از اصحاب سامرا

ایشان در سال ۱۳۰۳ ق به سامرا  
مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات:  
میرزا مهدی بن کریم شیرازی، شیخ  
فضل الله نوری و میرزا ابراهیم محلاتی  
شیرازی به انجام رسانید، آنگاه دروس  
خارج فقه و اصول را نزد آیات: میرزا  
محمد حسن شیرازی، سید محمد  
فشارکی اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی گذرانید.

### هجرت به نجف اشرف و کربلا

پس از فوت میرزای شیرازی همراه استاد خود فشارکی به نجف اشرف  
مهاجرت کرد، و همواره از محضرش استفاده می نمود و نیز در خدمتش بود، و پس  
از ارتحال این استاد در درس آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله سید  
محمد کاظم طباطبائی یزدی حاضر گشت. آنگاه در حدود سال ۱۳۲۵ ق به کربلا  
رفت و در آنجا به تدریس و افاده و پرورش طلاب پرداخت.

### مراجعت به ایران

در سال ۱۳۳۲ ق جهت زیارت ثامن الحجج علیه السلام به ایران رفت، و در پی دعوت  
اهالی اراک و بزرگان شهر از جمله فرزندان آیت الله سید محسن عراقی در آن شهر  
اقامت نمود، و شروع به تدریس و انجام وظایف دینی پرداخت، و خدمات

ارزنده‌ای در آنجا انجام داد و از هر سو  
طلاب و فضلا گرد ایشان می‌آمدند.



### تأسیس حوزه در قم

در رجب / ۱۳۴۰ ق پس از انجام  
زیارت مرقد امام رضا علیه السلام چند روزی در  
قم توقف داشت، و با علمای آن روز  
مباحثات زیادی نمود، و از او خواستند  
که به قم بیاید و در آنجا اقامت گزیند. او  
هم به همین خاطر اقامت در قم را  
اختیار کرد، و سایر طلاب و فضلاء

مقیم اراک را به قم فرا خواند و اداره حوزه را از هر لحاظ بر عهده گرفت و منشأ  
خدمات فراوانی شد.

### خدمات اجتماعی

از جمله خدمات اجتماعی که در اینجا باید به آنها اشاره نمود و از باقیات  
الصالحات ایشان است، عبارتند از: تأسیس بیمارستان سهامیه، احداث قبرستانی  
جدید که هم به نام «قبرستان نو» و هم به نام مؤسس آن «حاج شیخ» خوانده  
می‌شود، تعمیر مدارس علمی قم، احداث کتابخانه مدرسه فیضیه و... که اغلب آنها  
تاکنون مورد استفاده و بهره‌برداری عامه مردم می‌باشند، و نیز دیگر آثار خیریه که در  
بعضی از شهرهای ایران، دارد.

### چند داستان از او

آیت الله شیخ جواد عارفی بیرجندی (از علمای کهن سال بیرجند است) نحوه

تماس خود را با آیت الله حائری یزدی چنین بیان می‌دارد:

پس آن‌که تحصیلاتم را در مشهد مقدس به پایان رساندم، به قم مشرف شدم و در درس آیت الله حائری شرکت کردم. جمعیت بسیار زیادی در درس شرکت می‌جست. من هم تازه وارد شده بودم و سابقه‌ای نداشتم. گاهی در درس اشکال می‌کردم، وارد بحث می‌شدم تا این‌که خودم را به حاج شیخ به شناسانم. سرانجام روزی حاج شیخ از من پرسید: شما کجا درس خواندید؟

گفتم: در بیرجند و مدتی هم در مشهد تحصیل کردم و بیشتر تحصیلاتم در بیرجند بوده است.

فرمود: در بیرجند شاگرد چه کسی هستی؟

عرض کردم: از شاگردان حاج شیخ هادی هادوی (از اصحاب سامرا بود).

فرمود: دست خطی از ایشان هم دارید؟

عرض کردم: خیر. و ملاقات به پایان رسید.

به نظرم خطور کرد که شاید در ذهن حاج شیخ - تاکید می‌کنم «شاید» - این امر به وجود آمده باشد که این شیخ می‌خواهد خودش را جا بزند و به عنوان شاگرد شیخ هادی معرفی نماید.

لذا از قم به یکی از رفقای بیرجندی نوشتم و جریان را شرح دادم. تذکر آن هم دادم که خوب است از شیخ هادی اجازه‌ای بگیرید و به قم بفرسید.

مرحوم آیت الله هادوی کاغذی نوشته بود و آن را به قم فرستادند.

البته من هم‌منطور مرتباً در درس آیت الله حائری شرکت می‌کردم. پس از چند روزی دیدم شیخ حسن - از ملازمان و خدمتگزاران حاج شیخ بود - به من گفت: به منزل آقا بیا، با شما کار دارند.

شب به منزل حاج شیخ رفتم. حاج شیخ مرا به گرمی استقبال کرد و گفت: خیلی خوب کاری کردید. منظورش درخواست اجازه از آیت الله هادوی بود. آنگاه از من خواست که در مدرسه فیضیه - طبقه بالا - حجره‌ای بگیرم و به من فرمود: هر

وقت کاری داشتید از من بخواهید، من در خدمت هستم.

آیت الله شیخ جواد عارفی یکی از خاطرات خود را درباره حاج شیخ عبدالکریم حائری چنین بیان می کند:

در سال ۱۳۵۴ ق در قم بودم. در آن هنگام رضاخان کشف حجاب را اعلام کرده بود. من خدمت حاج شیخ رسیدم. ایام، ایام تبلیغی بود. آیت الله حائری مرا و سایر طلاب و وعظ را دستور داد که مخالفت خود را با این فرمان اعلام کنند و خشم خویش را اظهار نمایند و طلاب را به هر شهر و منطقه گسیل می نمودند. به همین خاطر بنده به سمت اراک رهسپار شدم. هر روزی که منبر می رفتم زمینه را برای مخالفت با کشف حجاب آماده می ساختم. سرانجام شبی از شبها آیه شریفه (وخطبوهن من وراء حجاب) را محور سخنانم را قرار دادم و شروع به تفسیر آیه نمودم و همینطور آرای فقها و مفسران را نقل کردم. سپس گریز را به مخالفت با دستور شاهی اعلام داشتم آن هم با شدیدترین لحن و با محکمترین بیان.

از منبر که آمدم پائین به من اطلاع دادند که ژاندارمها در صدد دستگیری ام برآمدند و دیگر توقف صلاح نبود، به همین خاطر همان شب به خوانسار رفتم و از آنجا به اصفهان. ولی خبر مخالفت در منطقه شایع شده بود و پلیسها در به در، در صدد دستگیری ام بودند. لذا از آنجا به یزد و طبس و در پایان به بیرجند رسیدم و در زادگاهم «خرّمی» مخفی شدم، ولی سرانجام و پس از مدت طولانی مرا دستگیر کردند و به زندان رفتم و پس از شهریور / ۱۳۲۰ ش آزاد شدم.

آیت الله شیخ جواد عارفی یکی از ویژگیهای آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری را چنین بیان می دارد:

قبل از ورود آیت الله حائری به قم، دو نفر از بزرگان بودند که محل وثوق و رجوع عامه مردم بودند. این دو عبارت اند از: آیت الله شیخ ابوالقاسم قمی (کبیر) و آیت الله شیخ مهدی حکمی (پائین شهری) که عالم شهر بودند، درس می گفتند و طلبه داشتند.



شیخ عبدالکریم حائری یزدی (نماز جماعت در صحن حضرت معصومه «س»)

پس از ورود آیت الله حائری به قم اعلامیه صادر کردند که مضمون آن این بود: اهالی محترم قم و تهران و اصفهان و... و افرادی که وجوهات خود را خدمت حجتین علمین: شیخ ابوالقاسم قمی و شیخ مهدی حکمی می بردند، اکنون هم بر آنها الزام می کنم کما فی السابق به آن دو بزرگوار مراجعه کنند و حق ندارند پیش من مراجعه کنند. مردم که تابع فتوای حائری بودند وجوهات خود را نزد آن دو فرزانه می بردند. در مقابل آقایان: قمی و حکمی نیاز خود را از حقوق رسیده برمی داشتند و زاید بر آن را خدمت حاج شیخ یا دفتر ایشان می دادند. هر دوی آنها این کار را می کردند. چون آیت الله حائری یازده هزار طلبه اداره می کرد و به آنان شهریه می داد. شهریه آن روز شش تومان بود. البته شش تومان آن روز خیلی بود. چون مثلاً یک من روغن خوب کرمانشاهی یازده قران می خریدیم. یک من برای مصرف یک طلبه هفته ها طول می کشید.

### از آثار او

۱ - الفروع المحمّدیّه فی الفقه.

۲ - تقریرات اصول فشارکی.

- ۳- تعلیقه علی المتاجر (از شیخ انصاری).
- ۴- درر الفوائد فی اصول الفقه، در دو جلد.
- ۵- رساله فی اصالة البرائة.
- ۶- رساله فی الارث.
- ۷- رساله فی الرضاع.
- ۸- کتاب الصلاة.
- ۹- کتاب الموارث.
- ۱۰- کتاب النکاح.

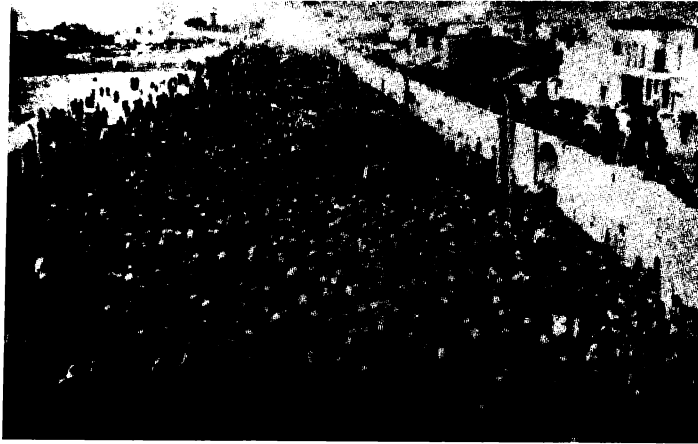


شیخ عبدالکریم حائری یزدی (در اجتماع جهت کمک به سیل زدگان قم)

### درگذشت و اعقاب

ایشان در شب شنبه ۱۷ / ذی القعدة / ۱۳۵۵ ق مطابق با ۱۰ / بهمن / ۱۳۱۵ ش در قم درگذشت، و جسدش روز بعد تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید فخرالدین قمی (شیخ الاسلام)، در حرم حضرت معصومه علیها السلام - که آن روز مقبره ای جداگانه بود - به خاک سپرده شد، و مجالس و مراسم زیادی در بزرگداشت ایشان هر چند به صورت پنهانی، برپا گردید.





تشییع پیکر حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

- از ایشان دو فرزند ذکور به نامهای: ۱ - مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری  
 ۲ - مرحوم دکتر شیخ مهدی حائری (ساکن در تهران بود).  
 و سه دختر که دامادهای ایشان عبارتند از: ۱ - حجة الاسلام شیخ محمد  
 نویسرکانی ۲ - حجة الاسلام شیخ احمد حائری همدانی ( پدر دکتر عبدالهادی  
 حائری و استاد عبدالحسین حائری ) ۳ - آیت الله سید محمد داماد یزدی.

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲۲/۱.
- ۲ - الاجازة الكبيرة ۸۴.
- ۳ - المسلسلات فی الاجازات ۱۵۰/۲.
- ۴ - أحسن الودیعة ۷۵/۲.
- ۵ - أعیان الشیعة ۴۲/۸.
- ۶ - تاریخ قم ۲۷۴.
- ۷ - رجال قم ۱۲۹.
- ۸ - ریحانة الأدب ۶۶/۱.
- ۹ - شرح حال رجال ایران ۲۷۵/۲.

- ۱۰ - علماء معاصرین ۱۷۶.
- ۱۱ - گنجینه آثار قم ۱۲۵/۱ و ۳۱۸.
- ۱۲ - گنجینه دانشمندان ۲۸۳/۱.
- ۱۳ - گنجینه دانشوران ۱۴۷.
- ۱۴ - معارف الرجال ۶۵/۲.
- ۱۵ - معجم المؤلفین ۳۲۰/۵.
- ۱۶ - مکارم الآثار ۲۱۱۸/۶.
- ۱۷ - نقباء البشر ۱۱۵۸/۳.
- ۱۸ - هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی ۱۱۸.

## شیخ عبدالکریم خوئینی زنجانى

( ۱۲۸۵ - ۱۳۷۲ ق )



حاج شیخ عبدالکریم فرزند علامه  
شیخ ابراهیم و نوّه ملا اسحاق خوئینی  
زنجانى، از فقها و اساتید گرانقدر  
حوزه‌ها بود.

وى در سال ۱۲۸۵ ق در خوئین که  
از توابع زنجان است، دیده به جهان  
گشود.

پدرش از جمله شاگردان شیخ  
مرتضى انصاری در نجف اشرف بود و  
در خوئین زعامت دینی و روحی داشت  
و به افتخار دامادی علامه شیخ  
عبدالکریم روغنی قزوینی نایل شد.

### تحصيل در حوزه‌ها

شيخ عبدالكريم خوييني در محيط علمي و سرشار از تقوا و معرفت پرورش يافت، سپس به تحصيل علوم ديني روي آورد و ابتدا در خويين و بعداً در قزوين تحصيل كرد.

در سن ۱۸ سالگي (۱۳۰۳ ق) به نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالي فقه و اصول را از محضر آيات: آخوند ملا محمد كاظم خراساني، سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي و شيخ الشريعه اصفهاني استفاده نمود و خود به تدريس متون اشتغال پيدا كرد و در حدود سال ۱۳۲۶ ق به زادگاهش بازگشت و به امر ترويج مذهب و تدريس پرداخت و پس از مدتي به حوزه علميه زنجان انتقال يافت و حوزه درسي مهمي تشكيل و فضلاي بسياري را پرورش داد، در آن ديار سالهاي متمادي اقامت كرد و منشاء خدمات بزرگ ديني و از نامداران آن خطه بود و به حدي رسيد كه رياست حوزه علميه زنجان را بدست گرفت و به ضرورت صحيحي آن را هدايت نمود.

وي پس از شهريور ۱۳۲۰ ش مطابق سال ۱۳۶۰ ق و احساس تكليف و نياز به وطن خود «خويين» بازگشت و مدت پنج سال به تدريس و ترويج اشتغال پيدا كرد و سرانجام در سال ۱۳۶۵ ق به قم مهاجرت كرد و تا آخر عمر در آنجا زيست و بنا بر درخواست طلاب به تدريس خارج پرداخت و جمعي از فضلا از محضرش كسب فيض نمودند.

### صفات و ملكات روحي

آقاي سيد ابراهيم موسوي زنجانى در كتاب خود «تاريخ زنجان» درباره روحيه عالي و ملكات فاضله اش چنين مي نويسد: «چيزي كه قابل تمجيد و تعريف است، بايد اهل علم براي خود سرمشق بگيرند، روحيه با ايمان و اوصاف معنوي آن مرحوم است. داراي عالي ترين صفت معنوي و زهد و توكل بودند. درباره زهد

ایشان همین بس که به آن مقام علمی حاضر نشدند فتوایی از خود نشر شود و می‌کوشیدند شهرتی به خود بگیرند، حتی در زنجان قبول نمی‌کردند در مجالس عمومی که موجب فخر و عظمت است حاضر شوند. به قدری به این معنی اهمیت می‌دادند که درس خود را در منزل می‌فرمودند و با همه رفقای بحث و طلاب و کثرت آنها، حاضر به تظاهر نبودند.



در قم، در خیابان تهران جهت ایشان مسجدی ساختند که فعلاً هم موجود است، هر چه اصرار کردند حاضر به اقامه جماعت نشد. همیشه نماز جماعت را در منزل اقامه می‌کردند و خیلی به زیارت جامعه علاقه داشتند، خصوصاً به زیارت عاشورا مداومت داشتند، چشمی گریان و سخنی مؤثر داشتند و هیچ دیده نشد نماز شب را ترک کنند، حتی در اواخر عمر که قادر به

حرکت نبودند تا دو شب قبل از وفات نشسته نماز شب را ادا می‌کردند، از اوضاع دنیا و سیاست روز و امور سیاسی با اطلاع بود و عقیده داشت از سکوت روحانی و عدم مداخله آنها در امور بیگانگان کمتر استفاده می‌کنند.»

### از آثار او

- ۱ - الفوائد في اصول الفقه.
- ۲ - حاشية على العروة الوثقى.
- ۳ - خودآموز کفایه یا تقریرات آخوند خراسانی، در سه جلد.
- ۴ - رساله عملیه.

مرحوم خوئینی در پی کسالت کوتاه در روز دوشنبه ۲۸ / صفر / ۱۳۷۲ ق مطابق با ۲۶ / آبان / ۱۳۳۱ ش در سن ۸۷ سالگی در قم درگذشت و بنا بر وصیت در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.  
فرزندانش:

۱ - شیخ احمد آل اسحاق، که در کتابخانه مسجد اعظم قم، به فعالیت فرهنگی اشتغال داشت و دارای طبع شعر و نیز خط زیبا بود.

۲ - شیخ محمد آل اسحاق.

۳ - شیخ عبدالرحیم آل اسحاق.

۴ - شیخ علی آل اسحاق.

۵ - شیخ محمود آل اسحاق.

۶ - شیخ اسماعیل آل اسحاق.

۷ - شیخ علی اصغر آل اسحاق.

۸ - آقا مهدی آل اسحاق.

#### منابع

۱ - آثار الحجة ۱/۲۲۶.

۲ - الفهرست لمشاهیر علماء زنجان ۳۵.

۳ - تاریخ روابط ایران و عراق (اثر مدرسی

چهاردهی) ۳۰۱.

۴ - تاریخ زنجان ۳۵۸.

۵ - زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۱۶۱/۳ (مزارش را در شیخان دانسته که اشتباه است).

۶ - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۱۱۸/۶.

۷ - گنجینه دانشمندان ۱۳۹/۲.

۸ - مؤلفین کتب چاپی ۹۱۰/۳ (مزارش در شیخان دانسته که اشتباه است).

۹ - نقباء البشر ۱۱۵۵/۳ (سال مرگش را در سال ۱۳۷۱ ق نوشته که اشتباه است).



شیخ علی آل اسحاق خوئینی



## سید عبدالکریم غیرت کرمانشاهی

(۱۲۹۵ - ۱۳۷۵ ق)

سید عبدالکریم متخلص به «غیرت» فرزند سید عباس عرب، از دودمان مشهور و از سادات مقیم کرمانشاه، و نسبش به شرفای مکه و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می پیوندد.

غیرت در غره / ذی الحجه / ۱۲۹۵ ق مطابق با ۱۱ / آذر / ۱۲۵۷ ش در همدان چشم به جهان گشود.

وی در سن هفت سالگی به اتفاق پدر از همدان به کرمانشاه مهاجرت کرد و در این شهر رحل اقامت افکند. علوم ادبی را در مدارس قدیم نزد اساتید فن آموخت، و هفده ساله بود که به عضویت انجمن ادبی کرمانشاه درآمد.

غیرت در اوان پیدایش نهضت مشروطیت در جرگه آزادیخواهان درآمد، و به فعالیت اجتماعی و سیاسی پرداخت. و برای روزنامه‌های: کرمانشاه، بیستون، و دانش و هنر، مقاله می نوشت و شعر می سرود و چندی نیز عضو هیأت تحریریه مجله (اخوت) بود. در ضمن روزنامه «غرب ایران» را در سال ۱۳۲۹ ش در تهران منتشر ساخت.

غیرت علاوه بر اینکه شاعری توانا و خوش ذوق بود، در نوشتن انواع خط مهارت و استادی داشت، به خصوص خط نستعلیق را خوش می نوشت.

### از آثار او

۱ - دلنامه (منظومه).

۲ - مجنون نامه، که از بهترین آثار نظمی او به شمار می آید.

۳ - کلیات آثار غیرت، که نیز به چاپ رسیده است.

استاد غیرت در روز یکشنبه ۲۳ / شوال / ۱۳۷۵ ق مطابق با ۱۳ / خرداد /

۱۳۳۵ ش در سن ۸۰ سالگی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - باغ هزار گل ۴۶۴.
- ۲ - زندگانی سردار کابلی ۲۸۹.
- ۳ - سخنوران نامی معاصر ۱۷۱/۱.
- ۴ - سخنوران نامی معاصر ایران ۲۵۷۳/۴.
- ۵ - فرهنگ شاعران زبان پارسی ۴۱۸.
- ۶ - فرهنگ فارسی معین ۱۲۸۴/۶.
- ۷ - فهرست روزنامه‌های فارسی ۱۵۵.
- ۸ - کرمانشاهان ۳۳۸/۱ و ۴۹۱.
- ۹ - مؤلفین کتب چاپی ۹۲۶/۳.
- ۱۰ - یادگار اهل سخن ۸۵.

## شیخ عبدالکریم کریمی اصل هشترودی

(۱۳۱۲ - ۱۳۹۶ ق)

شیخ عبدالکریم معروف به (میرزا آقا بابا) فرزند محمد کریمی اصل هشترودی، در سال ۱۳۱۲ ق در (گنجینه کتاب) هشترود متولد گردید. علوم ادبی را نزد عمویش آخوند ملا جعفر در هشترود آموخت، سپس عازم مراغه گردید و نزد علامه میرزا ابوالحسن معتمد الشریعه کتابهای: شرایع، شرح لمعه و قوانین و سایر کتب مهم دینی را به مدت ۶ سال تلمذ نمود، و به زادگاهش بازگشت و به تبلیغ و ارشاد و تدریس مقدمات و سطح اشتغال نمود، و همواره منزل وی محل رجوع ارباب حوائج بود، و ایشان دارای اجازاتی است از حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوهکمری، میرزا فتاح شهیدی تبریزی، و سید محسن طباطبائی حکیم.

سرانجام در روز شنبه ۲ / رمضان / ۱۳۹۶ ق مطابق با ۶ / شهریور / ۱۳۵۵ ش در گنجینه کتاب هشتروند به سن ۸۴ سالگی در پی بیماری درگذشت، و در وادی السلام قم مدفون شد.

### فرزندانش

۱ - آقا یعقوب کریمی اصل ۲ - حجة الاسلام شیخ محمد ۳ - آقا خلیل  
۴ - حجة الاسلام شیخ احمد، متولد ۱۳۶۱ ق در گنجینه کتاب، مقدمات را نزد پدرش آموخت و به سن ۱۴ سالگی به تبریز رفت، و بعضی از سطوح را نزد آیات: شیخ عبدالله مجتهدی، شیخ ابوالفضل سرابی، سید ابراهیم دروازه‌ای، شیخ نصرالله شبستری، میرزا جعفر اشراقی، و میرزا رحیم قراملکی تلمذ کرد، و در سال ۱۳۸۴ ق به قم رفت و سایر سطوح را نزد آیات: شیخ جعفر سبحانی، میرزا علی مشکینی، سید جواد خطیبی، و سید محمد باقر طباطبائی سلطانی به انجام رسانید، و منظومه را نزد دکتر محمد مفتاح و میرزا حسین نوری همدانی و اسفار را از محضر شیخ عبدالله جوادی آملی استفاده کرد.

خارج را از محضر آیات: سید کاظم تبریزی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی، و شیخ حسین وحید خراسانی استفاده نمود، و تقریرات تبریزی و مرعشی نجفی را به رشته تحریر درآورد، و هم اکنون به تدریس سطوح اشتغال دارد.

### سید عبدالکریم کشمیری

(۱۳۳۵ - ۱۴۱۹ ق)

سید عبدالکریم فرزند علامه سید محمد علی فرزند آیت الله سید محمد حسن رضوی کشمیری، از دانشمندان و اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و عارفان سالک بود.





### اجداد پاک

پدرش از فضلا و زهاد که به افتخار دامادی فقیه گرانقدر آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی نایل آمده بود. وی دائم الذکر و الزیاره بود که در سن ۵۶ سالگی به تاریخ ۲۰ / جمادی اول / ۱۳۶۹ ق در نجف اشرف درگذشت و در کربلای معلی دفن گردید.

و اما جدّ ایشان آیت الله سید محمد حسن کشمیری یکی از فقها و مجتهدین مسلم و زهاد معروف کربلا بود. تولدشان در کشمیر هند اتفاق افتاد و در خرد سالی همراه پدر خود علامه سید عبدالله کشمیری از کشمیر به کربلای معلی مهاجرت

کرد. و پس از طی مقدمات و سطوح، دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات کربلا همچون: ملا حسین فاضل اردکانی و ملا محمد تقی هراتی (هروی) و سایرین فرا گرفت. آنگاه به ترویج و نشر احکام مذهب پرداخت و ریاست خوبی بدست آورد. نماز جماعت را در حرم مطهر امام حسین علیه السلام برپا می کرد.

ایشان علاوه بر امور مذکور به تدریس علوم دینی اشتغال داشت که



سید محمد حسن کشمیری

از جمله شاگردان ایشان می توان به: آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی نام برد.

از مرحوم آیت الله حائری یزدی نقل است که گفته بودند: نمی دانم درسش را گوش کنم یا قیافه زیبا و جذاب او را تماشا کنم.

مرحوم کشمیری در معنویات نیز دارای مقامی بس والا بودند. از جمله عده ای از اتراک ایران از محضرش پرسیدند که قبر حضرت علی اصغر علیه السلام کجا است؟ ایشان فرمودند: یک شب به من مهلت دهید تا پاسخ دهم.

پس از توسل و دعا در خواب یا مکاشف حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام را دیده بودند که فرمودند: قبر علی اصغر روی سینه من است.

#### از جمله آثار قلمی او: الزبدة فی النحو.

آیت الله سید محمد حسن کشمیری پس از عمری ترویج شرع انور و تدریس و ارشاد در پی بیماری در ۶ / صفر / ۱۳۲۸ ق در کربلای معلی درگذشت و در حرم مطهر امام حسین علیه السلام در جوار مرقد سید ابراهیم مجاب فرزند امام کاظم علیه السلام به خاک سپرده شد. و سه فرزند ذکور از او به جای ماند که عبارتند از: سید مصطفی، سید محمد علی و سید محمد حسین.

شرح حال ایشان در نقباء البشر ۴۰۸/۱ آمده جهت اطلاع بیشتر به آنجا رجوع شود.

مادر آقا سید عبدالکریم کشمیری خانمی مؤمن و کوشا در تربیت فرزندانش بود. در حدود سال ۱۳۱۳ ق متولد شد و در حدود سال ۱۴۱۰ ق درگذشت.

#### ولادت و دوران کودکی

در چنین محیط و خانواده ای آیت الله کشمیری در حدود سال ۱۳۳۵ ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

یکی از خاطرات ایشان در کودکی این است که فرمودند: جهت انجام یک مسافرتی قرار بود سوار ماشین شویم، پس از رسیدن به گاراژ یک مرتبه به پدرم گفتم: من سوار نمی‌شوم. هر چه پدرم اصرار کرد نپذیرفتم تا اینکه ماشین حرکت کرد و رفت. کمی بعد معلوم شد که آن ماشین تصادف کرده است.

در امر تربیت او، هم پدر و هم مادر تلاش زیادی داشتند. پدرش کاملاً سختگیری می‌کرد و مواظبت واقعی می‌نمود و هنگام سفر رفتن جوان خودشان افراد مختلفی را سفارش می‌کردند که راهنما و مواظب او باشند.

### تحصیلات

دروس مقدمات را خدمت پدر ارجمند خود خواند. پس از طی دوره مقدماتی به تحصیل متون کتب درسی پرداخت.

ایشان دوره سطح را از محضر اساتیدی همچون: ۱ - شیخ خضر دجیلی ۲ - شیخ محمد تقی بهجت فومنی (دام ظلّه) (رسائل) ۳ - شیخ مرتضی طالقانی (در رسائل) ۴ - شیخ مجتبیٰ لنکرانی ۵ - شیخ راضی تبریزی (در مکاسب) ۶ - شیخ محمد حسین تهرانی (قاجار) (کفایة الاصول در مسجد هندی) استفاده نمود. در ضمن ایشان علوم عقلی را نزد حکمایی چون: شیخ عبدالرحیم فیض گنابادی (شرح منظومه)، شیخ صدرا بادکوبه‌ای (شرح منظومه) و مقداری از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله شیخ عبدالحسین رشتی و آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی (قاجار) تلمذ کرد.

دروس علمی و عملی اخلاق و معارف الهی را از محضر اخلاقی شهیر علامه سید علی قاضی طباطبائی تبریزی و شیخ مرتضی طالقانی در نجف اشرف استفاده نمود. چنانکه علامه کشمیری نقل فرمود: چند سالی از محضر علامه قاضی بهره‌مند شدم و مرتباً در جلسات ایشان شرکت می‌کردم.

کشمیری در سن جوانی، حافظه و استعداد قوی داشت و با یک بار شرکت در

درس به خوبی مطالب را درک می‌کرد و تا سالهای متمادی نکات علمی را در حافظه خود نگه می‌داشت. حتی تا قبل از حمله بیماری به جسم ایشان مطالب چهل سال قبل را کاملاً در یاد داشتند.

### دروس خارج

چنانکه اشاره رفت پس از طی دوره سطح و کسب علوم دیگر در دروس خارج شرکت جست و به تحصیلات عالی خود پایان داد.

استاد این دوره، حضرات آیات: ۱- میرزا عبدالهادی شیرازی ۲- سید محسن طباطبائی حکیم ۳- سید ابوالقاسم خوئی ۴- شیخ علی محمد بروجردی ۵- سید عبدالاعلی سبزواری، بودند.

البته بیشترین استفاده را از محضر آیت الله خوئی استفاده برد و مورد توجه استاد قرار گرفتند و موفق به کسب اجازه علمی از این استاد شدند.



### بر کرسی تدریس

علامه کشمیری پس از طی سایر تحصیلات، خود اقدام به تدریس متون کتب درسی پرداخت. اکثر کتب درسی را تدریس کردند. با اینکه حوزه نجف با فلسفه و حکمت میانه خوبی نداشت، استاد کشمیری اقدام به تدریس شرح منظومه (از ملاهادی سبزواری) نمود. ایشان عقیده دارند که خواندن منظومه برای طلاب علوم دینی لازم و ضروری

است. آنگاه، اندک اندک در وادی تدریس افتاد. حتی وقتی رسید که ایشان حدود

۱۰ درس برای طلاب تقریر می‌کردند. اما از وقتی که در رشته معارف و عرفان جدی وارد شدند، تدریس را کم کردند و کم کم به تعطیلی گرائید و هم‌میشان را در مجاهدت نفس و سیر و سلوک گذاردند.

### رابطه با اساتید

علامه کشمیری با سایر اساتید خود روابط نزدیکی داشت و همواره مورد توجه ایشان بود. دید و بازدیدهای ایشان با استادش آیت‌الله شیخ راضی تبریزی نجفی تا روزهای آخر زندگی استاد دوام یافت و در یکی از دیدارهای استاد تبریزی به منزل آقای کشمیری نگارنده نیز همراه بودم. مداومت حضور علامه کشمیری به منزل استادش آیت‌الله خوئی مشهود و معروف است. و هنگام مهاجرت علامه کشمیری به ایران، روابط را از راه مکاتبه حفظ کرد. اما روابط ایشان با اخلاقی شهیر و علامه کبیر قاضی طباطبائی در سن جوانی چند سالی دوام یافت. استاد قاضی جهت تکامل روح ترقی و صعود شاگرد خود یک مرتبه دنبال این شاگرد فرستاد. پس از حضور شاگرد بعضی از مسایل و اذکار به او آموزش دادند. اتصال علمی و معنوی استاد کشمیری با سایر اساتید خود و نیز سایر بزرگان علم و حوزه‌ها بسیار محکم و قوی بود.

### در عرصه علوم و فنون

ایشان در علوم غریبه از قبیل: جفر، رمل، علم اعداد و حروف و زبر و بینات و مربعات و اسماء الله از اهل فن که مهارت کامل داشتند، فرا گرفتند. اما ایشان نظر داشتند که با تقوا انسان زودتر و بهتر به خدا می‌رسد تا از راه علوم غریبه و کارهای باطل. و عقیده مند بودند که افرادی که وقت خود را صرف این کار می‌کنند، زندگی خوشی ندارند و دچار فقر و بدبختی و مشکلات می‌شوند.

استاد علاوه بر این در سن جوانی از روی علاقه و ذوقی که داشتند،

خوشنویسی را فراگرفتند. آنگاه در نقاشی و کشیدن عکس مهارت حاصل کردند. از جمله تابلوهای موجود ایشان، نقاشی عکس جدّ امّی خود آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب عروة الوثقی) که هم اکنون در اختیار فرزندان علامه سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی است.

همچنین ذوق ادبی ایشان در جوانی شکوفا گشت و اشعاری چند سرودند. ولی متأسفانه در حفظ آنها کوششی نداشت و غالباً از میان رفت.

### آثار قلمی او

استاد آثار قلمی زیادی در فنون مختلف به رشته تحریر درآورد، اما هیچ گاه در صدد چاپ و نشر این آثار نبود. و هنگام تبعید ایشان از عتبات عالیات به ایران به وسیله مزدوران بعث عراق سایر املاک و آثار ایشان را ثبت و ضبط نمودند، که می توان به:

- ۱- تعالیک علی کفایة الاصول.
- ۲- تقریرات اصول آیت الله خوئی.
- ۳- تقریرات فقه آیت الله خوئی.
- ۴- دروس فی علم الأخلاق (از تقریرات استادش طالقانی).
- ۵- رسالة فی الأمر بین الأمرین.
- ۶- رسالة فی الطلب و الارادة.
- ۷- رسالة فی القطع.
- ۸- کتاب فی الأدعية و الأذکار (که مجربات خود ایشان و اساتید فنّ را در آن یادداشت کرده بودند).

### ویژگیهای اخلاقی

علامه کشمیری فردی بسیار دانا، مؤمن، متعهد، ملایم و کم حرف بود.

هیچ‌گونه تظاهر نداشت و از هر نوع تعین و تقید دور بود. در دوران جوانی بسیار با نشاط، فعال و صریح بود. از جاده حق و حقیقت منحرف نمی‌شد. تجربیات و معلومات و اطلاعات متفرقه بسیاری را کسب کرد و در سالهای آخر عمر به نقل تجربیات خود و تربیت سالکان اشتغال داشت. دستگیری و راهنمایی از جوانان کار ایشان بود. از اجتماعات و شلوغی بیزار و دور بود. در استخاره معروف بود و در این راه تجربه زیاد داشت، بلکه شیوه خاصی هم در استخاره داشت. بسیاری از ارادتمندان ایشان خاطرات زیبایی از محضرش دارند.

### تبعید از عراق

علامه کشمیری به وظایف دینی و روحی در حوزه علمیه نجف اشرف اشتغال داشتند. ایشان علاوه بر تدریس در مسجد ترک، در مسجد شیریه‌پرها به اقامه جماعت و ارشاد و دستگیری از طالبان معرفت کوشش و تلاش می‌نمود. مراجعات زیادی جهت استخاره گرفتن در هر روز جواب‌گو بودند، روز به روز تعداد مراجعات و طالبان افزون می‌شد. گاهی هم هنگام زیارت کربلای معلی به اقامه جماعت و ارشاد اوقات خود را می‌گذراند.

در اثر فعالیت‌های مذکور مورد فشارهای جدی دولت عراق قرار گرفت، و احتمال زندانی شدند ایشان هم می‌رفت بنابراین تصمیم به ترک عراق گرفت و به سوی ایران در سال ۱۳۹۱ ق مهاجرت کرد و بسیاری از اموالش توسط دولت عراق از جمله آثار قلمی‌اش مصادره گردید.

پس از ورود به ایران در شهر علمی و مذهبی قم سکونت اختیار کرد و به علت کهولت سن و حمله‌ور شدن بیماری‌ها به بدن ایشان در اجتماعات کمتر ظاهر می‌شد. درد پا و کمر، ناراحتی قلبی و ریوی از جمله بیماری‌هایی بود که ایشان از آنها رنج می‌برد.

### استخاره و دعا

معمولاً افرادی که در وادی عرفان و انجام ریاضت‌های شرعی می‌افتند تا حدّی به بعضی مقامات کشف و شهود، دیدن ارواح و عالم برزخ و... نایل می‌آیند. گاهی هم از راه استخاره موفق به پیش‌بینی‌ها و شناخت نیت افراد می‌شوند.

آوازه استخاره علامه کشمیری از مرزها هم گذشت. از ایشان سؤال شد که آیا تمام استخارات شما صد در صدی است؟

در جواب فرمود: استخاره حال می‌خواهد، بنابر این عمل حالی است. مانند شاعر وقتی که ذوق بگیرد شعر عالی می‌سراید. من هم وقتی که سرحالم طبق واقع می‌شود.

درباره اذکار و دعا به نقل از یکی از بزرگان فرمود: انسان آنقدر باید مشغول اذکار شود که روی هوا نتواند راه برود تا بر روی زمین!

ایشان معتقد بود که: اذکار باعث می‌شود که انسان خیلی از مراحل و منازل را طی کند. مکاشفات و شهود که بسیاری از دانشمندان فقط آنها را شنیدند، از راه اذکار شرعی به طور معاینه و مکاشفه می‌توان مشاهده کرد. و این بهترین مقام انسانیت است که به «حق‌الیقین» برسد و چشم بصیرت و عین‌الیقین او باز شود. یا به عبارت دیگر گوش و چشم برزخی او باز شوند.

علامه کشمیری در حدود ۲۰ سالگی در شب میلاد پیامبر اکرم ﷺ با نوه آیت‌الله فقیه و اصولی شیخ محمد کاظم شیرازی در نجف اشرف ازدواج کرد. همسرش زنی مؤمن و دانا و تا حدی دارای تحصیلات حوزوی است. ثمره این ازدواج سه فرزند ذکور که در رشته کسب و کار هستند و سه دختر که به خانه شوهر رفتند.

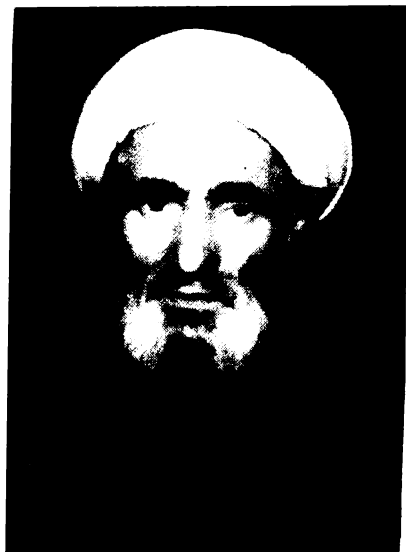
ایشان سرانجام در ذی‌الحجه / ۱۴۱۹ ق مطابق با فروردین / ۱۳۷۸ ش در

مسجد طباطبائی (حرم مطهر) به خاک سپرده شد



## شیخ عبداللطیف سمایی حائری

(۱۳۳۰-۱۴۰۰ ق)



حاج شیخ عبداللطیف فرزند حاج عباس علی و نوۀ شاه نظر سمایی رامسری، از فقها و دانشمندان متقی و زاهد بود.

او در اوائل سال ۱۳۳۰ ق در (نارنج بُن) رامسر متولد گردید.

پدرش از تجّار طراز اول تنکابن، و از سرشناسان و اخیار آن سامان بود.

آقا عبداللطیف در سن پنج سالگی وارد مکاتب قدیمه شد، و خواندن و نوشتن را فراگرفت. و در سال ۱۳۳۸ ق

به خواندن و فراگرفتن ادبیات فارسی قدیم پرداخت. و در سال ۱۳۴۲ ق ادبیات عربی را آغاز نمود. و سال بعد وارد مدرسه علمیۀ شیخ محمّد حسین تنکابنی گردید، و در نزد: عبدالوهاب فرید تنکابنی و شیخ علی اکبر فلکی تلمذ نمود و جامع المقدمات و قسمتی از ادبیات عربی و منطق را فراگرفت. او در ابتدای سال ۱۳۴۶ ق از جور دیۀ رامسر به قزوین مسافرت نمود، و در مدرسه التفاتیه اقامت گزید، و حدود دو سال در قزوین به تکمیل ادبیات عربی پرداخت. شرح نظام و حاشیه ملا عبدالله را نزد سید رضا قافله باشی و سیوطی را نزد دیگران فراگرفت، و در سال ۱۳۴۷ به قم جهت فراگرفتن سطوح رهسپار گردید.

مدت کوتاهی در قم توقف نمود، سپس به مشهد مقدس رفت و در مدرسه «پریزاد» حجره ای اختیار کرد. با آنکه از خواندن و فراگرفتن ادبیات فارغ شده بود،

ولی درس شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری او را به خود مفتون نمود. لذا مجدداً مطول را نزد او تلمذ کرد، و خلاصه الحساب و هیئت و شرح لمعه را نزد سید احمد یزدی معروف به «نهنگ العلما» و قوانین و شرایع و شرح منظومه را نزد اساتید وقت فراگرفت، و می فرمود: در مشهد کلیه اوقات خود را صرف مطالعه و تحصیل نمودم، به حدی که یک ساعت هم از اوقاتم بیهوده تلف نشد، فقط یک ماه محرم جهت ترویج و تبلیغ به امر استادم به «دره گز» رفتم.

ایشان در سال ۱۳۴۹ ق به قم مراجعت نمود و سپس به تهران عزیمت کرد، در آنجا مدت شش ماه به درس حکمت میرزا مهدی آشتیانی صبح و عصر حضور یافت، و هم چنین مدتی نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی به تکمیل ادبیات پرداخت.

در آغاز سال ۱۳۵۱ ق از راه کرمانشاه به طور قاچاق عازم نجف اشرف شد، و در نجف رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیات: شیخ حسین اهری، شیخ مرتضی طالقانی، سید علی نوری، شیخ شمس الدین بادکوبه‌ای «عشق آبادی» و سید محمد هادی میلانی تلمذ نمود، سپس به کربلا عزیمت کرده چند ماهی در آنجا سکونت نمود، و به درس آیت الله شیخ محمد رضا اصفهانی «جرقویه‌ای» و آیت الله میلانی حضور یافت، و مجدداً به نجف اشرف بازگشت، چندی در نجف در درس آیات: سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی شرکت جست. سپس به کربلا مراجعت نمود و مدت هشت سال در این شهر (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ ق) از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی قمی بهره مند شد، و در مدرسه هندیه به تدریس سطح پرداخت.

او پس از شهریور ۱۳۲۰ ش بعد از ده سال مفارقت از ایران جهت تقسیم املاک پدری به ایران آمد، و در بازگشت مدتی کوتاه در یکی از اردوگاههای ارتش اشغالگر انگلیس توقیف شد. و در سال ۱۳۶۲ ق تا فوت آیت الله قمی ملازم آن مرحوم بود، و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۱ ق در نجف اشرف به درس آیات: میرزا عبدالهادی

شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید حسین حمامی، میرزا آقا اصطهباناتی، میرزا حسن بجنوردی، میرزا هاشم آملی، سید محمود شاهرودی و سید ابوالقاسم خوئی شرکت جست، و بهره‌کافی و وافی تحصیل نمود و به درجه‌عالی اجتهاد نایل گردید.

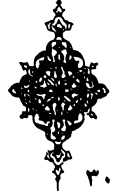
سمامی حائری در تمام مدت تحصیل به تدریس ادبیات و سطوح عالی به جز در تابستان مشغول بود، در تابستانها به واسطه ضعف مزاج و ضمناً جهت سرکشی به املاک موروثی و تبلیغ به رامسر مسافرت می‌نمود، و در مسجد نارنج بُن گاهی اقامه جماعت می‌کرد.

از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ ق به طور دائم در رامسر و سپس در «کنالم» ساکن شد و مدت پنج ماه که هوا گرم می‌شد در مسجد بازار اقامه جماعت می‌نمود، و پس از نماز مغرب و عشا منبر می‌رفت و تفسیر قرآن و عقاید بیان می‌کرد.

نامبرده در اوایل سال ۱۴۰۰ ق ضعف عمومی بروی مستولی گردید، و مدت شش ماه در حال ضعف و ناتوانی در بستر بسربرد. سرانجام در بامداد روز سه شنبه ۴ / ذی الحجه / ۱۴۰۰ ق مطابق با ۲۲ / مهر / ۱۳۵۹ ش در سن ۷۰ سالگی در قم دیده از این جهان بریست، و همان روز آیت الله مرعشی بر جنازه‌اش نماز گذارد، و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

استاد شیخ محمد باقر ایروانی که از شعرای عرب زبان و معاریف نجفی است که فعلاً در قم سکونت دارند، ابیات زیر را که متضمن ماده تاریخ ارتحال آن مرحوم، سروده است:

|                               |                               |
|-------------------------------|-------------------------------|
| ذکری فقید التقی و العلم حافله | بالمکرمات و صوت المجد قد هتفا |
| هذا الذی جُلّ اهل الفضل يعرفه | و بالصلاح و بالایمان قد عرفا  |
| و کان مسعاه فی الدنیا الی هدف | و فی جوار علی ادرك الهدفا     |
| دعاه حُبّ امیرالمؤمنین و قد   | نال السعادة لما أن اتی النجفا |
| و ناز فوزاً عظیماً فی مآربه   | و فی محبة اهل البیت قد شفا    |



و معظم الفخر قد امضاه بعد اذ  
 و بعد ذاك الى ايران عاد و قد  
 و فی حما فاطم تم مدفنه  
 و من مآثره فی الفقه حاشیه  
 تنكابنی فارخ « فقدہ أسفاً  
 فی کریلا و من فیض الهدی ارتشفا  
 قضی بقم و طرف العمر منه غفا  
 حیاً و میتاً لآل المصطفی الفا  
 علی المکاسب تخلید له و کفی  
 عبداللطیف سمائی سما شرفاً»

### تألیفات وی

ایشان کتابهای زیادی نوشت، ولی در اثر مسافرت و مهاجرت به ایران همگی پراکنده و اغلب در نجف باقی ماند، بعضی از آنها از این قرار است:

- ۱- تقریرات درس فقه میرزا عبدالهادی شیرازی.
- ۲- تقریرات اصول سید ابوالقاسم خوئی.
- ۳- تقریرات اصول میرزا هاشم آملی.
- ۴- رساله‌ای در صلاة مسافر و حمل جنائز و سجده بر تربت.
- ۵- زنداقه در اسلام؛ ردّ بر حلولی‌ها و بعضی از فرق صوفیه و فلاسفه و مادیون، کتابی است مفصل و استدلالی.
- ۶- حاشیه بر حاشیه مکاسب، از تألیفات آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، که عین حواشی در هامش کتاب به خط نامبره و یک دفتری جداگانه است.
- ۷- شناخت امام زمان (عجل الله فرجه) یا امام شناسی. این آخرین اثری است که وی در یک سال قبل از فوتش به اتمام رسانید، و نظر به آنکه آن مرحوم علاقه شدیدی به امام زمان (عجل الله فرجه) داشت، نسبت به این کتاب علاقه فراوان ابراز می نمود، و در وصیت خود چاپ و نشر آن را سفارش نموده است. این اثر را در اختیار فرزندش آقای شیخ محمد سمائی دیدم.

شیخ عبداللطیف حائری در جوانی گه گاهی شعری می سرود ولی متأسفانه فعلاً هیچ یک از اشعار او نزد نگارنده نیست. اجازات علمی و روایی زیادی از

اساتیدش تحصیل نمود، از جمله آنها:

۱ - شیخ آقابزرگ تهرانی (اجازه روایت).

۲ - سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا آقا اصطهباناتی و شیخ محمد کاظم شیرازی و سید حسین حمامی و سید محمود شاهرودی (اجازه اجتهاد).

۳ - میرزا عبدالهادی شیرازی و سید محمد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی و میرزا هاشم آملی و حکیم و شریعتمداری و خوئی و شاهرودی و میرزا آقا اصطهباناتی (حسبیه و وکالت).

### اسفار وی

همانطور که ذکر شد، تابستانها از نجف اشرف جهت تغییر آب و هوا و تبلیغ و سرکشی به املاک موروثی به ایران می آمد و در این سفرها مکرر به زیارت حضرت

امام رضا علیه السلام در مشهد و حضرت

معصومه علیها السلام در قم و حضرت

عبدالعظیم علیه السلام در شهرری مشرف

می شد. و هم چنین یک سفر در

بازگشت از ایران به عراق از راه ترکیه به

شام رفت، و به زیارت حضرت

زینب (سلام الله علیها) مشرف گردید، و

در سال ۱۳۸۹ ق از بغداد به مکه

مشرف گردید، و در سال ۱۳۹۷ ق

مجدداً به زیارت عتبات عزیمت کرد.

### فرزندانش:

۱ - شیخ محمد سمایی از فضلا و

نویسندگان معاصراند. وی در ۵ / رمضان / ۱۳۶۴ ق در کربلای معلا دیده به جهان



شیخ محمد سمایی



گشود، و در سن کودکی به نجف اشرف رفت و به تحصیل علوم دینی همت گماشت و نیز دارای لیسانس حقوق می‌باشد. او فعلاً در قم سکونت و به خدمات اجتماعی اشتغال دارند. جهت دستیابی به شرح حال ایشان به مقدمه کتاب اش «بزرگان تنکابن» صفحه ۱۶ رجوع شود.

۲ - آقا حسن ۳ - آقا حسین ۴ - آقا فاروق.

منابع

۱ - بزرگان تنکابن ۳۰۶.

۲ - بزرگان رامسر ۸۶.

۳ - گنجینه دانشمندان ۱۷۹/۸ (فامیلیش را اشتباهاً سماحی ذکر نموده است).

۴ - مستدرک أعيان الشيعة ۱۳۳/۳.

## شیخ عبداللطیف مجد الواعظین اردبیلی

( - ح ۱۳۸۵ ق )

از مشاهیر وعّاظ و سخنوران اردبیل بود.

در اردبیل تولد یافت. پس از سپری نمودن مقدمات، دروس سطح عالی را نزد علمای آن زمان، از جمله: آیت الله میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی به پایان برد. و به سمت وعظ و هدایت عامه روی آورد، و در مدت کوتاه از واعظان و خطیبان مشهور اردبیل گشت. شاید بتوان ایشان را اولین سخنور خطه اردبیل در آن روز دانست. نامبرده هنگام حمله روسها به اردبیل به تهران رهسپار شد، و اقامت اختیار فرمود. او تبلیغ و ارشاد را بسیار مهم می‌دانست، به همین جهت بیشتر به نقاطی از قبیل: لنکران، بادکوبه و ماسالی می‌رفت و آثار پُربرکتی از خود می‌گذاشت. استقبال پُرشوری از او می‌شد، حتی اهالی بادکوبه جهت استقبال و خوش آمدگویی ایشان، کشتی فرستاده بودند.

آن مرحوم، استعداد و نبوغ سرشاری داشتند، و همیشه افسوس می‌خوردند که

چرا به دروس فقه و اصول بهای بیشتری ندادند تا به درجهٔ اجتهاد برسند.  
مجدالواعظین سرانجام در حدود سالهای ۱۳۸۵ ق در تهران بدرود حیات  
گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

۲ - مفاخر اردبیل (مخطوط - سید عبدالله مفتی الشیعه).

## شیخ عبدالله آل آقا کرمانشاهی

(۱۳۱۷ - ۱۳۹۷ ق)



حاج شیخ عبدالله فرزند علامه  
حاج شیخ احمد و نوهٔ شیخ هادی آل  
آقا کرمانشاهی، و از نوادگان وحید  
بهبهانی و از علمای بزرگ تهران بود.

به سال ۱۳۱۷ ق در تهران دیده به  
جهان گشود، پس از طی مقدمات و  
برخی از سطوح در سال ۱۳۴۴ ق عازم  
قم مقدس شد، و سطوح عالی را نزد:  
شیخ محمد علی ادیب تهرانی، و میرزا  
محمد همدانی فراگرفت.

خارج فقه و اصول را از محضر

آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، و سید  
حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود در ضمن سرپرستی «بیمارستان سهامی»  
که بیمارستان طلاب بود بر عهده داشت.

در اواخر سال ۱۳۷۳ ق در پی ارتحال والد معظمش به تهران بازگشت، و در

(مسجد آقا محمود) به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت نیز مدیریت مدرسه جد اعلای خود آقای محمود را بر عهده داشت.

سرانجام در شب پنجشنبه سلخ / محرم / ۱۳۹۷ ق مطابق با ۲۰ / دی / ۱۳۵۶ ش در تهران به سن ۸۰ سالگی درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

#### فرزندان:

۱ - آقا محمد ۲ - آقا مهدی. و چهار دختر که دامادهای اهل علم ایشان عبارتند از: علامه شیخ محمد باقر جوادیان و علامه آقای سید مهدی یثربی امام جمعه فعلی کاشان.

#### منابع

۱ - آثار الحجة ۲/۲۵۸.

۲ - گنجینه دانشمندان ۴/۳۷۰.

۳ - وحید بهبهانی ۳۵۳.

### سید عبدالله بحرانی حائری

(۱۳۲۲ - ۱۴۱۶ ق)

سید عبدالله فرزند علامه سید محمد موسوی بحرانی حائری، از فضلاء معاصر بود.

وی در سال ۱۳۲۲ ق در کربلای معلّا تولد یافت.

مقدمات راکه آموخت، به فراگیری دروس سطح نزد پدر ارجمند خود، و برادر ارشد خود سید محمد طاهر بحرانی، و دائی خویش سید زین العابدین شهرستانی و شیخ محمد سعید فارسی پرداخت. وی در مدرسه ایتام کربلا به تربیت و تعلیم جوانان اشتغال داشت. سپس در اثر فشارهای دولت عراق به تهران مهاجرت نمود،



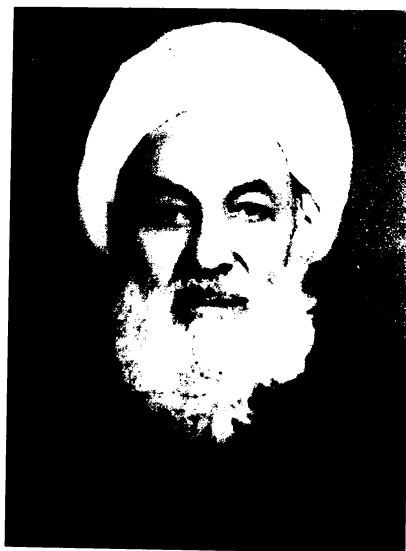
و در یکی از مساجد قلّهک به اقامهٔ جماعت و ارشاد عامه مشغول بود.  
بحرانی، در ۲۶ / محرم / ۱۴۱۶ ق در سن ۹۳ سالگی در تهران زندگی را بدرود  
گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.  
حجة الاسلام مرحوم سید محمد صادق بحرانی، از فضلاء معاصر فرزند  
ایشان بود.

❦ منع

۱ - اعلام من کربلاء (مخطوط - شیخ احمد خوشحالت).

## شیخ عبدالله جوادی ابهری

(۱۳۱۷ - ۱۴۰۱ ق)



آیت الله حاج شیخ عبدالله فرزند  
علامه شیخ فضل الله شیخ الاسلام نوّه  
شیخ فتح الله ابهری «امام جمعهٔ ابهر»  
ملقب به (جوادی)، در ۱۳۱۷ ق در  
ابهر زنجان متولد شد.

پس از طی مقدمات نزد پدر خود  
به قزوین رفت و سطوح را به انجام  
رسانید؛ در سال ۱۳۴۱ ق به قم عزیمت  
نمود و از محضر آیت الله حاج شیخ  
عبدالکریم حائری یزدی به مدت ۷  
سال استفاده نمود. و در سال ۱۳۴۸ ق

به ابهر مراجعت و به وظایف دینی پرداخت، پس از مدتی به نجف اشرف مهاجرت  
کرد و از محضر آیت الله میرزا محمد حسین نائینی بهره‌مند گردید و مجدداً به ابهر  
مراجعت نمود چندسالی هم در زنجان دفتر ازدواج داشت، ولی در سال ۱۳۶۰ ق

آنها را و به ابهر مراجعت و در (مسجد نور) به اقامه جماعت و جمعه و نیز تدریس سطوح اشتغال ورزید، تجدید بنای مسجد و حسینیه ابهر از بناهایی است که به همت و کوشش ایشان بنا گردید.

### از آثار قلمی وی:

- ۱- دلیل الوراثة، کتابی در ارث.
- ۲- رساله ای در لباس مشکوک.
- ۳- قاعدة الید (تقریرات نائینی).
- ۴- قاعدة لاضرر و لاضرار.
- ۵- حاشیه علی المکاسب.
- ۶- حاشیه علی درر الاصول (از حائری یزدی).
- ۷- نجم لایح در جواب برهان واضح، رساله ای در ردّ مسلک باب و بهاء فراغت از تألیف آن به سال ۱۳۸۲ ق در ۸۰ صفحه انجام گرفته است.
- ۸- شهادت و ولایت.
- ۹- اذان و اقامه.



شیخ عبدالله جوادی ابهری (در وسط تظاهرات ابهر)

وی در روز یکشنبه ۸ / جمادی اول / ۱۴۰۱ ق مطابق با ۲۴ / اسفند / ۱۳۵۹ ش در سن ۸۴ سالگی در پی بیماری کوتاهی در تهران درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

#### فرزندانش:

- ۱ - شیخ ضیاء ۲ - آقا بهاء الدین، دبیر دبیرستانها ۳ - علاء الدین ۴ - شهاب الدین
- ۵ - رکن الدین.

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/۲۰۵.
- ۲ - فهرست لمشاهیر علماء زنجان ۱۳.
- ۳ - تاریخ زنجان ۳۲۳.
- ۴ - دایرة المعارف تشیع ۱/۴۵۰.
- ۵ - گنجینه دانشمندان ۳/۴۴.

### شیخ عبدالله شهیدی قزوینی

(۱۳۴۰ - ۱۴۱۴ ق)

حاج میرزا عبدالله فرزند آیت الله شیخ عبدالحسین امام جمعه و نوه علامه شیخ مرتضی برغانی قزوینی معروف به (شهیدی).  
در محرم ۱۳۴۰ ق در قزوین متولد گردید.  
وی پس از طی دوره های تحصیلی جدید، به تحصیل علوم دینی اشتغال یافت، و مقدمات را نزد پدر خود آموخت.

#### مهاجرت به قم

در سال ۱۳۶۱ ق به قم مهاجرت کرد، و سطوح را فراگرفت، و در درس آیت الله

سید محمد حجت کوهکمری حاضر شد، و در سال ۱۳۷۲ ق افتخار دامادی ایشان را پیدا کرد و نیز از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح‌الله خمینی و سید شهاب‌الدین مرعشی استفاده نمود.

وی مورد توجه خاص آیت‌الله مرعشی نجفی قرار گرفت، و به عنوان یکی از اصحاب استفتا و عضو لجنه تحقیق کتاب «احقاق الحق» انتخاب گردید، و مدیریت مدارس علمیه معظم له را عهده‌دار شد، و از این طریق منشاء خدمات بی‌دریغی در حوزه علمیه قم گردید.

### از آثار او

۱ - تفسیر سوره یوسف علیه السلام.

۲ - کتاب المعراج.

سرانجام در روز پنجشنبه ۲۶ / شوال / ۱۴۱۴ ق مطابق با ۱۸ / فروردین / ۱۳۷۳ ش در قم درگذشت، و پیکرش در قبرستان «باغ بهشت» - مقبرة العلماء - به خاک سپرده شد.

### تذات

۱ - گنجینه دانشمندان ۱۸۰/۲.

۲ - جزوه‌ای مختصر در شرح حال ایشان

## سید عبدالله قاهانی «صدر عراقی»

(۱۳۰۵ - ۱۳۸۵ ق)

حاج سید عبدالله فرزند سید آقا حسینی قاهانی ملقب به (صدر عراقی) و (صدر المحققین)، یکی از خطبای نامی و عرفای معروف ایران بود و به تاریخ ۸ / رمضان / ۱۳۰۵ ق در «قاهان» خلجستان قم دیده به جهان گشود.

وی پس از تحصیل و آموختن مقدمات به وعظ و خطابه روی آورد، و در رشته

خود یکی از مشاهیر و معاریف محسوب می‌شد. و در سایر نقاط ایران و حتی در عراق به خصوص در نجف اشرف جهت وعظ و ارشاد، در مساجد و حسینیه‌ها منبر می‌رفت. و نظر به اینکه ایشان پس از وفات محمد حسن پیر مراغه (محبوبعلی شاه) به ریاست (سلسله کوثریه) رسید و خود را قطب بلامنازع می‌دانست، هنگام سفرش به عتبات عالیات به ویژه در نجف اشرف آیت‌الله میرزا آقا اصطهباناتی منبر وی را تحریم نمود، ولی در اثر کثرت تحریمها و تکفیرهای صادره از طرف آیت‌الله اصطهباناتی اثر مطلوبی نداشت.

در کتاب بیوگرافی هزار درویش یا حقیقة العرفاء اثر شیخ عبدالکریم مدرسی عالم (معصومعلی شاه) آمده است که صدر عراقی خدمت ۱۴ نفر از اولیاء رسیدند که نام آنان به شرح زیر می‌باشد:

۱ - سید محمد جواد قاهانی، مجتهد در نجف اشرف.

۲ - میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، در قم.

۳ - مشهدی محمد حسن خیاط، در شهری.

۴ - میرزا محمد تقی گرکانی.

۵ - سید ابوتراب دربندی.

۶ - سید یحیی امامزاده قاسمی، در شمیران تهران.

۷ - میرزا حسن عارف تهرانی.

۸ - شیخ عبدالرحیم نوه صاحب الفصول.

۹ - شیخ رجبعلی خیاط.

۱۰ - شیخ عبدالحسین ذوالریاستین.

۱۱ - سید جمال‌الدین گلپایگانی، در نجف اشرف.

۱۲ - شیخ مرتضی طالقانی، در نجف اشرف.

۱۳ - حسین همدانی، در همدان.

۱۴ - شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، در نجف اشرف.

سرانجام بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۵ / شوال / ۱۳۸۵ ق مطابق با ۲۷ / بهمن / ۱۳۴۴ ش به سن ۸۰ سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم مدفون شد.

بر قبرش این رباعی منقوش است:

پیمانه کجا شکست و ساقی کی رفت

دل داده به سوی ملک باقی کی رفت

با عشق علی جان تو جاویدان است

گفتم زغمش: (صدر عراقی کی رفت)

❦ منابع

۱ - اظهارات یکی از دوستان.

۲ - بیوگرافی هزار درویش یا حقیقة العرفاء ۶۵.

۳ - سلسله‌های صوفیه ایران ۲۰۱.

## شیخ عبدالله قمی

(- ۱۳۵۷ ق)

شیخ ملا عبدالله فرزند باقر حدّاد قمی، از دانشمندان و بزرگان برجسته قم، و پدر آقایان موحدی، توحیدی و ندیمی بود، و در محله «عشقعلی» سکونت داشت. ایشان ابتدا در مدرسه فیضیه و بعد از آن در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت، و در تابستان‌ها به «وشنوه» و اطراف آن - که مناطق بیلاقی و خوش آب و هوا است - می‌رفت.

نامبرده یکی از همکاران نزدیک آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، و در تأسیس حوزه علمیه نقش مهمی در کنار آیت الله مؤسس ایفا نمود. وی در سال ۱۳۵۷ ق مطابق با ۱۳۱۷ ش در قم درگذشت، و جسدش در کنار تربت آیت الله حائری یزدی در حرم حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

- ۱ - علامه شیخ محمد موحدی ۲ - ثقة الاسلام شیخ یحییٰ توحیدی متوفای ۱۵ / ربیع اول / ۱۴۰۱ ق در سن ۸۰ سالگی، و مدفون در قبرستان شیخان است ۳ - میرزا احمد ندیمی ۴ - میرزا علی ۵ - میرزا محمود ۶ - میرزا مهدی و یک دختر، که فعلاً فقط همین خانم در قید حیات است.

## منابع

- ۱ - آثار الحجة ۶۵/۱
- ۲ - اطلاعات متفرقه.
- ۳ - معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی - رازی).

## شیخ عبدالله گشایشی اهری

(ح ۱۳۳۰ - ح ۱۴۱۰ ق)

شیخ عبدالله فرزند میرزا حسن گشایشی اهری، از فضلا و پارسایان معاصر قم بود.

وی اهل «گشایش» اهر، واقع در آذربایجان شرقی است و احتمالاً در همانجا در حدود سال ۱۳۳۰ ق تولد یافت.

در سن جوانی به قم مهاجرت کرد و دروس سطح را نزد سید احمد زنجانی و سید شهاب‌الدین مرعشی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر



آیات: سید محمد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.  
گشایشی در حدود سال ۱۴۱۰ ق در قم بدورد حیات گفت و در قبرستان باغ  
بهشت به خاک سپرده شد.

منابع

۱- آینه دانشوران ۴۲۱.

۲- اطلاعات متفرقه.

## شیخ عبدالله لنکرانی

(ح ۱۳۳۲ - ۱۴۱۲ ق)

از دانشمندان و معارف شمال تهران بود.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ ق در لنکران متولد گردید.

لنکرانی پس از آموختن مقدمات به حوزه علمیۀ اردبیل رفت و مدتی چند  
مشغول تحصیل بود. سپس به قم رهسپار شد و سطوح را از محضر آیات: شیخ  
فاضل لنکرانی و سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود. درس خارج را از محضر  
آیات، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین  
طباطبائی بروجردی و حکمت عقلی را از محضر سید روح الله خمینی بهره‌مند  
گردید و خود به امر تدریس اهتمام ورزید.

او مردی با فضیلت و اهل بحث جدل و بسیار خوش استعداد بود. پس از  
کسب درجه علمی، به امر آیت الله بروجردی رهسپار «دروس» شمیران تهران شد و  
به امر هدایت و ارشاد پرداخت.

سرانجام در سال ۱۴۱۲ ق در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در جوار  
علی بن جعفر علیه السلام مدفون گردید.



فرزندانش:

۱ - آقا حسن ۲ - آقا علی و دو دختر.

منابع

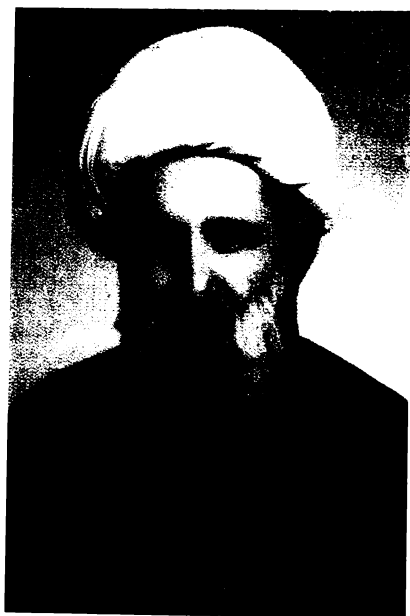
۱ - آثار الحجة ۹۸/۲.

۲ - اظهارات آیت الله شیخ عبدالحسین لنکرانی «بهیودی».

۳ - گنجینه دانشمندان ۶۶۱/۴

## میرزا عبدالله مجتهدی سرابی

(۱۳۱۹ - ۱۴۱۱ ق)



حاج میرزا عبدالله فرزند آیت الله  
شیخ علی اکبر مجتهد و نوه شیخ علی  
مجتهدی تبریزی (سرابی)، از علمای  
معروف تبریز بود.

به تاریخ ۱۷ / ربیع الاول /  
۱۳۱۹ ق در تبریز متولد گردید.

وی در حدود ۷ سالگی همراه  
پدرش به سراب رفت و پس از آموختن  
مقدمات، شرح لمعه را نزد پدرش فرا  
گرفت. در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت  
کرد، و سطوح را نزد آیات: میرزا محمد  
همدانی، سید احمد خوانساری و سید

محمد تقی خوانساری تلمذ نمود، و دروس خارج را در محضر آیتین علمین: حاج  
شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوهکمری (مدت کمی)، و

فلسفه را از محضر حکیم بزرگ شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود. وی در سال ۱۳۵۶ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: شیخ ضیاءالدین عراقی (مدت کمی)، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (مدت کمی)، و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده شایان برد. در حدود سال ۱۳۶۴ ق در پی درخواست اهالی تبریز از آیت الله اصفهانی به تبریز مراجعت کرد و تا آخر عمر خود در آنجا زیست. در یکی از مساجد مدرسه طالبیه و نیز در مسجد (سید حسین) محله ششکلان به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن مجید، و در منزل خود به تدریس سطوح می پرداخت که در اواخر عمر به تدریس خارج عروه اشتغال داشتند، و در سایر مراسم و امور دینی در کنار مردم بودند. او با آیت الله شیخ عبدالله مجتهدی تبریزی هم بحث بود که گاهی جلسات در منزل او و گاهی در منزل دوستش تشکیل می شد.

### از آثار او

- ۱ - الرد علی تفسیر ابی الفتوح الرازی، در ۷ جلد.
  - ۲ - انوار الهدی فی التعليق علی العروه الوثقی (استدلالی).
- ایشان متأسفانه در ساعت ۹ صبح روز جمعه ۴ / محرم / ۱۴۱۱ ق مطابق با ۵ / مرداد / ۱۳۶۹ ش به سن ۹۲ سالگی در تبریز درگذشت، و جسدش به قم حمل و در روز شنبه تشییع و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

- ۱ - محمد علی (عطاء الله) ۲ - محمد صادق (نعمت الله) و چهار دختر هستند که تنها داماد اهل علم او، جناب حجة الاسلام آقای شیخ سلمان طاهرزاده سرابی می باشد.

### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/۲۳۰.

۲ - افادات شيخ سلمان طاهرزاده.

۳ - رجال آذربايجان در عصر مشروطيت ۸

۴ - گنجينه دانشمندان ۳/۳۱۳.

## سيد عبدالله موسوی شبستری

(۱۳۳۴ - ۱۴۲۰ ق)



حاج سيد عبدالله موسوی شبستری،  
از دانشمندان و مفسران كتاب الهی در پی  
بیماری و كهولت سن در تهران درگذشت.  
ایشان در سال ۱۳۳۴ ق در شهرستان  
شبستر - هشت فرسخی تبریز - در خانواده‌ای  
دانا و مؤمن دیده به جهان گشود. پدرش  
ثقة الاسلام سيد اسدالله فرزند میربابا  
شبستری از روحانیون و فرهنگیان معروف  
خطه شبستر به شمار می‌رفت.

سيد عبدالله پس از طی تحصیلات

دوره ابتدائی، در سال ۱۳۵۰ ق به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و علوم  
ادبی را نزد پدر خود و علامه میرزا رسول هریسی، و كتاب‌های مطول، شرح  
شمسیه و شرح منظومه را نزد آیت‌الله سيد مرتضی شبستری فراگرفت.

در سال ۱۳۵۶ ق به حوزه علمیه تبریز پیوست و در مدرسه طالبیه مشغول  
تحصیل دروس سطح گردید. وی شرح لمعه را نزد علامه شيخ ابراهیم بادکوبه‌ای و  
علامه سيد علی مولانا تبریزی خواند و كتاب قوانین الاصول و متون کتب درسی دیگر را  
نزد حضرات آیات: میرزا محمود دوزدوزانی، سيد مرتضی خسروشاهی، شيخ حسین  
شنب غازانی و میرزا کاظم مجتهد شبستری و میرزا محمد توتونچی به پایان برد.

آیت الله شبستری در اواخر سال ۱۳۶۰ ق به حوزه علمیه قم رهسپار شد و باقی درس شرح لمعه را نزد آیت الله سید شهاب الدین مرعشی به پایان رساند و دروس خارج فقه و اصول را در محضر فقهای چوَن: سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، سید صدرالدین صدر، شیخ محمد قمی (کبیر)، شیخ عباسعلی شاهرودی و شیخ عبدالنبی اراکی و دروس کلام و حکمت را از محضر علامه سید حسین قاضی طباطبائی تبریزی، به نحو احسن استفاده نمود.

در سال ۱۳۶۶ ق جهت معالجه به تهران رفت و در پی درخواست عده‌ای از مؤمنین در مسجد حاج میرزا احمد واقع در خیابان مولوی به وظایف دینی اشتغال ورزید. وی در تهران از تحصیل باز نماند و در دروس فقهی و اصولی حضرات آیات: شیخ علی مدرس تهرانی (خارج کفایه)، شیخ محمد تقی آملی، سید احمد خوانساری و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (علاوه بر فقه و اصول، در دروس حکمت نیز) استفاده کرد.

نامبرده علاوه بر اشتغال به وعظ و ارشاد در مرکز، در شهرهای قزوین و شبستر و حومه آنها به انجام فعالیت‌های مذهبی می‌پرداخت، و در تهران همراه با آیت الله سید مرتضی شبستری و افراد خیر اقدام به تجدید بنای (مسجد سپهسالار) واقع در خیابان چراغ برق نمود.

علامه شبستری در سال ۱۳۹۴ ق و پس از گذشت ۲۸ سال خدمت و ارشاد در تهران به مشهد مقدس رهسپار



شد. ایشان پس از ورود اقدام به تدریس فقه و اصول و گفتن تفسیر قرآن مجید نمود. مدتی هم در حرم مطهر (دارالسلام) به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت. آیت الله شبستری پس از ۲۲ سال آستان بوسی ثامن الحجج علیه السلام، در اوایل سال ۱۴۱۶ ق حوزه علمیه قم را مسکن گزید و فقط به گفتن تفسیر و احیای مراسم مذهبی اشتغال داشت و غالباً بر اثر کسالت و شدت بیماری در منزل بستری بود.

### آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

- ۱ - الألفاظ الالهية في الخطابات القرآنية، ۱۴۱۶ ق، انتشارات رسالت قم، وزیری، ۲۸۸ ص.
- ۲ - النکاح و الطلاق.
- ۳ - درایة الحديث.
- ۴ - زبدة الأحکام (رسالة عملیه)، در سال ۱۳۸۹ ق در تهران به چاپ رسید.
- ۵ - سوانح حیات، گزیده‌ای در شرح حال خود و بخشی از خاطرات.
- ۶ - صیغ العقود.
- ۷ - کتاب الأربعین: شرح چهل حدیث عرفانی و اخلاقی، ۱۴۱۴ ق، رقعی، قم، ۱۵۹ ص.
- ۸ - مصباح الهدایة یا مفتاح السعادة، انتشارات مصطفوی تهران، رقعی، ۸۰ ص. جلد اول این اثر پیرامون نبوت است، و جلد دوم آن که مخطوط است، پیرامون امامت می باشد.
- ۹ - نماز شب.
- آیت الله شبستری سرانجام در صبح روز چهارشنبه ۱۷ / صفر / ۱۴۲۰ ق برابر با ۱۲ / خرداد / ۱۳۷۸ ش در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت. پیکرش عصر روز پنجشنبه در قم تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید محمد وحیدی شبستری در ابتدای قبرستان ابو حنین به خاک سپرده شد.

## شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی

(۱۳۲۱ - ۱۳۹۹ ق)

حاج شیخ عبدالله فرزند آیت الله شیخ احمد و نوه علامه شیخ محمد علی شاهرودی، ملقب به «مهدوی» از علمای معروف تهران بود.

وی در سال ۱۳۲۱ ق در شاهرود (استان سمنان) تولد یافت.

مقدمات علوم دینی را در زادگاه خود آموخت، سپس به مشهد مقدس رفت و سطح را در آن دیار به پایان رساند. در سال ۱۳۴۰ ق به شاهرود بازگشت و یک سالی از محضر پدر خود استفاده نمود. در سال ۱۳۴۱ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، میرزا محمد حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی (که دو شخصیت اخیر در دوران تبعید به سر می برند) خارج فقه و اصول بهره مند گردید.

در سال ۱۳۴۳ ق به عتبات عالیات رفت و در حوزه کهن نجف اشرف از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده شایان را برد.

در اوایل سال ۱۳۵۰ ق و در پس رحلت پدر خود به شاهرود مراجعت نمود و به امر تدریس و هدایت اهتمام ورزید و در امور سیاسی و اجتماعی در صدارت قرار گرفت. ولی در سال ۱۳۷۷ ق در اثر خستگی و کسالت روحی تهران را جهت اقامت برگزید و به خدمات دینی و اجتماعی خود تا حدی ادامه داد. در «مسجد مشیرالسلطنه» - واقع در خیابان مولوی - به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال داشت.

مهدوی در اواسط / تیر / ۱۳۵۸ ش در پی ابتلا به بیماری در سن ۷۸ سالگی در تهران زندگی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

آقای دکتر محمد شریف مهدوی که از اساتید مبرز تهران می باشد، فرزند ایشان است.

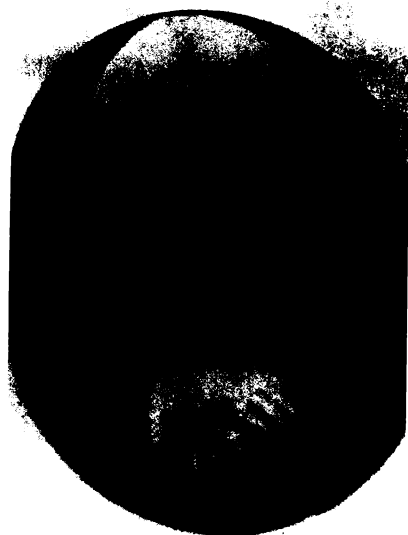
منبع

۱ - روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۱۳ / تیر / ۱۳۵۸ ش، ص ۲.

۲ - گنجینه دانشمندان ۵۷۳/۴.

## ملا عبدالله واعظ طالقانی

( - ح ۱۳۷۳ ق )



ملا عبدالله واعظ فرزند ملا بهرام و نوه حسن بیک شهراسری طالقانی، از واعظان نامی و فضلا بود. وی تحصیلات خود را در قزوین و تهران به پایان برد به وعظ و ارشاد روی آورد و از صدای خوبی برخوردار بود و مطالب عالی بیان می کرد، به همین خاطر منبرش مورد توجه عامه مردم بود. ایشان در ضمن داشتن دفترخانه رسمی، منبر دهاتهای دور و نزدیک را هم داشت، و یکی از معاریف نام آور طالقان گردید.

ملا عبدالله، در حدود سال ۱۳۷۳ ق درگذشت و در قبرستان حاج شیخ به

خاک سپرده شد.

منبع

۱ - نوشته های آقای سید اشرف الدین کیا طالقانی.



## میرزا عبدالمحمد الهامی اسکوئی

(۱۲۸۹ - ۱۳۵۵ ق)

میرزا عبدالمحمد الهامی فرزند علامه سید زین العابدین و نوه سید یوسف حسینی اسکوئی تبریزی، از دانشمندان و وعاظ معروف اسکو بود. وی در روز ۱۴ / ذی الحجه / ۱۲۸۹ ق در «اسکو» واقع در استان آذربایجان شرقی، تولد یافت.

پدرش از علما و ادبای عصر خود بود. در ۲۴ / ربیع الاول / ۱۲۵۰ ق در اسکو به دنیا آمد و در همانجا به کسب معارف الهی پرداخت. در سال ۱۲۷۱ ق به تبریز رفت و مشغول تحصیلات عالیه گردید.

**از آثار او:** ۱ - ترجمه قصاید شیخ احمد احسائی و ترجمه اشعار مرثی سید مهدی بحر العلوم به فارسی.

میرزا عبدالمحمد، اولیات را در زادگاه خود آموخت، سپس عازم حوزه تبریز شد و علوم و معارف الهی و ادبی را از محضر اساتیدی چون: میرزا محمد تقی نیر «حجة الاسلام»، میرزا محمد حسین حجة الاسلام، میرزا اسماعیل حجة الاسلام، میرزا علی طباطبائی و میرزا علی ثقة الاسلام (شهید) استفاده نمود. آنگاه به عتبات عالیات رفت و مدتی چند در کربلای معلّا نزد میرزا موسی احقاقی تلمذ کرد و نیز در حوزه های علمیه: نجف اشرف و سامرا تحصیلاتی داشته است. آنگاه به زادگاهش مراجعت فرمود و به وعظ و ارشاد و انجام امور مذهبی و اجتماعی پرداخت. اشتغالات ایشان به منبر و محراب مجالی برای تألیف نمی داد.

وی در روز یکشنبه ۲۶ / جمادی الثانی / ۱۳۵۵ ق مطابق با ۲۲ / شهریور / ۱۳۱۵ ش در سن ۶۶ سالگی در اسکو زندگی را وداع گفت. پیکرش ابتدا به مدت سه سال در همان شهر مدفون گردید. سپس به زمین قم انتقال و به خاک سپرده شد.



فرزندش آقای سید محمد الهامی فعلاً در اسکو اقامت دارد و معلومات فوق از او استفاده شد.

## سید عبدالمطلب بهبهانی

(۱۳۲۹-۱۴۱۵ ق)

سید عبدالمطلب فرزند سید هاشم و نوه سید محمد فرزند سید جعفر موسوی بلادی معروف به « بهبهانی » از وعاظ و سخنوران مخلص آستان حسینی بود. وی در سال ۱۳۲۹ ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود. پدرش از فضلا و خطبا و سخنوران بود که به پارسائی و تقوا اشتهار داشت. در سال ۱۳۴۵ ق در راه سفر حج بدرود زندگی گفت و در مدینه منوره مدفون شد. به هر حال سید عبدالمطلب از سن جوانی نزد خطیب بزرگ حسینی شیخ جواد قسام ادبیات و مقدمات را آموخت، همین طور فن سخنرانی و اصول منبر را از او فرا گرفت. در خطابه و سخنرانی از افراد موفق شد و در نحوه بیان مطالب و ایراد کلام و حسن انتخاب موضوع سلامت طبع داشت و در خواندن مراثی و نوحه سرائی صدا و نفس گرمی دارا بود. ایشان در اثر فشارهای دولت عراق به ایران تبعید شد و در قم سکونت اختیار کرد و به وظایف دینی خود ادامه داد.

### از آثار او

۱ - اولیات علی علیه السلام.

۲ - تاریخ الکوفة فی القرن الأول.

۳ - مواقف بطولية لرجال الشيعة.

نامبرده در صبح روز یکشنبه ۵ / رمضان / ۱۴۱۵ ق مطابق با ۱۶ / بهمن / ۱۳۷۳ در سن ۸۶ سالگی در قم درگذشت. پیکرش عصر روز دوشنبه تشییع و در باغ

بهشت در خاک آرמיד.

آقای سید عبدالله موسوی که از فرهنگیان شایسته است، فرزند او می باشد.

منابع

۱ - شرح حال مختصری از زبان آن مرحوم که در سال ۱۴۱۰ ق یادداشت کرده بودم در اینجا استفاده شد.

۲ - مشهد الامام او مدینه النجف ۷۳/۳.

## سید عبدالمطلب جزائری «آل مهدی»

(۱۳۳۲ - ۱۴۱۵ ق)



سید عبدالمطلب فرزند علامه

سید یوسف موسوی جزائری «آل مهدی»، از فضلا و پژوهشگران معاصر بود.

وی در سال ۱۳۳۲ ق مطابق با ۱۲۹۳ ش در سوسنگرد (خفاجیه) - استان خوزستان - متولد گردید.

ایشان در سن کودکی گرد یتیمی بر سرش نشست و والدین خود را از دست داد، به همین خاطر در سن ۱۰ سالگی رهسپار نجف اشرف شد و زیر نظر عموی خود، سید عبدالله جزائری تربیت یافت.

وی مقدمات را نزد علامه شیخ محمد طه کرمی گذرانید. و پس از طی سطوح نزد آیت الله شیخ محمد طاهر خاقانی (آل شبیر) در دروس خارج حضرات آیات: سید



ابوالحسن اصفهانی، میرزا عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خوئی شرکت جست. جزائری در حدود سال ۱۳۷۲ ق به اهواز رهسپار شد و تحصیلات خود را نزد حضرات آیات: سید علی بهبهانی رامهرمزی و سید محمد جعفر مروج جزائری ادامه داد. در ضمن ایشان در تعطیلات تابستانی به قم و مشهد می‌رفت و در درس حضرات آیات: سید کاظم شریعتمداری، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب‌الدین مرعشی و سید محمد هادی میلانی شرکت می‌کرد.

چنانکه اشاره رفت وی در اهواز اقامت داشت و منشاء خدمات اجتماعی بود که از جمله آثار خیریه او: تأسیس مسجد و کتابخانه‌ای که به نام (جزائری) معروف بود. ولی در اثر حوادث روزگار رو به خرابی نهاد و پس از چندی مجدداً تجدید بنا گردید. در ضمن مرحوم جزائری در مدرسه انصاری به تدریس کتب ادبیات و متون کتب درسی اشتغال داشت و عده‌ای از طلاب از محضرش کسب فیض می‌کردند. نامبرده در پی جنگ ایران و عراق در سال ۱۴۰۰ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و رسماً در درس آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی شرکت می‌نمود.

#### آثار ایشان به شرح زیر است:

- ۱ - المجالس الحسينية.
- ۲ - تفسیر آیات الکون.
- ۳ - تقریرات درس آقای بهبهانی.
- ۴ - شرح معالم الاصول.
- ۵ - کتاب فی الأخلاق.

علامه جزائری در شب شنبه (ساعت ۷) ۲ / جمادی اول / ۱۴۱۵ ق مطابق با ۱۶ / مهر / ۱۳۷۳ ش در پی بیماری ربوی در بیمارستان گلستان اهواز درگذشته و جسدش به قم حمل و صبح روز دوشنبه از حسینیه خوزستانی‌ها تشییع و در باغ رضوان واقع در خاکفرج مدفون شد.



## فرزندانش:

- ۱- سید جواد ۲- سید احمد ۳- مرحوم سید اسماعیل ۴- سید رسول ۵- سید عبدالأمیر ۶- سید باقر ۷- سید نقابت ۸- سید کاظم ۹- مرحوم سید عبدالصاحب ۱۰- مرحوم سید عبدالإله. و پنج دختر از او به یادگار ماند.

❦ منع

۱- اطلاعاتی از خود مرحوم، صاحب شرح حال.

## سید عبدالمطلب شیرازی

(ح ۱۳۲۹ - ۱۴۰۴ ق)

حاج سید عبدالمطلب فرزند هاشم و نوه علامه میرزا محمد شهید فرزند آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی از فضلا و خوشنویسان معاصر بود. وی در حدود سال ۱۳۲۹ ق در سامرا دیده به جهان گشود.



پس از نشو و نما به نجف اشرف رهسپار شد و تحصیلات عالی خود را نزد آیات: عموی پدر خود، میرزا علی شیرازی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی به پایان رسانید.

شیرازی در حدود سال ۱۳۷۳ ق رهسپار تهران شد و در اثر زیبایی خط به کارهای نوشتاری و خوشنویسی پرداخت.

## از آثار او

۱- شرح و ترجمه نهج البلاغه، که به خط زیبای او از طرف مدرسه عالی

سپهسالار، گراور و طبع گردید.

نامبرده در روز جمعه ۱۲ / صفر / ۱۴۰۴ ق مطابق با ۲۷ / آبان / ۱۳۶۲ ش در حدود سن ۷۵ سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### از جمله فرزندان:

۱ - سید ابوالفضل ۲ - سید محمد که فعلاً سمت استادی دانشگاه را دارد. و علامه شیخ مهدی شاه‌آبادی که به شهادت رسید، دامادش بود.

### منابع

- ۱ - اطلاعاتی از آیت‌الله سید رضی شیرازی (دام ظلّه).
- ۲ - معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی - رازی)، (البته تولدش را در نجف اشرف دانسته که اشتباه است).

## میرزا عبدالمطلب فقیه اردوبادی

(۱۳۰۴ - ح ۱۳۸۳ ق)

میرزا عبدالمطلب فقیه فرزند اسماعیل اردوباری، در سال ۱۳۰۴ ق در اردوباد متولد گردید، و در غائله بلشوک‌ها وی از جمله مهاجرین منطقه «اردوباد» به طرف آذربایجان ایران بود، که رحل اقامت خود را در ارومیه افکنده، سپس به تبریز رفته و در حوزه درسی آیت‌الله سید ابوالحسن انگجی و آیه‌الله سید مرتضی خسروشاهی در فقه و اصول بهره‌مند شده، و نیز از اخلاقی شهیر میرزا جواد آقا ملکی استفاده کرده و سرانجام در ارومیه اقامت نموده است.

دانشمند معظم جناب آقای شیخ محمد فوزی (دام مجده) درباره‌اش می‌نویسند: (ایشان از نظر فضل و معلومات جزو علمای به نام و طراز اول ارومیه به شمار می‌رفت، و در ضمن به اقامه نماز جماعت در (مسجد خطیب) و ایراد وعظ و

خطابه، در مسجد خود، نیز به تدریس اشتغال داشت).

البته ایشان در پی بعضی از حوادث و ترس از حکومت، وقت خود را به تجارت در بازار فرش مشغول می ساخت. شایان ذکر است که آقای فوزی خود به همراه عده ای از محصلین، قسمتی از متن عروة الوثقی را از محضرش استفاده نموده است.

### از آثار قلمی او:

- ۱ - تقریرات طهارت انگجی، ۲ - کتابی درباره امام زمان «عج» (فارسی)،
- ۳ - دعوت محمدیه (چاپ شده)، ۴ - حاشیه الطهارة من العروة الوثقی.
- سرانجام در جهادی ثانی / ۱۳۷۸ ق مطابق با دی / ۱۳۳۷ ش به سن ۷۴ سالگی در ارومیه درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون گشت.

### فرزندانش:

- ۱ - نقی ۲ - ابراهیم و دو دختر

### منابع

- ۱ - اظهارات نواده مترجم له.
- ۲ - مؤلفین کتب چاپی ۱۰/۴ (مترجم را با اردوباری دیگری متحد دانسته).

## شیخ عبدالمنعم خاقانی

(۱۳۲۷ - ۱۴۰۵ ق)

شیخ عبدالمنعم فرزند آیت الله شیخ عبدالمحسن و نوه شیخ حسین خاقانی، از فضلا و ادبای معروف خوزستان بود.

وی در سال ۱۳۲۷ ق در نجف اشرف متولد گردید.

نامبرده، در دوران کودکی همراه پدر خود به آبادان رفت و پس از نشو و نما و

تحصیل مقدمات به نجف اشرف رهسپار شد و پس از طی سطوح، دروس کلام و تفسیر را از محضر علامه شیخ محمد جواد بلاغی و دروس فقه و اصول را از محضر آیت الله سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود. آنگاه به آبادان مراجعت نمود و به تدریس و ارشاد و هدایت مردم اشتغال ورزید. و پس از آغاز جنگ تحمیلی به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد.

### از آثار او

۱ - دیوان اشعار.

خاقانی در سال ۱۴۰۵ ق در سن ۷۸ سالگی در قم وفات نمود و پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

فرزندش حجة الاسلام شیخ محمد خاقانی، فاضل و مترجم برخی آثار قلمی از فارسی به عربی است.

### منابع

۱ - دموع الوفاء ۱۸۶.

۲ - شعراء الغری ۱۶۸/۴ و ۴۱۳/۵.

۳ - معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف ۴۷۴/۲.

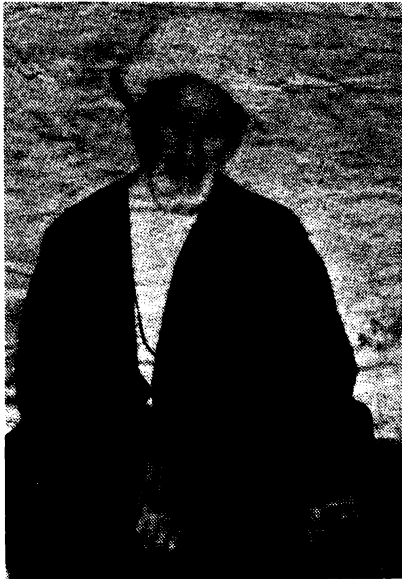
## شیخ عبدالوهاب روحی یزدی

(ح ۱۳۲۵ - ۱۴۱۰ ق)

حاج شیخ عبدالوهاب روحی فرزند علامه شیخ محمد حسین یزدی، از فضلا و بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم بود.

وی در حدود سالهای ۱۳۲۵ ق در یزد متولد گردید.

ایشان مقدمات و برخی از سطوح را در زادگاهش نزد اساتیدی چون: سید احمد بن محمد مدرس طباطبائی، میرزا حسن محمود آبادی یزدی و ملا حیدر فرا



گرفت. سپس در حدود سال ۱۳۴۹ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد علامه میرزا محمد همدانی به پایان رسانید. دروس خارج را هم از محضر آیاتی چون: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد، مرحوم روحی در ضمن تحصیل به تدریس فقه و اصول اشتغال

داشت و یکی از ممتحنین رسمی حوزه در زمان آیت الله بروجردی به شمار می رفت و نماز جماعت و ارشاد را در محله خاکفرج برپا می نمود.

نامبرده در روز دوشنبه ۵ / جمادی اول / ۱۴۱۰ ق مطابق با ۳ / دی / ۱۳۶۸ درگذشت. پیکرش عصر روز سه شنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در صحن حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۱۰۱/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۷۵.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۶۵/۲.

شیخ عبدالهادی قمی «حاج آخوند»

( ۱۳۸۴ ق )

حاج شیخ عبدالهادی فرزند آیت الله شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»، از



فضای قم بود.

وی تحصیلات خود را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات: میرزا ابوالقاسم قمی «کبیر»، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، و سید حسین طباطبائی بروجردی به پایان رسانید.

ایشان در سال ۱۳۸۴ ق درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

فرزندان:

۱ - حاج علی فقیهی رضایی ۲ - حاج محسن.

منابع

۱ - آثار الحجة ۱۰۰/۲.

۲ - رجال قم ۱۳۰.

۳ - گنجینه دانشمندان ۱۲۲/۲.

۴ - مقدمة قلائد الفرائد ۱۰، به قلم استاد جعفر سبحانی.

## شیخ عزالدین نجفی اصفهانی «مسجد شاهی»

(ح ۱۳۳۰ - ۱۳۹۹ ق)

حاج شیخ عزالدین فرزند آیت الله شیخ محمد رضا و نوه علامه شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی، از خاندان معروف «مسجد شاهی» و از فضلا و معارف اصفهان بود.

وی در حدود سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف تولد یافت.

پدرش (۱۲۸۷ - ۱۳۶۲ ق) از مشاهیر علما و اساتید حوزه ها بود. وی از جمله شاگردان برجسته: حاج آقا رضا همدانی، سید محمد فشارکی اصفهانی، ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی در فقه و



اصول و میرزا حسین نوری، سید مرتضیٰ کشمیری و شیخ الشریعة اصفهانی در علم حدیث و رجال در نجف اشرف به شمار می‌رفت.

### از آثار قلمی‌اش:

- ۱- اداء المفروض فی شرح ارجوزة العروض ۲- الأمجدية فی أعمال شهر رمضان ۳- حلی الدهر العاقل فی من أدركته من الأفاضل ۴- دیوان شعر ۵- نقد فلسفة داروین ۶- وقایة الأذهان.

شیخ عزالدین در سال ۱۳۳۳ ق همراه پدر ارجمند خود به اصفهان رفت و مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را نزد شیخ امان‌الله گینکانی و ملا فرج‌الله درّی آموخت. سپس خدمت پدرش درس خواند.

وی پس از فراغت از تحصیل به امور اجتماعی و رسیدگی و ادارهٔ دفتر ثبت اسناد اشتغال جست و در محلهٔ بیدآباد سکونت اختیار نمود. او فاضلی نیکو نهاد و عالمی خوش اعتقاد و دائم الذکر و خلیق و مهربان و خوش معاشرت بود.

### از آثار قلمی او، جزواتی مختصر به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- رساله در اصول.
- ۲- رساله در درایه.
- ۳- رساله در صرف.
- ۴- رساله در فقه.
- ۵- رساله در کلام.

۶- رساله در منطق.

۷- رساله در نحو.

۸- کشکول.



شیخ عزالدین نجفی    شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی    شیخ مجدالدین نجفی

نامبرده در روز جمعه اوّل / شوال / ۱۳۹۹ ق مطابق با ۲ / شهریور / ۱۳۵۸ ش در حدود سن ۶۹ سالگی در اصفهان چشم از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ رضوان - واقع در جنب قبرستان وادی السلام - به خاک سپرده شد. وی داماد حجة الاسلام شیخ محمد علی فرزند آیت الله شیخ جلال الدین فرزند آیت الله شیخ محمد تقی « آقا نجفی » اصفهانی و نیز همسر دیگری انتخاب، ولی دارای اولاد نشد.

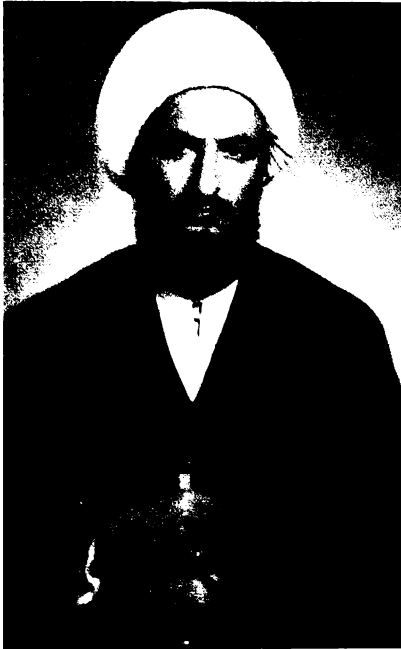
منابع

۱- اطلاعات متفرقه.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۴۱۶/۲.

## شیخ عزیزالله علیمرادیان نهاوندی

(۱۳۲۵ - ۱۴۰۲ ق)



حاج شیخ عزیزالله فرزند کریم علیمرادیان نهاوندی، از دانشمندان و بزرگان معروف و خدمتگزاران خطه نهاوند بود.

وی در سال ۸ / شوال / ۱۳۲۵ ق در نهاوند دیده به جهان گشود.

ایشان پس از آموختن مقدمات در زادگاه خود، در سال ۱۳۴۳ ق به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطوح را نزد اساتیدی چون: میرزا محمد علی ادیب تهرانی، شیخ حسن فاضل، سید مهدی کشفی، سید احمد خوانساری، شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد

رضا گلپایگانی و شیخ محمد علی اراکی به پایان برد. و دروس خارج را نزد فقهایی چون: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (به مدت چهار سال)، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و میرزا محمد فیض قمی به انجام رساند.

ایشان جهت خدمت به همشهریان خود در سال ۱۳۶۲ ق به نهاوند بازگشت و به ارشاد و تدریس و تربیت شاگردان و اقامه جماعت پرداخت. او با سیر و سیرت ویژه‌ای، محبوبیت خاصی نزد اهالی منطقه حاصل نمود و مورد توجه و تقدیر علمای بلاد قرار گرفت که از جمله آنان می‌توان به اجازات علمی و روایی حضرات

آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محمد حجت کوهکمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید احمد خوانساری، سید شهاب‌الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی، اشاره کرد.

نامبرده در احداث و تعمیر اماکن مذهبی و فرهنگی از پیشروان و خیر خواهان واقعی بود که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد: تأسیس مدرسه علمیّه نهاوند، تعمیر چند مسجد قدیمی و پُل و حمام و احداث جاده و تأسیس مسجد حضرت فاطمه علیها السلام، نیز انفاق و سرپرستی جمعی از یتام و فقرا، از کارهای به یاد ماندنی ایشان است.



شیخ عزیرالله علیمرادیان نهاوندی (در وسط متشخصین نهاوند)

از آثار او: دیوان اشعار.

وی سرانجام در ۳ / رجب / ۱۴۰۲ ق در سن ۷۷ سالگی درگذشت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - اطاق دکتر مفتاح - به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۳۷۴/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۹۹.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۳۲۹/۷.

## سید عزیز موسوی اردبیلی

(۱۳۴۳-۱۴۱۳ ق)

سید عزیز فرزند سید احمد موسوی اردبیلی، از فضیلاي معاصر بود. وی در سال ۱۳۴۳ ق در «ابر بکوه» اردبیل متولد گردید.

### تحصیلات

نامبرده پس از طی دوران کودکی، مقدمات را نزد اساتیدی چون: شیخ مهدی عالم، سید مسلم محدث خلخال، شیخ غفور عاملی و شیخ لطفعلی محقق، آموخت. سپس به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد شیخ محمد علمی و شیخ محمد حسین نحوی اردبیلی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره‌مند گردید. سرانجام به عتبات عالیات مشرف شد و از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خوئی و سید عبدالأعلی سبزواری استفاده نمود. وی جهت تبلیغ و ارشاد به شمال عراق - کردستان - رهسپار شد و به خدمات اجتماعی و مذهبی اشتغال ورزید. سرانجام در اثر حوادث سیاسی عراق به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار کرد و جهت تبلیغ و ارشاد به استانهای اردبیل و همدان می‌رفت.

### از آثار او

۱ - تقریرات اصول خوئی.

۲ - تقریرات شاهرودی.

موسوی اردبیلی در روز ۱۲ / ربیع الثانی / ۱۴۱۳ ق مطابق با ۱۸ / مهر / ۱۳۷۱ ش در سن ۷۰ سالگی در اثر سکنه قلبی در قم درگذشت. پیکرش پس از

تشیع در قبرستان باغ بهشت - مقبرة العلماء - به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

۲ - مفاخر الاردييل - خطی، اثر سيد عبدالله مفتی الشیعه.

## شیخ عسکری بروجردی

( ۱۳۴۲ ق )

حاج شیخ میرزا عسکری فرزند آیت الله ملا اسدالله « حجة الاسلام » و نوه عبدالله بروجردی، از دانشمندان و ادبای بروجرد بود.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی در « نقباء البشر » درباره اش چنین می نویسد:

( عالمی فاضل، پدرش از بزرگان دین و معاریف بود که در سال ۱۲۷۱ ق درگذشت. میرزا عسکری از فضیلتی جلیل، و اهل دانش و خوش فکر بود. پس از پدر خود به وظایف تبلیغ شریعت اشتغال ورزید. وی از وجوه و معاریف شهر و در میان اهالی و خاندان خود از مقام و موقعیت والایی برخوردار بود... ).

مرحوم حسین حزین در تذکره خود درباره اش چنین می نگارد:

( فاضل و عالم و ادیب و شاعر بود. صاحب اخلاق نیکو و صفات پسندیده. او در سال ۱۳۴۲ ق درگذشت و پیکرش به قم حمل گردید [ظاهراً در شیخان دفن شده است]. در سال ۱۳۰۳ ق در طوس، مخمسای عربی راجع به چهارده معصوم علیه السلام سروده و چاپ شده، دو سه بند آورده می شود:

|                                         |                                        |
|-----------------------------------------|----------------------------------------|
| صل یا رب، علی مرسل، من رب جلیل          | مصطفی الامجد و الصفة، من آل خلیل       |
| کاشف الغمة عن امته، هادی السبیل         | خامد النیران فی الرضوان، من خیر الدلیل |
| عروة الوثقی، ذو الاحسان و المجد الاصلیل | صل یا رب علی المخصوص، بالنص الجلی      |
| فهو المخصوص والمحصور، فی الصدق الولی    | سمی الملك العلام، فی اسم العلی         |
| لا نری بعد النبی، غیر العلی خیر الوصی   | إقتد آثاره بالقول و الفضل الجمیل       |

## بند تخلص

واکشف الذنب، عن العبد الذلیل العسکری      واثق التوفیق بالتوفیق، فی العرض العری  
و علی جنات عدن فی حسان العبقری      هو بالذنب جری، انت بالعفو، حرى  
فأقل «عثرته» یا رب، یا خیر المقلیل

له منابع

۱ - تاریخ بروجرد ۳۲۶/۲ (سال مرگش را ۱۳۴۳ ق نوشته است).

۲ - تذکره حسین حزین ۳۲۱.

۳ - نقباء البشر ۱۲۷۱/۳.

## سید علاءالدین علوی طالقانی

(۱۳۳۱ - ۱۴۱۹ ق)



سید علاءالدین فرزند آیت الله سید  
محمی الدین علوی طالقانی، از فضلا و  
معاریف تهران بود.

آقا علاءالدین در سال ۱۳۳۱ ق  
مطابق با ۱۲۹۰ ش در تهران متولد شد.  
وی در خانواده‌ای علمی پرورش  
یافت و جهت طی تحصیلات دینی در  
سال ۱۳۴۲ ق به حوزه علمیه قم  
پیوست و ادبیات را نزد شیخ محمد  
علی ادیب تهرانی تلمذ کرد. سپس

سطح را نزد آیات: سید محمد تقی خوانساری و آخوند ملا علی همدانی و درس  
خارج را از محضر آیت الله سید محمد تقی خوانساری استفاده نمود.



## از آثار او

- ۱ - پیام سالار شهیدان علیه السلام.
- ۲ - تفسیر جزء سی ام قرآن مجید.
- ۳ - سخنرانی رادیو، سخنرانیهای ایشان که از رادیو تهران هنگام مسافرت مرحوم راشد تربتی پخش می شد.
- ۴ - سفرنامه حج به نام (دید آموزنده).
- ۵ - شرح دعای ندبه (شرح از پدر خود می باشد که به همت او ابتدا آن را پاورقی زده و سپس چاپ کرده است).
- ۶ - عید مسلمین.

وی در سال ۱۴۱۹ ق در تهران درگذشت و پیکرش به قم حمل و در ابتدای قبرستان ابو حسیب - مقبره خانوادگی اش - به خاک سپرده شد.

## منبع

- ۱ - شرح حال فوق از زبان ایشان در پائیز ۱۳۷۵ ش در مسجد مقدس - واقع در نزدیکی میدان اعدام تهران - یادداشت نمودم.

## سید علم الهدی کابلی «ملایری»

(۱۲۸۸ - ۱۳۶۸ ق)

حاج سید علم الهدی (نامش محمد است) فرزند سید شمس الدین محمد و نوه میر احمد نقوی کابلی، از علمای ربّانی و نوابغ عصر خود بود. او در حدود سال ۱۲۸۸ ق در روستای «وزیر آباد» کابل متولد گردید. در همان سالی که به دنیا آمد پدرش را از دست داد، و به همین خاطر تحت تربیت و کفالت مادرش قرار گرفت، و متأسفانه در سن ۶ سالگی در اثر بیماری، بینائی خود را از دست داد.

### هجرت به سامرا و نجف اشرف

در سن ۱۲ سالگی همراه مادرش به سامرا هجرت کرد، و آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی اساتیدی توانا برایش معین فرمود، و سایر دروسی را که می خواند حفظ می کرد. و پس از فوت میرزای شیرازی، در سال ۱۳۱۴ ق به نجف اشرف منتقل شد، و از محضر آیات: میرزا حسین نوری و سید مرتضی کشمیری استفاده نمود و همواره ملازم آنان بود.

### مراجعت به ایران

وی پس از انجام تحصیلات عالی خود در حدود سالهای ۱۳۲۵ ق به ایران مراجعت و در اراک سکونت اختیار کرد، و به خدمات دینی و وظایف الهی همت رگماشت، و پس از چند سالی از طرف آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به شهر ملایر فرستاده شد، و به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد و تدریس و تربیت طلاب اشتغال ورزید.

### سجایای ایشان

آیت الله سید شهاب الدین مرعشی درباره اش می نویسد: «این سید بزرگوار یکی از نوابغ زمان و اعاجیب دوران در سرعت انتقال و قوت حافظه و در کثرت محفوظاتش ضرب المثل بود. وی حافظ تمام قرآن کریم و صحیفه سجاده و اشعار زیادی، و ده هزار حدیث مسند به جز احادیث مرسل بود».

او دارای اجازات زیادی بود، که از جمله آنها از حضرات آیات: میرزا حسین نوری، میر حامد حسین نقوی لکنهوی، شیخ محمد طه نجف تبریزی، سید مرتضی کشمیری، شیخ الشریعہ اصفهانی، حاج آقا رضا همدانی، سید عدنان غریفی خرمشهری، شیخ محمد رضا معزی دزفولی، سید هبه الدین شهرستانی، سید حسن صدر و سید محمد حسین مرعشی شهرستانی می باشند.

## آثار او

آثاری که از سید به جای مانده در حقیقت املائی ایشان بوده، که توسط شاگردانش به رشته تحریر در آمده، و اغلب آنها در کتابخانه فیضیه نگهداری می شوند که عبارتند از:

- ۱ - الکشکول (کتابی است بزرگ).
- ۲ - تجوید القرآن الکریم.
- ۳ - تعلیقة على اقبال الأعمال (از ابن طاووس).
- ۴ - تعلیقة على منهج المقال (از استرآبادی).
- ۵ - تنبيه الغافلات، فی الأحادیث حول النساء.
- ۶ - درایة الحديث.
- ۷ - دستور العمل للنساء.
- ۸ - رسالة فی حقوق الاخوان.
- ۹ - محاسبة النفس.

## درگذشت

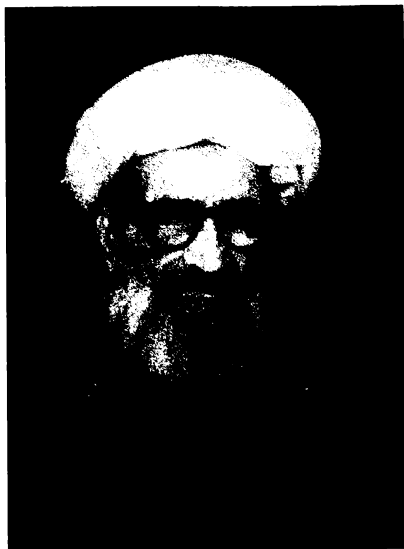
نامبرده در پی بیماری از ملایر به تهران رفت و تحت معالجه قرار گرفت، ولی معالجات سودی نبخشید و در ۴ / محرم / ۱۳۶۸ ق مطابق با آبان / ۱۳۲۷ ش در حدود ۸۰ سالگی در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد. نامش فعلاً بر روی سنگ جدید «اعلم الهدا اعلم التقوا» حک شده است.

## منابع

- ۱ - الاجازة الكبيرة ۹۶.
- ۲ - المسلسلات فی الاجازات ۲/۲۱۵ (تولدش را به سال ۱۲۸۴ ق نوشته است).
- ۳ - نقباء البشر ۳/۱۲۷۵.
- ۴ - هدية الرازی الى المجدد الشیرازی ۱۲۴.

## شیخ علی اخوان خراسانی

(۱۳۱۹-۱۴۰۸ ق)



شیخ علی فرزند علامه شیخ  
محمد حسین روشندل (اخوان  
خراسانی)، از علمای معاصر بود.  
در سال ۱۳۱۹ ق در مشهد مقدس  
متولد گردید.

وی پس از طی مقدمات و سطوح،  
در سال ۱۳۴۴ ق همراه برادر خود شیخ  
مرتضی به نجف اشرف مهاجرت کرد،  
و از محضر آیات: میرزا حسین نائینی،  
میرزا علی شیرازی فرزند مجدد  
شیرازی، سید ابوالحسن اصفهانی و  
میرزا باقر زنجانى استفاده نمود.

وی در مدرسه آخوند خراسانی حجره داشت، و در سال ۱۳۹۱ ق در پی  
فشارهای دولت عراق به ایران بازگشت، و در قم سکوت اختیار نمود.

از آثار او: تقریرات میرزای نائینی.

او در روز یکشنبه آخر / ربیع الاول / ۱۴۰۸ ق مطابق با اول / آذر / ۱۳۶۶ ش به  
سن ۸۹ سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

۲ - تاریخ زنجان ۲۷۱.

۳- گنجینه دانشمندان ۵۸/۲.

## سید علی اشکوری

(۱۳۱۹-۱۳۹۸ ق)



سید علی فرزند علامه سید حسن  
حسینی اشکوری، از فضلا و معاريف  
معاصر بود.

او در سال ۱۳۱۹ ق در  
نجف اشرف متولد گرديد.

سید علی دوره ابتدائی را در  
مدرسه علوی ایرانی به سرپرستی  
پدرش، که از علما و معاريف  
نجف اشرف بود گذرانیید. سپس به  
تحصيل مقدمات و ادبیات پرداخت.  
سطوح عالیہ را نزد آیت الله شیخ  
عبدالحسین رشتی تلمذ نمود، و در

درس خارج آیات: شیخ شعبان گیلانی و شیخ ضیاء الدین عراقی حضور یافت و تا  
فوت عراقی ملازم درسش بود و مدارج عالیہ را طی کرد.

آن مرحوم شبها پس از نماز مغرب و عشاء در مقبره سید حسین اشکوری به  
اتفاق فضلائى چون: شیخ محمد مهدوی لاهیجی و حاج شیخ حسین کفائی  
خراسانی و سید جواد اشکوری و سید مهدی و سید کاظم اخوان مرعشی اجتماع  
می نمودند.

آن مرحوم فردی: دائم الذکر، متین و متدین بود، و نسبت به خاندان عصمت علیهم السلام  
عشق می روزید، و در هنگام استماع مصیبت بی اختیار اشکش جاری می شد.





شیخ محمد حسن خاقانی / سید احمد حسینی اشکوری / شیخ مصطفی نورانی ادریسی

از آثار قلمی اش می توان به: تقریرات استادش عراقی - که تاکنون خطی است - اشاره کرد.

اشکوری در سال ۱۳۹۶ ق به قم مهاجرت کرد و در بعد از ظهر پنجشنبه ۱۵ /



ذی الحجه / ۱۳۹۸ ق مطابق با ۲۵ /  
آبان / ۱۳۷۵ ش در سن ۷۹ سالگی  
وفات کرد، و در روز جمعه در قبرستان  
بقیع قم به خاک سپرده شد.

ایشان دارای سه پسر به نامهای:

- ۱ - سید احمد متولد (۱۳۵۰ ق) ۲ - سید نورالدین ۳ - سید محمد رضا می باشند که اهل فضل و قلمند.

منابع

۱ - بزرگان تنکابن ۱۵۷.

۲ - تراجم الرجال

۳ - گنجینه دانشمندان ۲۸۹/۷.

## میرزا علی اصغر اشعری قمی

(۱۳۱۸-۱۴۰۷ ق)

حاج میرزا علی اصغر فرزند شیخ محمد علی و نوه ملا محمد طاهر اشعری قمی، از علمای قم بود.

در سال ۱۳۱۸ ق در قم دیده به جهان گشود.

وی پس از طی مقدمات، سطوح را نزد شیخ ابوالقاسم قمی (کبیر)، سید حسین کوچه حرمی، و شیخ حسن فاضل به انجام رسانید، و در سال ۱۳۳۸ ق به اراک عزیمت نمود و دو سال از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود، و پس از مهاجرت استاد خود به قم مجدداً به آنجا بازگشت و تا آخر عمر از وی بهره مند شد و خود به تدریس سطوح و پرورش طلاب و تألیف دست یازید، و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم در درس ایشان نیز حاضر گردید.

### از آثار قلمی او

- ۱- اللباس المشکوک.
- ۲- المفاهیم من مباحث الالفاظ.
- ۳- بحث اجتماع امر و النهی.
- ۴- حاشیه علی الرسائل.
- ۵- حاشیه علی مکاسب.
- ۶- حاشیه علی شرح اللمعة.
- ۷- حاشیه علی کفایة الاصول.
- ۸- شرحی بر ارشاد قلوب (دیلمی).

## ۹ - قاعدة لاضرر و لاضرار.

وی در روز پنجشنبه ۱۸ / صفر / ۱۴۰۷ ق مطابق اوّل / آبان / ۱۳۶۵ ش به سن ۸۹ سالگی در قم درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

۱ - شیخ محمد « جمال الدین » اهل منبر. وی در سال ۱۳۵۴ ق در قم متولد شد و از محضر آیات: پدرش، میرزا محمد باقر خازنی و میرزا مصطفی صادقی استفاده نمود. از جمله آثار او: ۱ - انسان بر سر دو راهی، ۲ - تسبیح موجودات یا راز آوازاها، ۳ - اندرزهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ابوذر غفاری، ۴ - اثر و شرائط دعا، ۵ - درس زندگی از قرآن.

۲ - محمد اسماعیل، دبیر بازنشسته.

۳ - شیخ محمد حسین، متولد سال ۱۳۶۰ ق در قم، پس از طی مقدمات و سطوح در سال ۱۳۸۲ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله سید روح الله خمینی مدت کوتاهی استفاده نمود، و به زادگاهش بازگشت و از محضر آیات: سید حسن فرید عراقی، سید محمد داماد یزدی و شیخ مرتضی حائری یزدی بهره مند گردید، و فعلاً به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

۴ - شیخ ابوالقاسم، اهل فضل.

۵ - دکتر محمد حسن، متخصص قلب و عروق.

۶ - محمد علی، مهندس رشته آبهای زیرزمینی.

## منابع

۱ - آثار الحجة ۱۰۳/۲.

۲ - آینه دانشوران ۳۰۴.

۳ - افادات فرزند دانشمندش آقای شیخ محمد حسین اشعری.

۴ - گنجینه دانشمندان ۷۰/۲.



## سید علی اصغر جاپلقی

( ۱۳۱۳ - ق )

حاج سید علی اصغر فرزند علامه بزرگ حاج سید شفیع جاپلقی نوه سید علی اکبر موسوی بروجردی، از بزرگان علمای امامیه در اوایل قرن چهاردهم هجری به شمار رفته است.

سید علی اصغر در سال ۱۲۳۱ ق در جاپلق بروجرد متولد گردید. اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار می نویسد: حاج سید علی اصغر جاپلقی بر پدرش حاج سید شفیع، میرزا محمود طباطبائی (صاحب مواهب السنیه) و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده و در علم رجال کتابی جامع مرتب بر طبقات نوشته است.

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه می نویسد: سید علی اصغر جاپلقی از پدرش به طرق مذکوره در روضة البهیة روایت کرده و در سال ۱۳۱۳ ش درگذشت. استاد علامه شیخ مرتضی انصاری در کتاب شخصیت شیخ انصاری می نویسد: سید علی اصغر از اجله علماء و از جمله شاگردان پدر خود و حجة الاسلام بروجردی و شیخ مرتضی انصاری بوده و از پدر و برادر اجازه روایت داشته وی یکی از مراجع امور در عصر خود بود و در جوار حضرت معصومه علیها السلام به خاک رفت.

چنانکه در بالا اشاره رفت وی تحصیلات خود را نزد شیخ انصاری در نجف اشرف انجام داده و پس از نیل به مدارج عالی به بروجرد بازگشت و پس از چندی به قم رفت و در جوار حضرت معصومه علیها السلام سکونت اختیار نمود.

سید علی اصغر تألیفات و آثار علمیه اش بسیار است، از جمله آنها:

۱ - حج استدلالی به زبان عربی که نسخه اش، اکنون در کتابخانه آیت الله سید شهاب الدین مرعشی در قم موجود است.

۲ - جامع المقاصد در اصول فقه به زبان عربی، از اول مباحث الفاظ تا آخر ادله

سمعیه عقلیه در سه جلد موجود در کتابخانه مرعشی نجفی.

در این کتاب بین کتاب قوانین و کتاب فصول محاکمه کرده و مطالب غامض به عنوان محاکمه عنوان شده است.

۳ - طبقات الرواة به زبان عربی در دو جزء است، جزء اول مرتب است بر دوازده طبقه، اول: مشایخ عصر تا مجلسی. دوم: تا شهید اول. سوم: تا شیخ طوسی. چهارم: تا صدوق المحدثین. پنجم: تا دوازدهم اصحاب ائمه علیهم السلام به ترتیب هر امام و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و القاب و نسب و کنی و تابعین و تابع تابعین. و اما جزء دو در فوائد رجالیه و تعیین جماعتی از رواة مختلف فهم.

۴ - طرائف المقال فی معرفة طبقات معرفة الرجال، که در سال ۱۲۹۴ قمری از تألیف آن فارغ شده، و مقداری از این کتاب در هند چاپ شده است.

۵ - الفصول فی ترتیب مباحث الاصول (اصول عربی).

۶ - المناسک الغرویة (مناسک حج - عربی)

منابع

۱ - اعیان الشیعة.

۲ - المآثر و الآثار.

۳ - تاریخ بروجرد ۴۲۳/۲.

۴ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری.

۵ - فهرست نسخه‌های کتابخانه مرعشی نجفی ۱/۳۹۵، ۹/۱۰۴ و ۱۱/۱۶۷ و ۳۶۹ و ۲۰/۳۷.

۶ - نقباء البشر ۴/۱۵۷۶.

سید علی اصغر خوئی «صادقی»

(۱۳۱۲-۱۴۰۲ ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علامه سید مجتبی و نوه سید صادق حسینی

خوئی (صادقی)، از علمای سرشناس و متقی تهران بود.



در ۱۳ / محرم / ۱۳۱۲ ق در خوی  
متولد گردید.

وی مقدمات و ادبیات را نزد ملا  
علی مدد بدل آبادی خوئی آموخت، و  
قسمتی از سطوح را نزد شیخ محمد  
خوئی معروف به (ساکن کوچه) و پسر  
عموی خود سید باقر خوئی استفاده  
کرد. در سال ۱۳۴۱ ق به نجف اشرف  
عزیمت نمود و باقی سطوح را نزد  
آیت الله شیخ عبدالحسین رشتی به  
انجام رسانید. و دروس خارج را خدمت

آیات: سید محمد حجت کوهکمری (خارج صلاة)، میرزا علی ایروانی (متاجر)،  
میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی  
اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی کمال استفاده را نمود و حکمت و فلسفه را از  
محضر علامه سید حسین بادکوبه ای بهره مند گردید.

نامبرده در سال ۱۳۵۰ ق در پی دعوت اهالی خوی و امر آیت الله اصفهانی به  
شهرستان خوی مراجعت کرد، و حدود پنج سال به وظایف دینی و روحی  
پرداخت. در حدود سال ۱۳۵۵ ق مجدداً به نجف اشرف مراجعت و به تدریس و  
افاضه پرداخت، و در سال ۱۳۵۸ ق مجدداً به خوی مراجعت کرد و مشغول انجام  
خدمات دینی از قبیل: اقامه جماعت در مسجد ملا حسن معروف و مسجد شعبان،  
و تشکیل جلسات دینی و وعظ و ارشاد به ویژه تعمیر (مدرسه نمازی) که  
مشرف به خرابی بود و تأسیس کتابخانه ای برای مدرسه، و اصلاح وضع طلاب  
همت گماشت.

در سال ۱۳۶۳ ق (یا ۱۳۶۱ ق) به لحاظ بعضی از محذورات از خوی به تهران مهاجرت و مستقر گردید و به اقامه جماعت و تدریس و سایر خدمات اشتغال ورزید.

درباره ایشان در (ذخائر الاسفار) آمده است: (همه رفقا و معاصرینش تجمید و توصیف زهد و ورع او را می کردند، و ایشان از اقوام آقای مولانای تبریزی بودند).

#### از آثار قلمی ایشان:

- ۱ - تقریظی بر منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، در پنج صفحه که در چاپ اول سنگی آمده است.
- ۲ - تقریظی بر تحفة الاخوان، از کاتبی خوئی که در سال ۱۳۷۰ ق به طبع رسید.

۳ - تقریرات فقه آیت الله حجت.

۴ - رساله علمیه.

وی در روز سه شنبه ۱۴ / ربیع الثانی / ۱۴۰۲ ق مطابق با ۲۰ / بهمن / ۱۳۶۰ در سن ۹۰ سالگی در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در مسجد موزه حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن شد.

#### فرزندان:

- ۱ - سید عبدالعلی ۲ - سید محمد علی و ۴ دختر.

#### منابع

- ۱ - افادات داماد معظم له، دانشمند محترم آقای سید جعفر مرقاتی.
- ۲ - تذکرة الفضلاء (خطی - جابری خوئی).
- ۳ - ذخایر الاسفار.
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۴/۴۴۶ و ۵/۶۷.

## سید علی اصغر دربانی قمی (حاجب التولیه)

(ح ۱۲۹۰-۱۳۶۲ ق)

حاج سید علی اصغر دربانی ملقب به (حاجب التولیه) فرزند سید محمد تقی نایب التولیه قمی، از رجال و سیاسیون معروف قم بود. تولدش در حدود سال ۱۲۹۰ ق در قم اتفاق افتاد. پس از رشد و نما به تحصیل پرداخت، آنگاه به خدمت آستانه حضرت معصومه علیها السلام درآمد.

وی در دوره پهلوی حیات سیاسی خود را آغاز کرد و همینطور مدت زمان بسیاری در سمت نمایندگی مجلس باقی ماند و خدمات اجتماعی ارزشمندی به یادگار گذاشت. چنانکه اشاره رفت او ابتدا به سمت نماینده مجلس مؤسسان (۱۳۰۴ ش) انتخاب شد و بعداً در دوره‌های: هفتم (۱۳۰۷ ش مطابق با ۱۳۴۷ ق)، هشتم (۱۳۰۹ ش مطابق با ۱۳۴۹ ق)، نهم (۱۳۱۱ ش مطابق با ۱۳۵۱ ق) و دهم (۱۳۱۴ ش مطابق با ۱۳۵۴ ق) از سوی مردم قم به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

مرحوم احمد رحیمی در کتاب خود «گنجینه دانشوران» درباره دربانی چنین می‌نویسد: (حاجب التولیه، از رجال متین و موقر و مهربان و طراز اول سادات جلیل و بزرگ قم بوده است. معظم‌له از دوره هفتم تا دوره دهم قانونگذاری، چهار دوره پی در پی به نمایندگی مردم قم به مجلس شورای ملی اعزام گشت).

ایشان در محرم یا صفر / ۱۳۶۲ ق مطابق با بهمن / ۱۳۲۱ ش در سنی بیش از هفتاد سالگی در قم درگذشت و در حرم حضرت معصومه علیها السلام - ایوان طلا - به خاک سپرده شد. فرزندش آقا نظام دربانی از محترمین و بزرگان قم بود.

منابع

- ۱- رجال قم ۱۳۲.
- ۲- گنجینه دانشوران ۲۱۲.
- ۳- نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۲۳.

## شیخ علی اصغر ذکاوتی قراگوزلو «همدانی»

(۱۳۳۳ - ۱۳۷۱ ق)

شیخ علی اصغر متخلص به (زمزم) فرزند علی ذکاوتی قراگوزلو همدانی، متولد سال ۱۳۳۳ ق در همدان

وی پس از طی مقدمات و سطوح به قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مدت کوتاهی)، سید صدرالدین صدر، و شیخ محمد فیض قمی در خارج فقه و اصول و از آیت الله سید روح الله خمینی در حکمت و فلسفه استفاده نمود، و به زادگاهش بازگشت و به ارشاد مردم پرداخت.

از جمله آثار او: مولودی حضرت امام زمان (عج) که در سال ۱۳۶۴ ق به چاپ رسیده است.

وی در شوال / ۱۳۷۱ ق مطابق با تیر / ۱۳۳۱ ش به سن ۳۸ سالگی در همدان درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

منابع

- ۱ - افادات فرزند معظم له نویسنده محترم آقای علیرضا ذکاوتی (متولد ۱۳۶۲ ق) ساکن همدان.
- ۲ - تاریخ مفصل همدان ۱۶۸/۱.

## میرزا علی اصغر زیبا قمی

(۱۳۲۵ - ۱۴۰۸ ق)

میرزا علی اصغر فرزند حسین زیبا، یکی از مرثیه سرایان تکیه گذر صادق بوده، که اغلب مداحان از نوحه های ایشان در مراسم مختلف مذهبی استفاده می کنند. زبان حال حضرت زینب علیها السلام از او که فی البداهه گفته:

گفت به زینب شه خونین بدن      جان تو و جان عزیزان من

بعد حسین سوی سفر می‌روی سر به دم چوبهٔ محمل مزین

دفتر اشعار آن مرحوم که همیشه در چمدان مخصوص بوده و هنگام مسافرت همراه برمی‌داشته، در اثر غفلت به سرقت می‌رود یا تلف می‌شود و دیگر هیچگونه اثری از آن بدست نمی‌آید.

اکنون دو نمونه از اشعار او در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌دهیم:

در طلّیعهٔ عزای حضرت امام حسین علیه السلام

|                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| اوّل به نام پاک خداوند ذوالجلال     | آن خالق خلاق و معبود بی‌زوال         |
| جاری به هر زبان و بیان ذکر پاک اوست | او لایق پرستش و او ذات بی‌مثال       |
| ذکرش کنند جن و ملک، انس و وحش و طیر | لیل و نهار و هفته و ایام و ماه و سال |
| دوّم به نام سرور کل ختم انبیا       | یعنی محمّد عرب آن سرو اعتدال         |
| سوّم به نام پاک علی کشتی نجات       | بحر کرم امام بحق معدن کمال           |
| ایام سوگواری سلطان کربلاست          | شاهی که شد به قوم عدو خون او حلال    |
| یاران او شهید ظلم عدو شدند          | یک یک ز راه مهر و وفا در صف جدال     |
| شهزاده اکبری که به جدش شبیه بود     | شد پاره پاره پیکرش از فرقهٔ ضلال     |
| لیلا ز دیده اشک به رخسار غم روان    | کی نوجوان ز داغ تو گشتم شکسته حال    |
| خواهم اگر ز داغ غمت نوحه سرکنم      | دشمن نمی‌دهد به من ناتوان مجال       |
| سر می‌نهم به کوی و بیابان ز داغ تو  | آخر کند چه چاره پریشان خسته حال      |

«زیبا» به مرگ اکبر رعنا جوان خموش

کم گوی از مصیبت و رنج علی و آل

در رثای حضرت امام حسین علیه السلام

|                                 |                              |
|---------------------------------|------------------------------|
| ای کشتهٔ غلطیده بخون پیرهنش کو  | شهزاده علی اکبر گلگون گفت کو |
| ای کشتهٔ اشرار چه شد قاسم داماد | ای پیکر صد پاره یتیم حسنت کو |
| گردیده دو تا قامت از داغ برادر  | عباس علمدار یل صف شکنت کو    |

شهزاده آزاده علی اصغر بی شیر      آن غنچه پژمرده شیرین سخت کو  
یاران فداکار به همراه تو بودند      ای حامی دین لاله رخا چمنت کو  
بردند سوی شام بلا اهل حرم را      آن دختر بی یار، گل یاسمنت کو  
تا بر سر نی دید سر پاک تو خواهر      گفت ای گل بستان پیمبر بدنت کو  
آمد به سر پیکر پاک تو سکینه      گفت ای بفدای تن پاکت کفنت کو

«زیبا» به فغان که ای خسرو خوبان

اطفال ستم دیده رنج و محنت کو

سرانجام روز جمعه ۱۵ / صفر / ۱۴۰۸ ق مطابق با ۱۷ / مهر / ۱۳۶۶ ش در قم درگذشت، و مدفنش در قبرستان باغ بهشت است.

❦ منبع

۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۱۸۵.

## شیخ علی اصغر شفیعیان همدانی

(۱۳۲۷ - ۱۳۷۶ ق)

حاج شیخ علی اصغر شفیعیان فرزند علامه شیخ محمد ربیع و نوه شیخ شفیع همدانی، و داماد عموی خود علامه شیخ محمد شریف همدانی، از فضلا و پارسایان همدان بود.

وی در سال ۱۳۲۷ ق مطابق با ۱۲۸۸ ش در همدان دیده به جهان گشود. و تحصیلات مقدماتی خود را در همانجا سپری کرد، سپس در سال ۱۳۴۷ ق به قم مهاجرت کرد و دروس سطح را نزد حضرات آیات: میرزا محمد همدانی، آخوند ملا علی همدانی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیاتی چون حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری و شیخ محمد علی حائری قمی و حکمت را از محضر میرزا خلیل



کمره‌ای استفاده نمود و دروس را با آیت‌الله شیخ محمد علی دامغانی همدانی مباحثه می‌کرد.

وی مردی فاضل، زاهد و متقی و در اخلاق عملی، نمونه‌ای کامل بود و پس از پایان تحصیلات خود، در سال ۱۳۵۷ ق مطابق با ۱۳۱۷ ش به همدان بازگشت و در بحث آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی شرکت جست و نماز جماعت را در مسجد میرزا داوود برپا می‌کرد و به وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

شفیعیان در اواخر / شوال / ۱۳۷۶ ق مطابق با اوایل / خرداد / ۱۳۳۶ ش در همدان درگذشت و پیکرش به قم حمل و از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

۱ - مرحوم علی شفیعیان ۲ - آقا حسن شفیعیان ۳ - آقا محمد شفیعیان و دو دختر که در قید حیات هستند.

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۳۸۴/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۳۳۵.
- ۳ - اطلاعاتی متفرقه از فرزندان مرحوم.
- ۴ - دایرة المعارف اعلمی ۲۶۸/۲۸.
- ۵ - گنجینه دانشمندان ۴۱۱/۷.

### شیخ علی اصغر صالحی کرمانی

(۱۳۱۴ - ۱۴۰۱ ق)

حاج شیخ علی اصغر فرزند شیخ غلامحسین و نوه محمد علی صالحی کرمانی، عالم فاضل و از بزرگان کرمان بود.



سید محمد رضا مدنی کرمانی  
و شیخ علی اصغر صالحی کرمانی

تولدش به سال ۱۳۱۴ ق مطابق با  
۱۲۷۵ ش در کرمان اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات، سطوح و  
قسمتی از علوم اسلامی را از  
محضر آیات: شیخ ابوالحسن شیخ  
الرئیس قاجار، شیخ حسین فقیه، و ملا  
جمال الدین محمد کرمانی (صاحب  
اسس الاصول) بهره‌مند گردید. در سال  
۱۳۴۰ ق عازم اصفهان شد و از محضر  
بزرگانی همچون: سید محمد باقر  
درچه‌ای، سید علی نجف آبادی، سید  
محمد نجف آبادی، سید محمد صادق  
خاتون آبادی، و شیخ محمد حسین  
فشارکی استفاده نمود.

در سال ۱۳۴۲ ق به حوزه علمیه  
قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج

شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یشربی کاشانی، سید محمد تقی  
خوانساری و سید احمد خوانساری در خارج فقه و اصول و میرزا خلیل کمره‌ای در  
حکمت و فلسفه بهره‌ها برد.

در سال ۱۳۵۲ ق در پی درخواست مردم کرمان و امر حضرت آیت‌الله حائری  
یزدی به کرمان عزیمت نمود، و به انجام وظایف دینی و تدریس و تربیت طلاب  
پرداخت.

ایشان در زمان جنگ جهانی دوم (انجمن خیریه) را در کرمان جهت مساعدت  
مردم بی‌بضاعت و بی‌نوا تأسیس کرد. و پس از شهریور / ۱۳۲۰ ش اقدام به دایر

کردن حوزه علمیه «معصومیه» نمود و عده‌ای از جوانان مهذب کرمان را تربیت و در سلک علوم دینی درآورد.

آیت‌الله صالحی در کرمان مانند علمای سلف با فرقه شیخیه مواجه شد، و با آنان به مبارزه برخاست و از شیوع مرام آنان جلوگیری کرد و از تبلیغات آنها، به وسیله دعوت از مبلغین و وعاظ چون: خطیب شهیر شیخ محمد تقی فلسفی، شیخ مرتضی انصاری قمی و دیگران جلوگیری نمود.

از آثار او: رساله‌ای در مبحث استصحاب.

سرانجام ظهر روز چهارشنبه ۵ / فروردین / ۱۳۶۰ ش مطابق با ۱۸ / جمادی اول / ۱۴۰۱ ق به سن ۸۷ سالگی در پی بیماری در کرمان درگذشت. جسدش صبح روز پنجشنبه در کرمان تشییع شد، و سپس به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

۱ - دکتر شیخ محمد رضا صالحی متوفای محرم / ۱۴۱۴ ق فرزند ایشان می‌باشد.

۲ - محمد صادق.

۳ - محمد حسین.

۴ - دکتر محمد حسن پزشک.

منابع

۱ - آثار الحجة ۳۳۵/۲.

۲ - آینه دانشوران ۲۲۵ (تولدش را ۱۳۱۷ ق دانسته است).

۳ - روزنامه کیهان شماره ۱۱۲۷۷ مورخ ۱۷ / اردیبهشت / ۱۳۶۰ ش ص ۲.

۴ - گزیده‌ای از اسناد مرحوم حضرت آیه‌الله صالحی کرمانی (خطی).

۵ - گنجینه دانشمندان ۳۴۳/۶.

در جزوه گزیده‌ای از اسناد مرحوم حضرت آیه‌الله صالحی کرمانی، به چند

مورد از خدمات ایشان که نزدیک به نیم قرن همچون چراغی منیر بر تارک این دیار درخشید و منشأ خدمات ارزنده‌ای در جهت اهداف عالیۀ اسلام و تنویر افکار عمومی گردید اشاره می‌کند، به شرح زیر است:

### ۱- بازپس گیری مدرسه علمیه معصومیه کرمان

این مدرسه در زمان دوره رضاخانی به صورتی بسیار نامطلوب در اختیار دولت و دارالمساکین در آمده بود، بر اثر تلاشهای ایشان و دیگر مؤمنین از اختیار دولت خارج گردید و با تعمیراتی که در آن صورت گرفت، دوباره به صورت حوزه علمیه درآمد. و با تلاش بی‌وقفۀ ایشان از اساتید جهت تدریس دعوت نمود و با جذب طلاب و محصلین جدید، مدرسه معصومیه دوباره فعال و مرکز نشر اسلامی در کرمان شد. هر چند تا قبل از بازگشایی مجدد این مدرسه، افراد مستعد و علاقمند را جهت فراگیری دروس عالی حوزه به قم گسیل می‌داشت.

### ۲- تدریس ایشان در حوزه علمیه

ایشان با اینکه دارای مدارج علمی بالایی بود، اما به دلیل نیاز و تواضع و خشوع ذاتی خودشان، شروع به تدریس ابتدایی‌ترین دروس حوزه نمود (حتی صرف و نحو)، و پس از تدریس چند دوره مقدمات و دوره سطح، تدریس خارج را نیز شروع کرد، به طوی که نیاز طلاب جهت تکمیل دروس حوزه و عزیمت به حوزه قم تا حدی مرتفع گردید. از لحاظ مادی نیز طلاب را تأمین نموده و حتی برای محصلین کرمانی ساکن قم نیز شهریه داشتند.

### ۳- احیای امور مسجد جامع کرمان

یکی از اقدامات اساسی ایشان، احیای امور مسجد جامع و موقوفات آن بود. زیرا که موقوفات قبل از این معمولاً جذب مسجد نمی‌شد، و از طرفی دیگر مسجد



احتیاج به تعمیرات اساسی داشت که با پشتکار و جدیت نامبرده و سایر مؤمنین، مسجد جامع به صورت آبرومندی و در خور مقام مسجدیت درآمد و عواید موقوفات آن نیز به مجرای اصلی خود برگشت. در ضمن اساس شبستان جدید نیز در مسجد پایه‌ریزی شد که هم‌اکنون این شبستان به نام ایشان معروف است. همچنین از پایه‌گذاری کتابخانه مسجد که این امر با مساعدتهای مرحوم شیخ ابوالقاسم هرنندی صورت گرفت و هم‌اکنون در وسط حیاط مسجد جامع، به عرضه خدمات فرهنگی مورد استفاده می‌باشد.

#### ۴- تأسیس مدرسه صالحیه کرمان

چون بیم تعطیل شدن مدرسه معصومیه از طرف دولت وقت می‌رفت، مرحوم صالحی با کمک افراد متدین و خیر، اقدام به تأسیس این مکان نمودند و در کنار آن کتابخانه مستقلی نیز احداث گردید.

### سید علی اصغر طباطبائی بروجردی (سلطان العلماء)

(ح ۱۲۸۲-۱۳۴۲ ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علامه سید مهدی و نوه سید ابوالحسن طباطبائی بروجردی، ملقب به «سلطان العلماء» از رجال نامی و بزرگ و متنفذ بروجرد بود. وی در حدود سال ۱۲۸۲ ق در بروجرد متولد گردید. و پس از نشو و نما، به تحصیل علوم دینی روی آورد و در اثر اصالت خانوادگی و داشتن امکانات، مردی با نفوذ و شخصیت مهمی به شمار رفت. به همین خاطر در دوره‌های سوم (۱۲۹۳ ش مطابق با ۱۳۳۳ ق) و چهارم (۱۳۰۰ ش مطابق با ۱۳۳۹ ق) از سوی مردم بروجرد به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

نامبرده با حکومت و رژیم آن روز، مخالفت و برخوردهای زیادی نمود و سرانجام در حدود سن ۶۰ سالگی در روز عاشورای سال ۱۳۴۲ ق به طرزی



مشکوک درگذشت و پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - مقبره خاندان طباطبائی بروجردی - به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

۱ - سید محمد طباطبائی سلطانی، نماینده مجلس شورای ملی ۲ - آیت الله سید محمد باقر طباطبائی سلطانی، از اساتید به نام حوزه علمیه قم بود.

## سید علی اصغر عارف بروجردی

(۱۲۸۴ - ۱۳۶۹ ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علی کبر طباطبائی بروجردی، متخلص به «عارف» از فضلا و عرفا بود.

وی در سال ۱۲۸۴ ق از دختر آیت الله شیخ ملا اسدالله بروجردی «حجة الاسلام» در بروجرد زاده شد.

علی اصغر مقدمات را در بروجرد آموخت، سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار اصفهان شد و از سید اسدالله پافله‌ای طریقت اخذ نمود. آنگاه به زادگاهش مراجعت فرمود و خدمت مصطفی وفا علی شاه از مشایخ عرفان رسید. در اواخر عمر باصره‌اش کم دید شده بود.

ابیات زیر از اوست:

روشن از پرتو خورشید رخس خانه کیست  
باز پرسید ز همسایه به کاشانه کیست  
گنج مقصود ندانم که به ویرانه کیست  
کس ندانست که سرمست ز پیمانه کیست  
تا نگویند به او جان تو جانانه کیست

یارب امشب مه من باز به کاشانه کیست  
آنکه شد خانه دل مسکن مألوف غمش  
دل چو ویرانه و من مفلس شهرم لیکن  
دوش به گذشت خرامان ز برم جلوه کنان  
باز آ از در مهر و بنشین با «عارف»

منم که ملک قناعت دل منیر من است  
 منم که زهره مرا مشتری شد و مریخ  
 چو هر دو کون به چشم حقیر کرده خدای  
 نسیم فتاده ز پا چون پیاله شد لبریز  
 است  
 که در سلوک ره حق دلیل و پیر من است

\*

این باغ که میبینی، گاه از تو و گاه از من  
 زاغی به زاری گفت، پیوسته بهاری نیست  
 چون خرمن عمر ما، در معرض تاراج است  
 زود است که می‌گویند، وراثت به یک دیگر  
 ناچار خزان گردد، خواه از تو و خواه از من  
 کم ناله نما دیگر، گل از تو گیاه از من  
 زاری نسزد دیگر، گندم ز تو کاه از من  
 او رفت تهی دست و شال از تو کلاه از من

نامبرده در سال ۱۳۶۹ ق مطابق با ۱۳۲۹ ش در سن ۸۵ سالگی درگذشت.  
 پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.  
 فرزندش سید عطاءالله مصطفوی متخلص به «دلداد» متولد سال ۱۲۸۳ ش  
 در بروجرد (به تذکره حسین حزین ص ۵۱۳ رجوع شود).

❦ منع

۱- تذکره حسین حزین ۵۸۴.

## شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی

(۱۳۲۱-۱۳۸۸ ق)

شیخ علی اصغر فرزند شیخ عبدالعظیم فقیهی قزوینی، از فضلا اساتید حوزه  
 علمیه قم بود.

وی در سال ۱۳۲۱ ق در قزوین زاده شد.

فقیهی پس از فراگیری مقدمات و بخشی از سطح در قزوین، در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت کرد و در مدرسه حاجی سکونت اختیار نمود و از اساتید گرانقدر حوزه، چون: میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سید محمد رضا گلپایگانی سطح را به پایان رساند. او در ایام تعطیل حوزه به اصفهان می‌رفت و در مدرسه جدّه مشغول تحصیل می‌شد. در ضمن وی مدت کوتاهی به نجف اشرف مشرف شد و از محضر آیت‌الله سید محمود شاهرودی استفاده کرد. او پس از بازگشت به قم از محضر آیات: میرزا محمد فیض قمی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره‌مند گردید و خود به تدریس سطوح اشتغال ورزید.

فقیهی در روز سه شنبه ۲۹ / ذی حجه / ۱۳۸۸ ق مطابق با ۲۷ / اسفند / ۱۳۴۷ در سن ۶۷ سالگی درگذشت. پیکرش در انتهای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

لله منابع

۱ - آثار الحجة ۱۰۳/۲.

۲ - آینه دانشوران ۴۲۳.

## میرزا علی اصغر وثوق

(۱۳۰۲ - ۱۳۷۸ ق)

از شاعران و ورزشکاران معروف قم بود.

استاد مهدی عباسی در تاریخ گشتی ایران، نامبرده را چنین معرفی می‌نماید: «از گشتی‌گیران فوق العاده باهوش و فنی، او شعر می‌گفت و آواز خوبی داشت. شغلش حکاکی بود.

در سال ۱۳۰۰ ش که کلاوری گرجی به قم آمده بود، در ساعات فراغت با او تمرین می‌کرد و کشتی ایرانی را به او آموزش می‌داد. در اواخر کار به حلقه



دراویش درآمد.»

عاقبت در روز چهارشنبه ۳ / ذی الحجه / ۱۳۷۸ ق مطابق با ۱۹ / خرداد / ۱۳۳۸ ش در سن ۷۶ سالگی درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - صحن اتابکی - به خاک سپرده شد.

لله منیع

۱ - تاریخ کشتی ایران ۲۵۶/۲.

## علی اکبر آرداقی قزوینی

(۱۳۰۰ - ۱۳۷۷ ق)

علی اکبر آرداقی فرزند شیخ محمد تقی قزوینی، از مجاهدان و مبارزان معروف مشروطیت بود.

او در سال ۱۳۰۰ ق مطابق با ۱۲۶۱ ش در «آرداق» قزوین به دنیا آمد. در سن سه سالگی پدرش را از دست داد. و در ۱۵ سالگی به قزوین و از آنجا به تهران رفت و وارد مدرسه «افتتاحیه» گردید و به تحصیل پرداخت. آرداقی در جریان مشروطیت همراه با برادر خود «قاضی آرداقی» در سلک مشروطه خواهان درآمد. و پس از بمباران مجلس در واقعه «باغ شاه» گرفتار شد. برادرش قاضی آرداقی کشته شد و خودش را به «رشت» تبعید کردند. در آنجا به علت پخش «شب نامه» مورد سوء ظن واقع شده و به زندان افتاد. پس از مدتی او را به خارج ایران تبعید کردند و خود به «بادکوبه» و «ترکیه» رفت و پس از کشته شدن حاکم گیلان، به ایران بازگشت.

پس از بازگشت به ایران در تهران وارد «کمیته مجازات» شد. دختر آرداقی در کتاب «اسرار کمیته مجازات» در این زمینه اینگونه می نویسد:

«برای اینکه به طرز فکر و روحیه او (آرداقی) پی ببریم، لازم می دانم قسمتی از نامه ای را که به یکی از نخست وزیران نوشته است ذیلاً نقل کنم: ... البته مسبوق

هستید که در کابینه و ثوق الدوله آثار شومی برای ایران باقی ماند، که تشکیل پلیس جنوب و اشغال قسمتی از خاک ایران به وسیله قشون تزاری و توقف آنها در پشت دروازه پایتخت، یکی از آثار شوم کابینه مذکور بود. و نیز می دانید که اغلب سیاستمداران آن دوره دانسته یا ندانسته! ایرانی بدبخت را، سوار بر اسب مهاجرت نموده و به یک نقطه موهوم سوق می دادند، که لازم نیست عواقب وخیم این نهضت بچگانه را برای شما تشریح نمایم. و بنا بر این، کمیته مجازات و انجمنهای دیگر بنا به علل فوق تشکیل گردید.

پدرم نظرات و عقاید خود را درباره کمیته مجازات و علت تشکیل آن بارها برایم این طور تعریف و نقل می کرد: ... عملیات کمیته مجازات به ظاهر یک امر جنایی بود و شکی نیست که اصولاً جنایت و آدم کشی یک عمل مذموم و عاملین آن باید به کیفر اعمال غیر انسانی خود رسیده و محکوم به مرگ می شدند. در این صورت با توجه به اینکه من به این مسایل وقوف کامل داشته و از عواقب وخیم کار کمیته مجازات آگاه بودم، ولی چون می دانستم دولت امپراطوری انگلیس موجبات برقراری یک حکومت مقتدر بی باکی را فراهم ساخته که قرارداد ۱۹۱۹ م مقدمه ایجاد چنین حکومتی بود، که کورکورانه دستورات اربابان خود را به مرحله اجرا می گذارد، لذا لازم دیدم با وجدانی پاک و فکری بی آرایش و ایمانی راسخ در برانداختن این ریشه فساد و خیانت قدمی بردارم.

به دلیل فعالیت در این کمیته، آرداقی در یکشنبه ۲۱ / مرداد / ۱۲۹۶ ش دستگیر شد. و پس از دستگیری دفاعیه ای نوشت و طی آن اعتقادش به ترور را تکذیب کرد. او مدت چهار سال زندانی بود و پس از این مدت به قم تبعید شد. یک سال و نیم در آنجا بود، سپس به تهران بازگشت. در بازگشت به تهران ابتدا به خدمت وزارت کشور درآمد، و سپس به وزارت دادگستری انتقال یافت.

از آثار او: دربار شاهی، به چاپ رسیده است.

علی اکبر ارداقی در روز شنبه ۶ / جمادی الثانی / ۱۳۷۷ ق مطابق با ۷ / دی / ۱۳۳۶ ش در سن ۷۷ سالگی بدرود حیات گفت و در جوار مزار علی بن بابویه قم مدفون گردید.

منابع

- ۱ - اسرار تاریخی کمیته مجازات.
- ۲ - زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۱/۱۲۵.
- ۳ - مؤلفین کتب چاپی ۴/۴۸۴.

## شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی

(ح ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰ ق)

شیخ علی اکبر فرزند ملا محمد تقی و نوه ملا محمد سمایی تنکابنی، مشهور به «الهیان» از معاریف و مشاهیر بزرگان صاحب فضل و فضیلت و تقوا بود.

الهیان در حدود سال ۱۳۰۵ ق در قزوین متولد گردید.

پدرش از جمله فقها و بزرگان معروف عصر خود بود. او در شهر رامسر مازندران متولد گردید، و تحصیلات عالی را در سامرا نزد آیت الله



میرزا حسن شیرازی و آیت الله سید اسماعیل صدر به پایان برد و جهت انجام وظایف دینی به قزوین رهسپار شد و در آنجا اعتبار زیادی کسب نمود و موقعیت علمی خوبی به دست آورد و علاوه بر مشاغل اجتماعی به امر تدریس و اقامه



جماعت و ارشاد اشتغال داشت. از جمله آثار قلمی اش به کتابهای زیر اشاره می‌رود: ۱- حاشیه بر نجات العباد، ۲- الفوائد العسكرية، در اصول فقه در دو جلد، ۳- مصابیح در فقه، در سه جلد، ۴- حاشیه بر کتاب عین الاصول (اثر ملا محمد تقی برغانی)، ۵- تقریرات فقه میرزای شیرازی، ۶- تقریرات اصول میرزای شیرازی. ملا محمد تقی سمایی سرانجام در سال ۱۳۲۲ ق در قزوین درگذشت و در چهار پیغمبریه همان دیار به خاک سپرده شد. شرح حال ایشان مفصلاً در کتاب بزرگان رامسر صفحه ۱۵۹ آمده است.

آقا شیخ علی اکبر الهیان مقدمات را در همانجا به سرپرستی پدرش فراگرفت، و در سال ۱۳۲۳ ق یک سال بعد از فوت پدر خود عازم تهران شد، و سطوح عالیّه را در آن شهر تحصیل نمود و به نجف اشرف عزیمت کرد. مدتی کوتاه درس ملا محمد کاظم خراسانی را درک کرد، سپس در نزد سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و دیگر بزرگان عصر تلمذ نمود، و به درجه اجتهاد نایل شد.

وی در حدود ۱۳۳۵ ق به قزوین مراجعت کرد، و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینیّه پرداخت. و در ضمن خدمت عارف و اصل علامه سید موسی زرابادی (متوفی ۱۳۵۳ ق)، به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. در سال ۱۳۴۳ ق به قم رفت و از محضر شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود، و به تدریس سطح پرداخت. در سال ۱۳۴۵ ق به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا اقامت گزید، و مجدداً به قزوین بازگشت.

وی پس از این دائماً در سفر بود و تا آخر عمر به: طالقان، گیلان، قزوین، و رامسر رفت و آمد و در حال تردد بود، و هر جا که می‌رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب می‌پرداخت.

در طول دوران زندگی هیچگاه دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچگاه خانه و مسکن و یا اثاث خانه تهیه ننمود، و با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمری را سپری ساخت. با وجودی که مبالغ زیادی از وجوهات بدو داده می‌شد، هیچ وقت

در آن حقوق تصرف نمی‌کرد، و در دوران زعامت آیت الله بروجردی همه وجوهات را به ایشان می‌داد.

از دانشمند متقی شیخ عبدالحسین لاهیجی «معروف به حاج علامه» - ساکن مشهد مقدس - نقل است: از الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوا و هوسها را از خود دور کردم، و هیچ آمالی در من وجود ندارد.

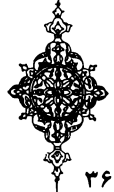
و نیز نقل نموده است: در حدود ۱۳۷۰ ق نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند، آن شب در اطاق کک زیاد بود به حدی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت، الهیان متغیر شد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشید؟ بگوئید برود. لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اطاق خارج شدند، و مدتها در آن اطاق کک مشاهده نگردید.

و همچنین نقل کرد که: شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی برایم بیان نمود: الهیان به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف گردید، و به منزل من وارد شد، موقع خواب برایش رختخواب گذاشتم و از اطاق خارج شدم، پس از چند ساعتی جهت انجام کاری بدان اطاق رفتم، دیدم الهیان نشسته و زانو را در بغل گرفته، گفتم: آقا دائی فرش گذاشتم چرا نمی‌خوابید؟ فرمود: پا را که برای خواب دراز کردم متوجه شدم به طرف حضرت است، به این طرف برگرداندم دیدم به سوی عکس آقای بروجردی است، که یک مرتبه شمایلش در مقابلم مجسم شد. لذا به احترام حضرت رضا علیه السلام و آقای بروجردی که سید جلیل القدری است این طور استراحت می‌کنم، من فوراً جای او را تغییر دادم.

اجمالاً نامبرده از افراد بزرگ عصر ما، و دارای روحی بسیار قوی بوده، و دهها کرامت از آن مرحوم نقل شده است.

### درگذشت

الهیان در چند سال اخیر بیشتر اوقات را در یکی از روستاهای طالقان



می‌گذراند، تا اینکه در اوائل زمستان ۱۳۳۹ ش مریض شد. مرض ایشان شدت گرفت و در بیمارستان هشتروندی تهران بستری گردید، در روز سه‌شنبه ۱۳ / بهمن / ۱۳۳۹ ش مطابق با ۱۵ / رجب / ۱۳۸۰ ق در بیمارستان مذکور بدرد حیات گفت. جنازه‌اش به قم حمل شد. آیت الله بروجردی برایشان نماز گذارد (وگویا این آخرین نماز میتی بود که بروجردی خوانده بود) و در قبرستان وادی السلام - در مقبره خانوادگی مرحوم حاج علی رضا احمد نژاد رامسری - به خاک سپرده شد.

شیخ محمد تقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می‌رسید، از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش بوده نقل نمود: چند لحظه قبل از فوت، ایشان به من فرمود: زیر بغلم را بگیرید تا بنشینم. او را نشاندم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرد و مؤدب نشسته به یک نقطه معینی نگاه می‌کند، و لبان را تکان می‌دهد. گویا با کسی صحبت می‌کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید، و به رحمت ایزدی پیوست. در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشامان رسید. وی دارای دو پسر شد: یکی به نام آقا محمد (دارای لیسانس ادبیات عرب) و دیگری آقا حسن، که هر دوی آنها دبیر آموزش و پرورش و ساکن تهران می‌باشند.

منع

۱ - بزرگان رامسر ۱۰۴.

## میرزا علی اکبر اهری

(۱۲۷۰ - ۱۳۵۵ ق)

میرزا علی اکبر فرزند شیخ ملا عبدالله اهری، از فقها و علمای برجسته تبریز بود. در سال ۱۲۷۰ ق در اهر دیده به جهان گشود.

در حوزه تبریز

پس از آموختن مقدمات به تبریز مهاجرت کرد، و پس از طی دوره سطح،

دروس خارج را از محضر آیات: میرزا موسی تبریزی (صاحب اوثق الوسائل) و میرزا حسن مجتهد تبریزی استفاده نمود، و خود اقدام به تشکیل حوزه درسی کرد، و عده‌ای از بزرگان را تربیت و پرورش داد، که از جمله آنان حضرات آیات: ۱- میرزا احمد اهری (برادر زاده‌اش) ۲- میرزا قاسم گرگری ۳- شیخ علی اکبر نحوی اهری ۴- میرزا علی اصغر باغمیشه‌ای ۵- میرزا مهدی ششگلانی.

### آثار از بین رفته

ایشان دارای آثار قلمی بود که همه آنها در اختلافات مشروطه از میان رفت، از جمله آنها:

۱- حاشیه بر فصول، در اصول فقه.

۲- حاشیه بر قوانین الاصول.

۳- حاشیه بر مطول.

### نقل یک داستان

نواده ارجمند ایشان آیت الله شیخ محمد علی اهری (مقیم تبریز) از مرحوم آیت الله میرزا احمد اهری نقل کردند، که روزی از ایشان پرسیدم که: مرحوم جد امجدم از لحاظ علم و عمل چگونه بود؟  
میرزا احمد، چنین پاسخ دادند: از لحاظ عمل مردی خود ساخته، زاهد و عابد بود، و باید او را به فرشته تشبیه کرد.  
و اما از لحاظ علم: از حضرات آیات میرزا فتاح شهیدی و میرزا رضی زنوزی اعلم بود.

### درگذشت و اعقاب

وی در سال ۱۳۵۵ ق مطابق با ۱۳۱۵ ش در سن ۸۵ سالگی در تبریز

درگذشت، و ابتدا در قبرستان شتریان مدفون شد، و بعداً جنازه‌اش به قم مقدس انتقال داده شد و در شاهزاده ابراهیم علیه السلام مدفون گردید.

### فرزندانش:

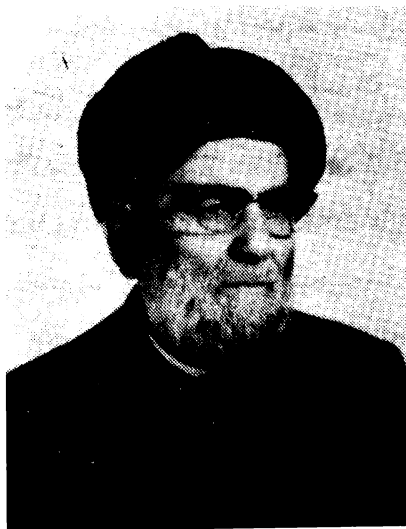
۱ - میرزا رضا که از علماء بود ۲ - میرزا تقی ۳ - میرزا نقی.  
شایان ذکر است که دائی آن مرحوم آیت الله میرزا عبدالغنی اهری (قراچه داغی)، متوفای ۱۳۱۶ ق، از بزرگترین دانشمندان عصر خود بود، که در تبریز سکونت داشت، و از وی (حاشیه بر ریاض المسائل) بر جای مانده و اکنون در دست نواده مرحوم اهری می باشد. به نقباء البشر ۱۱۵۰/۳ رجوع شود.

❦ منع

۱ - افادات نواده معظم له، آقای شیخ محمد علی اهری.

## سید علی اکبر برقی قمی

(۱۳۱۷ - ۱۴۰۷ ق)



حاج سید علی اکبر برقی قمی  
فرزند سید رضی الدین رضوی، متخلص  
به «کاشف» از فقها و دانشمندان  
روشنفکر و نویسندگان پُرکار حوزه  
علمیه قم بود.

او در ۱۱ / رمضان / ۱۳۱۷ ق  
مطابق با سال ۱۲۷۸ ش در شهر قم از  
مادر زاده شد، آموزش مقدماتی را در  
مکتب فراگرفت و از همان کودکی به  
تحصیل دانش دل بست و در فراگرفتن



علوم علاقه وافر از خود نشان داد، چندانکه مایه شگفتی گردید. از آن پس به تحصیل علوم دینی و ادبی پرداخت و با سرعت مراحل تحصیل را طی کرد و به مدارج عالی علمی دست یافت.

برقعی، از حافظه‌ای نیرومند و سرشار برخوردار بود، به همین جهت تحصیلاتش با سرعت پیش رفت. هنوز دوره بیستم از سالیان عمر را طی نکرده بود که در علوم متداوله زمان خود بارز گردید و حلقه درسی به وجود آورد و دانش پژوهان را بهرورانید و با همان جدیت، پشتکار، دانش پژوهی را دنبال کرد و در بیست سالگی پا به مرحله اجتهاد گذاشت و از مراجع مهم زمان اجازه اجتهاد کسب کرد.

اساتیدش در ادب: شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول: میرزا محمد ارباب و شیخ حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم قمی «کبیر» و درس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و میرزا محمد حسین نائینی (در قم) و سید ابوالحسن اصفهانی (در قم) و معقول را از: میرزا محمد ارباب و میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود، سپس به تدریس فلسفه و کلام اشتغال ورزید.

پس از ورود آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم و تأسیس حوزه علمیه، برقعی یکی از مشاوران او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می کرد. ایشان عقیده داشت که تحصیلات طلاب باید با برنامه پیش رود و از طلاب باید امتحان به عمل آید تا آنان که صلاحیت تحصیل دارند بمانند و در ضمن معتقد بود که طلاب باید با زمان پیش بروند و با علوم جدید آشنا شوند. به هر حال، او از یاوران حاج شیخ عبدالکریم حائری در سرو سامان دادن به وضع حوزه بود و تا حد زیادی هم در بهبود وضع حوزه علمیه اصلاحات به عمل آمد. او نماز جماعت را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام بر پا می نمود.



اما آنچه بیش از مقام دانشمندی در او نمودار بود، روش مخصوصش در زندگی بود که از دیگر روندگان ممتاز بود. او عارفی وارسته و عالمی آزاد اندیش و نویسنده‌ای محقق بود و در کارهای خوب اجتماعی تا جایی که توانایی داشت پیش رفت و در سال ۱۳۱۳ ش در قم دبستان حیات و در سال ۱۳۱۵ ش دبیرستانی تأسیس کرد که سپس هر دو به نام «سنایی» موسوم گردید.

برقی، در زمان جنگ بین الملل دوم که آذوقه نایاب، و مردم در تنگنا و سختی، و فقرا و بینوایان از گرسنگی رنج می بردند، نتوانست بی تفاوت باشد. از این روی به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوائی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت نمود و خود اوقاتش بیشتر مصروف در ماندگان می شد و خانه‌اش پناهگاه بینوایان و فقیران بود و با کمال برد باری و بلند نظری مشکلاتشان را حل می کرد.

برقی در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز بی تفاوت نبود، هر زمان که لازم بود از دولتها انتقاد می کرد و دردهای اجتماعی را با مقامات مسؤول در میان می گذاشت، اما کمتر گوش شنوایی بود. او از کسانی بود که عمیقاً با جنگ و خونریزی مخالف بود و دولتهای بزرگ را مسبب جنگها می شمرد و جنگ را نمونه توحش انسان می دانست. او نه تنها با جنگ مخالف بود، بلکه با هر ستیزه جویی و اختلاف و کشمکش و منازعه شخصی هم مخالف بود و در جنگ جهانی دوم که آمریکا از سلاح اتمی استفاده کرد و دو شهر ژاپن را با بمردمش به کام مرگ کشاند و در جنگ کره که آمریکا آن همه فجایع را مرتکب گردید، نهضت جهانی صلح در اروپا به وجود آمد و فرانسه پایگاه نهضت جهانی صلح شد و در کشورهایی نهضت صلح گسترش یافت و در سال ۱۳۲۹ ش در ایران نیز «جمعیت هواداران صلح» به ریاست استاد محمدتقی ملک الشعرا «بهار» تشکیل گردید و چون از منویات آیت الله برقی در موضوع جنگ اطلاع داشتند، از او خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد شاه تهران تحت عنوان «صلح و

نیروی نگهبانی» ایراد کرد که جمعی از روحانیون و نمایندگان مجلس و مقامات دولتی در آن شرکت کردند و شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» از آن او بود که شهرت یافت و به همین منظور دو سفر به کنگره جهانی صلح دعوت شد و به «پاریس» و «وین» در سال ۱۳۳۱ ش رفت و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان، ندای صلح را سر داد و سخنرانی کرد و پس از مراجعت از سفر اروپا هیأت حاکمه به دستور آمریکا او را از قم به شیراز و بعداً به یزد تبعید کرد و مدت چهارده سال این تبعید طول کشید و سپس به قم بازگشت.

ایشان در روز شنبه ۸ / ذی الحجه / ۱۴۰۷ ق مطابق با ۱۳ / مرداد / ۱۳۶۶ ش در قم در سن ۹۰ سالگی چشم از جهان فرو بست و روز بعد پس از تشییع در قبرستان باغ بهشت - مقبره خانوادگی - مدفون گردید.

برقی در ادب اطلاعات وسیعی داشت، به خصوص درباره زبان فارسی. و معروف است که می گفت: زبان فارسی اسپرانتوی زبان هاست، اما هنوز نظم درست آن را نجسته، دستورها و فرهنگهای پراکنده پیرامون آن پرداخته اند. ولی در شعر با آنکه از آغاز جوانی به آن دلبنده و به حفظ آن اهتمام داشت تا بیست سالگی به نظم شعر نپرداخت و از آن پس که به نظم شعر پرداخت، اهتمامی به ضبط آن نداشت. ناظم الملک «ضیائی» که مردی ادیب و هم شاعر بود در یکی از روزها که به دیدنش آمده، دفتری با خود آورد و درخواست کرد که سراییده های خود را در این دفتر ثبت کنید و از این پس به ضبط آنها اهتمام ورزید. با این وصف قسمتی از اشعارش از میان رفت و این مقدار که مانده نزدیک به دو هزار بیت که در سال ۱۳۵۱ ش طبع و نشر گردید.

### از آثار او

۱ - بامداد روشن در صلح امام حسن علیه السلام.

۲ - تذکره مبتکران.

- ۳- جلوۀ حق در سیرت امام علی علیه السلام.
- ۴- چرا از مرگ بترسیم، ترجمه.
- ۵- درج گهر در سخنان سیدالبشر صلی الله علیه و آله.
- ۶- درر الکلم در کلمات قصار امام علی علیه السلام.
- ۷- راهنمای دانشوران، در سه جلد.
- ۸- راهنمای دینداران.
- ۹- راهنمای قم (در تاریخ قم).
- ۱۰- سیاست نامه حضرت علی علیه السلام.
- ۱۱- شیعه یا پدید آورندگان متون اسلام، ترجمه.
- ۱۲- کاخ دلاویز یا تاریخ شریف رضی.
- ۱۳- کانون احساسات در واقعه کربلا.
- ۱۴- کلمات قصار امام جعفر صادق علیه السلام.
- ۱۵- مهر تابان در سیرت علی علیه السلام.
- ۱۶- هدايا العقول فی المأثور عن آل الرسول صلی الله علیه و آله.
- ۱۷- الروض المنی، در حکمت و ادب، در دو جلد.
- ۱۸- السراج الوهاج فی أسرار المعراج.
- ۱۹- الناهية عن الفحشاء (فی اسرار الصلاة).
- ۲۰- رهبر دانشوران، در معروفین به القاب و کنیه‌ها.
- ۲۱- شرح خطبه حضرت فاطمه علیه السلام.
- ۲۲- لب اللباب در امر حجاب.
- ۲۳- راه نو در جهان شناسی.
- ۲۴- تبصره معلمان، در نحو.
- ۲۵- تذکره معلمان، در صرف.

۲۶ - شرح قصیده عینیه سید حمیری.

اشعار زیر اثر طبع ایشان است:

|                             |                             |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ای پای خرد به راه پویا باش  | ای دست هنر به کار کوشا باش  |
| ای طایر عقل کز تو شد پیدا   | اسرار نهفته سد ره پیما باش  |
| ای جلوه علم کز تو حیرت زاد  | پیوسته به دهر حیرت افزا باش |
| ای طلعت داد کز تو دلها شاد  | در حکم شهبان همراه پیدا باش |
| ای دست سخا که از تو شد آباد | دنیای بشر بسان دریا باش     |
| ای پیر جهان ز بعد فرتوتی    | از فرّ فروغ علم برنا باش    |
| ای چشم به عیب خویشتن بنگر   | و زدیدن عیب مردم اعمی باش   |
| در پیش حوادث توانفرسا       | ای قلب چو کوه پای بر جا باش |

✱

|                              |                              |
|------------------------------|------------------------------|
| در راه کمال نفس رفتن گیر     | وز تیرگی درون مصفاً باش      |
| اندر ره کسب کمترین دانش      | چون ذره زپای تا به سر پا باش |
| بر ذلت مستمند رحمت آر        | و زحالت دردمند جویا باش      |
| بیرون ز جهان ملک منزل گیر    | برتر زیرین سپهر مینا باش     |
| مشهور به فضل و هوش و حکمت شو | معروف به نام نیک و تقوا باش  |
| دلشاد مشو به نام بی معنی     | خرسند به اسم با مستی باش     |
| منظور عموم اهل دانش شو       | محسود یهود و گبر و ترسا باش  |
| توأم به عمل نمای دانش را     | در علم و عمل حکیم والا باش   |
| دیباچه دفتر سعادت شو         | بر لوحه کار نیک طغرا باش     |
| با مردم اگر چه تندخو باشند   | نیکو روش و گشاده سیما باش    |
| با روی گشاده از دل و خاطر    | اندوه زدا چو روی صحرا باش    |
| در بزم کسان چو شمع روشن باش  | در رزم خسان چو تیغ بُرّا باش |
| ز آلودگی جهان منزّه شو       | برتر ز فضای تنگ غبرا باش     |



امروز به کار خویشتن پرداز      فردا چو شود به کار فردا باش  
در دادن پسند و گفتن حکمت      «کاشف» به ادب هماره گویا باش

سوز هجر

گر بخت کند یاری بر زلف تو آویزم      اندر شکن زلفت صد شور برانگیزم  
بارد به تنم گر تیر از تیر نتابم سر      آید به سرم گر سنگ از سنگ نپرهیزم  
در کنند کوه جان چالاک چو فراهم      در دادن نقد دل بی‌پاک چو پرویزم  
آن روز که من دیدم، بی‌پرده رخت، گفتم      سوگند بدان رویت با حور نیامیزم  
خاک سر کویت را رویم به سر مژگان      گرد کف پایت را در دیده فرو ریزم...

فرزندانش:

۱ - سید محمد باقر ۲ - سید محمد ۳ - دکتر هبة‌الدین ۴ - سید محسن.

منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۲۰۱.
- ۲ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۲۹۸.
- ۳ - تاریخ قم ۲۷۸.
- ۴ - رجال قم ۱۳۲.
- ۵ - ریحانة الأدب ۱۵۴/۱.
- ۶ - سخنوران نامی ایران ۲۹۲۴/۵.
- ۷ - سخنوران نامی معاصر ۱۹۰/۱.
- ۸ - علمای معاصرین ۲۸۸.
- ۹ - فرهنگ شاعران زبان پارسی ۴۶۸.
- ۱۰ - فهرست کتابهای چاپی فارسی طبری ۲۹۱/۱.
- ۱۱ - گنجینه دانشمندان ۳۸۹/۴.
- ۱۲ - مؤلفین کتب چاپی ۴۹۱/۴.
- ۱۳ - نگین سخن ۴۹۱/۵.

## سید علی اکبر پیشوائی یزدی

(۱۲۸۸ - ۱۳۷۴ ق)



حاج سید علی اکبر فرزند سید رضا  
حسینی عزآبادی یزدی، ملقب به  
«پیشوائی»، از علما و مدرّسین حوزه  
علمیه قم بود.

وی در سال ۱۲۸۸ ق در روستای  
(عزآباد) از توابع یزد متولد گردید.

ایشان پس از فراگیری مقدمات،  
دروس سطح را نزد اساتیدی چون: سید  
علی مدرّس طباطبائی، سید مرتضی  
مدرّس طباطبائی (معروف به شیخ  
مرتضی)، سید یحیی مدرّس، ملا  
ابراهیم لاری، سید ابراهیم مهریزی و

شیخ علی مسگر یزدی به پایان رساند. و در سال ۱۳۱۷ ق به مشهد مقدس رهسپار  
و از محضر علامه سید علی حائری یزدی و در سبزواری از محضر میرزا حسین بزرگ  
سبزواری و میرزا محمد اسماعیل تهرانی در علوم عقلی، استفاده شایان نمود.  
مرحوم پیشوائی در سال ۱۳۲۴ ق به عتبات عالیات رفت و در نجف اشرف از  
محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی  
بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۴۱ ق به قم عزیمت کرد و به تدریس و اقامه جماعت در  
مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و دیگر وظایف دینی اشتغال ورزید.

نامبرده در اواخر / شعبان / ۱۳۷۴ ق مطابق با اواخر / فروردین / ۱۳۳۴ ش در  
سن ۸۶ سالگی در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان شیخان مدفون شد.

فرزندانش:

- ۱ - علامه سید محمد حسن پیشوائی، از علمای فعلی «البیتر» خرم آباد ۲ - سید احمد ۳ - سید مهدی غریق که در خوزستان غرق شد ۴ - سید حسین.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۵۸/۲
- ۲ - آینه دانشوران ۱۷۳.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۹۷/۲.

## میرزا علی اکبر تابش اصفهانی

(ح ۱۳۰۵ - ۱۳۷۰ ق)

حاج میرزا علی اکبر تابش فرزند حاج میرزا مهدی اصفهانی، از فضلای پارسا و از اعضای قدیمی «انجمن ادبی شیدا» اصفهان بود. اشعارش در «مجله دانشکده» دوره اول به طبع می‌رسید.

او در شب سه‌شنبه ۱۵ / شعبان / ۱۳۷۰ ق مطابق با ۳۱ / اردیبهشت / ۱۳۳۰ ش در سن حدود ۶۵ سالگی در تهران وفات یافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به شماره (۱۳۱۳۱) قم مدفون شد. دیوانی دارد در حدود دو سه هزار بیت شامل انواع فنون سخن می‌باشد، از اشعار اوست:

در مدیح حضرت ثامن الائمه علیه السلام گوید

سحرگاه است و صحرا و نسیمی مشکبار آید

مرا اندر مشام جان شمیم کوی یار آید

مگر بر زلف مشکین شانه زد در خلد حور العین

که باد صبحدم با نکته مشک تترار آید



شی روشن‌تر از روز است و نور از طارم اعلی  
بقتدیل فلک پیوسته از بهر نثار آید

شی چون روز و ماه چارده در گنبد گردون  
چو خورشید جهان آرا به چشم اشکبار آید  
شی نورانی و باغ و چمن سرسبز و مینو فر  
نوای قمری و بلبل بگوش از شاخسار آید  
مگر شد خیمه لیلی نمایان اندر این صحرا  
که اندر چشم مجنون اینچنین لیلی، نهار آید  
همانا خطه طوس است کز هر خطه‌اش مارا  
یکی جان گرامی اندر این جسم نزار آید  
کلیم از لَنْ تَزَانِی گرچه شد مأیوس در سینا  
بمدین وادی بی‌دیدار یار امیدوار آید  
همایون گنبد زرفام او از دور شد رخشان  
و یا از طور سینا این تجلی آشکار آید  
فروزان کوکب دری عیان از شمسۀ کاخش  
از این مصباح ظاهر نور کم تَمَسُّهُ نَار آید  
همانا بیت معمور است این کز عالم بالا  
مَلک بهر طوافش بی‌حساب و بی‌شمار آید...

منبع

۱ - تذکره شعرای معاصر اصفهان ۱۲۲.

شیخ علی اکبر تبریزی «واعظ»

(۱۳۰۸ - ۱۳۷۵ ق)

حاج شیخ علی اکبر تبریزی غروی عزیزی (واعظ) در ۲۳ / رمضان / ۱۳۰۸ ق

در تبریز متولد شد.



آقا شیخ علی آقا

وی از وعظ و گویندگان شهیر بود که در اواخر عمر خود به تهران رفت و در پایتخت شهرت بسزائی یافت. وی مردی بلند بالا و دارای محاسن سفید بود و به قدری شیرین و جذاب سخن می‌گفت، که درست مصداق شعر حافظ می‌شد:

ترکان پارسی گو بخشندگان جانند  
بنابر فرمایش استاد معظم حضرت  
آیه‌الله سید ابوالقاسم کوکبی تبریزی  
دام‌الله که محضر ایشان را نیز درک کرده:

تحصیلات مرحوم واعظ در تبریز بود، و در سالهای آخر عمر چند ماه از سال را در نجف اشرف بسر می‌برد و در مسجد عمران به وعظ و ارشاد اشتغال داشت، و منبر بسیار جالب و سودمندی داشت.

باری وی روز پنجشنبه ۱۴ / رمضان / ۱۳۷۵ ق مطابق با ۶ / اردیبهشت / ۱۳۳۵ ش به موقع افطار در تهران به سکنه قلبی دچار و بدرود زندگی گفت، و در روز جمعه با تشییع کم نظیری او را به قم انتقال دادند، و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد.

مخفی نماند که حجة الاسلام شیخ رضا سقازاده واعظ یکی از دست‌پروردگان ایشان بود.

منابع

۱ - آینه دانشوران ۷۰ آورده: جسدش به نجف اشرف حمل شد، قطعاً اشتباه است).

۲ - گنجینه دانشمندان ۳۸۵/۲.

## میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی»

(ح ۱۲۶۴ - ۱۳۴۴ ق)



میرزا علی اکبر یزدی متخلص به  
(تجلی) و معروف به «حکیم الهی» و  
«حکمی» فرزند حاج میرزا ابوالحسن  
تاجر اردکانی - مقیم یزد -، از حکما و  
فلاسفه گرانقدر قرن چهاردهم قمری به  
شمار می رفت.

او در حدود سال ۱۲۶۴ ق در شهر  
یزد متولد شد.

میرزا علی اکبر تحصیلات  
مقدماتی، فارسی و صرف و نحو عربی  
و فقه را نزد اساتید یزد فراگرفت، بعداً  
راهی شهر اصفهان شد. یکی از

شاگردان ایشان نقل کرده است که میرزا علی اکبر گفته بود: «مدت چهار سال که در  
اصفهان به تحصیل اشتغال داشتم، جز مدرسه تا راه حمام جای دیگری را در  
اصفهان بلد نبودم».

این مطلب می رساند علاقه ایشان به تحصیل تا آن اندازه ای بوده، که به خود  
اجازه گردش و حتی دیدن شهر اصفهان را در مدت چهل سال نداده است. در  
اصفهان از محضر حکمائی چون: شیخ محمد رضا قمشه ای و میرزا جهانگیر خان  
قشقائی استفاده نمود.

بعد از خاتمه دوره تحصیل اصفهان، به تهران عزیمت نموده، و در مدرسه  
شیخ عبدالحسین اقامت داشته، و از ارث پدری خانه ای در تهران تهیه و از محضر

میرزا ابوالحسن جلوۀ اصفهانی در حکمت و فلسفه بهره مند گردید.

نظر به اینکه خوهری در قم داشته (مادر علامه میرزا علی ناسوتی)، با وساطت این خواهر عیال در قم اختیار کرده و از سال ۱۳۲۷ ق در قم سکونت گزید، و در اواخر سال ۱۳۴۴ ق در پی بیماری وفات کرده. گفته شده: متجاوز از ۸۰ سال زندگی کرده، در قبرستان شیخان - جوار قبر میرزای قمی - مدفون شد.

یکی از شاگردان ایشان بدیع الملک میرزا دولتشاه بود که سالهای زیادی را در درس و مصاحبت ایشان حضور یافته، و تقریر دروس را تحریر می کرده است. از جمله: کتاب «الدرة الفاخرة» تألیف ملاعبدالرحمن جامی و کتاب «المشاعر» تألیف ملا صدرا که در سالهای اخیر به طبع رسیده است، در مقدمۀ کتاب الدرة الفاخرة درباره استاد خود - حکیم یزدی - چنین نوشته است:

«این بنده محتاج به فضل ربّه الکریم را موجب اجری و در عالم یادگاری باشد، تا در سنه ۱۳۰۷ ق موفق شد که رسالۀ موسومه به «الدرة الفاخرة» را که تألیف مولانا المحقق المدقق العارف الكامل، ملاعبدالرحمن جامی می باشد، و جامع اصول مطالب و عمده مقاصد در این علم است، در خدمت جناب عمدة الحکماء الإلهیین و قدوة الفضلاء المتألهیین، الوحيد الموحّد، و الفريد المتفرد، المدرّس فی المعقول و المنقول، و الفروع و الأصول، آقای میرزا علی اکبر یزدی - دامت افاداته - استفاده نمود و شرح بر آن رساله مقرر داشتند و به ملاحظه صحت استاد رسانیده و در خاتمة کتاب، افادۀ مختصری در «مسأله وجود» از عبدالرحمن جامی به نظر رسید و شرحی بر آن نوشته اضافه نمودند...».

و نیز در مقدمۀ کتاب المشاعر ملاً صدرا نوشته است:

«این بنده کتاب المشاعر را در خدمت استاد، جناب مستطاب عمدة الحکماء و المتألهیین، وزبدة العلماء المتشرّعين، المحقق الكامل و العارف الواصل، آقای میرزا علی اکبر یزدی المدرّس - دام افضاله - استفاده نمود، و بیانات ایشان را جمع و به رشته تحریر درآورد و به نظر استاد رسانید، و آن را کتابی نمود موسوم به عماد الحکمة».

سید علیرضا مدرسی یزدی «ریحان»، مؤلف کتاب آینه دانشوران، در شرح حال آن مرحوم چنین می نویسد:

«ابومحمود میرزا علی اکبر ابن ابوالحسن یزدی، یکی از متألّهین عالیقدر است که در روزگار حائری یزدی در حوزه علمیّه قم به تدریس معقول می پرداختند و بسیاری از فضلا و دانشمندان از مجلس درس حضرتش استفاده کرده اند».

وقتی شاهزاده بدیع الملک میرزا ملقب به «عماد الدوله» حکمران یزد بود، از آن جناب خواهش کرد رساله ای به فارسی مشتمل بر مسائل مهمّه حکمت الهی بنویسند. ایشان نیز اجابت کرد و به طور موجز خلاصه مسائل را به پارسی روشن نگاشت، و قسمتی از نسخه شریفه را سید طه موسوی اصفهانی، که از طلاب مدرسه رضویه قم بود، به سال ۱۳۵۳ ق به خواهش من بنده (ریحان) از روی نسخه خطی که نزد میرزا علی ناسوتی یزدی، خواهرزاده حکیم نامبرده بود، نوشته است. نام آن تألیف رساله عمادیه است».

از جمله اساتیدی که در سالهای اخیر در پژوهشها و تحقیقات فلسفی آثار حکمای اسلامی به معرفی شخصیت حکمی یزدی توجه، و در مقام شناساندن حکما و فلاسفه برآمده اند، استاد محترم دانشگاه تهران آقای دکتر علی موسوی بهبهانی می باشد که در مقدمه کتاب الدرة الفاخرة، پس از نقل مآخذ معتبر در شرح حال حکیم یزدی چنین یادآور می شود:

در آغاز مقدمه متذکر شدیم که شرح و ترجمه کتاب الدرة الفاخرة به قلم عماد الملک است، ولی به واقع وی بیانات استاد خود، یعنی فیلسوف متأخر حوزه علمیّه قم، آقای میرزا علی اکبر یزدی، معروف به «حکیم» را تحریر کرده است.

در باب ترجمه حال فیلسوف یزدی، متأسفانه نگارنده اطلاعات دقیق و مستندی در اختیار ندارد. ولی قدر مسلم آن است که وی از بزرگترین اساتید فلسفه اسلامی در قرن اخیر، در حوزه علمیّه قم بوده است. و بنا بر آثاری که به واسطه از ایشان باقی مانده و مورد مطالعه نگارنده قرار گرفته است، ایشان از مبرزترین

مدرّسین قرنِ اخیر برای فلسفه صدرالمتألهین بوده‌اند. شرح و ترجمه کتاب المشاعر ملا صدرا که به قلم عمادالدوله است و توسط انجمن ایران و فرانسه تصحیح و طبع شده است، در واقع و حقّاً بیانات و تقریر دروس آقای میرزا علی اکبر حکیم یزدی می‌باشد. و از آن شرح المشاعر، تضلّع و تبخّر استاد در مشرب فلسفی ملا صدرا به خوبی استنباط و درک می‌شود، و همچنین از مطالعه شرح الدرة الفاخرة، جامعیت استاد در شعب علوم عقلی، یعنی، کلام و فلسفه و تصوّف روشن و آشکار می‌شود.

اخیراً نسخه خطّی از رساله‌ای به نام «حکمت عمادیّه» مورد مطالعه قرار گرفت که از مترجم همین کتاب است، و آن نیز تحریر تقریرات استادش، یعنی، میرزا علی اکبر حکیم یزدی است. نکته قابل ذکر اینکه رساله مذکور شرحی ملخّص از حکمت اشراق است که با بیان ساده نگارش یافته. این موضوع نمایان گر این است که حکیم یزدی در حکمت اشراق نیز تبخّر داشته است.»

در کتاب تاریخ حکمای متأخّر بر صدرالمتألهین، حکمی یزدی را در زمره اولین طبقه تلامیذ عارف کامل شیخ محمد رضا قمشه‌ای، معرفی نموده‌اند. و در شرح احوال سید محمد کاظم عصّار تهرانی، متذکّر شده‌اند که عصّار، ریاضیات قدیم را در مدرسه شیخ عبدالحسین تهران، نزد میرزا علی اکبر مدرّس یزدی فرا گرفته است. ضمناً چون علامه حکمی طبع شعر نیز داشته‌اند، از جهت حسن ختام، چند بیت از اشعار ایشان را نقل می‌نمایم:

آن‌که دل برد و زمن گشت نهان روی تو بود

وان که کُشتم به دو شمشیر، هم ابروی تو بود

خوش شیمی که نه هرگز بزداید زمشام

نکته لعل تو و رایحه بوی تو بود

لاله‌سان داغ نهادم به دل از آتش عشق

در گلستان قدّم خال چو هندوی تو بود



آن که مدهوش نمودم زمی و سحر حلال  
 شهد آب دهن و دیده جادوی تو بود  
 کشدم آن که به زنجیر و رسن سوی توام  
 تار گیسوی تو و سلسله موی تو بود  
 خم گیسوی توام دور زده همچو کمند  
 خوشدل آن صید که در حلقه گیسوی تو بود  
 می توان یافت خلاصی ز کمندت؟ هیئات  
 رو به هر جا که نهادیم همه سوی تو بود  
 شرط انصاف نباشد که به خود ره ندهی  
 آن که دائم به امید تو سرکوی تو بود  
 تشنه آب حیات است «تجلی» را دل  
 جرعه ای بخش که دائم به لب جوی تو بود

✱

ای دل افسرده تا کی در قفس مانی خموش  
 در گلستان اندر آ چون بلبلان با صد خروش  
 گرچه سر عشق نتوان فاش کردن در جهان  
 می توان در پرده گفتن رازها با اهل هوش  
 پخته گردانید این دلهای خام از تاب عشق  
 کز فروزان آتش او سنگ می آید به جوش  
 در فنا گر چشم و گوشت رفت، هوش هست پاک  
 کو به عاریت دهد از خویشتن چشمی و گوش  
 جام دل لبریز کن از می که ناگه بشنوی  
 هاتف غیبی که می گوید گوارایت بنوش  
 کی به کوشش وصل یابی گر نباشد لطف دوست  
 لیک پشتاب اند این ره تا توانی و بکوش



پس به چشم یار بینی این زمان اغیار را  
وز درون پرده بینی پرده‌دار پرده‌پو  
گر غریق بحر عیبی ای دریغا غم مخور  
کو رحیم است و کریم است و غفور و عیب پوش  
گرمی وحدت «تجلی» نوشی از دست حبیب  
تا ابد مدهوش مانی و نمی‌آیی به هوش

### از آثار قلمی‌اش

- ۱ - حاشیة علی الاسفار.
- ۲ - حاشیة علی الفصوص.
- ۳ - حاشیة علی القوانین (اثر میرزای قمی).
- ۴ - رسائل حکمیة (شامل چند رساله در حکمت).
- ۵ - رساله‌ای مختصر در هندسه.
- ۶ - رساله عمادیة (در حکمت الهی).
- ۷ - رساله معرفة النفس و معرفة الرب.
- ۸ - شرحی بر رساله مسألة الوجود (از جامی).

### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲۱۶/۱.
- ۲ - آینه دانشوران ۷۱۸.
- ۳ - تاریخ حکمای متأخر بر صدرالمتألهین ۶۳.
- ۴ - تاریخ قم ۲۷۷ (سال مرگش اشتها ۱۳۵۴ ق آمده است).
- ۵ - تذکرة شعرای یزد ۳۸۸.
- ۶ - خدمات متقابل اسلام و ایران ۶۵۷/۲.
- ۷ - مقدمه رسائل حکمیة، به قلم فرزندش جناب آقای محمود حکمی یزدی است.
- ۸ - مؤلفین کتب چاپی ۴۹۷/۴.



## شیخ علی اکبر حکیمی یزدی

( ۱۳۲۲ ق )

شیخ علی اکبر فرزند محمد مهدی یزدی معروف به « حکمی »، از اندیشمندان و حکمای مشهور بود.

وی تحصیلات عالی خود را در حکمت و فلسفه نزد شیخ محمد رضا قمشه‌ای برای مدت طولانی و منقول را از محضر آیات: میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی و شیخ محمد حسن آشتیانی در تهران استفاده نمود، و در منقول از آشتیانی اجازهٔ اجتهاد دریافت کرد و در حکمت چنان ورزیده شد که به « حکمی » شهرت یافت. نامبرده پس از نیل به مدارج عالی علم، به قم مهاجرت کرد و به تدریس معقول و منقول پرداخت.

### از آثار قلمی او

- ۱ - حاشیه علی الرسائل.
  - ۲ - حاشیه علی الشواهد الربوبية.
  - ۳ - حاشیه علی المکاسب.
  - ۴ - حاشیه علی بدائع الاصول.
  - ۵ - رضاعیات، به زبان فارسی.
- حکمی یزدی در ۲۲ / جمادی الثانی / ۱۳۲۲ ق در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

فرزند ایشان، آیت الله شیخ مهدی حکمی « پابین شهری » یکی از علمای مشهور قم بود.

### منابع

- ۱ - اثر آفرینان ۳۰۲/۲.
- ۲ - أعيان الشيعة ۱۷۶/۸.

۳ - خدمات متقابل اسلام و ایران ۶۱۱

۴ - نقباء البشر ۱۶۰۷/۴

## دکتر علی اکبر سیاسی

(۱۳۱۳ - ۱۴۱۰ ق)

دکتر علی اکبر سیاسی فرزند محمد حسن یزدی، از دانشمندان و اساتید به نام دانشگاه تهران بود.

وی در سال ۱۳۱۳ ق مطابق با ۱۲۷۴ ش در تهران تولد یافت.

سیاسی پس از سپری کردن دوره‌های مقدماتی در مدارس: خرد، سلطانی و علوم سیاسی تهران، برای ادامه تحصیلات به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن پاریس به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۱۰ ش مطابق با ۱۳۵۰ ق به اخذ دکترای ادبیات با درجه بسیار عالی از دانشگاه مذکور، نائل شد و همچنین از دانشگاه شارل اول پراگ (چکسلواکی) و دانشگاه استرازبورگ (فرانسه) دکترای افتخاری بدست آورد و به ایران بازگشت.

وی علاوه بر تحصیلات جدید در رشته حکمت قدیم از محضر اساتیدی چون: میرزا طاهر تنکابنی و شیخ محمد حسین فاضل تونی در تهران استفاده کرده بود. دکتر سیاسی فعالیت فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی و ادبیات آغاز نمود سپس سالها سمت «ریاست دانشگاه تهران» را برعهده داشت.

دیگر مناصب و مشاغل ایشان عبارت است از: استاد دانشسرای عالی، ریاست اداره تعلیمات عالی و وزارت فرهنگ (۱۳۱۲ ش)، وزیر فرهنگ (۱۳۲۱ ش در کابینه قوام السلطنه)، ریاست دانشکده ادبیات، ریاست دانشسرای عالی، ریاست دانشگاه تهران (از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۳ ش)، وزیر فرهنگ (۱۳۲۲ ش در کابینه علی سهیلی)، وزیر مشاور (۱۳۲۳ ش در کابینه بیات)، وزیر فرهنگ

(۱۳۲۶ ش در کابینه حکیمی)، وزیر امور خارجه (۱۳۲۸ ش در کابینه ساعد مراغه‌ای).

و اما برخی مناصب فرهنگی ایشان، به شرح زیر است:

ریاست انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، عضویت کمیسیون بین‌المللی تألیف علمی و فرهنگی بشر، عضویت هیئت مدیره انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها، عضویت فرهنگستان ایران، عضویت شورای عالی فرهنگ، ریاست جمعیت «ایران جوان» و یکی از مؤسسان این انجمن، ریاست مؤسسه روان‌شناسی دانشگاه تهران و صاحب امتیاز مجله «روان‌شناسی» که در سال ۱۳۴۹ ش در تهران آن را منتشر ساخت.

### از آثار او

- ۱- اصول روان‌شناسی.
- ۲- ایران در تماس با مغرب زمین (رساله دکترای - به زبان فرانسوی).
- ۳- دوماه در پاریس یا از یونسکو تا سوربن.
- ۴- روان‌شناسی پرورشی.
- ۵- روان‌شناسی جدید.
- ۶- روان‌شناسی جنائی.
- ۷- شخصیت.
- ۸- شعر فارسی.
- ۹- طریقه تست (روان‌شناسی - به زبان فرانسوی).
- ۱۰- علم اخلاق نظری و عملی.
- ۱۱- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید.
- ۱۲- علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت.
- ۱۳- فرانسه، کتابهای درسی فرانسه برای متوسطه (همکاری).



۱۴ - گزارش یک زندگی.

۱۵ - مبانی فلسفه.

۱۶ - منطق و روش شناسی.

۱۷ - هوش و خرد.

#### و نمایشنامه‌های زیر:

۱۸ - عشق و تجدید.

۱۹ - عشق وطن.

۲۰ - ماهیار.

۲۱ - یک قربانی دیگر.

دکتر سیاسی چند سال آخر عمر خود بیشتر در اروپا و آمریکا به سر می‌برد و متأسفانه به طور کامل بینائی خود را از دست داد. او در مدت تصدی مشاغل فرهنگی، علاوه بر ویژگی صداقت و متانت شخصی بین همکاران و شاگردان خود، از محبوبیت خاصی برخوردار بود، و تا آخرین روزهای حیات از تحقیق و راهنمایی دانش پژوهان دور نماند.

ایشان در روز جمعه اول / ذی‌القعدة / ۱۴۱۰ ق مطابق با ۴ / خرداد / ۱۳۶۹ ش در سن ۹۷ سالگی در پی بیماری در بیمارستان جم تهران، زندگی را وداع گفت. پیکرش روز سه‌شنبه در تهران و قم تشییع و در قبرستان حاج شیخ - مقبره خانوادگی - به خاک سپرده شد.

#### منابع

۱ - مجله راهنمای کتاب، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۶۶.

۲ - مؤلفین کتب چاپی ۵۱۸/۴.

۳ - چند پرده از زندگانی رجال معروف ایران ۶۸.

۴ - بازیگران سیاست ۱۴۰.

۵- فهرست كتابهای چاپی فارسی طبعی ۴۱۹/۱ و ۴۲۱ و ۵۵۰ و ۵۵۴ و ۶۹۰ و ۷۵۰ و ۸۱۰

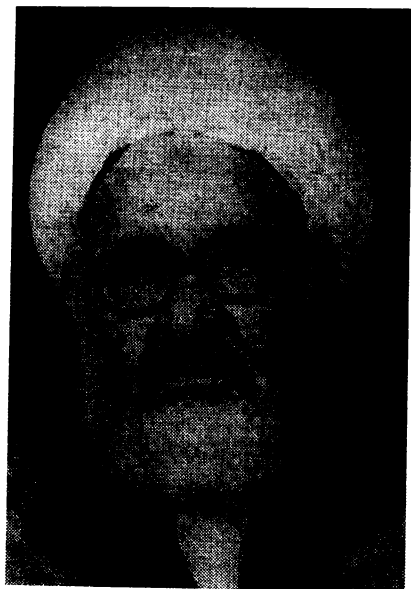
۶- راهنمای مجله‌های ایران ۳۶۰.

۷- نامداران اراک ۱۰۲ (ایشان را اراکی دانسته است؟).

۸- چهره‌های آشنا ۳۱۰.

## شیخ علی اکبر صبورى قمی

(۱۳۴۶-۱۴۱۱ ق)



حاج شیخ علی اکبر فرزند علامه  
شیخ محمد صبورى قمی، از فضلا و  
بزرگان معاصر تهران بود.

تولدش در سال ۱۳۴۶ ق مطابق با  
۱۳۰۶ ش در قم اتفاق افتاد.

نامبرده پس از سپری نمودن  
مقدمات، در سال ۱۳۶۳ ق به نجف  
اشرف رهسپار شد و دروس سطح را از  
محضر آیات: سید یحیی مدرسی یزدی  
(مکاسب) و میرزا حسن یزدی  
(کفایه) و دروس خارج را از حضرات  
آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، شیخ

محمد کاظم شیرازی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود. وی در سال ۱۳۷۲ ق به  
قم بازگشت و تحصیلات خود را در محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی  
و شیخ محمد علی اراکی ادامه داد.

در سال ۱۳۷۸ ق در پی درخواست اهالی محله ناصر خسرو - تهران - و امر  
آیت الله بروجردی به آن دیار عزیمت کرد و در مسجد «درب اندرون» به وظایف

دینی و روحی اشتغال ورزید.

در ضمن مؤسسه درمانی و کتابخانه مسجد اندرون به همت ایشان تأسیس و کمک به فقرا و مستمندان از خدمات خیری او به حساب می‌رفت.

### از آثار او

۱- آیات توحید.

۲- تعقیبات نماز.

۳- تقریرات الاصول، درس السید الخوئی.

۴- خلاصه مناسک حج.

۵- دین حنیف در حرمت ریش تراشی.

۶- مبارزه با نفس اماره.

مرحوم صبوری دارای اجازاتی در اجتهاد و نقل حدیث و سمت نمایندگی از حضرات آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد هادی میلانی و سید ابوالقاسم خوئی، بود. وی در سال ۱۴۱ ق در تهران درگذشت. و پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت - مقبرة العلما - به خاک سپرده شد.

### علی اکبر صفاری

( ۱۳۷۳ ق )

رئیس فرهنگ استان کرمانشاه بود. از زندگی نامه ایشان اطلاعاتی فعلاً در دست نداریم. ولی نحوه مرگ او بدین تفصیل ثبت شده است:

صفاری هنگام مسافرت به ایلام برای بازرسی، در بین راه مورد اصابت تفنگ شکاری رفیق خود شد و فوراً درگذشت. پیکرش به کرمانشاه حمل و از آنجا به تهران فرستاده شد و تا حرم حضرت عبدالعظم حسنی علیه السلام تشییع و جهت

خاکسپاری به قم حمل گردید.

روز تشییع ایشان در قم به تاریخ ۱۲ / مهر / ۱۳۳۲ ش بود.

❦ منبع

۱ - روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۱۳ / مهر / ۱۳۳۲ ش، ص ۴.

## شیخ علی اکبر علمی تنکابنی

(۱۲۹۴ - ۱۳۹۲ ق)

شیخ علی اکبر علمی فرزند میرزا محمد تقی «پیشنماز» و نوه میرزا محمد تنکابنی «مؤلف قصص العلماء»، از فضلا بود. وی در سال ۱۲۵۵ ش در تنکابن متولد شد.

مقدمات را در نزد پدرش و دیگر مدرسین فراگرفت، سپس به تهران عزیمت نمود و مدارج عالی را طی کرد، و به تنکابن بازگشت و به تبلیغ و ازشاد پرداخت. در نسینامه دودمان علامه تنکابنی وفاتش را در سال ۱۳۵۰ ش دانسته ولی تاریخ فوتی که از روی سنگ قبرش یادداشت کردم در روز سه شنبه اول / فروردین / ۱۳۵۱ ش مطابق با ۵ / صفر / ۱۳۹۲ ق حک گردیده و در انتهای قبرستان وادی السلام قم مدفون شده است.

❦ منابع

۱ - بزرگان تنکابن ۱۷۲.

۲ - نسینامه دودمان علامه تنکابنی ۹۹.

## میرزا علی اکبر عماد تبریزی

(۱۲۸۴ - ۱۳۸۰ ق)

حاج میرزا علی اکبر عماد متخلص به «رمزی» فرزند ملا حسین و نوه مختار

تبریزی، از فضلا و خطبا بود.

ایشان در سال ۱۲۸۴ ق مطابق با ۱۲۴۷ ش در تبریز متولد گردید.

### ویژگیهای علمی و اخلاقی

میرزا عبدالرسول احقاقی اسکویی در مقدمه «دیوان اشعار حجة الاسلام نیر» درباره عماد می نویسد:

وی محدثی بلیغ و گوینده ای توانا بود، که زینت بخش مجالس مذهبی شهر تبریز به شمار می رفت، و اهل ایمان و معرفت با عشقی وافر و علاقه ای مفرط از بیانات حکیمانه و فرمایشات ادیبانه ایشان استفاده می نمودند.

گذشته از امر تبلیغ و منبر، اغلب اخبار و حکایات و لطایف و اشعاری را که در کتب مختلف دیده، در چند مجلد کتاب به نام «رنگارنگ» به طرز بدیعی جمع آوری فرموده، که جلد اول آن در حیات خودش و جلد دومش پس از وفات ایشان به مباشرت آقا زاده گرامی اش جناب آقای حاج محمد آقا عماد به طبع رسیده، و امید است که جلد سوم آن نیز زیر طبع و مورد استفاده مشتاقان قرار گیرد.

مرحوم عماد از خدمتگزاران صدیق و صمیمی آستان مقدس حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، مدت هفتاد سال افتخار خدمت در آن آستان مقدس را داشته است.

### علی اکبر قمی «افصحی»

(۱۳۲۳ - ۱۴۰۶ ق)

حاج علی اکبر فرزند ملا باقر قمی، متخلص به «افصحی» از شعرا و ادبای معاصر بود.

وی در سال ۱۳۲۳ ق مطابق با ۱۲۸۴ ش در قم در خانواده معروف «افصحی»، تولد یافت.





افصحی، امتیاز و مدیری روزنامه  
«صدای قم» را در سال ۱۳۳۱ ش  
دریافت نمود و آنرا در قم منتشر ساخت.

### از آثار او

- ۱ - دیوان اشعار.
- ۲ - کنز یا گنجینه ادب «اشعار»،  
دو جلد.
- چند غزل زیر را با هم از ایشان  
می خوانیم:

بخوانم من زیسم الله الرحمن الرحیم آن خالق اکبر  
که زینت بخش کنزم گشته هم در اوّل و آخر  
ستایش از خداوندی که موجودات در امرش  
تمام کل ما فیهما به حکم حضرت داور  
غفور و رازق رزق است جمله می دهد روزی  
هر آنکس حق شناسد گفته ام را می کند باور  
نریزد دانه برگی بجز ز امر خداوندی  
نروید سبزه ای اندر زمین جز ز امر او در بر  
تمام کرسی و لوح و قلم در تحت فرمانش  
به باران امر گردد رو ببار بر کوه بحر و بر  
هر آنکس سر بیچد روز و انفسا عجب از او  
نخواهد دید روی جنت و آن چشمه کوثر  
خدا فرمود پیغمبر تو ختم مرسلین هستی  
کتاب آسمانی گشت نازل بهر پیغمبر

پیمبر ره‌نما گردید در دنیا بر این مردم  
 نمونه از سلیمانی چو سلمان آمد و بوذر  
 پیمبر در غدیر خم وصی خود بیان فرمود  
 گرفت اندر سر دست جانشین آن حیدر صفدر  
 بگفتا مردمان دانید این مطلب عیان باشد  
 علی داماد باشد جانشین من همین رهبر  
 ولی غصب خلافت شد ز فرزند ابوطالب  
 هزاران ظلم بنمودند بر شیر خدا حیدر  
 الا ای افصحی کوتاه کن الکن زبان باشد  
 ندانی جمله آری مدح مولا را در این دفتر

### عشق بحق

عشق شیرین تو در هیچ سری نیست که هست  
 روی نادیده تو در نظری نیست که هست  
 راه عشق است پر آشوب ببايد پیمود  
 بهر عشاق در این ره خطری نیست که هست  
 از سر کوی تو رفتن بکجا هست پناه  
 ورنه اندر دل بی دل سفری نیست که هست  
 همچو موسی اُرنی گو به ره عشق توایم  
 آتش شوق تو اندر شجری نیست که هست  
 بخت یاری کندم تا که رسد صبح مراد  
 این ندامت همه شب تا سحری نیست که هست  
 به وجود آری و راه عدمش بسپاری  
 اندرین آمد و شدها اثری نیست که هست



چشم امید بداریم که اندر ره عشق

بهر این گمشدگان راهبری نیست که هست

افصحی را نظری گر بنمائی از لطف

بهر پرواز در او بال و پری نیست که هست

نوروز و بهار

گشت نوروز و بهار آمد و گلها به چمن باز بلبل بسر شاخه بیامد به سخن

دسته‌ای در طرب و عیش به هر دشت و دمن می‌رسد دوره جمعی نگران دوره من

سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو

(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

عید نوروز که یک مفخر جمشید جم است یا پری روی زنی بوسه به هر قدر کم است

بنشین سایه نخلی که چو باغ ارم است خوش اگر سال بود بهر من و تو چو غم است

سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو

(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

عید نوروز به یک سال به پیری افزود درد پهل و کمر درد به من روی نمود

عمر بگذشته دگر روی به خوبی ننمود گاه زنگ خطر مرگ برم خواند سرود

سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو

(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

افصحی خوش نگذشت است در این دیر خراب

گذرانیدیم همه عمر نه اجر و ثواب

به امیدیم خدا داد رسد روز حساب

غافل از عاقبت کار دگر بوده به خواب

سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو

(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)



وی در ۱۶ دی / ۱۳۶۴ ش درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت - وسط حیاط اول - مدفون گردید.

منابع

- ۱ - چهره مطبوعات معاصر ۲۹۶.
- ۲ - فهرست روزنامه‌های فارسی ۱۴۱.

## سید علی اکبر گلستانه اصفهانی

(۱۲۷۴ - ۱۳۱۹ ق)

سید علی اکبر فرزند میرزا محمدابراهیم گلستانه اصفهانی، از مشاهیر خوشنویسان و هنرمندان عصر خود بود.

او به سال ۱۲۷۴ ق در اصفهان متولد گردید.

گلستانه پس از طی مقدمات به مشق خط پرداخت، و به واسطه کثرت نبوغ و استعداد در تحریر خط شکسته، سرآمد خوشنویسان روزگار گردید. وی ابتدا نستعلیق می‌نوشت، ولی بعدها به شکسته نویسی علاقه‌مند شد و به جایی رسید که در این خط استادی بی‌نظیر شد، و از شیوه درویش عبدالمجید طالقانی پیروی می‌کرد، و خطش خیلی شبیه بدو می‌باشد.

استاد علامه سید جلال‌الدین همائی در کتاب خود «تاریخ اصفهان» ایشان را چنین می‌ستاید: گلستانه، بزرگترین استاد نامدار خط شکسته و شکسته نستعلیق در اوایل قرن چهاردهم هجری است که شیوه درویش عبدالمجید معروف را در کتابت خفی و شش‌دانگ جلی شکسته، هیچ کس به خوبی او تقلید نکرده و خطوطش در استحکام و پختگی و ملاحظت با قطعات و مرقعات ممتاز درویش قابل اشتباه است چندان که اگر امضا و تاریخ آن را نبینند به حساب آن مرقعات تصدیق و خرید و فروش کنند. سید علی اکبر از سادات گلستانه‌یی است که خاندانهای بزرگ قدیم سادات حسنی اصفهان می‌باشند و اکثر در محله شهشهان که قسمتی از محله دردشت قدیم

محسوبست می‌نشینند. عده‌ای از این خانواده به خوشنویسی و استادی در خط شکسته و شکسته نستعلیق ظهور کرده و عده‌ای از اعیان و اکابر رجال اصفهان بوده‌اند، از جمله آنها میرزا عبدالوهاب گلستانه است از رجال قرن سیزدهم، بانی مسجد شهبهان که اشراف برای او قرآنی نفیس به سال ۱۲۵۶ ق تمام کرده که در کتابخانه سلطنتی است.

سید علی اکبر گلستانه در دو نوع خط شکسته و نستعلیق استاد بود و از ترکیب آنها خطی که به نام شکسته نستعلیق معروفست بی‌اندازه خوش و زیبا می‌نوشت و در این شیوه سبکی تازه داشت که رسوم استادان کهن را بی‌رونق گذاشت. در اواخر عهد ناصرالدین شاه از اصفهان به تهران سفر کرده مدتی در بالاخانه‌های اکابر رجال فرزندان خود را برای مشق خط به نزد او می‌فرستادند، اما از این راه چندان نفعی عاید او نمی‌گردید. قسمت عمده گذرانش از این ممر بود که مرقعهای عالی به خط خود تذهیب و تجلید زیبا ساخته، تقدیم بزرگان وقت می‌کرد و در مقابل انعامی می‌گرفت.

راقم سطور (یعنی استاد همائی) بعض مرقعهای او را که تاریخش ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ق است، زیارت کرده که حقیقه تالی خط درویش است. وی در تعلیم خط و خوشنویسی معتقد بود که باید از خط نسخ ابتدا و دست را به این وسیله تقویت کنند، آنگاه به مشق نستعلیق پردازند و چون در این خط کامل شدند، شکسته نویسی و بعد از آن شکسته نستعلیق را شروع کنند. خود او هم به این ترتیب خوشنویس شده بود که از طفولیت به خط نسخ پرداخته، در جوانی خوشنویس نستعلیق بود و آخر کار شکسته نویس شد.

این هنرمند کم نظیر جهت اشاعه هنر خویش سفرهای زیادی نمود و مدتی چند در استان‌های فارس و خراسان و کشور عراق و آخر عمر چندی در تهران اقامت کرد و جمع کثیری از بزرگ زادگان نزد وی به تعلیم خط می‌رفتند. متأسفانه وقتی که شهرت و اعتباری یافته، زندگانش سروسامانی پیدا کرده بود، رشته



حیاتش قطع شد. او مبتلا به بیماری گردید و در سال ۱۳۱۹ ق در سن ۴۵ سالگی در پی عمل جراحی درگذشت، و بر حسب وصیت خود در جوار مزار علی بن بابویه در قم مدفون گردید.

تذ منافع

۱ - تاریخ اصفهان (مجله هنر و هنرمندان) ۱۷۹.

۲ - تذکره خوشنویسان معاصر ۶۵/۱

## میرزا علی اکبر مجتهدی تبریزی

(ح ۱۲۷۵ - ۱۳۶۷ ق)

حاج میرزا علی اکبر فرزند شیخ علی و نوه حاج امین تبریزی ملقب به (مجتهدی)، از علما و بزرگان تبریز و سراب بود.

در حدود سال ۱۲۷۵ ق در تبریز متولد گردید.

پدرش از علمای تبریز که زنجانی الأصل و داماد آیت الله میرزا باقر مجتهد

تبریزی بود.

تحصیلاتش را نزد آیت الله میرزا حسن مجتهد تبریزی (دائی خود) به انجام رسانید و همواره ملازم وی بود، ولی متأسفانه سایر اساتیدش را بدست نیاوردیم.

او در صدر مشروطیت جزو صف مخالفین مشروطه در آمد، و از طرف انجمن

ایالتی همراه دائی خود میرزا حسن مجتهد به (کُند رود) تبعید گردید، و پس از یک

سال اقامت، خود ایشان به (سراب) و دائی اش به (میانه) رفتند. وی مدت ۳۰

سال در آنجا اقامت نمود و به انجام وظایف دینی و روحی پرداخت، و از طرف

آیت الله میرزا صادق تبریزی نماینده تام الاختیار بود. آنگاه به تبریز مراجعت کرد.

از آثار او

۱ - تقریرات دوره اصول استادش میرزا حسن مجتهد.

۲ - حاشیه بر رسائل (نیز از تقریرات استادش می باشد).

وی در روز یکشنبه ۱۳ / رجب / ۱۳۶۷ ق مطابق با ۲ / خرداد / ۱۳۲۷ ش به سن حدود ۹۲ سالگی در تبریز درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان مدفون گردید، و از طرف آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی نسبت به ایشان تجلیل شایانی بعمل آمد.

### فرزندانش:

- ۱ - میرزا عنایت ۲ - میرزا محمد تقی ۳ - میرزا عبدالعلی ۴ - میرزا رضا ۵ - آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی سرابی و سه دختر.
- مرحوم شیخ علی اکبر، برادری داشت به نام میرزا ابراهیم تبریزی از روحانیون روشنفکر تبریز بود که در حادثه بمباران مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۳ / جمادی الاول / ۱۳۲۶ ق در باغ امین الدوله مقتول شد. جهت اطلاعات بیشتر به کتاب رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ص ۸ رجوع شود.

❦ منع

- ۱ - افادات آقای شیخ سلمان طاهرزاده سرابی (که داماد میرزا عبدالله مجتهدی می باشد).

## دکتر علی اکبر مجتهدی تبریزی

(۱۳۲۲ - ۱۳۸۹ ق)

دکتر علی اکبر مجتهدی فرزند آیه الله میرزا مصطفی و نوه آیه الله میرزا حسن مجتهد تبریزی، پزشک و استاد دانشگاه تبریز بود.

او به سال ۱۳۲۲ ق در تبریز دیده به جهان گشود.

### تحصیلات دانشگاهی

وی تحصیلات عالی خود را در دارالفنون بروکسل آلمان به انجام رسانید، و موفق به

دریافت دانشنامه پزشکی گردید، و سپس به ایران مراجعت و به طبابت پرداخت، ایشان در ادبیات فارسی و عربی رنجهاکشید و در مسائل اجتماعی صاحب نظر بود.

### از آثار او

- ۱ - اثبات وجود خدا (ترجمه - همکاری).
  - ۲ - اسلام صراط مستقیم (ترجمه - همکاری).
  - ۳ - اصول اخلاق پزشکی (ترجمه).
  - ۴ - تاریخ پزشکی (ترجمه).
- از دیگر کارهای فرهنگی او منتشر ساختن روزنامه «توحید افکار» که آن را در تبریز منتشر ساخت.

ایشان در شب یکشنبه ۱۶ / صفر / ۱۳۸۹ ق مطابق با ۱۳ / اردیبهشت / ۱۳۴۸ ش به سن ۶۷ سالگی درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

### تألیفات

- ۱ - چهره مطبوعات معاصر ۱۹۶.
- ۲ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۱۴۷.
- ۳ - فراموشخانه و فراماسویری در ایران ۳۸/۳.
- ۴ - فهرست کتابهای چاپی فارسی ۱۵۹/۱ و ۳۱۰ و ۳۵۵.
- ۵ - مؤلفین کتب چاپی ۵۳۸/۴.

### میرزا علی اکبر مظهر همدانی

(۱۲۷۲ - ۱۳۴۴ ق)

میرزا علی اکبر مظهر فرزند عبدالرسول همدانی، از شعرای مسلم و مفاخر همدان بود.



او در سال ۱۲۳۲ ش مطابق با ۱۲۷۲ ق در شهر همدان از مادر زاده شد و پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی در رشته علوم عربی و ادبی به تحصیلات خود ادامه داد، و در مدرسه «زنگنه» به تحصیل فقه و اصول و منطق و فلسفه و عروض اشتغال ورزید، تا جایی پیش رفت که از زمره اساتید زمان به شمار آمد، و برخی از رشته‌های تحصیلی را تدریس می‌کرد و در تدریس منظومه سبزواری که در زمره کتب فلسفه به شمار می‌رود، تسلط زیادی داشته است.

مظهر، پس از تکمیل تحصیلات تأهل اختیار کرد و برای اعاشه زندگی در دستگاه امیرافخم قراگزلو همدانی به سمت منشی‌گری به کار پرداخت، و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. اما از خلال اشعار مظهر، چنین استنباط می‌شود که زندگی را در عسرت و تنگ‌دستی می‌گذرانیده، و مکرر از فقر شگرف و تنگ‌دستی خود سخن به میان آورده، آنجا که گفته است:

**گر ز فقر و فاقه، گمنام نخستین زمینم      مظهرم در شعر و دانش شهرة آخر زمانم**  
یا آنجا که گوید:

**مظهر از خواری که ما در زندگیها دیده‌ایم      کس نیفزاید به غیر از مرگ بر مقدار ما**  
مظهر از اساتید مسلم شعر زمان خود و از مفاخر همدان بود. اشعارش توانایی و قدرت و طبع بلند او را در شعر می‌رساند. به خصوص در فن قصیده سرایی و مسمط مهارت و استادی او آشکار می‌شود.

### آثار قلمی

۱ - دیوان اشعار، که متجاوز از ده هزار بیت در انواع شعر می‌باشد، و بیش از چهار هزار بیت آن در مدح و منقبت و مراثی اهل بیت و ائمه اطهار علیهم‌السلام سروده شده است.

۲ - خستوی، که به طرز مثنوی سروده است.

۳- بضاعت مزجات، که به نثر نوشته گردیده و مشتمل بر دو قسمت می باشد، یک قسمت آن به طریق سؤال و جواب در موضوعات فلسفی، و قسمت دیگر درباره عرفان و سیر و سلوک تألیف شده است.

مظهر در دی / ۱۳۰۴ شمسی مطابق با ۱۳۴۴ ق در سن هفتاد و دو سالگی به دورد حیات گفت. پیکرش را به قم منتقل کردند و در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

از اوست:

#### در کوی دوست

|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| گفتم کمان کشیدی و تیرت زجان گذشت   | گفتا به راه دوست زجان می توان گذشت |
| آن مو میان به موی و میانم اسیر کرد | عمرم به موی موی زموی و میان گذشت   |
| ای یار سنگدل به دلم از تو آن رسید  | کز تیر آه من به دل سنگ آن گذشت     |
| گلگون به سنگ جور پر و بال طایری    | کاندر هوای وصل تو از آشیان گذشت    |
| دانی دهان نافه چرا پر زمشک شد      | گویا حدیث وصف تواش بر زبان گذشت    |
| دست از کمان بدار که پیکان غمزهات   | از بسکه بود کارگر از استخوان گذشت  |
| یارب چه عشق بود که تا مبتلا شدم    | فریاد یاریم همه شب از آسمان گذشت   |
| ای چرخ، از شکستن دل مانند برقرار   | بدنامی تو ورنه به پیر و جوان گذشت  |
| در دور می درآی به دور سبوکشان      | دور پیاله گیر که دور زمان گذشت     |
| «مظهر» زکوی دوست به جایی نمی رود   | لغزید پای هر که از آن آستان گذشت   |

#### دل خسته

|                                     |                                  |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| دل من، چشم تو، این هر دو گرفتارانند | خسته و بسته و بشکسته و بیمارانند |
| تن به غفلت زده و خون دل ما خورده    | بخت ما و سر زلف تو، سیه کارانند  |
| خواب جمعی بر بوده، دل خلقی برده     | نالۀ من، رخ خوب تو، دل آزارانند  |

رخنه در سنگ نماید، جگر شیر درد      آه من، چشم سیاه تو، کماندارانند  
 بوسه بر نقطه خال تو که نقشی ست بر آب      لب ما و خم گیسوی تو، پر نارانند  
 نرگس مست تو بیمار و دل خسته من      دیده من، غم روی تو پرستارانند  
 «مظهر» این طرفه غزل بست و به شوخی می گفت:  
 طبع من، لعل لب یار شکر بارانند

منبع

۱ - سخنوران نامی معاصر ایران ۳۳۴۲/۵.

## میرزا علی اکبر ملک زاده آملی

(۱۳۰۳ - ۱۳۷۲ ق)

میرزا علی اکبر فرزند حاج یوسف ملک التجار آملی، ملقب به «ملک زاده» از  
 نمایندگان مجلس شورای ملی بود.  
 وی در سال ۱۲۶۴ ش تولد یافت.  
 پدرش در اوایل مرداد / ۱۳۱۵ ش درگذشت.  
 ملک زاده در خیابان صفی علیشاه - تهران سکونت داشت و از رجال سیاسی  
 مهم به شمار می رفت. او سمت نمایندگی مجلس شورای ملی از بابل مازندران در  
 دوره های، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را برعهده داشت.  
 نامبرده در شب جمعه ۳۰ / ذی الحجه / ۱۳۷۲ ق برابر با ۱۹ / شهریور /  
 ۱۳۳۲ ش در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به  
 خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - روزنامه اطلاعات، مورخ شهریور / ۱۳۳۲ ش.
- ۲ - نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۷۰، (نام پدرش را علی ثبت کرده که اشتباه است).

## شیخ علی انصاری همدانی

(۱۳۳۳-۱۴۱۲ق)

حاج شیخ علی فرزند مرادعلی انصاری از علمای معاصر همدان بود. متولد سال ۱۳۳۳ ق در قریه «قره‌گول» از توابع همدان است.

مقدمات را نزد عموی خود آموخت، در سن ۱۴ سالگی به همدان رفت و در مدرسه زنگنه سکونت گزید و هفت سال از محضر آیت الله زاده خلیلی، و شیخ الاسلامی سطوح را تلمذ کرد، و خود به تدریس مقدمات اشتغال داشت.

در سال ۱۳۵۴ ق به قم مهاجرت کرد و بقیه سطوح را نزد میرزا محمد همدانی و سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به انجام رسانید، و از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، و سید صدرالدین صدر خارج فقه و اصول را استفاده نمود.

در سال ۱۳۶۳ ق به درخواست آیت الله آخوند ملا علی همدانی (معصومی) به همدان بازگشت، و به اقامه جماعت و تدریس سطوح در مدرسه آخوند پرداخت، و در ضمن از محضر آیت الله معصومی نیز استفاده می‌نمود.

وی علاوه بر تدریس و تدرّس، مساجد زیادی در اطراف همدان به همت عالی اش ساخته شد، و عده کثیری از فرقه ضالّه بهائیت را به راه حق، اسلام و تشیع هدایت نمود.

### از آثار او:

۱ - تقریرات آیت الله حجت.

۲ - جزواتی در مواظ و توحید.

سرانجام در اوایل / محرم / ۱۴۱۲ ق مطابق با اواخر / تیر / ۱۳۷۰ ش در سن ۷۹

سالگی در همدان درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون گشت.

منابع

۱ - آثار الحجة ۳۸۵/۲.

۲ - گنجینه دانشمندان ۳۹۲/۷.

## سید علی بدری

( ۱۴۱۹ - ق )

از فضلا و مبلغان اسلام و مذهب تشیع بود.

وی در شهر بغداد ( عراق ) متولد شد. پس از رشد و نما جهت تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیت الله سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود. سپس به وعظ و ارشاد روی آورد و در کشورهای: سوریه، لبنان، مصر، سودان، تانزانیا و کینیا مشغول تبلیغ و دفاع از حریم مقدس اهل بیت علیهم السلام بود. در اواخر عمر خود هم مدرسه ای جهت تدریس عقاید شیعی در لبنان تأسیس کرد. بدری در اوایل / جمادی الثانی / ۱۴۱۹ ق مطابق با اوایل / مهر / ۱۳۷۷ ش در حدود سن ۷۰ سالگی بر اثر سکتۀ قلبی در تهران عالم خاکی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بقیع مدفون شد.

## سید علی برقی قمی

( ح ۱۲۹۸ - ۱۳۹۴ ق )

حاج میر سید علی فرزند علامه سید عبدالله رضوی قمی، از خاندان معروف برقی قم می باشد و خود از دانشمندان و اساتید توانای حوزه بود.

او در حدود سال ۱۲۹۸ ق در قم دیده به جهان گشود.

برقی، آن مرد یکه تاز میدان فضل و ادب و سخنوری بود، و سالهای متمادی خصوصاً در ایام ممنوعیت عزاداری در زمان رضا شاه در منزل مسکونی بساط

روضه خوانی پنهانی با شکوهی داشت، و علاقه‌مندان خامس آل عبا (علیهم‌السلام) را به مجلس خویش فرا می‌خواند.

وی پس از طی سطوح، خارج را از محضر آیات: میرزا محمد ارباب قمی، شیخ ابوالقاسم قمی «کبیر» و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود و حکمت را از میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» آموخت. در ضمن دانشمندان بزرگ قم و تهران به خدمتش می‌رسیدند، و از محضر پر فیضش مستفیض می‌گشتند. ایشان در اواخر عمر استادش حائری یزدی به تهران مهاجرت کرد و در آن دیار به خدمات مذهبی و اجتماعی اشتغال ورزید.

برقعی آثار پراکنده بسیاری از او در کتب مختلف باقی مانده، اما کتابهای چاپی نامبرده تا آنجا که در منابع ثبت شده، عبارتند از:

- ۱- الهی‌نامه.
- ۲- بطون خمسه در خداشناسی.
- ۳- بطون سته (اشعار).
- ۴- شرحی بر منازل السائرین.
- ۵- فلسفه شهادت.
- ۶- کتاب خود و خدا (یا لب البطون).
- ۷- کمال الانسان و میزان الايمان.
- ۸- مثالی‌نامه.

#### نقل یک مطلب

او در صفحه ۱۴ «فلسفه شهادت» چنین می‌نویسد: این عزاداری و سوگواری و گریه و زاری که از برای حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) می‌شود، نه از برای یک شخص عادی است که برای منافع مادی شخص خود کشته شده باشد، بلکه از برای کسی است که از برای احیای دین شهید شده که وسیله تکمیل نفوس و رسانیدن بشر

است به کمال انسانیت، که کمالی بالاتر و مهمتر از آن نیست، یعنی مقام خلافت الهی که سلطنت بر کل موجودات حتی بر ماه و خورشید است، و پس از مرتبه الوهیت مقامی بالاتر از آن نیست، پس در حقیقت گریه و زاری که ما و کلیه بشر در مصیبت آن شخص مقدس که کلیه موجودات از ذوی العقول و غیر ذوی العقول از وجود آن یگانه خلقت معبود، بایستی کسب فیض نموده به کمال لائق خود نایل شوند، یتیم و بی سرپرست و بدون مربی و مکمل شده همه بلا تکلیف و سرگردان زندگی می کنند، در صورتی که بایستی هر یک از نفوس بشری در تحت تربیت آن بزرگواران به مرتبه ای نایل شوند که رشک انبیاء شده و در هر سال هزاران مانند عیسی پیدا شود که قادر بر امانه و احیاء و تصرف در ماده و صورت اشیاء باشند، من از مفصل این نکته مجملی گفتم - تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

اشعار زیر اثر طبع اوست:

### حضرت علی اکبر علیه السلام

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| روز عاشورای شاه سمردی        | لیلة المعراج سبط احمدی      |
| دید ناگه بی کسی شاه را       | تیره کرد از آه روی ماه را   |
| بسکه سفت از ناوک مؤگانش دُر  | گشت خورشید رخس از زهره پر   |
| آتش غیرت بر آوردش خروش       | راست گویم خون حق آمد بجوش   |
| جست از جا همچو کز آتش سپند   | از زمین شد آسمان آسا بلند   |
| شد خرامان بنده آسا سوی باب   | ماه شد تحت الشعاع آفتاب     |
| سجده کرد آنسان که آدم را ملک | بر زمین روئی و روئی بر فلک  |
| از سلوک چند گامی شد فناء     | در صفات و ذات شاه اولیاء    |
| فانی ذات و صفات شاه شد       | فاش گویم فانی فی الله شد    |
| گفت ای خورشید عالم تاب من    | ای به معنی و به صورت باب من |
| ظلمت کفر جهان بالا گرفت      | لاعنان از دست جمع ما گرفت   |





گر دهی فرمانم ای گیتی فروز      آن کنم با او که با شب کرد روز  
ظلمت شب چیست پیش ماهتاب      موش کوری کیست پیش آفتاب

جواب شاه دین آن حضرت را

در جواب شاهزاده گفت شاه      کی زروزی تو فروغ مهر و ماه  
گر چه بی روی تو روز من شب است      جسم و جانم بی تو در تاب و تب است  
طاقت و تاب و توان من تویی      مونس و آرام جان من تویی  
نور چشم و روشنایی دلی      طالع پیروز و بخت مقبلی  
می روی تا یک نفس از نزد من      می رود گویی که جان من ز تن  
بعد جد و بایم از دل خستگی      نیستم با غیر تو دل بستگی  
بعد آن دو مونس جانم تویی      زانکه با آندو نداری تو دویی  
هم علی هم احمدی از جان و تن      ای دو عالم درج در یک پیرهن  
لیک مقصود از وجودت از الست      ای تو مقصود وجود هر چه هست  
زنگ از آیینه دل شستن است      و اندرون کعبه بت بشکستن است  
کعبه دلهای زیتها پاک کن      کارهای شاهد لو لاک کن...

آیت الله برقعی روز چهارشنبه ۲۵ / صفر / ۱۳۹۴ ق مطابق با ۲۹ / اسفند / ۱۳۵۲ ش در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - صحن بزرگ - مدفون گردید.

منابع

- ۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۲۸۸.
- ۲ - زندگانی شمس العرفاء ۲۴.
- ۳ - زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۵۶/۲.
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۳۸۵/۴.
- ۵ - مرآة الحجة ۱۶۷ (سال مرگش را ۱۳۸۸ ق نوشته که اشتباه است).
- ۶ - مؤلفین کتب چایی ۱۴۱/۴.





## سید علی بطحائی گلپایگانی

(۱۳۴۶ - ۱۴۰۰ ق)

حاج سید علی بطحائی فرزند میر اسماعیل گلپایگانی، از دانشمندان و معارف شرق تهران بود.

وی در سال ۱۳۴۶ ق در گلپایگان متولد گردید.

نامبرده پس از آموختن مقدمات به حوزه علمیه قم رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی بهره‌مند شد. آنگاه مدتی چند به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: سید محمد شاهرودی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده کرد و به ایران مراجعت و در شرق تهران به فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی اهتمام ورزید.

مرحوم بطحائی معارف اسلامی و آرای مذهب تشیع را به وسیله بیان و قلم و مباحثات با اندیشمندان در داخل و خارج کشور ترویج کرد و توانست بسیاری از مسلمانان را با مذهب حقه جعفری آشنا کند. وی مدتی به خاطر مبارزات سیاسی با رژیم شاهی به زندان رفت و شکنجه‌ها را تحمل کرد و پس از پیروزی انقلاب و فقط چند روز قبل از ارتحال، خود را کاندیدای نمایندگی مجلس شورا نمود. ایشان خدمات ارزنده‌ای در جهت احیا و ساختن مساجد و مؤسسات عام المنفعه در مناطق بسیاری از خود، به یادگار گذاشت.

### از آثار او

۱ - آداب الحرمین (ادعیه و زیارات مکه و مدینه)، ۱۳۸۲ ق، تهران، جیبی، ۷۴ ص.

۲ - اصول بطحائی.

۳ - المناظرات فی الحرمین.

بطحائی در روز چهارشنبه ۹ / جمادی الاول / ۱۴۰۰ ق مطابق با ۶ / فروردین / ۱۳۵۹ ش در سن ۵۴ سالگی در اثر حادثه تصادف در جاده خمین به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - روزنامه کیهان، به تاریخ ۹ / فروردین / ۱۳۵۹ ش، ص ۹.

۲ - مؤلفین کتب چاپی ۱۴۲/۴.

## شیخ علی بوستانی بلتستانی

( - ۱۴۱۶ ق )

از دانشمندان و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

او در منطقه « شگرباشه » ایالت بلتستان پاکستان، تولد یافت.

. پس از طی مقدمات در زادگاه خود، به حوزه علمیه نجف اشرف رهسپار شد و مدت شش سال در آن سامان به تحصیل علوم دینی اشتغال داشت. آنگاه جهت زیارت اماکن متبرکه در ایران، به آن سوی رفت و در قم توقف کرد و از محضر آیات، سید حسین طباطبایی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده نمود و تا آخر عمر خود آنجا زیست و خود حوزه درسی تشکیل داد، و عده ای از فضلا از محضرش کسب فیض کردند.

نامبرده در سال ۱۴۱۶ ق در حدود سن ۷۵ سالگی در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - افادات حاج آقای دولت.

۲ - تذکره علمای امامیه پاکستان (شمالی علاقه جات)، ص ۸۲.

## شیخ علی بیانی گیلانی

(۱۳۰۶ - ۱۳۹۵ ق)

شیخ علی بیانی فرزند ملا بابا گیلانی، از علما و بزرگان معاصر بود. متولد سال ۱۳۰۶ ق مطابق با ۱۲۶۷ ش.

### مدرس فرزانه

استاد شیخ حسن شمس گیلانی درباره مرحوم بیانی می نویسد:

«مولانا از اکابر علمای گیلان و از فضلاء آن دیار است. در ادبیات و مقدمات مردی خوش ذوق و خوش محضر است.

شمس گوید: در قسمت ادبیات در شهر رشت کم نظیر است. و مقداری از مطول را در گیلان خدمت آن جناب تلمذ کردم و در معانی و بیان او را ممتاز یافتم، و از محضرش استفاده ها کردم.

مولانا نیز با کمال آرامش زندگی می نماید، و هنوز هم تدریس ادبیات و مقدمات در رشت منحصر به اوست، و مشغول به ترویج احکام الهی است.»

ایشان در روز سه شنبه ۲۵ / ربیع اول / ۱۳۹۵ ق مطابق با ۱۹ / فروردین / ۱۳۵۴ ش درگذشت، و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

❦ منبع

۱ - تاریخ علما و شعرای گیلان ۱۲۶.

## سید علی تهجدی ساوهای

(۱۳۰۴ - ۱۳۷۸ ق)

حاج سید علی فرزند علامه سید ابومحمد و نوه سید اسماعیل حسینی ساوچی

ملقب به (تهجدی)، عالمی زاهد و دانشمندی متعبد و از بزرگان شهر ساوه بود.



تولدش به سال ۱۳۰۴ ق مطابق با ۱۲۶۵ ش در ساوه اتفاق افتاد، و پس از پرورش در بیت علم و تقوی به نجف اشرف مهاجرت نمود، و سطوح را به انجام رسانید، خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی، و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود، و به ایران بازگشت و در قم جهت تأسیس حوزه با آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی همکاری نمود.

و بالاخره در پی درخواست مکرر اهالی ساوه به آن سامان عزیمت کرد و به رتق و فتق امور پرداخت، و اداره حوزه علمیه آن شهر را بر عهده گرفت. و در سال ۱۳۶۹ ق به مدت دو سال در نجف اشرف بسربرد و مجدداً به ساوه بازگشت، و در پی بیماری در سال ۱۳۷۸ ق مطابق با ۱۳۳۷ ش به سن ۷۴ سالگی در ساوه درگذشت، و در مقبره علی بن بابویه قمی در قم به خاک سپرده شد. از آثار او: تقریرات درس نائینی.

فرزندش حجة الاسلام و المسلمین سید محمد صالح تهجدی (دام بقاوه) که فعلاً از بزرگان شهر ساوه محسوب می شود.

#### منابع

- ۱ - افادات فرزند معظم له.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۲۹۴/۵.

## سید علی جزائری شوشتری

(۱۲۶۵-۱۳۵۳ ق)

حاج سید علی فرزند علامه سید محمد علی و نوه سید عبدالله موسوی جزائری شوشتری، از علمای برجسته تهران بود. در سال ۱۲۶۵ ق در نجف اشرف متولد گردید.

### در حوزه‌های تهران و نجف اشرف

وی در سن کودکی همراه پدرش به تهران رفت و پس از طی مقدمات، سطوح را نزد پدر خود و شیخ محمد حسن آشتیانی تلمذ کرد، آنگاه به نجف اشرف مراجعت و از محضر آیات: سید حسین کوهکمری، ملا محمد فاضل ایروانی، ملا لطف‌الله اسکی لاریجانی، میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزا حسین خلیلی تهرانی و شیخ محمد حسن مامقانی استفاده شایان نمود، و به درجات عالی علم رسید و اجازات علمی از اساتید خود دریافت داشت.

### مراجعت به تهران

جزائری پس از سالها استفاده از محضر اساتید فوق به تهران مراجعت کرد، و در محله «پای قاپوق» به ترویج مذهب و اقامه شعائر و جماعت و نشر احکام الهی و وعظ و ارشاد پرداخت. و یکی از اصحاب رأی در امور سیاسی شد و به همین خاطر یکی از مخالفین سرسخت مشروطه به حساب می‌رفت، و در مسأله جمهوریت رضاخان نیز مخالفت شدیدی نمود.

### درگذشت و اعقاب

ایشان سرانجام در روز سه‌شنبه ۱۶ / جمادی اول / ۱۳۵۳ ق مطابق با ۶ / شهریور / ۱۳۱۳ ش در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در حرم حضرت

- معصومه علیها السلام - در کنار آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی - به خاک سپرده شد.
- فرزندانش: ۱ - علامه میرزا فخرالدین جزایری، از علمای تهران بود (۱۳۰۵ - رجب / ۱۳۹۴ ق).
- ۲ - سید جلال الدین (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰ ق). شاگرد سید محمد تنکابنی در تهران بود، و مدفون در وادی السلام قم است.
- ۳ - سید نورالدین.
- ۴ - سید جمال الدین.
- ۵ - دکتر سید غیاث الدین (۱۳۳۲ - ۱۴۰۴ ق) نویسنده کتابهای علمی و طبی.
- ۶ - دکتر سید سراج الدین.
- ۷ - سید ضیاء الدین، متوفای ۱۹ / رمضان / ۱۳۸۶ ق، و در کنار مزار پدر خود در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. وی رئیس دبیرستان امیرکبیر در سال ۱۳۳۱ ش بود، و کتابی به نام «حساب مصور» به چاپ رسانده است.
- ۸ - سید علاء الدین.

#### منابع

- ۱ - الاجازة الكبيرة ۱۱۱.
- ۲ - المسلسلات فی الاجازات ۳۴۵/۲ (سال مرگش را به سال ۱۳۵۴ ق نوشته است).
- ۳ - شجرة مبارکه یا برگی در تاریخ خوزستان ۲۷۵/۱ (سال مرگش را در سال ۱۳۵۴ ق نوشته است).
- ۴ - نقيب البشر ۱۴۸۵/۴.

### سید علی حسینی قمی «دشتی»

(۱۳۳۵ - ۱۴۰۰ ق)

سید علی فرزند علامه سید عباس و نوه محمد حسینی دشتی، وی نظر به اینکه مدتی در بهبهان بود به «بهبهانی» ملقب گردید، و مهمترین لقب ایشان

«قمی»، و آن هم به این دلیل که در قم تحصیلاتی داشته است. و اصالتاً از سادات «حسینی دشتی» می باشد.

### ولادت و رشد

وی به سال ۱۳۳۵ ق در روستای (گَنَخَک) منطقه دشتی «استان بوشهر» دیده به جهان گشود.

در سن دو سالگی مادر خود را از دست داد، و در دامان پُر مهر مادر بزرگش پرورش یافت، در سن شش سالگی هنگام مراجعت پدرش از نجف اشرف و سکونت در شادگان به آنسامان رهسپار شد، و تحصیلات مقدماتی را آغاز کرد.

### مهاجرت به نجف اشرف و قم

ایشان در حدود ۱۸ سالگی به نجف اشرف جهت ادامه تحصیل رفت، و سطوح را نزد آیه الله شیخ مجتبی لنگرانی و سایرین تلمذ کرد، و پس از چند سال اقامت به ایران بازگشت و به حوزه علمیه قم رفت و در درس آیه الله سید محمد داماد یزدی در فقه و اصول حاضر گردید.

### خدمات اجتماعی

آن مرحوم پس از انجام تحصیلات در «کاکلی» بوشهر به ارشاد و هدایت اشتغال ورزید، و در حدود سال ۱۳۸۲ ق رحل اقامت خود را در شادگان انداخت، و ریاست دینی و مردمی را بر عهده گرفت. ایشان در آن منطقه به رتق و فتق امور و اقامه جماعت و امر به معروف و نهی از منکر و تدریس برخی کتب مقدماتی اشتغال نمود.

وی دارای نوشته های متفرق می باشد، و گاهی خود را به سرودن اشعار عربی و فارسی و مطالعات ادبی مشغول می کرد.

او در منطقه مذکور نماینده آیات و علمای نجف اشرف بود، و توانست اجازات امور حسبی از حضرات آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، میرزا آقا اصطهباناتی، سید حسین حمامی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابوالقاسم خوئی دریافت نماید.

### در گذشت و اعقاب

ایشان در روز پنج شنبه ۱۱ / ربیع ثانی / ۱۴۰۰ ق مطابق با ۹ / اسفند / ۱۳۵۸ ش به سن ۶۵ سالگی در شادگان درگذشت، و جسدش به قم حمل و در یکی از سالن های قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

فرزندش: سید حسین قمی، متولد سال ۱۳۶۳ ق در شادگان. در حدود سن ۱۴ سالگی به نجف اشرف رفت و سطوح را نزد آقایان: شیخ محمد مظفری قزوینی، سید محمد رجائی اصفهانی و شیخ حسین راستی کاشانی تلمذ کرد، و مدت دو سال از درس خارج آیه الله سید ابوالقاسم خوئی، و یکسال هم از آیت الله سید روح الله خمینی (خارج مکاسب) استفاده نمود، و پس از حدود ۶ سال اقامت به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون مورد توجه مردم آن سامان است.

### از آثار او

- ۱ - المثنیات فی اللغة.
- ۲ - شرح الخیارات من المکاسب.
- ۳ - شرح القطع من الرسائل.
- ۴ - شرح کتاب المیراث من اللعة.

### تذ منایع

- ۱ - اظهارات آیه الله میرزا احمد دشتی (دائی سید علی حسینی قمی).
- ۲ - اظهارات فرزندش حجة الاسلام سید حسین قمی.
- ۳ - الیاقوت الأزرق فی تاریخ الحویزة و الدورق (خطی - آقای شبری).



## میرزا علی حق نویس قمی

(۱۲۹۱-۱۳۷۷ ق)

میرزا علی فرزند میرزا جواد قمی، ملقب به «حق نویس»، از رجال سیاسی معروف دوره پهلوی بود.

وی در سال ۱۲۹۱ ق در قم دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از رشد و نما، روی به تحصیل علوم دینی آورد، آن گاه به تهران رفت و به تحصیلات خود خاتمه داد. او در تهران اداره امور داخلی روزنامه «رعد» به مدیریت و صاحب امتیازی سید ضیاءالدین طباطبائی، را برعهده گرفت. حق نویس در کنار سید ضیاء در کابینه اش به کفالت وزارت عدلیه انتخاب شد و پس از آن در وزارت دارایی متصدی دیوان عالی محاسبان گردید. وی مدتی هم سرپرستی اداره راه کرمانشاه را برعهده داشت.

ایشان در سال ۱۳۰۵ ش به فکر انتشار روزنامه ای به نام «رعد امروز» در تهران افتاد و امتیاز آن را در ۱۵ / تیر / ۱۳۰۵ ش از شورای عالی معارف دریافت نمود، ولی این روزنامه منتشر نشد.

از کارهای مهم سیاسی او می توان به سمت نمایندگی اش در مجلس شورای ملی دوره ششم (۱۳۰۵ ش مطابق با ۱۳۴۴ ق) از قم و نیز نمایندگی مجلس سنا به صورت انتصابی از تهران در دوره های اول (۱۳۲۸ ش مطابق با ۱۳۶۹ ق) و دوره دوم (۱۳۱۲ ش مطابق با ۱۳۷۳ ق)، اشاره کرد.

حق نویس در اواخر / شعبان / ۱۳۷۷ ق مطابق با اواخر / اسفند / ۱۳۳۶ ش در پی بیماری طولانی در سن ۸۶ سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت و در قم به خاک سپرده شد.

منابع

۲ - رجال قم ۱۳۶.

۳ - گنجینه دانشوران ۲۱۱.

۴ - نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۱۹.

## شیخ علی حیدری کاشانی

(۱۳۴۵ - ۱۴۱۰ ق)

حاج شیخ علی فرزند علامه شیخ محمد حیدری کاشانی، متولد سال ۱۳۴۵ ق در کاشان پس از طی ادبیات و مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد باقر زند کرمانی تفسیر و درایه و هیئت و از صدر کوپائی کلام و فلسفه و از میرزا علی آقا شیرازی تفسیر و اخلاق آموخت.

قسمتی از ادبیات و شوارق را از سید حسین ادیب بجنوردی آموخته، سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از آیت الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت الله خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده، و مکاسب و کفایه را از محضر آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و شیخ عبدالجواد سدهی اصفهانی بهره مند شد، و به درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج آیت الله حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته است. در سال ۱۳۵۱ ق بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده، و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده، و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یتربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می نمود.

ایشان دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می باشند که هنوز به چاپ نرسیده است. وی نیز طبعی روان و ذوقی سرشار داشت و اشعار عربی و فارسی بسیاری در

مدح ائمه عليهم السلام به خصوص حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) دارند، که نمونه‌ای از آن را از نظر ارباب دانش و ذوق می‌گذرانم:

|                           |                            |
|---------------------------|----------------------------|
| قال نبينا على ما فى الاثر | ائمة السلام هم اثنى عشر    |
| اولهم كان امير البرره     | على العالى المسمى حيدره    |
| ثانيهم الحسن مام الممتحن  | والثالث الحسين تصفير الحسن |
| هم المنزهون عن كل دنس     | طهرهم الاله عن كل رجس...   |

وی در شب جمعه ۱۳ / صفر / ۱۴۱۰ ق مطابق با ۲۳ / شهریور / ۱۳۶۸ ش درگذشت، و پس از تشییع در قم در مقبره باغ بهشت مدفون شد.

از تألیفات ایشان که نزد فرزند کوچش رؤیت شد عبارتند از:

- ۱ - مسائل فی الطهارة.
- ۲ - مسائل فی بعض أحكام الصلاة.
- ۳ - مسائل فی التوفیق بین قاعدة التجاوز و قاعدة الفراغ.
- ۴ - مسائل فی الوقف.
- ۵ - رسالة فی الخمس.
- ۶ - رسالة فی الرهن، (که در حیاة آیه الله ملا محمد کاظم خراسانی نوشته است).
- ۷ - مسائل فی أحكام القضاء.
- ۸ - مسائل فی الرضاع (تقریراً لبحث استاذہ الخراسانی).
- ۹ - رسالة فی المفاهیم.
- ۱۰ - مسائل فی اجتماع الأمر والنهی.
- ۱۱ - منجزات المریض.
- ۱۲ - تعلیقة على الرسائل (تعالیق مختصرة).

منع

## شیخ علی خوانساری « متفقی »

(۱۳۱۲ - ۱۳۹۶ ق)

حاج شیخ علی غفاری ملقب به « متفقی » فرزند محمد مهدی و نوه علی اکبر خوانساری، از فضلا و مدرسان بود.

وی در صبح روز شنبه ۱۸ / ذی الحجه / ۱۳۱۲ ق در شهر خوانسار زاده شد. ابتدا مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد علامه میرزا محمود ابن الرضا و فرزند ایشان میرزا رضا ابن الرضا و آخوند ملا محمد حسن شاکریان آموخت. دروس اخلاقی را از محضر میرزا محمود ابن رضا استفاده نمود. سپس به اراک رفت و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها جست. و سرانجام به تهران عزیمت کرد و در مجلس درس آیت الله سید احمد خوانساری شرکت می نمود و خود رسماً به تدریس کتب مقدمات و برخی از سطوح و اقامه جماعت اشتغال داشت.

متفقی، شخصی خدوم، کوشا و در برآوردن حوایج مؤمنین از پیشتازان بود. در امر ارشاد و هدایت و امور دینی اصرار داشت. مکرراً به زیارت عتبات عالیّه و بیت الله الحرام مشرف می شد و پیوسته با مراجع دین از ابتدای جوانی مکاتبات فراوانی دارد، از جمله آنان حضرات آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری، سید احمد خوانساری، سید محمد حجت کوهکمری، سید صدرالدین صدر، شیخ موسی خوانساری، سید ابوالقاسم خوئی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید روح الله خمینی و دیگران، همچنین از برخی آنان مجاز بود.

ایشان زندگی زاهدانه‌ای داشت و در کمال ورع و تقوا عمر خود را تا پایان سپری نمود، و در ۱۹ / شعبان / ۱۳۹۶ ق برابر با ۲۵ / مرداد / ۱۳۵۵ ش در سن ۸۴ سالگی در تهران وفات یافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

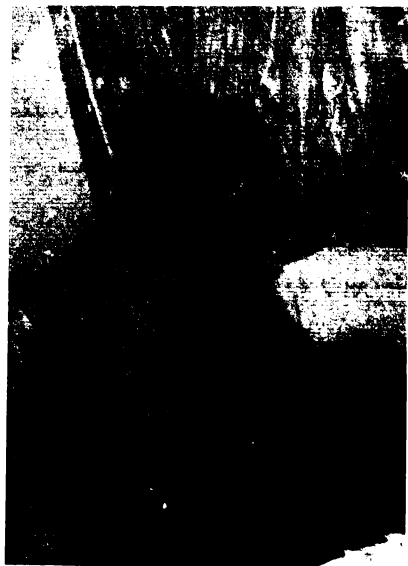
۱ - آقا علی اکبر ۲ - آقا احمد و دو دختر که حجة الاسلام آقای سید محمد میرشاه ولد ( فعلاً ساکن ملایر است ) دامادش بود.

❦ منع

۱ - اطلاعاتی از منسوبان صاحب شرح حال.

## سید علی دعوتی همدانی «داعی»

(۱۳۱۹ - ۱۴۱۵ ق)



سید علی دعوتی متخلص به (داعی) فرزند علامه عباس داعی الاسلام همدانی و نوه سید حسین فرزند سید محسن فرزند سید اشرف الدین بهبهانی استاد دعوتی یکی از چهره‌های شاخص ادبی و فرهنگی معاصر زمان ما و یکی از پُرکارترین فرهنگیان اداره فرهنگ بود. اینجانب سه چهار سال محضر پُرفیض ایشان را درک نموده و تا آخرین روزهای زندگی اش ملازم ایشان بودم. به حق

می‌توان گفت که نامبرده: مردی اخلاقی و بسیار باکمال بود. ایشان یکی از شاگردان مکتب علمی و ادبی اساتید به نام همدان همچون: شیخ موسی نثری، شیخ حسنعلی سحاب و علی محمد آزاد بودند. زندگینامه زیر به خامه خود ایشان به رشته تحریر درآمده که با اندکی تصرف آن را تقدیم می‌داریم:



سید علی دعوتی متخلص به (داعی) فرزند مرحوم حاج سید عباس دعوتی (داعی الاسلام) متولد ۱۶ / مهر / ۱۲۸۰ شمسی در همدان، تحصیلات قدیمه و جدیده تا دوره اول متوسطه را در همدان دیده، و در تاریخ ۱۳۰۱ ش وارد خدمت فرهنگ شده، به شغل آموزگاری در همدان و اسد آباد و بروجرد و ملایر اشتغال به تدریس داشته، و بعداً به شغل دبیری و ریاست (دبیرستان پهلوی) خرم آباد تعیین گردید، و سپس به ریاست اوقاف: بروجرد و کاشان و قم منصوب گردیده و انجام وظیفه نموده، و در سال ۱۳۴۱ ش بازنشسته شده است.

داعی، طبع شعری روان و ساده دارد اشعار او شامل قصائد و غزلیات و مناظرات و حکایات و رباعیات و مفردات است، که در عین روانی عبارت، آموزنده و اخلاقی می باشد و اشعار زیادی هم در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام سروده است.

### تألیفات او عبارت است از:

۱ - دیوان اشعار، ۲ - تاریخ منظوم زندگانی رسول خدا که بالغ بر ۴۴۶۶ بیت است، ۳ - رساله در وقف و موقوفات، ۴ - رساله آدمیت، ۵ - رساله در پیدایش موسیقی و تعریف آن، ۶ - شرح زندگانی مرحوم داعی الاسلام همدانی که به استثنای دیوان اشعار، و زندگانی رسول خدا بقیه هنوز به چاپ نرسیده ۷ - تاریخ همدان در دو جلد.

اشعار زیر از اوست:

|                                   |                                |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| از کوی تو ای شوخ گذر کردم و رفتم  | خاک قدمت کحل بصر کردم و رفتم   |
| از کوی تو دلدار چو رنجیده گذشتم   | آشفته شب هجر سحر کردم و رفتم   |
| جانان چنین سخت و فریبنده ندیدم    | با اندوه بسیار نظر کردم و رفتم |
| ای آفت جان از چه کنی سخت کمانی    | از تیر نگاه تو حذر کردم و رفتم |
| از ناوک مژگان تو افتاده در این ره | صد کشته من حصه سفر کردم و رفتم |
| با باد صبا راز دل خونش بگفتم      | گل را زغم خویش خبر کردم و رفتم |

«داعی» همه جا جز تو دگر هیچ نخواهد دل پیش تو باشد چو گذر کردم و رفتم

در نوشته‌ای دیگر خود را چنین معرفی نموده است:

تحصیلات نامبرده تا کلاس سوم متوسطه زیر نظر والد محترمش انجام گردید، و سایر تحصیلات به شرح زیر می‌باشد: ابتدا در یکی از مکتب‌خانه‌ها به نام مکتب آمیرزا صادق و بعد از یک سال در مدرسه متوسطه و ابتدائی دولتی (نصرت) همدان تا کلاس سوم متوسطه تحصیلات خود را ادامه داده، و بعداً برای خواندن دوره مقدمات علوم قدیمه در یکی از مدارس قدیم طلاب به نام (مدرسه کوچک) همدان چند سالی مشغول تحصیل علوم قدیم بوده، و بعداً از تاریخ ۱۳۰۱ شمسی وارد خدمت دولتی گردیده، و به شغل معلمی در کلاس اول ابتدائی مدرسه دولتی نصرت همدان مشغول تدریس شده، و بعد از سه سال در تاریخ اول مهرماه سال ۱۳۰۴ ش از طرف اداره فرهنگ همدان به سمت مدیریت (مدرسه چهارکلاسه اسدآباد) منصوب می‌شود، و در تاریخ ۱۷ ماه قوس سال ۱۳۰۲ ش امور اوقافی شهرستان اسدآباد نیز به ایشان محول می‌گردد، و بعداً در اول / شهریور / ۱۳۰۸ ش به فرهنگ ملایر انتقال یافته، و بعد از دو سال از طرف اداره کل فرهنگ غرب به فرهنگ شهرستان خرم آباد به سمت ریاست (دبیرستان سه کلاسه پهلوی) منصوب می‌گردد.

در تاریخ شهریور ۱۳۲۰ به فرهنگ شهرستان بروجرد انتقال داده می‌شود، و در آنجا به شغل آموزگاری و دبیری و کفالت ریاست (دانشسرای مقدماتی دختران) انجام وظیفه می‌نماید، و قبلاً هم برای دیدن کلاس اوقاف و کلاس تراخم از طرف وزارت فرهنگ در محل دارالفنون (تهران) تشکیل شده بود شرکت نموده، موفق به اخذ دانشنامه می‌گردد.

در تاریخ ۲۵ / مهر ماه / ۱۳۲۴ به سمت ریاست اوقاف بروجرد منصوب گردیده، و چند سال بعد به ریاست ناحیه اوقاف قم و کاشان و اراک و ساوه و محلات نیز منصوب گردیده است. در اوقاف شهرستان خدمات ارزنده‌ای با

استفاده از تبدیل به احسن اراضی موقوفات با استیذان از حضرت آیت الله آقای بروجردی برای ازدیاد درآمد و تعمیرات مراقبات موقوفات انجام داده است. و به قرار اطلاع درآمد موقوفات از رقم پانزده هزار تومان به مبلغ صد هزار تومان رسیده است.

### تألیفات مؤلف:

- ۱ - دیوان اشعار، محتوی قصائد، غزلیات رباعیات و مناظرات، و منظومه تخت جمشید در دو جلد، جلد اول در ۱۳۵۲ ش به چاپ رسیده است.
- ۲ - رساله موقوفه و وقف در اسلام.
- ۳ - تاریخ منظوم زندگانی رسول خدا، در چهار هزار بیت.
- ۴ - رساله آدمیت.
- ۵ - اتحاد وحوش بر علیه آدمیزاد در جنگل (اشعار).
- ۶ - رساله پیدایش موسیقی و تعریف آن.
- ۷ - مجموعه یک صد و سی و پنج پند.
- ۸ - مراسم تاج گذاری.
- ۹ - شرح زندگانی داعی الاسلام همدانی.
- ۱۰ - تاریخ مفصل همدان در ۲۶۴ برگ.
- ۱۱ - شخصیت فردوسی.
- ۱۲ - شرح مشاهد مشرفه (ناتمام).

### مصاحبه با استاد دعوتی

این مصاحبه به صورت دوستانه به تاریخ اول / فروردین / ۱۳۷۰ ش در منزل استاد دعوتی در قم ضبط و یادداشت گردید.

(عبدالحسین جواهر کلام)



س: لطفاً دربارهٔ مؤلفات جنابعالی و اشعاری را که سروده‌اید مطالبی بفرمائید؟  
ج: من خودم را جزو شعرا و عرفا نمی‌دانم، ولی جزو خوشه چین‌های شعرا و عرفا می‌دانم، و از آنها پیروی می‌کنم. اشعاری را که فرمودید، من اشعار زیادی گفتم که جلد اول آن به چاپ رسیده و جلد دوم هنوز چاپ نشده است.

اشعار من بیشتر مربوط به اخلاقیات و جنبه‌های عمومی و نصیحت و پند. و یک قسمت مهمش مربوط به مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام است. و یک قسمت هم مربوط به خانوادهٔ خودم، دخترها که برای هر کدام از آنها اشعاری گفتم و در کتاب ضبط کردم.

بله! غیر از دیوانی که دارم اشعار زیادی هم راجع به زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از تولد تا آخرین روز حیات آن حضرت سروده‌ام، که شامل چهار هزار بیت می‌شود.

عرض می‌کنم که زندگانی و سیرهٔ رسول خدا، شامل جنگ‌ها، سربه‌ها، مسافرت‌ها، اخلاق و صفات و سیمای حضرت به طور کامل در اشعار گفته شده است. امیدوارم مورد قبول واقع شود. اشعار دیگری هم راجع به موضوع‌های مختلف گفتم که در خارج از دیوان ضبط است.

مؤلفاتی که دارم عبارتند از:

رسالهٔ موقوفات (که موقوفه چیست؟ موقوفه قبل از اسلام به چه صورت بوده و بعد از اسلام به چه صورت درآمده)، رسالهٔ آدمیت، رساله در موسیقی، شخصیت فردوسی.

س: دربارهٔ تاریخ همدان چه؟

ج: کتابی را اخیراً به نام (تاریخ همدان) نوشته و تمام کردم، که از طرف انتشارات امیرکبیر قرار است چاپ شود. این کتاب مشتمل بر سابقهٔ تاریخی و باستانی شهر همدان از هزارهٔ دوم و سوم قبل از میلاد است تا به حال.

در این کتاب تمام اخبار، حکایات، اتفاقات، جنگ‌ها، آمدن سلاطین و تشکیل

سلسله‌های مهم در همدان را مفصلاً شرح داده‌ام.

س: لطفاً دربارهٔ (مجمع دعوت اسلام) که مرحوم پدرتان تأسیس کرده‌اند مطالبی بفرمائید؟

ج: به خاطر محترم عرضه می‌دارم که پدر اینجانب مرحوم حاج سید عباس دعوتی ملقب به (داعی السلام) در تاریخ ۱۳۲۴ ق در همدان مجلسی به نام (دعوت اسلام) تأسیس نمود، که عدهٔ زیادی از علمای درجهٔ اول، و آقایان و آزادیخواهان در آن انجمن شرکت می‌کردند. این انجمن روزهای شنبه و یکشنبه که مصادف بود با تعطیلی دانش آموزان مسیحی و کلیمی و بهائی باز بود. و همهٔ آقایان می‌آمدند و مباحثهٔ علمی می‌شد. در رد و قبول مذاهب صحبت‌های مفصل شده، مخصوصاً در ردّ فرقهٔ ضالّهٔ بهائیت. خیلی مرحوم داعی الاسلام زحمت کشید. تا آنجائی که در زمان مرحوم سید ضیاءالدین طباطبائی رئیس الوزراء وقت، دستور صادر شد (به فشار مرحوم داعی الاسلام و مجلس دعوت اسلام) که مدارس ابتدایی و متوسطهٔ دخترانه و پسرانه تأیید تعطیل شد. و حتی مشرق الاذکار بهائی‌ها در همدان بسته و برچیده شد. خدمات مفصلی پدر اینجانب عهده‌دار بود و مردم همدان از شر بهائی‌ها راحت شدند.

س: لطفاً دربارهٔ میرزادهٔ عشقی مطالبی بفرمائید؟

ج: مرحوم میرزادهٔ عشقی فرزند حاج میر ابوالقاسم عشقی از شعرای نامی وطن پرست ایران بود. در زمان رضا شاه چون مخالف با دستگاه بود، از طرف دستگاه به وسیلهٔ دو نفر ناشناس ترور شد. و با این ترور شاخه گل ادبی نورسیده از دست رفت و خزان شد.

میرزاده دائی بچه‌های اینجانب می‌باشد. و شخصاً مکرراً ایشان را دیدم، ایشان طبعی بلند و اشعار شیوا داشت.

س: لطفاً بعضی از اشعارش را بخوانید؟

ج: از جمله اشعارش این است که:

من آن نیم که به مرگ طبیعی بمیرم این یک کاسه خون به بستر راحت هدر کنم

در واقع شهادت خودش را خبر داده بود. اشعار زیادی داشته که در نظر اینجانب نیست. در دیوانش مضبوط است. یکی از شعرای نامی قرن بیستم ایران بود.

س: درباره رضا شاه که فرمودید در همدان بود، چیزی به خاطر دارید؟

ج: آنچه که من به خاطر دارم، رضا شاه به مدت سه سال رئیس آتریاد قزاق همدان بود. و بعداً از همدان به شمال مسافرت کرد، و بعد از رفتن احمد میرزا یعنی احمد شاه به فکر تأسیس سلسله پهلوی افتاد. و با مقدمه چینی و دست انگلیسیها موفق شد که به سلطنت برسد.

س: مطالبی درباره دوره قاجاریه، احمد شاه قاجار چیزی به یاد دارید؟

ج: احمد شاه قاجار جوانی بود که تجربیات زیادی نداشت. و نمی توانست از عهده سلطنت بیرون آید. در زمان او هرج و مرج زیاد شد. او مورد توجه روسها بود. و انگلیسیها برای جلوگیری از توجه روسها به ایران، رضا شاه را به سلطنت انتخاب کردند، که در مقابل روسها بایستد.

□ خوب، خیلی متشکرم.

## سید علیرضا سعیدی یزدی «ریحان»

(۱۳۳۰-۱۴۰۸ ق)

شرح حال زیر به قلم خود ایشان که در کتابشان «آینه دانشوران» به چاپ رسیده و ما با اندک تغییری اینجا نقل می کنیم:

ریحان الله (علیرضا) بن محمد بن هاشم بن محمد علی بن علی نقی بن حسین بن محمد سعید بن محمد امین بن محمد کبیر بن محمد رضی بن محمد محسن بن غیاث الدین حسینی حسنی.

محرم / یک هزار و سیصد و سی هجری قمری بود که، این جانب علیرضا بن

محمد الحسینی الحسنی الیزدی در یک خانواده روحانی (در یزد) پای به جهان گذاشتم. مادر مرا به نام جدش «میرزا علیرضا» نامید. در حجر تربیت پدر و مادر بار آمدم. قرآن مجید و ادبیات عربی و پارسی را از پدر بزرگوام آموختم. سپس در محضر درس اساتید وقت (که از جمله آنها: ملا حیدر ساکن مصلاهی صفدرخان، و حجة الاسلام سید احمد مدرسی) بعضی از کتب نحو و اصول و فقه را خواندم. چون سال ۱۳۴۷ ق و ۴۸ رسید، برای اولین مرتبه جلسه امتحانیه از طرف دولت تشکیل یافت، و در طبقه پایین مدرسه مصلی هیئت ممکنه که از آنها بودند: فاضل محترم سید حسین شهشانی، به کار آزمایش طلبه علوم دینی پرداختند. من نیز در آن آزمایش موفق شده و اجازه باقی بودن در لباس عبا و عمامه را دریافت داشتم.

در همان سال از پدرم رخصت طلبیده مسافرتی به کرمان و نواحی آن چون شهرستان بم و غیره کردم. مدتی که در کرمان بودم ردیف طلبه علوم دینی در مدرسه معصومیه توقف داشتم، و دریم آقای حسین پاپلی که از بازرگانان نیکوکردار یزد بود به پذیرایی من اقدام کرده، در باره ام مهربانی ها نمود. سپس به مسقط الرأس مراجعت کرده و پس از مختصر توقفی با موافقت پدر عزیزم به کمک خرج حاج علی اکبر ریسمانی که از بازرگانان یزد بود و به پدرم فوق العاده علاقه داشت، برای تکمیل علوم دینی عازم شهرستان قم شدم.

روز ۶ / ربیع الثانی / ۱۳۵۰ ق بود که به اتفاق آقای امیر محمد فرزند امام جمعه یزد از طریق اصفهان به قم وارد شدیم. شب را در حجره حجة الاسلام سید یحیی مدرسی که فعلاً از علمای نجف اشرفند بودیم و حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری چنانکه شیوه ایشان بود از ما دیدن کردند. در همان مجلس من به خدمت آیت اللهی معرفی شدم، و در حدود چهار سال مورد الطاف و مهربانی های ایشان بودم. در این مدت به حوزه درس بیشتر اساتید دارالعلم قم حاضر شده، در خور استعداد خود استفاده کردم.



در یکی از تعطیلی‌های تابستان به عزم دیدار یکی از دانشمندان دینی که در نهاوند توقف داشت از قم عزم سفر کردم، چون به بروجرد رسیدم شرف اندوز خدمت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی شده، از مجلس درس و طریق تدریس آن جناب فراوان استفاده کردم. چون توقف من در بروجرد نسبتاً به طول انجامید تنها تا خرم آباد رفتم و در آن سرزمین با دیدار علما و روحانیون آنجا سفر خود را خاتمه داده، از رفتن به نهاوند صرف نظر کرده و به قم مراجعت کردم. عالمی را هم که می‌خواستم در نهاوند زیارت کنم بعدها در تهران و یزد و کاظمین در مجالس متعدد از خدمتشان بهره‌مند شدم. پس از فوت آیت الله حائری به یزد مراجعت کرده و چندی در آن سرزمین زندگی گذاشتم. متن پایان یافت.

شایان ذکر است که ایشان نواده دختری آیت الله سید مرتضی مدرس طباطبائی یزدی متوفای ۱۳۳۳ ق که به «شیخ مرتضی» معروف بوده، و پس از مهاجرت به قم در سال ۱۳۵۰ ق، سطح را نزد میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و پس از مهاجرت آیت الله بروجردی به قم جزو شاگردان ایشان درآمده است.

### از آثار قلمی‌اش

خود ایشان دوران جوانی و آثار خود را چنین معرفی نموده است:

چه شبهایی که تا سحر بیدار بودم و همواره به خواندن لیلی و مجنون نظامی، زمزمه سرایی داشتم و همی اشک می‌ریختم. آتش عشق در کانون سینه شعله می‌زد و فشار آرزو و اشتیاق کالبد تن را منفجر می‌خواست، تنها ریسمان عقیده و ایمان بود که پای نفس دیوانه را بسته بود، و نمی‌گذاشت خودسر باشد. این بود که چون آغاز شباب در رسید نیروی عشق به صورتهای مختلف جلوه‌گر شد. روزی اوراقی را جمع آوری نمودم و به نام:

۱ - «بازرگانی محمد ﷺ در جهان» منتشر ساختم.

۲ - روزی دیگر: «درس انشاء یا علم بیان» نوشتم.



۳- روز دیگر: ترجمه فارسی سره «بلوهر» نگاشتم.

اینها همه بهانه آن بود که جان آرام شود و راه خودسری پیش نگیرد. طولی نکشید که دل از این روشها پشیمان شد، و با سوز و گداز همه این اوراق را به آتش ندامت سوزانید، و کتاب مقدس قرآن را در آغوش کشیده، گفت: تنها تویی که در هر حال انیس و مونس منی، من تو را دوست می دارم و بس.

سایر آثار وی به شرح زیر است:

۴- کتابهایی که خواندم.

۵- داماد کربلا، حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام.

۶- تفسیر ریحان.

۷- آینه دانشوران یا قصص العلما (گزارش حوزه علمیه قم در اواخر زمان حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که در زمینه خود بسیار مفید است و معروفترین اثر قلمی شان محسوب می شود. چاپ مجدد این کتاب در سال ۱۳۷۲ ش به کوشش استاد محترم جناب آقای ناصر باقری بیدهندی از سوی انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به انجام رسید).

دو غزل زیر نمونه اشعار وی می باشد که آنها را نقل می کنیم:

نمونه اول:

|                                     |                                    |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| آگه ار نیست ز حال دل زارم صیاد      | از نفس شعله ز من بر قفس و بدهم باد |
| قسم تنگ و دلم تنگ و پر و بال ببند   | مرغ پر بسته و در کنج قفس ای بیداد  |
| آسمان تابه زمین سایه فکنده است کسی  | تیره اقبال تر از من ندهد هرگز یاد  |
| روز اول که من زار به دام افتادم     | چشم بی رحم تو را دیدم و گفتم فریاد |
| ضامنی خواستم از بهر خلاصی ز خدا     | هاتفی گفت مُحال است خدا صبر دهداد  |
| از پریشانی دل گر سخنی یاد کنم       | شهر ویرانه غم می شود از آن آباد    |
| صورتم درد و دلم درد و پر و بالم درد | دردمندی به همه دهر چو من زار مباد  |

در و دیوار به تنگ آمده از ناله من      آه از آن ناله که تأثیر نماید به جماد  
روز «ریحان» زشب تیره سیه تر بادا      که شده سخت تر از سنگ دلت ای صیّاد

نمونه دوم:

پیش ناز نازنینان بی‌نیازی پیشه کن  
ریشه ناز بتان از بی‌نیازی تیشه کن  
گر بخواهد ماهروی عشو در کارت کند  
ای تو خورشید جهان در حُسن خود اندیشه کن  
چند تنها می‌نشینی ای امید اهل جمع  
روزگاری هم بیا ای شیر، ترک بیشه کن  
باغبانان مزرع دل خشک شد از جور عشق  
ای گیاه زهرآگین زین گلستان ریشه کن  
تا یکی «ریحان» به چشم گلرخان باشی تو خار  
زین سپس از سر و قدان بی‌نیازی پیشه کن

استاد ریحان یزدی سرانجام شب جمعه ۱۶ / ذی‌القعدة / ۱۴۰۸ ق مطابق با  
۱۰ / تیر / ۱۳۶۷ ش در سن ۷۸ سالگی در تهران بدرود حیات گفت و در انتهای  
قبرستان ابو‌حسین قم مدفون گردید.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/ ۲۶۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۴۲۹ و ۶۴۵.
- ۳ - تذکرة شعراى یزد ۳۳۸.
- ۴ - مسترک أعیان الشیعة ۳۱۷/۵ (تحت عنوان «شیخ؟»).
- ۵ - مؤلفین کتب چاپی ۵۶۵/۴.

## علیرضا کاشفی قمی

(۱۳۲۳ - ۱۴۰۰ ق)

علیرضا کاشفی از شعرای قم بود. پدرش شیخ حسینعلی جاسبی از معاریف احرار و رجال به نام صدر مشروطیت به حساب می‌آمد، و جدّ اعلای آن مرحوم ملا حسین کاشفی (صاحب کتاب انوار سهیلی) است.

کاشفی در سال ۱۳۲۳ ق مطابق با ۱۲۸۴ ش در قم دیده به جهان گشود. پس از طی تحصیلات ابتدایی در زمان مرجعیت عامه آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مدتها در حوزه علمیه به فراگیری فنون عربی و ادبی پرداخته، سپس ادامه تحصیلات را در مدرسه «ثروت» تهران گذارنیده، و آنگاه وارد وزارت فرهنگ گردیده که در این راه منشأ خدمات بزرگی می‌گردد.

او غالباً در جلسات انجمن ادبی قم شرکت داشت و مورد احترام همگان بود. و به عنوان: شاعری حساس، مهربان، سلیم النفس و با اخلاص که به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام خصوصاً مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه‌السلام عشق می‌ورزید، می‌شناختند.

استاد کاشفی در روز چهارشنبه ۱۳ / رجب / ۱۴۰۰ ق مطابق با ۷ / خرداد / ۱۳۵۹ ش روز میلاد امام بزرگ شیعیان در قم چهره در نقاب خاک کشید. مدفنش در بهشت معصومه است.

اشعارش شامل: قصاید، غزلیات، قطعات ادبی و فکاهی است. و به عنوان نمونه اشعار زیر تقدیم می‌گردد:

### خرابه شام

چو اهل بیت به فرمان خصم خون آشام شدند وارد در منزل خرابه شام  
خرابه‌ای شده ویرانه بی‌در و بی‌بام نه بستری که در آن لحظه‌ای کنند آرام  
به روی خاک نشستند گرد یکدیگر





فکار وخسته دل از جور ورنج راه و سفر      چو مرغ شب، شب خود را به ناله کرده سحر  
گرفته دست دعا سوی خالق اکبر      که ای خدای ستمدیدگان بی‌یاور

تو داد ما بستان زین گروه بد اختر

زمرگ اکبر، لیلای داغ‌دیده کباب      برای اصغر خودگرم ناله بود، رباب  
سکینه بود، زهجران باب در تب و تاب      زغصه دیده زینب دمی نرفته به خواب

همه زداغ شهیدان به درد و غم اندر

میان اهل حرم دختری رقیه‌اش نام      چهار ساله که از غم نمی‌گرفت آرام  
رخش چون مهر درخشنده بود و ماه تمام      دوری پدرش داشت آه و ناله مدام

روان ز دیده او جای اشک، خون جگر

شبی بیاد پدر خفت در خرابه شام      به خواب دید که آمده زره امام همام  
ورا نشانند به دامان خویش با اکرام      دمی زیوی پدر کرد باز استشمام

زلطف دست نوازش کشیدش بر سر

به باب گفت که از ما مگر چه بد دیدی      که رفتی از بر اطفال خویش و رنجیدی  
چه شد که بازنگشتی مگر چه بشنیدی      که چون گذشته زاحوال ما نپرسیدی

که چون شدیم و چه بر ما رسید زین لشکر

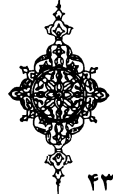
چرا که هست پدر جان خرابه منزل ما      زچیت این همه اندوه و غصه در دل ما  
چرا نه شمع و چراغی بود به محفل ما      مگو که نیست به دست تو حل مشکل ما

بده جواب و ز نزدم دگر مرو به سفر

زعشق روی پدر ناگهان ز خواب پرید      نظر نمود به اطراف و باب خویش ندید  
ز سینه ناله سوزان و دردناک کشید      فغان نمود و به تن پیرهن زغم بدرید

دوید و دامن زینب گرفت آن مضطر...

منبع



## سید علی رضا مدرسی یزدی

(۱۳۲۹ - ۱۳۹۳ ق)

حاج سید علی رضا فرزند میرزا محمد علی و نوه سید محمد صادق طباطبائی مدرسی یزدی، از دانشمندان و اساتید مبرز حوزه علمیه یزد بود.

وی در سال ۱۳۲۹ ق مطابق با ۱۲۹۰ ش در یزد دیده به جهان گشود.

مدرسی ادبیات و بخشی از سطوح را نزد: پدر ارجمند خود، ملا حیدر، میرزا حسن محمود آبادی یزدی، میرزا آقا مدرسی و سید احمد مدرسی فرزند سید محمد طباطبائی فرا گرفت و در سال ۱۳۴۹ ق به قم مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان رساند. دروس خارج را هم از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری و سید محمد تقی خوانساری در قم و در نجف اشرف از محضر شیخ ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌مند شد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و در مدرسه مصلی به تدریس و در مسجد آنجا به اقامه جماعت اشتغال پیدا کرد.

وی مردی دانشمند، فاضل، زاهد و متقی و با اخلاق عالی بود و به اهل علم و طلاب یزد خدمت زیادی نمود و برخی از امور آنان را متکفل می شد. تعمیر مدرسه و مسجد مصلی به همت ایشان انجام گرفت.

مدرسی از حضرات آیات: حائری یزدی، حجت کوهکمری و عراقی اجازات علمی و روایی دریافت کرده بود.

سرانجام در روز دوشنبه ۲۴ / رمضان / ۱۳۹۳ ق مطابق با ۲۹ / مهر / ۱۳۵۲ ش در سن ۶۴ سالگی در یزد دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و پس از تشییعی با شکوه، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

۱ - سید محمد علی مدرسی ۲ - حجة الاسلام سید ابوالحسن مدرسی و دو دختر.

## منابع

- ۱ - آثار الحجة ۳۹۰/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۵۲.
- ۳ - النجوم النرد بذكر علماء يزد (خطی - سید جواد مدرسی).
- ۴ - حوادث الأيام.
- ۵ - گنجینه دانشمندان ۴۵۱/۷.

## علیرضا هدایتی قمی «خاموش»

(۱۳۳۱ - ۱۳۶۷ ق)

میرزا علی رضا هدایتی، که در شعر تخلص (خاموش) را برگزید، فرزند میرزا حسن کفاش قمی، از شعرای توانا و باذوق و سلیقه بود.

هدایتی در سال ۱۳۳۱ ق مطابق با ۱۲۹۲ ش در شهر قم در میان خاندانی معروف و سرشناس قدم به عرصه وجود نهاد.

خاموش، تحصیلات مقدماتی را در یکی از مکاتب زادگاه خود فراگرفت، و چندی نیز به تحصیل صرف و نحو پرداخت، و چون دارای استعداد و قریحه شاعری بود به انجمن ادبی قم که به ریاست شادروان محمود تندری تشکیل می‌شود، راه یافت. و با فنون شعر و رموز آن آشنا گردید و به تدریج شعرش شکوفایی پیدا کرد و مورد توجه قرار گرفت، و سروده‌هایش در روزنامه محلی استوار (در قم) و توفیق (در تهران) به چاپ می‌رسید.

خاموش، از آغاز جوانی برای تحصیل معاش به کوشش پرداخت و به سوهان بزی روی آورد، و در یکی از سوهان فروشان معروف قم مشغول کار شد، و در کار

پختن سوهان بصیرت یافت. پس از چندی تصمیم گرفت دکانی باز کند و چون سرمایه کافی نداشت با یکی از بستگانش مشارکت کرد، و در حوالی حرم مغازه‌ای دایر نمود و به کار پرداخت. کارش رونق گرفت و سرمایه‌ای ذخیره ساخت، و فکر عزیمت به تهران در سرش افتاد، شرکت خود را فسخ و به تهران کوچ نمود. در آغاز با یکی از سوهان فروشان قمی که سالها در تهران در بازار مسجد جامع مغازه داشت شرکت کرد، و مدتی بدین منوال کار کرد، تا اینکه خود در بازارچه وزیر دفتر (شاهپور) مغازه‌ای دایر کرد و به طور مستقل مشغول کار شد، کسبش رواج یافت و کارش رونق گرفت و صاحب خانه و زندگی شد، و در غزلی که سرود ماجرای تهران رفتن خود را بدین گونه شرح داده است:

اهل قم صبح خود ار چیست به قم شام کنید      چند ای مرده دلان زندگی خام کنید  
بروید از قم غم، تا که به تهران نشاط      تن پر از عشرت و جان خالی از آلام کنید  
خوش حدیثی ست علیکم بسواد الأعظم      طلب فایده زین نکته ابهام کنید

محمد رضا هدایتی فرزند خاموش، در نامه‌ای چنین می‌نویسد: خاموش چند سالی به استخدام دولت درآمد و چندی در وزارت دارایی، و مدتی نیز در پست و تلگراف به کار اشغال ورزید. اما کار اداری با روح آزاده او سازگار نبود، و شغل دولتی را رها کرد و به شغل آزاد روی آورد. تخلص «خاموش» را از آن روی برگزید که بسیار کم حرف می‌زد، و اگر سؤالی از او می‌شد جوابی کوتاه می‌داد، و خود در شعری گوید:

چون ندیدم زیان ز خاموشی      لفظ خاموش را لقب کردم

اما خاموش عمرش چندان نپایید و در روز پنجشنبه ۱۹ / جمادی ثانی / ۱۳۶۷ ق مطابق با ۹ / اردیبهشت / ۱۳۲۷ ش در سن سی و شش سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران چشم از جهان فرو بست و در زادگاهش به خاک سپرده شد. خاموش، شاعری خوش ذوق و با استعداد و بلند پرواز و زود رنج و حساس

بود، و در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرد. اما بیشتر به غزل سرایی پرداخت، و غزل را هم خوب می‌سرود.  
نمونه زیر از نظم اوست:

از کوی تو من رفتم و دیوانه شدم باز  
شمع رخ تو دیدم و پروانه شدم باز  
فارغ شد از غم چو به کویت گذرم شد  
دور از تو شدم در غم و غمخانه شدم باز  
یک خال سیه کنج لب لعل تو دیدم  
طایر صفت اندر طلب دانه شدم باز  
از کعبه و هم مسجد و طاعات گذشتم  
مایل به می و شاهد و میخانه شدم باز  
«خاموش» لبش آب حیات است که چون خضر  
یک جرعه بنوشیدم و مستانه شدم باز

منابع

- ۱ - سخنوران نامی معاصر ایران ۱۳۴۸/۲.
- ۲ - فرهنگ شاعران زبان پارسی ۱۸۶.
- ۳ - نگین سخن ۱۶۱/۶ و ۱۷۹ و ۱۹۲.

### سید علی رضوی قمی «قدرت»

(۱۲۷۱ - ۱۳۱۶ ق)

میر سید علی رضوی، متخلص به «قدرت» شاعر توانا و عارف پیشه، فرزند میر سید عزیزالله و نوه سید حسن فرزند میر ابوالفتح قمی. قدرت برادر علامه سید حسن رضوی که از علمای معروف بود.

او در سال ۱۲۷۱ ق (۱۲۳۴ ش) در شهر قم، در خانواده‌ای اصیل و سرشناس دیده به جهان گشود. وی از طایفه میرابوالفتح و از سادات رضوی است، که نسبش با ۲۸ واسطه به موسی مبرقع فرزند بلافضل حضرت امام جواد علیه السلام می‌پیوندد.

قدرت، پس از فراگرفتن دانشهای مقدماتی، به تحصیل ادبیات عربی و فارسی پرداخت، و در مدرسه فیضیه قم نزد اساتید هر فن، دانش اندوخت، و در کسب معارف اسلامی مجاهدت کرد. و چون دارای ذوق سرشار و قریحه شاعری بود، از مطالعه دواوین اساتید متقدم شعر فارسی غافل نماند، تا جایی که در نظم شعر مهارت یافت و در اندک زمانی شعرش توجه ادبا و شعرای زمان را به خود معطوف داشت. در آغاز شاعری «جاوید» و بعد «غیث» تخلص کرد، و چون قدر و منزلتش فزونی یافت و قدرت و توانایی اش بر نظم شعر بالا گرفت، تخلص «قدرت» را برگزید، تا آن حد که بالبداهه به سرودن قصاید و غزلیات پرداخت.

و در سفری که به تهران رهسپار شد و در مجمع ادبا و شعرای آن شهر شرکت جست، قصیده‌ای بدین مطلع خواند، که مورد تحسین و تمجید حاضران قرار گرفت:

**قم هله ساقیا فقم کامدهام زقم به ری پای بزن به فرق غم، دست بزن به جام می**

باری، آوازه مهارتش در شعر به دربار ناصرالدین شاه رسید و مورد عنایت واقع شد، و کوتاه زمانی اشعاری در مدح شاه و اتابک و بعضی از درباریان سرود، اما به یکباره در احوالش تغییری حاصل گردید و از دربار شاه خود را کنار کشید، و در وادی عرفان و تصوف قدم نهاد و به سیر و سلوک در آفاق و انفس پرداخت، و سفری نیز به همین منظور به کردستان رفت و به خدمت یکی از مشایخ آن دیار رسید، و چون پدرش برای او عیال اختیار کرده بود، پس از بازگشت به قم عیال خود را طلاق داد، و همچنان گوشه عزلت اختیار کرد، و در مدرسه فیضیه در حجره خود به عبادت و ریاضت سرگرم شد، و چندی نیز در یکی از امامزادگان قم معتکف

گردید و اشعاری که از این پس سرود، جز در مدح و منقبت مولا علی و رثای ائمه اطهار علیهم السلام نبود.

قدرت، شاعری وارسته و عارف پیشه بود، خط را خوش می نوشت، از صوت دلپذیری برخوردار بود و در ساختن ماده تاریخ چیرگی داشت، و ماده تاریخیایی بر سر در ابنیه و آب انبارها در شهر قم از او باقی است.

در اواخر عمر از زادگاهش بیرون رفت و سرانجام در پی بیماری در سال ۱۳۱۶ ق (۱۲۷۵ ش) چشم از جهان فرو بست، و در ایوان آینه، صحن حضرت معصومه علیها السلام - در مقبره آل ابوالفتح - مدفون گردید.

دیوان اشعارش به کوشش برادرش سید مهدی رضوی «شیوا» جزو انتشارات انجمن ادبی صائب و با همت خلیل سامانی «موج» در سال ۱۳۴۸ ش طبع و نشر گردید.

سید مهدی رضوی «شیوا» در مقدمه «دیوان قدرت» تحصیلاتش و نیز برخی از ویژگیهایش را چنین معرفی می نماید:

قدرت پس از طی تحصیل زبان وطن «پارسی» میل به تحصیل زبان عرب که زبان نحله و مذهبش بود نمود، و در مدرسه فیضیه قم در محضر یکی از اجله سادات و علماء «سید محمد معروف به سرسر» که در آن زمان متصدی تدریس عربیت بود حاضر و اکتساب معارف نمود. چون طبع را مایل به شعر دید در مقدماتش اقدام کرد و در حضور ایشان به کسب علم فصاحت و بلاغت و عروض و لغات عرب و عجم و اشعار آنها و مضامین بلاغت اسلوب و تواریخ شعرا و ادبا فصیحای آن و دواوین متعلقه به شعر سعی بلیغ نمود.

صوتش خوش بود، و خط نستعلیق را به شیوه شکسته خوش می نوشت و از هر یک از مسطورات خطی وافر برد تا شخصی شد ادیب، خود را متخلص به «جاوید» نمود، و در مجمع فضلا وارد گردید، چون طبعش را امتحان نمودند متخلص به «غیث» شد، مشغول سرودن رباعیات و قصاید و غزلیات با تفکر و بداهه گشت که

ادبا و شعراء معاصر او قدرش را در مجمع خود غنیمت می‌شمردند و فرائد بحر طبعش را به ارمغان می‌بردند، چنانکه وقتی مضمون خبری که «یکی از درهای بهشت در قم باز خواهد شد» در یکی از جلسات ادبی مطرح شده، شاعر آن را به این صورت ساخته است:

|                                      |                                     |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| گویند دری از خلد بگشوده شود در قم    | ما فاتح الایوایم ای بخت چه خسبی قم  |
| مهر من و قهر من هر یک به مقام خود    | آن نوش زسر تا پاوین نیش زدم تا دم   |
| بانان جوین سازم تا دیو لعین سوزم     | من خود نیم آن آدم کز ره روم از گندم |
| تا مردمک چشم یک ذره خدا بین شد       | یک ذره نیندیشم از سرزنش مردم        |
| تا رشحۀ کلک من ای خواجه هویدا شد     | شد آب خضر از شرم یکباره به ظلمت گم  |
| تا دور قدح نوشی افتاده به دست من     | خورشید لفلک شد می افلاک برین شدخم   |
| از چار طرف بر من بندد ره اگر گیتی    | مریخ بکین خیزد اندر فلک پنجم        |
| طبیعت طرب انگیزاست قدرت تو زجا برخیز | دشمن اگر ت باشد افزوده تر از انجم   |

چکمه زیر از اوست:

عشق‌بازی که نظر با رخ دلبر دارد  
 باید از هر چه بجز دوست نظر بردارد  
 عشق عنقای کمال است و وجودش نایاب  
 گرچه عالم همه در سایه شهر دارد  
 من که دارم دل خود شاد یه دیداری و بس  
 خاطر مرا زچه رو دوست مکدر دارد  
 حبذا مذهب عاشق که به هر مذهب و دین  
 با تو می‌آید و خود مذهب دیگر دارد  
 نسبت کفر به عاشق مده ای شیخ عبث  
 که تمیزی زمسلمان و زکافر دارد



شد اگر شیخ دماغم زطرب خشک، چه غم  
 اشک من کشته امید مرا تر دارد  
 گفتم آن روز که خوردم زکفش خون جگر  
 با من این لطف همه روزه مقرر دارد  
 ظاهراً هر چه بینی همه آیات خداست  
 کیست این پرده نشین کاین همه مظهر دارد  
 فارغ از شمس و قمر باشد و احکام نجوم  
 هر که از نور خدا دیده منور دارد  
 نقشبندی ست عجیب اینکه به هر صورت و شکل  
 روز و شب در نظرم چهره مصور دارد  
 دوش در بزم شنیدم ز نسیم سحری  
 خیز از غنچه پیام از لب دلبر دارد  
 نستاند ز کف خواجه خضر آب حیات  
 آنکه چشم کرم از ساقی کوثر دارد  
 بزم ما جنگل مولاست چو آیی برما  
 با خبر باش که این بیشه غضنفر دارد...

منابع

۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۲۶۳.

۲ - سخنوران معاصر ایران ۲۷۸۳/۴.

## میرزا علی روحانی نجف آبادی

( ۱۳۵۰ - ۱۴۱۵ ق )

میرزا شیخ علی فرزند رجب علی و نوه علی اصغر نجف آبادی اصفهانی،  
 ملقب به «روحانی» از دانشمندان و نویسندگان معاصر بود.

وی در سال ۱۳۵۰ ق در «نجف‌آباد» اصفهان دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خود و مدتی چند در مدرسه جدّه اصفهان آموخت. سپس در سال ۱۳۶۷ ق رهسپار نجف اشرف شد سطح را خدمت علامه سیّد مرتضی فیروزآبادی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، سیّد محسن طباطبائی حکیم، میرزا حسن یزدی، سیّد محمود شاهرودی و سیّد ابوالقاسم خویی استفاده نمود. سپس در «جامعة النجف الدینیة» به تدریس و هدایت طالبان پرداخت. سرانجام در سال ۱۴۰۱ ق به ایران مراجعت نمود و در شهر قم سکونت اختیار کرد و به تألیف و تصنیف اهتمام ورزید.

#### از آثار او:

- ۱- اصول الاسلام و فروعه.
- ۲- الامام الحسین علیه السلام و مناوؤه.
- ۳- الامام علی علیه السلام فی صفین.
- ۴- البرهان فی اعجاز القرآن.
- ۵- الحجاب فی الاسلام.
- ۶- الحجّة البالغة.
- ۷- الخلفاء الراشدون، در چهار جلد.
- ۸- السيرة الاموية.
- ۹- السيرة الوهابية.
- ۱۰- الشيعة و اصولها.
- ۱۱- العترة الطاهرة علیهم السلام.
- ۱۲- العقيلة الهاشمية علیهم السلام.
- ۱۳- الفرقان فی تفسیر القرآن، در بیست جلد.
- ۱۴- القرآن و العترة علیهم السلام.
- ۱۵- المعارف الاسلامية.



- ۱۶- المواهب فی ایمان أبی طالب (رض).
- ۱۷- الوصول الى مناقب آل الرسول ﷺ، دو جلد.
- ۱۸- ترجمه قرآن کریم.
- ۱۹- ترجمة أجوبة مسائل جارا لله (به فارسی - اثر شرف الدین).
- ۲۰- تعلیقه علی الرسائل.
- ۲۱- تعلیقه علی المكاسب.
- ۲۲- تعلیقه علی شرح اللمعة.
- ۲۳- تنقیح المقال فی شرح وسیلة النجاة (اثر سیّد ابوالحسن اصفهانی)، در چند جلد.

- ۲۴- حقوق زن در اسلام.
- ۲۵- روش خوش بختی.
- ۲۶- شذرات الذهب (فی الحدیث المسند و الصحيح).
- ۲۷- عبقرية الامام علی عليه السلام.
- ۲۸- عرفان و فلسفه.
- ۲۹- فاجعة كربلاء.
- ۳۰- فرهنگ و علم و دانش.
- ۳۱- قبسات العقول فی مختصر علم الاصول.
- ۳۲- كنزالعرفان فی كشف الأسرار.
- ۳۳- گلستان معنویت.
- ۳۴- مسلم بن عقیل عليه السلام.

روحانی، در ۱۶ / رجب / ۱۴۱۵ ق برابر با ۲۹ / آذر / ۱۳۷۳ ش در سن ۶۵ سالگی در شهر قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

منابع

۱- اطلاعات متفرقه.



۲ - معجم المؤلفين العراقيين ۴۲۰/۲.

۳ - معجم رجال الفكر و الأدب فى النجف ۶۱۹/۲.

۴ - مؤلفين كتب چاپى ۲۵۰/۴.

## میرزا علی رهامی زنجانى

(۱۳۲۹ - ۱۴۱۰ ق)

میرزا علی رهامی فرزند آیت الله شیخ زلف علی و نوۀ عبدالمناف قاضی زنجانى، از فضلا و بزرگان معاصر بود.

ایشان به سال ۱۳۲۹ ق مطابق با ۱۲۹۰ ش در زنجان متولد شد.

پدرش از علمای سرشناس زنجان بود، که تحصیلات عالی خود را در سامرانزد آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی و در نجف اشرف نزد آیت الله شیخ محمد فاضل شریبانی به انجام رسانید و به زنجان مراجعت کرد.

میرزا علی، پس از طی تحصیلات مقدماتی به قم مهاجرت کرد و تحصیلات عالی خود را نزد آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی به انجام رسانید. در ضمن دروس عقلی را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامۀ طباطبائی» بهره مند شد.

وی در ۹ / محرم / ۱۴۱۰ ق مطابق با ۲۱ / مرداد / ۱۳۶۸ ش در سن ۸۱ سالگی درگذشت و در یکی از اطاقهای قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد.

## سید علی سید صدر دزفولی

(۱۳۸۵ - ۱۳۰۱ ق)

سید علی فرزند علامه سید شمس الدین و نوۀ سید صالح موسوی دزفولی، ملقب به (سید صدر) از فضلا و خادمان شریعت بود.

او در سال ۱۳۰۱ ق در دزفول متولد گردید.

### تحصیلات عالی

وی مقدمات را نزد پدرش آموخت و در دوران جوانی جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مشرف شد، و به مدت سه سال از آن حوزه کهن بهره گرفت و به زادگاه خود مراجعت نمود، و در درس آیت الله شیخ محمد رضا معزی حاضر گشت.

### اقامت در اهواز

نامبرده در سنین سی سالگی در اهواز مقیم شد، و مسجد بزرگی را بنیاد نهاد که هم اکنون به نام خود ایشان - واقع در خیابان شریعتی - معروف است. و در طول مدت اقامت اهواز به امامت جماعت و تعلیم آداب و فرائض دینی مشغول بود.

### هجرت به تهران

ایشان در سال ۱۳۲۰ ش به تهران مهاجرت کرد، و با داشتن سن بالا از جدیت و تحرک ایشان نکاست، و در منطقه جوادیه واقع در جنوب شهر تهران مسجدی بنا نمود که قسمتی از هزینه آنرا شخصاً تأمین کرد، و در همان مسجد به اقامه جماعت و پاسخگویی به حوایج مذهبی و اجتماعی مردم مشغول شد. و در ضمن از دروس و ابیحات علمی غافل نشده، و در درس خارج آیت الله سید احمد خوانساری شرکت جست، و خود را نیز مشغول تألیف کتاب «منهاج العارفین» نمود.

او علاوه بر فعالیت های مذهبی و علمی در زمینه های سیاسی و اجتماعی فعالیت های چشمگیری داشتند، تا جایی که یکی از اعضای مؤثر و فعال روحانیون مشهور به «اصحاب چهارشنبه» بودند، که این مجموعه با موضع گیری مردمی و ملی

مخالفت خود را با حکومت وقت ابراز می داشتند.

### درگذشت و اعقاب

وی در سال ۱۳۸۵ ق مطابق با ۱۳۴۴ ش در سن ۸۴ سالگی درگذشت، و در ایوان ورودی حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

۱- سید محمد ۲- سید موسی ۳- سید محمد رضا ۴- سید محمد باقر ۵- سید محمد تقی ۶- سید محمد هادی ۷- سید شمس الدین.

❦ منع

۱- خاندان سادات گوشه ۵۱۷.

## سید علی شاه چراغی نهاوندی

( - ۱۳۴۰ ق )

حاج سید علی شاه چراغی فرزند سید حسین معروف به «گنج علی» و نواده سید حیدر موسوی نهاوندی و داماد علامه فقیه شیخ علی استرآبادی (شریعتمدار) بوده است.

ایشان در نهاوند متولد گردید. و پس از تحصیل مقدمات و سطح رهسپار عتبات عالیات شد و در نجف اشرف از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی دروس عالی را فراگرفت و پس از نیل مدارج بالا به ایران بازگشت.

فرزندش در منظومه سوانح خود در کتاب «مجمع السعادات» درباره پدرش چنین تعبیر کرده است:

کذا ابی کان أباً الکرامه      صلوته باللیل مستدامه

كان فقيهاً فاضلاً محققاً      في غامض المسائل مدققاً  
له كتاب ضاع بعد موته      و كان فوته بمحض فوته

شاه چراغی در ۲۰ / صفر / ۱۳۴۰ ق درگذشت، و جنازه اش در قبرستان حاج  
شیخ قم با کد (۳۶۸۷۹) مدفون گردید.

### فرزندان ایشان عبارتند از:

۱ - سید محمد کشفی ۲ - سید عبدالله ۳ - سید نورالدین ۴ - سید محمد حسین  
مؤلف «مجمع السعادات»، متوفای سال ۱۳۸۶ ق در تهران و در مقبره باغ طوطی که  
مجاور صحن حضرت عبدالعظیم حسنی شهرری است به خاک سپرده شد ۵ - سید  
محمد ۶ - سید احمد.

### منابع

- ۱ - افادات علامه میر احمد روضاتی (ساکن تهران).
- ۲ - مجمع السعادات یا فضائل السادات، صفحه های ۲۵ و ۲۸ و ۴۳.

## سید علی شمس الدینی قمی «پویان»

(۱۳۰۶ - ۱۳۹۹ ق)

از شاعران و گشتی گیران معروف قم بود.

استاد مهدی عباسی در شرح حال ایشان می نویسد: (متولد ۱۲۶۷ ش، از  
اهالی محله عشقعلی، و سر دسته تکیه معروف آنجا بود. در فن گشتی از هم  
دوره های پهلوان حاجی سید تقی کمالی محسوب می شد. هنگامی که میرزا محمد  
علی اسکویی پهلوان نامی ایران به قم آمد، وی حاضر به گشتی با پهلوان مذکور  
گردید، که این گشتی انجام نگرفت.

آقا سید علی در معرکه نظم نیز قوی بازو بود و «پویان» تخلص می کرد.

از اوست:

شمس است رخت یا قمر ای سرو خرامان  
 لعل است لبّت یا که عقیق ای گل خندان  
 چشم است به رخسار تو یا نرگس شهلا  
 ابروت کمان است و یا رهن ایمان  
 هستند دو ترکان سیه جادوی چشمت  
 هستند دو بد مست چه خوش دست و گریبان  
 مژگان تو فوجی است هه زنگی و جنگی  
 هستند یکایک به فضا سام نریمان  
 خون ریز چو چنگیز نشد در همه عالم  
 چنگیز دهد باز به این هیئت مژگان  
 در پیش لب لعل تو جان تشنه سپردم  
 با آنکه بود لعل لبّت چشمه حیوان  
 جانسوزتر از خال لبّت ناله (پویان)  
 یوسف صفت افتاده در آن چاه زنخندان

پهلوان موصوف بیشتر ایام فراغت خود را صرف تشکیل عزاداری خامس آل‌عباس (علیه السلام) می‌کرد).

وی در سال ۱۳۵۷ ش درگذشت و در قبرستان نو (حاج شیخ) قم به خاک سپرده شد.

فرزند ارشد وی آقای سید عباس شمس‌الدینی، از گشتی گیران با سابقه قم است.

منبع

۱ - تاریخ گشتی ایران ۲/۲۶۵.



## شیخ علی شمس گیلانی «حاج اعتماد»

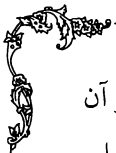
(۱۳۱۳ - ۱۳۸۹ ق)

شرح حال شمس گیلانی که به «اعتماد الواعظین» ملقب بود، به قلم فرزند ایشان دانشمند محترم شیخ حسن شمس در کتاب «علماء و شعرای گیلان» آمده، که آن را تماماً با اندکی تغییر در اینجا می آوریم:

خطیب شهیر «حاج اعتماد» از اکابر اهل تحقیق و بیان و عارف و به زیور کمالات نفسانی آراسته علم با عمل هم آغوش کرده، و در عرفان و فلسفه ید طولائی داشت.

ولادت آن جناب در سنه ۱۳۱۳ ق در شهر رشت اتفاق افتاد. چون به حد رشد رسید خط و تجوید قرآن را نزد والد خود تعلیم گرفت، پس از آن مقدمات ادبی را تا حدود معالم و لمعه در مدرسه حاج سمیعی گیلانی نزد علامه عصر شیخ حسن مخدوم و شیخ حسن کوچصفهانی تلمذ کرد. پس از چند سالی مسافرت به خراسان کرده در مدرسه میرزا جعفر دو سال در نزد شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری مقداری تحصیل معقول نمود پس از دو سال سفری، مراجعت به گیلان نمود به جهت زیارت والد خود و صله ارحام پس از توقف کمی در گیلان قصد حرکت به نجف اشرف نمود، برای تکمیل فقه و اصول. آن جناب چون به همدان رسید مصادف شد با تبعید حجج اسلام، لذا از رفتن به نجف منصرف شد و تجار آن سامان والد را چندی در همدان نگه داشتند برای ترویج احکام الهی، پس از آن مهاجرت به تهران نمود.

آن جناب می گوید که: در تهران نزد عارف ربانی و فیلسوف عصر میرزا مهدی آشتیانی - که در اکثر علوم ید داشت، خصوصاً در فلسفه و حکمت که ما فوق آن بزرگوار در ایران نبود - مدت چهارده سال مشغول به تحصیل فلسفه و حکمت و فقه و اصول شدم.



والد گوید: مولانا در نهایت زهد و تقوا بود پس از آن مهاجرت به قم نمود و آن زمان مدرس رسمی و محقق حتمی آن بلده طیبه دو نفر بودند: یکی مولانا حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و دیگری مولانا سید علی کاشانی «یثربی» آن جناب دو سالی در محضر درس این دو بزرگوار حاضر شد و مورد توجه سیدنا واقع شد، پس از رفتن مولانا کاشانی به درخواست جمعی از تجار کاشان به شهر کاشان والد ایضاً مراجعت به تهران نزد میرزا مهدی آشتیانی کرد.

### مسافرت به شهرها

آن جناب می گوید: در همان اوان که در محضر مولانا بودم مسافرتی تصادف کرد به اتفاق استاد به بلده اصفهان و چون به آن سامان رسیدند از ایشان تجلیل ها شد. والد در اصفهان منبرها رفتند و مدت سه ماه مشغول به ترویج و محبوب قلوب خواص و عوام گشتند و اکثر مردم اصفهان هنوز هم اسم آن بزرگوار را به خوبی و نیکی عمل یاد می کنند. پس از آن برای ترویج احکام الهی به کرمانشاهان رفتند و مدتی در آن شهر بودند و علما و فضلاء آن بلده از والد تجلیل ها کردند و مردم استقبال شایانی از ایشان کردند و در هر یک از این مسافرتها، زحمات و لطمات شدیدی به ایشان وارد آمد و در تمام این صدمات صبور و بردبار بودند و در هر شهری که وارد می شدند مردم آن سامان برای نیکی عمل و حقیقت آن به او می گرویدند و از منبرشان استفاده ها می کردند.

والد گوید: علت «رشت» آمدن من برای این جهت بود چون: زمان حیات والد من بود و آرزوی دیدن مرا کرده بود، و به جهت درخواست تجار آن سامان، والد به شهر رشت که موطن اصلی آن جناب بود رهسپار گردید. چون به رشت رسید مردم آن شهر استقبال شایانی کردند دعوت های زیادی نمودند پس از چند سالی توقف در رشت والدش این جهان را وداع گفت. آن بزرگوار پیوسته بعد از والد خود در صدمات بوده و رنج و اندوه زیادی کشید و اغلب آن طایفه در فرمان آن جناب



بودند و در سنه ۱۳۱۴ ش در زمان دیکتاتوری رضا شاه و غائله رفع حجاب چون دولت آن زمان وحشتی از والد داشت، لذا به جرم مخالفت با دولت، ایشان را در شب دوشنبه ایام فاطمیه گرفته به زندان بردند. آن جناب مدت چهل و پنج روز در حبس بودند و مکرر صدمات از این گونه به ایشان وارد آمد.

به یاد دارم آن ایام که والد در حبس بود متکفل خوراک شبانه روزی او من بودم و در محبس برای آن جناب غذا می بردم و هر وقت به اطاق محبس می رسیدم ایشان مشغول به ذکر و خواندن ادعیه بود.

پس از نجات از حبس فوق العاده به نزد تمام اهل آن شهر از عوام و خواص و ارکان دولت محبوب گردید و در همان ایام اراده رفتن به عتبات عالیات را کرد و موفق شد و در آن سفر مشرف به حج بیت الله گردید و من در خدمت والد بودم که پس از مراجعت از حج، علما و بزرگان نجف تجلیل زیادی از ایشان کردند و با اکثر آنها ملاقات کرد و رئیس شیعه در آن زمان، سید جلیل و عالم عظیم الشأن سید ابوالحسن اصفهانی بود که به والد لطف زیادی داشت و به درخواست بزرگان نجف چند روزی در آن مکان شریف منبر رفت و چون ایام عاشورا بود به حائر حسینی مشرف شد و من در تمام این نقاط با والد خود همراه بودم.

چون به کربلای معلی رسیدیم تجار آن بلده طیبه درخواست منبر رفتن از ایشان کردند و دو ماه والد در آن مکان شریف منبر رفتند و از علمای بزرگ در آن سامان سیدالفقها حاج آقا حسین طباطبائی قمی بودند که بیست روز در منزل ایشان منبر رفتند و مورد توجه و علاقه مولانا گردیدند.

پس از هشت ماه توقف در عتبات عالیات مراجعت به ایران و رأساً به رشت وارد شدند و مردم از دیدن ایشان خوشحال گردیدند و هدیه ها آوردند و هنوز هم در آن شهر مشغول به ترویج هستند اکثر مشکلات آن شهر و تأسیس مؤسسات بزرگ به دست ایشان حل می گردد و مورد اطمینان و علاقه خواص و عوام آن شهرند و ارکان دولت احترامات زیادی از ایشان به جا می آورند.

والد غیر از من چهار اولاد دیگر دارد که سه تا از آنها ذکور و یکی اناث است.

### تألیفات:

- ۱ - رساله‌ای در معراج.
- ۲ - رساله‌ای در شق القمر.
- ۳ - رساله‌ای در توحید و نبوت و امامت.
- ۴ - مجموعه‌ای که حدود چهار صد صفحه است در قسمت منبر نوشته که فوق‌العاده نیکو است.

این سخنور توانا و فاضل دانا سرانجام در روز شنبه ۲ / جمادی الثانی / ۱۳۸۹ ق مطابق با ۲۵ / مرداد / ۱۳۴۸ ش در سن ۷۶ سالگی چشم از جهان فرو بست و در قبرستان ابو حسین - مقبرة العلماء - به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - تاریخ علماء و شعرای گیلان ص ۶۹.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۱۸۲/۵.

## میرزا علی شیرازی «اصفهانی»

(۱۲۹۴ - ۱۳۷۵ ق)

حاج میرزا علی شیرازی فرزند حاج علی اکبر و نوۀ حاج قاسم شیرازی، از دانشمندان پارسا و اساتید گرانقدر حوزه ها بود.

او در شهر نجف اشرف به تاریخ شعبان / ۱۲۹۴ ق متولد شد.

جدش یکی از تجار معتبر و آبرومند شیراز بود که در آن شهر از دنیا رفت. پدرش نیز از تجار و فضلا بود که در نجف اشرف از محضر آیت الله شیخ محمد حسین کاظمی تحصیل نموده بود و کتابی در زمینه چهل حدیث - در فضیلت صلوات بر پیغمبر ﷺ و آل او علیهم السلام - نوشته، و طبق آنچه شیخ آقابزرگ تهرانی در

کتاب نقباء البشر آورده: پدر او در سال ۱۳۰۴ ق از دنیا رفته است.

میرزا علی آقا در زمانی که بیش از بیست سال از عمرش گذشته بود، ساکن اصفهان شد. حوزه اصفهان چه از نظر فقهی و فلسفی در بین حوزه‌های علمیه شیعه موقعیت خاصی داشت. و این در زمانی بود که هنوز حوزه علمیه قم رونق خاص خود را پیدا نکرده بود. مدارس بسیار فعال، مدرسین مطلع و کاملاً محیط بر بسیاری از علوم، در عین حال متقی و پارسا قابل توجه بودند، از جمله حکمای عارف و متألهی چون: ملا محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقائی و یا در فقه مانند: سید محمد باقر درچه‌ای که واعظ و متعظ بود و میرزا علی آقا از آنان بهره کافی برد.

وی همچنین از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی در مدت توقف ایشان در اصفهان بخشی از سطح استفاده کرد و مدتها نیز از درس طب حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی تلمذ نمود، چنانکه بعدها مدتی در اصفهان طبابت می نمود.

وی در نجف اشرف نیز تحصیل کرده و از حوزه کهنسال و پربرکت این شهر در جوار آستان مبارک علوی بهره‌ها برد. از جمله در آنجا از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده برده است.

او در معرفت و دانش سرآمد بود و مورد وثوق و اعتماد همه مردم اصفهان، که اوقات او صرف تربیت و ارشاد خلق می شد. زندگی ساده و بی آلاشی داشت، و این موضوع در همه ابعاد زندگی او به چشم می خورد، و ساده زیستی و قناعت او مشهور بود. به طوری که حجره‌ای در مدرسه صدر اصفهان داشت که معمولاً روزها در همان مدرسه می ماند و با غذای اندک قناعت می نمود، و گاهی جلسه درس را در میان گلهای باغچه تشکیل می داد.

نفوذ و تأثیر کلام او بسیار بود و زمانی که به منبر می رفت و جهت ارشاد و تنبیه و تزکیه سخن می گفت، به مداوای روحی مردم پرداخته، واعظی بود شیرین بیان و

متکلمی فصیح اللسان. منابرش شامل مواظ شافیه و نصایح کافیه از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود. در مدرسه صدر ادبیات و نهج البلاغه و تفسیر می فرمود و این دروس مورد اقبال و توجه نه تنها طلاب و اهل علم، بلکه همه مردم و طبقات این شهر قرار می گرفت. گفتار او نه تنها صاحبان دل را دگرگون، بلکه بر همه تأثیر می بخشید.

در این باره گوشه هایی از آنچه استاد مطهری در باب ارتباط معنوی و تماسی که او توانست با نهج البلاغه از طریق حاج میرزا علی آقا حاصل نماید، با استناد به مقدمه گرانبار کتاب «سیری در نهج البلاغه» ذکر می شود:

«از کودکی با نام نهج البلاغه آشنا بودم، و آن را میان کتابهای پدرم می شناختم، در همه این مدت نام «نهج البلاغه» بعد از قرآن بیش از هر کتاب دیگر به گوشم می خورد. چند خطبه زهدی تکراری اهل منبر را آنقدر شنیده بودم که تقریباً حفظ کرده بودم، اما اعتراف می کنم که مانند همه طلاب و هم قطارانم با دنیای نهج البلاغه بیگانه بودم. بیگانه وار با آن برخورد می کردم، بیگانه وار می گذشتم تا آنکه در تابستان سال ۱۳۲۰ ش پس از پنج سال که در قم اقامت داشتم، برای فرار از گرمای قم به اصفهان رفتم، تصادف کوچکی مرا با فردی آشنا با نهج البلاغه آشنا کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج البلاغه کرد، آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم این کتاب را نمی شناختم، و بعدها مکرر آرزو کردم که ای کاش کسی پیدا شود و مرا با دنیای قرآن نیز آشنا سازد. از این پس چهره نهج البلاغه در نظرم عوض شد، مورد علاقه ام قرار گرفت و محبوبم شد. گویی کتاب دیگری است غیر از آن کتابی که از دوران کودکی آن را می شناختم. احساس کردم که دنیای جدید کشف کرده ام».

استاد آقای شیخ محمد کاشفی برایم نقل کرد که: ایشان در اواخر عمر دچار فلج گردید و هر چند گاهی به قم می آمد و در مدرسه حجتیه وارد می شد، در حالیکه علامه شیخ عبدالجواد سدهی او را همراهی می کرد. در یکی از سفرهایش به قم تمایل پیدا کرد که مدتی چند توقف نماید، به همین خاطر به من پیشنهاد شد

که از ایشان در حجره‌ام در مدرسه مذکور پذیرایی کنم، ولی حجره‌ام در طبقه دوم بود که برای ایشان بالا رفتن سخت بود، به همین علت خود ایشان هم امتناع ورزید. البته من در بعضی از مجالس‌اش که در مدرسه حجتیه برگزار می‌شد حضور داشتم و از بیانات بسیار سودمند و سوزناک و عرفانی‌اش و نیز سایر طلاب بهره‌ها می‌بردیم.

### از آثار قلمی‌اش

۱ - تصحیح التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و مقابله قسمتی از تفسیر تبیان (اثر شیخ طوسی) که در اصفهان برای اولین بار به هزینه بازرگان خیر اصفهانی، آقا سید عبدالرسول رحیم‌زاده روغنی به چاپ رسید.

۲ - تحشیه زاد المعاد، شیخ آقابزرگ تهرانی از جمله اقدامات و تلاشهای میرزا علی آقا در جمع آوری و طبع برخی کتب ارزنده سخن گفته، و اظهار می‌دارد: بعضی از این قبیل کارها از جمله، جمع آوری آنرا از روی فروتنی و اخلاص به خود نسبت نداد. ولی مسلم است آن اقدامات از اوست، زادالمعاد و حواشی و اضافات آن توسط وی صورت گرفته که در سال ۱۳۶۴ ق واقع شده است.

او مبین و مفسر راستینی برای نهج البلاغه بود و چنانچه تقریرات وی در نهج البلاغه، در یک جا جمع می‌شد، یکی از بهترین شروح آن می‌شد که متأسفانه این گونه نشد.

سرانجام آن عالم بزرگوار که به درستی لقب «واعظ» گرفته بود، در روز شنبه ۲۳ / جمادی الاول / ۱۳۷۵ ق مطابق با ۱۶ / دی / ۱۳۳۴ ش در اصفهان از دنیا رفت و پیکرش را با احترامات بسیاری به قم (بنا به وصیت خودشان) حمل نمودند و در قبرستان شیخان به خاک سپردند. فرزندش حجة الاسلام شیخ محمد واعظ که ساکن اصفهان بود و در شعبان / ۱۴۱۸ ق در همانجا درگذشت.

منابع

۱ - تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان ۳۳۵.

- ۲ - روزنامه اطلاعات، مورخ شنبه ۷ / آبان / ۱۳۷۳ ش، شرح حال ایشان به قلم آقای محمد حسین ریاحی نگارش یافته است.
- ۳ - سیری در نهج البلاغه (از استاد مطهری) ۹ و ۱۰.
- ۴ - نقباء البشر ۱۳۰۵/۴ و ۱۴۸۸.
- ۵ - نوید اصفهان، شماره ۲۴۱.

## شیخ علی صفائی حائری « قمی »

(۱۳۷۰ - ۱۴۲۰ ق)



حاج شیخ علی فرزند علامه شیخ عباس و نوه آیت الله شیخ محمد علی حائری قمی، معروف به «عین - صاد» از نویسندگان و فضیلاي معاصر بود.

او در ۲ / مرداد / ۱۳۲۰ ش در قم زاده شد. ادبیات و مقدمات را نزد پدر ارجمند خود و شیخ نصرت الله بناروانی میانجی و بخشی از سطوح را از محضر آقایان: پدر خود، شیخ محمد فاضل لنکرانی، و سید مهدی روحانی قمی فرا

گرفت. سپس رو به تألیف و تربیت مشتاقان دانش پرداخت.

روزش را به تألیف و پژوهش می گذراند، به همین خاطر آثار فراوانی را از خود به یادگار گذاشت، فهرست آنها به شرح زیر است:

### الف) آثار چاپی:

- ۱ - آرامش (مجموعه شعر).





- ۲- از زلال ولایت ( ۴۰ حدیث امام حسین علیه السلام ).
- ۳- استاد و درس ( روش تدریس، ادبیات و هنر و نقد )، دو جلد.
- ۴- انسان در دو فصل ( پیش و پس از بلوغ ).
- ۵- انفاق.
- ۶- ای قامت بلند امامت ( خطاب به حضرت ولی عصر عجل الله فرجه ).
- ۷- بررسی ( نقد مارکسیسم ).
- ۸- بشنو از نی ( شرح دعای ابوحمزه ثمالی ).
- ۹- پاسخ به پیام نهضت آزادی.
- ۱۰- پیروز ( مجموعه شعر ).
- ۱۱- تطهیر با جاری قرآن، در شش جلد، و اجزای دیگر آن مخطوط است.
- ۱۲- درسهایی از انقلاب ( در ۱۲ دفتر ).
- ۱۳- دیداری تازه با قرآن، دو جلد.
- ۱۴- ذهنیت و زاویه دید ( نقد ادبیات داستانی ).
- ۱۵- روش برداشت از قرآن ( تفسیر و توضیح سوره « ص » ).
- ۱۶- روش نقد ( نقد مکاتب مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم و آزادی )، در پنج جزوه.
- ۱۷- شعرهای شهادت.
- ۱۸- عاشورا.
- ۱۹- غدیر.
- ۲۰- فقر.
- ۲۱- مسئولیت و سازندگی، دو جلد.
- ۲۲- و با او نگاه فریاد می کردیم ( مجموعه شعر ).
- ۲۳- وداع ( مجموعه شعر ).

ب) کتابهای غیر چاپی اش عبارتند از:

- ۲۴- بحثهای محرم ( اضطرار به حجت، احیای امر اهل بیت علیهم السلام، عظمت



مصائب امام حسین علیه السلام، شرح ادعیه حضرت زهرا علیها السلام، معرفت دینی و جامعه دینی و حکومت دینی). این بحثها در شش سال ایراد گردیده و حدود ۱۰۰ نوار را تشکیل می دهد که همگی پیاده شده است.

۲۵- پیام به فرزندان، او به هنگام بلوغ فرزندانش نامه هایی به آنان نگاشته که در آنها بر بینش ها و گرایش ها (بینات، کتاب و میزان)، سلوک و اخلاق، رضا و رضوان، عمل و تمامیت و سلامت و بحران عمل تکیه کرده و توضیح داده است. شمار اینها ۵ نامه است.

۲۶- تفسیر سوره آل عمران (ناتمام).

۲۷- تفسیر سوره بقره.

۲۸- تفسیر سوره علق و قدر.

۲۹- تفسیر سوره مدثر.

### درگذشت

سرانجام در سحرگاه روز سه شنبه ۲۲ / تیر / ۱۳۷۸ ش برابر با ۲۹ / ربیع الاول / ۱۴۲۰ ق به همراه سه تن از دوستانش بر اثر سانحه تصادف در راه مشهد مقدس بدرود حیات گفت. پیکرش در عصر روز چهارشنبه پس از تشییع و ادای نماز میت توسط استاد سیّد مهدی روحانی بر آن، نزدیک قبر فرزند شهیدش، در گلزار شهدای قم، به خاک سپرده شد.

## علی عارفی قمی

(۱۳۳۱ - ۱۳۸۷ ق)

علی متخلص به «عارفی» فرزند علیرضا قمی، مردی فاضل و با ورع و انسان دوست از علاقمندان خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است. تولدش در سال ۱۳۳۱ ق مطابق با ۱۲۹۲ ش در قم اتفاق افتاد.

وی علاوه بر شعر و شاعری، از اعضاء برجسته اولین انجمن ادبی شهرستان قم محسوب می شد. نامبرده در مدت عمر کوتاه، ولی پر برکت خود در مقام آموزگاری به تربیت فرزندان کشور پرداخت و با وجود عدم بضاعت مالی، به تأسیس دبستان «معرفت» قم همت گماشت، و در این راه زحمات طاقت فرسایی را متحمل گردید، و هم اکنون اغلب دست پروردگانش به مقامات عالی فرهنگی و کشوری رسیده اند. اشعارش بسیار سلیس و مملو از پند و اندرز است.

آن مرد بزرگ پس از یک بیماری در روز چهارشنبه ۱۳ / رجب / ۱۳۸۷ ق مطابق با ۲۶ / مهر / ۱۳۴۶ ش از زندگی این جهان دست شست، و طغرای نیکونامی خویش را به ملک العرش سپرد. مدفنش در قبرستان ابو حسین است.

از اوست:

#### مصباح الهدی

|                               |                               |
|-------------------------------|-------------------------------|
| ای حسین ای یادگار مصطفی       | نور حق هستی و مصباح الهدی     |
| ای حسین ای شاه شاهان جهان     | جسم پاک تو به از جان جهان     |
| برتر و بالاتری از کاینات      | در دو دنیای تو کشتی نجات      |
| کوه را کی طاقت آلام توست      | تا قیامت دهر پر از نام توست   |
| چون که عزمت رفتن این راه شد   | زین سبب نام تو ثارالله شد     |
| ما سوی الله گر همه قربان شوند | خونبهایت را کجا تاوان شوند    |
| عقلها تا حشر مات کار توست     | همچو تو بی مثل این پیکار توست |

✱

منابع

۱ - تاریخ تکایا و عزاداری قم ۳۳۳ (تولدش را در سال ۱۲۹۸ ش دانسته است).

۲ - سخنوران نامی معاصر.

۳ - فرهنگ شاعران زبان پارسی ۳۸۴.

## شیخ علی عاملی «علیکم السلام»

( - قرن ۱۴ ق )

شیخ علی عاملی معروف به «علیکم السلام»، فرزند آیت الله شیخ مرتضیٰ کاظمینی ملقب به «نظام الدین» و نوه آیت الله شیخ جواد عاملی. جدّش از جمله شاگردان آیت الله سید مهدی بحر العلوم بود و در شهر کاظمین می زیست.

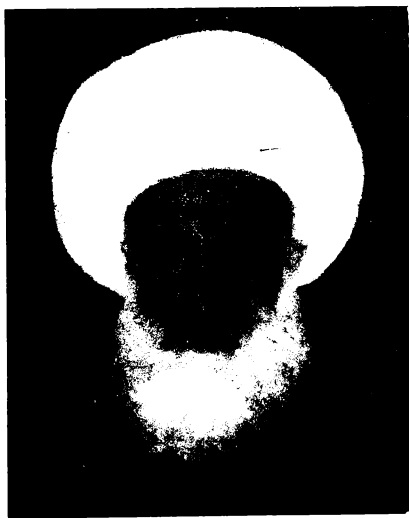
و پدر شیخ علی، از جمله شاگردان آیت الله شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) بود، و در وادی السلام نجف اشرف مدفون است.

### تحصیلات عالی

شیخ علی، از جمله علمای متقی و زهاد عصر خود بود. تحصیلات عالی خود را نزد آیت الله میرزا حبیب الله رشتی به انجام رسانید، و ظاهراً از محضر آیات: شیخ محمد حسن مامقانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده برده بود، و در رشت گیلان سکونت اختیار نمود.

نواده اش علامه شیخ محمد حسین نجفی که از علمای معروف تهران بود، درباره جدّ خود - صاحب شرح حال - چنین می نویسد:

«... علامه عالم متقی و زاهد زمان مرحوم حاج شیخ علی علیکم السلام، از معاصرین مرحوم آیت الله میرزا حسن شیرازی - اعلی الله مقامه - می باشند که



شیخ محمد حسین نجفی «علیکم السلام»

ایشان هم ساکن رشت بعد از تحصیلات خود بوده و زمان خود به جلالت شأن و کرامت نفس مشهور و معروف بوده‌اند. رحمت الله علیه».

از آثار او: اصول اعتقادات.

ایشان در قبرستان شیخان قم مدفون است.

فرزند وی آیت الله شیخ جواد عاملی، و نواده او آیت الله شیخ محمد حسین نجفی (۱۳۲۱ - رمضان / ۱۴۰۹ ق در تهران) بود.

منابع

۱ - المسلسلات فی الاجازات ۴۵۹/۲.

۲ - فروغ فقاہت در شرح حال شیخ محمد حسین نجفی ص ۱۶.

## سید علی علامه فانی اصفهانی

(۱۳۳۳ - ۱۴۰۹ ق)



سید علی فرزند علامه سید حسن و نوه سید حسین حسینی یزدی اصفهانی، معروف به «علامه فانی»، از فقها و صاحب رساله عملیه و به حق جامع معقول و منقول و اساتید به نام حوزه‌ها بود.

ایشان در روز پنجشنبه ۲۶ / ربیع الاول / ۱۳۳۳ ق در اصفهان تولد یافت.

پدر دانشمند خود را در سن پنج سالگی از دست داد و در سال ۱۳۴۲ ق



(یعنی در سن یازده سالگی) شروع به درس عربی و تحصیلات دینی نمود. با گذراندن دورهٔ مقدماتی، درس سطح و خارج را نزد عده‌ای از اجلهٔ علمای آن روز حاضر شدند. قوانین الاصول را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی (متوفای سال ۱۳۵۵ ق) خوانده، و رسائل شیخ انصاری را نزد سید مرتضی خراسانی، و مکاسب و کفایتین و بخشی از خارج فقه را از محضر سید محمد نجف آبادی (متوفای ۱۳۵۸ ق) تلمذ نمودند.

فانی پس از آن به مدت سیزده سال دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر را، در محضر عالم زاهد آیت الله سید علی نجف آبادی و علامه سید عبدالله ثقه الاسلام حاضر شدند و پس از وفات نجف آبادی شهر اصفهان را رها کرده، به سوی نجف اشرف و جوار تربت مطهر علوی علیه السلام مهاجرت نموده، و در ربیع الثانی / ۱۳۶۲ ق وارد نجف اشرف شدند. و ضمن استفاده از محضر آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی و سید علی بهبهانی رامهرمزی، میرزا عبدالهادی شیرازی و یکی از ملازمان و شاگردان خاص آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی گردید، مشغول تدریس فقه و اصول و کلام و تفسیر شد.

شاگردانی ممتاز دورهٔ کامل مباحث اصول و فقه ایشان را تقریر نمودند، که مقدار زیادی از آن چاپ گردیده و فهرست کامل مؤلفات چاپ شده و چاپ نشدهٔ این مرحوم در پایان همین سطور ذکر خواهد شد.

ایشان حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف را در اثر فشار دولت عراق در رجب / ۱۳۹۳ ق حوزهٔ نجف را ترک گفته، و به سمت حوزهٔ علمیهٔ قم عزیمت نموده، و از بدو ورود مشغول تدریس خارج فقه و اصول گردید، و ابواب مختلف فقهی را با تحقیق کامل که شیوهٔ خاص استاد بود و تدریس فرمود. در اواخر عمر به واسطهٔ بیماری تردد طلاب نزد ایشان کمتر شده، ولی اشتغال ایشان به علمیات کاسته نگشته بود. و با عشق مفرط به تألیف و تکمیل کتب خود می‌پرداخت.

آن بزرگوار هنگامی که در اثر فشارهای زیاد و ناراحتیهای بسیار سخته نمود،

بعد از آنکه دوران نقاهت پس از سکتة را می‌گذرانید از حالش سؤال شد، جواب داد که: بحمدالله دکترها به من اجازه مطالعه داده‌اند. عجب است از انسانی که در بستر مرض این‌گونه مژده از بهبودی خود می‌دهد، و عجیب‌تر آنکه در آخرین مرض که منجر به بستری شدن ایشان در بیمارستان شهریار تهران گشت، نسخه کتاب اصول فقه خود را همراه داشت و تصحیح می‌نمود. دریغ و افسوس آن نسخه تصحیح شده، و کتاب به پایان نرسیده، همراه جنازه ایشان به قم بازگشت.



در وصیت نامه خود به فرزندش جناب آقای سید مهدی علامه «حفظه الله» سفارش فرموده، که: سه کتاب از نوشته‌ها و تألیفاتش را در کفن‌اش همراه او بگذارند، یکی «آراء حول القرآن» که در آن عدم تحریف قرآن را اثبات نمود، و یکی کتاب «عبدالله بن عباس» که در دفاع از شخصیت عبدالله بن عباس و رد اتهامات وارده بر او نوشته بود (و ایشان می‌فرمودند که من مزد این کتاب را از

مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می‌خواهم، زیرا عبدالله بن عباس را به خاطر امیرالمؤمنین علیه السلام تهمت زدند. دیگری کتاب «منظومه چهارده معصوم علیهم السلام» بود که در مدح و مرثیه ائمه اطهار علیهم السلام و با قریحه خود سروده بود، و همچنین فرموده بود که یک خاتم عقیق به همراهش بگذارند و بحمدالله به وصیت‌اش عمل شد. درود بر تو که تمامی لحظات عمرت را با توحید و عشق به مذهب تشیع و علاقه به ائمه معصومین علیهم السلام سپری کردی، و حتی در گور سرد نیز نخواستی که شعائرت از تو جدا باشند و با آنچه مأنوس بودی مدفون شدی.



آیت الله علامه فانی سرانجام در ساعت ۵ / ۱۱ روز دوشنبه ۲۳ / شوال / ۱۴۰۹ ق مطابق با ۸ / خرداد / ۱۳۶۸ ش در یکی از بیمارستان های شهریار تهران در اثر سکنه قلبی درگذشت. جسدش صبح روز سه شنبه در قم تشییع گردید، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

فهرست تألیفات ایشان در زمینه های: کلام، تفسیر، حدیث، رجال، فقه، اصول، امامت، تاریخ تحلیلی، اجتماعیات و شعر از این قرار است:

### کتاب چاپ شده

- ۱ - شرح شرایع در طهارت، در پنج جلد.
- ۲ - شرح شرایع در صلاة، در پنج جلد.
- ۳ - آراء الاصول حول مباحث الالفاظ، در دو جلد.
- ۴ - حاشیه وسیلة النجاة.
- ۵ - حاشیه العروة الوثقی، در دو جلد.
- ۶ - ترجمه تقویم المحسنین (اثر فیض کاشانی).
- ۷ - ترجمه نصایح الهدی (اثر علامه شیخ محمد جواد بلاغی).
- ۸ - رساله فی البداء.
- ۹ - بدا (ترجمه فارسی البداء).
- ۱۰ - المختار فی الجبر و الاختیار (تقریرات).
- ۱۱ - جبر و اختیار (ترجمه فارسی آن).
- ۱۲ - الامر بالمعروف و النهی عن المنکر.
- ۱۳ - رساله توضیح المسائل، به پنج زبان.
- ۱۴ - قبسات العقول من الفروع و الاصول، در پنج جلد.
- ۱۵ - شعائر حسینیة، به دو زبان.
- ۱۶ - خمسون مسألة.



- ۱۷ - منظومه چهارده معصوم عليه السلام.
- ۱۸ - آراء حول الارادة.
- ۱۹ - حول القرآن.
- ۲۰ - بيان الخيانة.
- ۲۱ - مناسک حج، به پنج زبان.
- ۲۲ - تنزيه الصفوة.
- ۲۳ - تحفة الجواهر.
- ۲۴ - ترجمه خطبه حضرت زهرا عليها السلام.
- ۲۵ - زن از دیدگاه شریعت اسلام.
- ۲۶ - گناه و کیفر، دو جلد.
- ۲۷ - بینش کلی امام.
- ۲۸ - عبدالله بن عباس.
- ۲۹ - حاشیه بر صراط النجاة.
- ۳۰ - آراء حول الاجارة.
- ۳۱ - المتعة مشروعة.

### کتاب چاپ نشده

- ۱ - شرح شرایع در صلاة، دو جلد.
- ۲ - آراء الاصول (ادله عقلیه)، در چهار جلد.
- ۳ - دیوان اشعار فانی، دو جلد.
- ۴ - خمس استدلالی.
- ۵ - تفسیر سوره محمد ص.
- ۶ - تفسیر سوره جمعه.
- ۷ - تفسیر سوره حمد.

۸ - تفسیر سورة فتح.

۹ - فقه الرجال.

۱۰ - احکام بانکداری و تحلیل مسأله ربا.

۱۱ - کتاب الذباجة.

۱۲ - مکاسب محرمة تا بیع فضولی.

۱۳ - کتاب القضاء.

۱۴ - کتاب الوصایا.

۱۵ - غایة البیان فی عدم تحریف القرآن.

۱۶ - المعارف العلویة، در کلام.

۱۷ - الفوائد الرجالية.

۱۸ - قاعدة القرعة.

۱۹ - جوائز السلطان.

۲۰ - السیر الى الله.

۲۱ - کتاب الزکاة.

۲۲ - کتاب الصوم.

۲۳ - کتاب الحج.

۲۴ - رساله علم امام.

۲۵ - کتاب الحدود.

منابع

۱ - در اواخر / ربیع الاول / ۱۴۰۷ ق به

محضرشان رسیدم و قسمتی از زندگینامه اش را از زبان مبارکشان شنیدم و یادداشت نمودم.

۲ - گنجینه دانشمندان ۲/۲۱۰.

۳ - معجم المؤلفین العراقيين ۲/۴۲۹.

۴ - مؤلفین کتب چاپی ۴/۳۳۰.



## شیخ علی علم الهدی فومنی

( ۱۳۷۱ ق )

مردی فقیه و دانشمند و ادیب و سخندان بود. آن بزرگوار مدتی در رشت گیلان به تدریس سطح اشتغال داشت، در ادبیات تسلط و در مقدمات ید طولائی داشت، خوش ذوق و خوش قریحه و از استعداد فکری بسیار عالی برخوردار بود. در مدارس علمی رشت مشغول تدریس بود، و اغلب طلاب گیلان در مقدمات و سطح نزد ایشان تلمذ کردند.

بنابر اظهارات یکی از فضلاء لاهیجانی، علم الهدی در تهران جزو شاگردان آیت الله شیخ فضل الله نوری، و از دوستان و همدرسان علامه حکیم شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیرکلائی» بود.

سرانجام در روز شنبه ۱۱ / محرم / ۱۳۷۱ ق مطابق با ۲۰ / مهر / ۱۳۳۰ ش درگذشت، و در انتهای قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

❦ منبع

۱ - تاریخ علماء و شعرای گیلان ۱۲۳.

## شیخ علی علما کرمانشاهی دامغانی « واعظ »

( ح ۱۲۸۵ - ۱۳۶۲ ق )

شیخ علی علما ملقب به « واعظ العلما » فرزند علامه ملا محمد باقر پیشنماز دامغانی، از دانشمندان و حکمای نامی کرمانشاه بود.

وی در حدود سالهای ۱۲۸۵ ق در کرمانشاه پا به عرصه گیتی نهاد.

مقدمات را به خوبی آموخت و سطح را نزد پدر ارجمند خویش به انجام رساند. آنگاه به تهران رفت و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت و علوم عقلی را از محضر علامه سید ابوالحسن

جلوه اصفهانی استفاده نمود. سپس به زادگاه خود مراجعت کرد و هنگام بازگشت آیت الله شیخ هادی جلیلی در سال ۱۳۱۶ ق از عتبات عالیات به کرمانشاه، هر روز صبح به منزلش می رفت و از محضرش دانش می آموخت. تا حدی رسید که از صاحب نظران و اندیشمندان بارز گردید. تدریس را پیشه خود ساخت و همواره فقه و اصول و معقول تدریس می نمود، ولی وعظ و خطابت را ترجیح داد و سخنرانی های علمی و شیوا می خواند. در این راه شهرت و حرمت ویژه ای بدست آورد.

### از آثار او:

- ۱ - حاشیه علی شرح المنظومة ( اثر ملا هادی سبزواری ).
- ۲ - کشکول ( شامل یادداشت های متفرقه علمی ).
- واعظ، در شب جمعه ۱۴ / شوال / ۱۳۶۲ ق برابر با ۲۱ / مهر / ۱۳۲۲ ش در کرمانشاه جهان خاکی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ ( قسمت شرقی ) به خاک سپرده شد.
- جهت تفصیل بیشتر درباره زندگی این عالم واعظ، به کتاب « زندگانی سردار کابلی » اثر مرحوم غلامرضا کیوان سمیعی، رجوع کنید.

### سید علی علوی قزوینی

( ۱۳۲۲ - ۱۳۹۶ ق )

حاج سید علی فرزند آیت الله سید محمد باقر و نوه سید ابوتراب حسینی قزوینی، ملقب به « علوی »، از دانشمندان و فضلالی معاصر بود. وی در ۱۳ / رجب / ۱۳۲۲ ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

دوران کودکی خود را در آن سامان سپری کرد، سپس در سال ۱۳۳۲ ق همراه پدر ارجمند خود به قزوین رفت و به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید، آنگاه در سال ۱۳۴۲ ق نیز همراه پدر خود به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطح را نزد علامه



آخوند ملا علی همدانی به پایان برد و  
دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ  
عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد  
حجت کوهکمری، سید محمد تقی  
خوانساری و پدر خود استفاده نمود.

وی در سال ۱۳۵۲ ق به قزوین  
بازگشت و به ترویج مذهب و قبول دفتر  
اسناد به خدمت اجتماعی پرداخت.  
سرانجام در سال ۱۳۶۶ ق قزوین را به  
سوی تهران ترک گفت و به فعالیت‌های  
مذهبی خود افزود و مشغول اقامه نماز  
جماعت، ترویج مذهب و ارشاد شد.

علوی در سال ۱۳۹۶ ق در سن ۷۴ سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست.  
پیکرش به قم حمل و در قبرستان بهشت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد. سید  
مهدی علوی که به کسوت اهل علم است فرزند او می‌باشد.

منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۴۰۷.
- ۲ - افادات علامه سید عباس ابوترابی قزوینی، ساکن تهران.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۱۴۷/۶.
- ۴ - یادداشتی از برادرش علامه آقای سید علی اصغر علوی، ساکن قزوین.

**سید علی علوی قزوینی «آقابزرگ»**

(۱۳۲۰ - ۱۳۹۴ ق)

حاج سید علی معروف به (آقا بزرگ) علوی فرزند علامه سید محمد باقر و نوه

آیت الله سید علی موسوی قزوینی (صاحب حاشیه بر قوانین)، از علمای برجسته قزوین بود.

وی به سال ۱۳۲۰ ق مطابق با ۱۲۸۱ شمسی در قزوین متولد شده، و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفته، آنگاه در اوائل تأسیس حوزه علمیه در سال ۱۳۵۳ ق به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح نزد سید شهاب الدین مرعشی، از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نموده، و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی در سال ۱۳۵۳ ق مراجعت به قزوین کرده، و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت در مسجد سلطانی و مسجد شیشه گرها و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینی و ترویج دین پرداخته است.



سید جواد علوی قزوینی

از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می نمود، مانند ساختن مساجد و کمک به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت، و غیر آنان از آنچه را که رضای امام علیه السلام را در آن می دانست. و برای خود و خاندان خود چیزی از این وجوه نمی گذاشت، حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود اندوخته نکرده و نداشت، با اینکه مرجع اموال مردم بود.

و کان رحمه الله حافظاً لدینه فی حوادث دهه و داعیاً الی الله بقوله و فعله، وصائناً لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظاً اتقوا و تقوا و مقویاً لعقائد الناس و

كان موته ثلثة فى الاسلام.

وى داراى اجازاتى از آيات: سيد ابوالحسن اصفهانى، سيد حسين طباطبائى بروجردى، سيد محسن حكيم، سيد روح الله خمينى و سيد ابوالقاسم خوئى.

وى در روز جمعه اربعين حسيني / ۱۳۹۴ ق مطابق با ۲۴ / اسفند / ۱۳۵۲ ش از دنيا رفته و در تشييع جنازه اش بسيارى از مردم قزوین از عموم طبقات شركت و حمل بقم نموده، و در قبرستان (حاج شيخ) دفن نمودند.

داراى آثارى در مواظ و اخلاق بوده اند كه تا كنون به چاپ نرسيده است.

از باقيات الصالحات ايشان است فرزند ارجمندش جناب حجة الاسلام و المسلمين آقاى سيد جواد علوى كه در رشته اسلاف و نياكان خود و به جاى والد ميرورش در قزوین هم اكنون به خدمات دينى اشتغال دارند.

در رثاء آن مرحوم اشعارى سروده شده كه ما يكي از آن را مى نگاريم:

فغان و آه كه از آسمان دانش و دين

غروب كرد درخشنده كوكب قزوین

فقيه كامل عامل شجاع و زاهد و راد

خجسته خوى و شمایل نكوى و ماه جبين

سلیل ساقى كوثر كه نسبتش «علوى» است

دعامة الشرع طود العلم حامى الدين

زرحلتش همه مردم نشسته در غم و حزن

چو رفت طایر روحش به سوى خلد برین

زیوستان نیاکان گلی ربود فلک

كه ارمغان برد آن را به خدمت شه دين

اگر نبود چنان پس به اربعين چون شد

روان او به چنان و تنش به زیر زمین



جوار حضرت معصومه شد به خاک نھان

مزار اوست محط رجال اھل یقین

✽

منابع

۱ - آئینہ دانشوران ۳۴۳.

۲ - گنجینہ دانشمندان ۱۶۴/۶.

## سید علی علوی کاظمی

(۱۳۴۶ - ۱۴۰۲ ق)



حاج سید علی علوی فرزند سید حسین و نوہ سید ابوالقاسم حسینی کاشانی، از فضلا و نویسندگان معاصر بود.

در ۲ / محرم / ۱۳۴۶ ق در شھر کاظمین «عراق» دیدہ بہ جھان گشود.

### تحصیل در کاظمین و نجف اشرف

مقدمات را نزد آیت الله شیخ حامد واعظی سبزواری و استاد احمد امین آموخت، و برخی از سطح را نزد علامہ

سید اسماعیل صدر تلمذ کرد، و در سال ۱۳۸۶ ق بہ نجف اشرف عزیمت نمود و باقی دروس سطح را از محضر آیات: شیخ محی الدین مامقانی و سید جعفر مرعشی استفادہ نمود، و پس از یکسال و اندی از طرف آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم بہ نمایندگی ایشان در بغداد - حی الطارق - انتخاب و بہ آنجا عزیمت نمود،



و چندین مسجد و هیئت حسینی و مدرسه تأسیس نمود.

### مهاجرت به قم

ایشان در سال ۱۳۹۱ ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت و در قم سکونت اختیار نمود، و به فعالیت‌های فرهنگی و اسلامی خود ادامه داد، و در دروس آیات: سید شهاب‌الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی شرکت جست.

### از آثار او

- ۱ - اختر لنفسک.
- ۲ - اشک و آه.
- ۳ - الجنسان.
- ۴ - الخیر و السعادة.
- ۵ - الرافد.
- ۶ - العفاف علی مذبج التبرج.
- ۷ - العمل الجهادی.
- ۸ - الكلمة الطيبة.
- ۹ - باء بسمله.
- ۱۰ - پاسخ اندیشه‌های جوانان، در دو جلد.
- ۱۱ - پیک رحمت.
- ۱۲ - تربیت از نظر قرآن و سنت.
- ۱۳ - تفسیر الامام الصادق علیه السلام.
- ۱۴ - دروس و حلول فی شرح کفایة الاصول، در دو جلد.
- ۱۵ - دل‌بند نفس.
- ۱۶ - دیوان العلوی، در سه جلد.

- ۱۷ - راهنمائی قرآن کریم.
- ۱۸ - رستگاران.
- ۱۹ - زکاة الفطرة.
- ۲۰ - سخنان ماه مبارک.
- ۲۱ - سوداگران.
- ۲۲ - کتابخانه.
- ۲۳ - لباب معالم الدین.
- ۲۴ - محاضرات فی اصول الدین.
- ۲۵ - مخطط فی کتاب الارث.
- ۲۶ - مقتطفات العلوی (شعر).
- ۲۷ - منتخب حوادث الأيام فی الاسلام، در چهار جلد.
- ۲۸ - ندای آسمان.
- ۲۹ - یادآوری.

### درگذشت و اعقاب

وی در روز دوشنبه ۲۸ / شعبان / ۱۴۰۲ ق مطابق با ۳۱ / خرداد / ۱۳۶۱ ش در اثر سکته قلبی در بیمارستان سید مصطفی خمینی در تهران به سن ۵۶ سالگی درگذشت، و جسدش روز اول / رمضان در قم تشییع، و پس از اقامه نماز میت توسط آیت الله مرعشی، در راهروی مسجد علوی که خود آن را در خیابان امام تأسیس نمود به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

- ۱ - حجة الاسلام سید عادل علوی ۲ - ثقة الاسلام سید عمادالدین ۳ - سید عامر ۴ - سید عارف ۵ - سید عقیل و چهار دختر.

## میرزا علی غروی علیاری

(۱۳۱۹-۱۴۱۸ ق)

مقاله زیر در روزنامه «احرار» تبریز چاپ و منتشر شده، و نظربه این که جامع و وافی بود آن را عیناً اقتباس نموده، تقدیم خوانندگان گرامی می‌کنیم:



حیات و زندگانی طوبه اسلامی، بدون شک مرهون فداکاریهای و جانفشانی‌های مرزداران حریم مقدس اسلامی بوده است. و در عصر غیبت آخرین ستاره درخشان سپهر بلند و رفعت امامت و ولایت، حضرت قائم (عج)، فقها و مراجع فراز پایه شیعه از شیخ طوسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی و دیگر بزرگان، (رضوان الله علیه اجمعین) تا علمای فرهیخته معاصر در زمره این دلاوران و پیش‌کسوتان عرصه علم و فضیلت و جهاد بوده‌اند.

آنان که هر یک روزگار خویش مشعل هدایتگر اسلام محمدی بود، شریعت را پر فروغ و تابان حفظ نموده به جانشینان خلف خود سپرده‌اند، تا عرصه گیتی



هیچ‌گاه از نعمت والای حیات بخش اسلام تهی نگردد.

آنان که بر ذروه قاف یقین خاضعانه تکیه زده، هفت شهر عشق را مردانه پشت سر نهادند و ناظران شیفته سرشان به لفظ «فیالیتی» موکب به سر منزل مقصود رسیده، آنان را مشایعت نمودند و دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نموده و کیان اسلام را از گزند خناسان و شیاطین گمراه، نجات بخشیدند.

در میان سرزمینهای اسلامی، ایران یکی از درخشان‌ترین مهدهای علم و دانش بوده و می‌باشد. علما و دانشمندان ایرانی نقش بزرگ و حساس در تاریخ علم در سراسر جهان داشته‌اند، به گونه‌ای که هنوز از کتب این بزرگواران در مجامع علمی جهان استفاده می‌شود. و اما در سرزمین ایران نیز همه مناطق و بلاد از نظر علم و تمدن یکسان نبوده و نیستند. برخی از شهرها و مناطق، محل پرورش علمای بزرگ و فقهای سترگ بوده است. که به عنوان نمونه می‌توانیم از تبریز نام ببریم، که از جمله عالم‌خیزترین شهرهای ایران بوده است. فقهای همچون: آیت‌الله انگجی، آیت‌الله میرزا صادق تبریزی، آیت‌الله شهیدی، آیت‌الله سید محمد مولانا، علامه امینی، علامه طباطبائی و پیوسته بر بلندای آسمان علم و فقه و فقاہت نور افشانی می‌کنند. در عصر حاضر از مهره‌های بارز این قافله، می‌توانیم از دانشمند بزرگوار، فقیه اهل بیت، عالم ربانی و فاضل صمدانی آیت‌الله علیاری نام ببریم.

### ولادت و خاندان

آیت‌الله علیاری در صبح جمعه ۱۲ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۹ قمری هجری در تبریز دیده به جهان گشود.

در سه سالگی والد خود (مرحوم آقا میرزا محسن) را که از علما و دانشمندان تبریز بود، از دست داد و تحت تعلیم جدّ امجدش، آیت‌الله میرزا محمد حسن علیاری قرار گرفت.

معظم‌له پس از آموزشهای ابتدایی و فراگیری مقدمات در مکاتب قدیمی، به

تحصیل علوم ادبی و اسلامی پرداخت، و کتب درسی متداول در شیوه تحصیل طلبگی را از صرف و نحو و دیگر رشته‌های مربوط به ادب عربی و منطق و کلام و فقه و اصول فقه به نحو کامل و شایسته فراگرفت و سپس به محافل علمی و حلقات درسی بزرگان و اساطین علما راه یافت.

پدران ایشان همگی از عالمان و بزرگان دین و دانش و منشأ خیرات و آثار جاویدانی می‌باشند، که آن آثار اینک از ذخائر بزرگ شیعه محسوب می‌گردد. سلسله جلیله ایشان، از خانواده‌ای اصیل و ریشه دار و مشهور به علم و تقوا است. خاندانی که علمای بزرگواری را به عالم اسلامی تحویل داده و در طول چند نسل همواره دانشمندان عالیقدری را پرورش داده است.

در تکوین شخصیت انسان خانواده نقش بسزائی دارد، چرا که زمینه‌های رشد و تعالی شخصیت آیت الله علیاری نیز خانواده شریف او بود. او در خانواده‌ای دیده به جهان گشود که همه اهل علم و دانش و تقوا و معنویت بودند. در این گفتار ما به بحث پیرامون خاندان استاد می‌پردازیم، تا با زمینه‌های رشد و تعالی این بزرگوار بیشتر آشنا شویم:

الف: میرزا محمد حسن فرزند حاج مولی علی علیاری تبریزی از علمای ربانی، فقیه، ادیب، جامع معقول و منقول، با ورع، زاهد، (عمده تحصیلات آیت الله علیاری در تبریز در خدمت همین جد امجدش بوده است).

وی در علیندر ۲۲ جمادی الاولی ۱۲۶۶ ق تولد یافته و از والد خود بهره علمی برد. و مدتی هم نزد آقای شیخ محمد حسن انصاری دزفولی (داماد مرحوم شیخ مرتضی انصاری) در نجف اشرف شاگردی نموده و بعد نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ محمد فاضل شریانی و شیخ محمد حسن مامقانی و حاج مولی احمد شبستری و حاج میرزا ابوالقاسم طباطبائی (حفید صاحب ریاض) و دیگر اعظام تحصیلات خویش را به پایان رساند.

نامبرده از جمعی از اعلام، اجازه اجتهاد و روایت داشته و به بعضی از علما هم

اجازه داده و پس از بازگشت به تبریز به تدریس و اقامه جماعت و سایر وظائف شرعیه قیام نمود و مورد احترام مردم آن دیار بود و کتابخانه نفیسی داشته، که در درگیری‌های مشروطه خواهان طعمه حریق مخالفان شده و از بین رفته است.

وفاتش شب سه‌شنبه ۱۹ / ربیع‌الاول / ۱۳۵۸ در تبریز اتفاق و در وادی السلام نجف اشرف مدفون گردید.

از وی تألیفات زیادی حدود ۲۴ مجلد باقی مانده که از آنهاست. ۱ - حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۲ - مشکاة الانوار ۳ - مشکاة الاصول ۴ - المحجة البيضاء (مطبوع) ۵ - جامع السعادة ۶ - زلال المقال ۷ - اللثالی المخزونه ۸ - المواهب السنية ۹ - صراط النجاة ۱۰ - کنز الغرائب.

ب: جدّ اعلای آیت‌الله علیاری، مرحوم حاج مولی علی علیاری یکی از ستارگان فروزان مذهب شیعه که در علوم فقه و اصول و حدیث و هیئت و طب و حکمت و شعر و ریاضیات معروف بوده است.

مرحوم حاج مولی علیاری در ماه رمضان ۱۲۳۶ ق در سردرود (از نواحی تبریز) متولد شد و در قریه «علیار» از قراء دیزمار که از مضافات قراچه داغ، از نواحی تبریز است اقامت گزید و چون از مبادی علوم فارغ‌گشت، رهسپار نجف اشرف گردید و در حوزه درس مرحوم شیخ مرتضی انصاری حاضر شد و پس از فوت استاد در نزد میرزا محمد حسن شیرازی و سید حسین کوهکمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف‌الغطاء تحصیلات خویش را به پایان رسانید.

### از تألیفات او

۱ - المطرزی فی شرح اقسام اللغز ۲ - الوافیة فی شرح لغز الکافیة (للشیخ البهائی) ۳ - ایضاح الغوامض فی تفسیر الفرائض ۴ - بهجة الآمال فی شرح زیدة المقال ۵ - تقویم ۶ - حاشیة الروضة البهیة ۷ - حاشیة المعالم ۸ - حاشیة تشریح الافلاک ۹ - حاشیة ریاض المسائل ۱۰ - حاشیة القوانين ۱۱ - دلائل الاحکام فی

شرايع الاسلام ۱۲ - رياض المقاصد فى شرح قصيدة الشيخ حسن بن راشد (فى مدح صاحب الزمان (عج) ۱۳ - شرح چغمينى ۱۴ - مشکوة الوصول الى علم الاصول ۱۵ - مناهج الاحكام فى اصول الفقه، كه پنج مجلد و شرح مزجى معالم است ۱۶ - منتهى الامال فى علم الرجال، كه منظومه‌اى است رجالى ۱۷ - منهاج الملة فى تعيين الوقت و القبلة.

وفات عليارى در روز پنجشنبه چهارم / رجب / سال هزار و سيصد و بيست هفتم هجرى واقع گرديد.

### عزيمت به نجف اشرف

آيت الله عليارى ميرزا على بعد از تكميل دروس سطح در زادگاه خويش، به سال ۱۳۴۱ ق عازم بلدة طيبة نجف اشرف جوار رحمت حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام شدند. در ميان چهره‌هاى علمى معاصر كمتر چهره‌اى را مى توان سراغ گرفت كه چون ايشان استاد ديده باشند. استاد در خلال دوران تحصيل خود به محضر اساتيد بسيار راه يافت و به گفته خودش زانوى ادب زد و از انفاس قدسى آنها مدد گرفت. عشق و علاقه شديد استاد به علم و دانش از يك سو و توجه به علوم گوناگون از سوى ديگر موجب شد تا به درك فيض محضر بزرگانى نائل شود كه به راستى برخى از آنها يگانه عصر و زمان خود بودند اسامى آن بزرگواران زينت بخش اين سطور مى گردد.

۱ - مرحوم آيت الله شيخ ضياء الدين عراقى (۱۲۷۸ - ۱۳۶۱ هـ) مجتهد و محقق كم نظير.

۲ - مرحوم آيت الله سيد ابوالحسن اصفهانى (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ هـ) بزرگ مرجع تقليد شيعيان جهان.

۳ - مرحوم آيت الله ميرزا محمد حسين نائينى غروى (۱۲۷۳ - ۱۳۵۵ هـ) محقق و استاد بزرگ به مدت ۶ سال.

۴ - مرحوم آيت الله آقا شيخ اسدالله زنجانى (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴ هـ).

- ۵- مرحوم آیت الله سید ابراهیم (میرزا آقا) اصطهباناتی شیرازی (۱۲۷۹ - ۱۳۷۸ هـ) از مجتهدین و مدرسین بزرگ حوزه نجف اشرف.
- ۶- مرحوم آیت الله سید محمد حجت کوهکمری (موقعی که در نجف اشرف و تبریز تشریف داشتند) (۱۳۱۰ - ۱۳۷۲ هـ) بزرگ مرجع تقلید شیعیان و استاد بزرگ حوزه نجف و قم.
- ۷- مرحوم آیت الله آقا شیخ ابوالحسن مشکینی (۱۳۰۵ - ۱۳۵۸ ق) محقق و استاد بزرگ حوزه نجف اشرف.
- ۸- مرحوم آیت الله میرزا علی ایروانی (۱۳۰۱ - ۱۳۵۴ ق) از مدرسین بزرگ حوزه نجف اشرف.
- ۹- مرحوم آیت الله سید ابوتراب خوانساری (۱۲۸۱ - ۱۳۴۶ ق) دانشمند بارز حوزه علمی نجف اشرف.
- ۱۰- مرحوم آیت الله آقا شیخ احمد آشتیانی (در فلسفه) فقیه و حکیم برجسته (۱۳۰۰ - ۱۳۹۵ ق).

### موقعیت علمی

آیت الله علیاری در مدت اقامت خود در حوزه نجف اشرف از محضر اساتید بزرگوار استفاده وافر کرد و در جوانی به درجه رفیع اجتهاد ارتقاء یافت و از طرف آیات و مراجع و اساتید خود به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد و مبانی علمی و اجتهادی و استقامت رأی و خوش فکری او، مورد تحسین حضرات آیات واقع شد. و ملاحظه تعابیری که از بزرگان در اجازات اجتهادی و روایتی آیت الله علیاری که متجاوز از پنج فقره است، حکایت از موقعیت عالی علمی و توجه آنان به ایشان در عهد کهن دارد.

در مقام شهادت درباره موقعیت علمی وی، مرحوم آیت الله ضیاء الدین عراقی

می نویسد:



بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله على جزيل نعمائه و عظيم آلائه و الصلوة  
السلام على محمد خاتم انبيائه و على خلفائه المرضين.

و بعد فان جناب العالم العامل و الفاضل الكامل، ظهير الملة والدين ملاذ  
الاسلام و المسلمين، عمدة العلماء المحققين و زبدة الفقهاء و المجتهدين، التقي  
التقي، الميرزا على آقا تبريزي ادام الله معاليه و اصاب أيامه و لياليه، ممن بذل نقد  
عمره و برهة من دهره في تحصيل العلوم الشريعة أيامه و المعارف الدينية، معتكفاً  
بجوار امير المؤمنين عليه السلام معتصماً بحبل الله المتين، حتى أضاء نور الاجتهاد في قلبه،  
فأصبح على بينة من ربه و افاد و استفاد حتى نال المراد و حاز ملكة الاجتهاد، فهو  
الان بحمد الله من العلماء العاملين و في زمرة المجتهدين الاتقياء الكاملين و جازله  
التصدي بوظايف المجتهدين الاتقياء الكاملين الجامعين للشرائط و يحرم عليه  
التقليد في اجتهاد و له العمل بما استنبطه من احكام الدين و قد اجزت له ان يروى  
عني جميع ما صححت لى روايته من مشايخي الكرام باسانيد هم المعتبرة المنتهية  
الى ارباب جوامع العظام و الكتب و الاصول و منهم الى اهل بيت العصمة و معدن  
العلم و الرحمة و اوصيه بملازمة التقوى و الاحتياط فانه سبيل النجاة و ان لا ينساني  
من صالح الدعوة في مظان الاجابة.

من الاحقر ضياء الدين عراقي

مرحوم آيت الله شيخ محمد حسين غروي نائيني، ضمن توصيف و توفيق  
مشاراليه در مقام علم و عمل، مي نويسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و افضل صلواته و تحياته على من اصطفاه من الاولين و  
الآخرين و بعثه رحمة للعالمين، محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على  
اعدائهم اجمعين ابد الابدين.

و بعد فان جناب العالم العامل التقي و المذهب الصفي الميرزا على العلياري

التبریزی دامت تأییداته و تسدیداته، قد بذل فی تحصیل العلوم الشرعية و تکمیل المعارف الدینیة برهة من عمره و اشتغل به شطراً من دهره، معتکفاً بجوار مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام و قد حضرت ابحاثی مدة مدینة و سنین عديدة، حتی بلغ مرتبة سامیة من الاجتهاد، مقرونة بالصلاح و السداد و له العمل بالأیستنبطه من الاحکام علی النهج المتداول بین الاعلام، و لقد اجزت له ان یروی عنی جمیع ما صحت لی روايته من مصنفات اصحابنا و مارووه عن غیرنا بالأسانید المنتهیة الی ارباب الجوامع العظام و الکتب و الاصول و منهم الی اهل بیت النبوة و مهبط الوحی و معدن العصمة «صلوات الله علیهم اجمعین» و ارجوه لاینسانی من صالح دعواته و السلام علیه و رحمة الله و بركاته.

حرر فی شهر شعبان المعظم ۱۳۴۹

لاحقر محمد حسین الغروی النائینی

مرحوم آیت الله آقا سید ابراهیم اصطهباناتی پس از حمد و ثنای حضرت باری اسمہ و درود بر پیغمبر خاتم چنین مرقوم فرموده اند:

و بعد فلا یخفی ان جناب العالم العامل و الفاضل الكامل ظہیر الملة والدين ملاذ الاسلام و المسلمین عمدة العلماء المحققین و زبدة الفقهاء و المجتہدین، التقی النقی و المہذب الصفی، المیرزا علی آقا التبریزی ادام الله تعالی معالیہ. ممن صرف عمره و برهة من دهره فی تحصیل العلوم الشرعية و القواعد الدینیة و جد و اجتهد و حاز ملكة الاجتهاد و یحرم علیه التقليد فیما اجتهد، و له العمل بما استنبطه من احکام الدين و له ان یروی عنی کلاً ما صحت لی روايته من الکتب المعتبرة التی ألفها علماء الامامية فی الاخبار و الآثار رضوان الله علیهم و اوصیه بملازمة التقوی و الاحتیاط، فانه سبیل النجاة و ان لاینسانی من صالح الدعوة فی مظان الاجابة.

لاحقر ابراهیم الحسینی الشیرازی المدعو بالمیرزا آقا عفی عنه.

همچنین آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در اجازة خود، به معظم له گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين.

و بعد فان جناب العالم الفاضل المذهب الكامل الصفى الزكى ولدنا الاعز التقى الميرزا على عليارى التبريزى ادام الله تأييده و تسديده ممن صرف عمره فى تحصيل العلوم الشريعة و تنقيح مبانيها النظرية و قد حضر عندى شطراً صالحاً من الزمان فى أبحاثى الفقهية و الاصولية حضور فحصى و تحقيق و تعمق و تدقيق و قد حقق و دقق و تعب و كد و اجد و اجتهد، حتى صار بحمد الله تعالى من الافاضل الاعيان و ممن يشار اليه بالبنان و بلغ مرتبه الاجتهاد و به الثقة و عليه اعتماد الأعلام و له التصدى للوظايف الشرعية و التولى بما يتولاها المجتهدون من الامور الدينية و قد اجزت له ان يروى عنى ماصح لى روايته من كتب الاخبار و لاسيما الكتب الاربعة التى عليها المدار و الثلاثة المتأخرة المشتهرة غاية الاشتهار و اوصيه بملازمة الاحتياط.

حرر ذلك فى غرة صفر المظفر سنة ۱۳۴۹

الاحقر ابوالحسن الموسوى الاصفهانى



با توجه به مضمون اين اجازه نامه ها علاوه بر گواهى به اجتهاد مطلق معظم له و

این که تقلید در احکام بر وی حرام است و اجتهاد و استنباط احکام بر او واجب می‌باشد. کلیه مقامات و مناصبی را که در توقیع شریف حضرت ولی عصر و امام زمان (عج) درباره نواب عام (مجتهدین جامع الشرایط) است از اهل فتوی و قضاوت و نفوذ حکم، همه را درباره وی تصریح نموده‌اند.

عده‌ای از تلامیذ و بزرگان علم در حوزه‌های عملیه، از معظم‌له نائل به اجازات فقهی و روایتی شده‌اند که به علت اختصار از اسامی آنها خودداری می‌شود.

### اخلاق و فضائل انسانی معظم‌له

مکارم اخلاق و فضایل انسانی و صفات پسندیده حضرت آیت‌الله علیاری زبانزد خاص و عام می‌باشد. معظم‌له با تواضع اخلاقی، سعه صدر، مدارا و خوش برخوردی، احترام به کوچک و بزرگ، احساس مسئولیت و وظیفه، همیاری و دستگیری از فقرا و محرومان، حتی در بدترین شرایط اقتصادی، مواسات با مردم، تحمل مشکلات و رنجها در راه خدا و صبر و بردباری در برابر حوادث ناگوار، تلاش پی‌گیر و فعالیت خستگی‌ناپذیر، کثرت مطالعه و نوشتن و برخورداری از حافظه قوی و ذوق سرشار، علاقه به علم و عمل و دیگر صفات کریمه، معروف می‌باشند. معظم‌له در طول دوران تحصیل در امر معاش به حداقل اکتفا می‌نمودند و تنها به امر درس و بحث توجه داشتند و جز معیت همدرسان را اختیار نکردند تا بتوانند به طور دقیق به درس و تحقیق پردازند و نتیجتاً به شدت مورد توجه اساتید خود، مخصوصاً آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی قرار گرفتند.

### در کتابها و تذکرها

صاحب کتاب، زندگی و شخصیت مرحوم شیخ مرتضی انصاری، ضمن شرح حال مرحوم آیت‌الله میرزا حسن علیاری می‌نویسد:

حفیدش حاج میرزا علی بن میرزا محسن علیاری غروی از شاگردان سید

ابوالحسن اصفهانی. ولی بیشترین استفاده‌اش از آقا ضیاءالدین عراقی بوده و هم اکنون از اجله علمای معروف و مقدس ساکن در تبریز و از مردم منزوی و به تدریس و تألیف اشتغال دارد و در سفری که سه سال قبل به اهواز داشتند، گذشته از مراتب علمی، وی را مردی زاهد و ورع که به مکارم الاخلاق آراسته بود، یافتیم. صاحب گنجینه دانشمندان می‌نویسد:

... آیت‌الله حاج میرزا علی غروی علیاری از علمای اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است.

... پس از فراغت از مبادی علوم، در خدمت جدّ امجدش مرحوم آیت‌الله میرزا محمد حسن، سطوح را خواند و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از حضرات آیات چون: آیت‌الله اصفهانی و مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیت‌الله آقا شیخ اسدالله زنجانی و آیت‌الله آقا سید ابوتراب خوانساری و آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیت‌الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی فرا گرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده، آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظایف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند. دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند.

حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید هدایة الله مسترحمی، در شرح حال آیت‌الله علیاری در مقدمه کتاب منجزات المریض معظم له گوید:

وكان من جملة من هاجر الى الله تعالى في تحصيل هذا المعنى: الفاضل المحقق و الزاهد المدقق، العلامة الفهامة، صاحب محامد الخصال و خصال المحامد، و المترقى في مدارج الكمال، آیت‌الله الحاج الشيخ علی الغروی العلياری (مد ظله العالی).

معظم له در طول دوران تحصیل در امر معاش به حداقل اکتفا می‌نمودند و تنها به امر درس و بحث توجه داشتند و جز معیت همدرسان را اختیار نکردند تا بتوانند بطور دقیق به درس و تحقیق بپردازند و نتیجتاً به شدت مورد توجه اساتید خود

مخصوصاً آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی قرار گرفتند.

آری، ایشان پس از سالها تحصیل و تفقه در دین و سخت کوشش و پس از رسیدن به جایگاه رفیع اجتهاد و کسب اجازات علمی و فقهی از بزرگان و علمای دین نام و آوازه حوزوی را وانهاده و در میان مردم بودن و برای مردم تلاش کردن و در هدایت خلق خدا کوشیدن را به اقامت در حوزه علمیه نجف و معروف شدن و کرسی درس و بحث تشکیل دادن، در حالی که شایستگی این امر را دارا بودند، ترجیح دادند و به دیار خویش بازگشتند تا به مصداق «زکاة العلم نشره» چراغ علم و هدایت را در شهر خویش بیفروزد و مردم را از اندوخته‌های پر برکت علمی و فقهی خویش بهره‌مند سازد.

آیت الله علیاری در این مورد می‌فرمایند که آن زمان بعد از رحلت پدرم، جدّ امجد دستور مراجعت به تبریز را دادند و من مایل به مراجعه نبودم و حتی حضرات آیات: اصفهانی، زنجانی، عراقی اجازه بقاء مرا در نجف صادر فرمودند، ولی جدّ امجد قبول ننمودند و استاد مجبور به عزیمت به وطن شدند.

معظم‌له با مراجعت به تبریز علاوه بر رسیدگی به امور مختلف مردم به توسعه امور فرهنگی اهتمام ورزیده و با تشکیل حوزه درس و بحث به تربیت محصلین علوم اسلامی پرداختند.

و از آن سال تاکنون در تبریز به تألیفات و تربیت شاگردان علوم اسلامی مشغول هستند و اینک به علت کهولت سن مردم از فیض اقامه نماز جماعت توسط ایشان محروم شدند.

از باقیات صالحات دیگر معظم‌له، فرزند ارجمندشان جناب حضرت آقای شیخ جواد غروی علیاری است که اکنون از علما و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محضر آیات: خوئی و حکیم و دیگران به شهر رضوی مسافرت و در چندین سال اقامت از محضر آیت الله میلانی استفاده، آن گاه به قم منتقل و چندین سالی از اباحت و

محاضر آیات: مرعشی، گلپایگانی و خمینی استفاده نموده و اکنون مقیم تهران و به تدریس و اقامه نماز جماعت و انجام وظایف دینی اشتغال دارند.

### تألیفات

آیت الله علیاری در دوران پر ثمر و پر برکت عمر شریف خود از امر تألیف و تصنیف غافل نبوده و از همان زمان که تازه در درس خارج شرکت فرموده بودند، به تألیف پرداختند.

و دلیلش آثار متعددی است که در موضوعات فقه و اصول، تفسیر، کلام، تاریخ، رجال، دعا و حدیث و اخلاق و... نوشته است.

۱- الاجاره، تقریرات درس

آیت الله ضیاء الدین عراقی.

۲- الاصول من مباحث الالفاظ، تقریرات درس مرحوم آیت الله میرزا محمد

حسین نائینی.

۳- البیع، تقریرات درس مرحوم آیت الله کوهکمری.

۴- البیع، تقریرات درس مرحوم آیت الله میرزا محمد حسین نائینی.

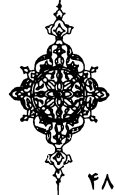
۵- الخیارات، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

۶- الخیارات، تقریرات درس مرحوم آیت الله میرزا محمد حسن نائینی.

۷- الرضاع، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

۸- الرهن، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

۹- الزکوة، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.



- ۱۰ - الشروط، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۱۱ - الصلاة، تقریرات درس آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی.
- ۱۲ - الصلاة، تقریرات درس آیت الله میرزا محمد حسین نائینی.
- ۱۳ - الصلاة (تماماً)، تقریرات درس مرحوم آیت الله کوه کمری.
- ۱۴ - الصلح، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۱۵ - الطهارة، تقریرات درس مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی.
- ۱۶ - الفقه، تقریرات درس مرحوم آیت الله محقق ایروانی.
- ۱۷ - الفقه، تقریرات درس مرحوم آیت الله شیخ اسدالله زنجانی.
- ۱۸ - القضاء، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۱۹ - منجزات المریض، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی (چاپ شده).
- ۲۰ - المهجة فی شرح حال الحجة (عج).
- ۲۱ - النکاح، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۲۲ - الوقف، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۲۳ - الوصية، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۲۴ - الغصب، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۲۵ - تفسیر قرآن مجید (در طول چهار سال نگاشته شده است).
- ۲۶ - تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت الله شیخ اسدالله زنجانی.
- ۲۷ - تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۲۸ - تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت الله کوه کمری (فی القطع و ظن و اصابة البرائة و الاستصحاب و التعادل و التراجیح).
- ۲۹ - تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت الله محقق ایروانی (رساله در اجتماع امر و نهی)
- ۳۰ - تقریرات رجال، بحث مرحوم ابوتراب خوانساری.
- ۳۱ - جواز نقل میت بعد از دفن، نظر به وصیت میت.



- ۳۲- حاشیه بر تبصرة المتعلمین.
- ۳۳- حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.
- ۳۴- حل مشکلات الاخبار.
- ۳۵- رساله در خلل، مبسوط تقریرات بحث آیت الله محقق زنجانی.
- ۳۶- رساله در تربت.
- ۳۷- رساله در حرمان زوجه از عقار.
- ۳۸- رساله در ربا.
- ۳۹- رساله در صلح.
- ۴۰- رساله در عدم شرطیه رجوع یومیه مسافر.
- ۴۱- رساله در فروع سنیه.
- ۴۲- رساله در فروع نقلیه.
- ۴۳- رساله در قاعده لاضرر، تقریرات درس مرحوم آیت الله عراقی.
- ۴۴- رساله در قاعده من ملک و قواعد دیگر.
- ۴۵- رساله در لباس مشکوک.
- ۴۶- رساله در مجازات الرجل و المرأة.
- ۴۷- رساله در ملازمه.
- ۴۸- رساله در منجسیه المتنجس.
- ۴۹- رساله در مواعظ.
- ۵۰- رساله در نماز جمعه در زمان غیبت.
- ۵۱- رساله در وضع.
- ۵۲- رساله عملیه.
- ۵۳- رساله فی الرجعة.
- ۵۴- رساله فی جریان الاستصحاب، تقریرات آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۵۵- رساله مفردات قرآن، حروف تهجی.

- ۵۶- شرح اربعین حديثاً من الاحاديث المشكلة.
- ۵۷- شرح استدلالی عروة الوثقى از: طهارة تا وصیت با اشاره به مدارک مسئله.
- ۵۸- شرح استدلالی بر ملحقات عروة الوثقى.
- ۵۹- شرح المكاسب، مبسوط.
- ۶۰- شرح تبصرة المتعلمين، از طهارة تا حواله.
- ۶۱- شرح حضرت اميرالمؤمنين در نهج البلاغة.
- ۶۲- شرح دعاء الصباح.
- ۶۳- شرح دعای ابو حمزه ثمالی.
- ۶۴- شرح دعای افتتاح.
- ۶۵- شرح دعای السمات.
- ۶۶- شرح دعای کميل.
- ۶۷- شرح رسائل (شيخ مرتضى انصارى).
- ۶۸- شرح زیارة الجامعة الكبيرة.
- ۶۹- شرح علی وسیلة النجاة، مرحوم آیت الله اصفهانی در سه جلد.
- ۷۰- شرح فرمایش حضرت ختمی مرتبت.
- ۷۱- شرح کفایه مرحوم آخوند خراسانی.
- ۷۲- علل الشرايع و الاحکام.
- ۷۳- کتاب الحج.
- ۷۴- کتاب الصوم.
- ۷۵- کتاب الطهارة.
- ۷۶- کواکب حسینیة.
- ۷۷- مستقطات الخيار، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.
- ۷۸- مناسک حج، دو فقره.
- ۷۹- منهاج الرشاد.

لازم بذکر است که در کتب فوق بعضی از نظریات بدیع و قابل ملاحظه‌ای به چشم می‌خورد که در این مقوله فقط اکتفا به اسامی آنها نمودیم.

## شیخ علی قاضی زاهدی گلپایگانی

(۱۳۴۶-۱۴۱۷ ق)



حاج شیخ علی فرزند علامه شیخ رضا و نوه حجة الاسلام میرزا ابوالقاسم زاهدی گلپایگانی، از فضلا و معارف معاصر گلپایگان بود.

وی در سال ۱۳۴۶ ق مطابق با ۱۳۰۶ ش در گلپایگان دیده به جهان گشود.

او ابتدا به تحصیلات جدید پرداخت، سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت. مقدمات و بخشی از سطح را

از پدر ارجمند خود آموخت. آنگاه رهسپار قم شد و سطح را نزد آیات: سید احمد خوانساری، سید شهاب‌الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عباسعلی شاهرودی حاضر و بهره‌مند شد. در ضمن از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» دروس تفسیر استفاده کرد.

قاضی زاهدی در سال ۱۳۷۸ ق بنا به اصرار و خواهش اهالی گلپایگان در وطن خود اقامت نموده و به خدمات دینی از قبیل: اقامه جماعت، تدریس، هدایت و ارشاد اشتغال ورزید.

## آثار قلمی او

- ۱ - ارجوزه یا جُنگ زاهد.
- ۲ - الهدایة الی تواریخ الهداة السادة ( اشعار - عربی ).
- ۳ - بدر و هلال ( اشعار - سه جلد ).
- ۴ - تفسیر سورة المائدة.
- ۵ - تفسیر سورة الأعراف.
- ۶ - تفسیر سورة سجده.
- ۷ - تفسیر سورة لقمان.
- ۸ - تقریرات اصول آیت الله بروجردی.
- ۹ - تقریرات فقه آیت الله بروجردی.
- ۱۰ - تلخیص الکلام فی تفسیر سورة الأنعام.
- ۱۱ - چهل حدیث.
- ۱۲ - راهنمای متوسلین و مستشفعین.
- ۱۳ - رساله ای در علوم غریبه.
- ۱۴ - ریاض یا مجموعه دل فریب ( کشکول مانند است ).
- ۱۵ - زبدة التفاسیر، دو جلد.
- ۱۶ - زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام یا تنمة القصص، دو جلد.
- ۱۷ - شرح لغات بدیعی.
- ۱۸ - صیغ العقود.
- ۱۹ - قصص یا داستان های شگفت انگیز قرآن مجید.
- ۲۰ - هزار مسأله در علوم ریاضی ( مفقود شده ).

قاضی زاهدی در روز پنجشنبه ۱۶ / رجب / ۱۴۱۷ ق مطابق با ۸ / آذر /

۱۳۷۵ ش در سن ۷۱ سالگی در گلپایگان بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و

در روز جمعه در قبرستان شیخان مدفون شد.

#### فرزندانش:

۱ - حجة الاسلام شیخ احمد ۲ - شیخ ابراهیم ۳ - شیخ مرتضیٰ.

### میرزا علی قاضی طباطبائی « تبریزی »

( ۱۳۶۸ ق )

حاج میرزا علی فرزند میرزا مهدی فرزند میرزا هاشم قاضی طباطبائی تبریزی، از فضلا و اعیان تبریز بود. وی پس از تحصیل علم به املاک موروثی خود پرداخت. ولی فرزندى دانشمند و دانا پرورش داد.

ایشان در شب ۱۵ / دی / ۱۳۲۸ ش در اثر سکتة قلبی در تبریز درگذشت. پیکرش به قم حمل و در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

۱ - سید عبدالله ترابی طباطبائی، ۲ - سید ابراهیم مهدوی فرحزاد، ۳ - سید یوسف معروف به « بیوک آقا»، ۴ - سید عبدالرحیم، ۵ - سرهنگ فتح الله، ۶ - سید حسن قاضی طباطبائی، وی از اساتید دانشگاه تبریز بود.

#### از آثار او:

۱ - تصحیح و تحشیه تجربه الاصرار و تسلیة الابرار، دو جلد.  
۲ - حواشی بر تجارب السلف.  
او در ۱۸ / اسفند / ۱۳۶۴ ش در سن ۷۴ سالگی در تبریز بدرود حیات گفت و در قبرستان وادی رحمت آن دیار مدفون گردید.

#### منابع

- ۱ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۴۰.
- ۲ - نسب نامه شاخهای از طباطبائیهای تبریز ۳۴۹.

## شیخ علی قدوسی نهاوندی

(۱۳۴۶-۱۴۰۱ ق)



شیخ علی فرزند آیت الله شیخ احمد نهاوندی، ملقب به «قدوسی» و داماد حکیم متأله سید محمد حسین تبریزی (علامه طباطبائی) بود.

وی در ۵/ رجب / ۱۳۴۶ ق مطابق با ۸/ دی / ۱۳۰۶ ش در شهرستان نهاوند در یک خانواده روحانی تولد یافت.

قدوسی دوره های ابتدایی و متوسطه را در نهاوند گذراند و در سال ۱۳۲۱ ش رهسپار قم گردید و با

مشکلات فراوانی مواجه شد. خود او در این باره چنین می گوید:

بعد از آمدن به قم مشقات زیادی را تحمل کردم، در سن کم در غربت، بسیار به من سخت می گذشت به علت نبودن جا در حجره ای کوچک همراه با چندین نفر دیگر زندگی می کردم و مدتی در یک اتاق کوچک که مقداری از آن فرش شده بود و مقداری از آن جایی بود که آب شستشوی ظرف و وضو در آن می ریختند و من چون از همه افرادی که در آن اتاق بودند کوچک تر و تازه کارتر بودم و در پایین اتاق می خوابیدم و همیشه لحاف و تشکم داخل آب می رفت و خیس می شد.

با همه اینها با رنج و مشقت تمام درس را ادامه می دادم و از خواب و غذای خود می زدم تا بتوانم بیشتر درس بخوانم. بسیاری از شبها آنقدر مطالعه می کردم که دیگر توان آماده کردن غذا نداشتم و همان گونه می خوابیدم. جز دوران کمی در

سال تمام آن را به درس و مباحثه می‌گذراندم و حتی در ایام ماه محرم غیر از روزهای تاسوعا و عاشورا تمام وقت خود را صرف درس می‌کردم.

بعدها که یک مقدار گذشت تابستانها با مشقت و رنج بسیار برای زیارت به مشهد مشرف می‌شدم و البته سختی‌های بسیار می‌کشیدم و یک بار که حدود حوالی سه ماه در آنجا بودم، تنها وسیله‌ای که داشتم یک جاجیم (چیزی شبیه پتو، ولی از آن زبرتر و خشن‌تر) بود که شبها در حرم روی آن می‌خوابیدم و غذایم نان خالی و هلوی مشهدی بود. طوری که بعد از مدتی یکی از دوستانم مرا دید و گفت اگر وضعیت همینطور ادامه پیدا کند، دیگر به قم برنخواهی گشت.

قدوسی پس از آموختن سطوح به درس خارج راه یافت و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید روح‌الله خمینی و حکمت را از سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره‌مند گردید، و از سال ۱۳۴۴ ش در مدرسه حقانی به تربیت و تهذیب طلاب اهتمام ورزید.

مبارزات پیگیر او در دوران پهلوی، سبب گردید تا مأموران ساواک ایشان را دستگیر و در زندان قزل قلعه زندانی کنند. بالاخره پس از مقاومت زیاد آزاد گردید. او پس از پیروزی انقلاب به عنوان «دادستان کل انقلاب» منصوب گردید.

### از آثار او

- ۱- تقریرات اصول آیت‌الله خمینی، دو جلد.
  - ۲- تقریرات خمس آیت‌الله بروجردی.
  - ۳- تقریرات صلاة آیت‌الله بروجردی.
  - ۴- تقریرات مکاسب محرمة و بیع آیت‌الله خمینی.
  - ۵- تقریرات منجزات مریض آیت‌الله بروجردی.
- قدوسی سرانجام در ۱۴ / شهریور / ۱۳۶۰ ش به دیدار معبود شتافت.

## شیخ علی قدیری اصفهانی

( - ۱۴۰۷ ق )

شیخ علی فرزند نصرالله و نوه قاسم قدیری کفرانی اصفهانی، از علمای اخیار و مدرسین ابرار بود که سالها به خدمات روحی و دینی اشتغال داشت. وی در اصفهان دیده به جهان گشود.

قدیری پس از طی مقدمات و سطوح دروس عالی، فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد رضا (ابوالمجد) مسجدشاهی و سید علی نجف آبادی در اصفهان و آیت الله سید روح الله خمینی در قم و مدتی چند از اساتید حوزه کهن نجف اشرف استفاده نمود. آنگاه به زادگاهش بازگشت و به وظایف روحی و دینی از قبیل: تدریس، و تبلیغ و وعظ در مسجد الهادی، واقع در خیابان سید علی خان اشتغال ورزید.

### از آثار او

حاشیه علی وقایع الاصول.

نامبرده پس از بیماری طولانی در ۱۲ / جمادی الاول / ۱۴۰۷ ق مطابق با ۱۶ / دی / ۱۳۶۵ ش در اصفهان درگذشت و جسدش جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### منابع

- ۱ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۳۲۸/۲.
- ۲ - معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی - رازی).
- ۳ - نقباء البشر ۱۲۰۴/۳ (فی ذیل ترجمه الشیخ عبدالله الاصفهانی).



## میرزا علی قلی شهیدی خوئی

(۱۲۹۲ - ۱۳۷۶)

حاج میرزا علیقلی فرزند عبدالعلی و نوه فتح‌الله بن عبدالله شهید خوئی، از جمله علمای طراز اول خوی بود.

ایشان در سال ۱۲۹۲ ق در شهر خوی دیده به جهان گشود.

پس از طی دوره مقدمات به نجف اشرف مهاجرت کرد و تحصیلات خود را به انجام رسانید، و پس از مراجعت به خوی مرجعیت حاصل نمود و در غالب امور اهالی به او مراجعه می‌کردند، و از وی بهره می‌بردند.

در تذکرة الفضلای جابری خوئی درباره‌اش آمده است: (قطع نظر از مقامات علمی‌اش، در موضوعات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی هم ذی دخل و صاحب نظر بود. ادبیات کاملی داشت و املاک فوق‌العاده را دارا بود. منزلتین فرودگاه علما، غربا، مسافرتین و محترمتین بود. کتابخانه مفصلی داشت، و بعضاً منبر رفته و خیلی مطالب قابل استفاده بیان می‌نمود، خلاصه دانشمند جامعی بود).

وی در روز دوشنبه اول / ربیع‌الثانی / ۱۳۷۶ ق مطابق با ۱۴ / آبان / ۱۳۳۵ ش جهت معالجه به تهران رفت و در سن ۸۴ سالگی در آنجا وفات نمود، و جسدش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام مقابل درب ورودی سه راه موزه به خاک سپرده شد.

تبع منبع

۱ - تذکرة الفضلاء (خطی، جابری خوئی).

## شیخ علی قمی (پایین شهری)

( - ۱۳۶۰ ق )

حاج شیخ علی فرزند شیخ محمد قمی ملقب به (پایین شهری)، از علمای قم بود.



تولدش در قم اتفاق افتاد.

وی پس از تحصیل مقدمات در قم، به تهران مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات: میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا محمد حسن آشتیانی تلمذ کرد. در سال ۱۳۱۴ ق به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیتین علمین: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره‌مند گردید. وی در سال ۱۳۲۵ ق پس از یازده سال کسب علم و کمال به زادگاه خود مراجعت نمود و پس از ورود آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم از حضار درس وی گردید. ایشان در سال ۱۳۶۰ ق در قم درگذشت.

❦ منابع

۱ - آینه دانشوران ۱۹۳ و ۲۹۵.

۲ - رجال قم ۱۳۶.

## شیخ علی قمی تهرانی

( - ح ۱۳۴۰ ق )

شیخ علی فرزند ملا محمد تقی قمی، از دانشمندان و حکمای ساکن تهران بود. وی تحصیلات عالی خود را در فقه و اصول نزد آیت‌الله میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت و فلسفه را نزد حکمایی چون: میرزا ابوالحسن جلوۀ اصفهانی و میرزا هاشم اشکوری تلمذ کرد و خود به تدریس و تربیت طلاب همت گماشت. قمی در حدود سال ۱۳۴۰ ق در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در صحن جدید حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. از وی یک اولاد پسر و دو دختر که یکی از دامادهایش علامه سید محمد مشکاة بیرجندی بود.

❦ منبع

۱ - نقباء البشر ۴/ ۱۳۵۸.

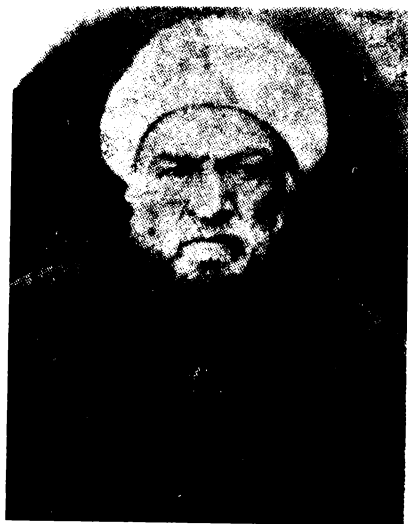
## شیخ علی قوانینی بروجردی

(۱۳۱۲ - ۱۳۶۴ ق)

حاج شیخ علی قوانینی فرزند آیت الله شیخ زین الدین و نوه مهدی بروجردی، از فضلا و بزرگان بروجرد و از اعقاب دختری میرزای قمی (صاحب قوانین الاصول) می باشد.

تولدش در سال ۱۳۱۲ ق در بروجرد اتفاق افتاد.

نامبرده پس از تحصیل مقدمات، سطوح عالی را از محضر آیات: شیخ محمد



شیخ زین الدین بروجردی

حسین غروی و سید حسین طباطبائی بروجردی در بروجرد به انجام رسانید و از ملازمان آیت الله بروجردی شد و در سایر امور به معظم له خدمت می نمود. وی از موجهین و مورد وثوق عامه مردم بروجرد و محل رجوع آنان بود. به همین خاطر دفتر ازدواج شماره یک بروجرد را در اواخر عمر قبول نمود.

مرحوم قوانینی در اوایل / جمادی

ثانی / ۱۳۶۴ ق مطابق با اواخر /

اردیبهشت / ۱۳۲۴ ش در سن ۵۲

سالگی بر اثر بیماری در قم زندگی را وداع

گفت و در قبرستان حاج شیخ باکد (۴۲۰۰۴) مدفون شد.

### فرزندانش:

۱ - شیخ محمد رضا، که دفتر ازدواج و طلاق در بروجرد دارد ۲ - علامه شیخ

محمد ۳ - آقا اسماعیل و پنج دختر.

## شیخ علی کاشانی «فريدة الاسلام»

(۱۳۴۹ - ۱۳۷۴ ق)

شیخ علی فريدة الاسلام فرزند محمد حسین کاشانی، از فضلا و پارسایان حوزه علمیه قم بود.

او در روز یکشنبه ۶ / ربیع الثانی / ۱۳۴۹ ق مطابق با ۹ / شهریور / ۱۳۰۹ ش در کاشان دیده به جهان گشود.

شیخ علی در سال ۱۳۶۲ ق به اصفهان رفت و مقدمات علوم دینی را طی نمود و قسمتی از سطح را فراگرفت، سپس به مشهد مقدس عزیمت و مدت چهار سال از محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی استفاده نمود.

سرانجام رحل اقامت را در قم افکند، و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (در فقه و اصول) و سید روح الله خمینی (در اصول) استفاده نمود، و به تدریس مقدمات و برخی از سطوح پرداخت.

### از آثار او

- ۱ - منظومة فی النحو.
- ۲ - منظومة فی الاصول.
- ۳ - منظومة فی الکلام.
- ۴ - تعلیقة علی الرسائل.
- ۵ - رسالة فی اللباس المشکوک (تقریرات بروجردی).
- ۶ - مجمع الفوائد فی الاصول، دو جلد.

نامبرده در شب دوشنبه ۱۴ / محرم / ۱۳۷۴ ق مطابق با ۲۲ / شهریور / ۱۳۳۳ ش در اثر سکنه قلبی در هنگام مسافرت در (رودسر) گیلان درگذشت. پیکرش به

قم حمل و در انتهای قبرستان حاج شیخ (تقریباً مقابل پل حجتیه) مدفون گردید.

منابع

۱ - مقدمه مجمع الفوائد فی الاصول، به قلم سید عبدالکریم هاشمی بهشهری (هاشمی نژاد).

۲ - مؤلفین کتب چاپی ۳۳۹/۴.

۳ - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۱۴۱/۶.

## میرزا علی کفائی خراسانی

(۱۳۴۹ - ۱۴۰۶ ق)

نوشته زیر به قلم برادر فاضل و ارجمند ایشان جناب آقای شیخ عبدالرضا کفائی که به درخواست نگارنده، قلمی گردید، تقدیم می شود:

دانشمند عالقدر و ادیب و شاعر توانا، شادروان مرحوم حاج میرزا علی کفائی خراسانی رحمته الله فرزند آیت الله میرزا احمد کفائی خراسانی رحمته الله و نواده شیخ الفقهاء

و الأصولیین المحقق الاقدم والاستاذ

الاعظم آخوند ملا محمد کاظم

خراسانی «اعلی الله مقامه العالی»، در

ماه شوال المکرم ۱۳۴۹ هجری قمری

برابر با اسفند ماه ۱۳۰۹ هجری شمسی

در مشهد مقدس در خاندان علم و

فقاہت و تقوا و فضیلت ولادت یافت.

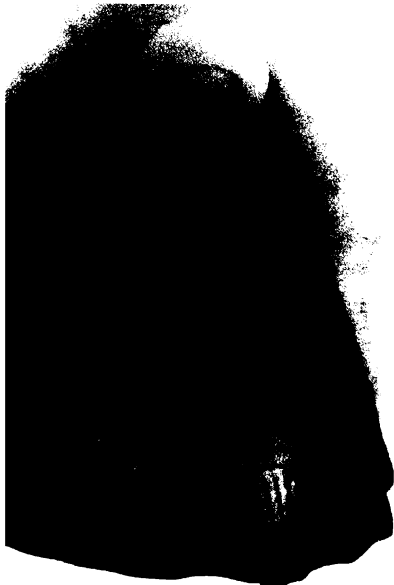
مادر وی کریمه خاندان شهیدی

خراسانی و نواده سید العلماء العاملين،

الشهید السعید سید محمد مهدی شهید

خراسانی است که این خاندان بیش از

دو قرن در خراسان به فقاہت و سیادت



آخوند ملا محمد کاظم خراسانی



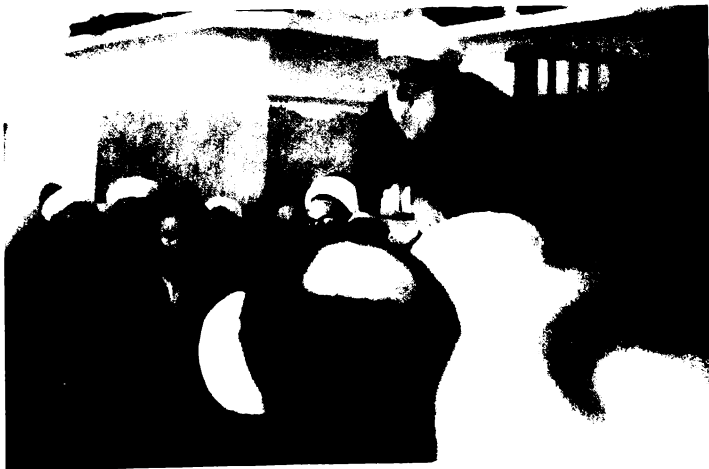
و فضل و ادب اشتها را داشته است.

مرحوم حاج میرزا علی کفائی خراسانی پس از فراغ از مقدمات، سطوح عالیّه را در نزد مدرس نامدار مرحوم آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی رحمته الله آموخت و از آن پس در درس خارج فقه والد معظم خویش شرکت جست. پس از چندی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و از محضر حضرت آیت الله سید ابوالقاسم خوئی و حضرت آیت الله میرزا حسن بجنوردی بهره برد. آنگاه به قم هجرت کرد. و در محضر علمی زعیم عالیقدر



میرزا احمد کفائی خراسانی

حضرت آیت الله سید حسین بروجردی «رفع الله مقامه الشریف» حضور یافت.



جلسه درس میرزا احمد کفائی خراسانی

او در نیمه راه زندگی، در سن ۵۵ سالگی، به علت کسالت ریوی، در شب جمعه اوّل / آذر ماه / ۱۳۶۴ هجری شمسی برابر با ربیع الاول / ۱۴۰۶ هجری قمری در شهر قم چشم از جهان فرو بست.

حدت ذهن و ذوق سرشار و بیان شیوا و رسا از ویژگیهای بارز او بود. ذوق ادبی را از اجداد مادری خود به ارث برده بود و در شعر طبعی توانا و دستی قوی داشت. قصیده و غزل را شیوا و شیرین می سرود. در قصیده از اساتید متقدم خراسان پیروی می کرد و در غزل به سبک عراقی گرایش داشت. او در شعر «صفا» تخلص می کرد. اینک نمونه ای از شعر او:

### زندگی

|                                        |                                    |
|----------------------------------------|------------------------------------|
| آب حیوان چند جویم از سراب زندگی        | چون نجستم عمر و گم کردم حساب زندگی |
| منت از آب بقا با همتم سازش نداشت       | تشنه جان دادن مرا خوشتر ز آب زندگی |
| موسم گل بی نصیب از فیض گلشن گشته ام    | طایر بشکسته بالم در شباب زندگی     |
| دفتر عمرم بجز غم، برگ خرسندی نداشت     | سریسر خواندم من اوراق کتاب زندگی   |
| همچون خضر تشنه لب سرگشته ماند هر که او | عمر جاویدان بجوید از سراب زندگی    |
| خواب شبرو کی گران باشد ز بیم محتسب     | چند باید سرگران بودن بخواب زندگی   |
| ساغر گیتی بجز غم نشئه دیگر نداشت       | می شود افزون خماری از شراب زندگی   |
| گوشه عزلت گرفتم تا بیاسایم (صفا)       | رهرو افسرده حالم در شتاب زندگی     |

### دکتر علی کنی تهرانی

(- ۱۳۹۵ ق)

دکتر علی فرزند عبدالله و نوه شیخ محمد فرزند آیت الله ملا علی کنی تهرانی، از اساتید برجسته دانشگاه تهران بود.

وی در تهران متولد شد.

### تحصیلات دانشگاهی

کنی پس از طی دوره‌های ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۱۲ ش از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در رشته ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیا گردید. و در همان سال به آمریکا رهسپار شد، و در آنجا پس از هفت سال تحصیل موفق به دریافت دکترای MA، و دکترا در فلسفه و تعلیم و تربیت و تشکیلات فرهنگی گشت.

وی پس از انجام تحصیلات به ایران بازگشت، و پس از خدمت سربازی وارد خدمات دولتی شد، و عهده‌دار مشاغل زیرگردید: دانشیار دانشگاه، ریاست اداره بازرسی وزارت فرهنگ، معاونت دانشسرای عالی، استادی دانشکده در رشته فلسفه و تشکیلات فرهنگی و زبان خارجه.

آن مرحوم امتیاز و مدیریت مجله «تربیت بدنی و پیشاهنگی» را بر عهده گرفت، و آنرا در سال ۱۳۳۷ ش در تهران منتشر ساخت.

### از آثار او

۱- ژاپن سومین دوره مسابقات آسیایی توکیو.

۲- سازمان فرهنگی ایران.

ایشان در روز شنبه ۲۵ / جمادی الثانی / ۱۳۹۵ ق مطابق با ۱۴ / تیر / ۱۳۵۴ ش درگذشت، و جسدش در یکی از حجرات غربی قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

### منابع

۱- فهرست مجله‌های موجود در کتابخانه ملی ایران ۸۳

۲- مؤلفین کتب چاپی ۳۵۳/۴.



## سید علی کوهکمری تبریزی

(- ۱۳۶۰ ق)

سید علی فرزند سید علینقی و نوه سید محمد حسینی کوهکمری تبریزی، از علما و فقهای بزرگ ساکن تبریز بود.

وی برادر زاده آیت الله فقیه گرانقدر سید حسین ترک کوهکمری (متوفای ۱۲۹۹ ق)، و پدر گرامی مرجع دوران، استاد الاساتید، آیت الله سید محمد حجت کوهکمری می باشد.

### تحصیلات در حوزه نجف اشرف

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح در تبریز، به نجف اشرف رهسپار شد، و از محضر آیات: ملا محمد فاضل ایروانی، و ملا محمد فاضل شریانی و میرزا حبیب الله رشتی کمال استفاده را نمود. او نزد سایر اساتید خود محترم و معزز بود، و از حضرات آیات: فاضل شریانی، شیخ زین العابدین مازندرانی، سید محمد بحر العلوم (صاحب بلغة الفقیه) و شیخ محمد حسن مامقانی اجازات علمی و روایی داشت.

### مراجعت به تبریز

آن مرحوم پس از انجام تحصیلات خود قبل از سال ۱۳۲۲ ق به تبریز مراجعت کرد، و به وظایف دینی از قبیل: اقامه جماعت، ارشاد، وعظ و هدایت مردم اشتغال ورزید.

### از آثار او

۱ - حاشیه علی الرسائل.

## ۲ - حاشیه علی المکاسب.

سرانجام در روز چهارشنبه ۲۹ / محرم / ۱۳۶۰ ق مطابق با ۷ / اسفند / ۱۳۱۹ ش در حدود سن ۸۰ سالگی در تبریز درگذشت، و جسدش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام ( در بین صحن جدید و صحن عتیق ) به خاک سپرده شد.

## منابع

- ۱ - آثار الحجة ۹۴/۱.
- ۲ - الاجازة الكبيرة ۱۰۹.
- ۳ - المسلسلات فی الاجازات ۴۲۵/۲.
- ۴ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۱۸۷.
- ۵ - ریحانة الأدب ۲۵/۴.
- ۶ - علماء معاصرین ۱۸۷.
- ۷ - گنجینه دانشمندان ۳۰۷/۱.
- ۸ - نقباء البشر ۱۴۹۴/۴.

## شیخ علی گنبدی «لطیفی»

(۱۲۸۷ - ۱۳۶۹ ق)

آیت الله حاج شیخ علی گنبدی همدانی، از مشاهیر علما و از مفاخر دانشمندان عصر خود، که در فقاہت بی بدیل و در زهد و تقوی بی نظیر بود. ایشان در نیمه اول / شعبان / ۱۲۸۷ ق در قریه (گنبد) از توابع همدان متولد شد. و در روز چهارشنبه ۴ / جمادی اول / ۱۳۶۹ قمری مطابق با ۳ / اسفند / ۱۳۲۸ ش به سن ۷۷ سالگی چشم از جهان فانی فرو بست، و با تشییع بی سابقه ای در منطقه غرب روبروی گردید، و در حالی که رحلت ایشان در اواخر زمستان و یخ بندان بود و سرتاسر زمین همدان و ملایر و اراک از برف پوشیده شده بود تشییع



شایانی شد، جنازه اش حمل به ارض اقدس قم، به امر مبارک حضرت آیت الله بروجردی، در شیخان جنب قبر شریف میرزای قمی و میرزا جواد ملکی تبریزی به خاک سپرده شد، و بر جنازه ایشان آیت الله بروجردی نماز خواندند، و در هنگام تلقین مرحوم بروجردی کنار قبر نشسته بودند، و در حالی که انبوه علماء و فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم در یمین و یسار معظم له گرد آمده بودند، حضرت آیت الله از دیدگان حق بین خود اشک می ریختند و گریه می کردند.

### تحصیلات علمی

ایشان از خانواده علم و تقوی و فضیلت بودند، و آباء و اجداد وی همه در سلک روحانیت بودند. پدر ایشان آخوند ملا محمد علی گنبدی از مشاهیر علمای آن سامان بوده، و مدفنش در قریه گنبد مزار مردم متدین است. کتب و ادبیات را در نزد پدر خود تکمیل و در سن ۱۸ سالگی به اصفهان عزیمت، و تحصیلات خود را در محضر آیات: آخوند ملا محمد کاشی و آقا شیخ محمد تقی اصفهانی (آقا نجفی) به پایان رسانیده.

وی پس از ۱۲ سال اقامت در اصفهان در سال ۱۳۱۷ ق به نجف اشرف عزیمت، و از محضر آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی کسب فیض و تلمذ نمودند، و به دریافت درجه اجتهاد نائل آمدند، و از مبرزترین فضلاء حوزه

درسی آخوند خراسانی به شمار می‌رفت، و از اساتید خود حاج شیخ محمد بهاری همدانی، و سید مرتضی کشمیری در اخلاق بهره‌های فراوانی تحصیل نمودند. ایشان در زهد و تقوا و ورع در عصر خود زبان زد خاص و عام بوده، و در همدان و ملایر و اطراف آن به کرامات مشهور شده و در ایران و همچنین در خارج از ایران به طور متفرق مقلدینی داشته‌اند.

### از آثار ایشان:

- ۱ - حاشیه بر تبصرة المتعلمین.
  - ۲ - تقریرات درس آخوند خراسانی در اصول.
  - ۳ - تقریرات یزدی در فقه.
  - ۴ - شرح مشکلات دیوان سید رضی.
  - ۵ - شرح حال خود.
  - ۶ - رساله عملیه حاشیه بر مجمع المسائل.
  - ۷ - کتابی در علم اخلاق و تهذیب نفس.
- ایشان در ادبیات ید طولائی داشته که از شرح دیوان سید رضی که به خط شیوای خود و نستعلیق و شکسته معلوم می‌شود، و در انواع خط آنچنان مهارت داشته و خط می‌نوشته‌اند که در این عصر از عتائق به شمار می‌رود.

### فرزندانش:

- ۱ - شیخ جلال (احمد) ساکن ملایر ۲ - شیخ کمال الدین (ساکن ازندریان از توابع ملایر) ۳ - شیخ عظیم الله (جمال الدین) ساکن ورامین ۴ - شیخ ناصرالدین لطیفی (متولد ۱۳۱۹ ش در گنبد) شاگرد شیخ نصرت الله بناوانی و میرزا علی مشکینی و سید محمد رضا گلپایگانی می‌باشند. دارای تالیفات به نام رمز سعادت یا معارفی از اسلام، الگوی حق پرستان، خاطرات آیت الله گنبدی (پدر خود) ساکن قم

- ۵- شیخ محمد جمال الدین ساکن تهران دارای تالیفات است ۶- شیخ جمیل ساکن قم ۷- آقا محمد ساکن گنبد ۸- شیخ مسعود ساکن قم ۹- مهندس نورالله ساکن تهران ۱۰- حسین لطیفی استاد دانشگاه تهران ۱۱- مرحوم شیخ بهاء الدین.

منابع

- ۱- الاجازة الكبيرة ۱۰۱.
- ۲- بزرگان و سخن سرایان همدان ۲۲۸/۲ و ۲۴۱.
- ۳- دایرة المعارف تشیع ۱۵/۱.
- ۴- گنجینه دانشمندان ۳۸۴/۷.
- ۵- هگمتانه تا همدان ۱۶۲.

## شیخ علی لاهیجی حائری

(۱۲۸۰ - ۱۳۴۶ ق)

حاج شیخ علی فرزند مهدی لاهیجی حائری، از دانشمندان برجسته و علما و متکلمین شایسته بود.

در سال ۱۲۸۰ ق در لاهیجان گیلان متولد شد.

### تحصیل در کربلای معلی

وی پس از آموختن مقدمات و طی دوره سطح به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و در کربلای مقدس از محضر آیات: سید محمد حسین شهرستانی، شیخ علی بفرولی یزدی، سید محمد حسن کشمیری، سید جعفر طباطبائی حائری و سید هاشم قزوینی استفاده نمود، و خود به تدریس و افاضه پرداخت، سپس به ایران مراجعت و در تهران اقامت گزید، و در «مسجد اتابک» اقامه جماعت نمود.

### آثار قلمی او

وی در معقول و کلام ید طولایی داشت، و آثاری ارزشمند در این رشته‌ها

نوشت، که به گسترش دامنه معلومات و دقت تحقیقات ایشان دلالت دارد، که از جمله آنها:

- ۱ - ارشاد المسلمین فی أحكام الدین.
- ۲ - رمز العرفان فی معرفة الحقوق.
- ۳ - مخزن الأشعار یا کنز المراثی.
- ۴ - مخزن الفوائد فی اصول العقائد (فارسی).

#### درگذشت

ایشان در روز جمعه ۱۴ / جمادی الثانی / ۱۳۴۶ ق مطابق با ۱۷ / آذر / ۱۳۰۶ ش در تهران درگذشت، و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، در جوار قبر علامه شیخ فضل الله نوری در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

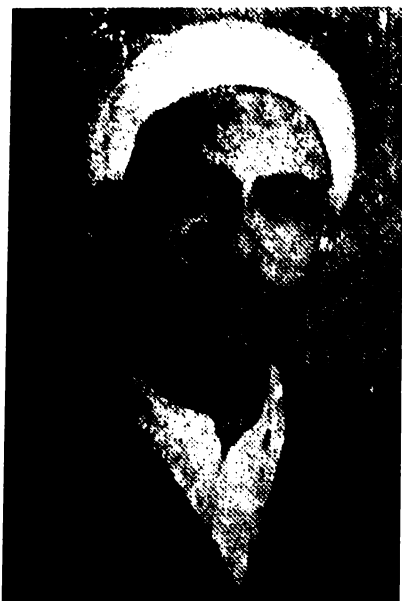
#### تألیفات

- ۱ - اعلام کربلاء (خطی خوشحالت).
- ۲ - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۲۷۶/۴.
- ۳ - مؤلفین کتب چاپی ۴۲۴/۴.
- ۴ - نقباء البشر ۱۵۴۵/۴.

### شیخ علی محدث زاده قمی

(۱۳۳۸ - ۱۳۹۶ ق)

حاج شیخ علی محدث زاده فرزند علامه و محدث متقی شیخ عباس و نوه محمد رضا قمی، از فضلا و خطبای معروف معاصر بود. وی در سال ۱۳۳۸ ق در قم دیده به جهان گشود. دوران کودکی اش را همراه پدر ارجمند خود در مشهد مقدس گذراند و اولیات



را همانجا آموخت. در سال ۱۳۵۰ ق نیز همراه پدر به نجف اشرف عزیمت کرد و سطوح را از محضر آیات: میرزا ابوالحسن مشکینی، سید صدرالدین جزائری، شیخ علی محمد بروجردی و سید حسن طباطبائی قمی و میرزا باقر زنجانى استفاده کرد و در سال ۱۳۶۰ ق به زادگاه خویش مراجعت نمود و سرانجام تهران را برگزید.

استاد شیخ محمد شریف رازی درباره سبک منبر ایشان می نویسد: (سبک منبر جناب محدث زاده همان سبک مرحوم والدش می باشد. از اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام خارج نمی شود. با بیانی ملیح نشر معارف اسلامی نموده و مردم را به سوی اهل بیت و رسالت علیهم السلام هدایت می نماید).

### از آثار او

- ۱ - اصحاب امام صادق علیه السلام.
- ۲ - زندگانی امام صادق علیه السلام، در چند جلد.
- ۳ - فوائد الرضویه (اثر پدر خود)، تحشیه و اهتمام.



شیخ عباس قمی



۴ - کلام الملوک (سخنان ائمه اطهار علیهم السلام).

محدث زاده در سحرگاه روز سه شنبه ۱۱ / محرم / ۱۳۹۶ ق مطابق با ۲۳ / دی / ۱۳۵۴ ش در سن ۵۸ سالگی بر اثر سکت قلبی در تهران عالم خاکی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و قبرستان شیخان مدفون گردید.

فرزندانش:

۱ - آقا حسین ۲ - آقا عباس ۳ - آقا کاظم ۴ - آقا حمید.

منابع

۱ - گنجینه دانشمندان ۳۹۷/۲.

۲ - معجم رجال الفكر والأدب فی النجف ۱۱۵۸/۳.

## شیخ علی محمد خرم آبادی «بروجردی»

(۱۳۲۲ - ۱۴۰۸ ق)

حاج شیخ علی محمد فرزند علامه شیخ محمد خرم آبادی بروجردی، از فضلا و بزرگان معاصر بود.

وی در سال ۱۳۲۲ ق در بروجرد متولد شد، و تا سن ۲۵ سالگی مقدمات و علوم ادبی را از والد ماجد خود، و سطوح فقه و اصول را از شیخ محمد ابراهیم مدرس و سید اسماعیل گلپایگانی فراگرفت، و سپس در محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی حاضر و حد اکثر استفاده را برد و ضمناً به شرف دامادی او مفتخر شد، و پس از فوت ایشان مدت ۹ سال در درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت و از ذخائر علمی وی بهره ور گردید. و پس از مهاجرت آیت الله بروجردی به قم، مدت ۱۵ سال در مدرسه علمیه نوریخش بروجرد به تدریس فقه و اصول و منطق و فلسفه مشغول، و جمعی از طلاب از او استفاضه می کردند. او پس از فوت پدر خویش در سال ۱۳۴۵ ش به تهران مهاجرت کرد و در



«یوسف آباد» ساکن و در مسجد «خلیل الرحمن» به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اسلام مشغول شد. در ضمن در مدرسه صدر جنب مسجد شاه تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال ورزید.

از آثار او: کتابی در اصول عقاید است.

خرم آبادی در روز پنجشنبه ۲۶ / ربیع الاول / ۱۴۰۸ ق مطابق با ۲۸ / آبان / ۱۳۶۶ ش در سن ۸۶ سالگی درگذشت و در قبرستان حاج شیخ قم - مقبره آیت الله غروی بروجردی، ابوالزوجه خود - مدفون شد.

فرزندانش:

۱ - آقا هادی ۲ - آقا مهدی. و یک دختر.

منبع

۱ - تاریخ بروجرد ۵۷۵/۲.

## سید علی محمد مجد قزوینی

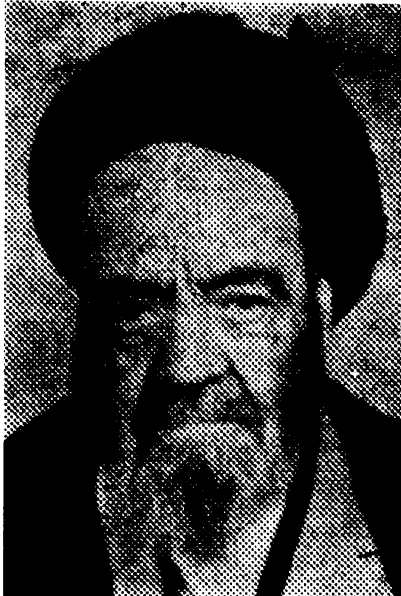
(۱۳۲۴ - ۱۴۰۹ ق)

حاج سید علی محمد فرزند حجة الاسلام سید رجب مجدالعلما و نوه سید عبدالعزیز حسینی خرقانی قزوینی، ملقب به «مجد» از دانشمندان معاصر تهران بود.

وی در ۱۸ / صفر / ۱۳۲۴ ق در خرقان - قزوین - تولد یافت.

مقدمات و ادبیات را در قزوین آموخت، سپس به قم مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری و سید صدرالدین صدر استفاده نمود.

آنگاه در سال ۱۳۶۴ ق به تهران رهسپار شد و در مسجد «همت العظیم» واقع



در خیابان دخانیات به اقامه جماعت و هدایت اهتمام ورزید.

مجد قزوینی، در ۱۸ / ربیع الاول / ۱۴۰۹ ق در سن ۸۵ سالگی زندگی را وداع گفت. پیکرش در قبرستان ابو حنین قم مدفون گردید. آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، داماد ایشان است.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۳۵۰/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۳۰۰ و ۵۰۸.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۵۵۸/۴.

## شیخ علی محمد موحد قمی

(۱۳۲۲-۱۴۰۲ ق)

حاج شیخ علی محمد فرزند اسدالله موحد قمی، از فضلا و مبلغان راستین مذهب بود.

وی در سال ۱۳۲۲ ق در قم دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از سپری کردن مقدمات و سطح، دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، میرزا محمد فیض قمی، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد، و خود به تدریس ادبیات و متون کتب درسی پرداخت.

موحد قمی از طرف آیت الله بروجردی ابتدا به آباده شیراز و سپس به چالوس و سرانجام در سال ۱۳۷۰ ق به مسجد سلیمان رفت، مسجد بزرگی به همت مردم و

نظارت خود در مسجد سلیمان بنا نمود. سپس به قم بازگشت و در یکی از مساجد به اقامه جماعت و ارشاد و نیز شرکت در درس آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی اهتمام ورزید.

نامبرده در روز ۲۱ / جمادی ثانی / ۱۴۰۲ ق در سن ۸۰ سالگی در قم درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۳۵۰/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۷۱.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۲۷۴/۲.

### علی مخصوص «کاتب الخاقان»

(۱۲۹۸ - ۱۳۸۰ ق)

علی مخصوص ملقب به «کاتب الخاقان» فرزند میرزا حسین مستوفی (کاتب السلطان)، از خوشنویسان و دانشمندان معروف بود.

او در سال ۱۲۹۸ ق مطابق با ۱۲۵۹ ش در تهران تولد یافت.

وی در اوایل جوانی به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و در رشته ادبیات فارسی و عربی اطلاعات کافی به دست آورد، و بنابر سیره خانوادگی به حسن خط نیز علاقه زیاد نشان می داد، و این هنر را از پدرش فراگرفت و آن را به کمال رساند. مخصوص، مردی دانشمند بود و گنجینه ای از معلومات گوناگون محسوب می شد، و در تقوی و حسن خلق و اصابت رأی فردی شاخص بود. او ظرف مدت پنجاه و دو سال خدمت فرهنگی خود شاگردانی را تربیت کرد و به یادگار گذاشت.

#### از آثار او

۱ - الدرر المنثورة فی شرح العوامل المنظومة.

۲ - دریچه اخلاق یا مقاله خصوص.

۳ - دیباجه اخلاق.

۴ - سراج اخلاق.

۵ - فلسفه مخصوص.

استاد مخصوص در روز سه شنبه غره / رجب / ۱۳۸۰ ق مطابق با ۲۹ / آذر / ۱۳۳۹ ش در سن ۸۳ سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

❦ منابع

۱ - تذکره خوشنویسان معاصر ۱۰/۱ (تولدش را اشتباه ذکر نموده است).

۲ - مؤلفین کتب چاپی ۳۹۴/۴.

## علی منظوری حقیقی تفرشی

(۱۳۰۳ - ۱۳۶۹ ق)

علی فرزند شاه اویس منظوری حقیقی تفرشی، از اساتید به نام خوشنویسی و هنر به شمار می‌رفت.

وی در سال ۱۳۰۳ ق مطابق با ۱۲۶۴ ش در تفرش واقع در استان مرکزی متولد گردید.

شور و عشق خوشنویسی و استعداد و پشتکار این استاد از همان اوان صباوت و دوران گذراندن مکتب، مشهور خاص و عام بود. تا جایی که از بین همگان فقط ایشان مورد توجه و لطف فراوان میرزا سید حسین خوشنویس تفرشی واقع گردید. دیری نگذشت که آوازه حسن خط و مهارت ایشان در نوشتن خطوط جلی و خفی به اطراف و اکناف پیچید و به همین مناسبت سالها در منزل بزرگان و اعیان و همچنین مدارس دولتی و ملی تفرش، اراک، نجف آباد اصفهان، شهریار، ایوانکی و دماوند به تعلیم خصوصی و عمومی کودکان و نوجوانان همت گماشت و بعدها در

تهران به شغل کتابت و قطعه‌نویسی و نگاشتن فرامین مشغول گردید.

سرانجام سرنوشت او را به مجلس شورای ملی کشانید و مقارن تشکیل دوره چهارم مجلس (در سال ۱۳۰۰ ش) به عنوان خوشنویس در اداره تقنینیه (قانونگذاری) مجلس، رسماً استخدام گردید. در مجلس کارش این بود که قوانین مصوبه مجلس را با خط بسیار زیبای خود بنویسد و همین امر سبب شد تا به محضر مرحوم میرزا محمد حسین سیفی (عماد الکتاب) - که در آن هنگام در دربار سمت فرمان نگاری داشت - راه یابد و طوری مورد توجه و مکرمات استاد قرار گیرد که ظرف دو سال از ذخایر هنری او بهره گیرد و به تکمیل خط و هنر خویش موفق شود. در نتیجه او توانست شیوه خط خود را که ابتدا به سبک خط میرزا غلامرضا اصفهانی (کتیبه نویس) می‌نوشت، به شیوه خط میرزا محمد رضا کلهر برگرداند.

مرحوم منظوری علاوه بر هنر خوشنویسی از فضل و کمال هم سرشار و خطی وافر داشت، چنانکه ذوق ادبی و مشرب عرفانی‌اش در اولین برخورد نمایان و محسوس بود. در ادبیات پارسی رنج فراوان برد و در علوم قدیم و غریبه و منشآت و ادبیات عرب کار کرده، اشعار نیز می‌سرود و با بیشتر علمای ذوفنون حشر و نشر داشت و کاملاً مأنوس بود. در محفل ادبی و عرفانی ادبا و عرفا شرکت می‌نمود و رسماً در سلسله فقر پیوسته بود. قلبش آئینه صفای باطن و قناعت نفس و مظهر اخلاق نیک و سجایای معنوی بود. در هر مجلسی با سخنان شیرین و نغز و کلمات رنگین حاضران در مجلس را محظوظ و مسرور می‌نمود، و غبار ملالت و کدورت را از صفحه تلخ زندگی آنان می‌زدود.

آثاری که به خط او یادگار مانده، از این قرار است:

- ۱ - بوستان، اثر سعدی.
- ۲ - چند لوحه زیارتنامه در حرم مطهر امام رضا علیه السلام.
- ۳ - رباعیات، از خیام.

۴ - رساله صفوت، اثر میرزا حسن صفی علیشاه.

۵ - رسم المشق.

۶ - سیاه مشق‌ها.

۷ - گلستان، اثر سعدی.

۸ - لیلی و مجنون، اثر طبع نظامی.

۹ - ملخص خمسه، اثر نظامی.

۱۰ - منتخب تفسیر منظوم صفی علیشاه.

این استاد نامی سرانجام در شعبان / ۱۳۶۹ ق مطابق با خرداد / ۱۳۲۹ ش در سن ۶۷ سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - احوال و آثار خوشنویسان ۴۸۰/۲.

۲ - تذکره خوشنویسان معاصر ۱۰۵/۱.

۳ - دایرة المعارف تشیع ۴۶۷/۴.

۴ - گلزار معانی.

۵ - نامداران اراک ۶۴.

## سید علی مولانا تبریزی

(۱۳۲۰ - ۱۳۹۲ ق)

حاج سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیت الله سید محمد آقا مولانا رحمته الله علیه که سلسله نسب‌شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می‌رسد.

معظم‌له در شب شانزدهم / ربیع‌الاول / سال ۱۳۲۰ هجری قمری در بلده طیبه نجف اشرف (ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) دیده به جهان گشود.

در سن کودکی به تبریز رفت و در مدرسه فیوضات تبریز جهت آغاز تحصیل

وارد شد. تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداول و سطوح را نزد پدرش و میرزا محمود دوزدوزانی (کفایه) فراگرفت. در سال ۱۳۴۱ ق جهت ادامه تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم گشت و از محضر اساتید عالیقدر، حضرات آیات: ۱- شیخ احمد کاشف الغطاء ۲- سید محمد حجت کوهکمری، موقع اقامت معظم له در نجف ۳- شیخ محمد حسین کاشف الغطاء ۴- شیخ ضیاءالدین عراقی ۵- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی ۶- سید ابوالحسن اصفهانی، استفاده وافر نمودند. معظم له در سال ۱۳۴۶ ق به وطن خود تبریز مراجعت نمود، و از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال نمود.

### تألیفات

- ۱- آثار المعاصی - در بیان آثار دنیوی گناهان.
- ۲- البرکات، اخباری که حکم برکات در آنها ذکر شده است.
- ۳- الفروق بین المرء والمرءه فی الاحکام، بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.
- ۴- الملاحم، در پیشگویی های حضرات معصومین علیهم السلام.
- ۵- دُرّ منظوم، در حالات پنج تن آل عبا علیهم السلام، دو جزوه.
- ۶- تعدیل المیزان، بیان اوزان و اندازه های معمول.
- ۷- چهل حدیث، احادیث و بحث اجمالی در امامت.
- ۸- حج نامه، (منظوم - در اعمال حج و سفرنامه).
- ۹- حکایت المعصومین علیهم السلام.
- ۱۰- خدا نه طبیعت، (منظوم - در اثبات صانع).
- ۱۱- سیره حسنه، ذکر فواید در موضوعات مختلفه.
- ۱۲- شرط و جزاء، بیان احادیث وارده در نتیجه بعضی اعمال.

۱۳ - صحت و سعادت، اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.

۱۴ - کیف اصباح، اخبار و احادیث.

۱۵ - لطائف الاخبار - برگزیده اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم السلام.

۱۶ - مرآة الحج، بیان احکام و مناسک حج.

۱۷ - نصایح المعصومین، اندرزهای

منتخبه از حضرات معصومین علیهم السلام.

۱۸ - منجزات مریض (تقریرات

درس آیت الله حجت).

از نکات مورد توجه در رابطه با

تألیف کتابها توسط ایشان، این است که:

حضرت ایشان علی رغم کهولت سن و

کثرت مشاغل اجتماعی، با جدیت

اهتمام بسیار زیادی تا اواخر عمر

شریفشان به کار تألیف و تدوین کتاب و

تحقیق و مطالعه در مسائل مختلفه

علمی و فقهی مشغول و لحظه ای از این

امر در طول زندگانی پر برکت خویش غافل نگشتند.



سید ابوالقاسم مولانا تبریزی

## وفات

روز چهارشنبه ۲۲ / شوال / ۱۳۹۲ ق برابر با ۸ / آذر / ۱۳۵۱ ش در سن ۷۲

سالگی در تهران «در حین معالجه» داعی حق را لبیک گفت. و پیکرش در یکی از

اطاقهای قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب

عرش گفتا آن زمان یا لیتنی کنت تراب

آفتاب دین غرا کرد از عالم افول

چون تراب شد آرامگاه و مضجعش



### عشق به خدا و قرآن

بزرگ‌ترین ویژگی اخلاقی مرحوم آیت‌الله مولانا حُبّ الهی او بود. او مانند واصلان راه کمال وجودش لبریز از عشق به حضرت احدیت بود. تجلی این عشق الهی را ما در آثار او به خوبی می‌بینیم.

هر کس که به مقدمه کتابهای او رجوع کند، مشاهده می‌کند که او با نام خدا و مناجات او سخن را آغاز می‌نماید. در بسیاری از موارد هم با نیایش‌های معصومین علیهم‌السلام سخن را آغاز می‌کند.

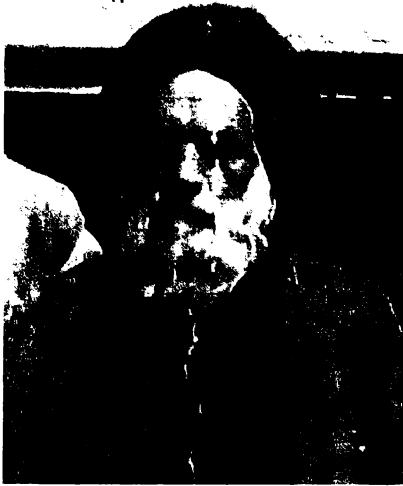
|                               |                               |
|-------------------------------|-------------------------------|
| بنام پاک یزدان می‌کنم باز     | در صندوق طبعم را در آغاز      |
| سپاس بی‌عدد مر آن خدا را      | زمین و آسمان را اوست دارا     |
| به هر چیزی قدیر است و تواناست | به هر سرّی نهان آگاه و داناست |
| درود بی‌عدد بر آن کسی باد     | جهان علم بما او گشت آباد      |
| به دامادش علی میر هدایت       | سلام بی‌شمار و بی‌نهایت       |
| سلام از ما به هر یک از امامان | اولو الامر و خداوندان فرمان   |
| سموات و زمین تا هست قائم      | به دشمن‌های ایشان لعن دائم    |
| خدایا گر نباشد از تو یاری     | رسد از ما بما هر گونه خواری   |
| زما سعی و هدایت از تو باشد    | عمل از ما، عنایت از تو باشد   |
| نبودی از تو یا رب گر عنایت    | میسر کی شدی ما را هدایت       |
| فرستادی زلفت انبیا را         | معین بر خلافت اوصیا را        |
| نشان دادی طریق و راه جنت      | به این نعمت خدایا از تو منت   |
| کرامت کن بما توفیق تقوی       | عنایت کن بما امید و پروا      |

فرزندانش:

۱ - سید ابوالحسن ۲ - سید ابوالقاسم ۳ - سید ابوالفضل و دو دختر.

## سید علی مهدوی قائینی

(ح ۱۳۱۴ - ۱۳۸۴ ق)



سید علی فرزند سید حسین حسینی مهدوی قائینی، از علمای برجسته قائن بود. نیاکانش غالباً از علما و بزرگان قائن بودند و در آن سامان آثار و خدمات و نیز حکومت مردمی داشتند. تولدش در حدود سال ۱۳۱۴ ق در قائن اتفاق افتاد.

وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری

یزدی استفاده نمود. آنگاه به نجف اشرف رفت و محضر آیتین علمین: شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی را درک نمود و از دانش سرشار آنان بهره‌مند گردید. سپس به زادگاهش بازگشت و به تدریس فقه و اصول و گفتن تفسیر قرآن مجید و پرورش طلاب علوم دینی در مدرسه جعفریه و اقامه نماز جماعت در مسجد جامع قائن پرداخت. منزلش نیز پایگاهی و پناهگاهی برای ارباب حوایج و نیازمندان بود. از جمله قضایای مهم زندگانش که قابل ثبت است، این قضیه است: در سالی از سالها قحطی منطقه را فراگرفت و مردم از همه علما تقاضای نماز باران خواندن نمودند ولی سایر آقایان امتناع کردند. از مرحوم مهدوی که تقاضا شد باکمال رغبت پذیرفتند و مردم را برای ادای این فریضه آماده ساختند. سپس به خارج شهر رفتند و نماز استسقا را به جای آوردند. در هنگام برگشت و در وسط راه باران نازل می‌شود و مدت زیادی ادامه پیدا می‌کند.

علامه مهدوی سرانجام در اثر سرطان گلو جهت معالجه به تهران رفت و آنجا در روز پنجشنبه ۱۷ / جمادی الاول / ۱۳۸۴ ق مطابق با ۲ / مهر / ۱۳۴۳ ش درگذشت و پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم به شماره (۳۳۲۱۸) مدفون گردید.

#### فرزندان:

۱ - سید حسین (رضا)، که فعلاً دانشجو می باشد ۲ - سید محمد، کارمند مخابرات مشهد مقدس ۳ - سید محمد جعفر، که دبیر است ۴ - حجة الاسلام سید علی، از طلاب کوشای حوزه علمیه قم می باشد و به خاطر این که تولدش بعد از رحلت پدر خود بود نامش را علی گذاشتند.

#### منابع

- ۱ - افادات دانشمند معظم استاد محترم حوزه جعفریه آقای سید حسین حائری (دام ظلّه).
- ۲ - افادات فرزندش سید علی مهدوی.

### شیخ علی میرزا جابلقی

(ح ۱۳۲۳ - ۱۳۸۳ ق)

شیخ علی میرزا فرزند نوروز علی رضوانی جابلقی اراکی، از فضلا بود. وی در حدود سال ۱۳۲۳ ق در روستای «گاوار» جابلق، دیده به جهان گشود.

پس از رشد و نما و تعلم مبادی، به قم رفت و سطح را به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید



حسین طباطبایی بروجردی استفاده نمود. وی به فضل و فضیلت معروف بود. نامبرده در ۲۰ / محرم / ۱۳۸۳ ق در حدود سن ۶۰ سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

❦ منبع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## میرزا علی ناسوتی یزدی

(۱۳۱۶ - ۱۳۹۲ ق)

میرزا علی ناسوتی فرزند محمد حسن یزدی، و خواهرزاده حکیم الهی میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» است.

ناسوتی در سال ۱۳۱۶ ق در قم تولد یافت.

وی مقدمات و سطوح را نزد: غلامحسین یزدی، سید محمد هاشم ذاکر، فخرالدین فرزند صادق علوی، شیخ ابوالقاسم نحوی، شیخ محمد حسین علامه اردستانی و دائی خود حکمی آموخت.

او در سال ۱۳۳۷ ق به مشهد مقدس رفت، و بخشی دیگر از ادبیات را نزد شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را نزد شیخ محمد آقا زاده خراسانی و سید حسین طباطبائی قمی، و حکمت و فلسفه را نزد: شیخ محمد علی فاضل خراسانی، سید آقا مروج خراسانی، و شیخ اسدالله یزدی تلمذ نمود.

ناسوتی در سال ۱۳۴۲ ق به قم بازگشت و از محضر سید فخرالدین قمی (شیخ الاسلام)، میرزا مهدی حکمی «پائین شهری» و دائی خود استفاده نمود، و خود اقدام به تدریس کتابهای حکمت و فلسفه در مدرسه رضویه پرداخت.

از آثار او: شرح عقاید شیخ بهائی (چاپ شده است).

نامبرده پس از سالهای متمادی و رنج بردن از فلج شدن بدن خویش و صبر و شکیبائی سرانجام در روز چهارشنبه ۱۲ / ذی الحجه / ۱۳۹۲ ق مطابق با ۲۷ / دی / ۱۳۵۱ ش در قم بدرود حیات گفت و در ابتدای قبرستان ابو حنین به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - آینه دانشوران ۹۵.

۲ - تذکرة الحکما (از مدرس گیلانی - خطی).

## شیخ علی نحوی رامسری

( - ح ۱۳۲۰ ق )

ملا علی فرزند عبدالرزاق و نوه محمد قاسم نحوی. وی در رامسر متولد گردید، و مقدمات را در مدارس علمیه آن شهر فراگرفت سپس عازم نجف اشرف شد، و در آنجا مدارج عالییه را طی نمود، و به موطن خود بازگشت.

در رامسر در مدرسه آخوند محله و در مدرسه میدان به تدریس اشتغال داشت. اکثر مراجعات را بدو مراجعه می کردند، او در نهایت احتیاط حکم را صادر می نمود. گاهی در مقابل این گونه زحمات هدیه ای به او می دادند، اما نامبرده امتناع می نمود و از کشاورزی ارتزاق می کرد.

وی اوقات فراغت را به عبادت می گذرانید، و هفت سفر پیاده به زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام به کربلا مشرف گردید، که در سفر آخر در همان راه وفات کرد.

در یکی از سالها سیل عظیمی محلات مجاور رودخانه «صفارود» را تهدید به خرابی می کرد، و نامبرده در کنار رودخانه مقداری از تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام زیر خاک قرارداد. بلافاصله، سیل مسیر خود را تغییر داد و ابداً آسیبی به آن محلها

نرسید، و تاکنون هم «لات محله» مجاور رودخانه صفارود واقع شده، چندین بار سیل آمده و از خطر مصون بوده است.

وی حدود سال ۱۳۲۰ ق به قصد زیارت کربلا، حرکت کرده، در نزدیکی شهر قم وفات کرد، و جنازه اش را به قم حمل و به خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

از او سه پسر به نامهای: ۱- شیخ محمد حسن ۲- آقا محمد ۳- آقا کریم، باقی مانده بود.

❦ منبع

۱- بزرگان رامسر ۹۷.

### میرزا علی نور محمدی تهرانی

(۱۳۲۸-۱۴۰۷ ق)



حاج شیخ علی نور محمدی  
تهرانی، از علمای تهران بود.

متولد ۲۸ / رمضان / ۱۳۲۸ ق در  
«حصار بو علی» نیاوران تهران پس از  
طی دوران کودکی مدتی در (مدرسه  
نیاوران) به تحصیل پرداخت، و در  
ضمن دوره متوسطه را پشت سر گذاشت  
و در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت کرد، و  
سطوح را نزد آیات: ملا علی همدانی،  
شیخ عباسعلی شاهرودی، و میرزا  
محمد همدانی تلمذ کرد.

و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، و میرزا محمد فیض قمی استفاده نمود و در سال ۱۳۶۶ ق به تهران بازگشت، و سه سال در زادگاه خود به نشر معارف و اقامه جماعت اشتغال ورزید. سپس (مسجد انصار) را در «چهارراه صفی علیشاه» با همت و مساعیت اهل محل احداث نمود، و به خدمات دینی و ترویج مذهب پرداخت. وی به محامد آداب و ملکات فاضله اخلاقی معروف و به دانش و دیانت موصوف است.

او در روز جمعه ۲ / جمادی ثانی / ۱۴۰۸ ق مطابق با ۲ / بهمن / ۱۳۶۶ ش در تهران درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - آثار الحجة ۲/۲۶۰.

۲ - گنجینه دانشمندان ۴/۵۸۶.

## میرزا علی هاشمی سنجانی «اراکي»

(۱۳۲۹ - ۱۴۰۱ ق)

هاشمی، در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در اراک به دنیا آمد.

وی پس از طی دوران کودکی و گذراندن تحصیلات ابتدائی، ابتدا در حوزه درس مرحوم ملا عبدالحمید و دیگر اساتید در اراک تحصیل کرد، و درس اصول و فقه را در محضر: آیت الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت الله سید حسن فرید محسنی تلمذ نمود. سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد حجت کوهکمری شرکت و بهره‌های فراوانی برد، و پس از فوت علمین در جلسه بحث آیت الله سید روح الله

خمینی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی شرکت نمود.

بنا بر اظهارات استاد شیخ محمد کاشفی: میرزا علی سنجانی، ابتدا در اراک مشغول خدمات دینی از قبیل وعظ و ارشاد بود و پس از انتقال آیت‌الله فرید محسنی به قم، هاشمی نیز به قم آمد و مشغول تحصیل و تبلیغ شد و در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و غالباً بعد از نماز جماعت آیت‌الله شیخ مرتضی حائری مشغول وعظ و ارشاد می‌شد. وی نیز مورد توجه آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی بوده است.

ایشان پس از انقلاب به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب و راهی تهران شد. و در حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری در روز یکشنبه ۲۵ / شعبان / ۱۴۰۱ ق مطابق با ۷ / تیر / ۱۳۶۰ ش همراه با سایر نمایندگان مجلس در تهران به ملکوت اعلا پیوست و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

## میرزا علی هسته‌ای اصفهانی «واعظ»

(ح ۱۲۹۵ - ۱۳۸۷ ق)

حاج میرزا علی فرزند علامه شیخ محمد رضا هسته‌ای اصفهانی، از وعظ برجسته و سخنوران شایسته بود.

او در حدود سال ۱۲۹۵ قمری در اصفهان متولد گردید.

جدّ اعلاّی ایشان شیخ زین‌الدین علی فرزند عین‌علی خوانساری از فقها و زهاد قرن دوازدهم قمری بود، و در اصفهان نماز جمعه برپا می‌نمود. [طبقات اعلام الشیعه، قرن دوازدهم، ص ۲۹۶].

## تحصیل و سخنوری

میرزا علی پس از انجام تحصیل مقدمات و سطوح، به نجف اشرف عزیمت



نمود و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در حدود سال ۱۳۲۵ ق به اصفهان مراجعت کرد و مدت کوتاهی به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. سپس به تهران منتقل و سالهای آخر عمر آیت الله شیخ فضل الله نوری را درک و از اصحاب خاص وی گردید، و پس از شهادت آن بزرگوار به اصفهان بازگشت و تا آخر عمر در حال انتقال بین تهران و اصفهان بود.

استاد شیخ محمد رازی درباره مهارت و قدرت ایشان در سخنوری می نویسد: «وی به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه منبر و ایراد مواعظ پرداخته و الحق واعظی شیرین بیان و گوینده ای طلیق اللسان بوده، و از گویندگان واجد مقام اجتهاد و فقاہت بود و در مجالس خوش محاوره و ظریف و حاضر جواب بود. در عصر مرحوم آیت الله حائری یزدی در قم مانده و منبر می رفت، و عموم مراجع و علما برای استفاده از بیاناتش شرکت می کردند».

### از آثار او

شرح اعتقادات مجلسی، که آن را در سال ۱۳۳۹ ق در تهران به چاپ رسانید.

### درگذشت و اعقاب

وی در شب دوشنبه ۱۶ / ربیع ثانی / ۱۳۸۷ ق مطابق با دوم / مرداد / ۱۳۴۶ ش به سن حدود ۹۲ سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت، و پیکرش در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

فرزندش جناب حجة الاسلام واعظ عالی مقام میرزا مهدی هسته ای می باشد و فرزند دیگرش آقا کمال زین الدین، متخلص به (کمال). تولدش به سال ۱۳۴۰ ق در اصفهان رخ داد و به روزنامه نگاری روی آورد، محل سکونتش تهران است. جهت

تفصیلات بیشتر به چهره مطبوعات معاصر ص ۱۵۶ و فرهنگ شاعران پارسی زبان ص ۴۷۶ رجوع شود.

منابع

- ۱ - فرزندگان خوانسار ۶۱
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۴۲۶/۲
- ۳ - معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف ۱/۱۴۴
- ۴ - مؤلفین کتب چاپی ۴/۴۴۲

## عمادالدین دولتشاهی «کرمانشاهی»

( - ۱۴۱۲ ق )

عمادالدین فرزند حسنعلی میرزا کرمانشاهی معروف به «دولتشاهی» از نویسندگان و مورخان معاصر و صاحب تحقیقات در زمینه‌های اوستایی و کردی و کارمند بازنشسته وزارت دارایی بود که در سالهای آخر عمر نزد فرزندانش در خارج ایران به سر می‌برد.

### از آثار او

جغرافیای عرب ایران یا کوههای ناشناخته اوستا.  
او روزنامه «گنجون» را در سال ۱۳۳۰ ش در کرمانشاه تأسیس و منتشر ساخت.  
ایشان در روز سه شنبه ۲۸ / ربیع الاول / ۱۴۱۲ ق مطابق با ۱۶ / مهر / ۱۳۷۰ ش در خارج ایران درگذشت و جنازه‌اش به ایران حمل و در کنار تربت پدرش در قبرستان حاج شیخ به کد (۲۵۴۵۶) در قم به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱ - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان ۱/۳۴۲ و ۴۳۵
- ۲ - فهرست روزنامه‌های فارسی ۱۸۱.

## شیخ عیسی خوشنویس حائری

(۱۳۰۱-۱۴۱۱ ق)

حاج شیخ عیسی فرزند شیخ محمد علی و نوه علامه شیخ محمد مهدی بن محمد صالح حائری (آل صالح)، معروف به «خوشنویس» از فضایل کربلا بود. او در سال ۱۳۰۱ ق مطابق با ۱۲۶۲ ش در کربلا متولد گردید. پس از طی مقدمات سطوح را نزد شیخ جعفر رشتی و خارج را از محضر آیات: میرزا مهدی شیرازی و سید حسین طباطبائی قمی استفاده نمود، سپس چند سالی به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن طباطبائی حکیم بهره‌مند گردید، و به کربلا بازگشت و به ارشاد مردم پرداخت. وی در پی فشارهای دولت عراق در حدود سال ۱۳۹۱ ق به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت اختیار نمود و در اثر کهولت سن در منزل بستری بود. نامبرده علاوه بر فضیلت دینی در طب یونانی و خوشنویسی نیز مهارت داشت. شیخ عیسی در ساعت ۵ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۶ / فروردین / ۱۳۷۰ ش مطابق با ۹ / رمضان / ۱۴۱۱ ق در سن ۱۱۰ سالگی در قم درگذشت، و در عصر روز جمعه در بهشت معصومه مدفون گردید.

## شیخ عیسی لواسانی تهرانی

(۱۲۷۷-۱۳۶۴ ق)

حاج شیخ عیسی فرزند علامه شیخ شکرالله و نوه ملا لطف‌الله لواسانی تهرانی، از علمای زاهد و متقی بود.

او به سال ۱۲۷۷ ق در تهران متولد گردید.

در حوزه‌های تهران و نجف اشرف

ایشان پس از طی مقدمات، از محضر پدرش و میرزا محمد حسن آشتیانی

استفاده کرد. و در صفر ۱۳۱۲ ق به نجف اشرف رهسپار شد، و از محضر آیات: شیخ محمد طه نجف تبریزی، سید محمد بحر العلوم (صاحب بلغة الفقیه)، میرزا حسین خلیلی تهرانی، ملا محمد کاظم خراسانی، سید اسماعیل صدر و شیخ الشریعة اصفهانی بهره‌مند گردید، و بیشترین استفاده را از حضرات: خلیلی و شیخ الشریعه برد.

### مراجعت به تهران

نامبرده در سال ۱۳۲۲ ق به تهران مراجعت کرد، و به اقامه جماعت (در مسجد لواسانی) و تدریس مدرسه عالی سپهسالار و وعظ و ارشاد اشتغال نمود. ایشان در زهد و تقوا و اعراض از دنیا زبان زد همگان، و یکی از اوتاد بود.

### از آثار او

- ۱- الشیخ و الشیخة فی أحكامهما.
- ۲- أنیس العارفین.
- ۳- تحفة الأحباب.
- ۴- جلاء الأبصار فی آداب الأدعية و الأذکار.
- ۵- چند دفتر ثبت معاملات، که در کتابخانه آستانه قم نگهداری می‌شوند.
- ۶- میزان الاخوة، فی العشرة مع الاخوان.

### درگذشت و اعقاب

ایشان در روز چهارشنبه ۲ / صفر / ۱۳۶۴ ق مطابق با ۲۷ / دی / ۱۳۲۳ ش به سن ۸۷ سالگی در تهران درگذشت، و جنازه‌اش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام در کنار تربت آیت الله حائری یزدی به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

۱ - علامه شیخ حسن لواسانی ۲ - آیت الله شیخ محمد علی لواسانی، متولد ۱۲۹۸ ق در تهران، که شرح حالش در تاریخ مدرسه عالی سپهسالار ص ۱۶۸ آمده است.

## منابع

- ۱ - الاجازة الكبيرة ۱۱۹.
- ۲ - المسلسلات فی الاجازات ۳۴۱.
- ۳ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، ۲۲ و ۲۳ و ۵۱ و ۲۳۴.
- ۴ - مکارم الآثار ۶/۲۱۵۹.
- ۵ - مؤلفین کتب چاپی ۴/۶۵۰.
- ۶ - نقباء البشر ۴/۱۶۴۳.



غ

## شیخ غلامحسن صالحی کشمیری

(۱۳۳۲ - ۱۴۲۶ ق)

شیخ غلامحسن فرزند موسی بیگ (حسین) و نوه جاسم بیگ کشمیری، ملقب به «صالحی» از فضلا و خدمتگزاران مذهب علوی و از مدرسان حوزه علمی نجف اشرف بود.

او در قریه «اللونگ» گارگیل کشمیر در سال ۱۳۳۲ ق متولد گردید. وی مقدمات را در زادگاهش آموخت. و در سن ۲۳ سالگی به نجف اشرف مهاجرت کرد، و سطوح را نزد: شیخ عبدالحسین رشتی، شمس تبریزی، و طبرسی به انجام رساند و خارج را از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید حسین حمامی، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، سید روح الله خمینی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود.

وی عضو هیأت متحنین طلاب علوم دینی کارگیل و بلتستانی های مقیم نجف اشرف از طرف آیت الله بروجرودی بود.

صالحی در سال ۱۳۹۳ ق از عراق به گارگیل رفت و به تبلیغ و ترویج مذهب پرداخت و سخنرانیهای مؤثری ایراد می نمود و پس از پنج سال اقامت در آن دیار، در

سال ۱۴۰۰ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در پی بیماری در منزل بستری گردید. از آثار قلمی اش می توان به: تقریرات اساتید خود اشاره کرد که تاکنون به طبع نرسیده اند.

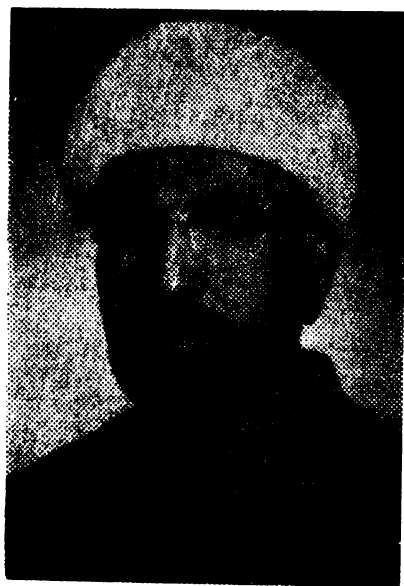
سرانجام پس از تحمل سالها رنج و شکنجائی در بامداد روز پنجشنبه ۹ / محرم ۱۴۱۶ ق مطابق با ۱۸ / خرداد / ۱۳۷۴ ش در سن ۸۴ سالگی در قم درگذشت و پیکرش عصر همان روز تشییع و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

❦ منع

۱ - اظهارات فرزند آن مرحوم.

## شیخ غلامحسین آل آقا کرمانشاهی «معمد العلما»

(ح ۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ ق)



حاج شیخ غلامحسین فرزند حجة الاسلام شیخ محمد کریم و نوه علامه حاج اکبر آل آقا کرمانشاهی، معروف و ملقب به «معمد العلما» از فضلا و معاریف قم بود.

وی در حدود سال ۱۳۲۵ ق در کرمانشاه تولد یافت.

ایشان مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه کرمانشاه به پایان رساند. در سال ۱۳۶۳ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در دروس خارج حضرات آیات: سید

محمد حجت کوهکمری، سید صدرالدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید کاظم شریعتمداری شرکت می نمود.



از آثار او:

- ۱ - اخلاق و آداب.
  - ۲ - تاریخ مختصر ایران.
  - ۳ - سفرنامه.
  - ۴ - نظم حدیث کسا.
  - ۵ - کتابی در دعا.
- معتمد العلما در روز جمعه ۲۶ / جمادی الثانی / ۱۴۰۹ ق برابر با ۱۴ / بهمن / ۱۳۶۷ ش در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش در قبرستان ابو حنین مدفون شد. آقای اکرم آل آقا که در قم سکونت دارد، فرزند ایشان است.

منابع

- ۱ - اطلاعات متفرقه.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۵۵/۲.

## غلامحسین احتشامی خوئی

(۱۳۰۶ - ۱۳۷۶ ق)

غلامحسین فرزند میرزا حسن علی و نوه میرزا رحیم خوئی، ملقب به «احتشامی» از ادبا و برجستگان بود. وی در سال ۱۳۰۶ ق تولد یافت.

در سن جوانی به صف آزادیخواهان در صدر مشروطیت پیوست و در راه عدالت خواهی جانفشانی کرد. از همان اوان روی به ادبیات کهن آورد و مدتی چند به تحصیل علوم دینی گذراند. او حافظه‌ای قوی داشت و به همین خاطر حافظ کل قرآن کریم بود و بخش مهمی از کلیات سعدی، مثنوی معنوی، غزلیات حافظ و بسیاری از قصاید مشهور را به خاطر سپرده بود. به استخدام وزارت پست و تلگراف و تلفن در آمده بود تا آنکه بازنشسته گردید.



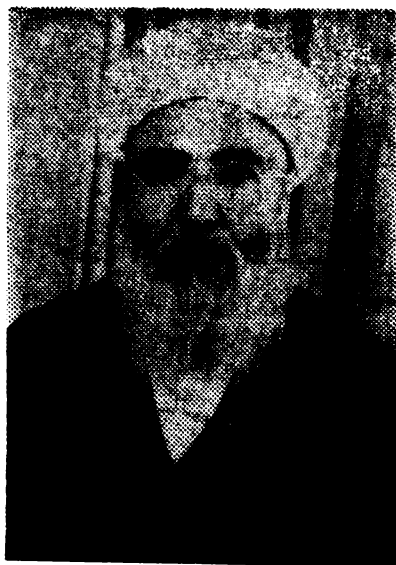
احتشامی در عصر روز چهارشنبه ۲۰ / ذی القعدة / ۱۳۷۶ ق برابر با ۲۹ / خرداد / ۱۳۳۶ ش در سن ۷۰ سالگی زندگی را وداع گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام در قم مدفون شد.

لله منیع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## شیخ غلامحسین جعفری همدانی

(۱۳۲۴-۱۴۱۶ ق)



حاج شیخ غلامحسین فرزند  
محمد تقی جعفری همدانی از علمای  
بنام تهران به شمار می‌رفت.

فقیه سعید در سال ۱۳۲۴ ق در  
روستای (شاهنجرین) از توابع همدان،  
در خانواده‌ای متدین و متعبد دیده به  
جهان گشود.

سیزده ساله بود (۱۳۳۷ ق) که  
برای یادگیری دانش دینی به همدان  
رفت، و تا سال ۱۳۴۲ ق به تحصیل  
مقدمات و ادبیات پرداخت. در سال

۱۳۴۲ ق برای تکمیل آموخته‌های خویش به حوزه علمیّه قم کوچ نمود و قوانین و  
شرح لمعه را در محضر حضرات آیات: میرزا محمد همدانی و آخوند ملا علی  
همدانی و شیخ غلامرضا طبسی فراگرفت. سپس در سال ۱۳۴۵ ق به نجف اشرف  
هجرت کرد و رسائل و مکاسب و کفایه و دروس خارج را نزد آیات: میرزا محمد  
حسین نائینی، آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا



ابوالحسن مشکینی و سید ابوالحسن اصفهانی زانوی ادب به زمین زد از سرچشمه علم آنان توشه‌ها برگرفت. همچنین در همان زمان اسفار اربعه را از علامه حکیم سید حسین بادکوبه‌ای و علامه بزرگوار میرزا احمد آشتیانی، و شرح منظومه را از آیت الله شیخ مرتضی طالقانی فراگرفت و این همه، بیست و سه سال به درازا کشید. وی در نجف اشرف علاوه بر تحصیل، سالها به تدریس سطوح عالیه پرداخت، و در سال ۱۳۶۸ ق (۱۳۲۸ ش) بود که به تهران آمد و به امامت جماعت (در مسجد جامع)، تدریس کفایه و مکاسب، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردمان و تربیت شاگردان و دستگیری از نیازمندان پرداخت. فقید سعید در پیش برد نهضت اسلامی شرکت فعال داشت، و بارها به دلیل سخنرانی‌هایش رنج زندان و تبعید را به جان خرید و از مبارزات خویش می‌نیاسود.

ایشان بسیار متواضع، ساده زیست و قانع و مهربان و صمیمی بود. اخلاص نیت و توکل بر خداوند در کارهایش مشهود بود و هر آنچه را که به دستش می‌رسید، به دیگران می‌بخشید. ساعتی پیش از فجر از خواب برمی‌خواست و تا پس از طلوع صبح به خواندن قرآن و ادعیه می‌پرداخت، و این کار را به هنگام عصر تا غروب هم تکرار می‌کرد. از غالب اساتید خویش همچون: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ ضیاءالدین عراقی اجازه اجتهاد داشت و تقریرات درس آنان را نگاشته بود، که به شرح زیر است:

۱- تقریرات درس اصول عراقی (دو دوره کامل).

۲- تقریرات درس اصول غروی اصفهانی.

۳- تقریرات درس اصول مشکینی.

۴- تقریرات درس فقه اصفهانی.

۵- تقریرات درس فقه مشکینی.

۶- تقریرات درس نائینی.

سرانجام آن خدمتگذار راستین دین، پس از پشت سر نهادن یک بیماری

طولانی در ۹۳ سالگی در بامداد روز جمعه ۲۲ / جمادی الثانی / ۱۴۱۶ ق مطابق با ۲۵ / آبان / ۱۳۷۴ ش در تهران بدرود حیات گفت، در روز شنبه پس از تشییعی با شکوه، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - گنجینه دانشمندان ۴/۴۲۳.

۲ - مجله آینه پژوهش، شماره ۳۵، سال ۱۳۷۴ ش، صفحه ۱۱۴، به قلم شیخ ناصرالدین انصاری قمی.

## شیخ غلامحسین دارابی «شرعی»

( - ۱۳۹۱ ق )

وی از علمای قم بود که در داراب شیراز دیده به دنیا گشود، و دروس مقدماتی خود را در آنجا گذرانده، سپس جهت ادامه تحصیل وارد شیراز گردید و دروس سطح را در محضر علمای فارس آموخت.

وی پس از مدتی، به شهر قم مهاجرت نموده و از محضر درس خارج آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، شیخ محمد حسن نویسی و شیخ محمد فیض قمی استفاده نمود، و سپس تا آخر عمر شریف خود در محضر حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به کسب فیض و علم و معنویت و در پائین قم در مسجد رضویه به اقامه جماعت اشتغال داشت.

شرعی در روز سه شنبه ۲۴ / صفر / ۱۳۹۱ قمری وفات مطابق با ۳۱ / فروردین / ۱۳۵۰ ش نمود و در قبرستان شیخان شهر قم، مدفون گردید. فرزند وی شیخ محمد علی شرعی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی بود.

منبع

۱ - آثار الحجة ۲/۳۲۰.

## شیخ غلامحسین عابدی قمی

(۱۳۳۵-۱۴۱۷ ق)

حاج شیخ غلامحسین عابدی قمی، از فضلا و معاریف قم بود. وی در سال ۱۳۳۵ ق در شهر قم دیده به جهان گشود. در اثر از دست دادن والدین خود در کودکی، ابتدا به کار مشغول شد. ولی عشق فراوان تحصیل وی را به مدرسه فیضیه کشاند و مقدمات و سطوح را فرا گرفت. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید صدرالدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید احمد خوانساری بهره مند گردید، و خود به تدریس کتب درسی حوزه پرداخت. عابدی در مسجد رضوی قم به امر اقامه جماعت و هدایت اشتغال ورزید و کانونهای اسلامی و انجمن های خیریه زیادی را تأسیس نمود.

### از آثار او:

- ۱- وهابیت چیست؟
  - ۲- معراج پیامبر ﷺ.
  - ۳- دانستنی های تاریخ، ۱۲ جلد.
  - ۴- کشکول نمونه.
- ایشان در روز سه شنبه ۲۰ / ربیع الاول / ۱۴۱۷ ق برابر با ۱۶ / مرداد / ۱۳۷۵ ش در سن ۸۲ سالگی به رحمت ایزدی پیوست. پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

### منبع

- ۱- برگرفته از نوشته های شیخ ناصرالدین انصاری قمی.

## غلامحسین غفّاری «صاحب اختیار»

(۱۲۷۶ - ۱۳۶۶ ق)

غلامحسین غفّاری فرزند میرزا هاشم «امین الدوله» و نوه میرزا مهدی کاشانی. او در سال ۱۲۷۶ ق در تهران متولد شد. وی در سلک امرا و وزرای بزرگ دولت درآمده بود، و در فنون ادب خاصه در خوشنویسی مهارت داشت، شعر را بسیار نیکو و زیبا می سرایید.

### در دربار ناصری

ایشان ابتدا در دربار ناصرالدین شاه قاجار به سمت پیشخدمتی شروع به کار کرد، و به تدریج مشاغل زیر را به دست آورد: ریاست تفنگداران شاهی، ریاست خلوات همایونی و منشی حضور شاه، و القاب: امین خلوت و وزیر مخصوص.

### در وزارتخانه‌ها

او در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به وزارت دربار راه یافت و بعداً وزارت عدلیه را برعهده داشت، در زمان سلطنت محمد علی شاه دونوبت به حکومت فارس و یک نوبت به حکومت کرمان و تهران رسید، و به لقب «صاحب اختیار» ملقب گردید.

وی در ایام سلطنت احمد شاه به ایالت خراسان مأمور گردید. و در کابینه مستوفی الممالک در سال ۱۲۹۳ ش به سمت وزارت جنگ انتخاب، و سپس ریاست دفتر مخصوص احمد شاه به او واگذار شد.

### درگذشت و اعقاب

ایشان در روز شنبه ۶ / جمادی اول / ۱۳۶۶ ق مطابق با ۸ / فروردین / ۱۳۲۶ ش در سن ۹۰ سالگی در تهران درگذشت، و جنازه‌اش در آرامگاه فرّخ خان

امین الدوله در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

فرزندانش:

۱ - آقا حسینعلی ۲ - آقا قُرخ و یک دختر که همسر آقا حسنعلی غفّاری « معاون الدوله » بود.

منابع

- ۱ - تاریخ شیبانی ۶۰
- ۲ - خاندان غفّاری (کاشان) ۲۹.
- ۳ - شرح حال رجال ایران ۷/۳.
- ۴ - فرهنگ رجال قاجار ۴۶.
- ۵ - منتخب التواریخ مظفری ۴۸۴.

## شیخ غلامرضا بلاغی بلخی

( ۱۴۰۹ ق )



از نویسندگان و شعرای معاصر بود. او اهل افغانستان و از شهر بلخ بود. در شهر قم سکونت داشت و تحصیلاتش را همانجا سپری کرده بود. از نظر عشق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، ولایت قوی داشت. همواره در ماههای تبلیغی به وعظ ارشاد می پرداخت. اوقات خود را در سالهای پایان عمر به نگارش و چاپ و هدایت می گذارند.

## از آثار او:

- ۱ - آداب و اخلاق از نظر اسلام.
- ۲ - پیام مجاهدین اسلام.
- ۳ - تجوید نافع.
- ۴ - جامع الأشعار «در مرثیاتی آل اطهار علیهم السلام».
- ۵ - حدیقة الذاکرین.
- ۶ - خلاصة الترتیل.
- ۷ - کشکول بلاغی، دو جلد.
- ۸ - گل‌های پرپر در کنار شریعة فرات.
- ۹ - گل‌های لاله از صحرای کربلا.
- ۱۰ - نان و خرما (اشعار).

بلاغی در شب ۱۹ / رمضان / ۱۴۰۹ ق هنگام ایراد سخنرانی، دچار سکنه مغزی شد و در روز ۲۱ / رمضان در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت مدفون شده است.

منع

۱ - اطلاعات متفرقه.

## شیخ غلامرضا خوانساری «معلم»

(- ۱۳۷۱ ق)

حاج شیخ غلامرضا فرزند ملا احمد خوانساری تهرانی، متخلص به «معلم» از فضلا و دانشمندان بود.

بنابر نوشته صاحب «سراج المعانی»: او از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده‌های علمی نموده است.

## از آثار او

مصباح الوارثین (مطابق فتاوی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی)، که نخستین بار به سال ۱۳۵۲ ق در ۱۴۰ صفحه به چاپ رسید.

## درگذشت

وی در روز پنجشنبه ۱۲/رمضان/۱۳۷۱ ق مطابق با ۱۵/خرداد/۱۳۳۱ ش درگذشت، و در یکی از حجرات شمالی قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

## منابع

۱ - سراج المعانی در احوالات سید ابوالحسن اصفهانی ۱۹۵.

۲ - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۱۶/۵۶.

۳ - فهرست کتابهای چاپی فارسی ۴/۴۷۷۸.

۴ - معجم المطبوعات النجفیه ۳۲۳.

۵ - مؤلفین کتب چاپی ۴/۷۱۰.

## سید غلامرضا سعیدی بیرجندی

(۱۳۱۳ - ۱۴۰۹ ق)

مقاله زیر به قلم آقای دکتر سید عبدالله علوی «عضو هیئت علمی دانشگاه‌های بیرجند» است و در پایان آن به سایر آثار قلمی استاد سعیدی اشاره نمودیم.

روستازاده‌ای حکیم و دانشمند با قامتی بلند، چشمانی زیبا و صلابت و ابهتی مخصوص بود. صدایش با نرمی و درشتی آمیخته بود. همواره در اطرافش کتابهای گوناگونی قرار داشت که مباحث علمی و اسلامی را به زبان روز تحلیل و بررسی کرده بودند. استاد در خلوت تنهایی انیس و مونس بهتر از کتاب نداشت. همواره سعی می‌کرد که مقالات مفید علمی را از انگلیسی و یا عربی به فارسی ترجمه کند. وقتی پای صحبتش می‌نشستی سعی می‌کرد که تازه‌ترین یافته‌ها را که مطالعه و





یادداشت برداری کرده است، برای  
مطرح و تو را به مباحثه و مناظره علمی  
و ادار کنند. در تمام مباحثات خود  
همواره بر عظمت و خلاقیت اسلام  
انقلابی تأکید داشت و هرگز مقوله ایمان  
و عبادت و تعلیم و تربیت اسلامی را در  
گفتارش فراموش نمی کرد.

استاد سید غلامرضا سعیدی در  
سال ۱۲۷۴ شمسی در روستای زیبای  
«نوزاد» از توابع «در میان» بیرجند  
متولد شد.

ابتدا در این روستای فرهنگی که در حقیقت می بایستی تاکنون مرکز دهداری  
می شد به مکتب خانه رفت. ضمناً فنون قالی بافی را نیز طبق گفته خودش با مهارت  
آموخت. سپس همراه پدر و مادر مؤمنش به بیرجند هجرت کرد و در مدرسه  
شوکتیه که بعد از دارالفنون تأسیس شد در خدمت اساتید داخلی و خارجی تلمذ  
کرد و دروس آن زمان که عبارت بودند از: زبان فارسی، زبان عربی، معارف اسلامی،  
زبان فرانسه، ریاضی، فیزیک، شیمی، علم الاشیاء، تاریخ، جغرافیا و غیره را در  
سطح بسیار خوبی فرا گرفت.

علامه سعیدی با مجلات عربی به خصوص الهلال که آن روزها در دانشگاه  
الازهر مصر منتشر می شد، آشنا شد. وی با آموختن زبان انگلیسی و آشنایی با کتب  
و مجلات که در شبه قاره هند و در مجامع اسلامی آن زمان منتشر می شد، آشنا  
گردید.

روستایی کنجکاو و جستجوگری بود که به دنبال گمشده ای می گشت. او در آن  
روزگاران با عطش و علم آموزی سید جمال الدین اسدآبادی آشنا شد و از طریق او

برای هویت اسلامی و بیداری جهان اسلام فریادگری نوین اسلامی را آموخت. استاد طی مسافرتهاى متعدد از جمله به هندوستان با دانشگاه علیگره آشنا شد و سپس در مکتب نگری اقبال لاهوری تفحص و تلمذ کرد. وی در مسافرتی به انگلستان از نزدیک با روند استعماری سیاست انگلیس بیشتر آشنا شد و آگاهی یافت که تا استعمار و استثمار و استحمار باشد، زندگی مسلمین با وجود فراوانی نعمتهای الهی با فقر و عقب ماندگی همراه خواهد بود. لذا برای مبارزه با استکبار و بیداری جهان اسلام به اتکای علم و ایمان و قلم، مبارزات خود را آغاز کرد. او در زمینه استقلال پاکستان و مبارزات مسلمانان شبه قاره هند قلم فرسایی کرد. استاد سعیدی پیشگام طرح مبارزات مسلمانان با صهیونیستها و معضل فلسطین شد.

او «فریاد فلسطین» و «خطر جهود» را طی مقالاتی مطرح کرد. در دنباله این حرکت ادبی انقلابی، در راستای مبارزات مسلمانان الجزایر مقالات جالبی را منتشر کرد. او بعداً دو کتاب «الجزایر خونین» و «الجزایر پیروز» را منتشر کرد. او در مسجد هدایت تهران به فعالیت‌های فراوان پرداخت و با استاد مرتضی مطهری و سید محمود طالقانی و انجمن اسلامی مهندسين و سپس انجمن اسلامی پزشکان را با همکاری شخصیت‌های اسلامی و سیاسی تحصیل کرده تشکیل داد و در حسینیه ارشاد فعالیت‌های فراوانی را آغاز کرد.

علامه سعیدی در مبارزات ملی شدن صنعت نفت در کنار مرحوم آیت‌الله کاشانی تلاشگری خستگی‌ناپذیر بود و بیش از دو سال با حضرت آیت‌الله کاشانی به طور همه جانبه همکاری نزدیک داشت. استاد سعیدی با انتشار آثار فراوانی در بیداری جهان اسلامی شریک و سهیم است.

وی از منطقه جنوب خراسان به عنوان یک عالم معاصر اسلامی قیام علمی کرد و در آخرین روزهای حیات خود که در روستای نوزاد و شهر بیرجند به مطالعه و ترجمه مشغول بود، آثار فرهنگی و اجتماعی و سیاسی انقلاب مردمی و اسلامی را عملاً مشاهده کرد و همواره می‌گفت: «خدا را شکر که در حاشیه کویر، شاهد



عظمت اسلام و مسلمین می‌باشم». وی بیرجند و مردم آن را از هویت‌هایی که خداوند از دیدگاه فرهنگی به آنان ارزانی داشته است، همواره مورد ستایش قرار می‌داد و در حیات خود با همکاری عملی با دانشگاه‌های ایران، از جمله مجتمع آموزش عالی بیرجند و دانشگاه آزاد اسلامی همبستگی همه جانبه خود را با خلاقیت و ابتکار مردمان و فرزندان این منطقه زر خیز، ولی محروم به منصّه ظهور گذاشت.

نگارنده معتقد است که برای زنده نگه داشتن خاطره او و امثال وی اداره میراث فرهنگی شهر موظف و مکلف است که آثار و خانه و زادگاه او را مورد توجه قرار دهد و دانشگاه ضرورت دارد که برای زنده نگه داشتن یاد وی، به نامگذاری خود و یا دانشکده‌ها اقدام کند. به طور کلی اداره میراث فرهنگی شهر که نگارنده در تأسیس آن در شهر بیرجند بی‌دریغ تلاش کرده و نسبت به مرمت آرامگاه آیت‌الله تهامی و آیتی و انتشار آثار علامه فرزانه و عبدالعلی بیرجندی و سایر شعرا و فرزنانگان و علما همت گمارده است، در منطقه «در میان» در دشت اسدآباد، نسبت به تأسیس مراکز آموزش عالی و تحقیقات منطقه‌ای برای رشد و شکوفایی فرزندان که می‌توانند هم چون علامه سعیدی تربیت شوند همت گمارند و از این طریق با ادامه راه علما و دانشمندان یاد اسطوره‌های روستایی جهان شمول را از یاد نبرند. و برای آبادی و عمران و توسعه و رشد، از هرگونه اقدام خداپسندانه و مدبرانه با برنامه‌ریزی دراز مدت، دریغ ندارند.



## آثار قلمی استاد

- ۱- اسلام به زبان ساده.
- ۲- اسلام و جاهلیت، ترجمه.
- ۳- اسلام و طب جدید، ترجمه.
- ۴- اسلام و غرب.
- ۵- اقبال شناسی، ترجمه.
- ۶- الجزایر پیروز.
- ۷- الجزایر خونین.
- ۸- اندیشه های اقبال.
- ۹- انگیزاسیون یا محکمه تفتیش عقاید.
- ۱۰- اوّل اخلاق، بعد تمدن آنها.
- ۱۱- بحران فعلی جهان.
- ۱۲- برنامه های انقلاب اسلامی.
- ۱۳- بزرگترین مرد تاریخ و اسلام و غرب.
- ۱۴- پاکستان.
- ۱۵- پیشرفت سریع اسلام، ترجمه.
- ۱۶- پیمان جوان مردان.
- ۱۷- تربیت از نظر قرآن.
- ۱۸- تشکیل پاکستان.
- ۱۹- توطئه خاورشناسان.
- ۲۰- جاذبه اسلامی.
- ۲۱- جمال عبدالناصر.
- ۲۲- جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه.
- ۲۳- جلوه حق در اندونزی.
- ۲۴- خطر یهود برای جهان اسلام و ایران.

- ۲۵ - داستان‌هایی از زندگی پیامبر ما ﷺ.
- ۲۶ - در هندوستان متجاوز کیست؟
- ۲۷ - رسول اکرم ﷺ در میدان جنگ، ترجمه.
- ۲۸ - روح فرهنگ اسلام.
- ۲۹ - زندگانی حضرت محمد ﷺ.
- ۳۰ - سید جمال‌الدین اسدآبادی.
- ۳۱ - شالوده علوم جدید در اسلام.
- ۳۲ - عایشه همسر پیامبر ﷺ.
- ۳۳ - عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ترجمه.
- ۳۴ - عمار یاسر (رض) پرچمدار علی علیه السلام.
- ۳۵ - فرد و اجتماع.
- ۳۶ - فریاد فلسطین و خطر جهود.
- ۳۷ - فلسفه و تربیت، ترجمه.
- ۳۸ - کمونیزم و اخلاق.
- ۳۹ - ماجرای سقیفه.
- ۴۰ - مانیفست یا منشور جهانی اسلام.
- ۴۱ - ماهیت و اهمیت فلسفه اقبال.
- ۴۲ - مبادی اسلام و فلسفه احکام.
- ۴۳ - مبانی اخلاق برای جنبش اسلامی.
- ۴۴ - مسأله کشمیر و حیدرآباد.
- ۴۵ - مؤسس پاکستان محمد علی جناح، ترجمه.
- ۴۶ - ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم.
- ۴۷ - نقش اسلام در برابر غرب.
- ۴۸ - وظیفه روشنفکران مسلمان.
- ۴۹ - وظیفه روشنفکران و دگرگونی ایدئولوژی‌ها.

استاد، مجله «فروغ علم» را نیز منتشر ساخته بود.  
سعیدی در شامگاه روز سه شنبه ۴ / جمادی الاول / ۱۴۰۹ ق مطابق با ۲۲ /  
آذر / ۱۳۶۷ ش درگذشت. پیکرش در ابتدای قبرستان ابو حنین قم مدفون گردید.

## شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»

(ح ۱۲۵۵ - ۱۳۳۲ ق)

حاج شیخ غلامرضا فرزند حاج رجبعلی قمی معروف به «حاج آخوند»، از  
علمای مشهور قم بود.  
او در حدود سال ۱۲۵۵ ق در قم متولد گردید.

### هجرت به نجف اشرف

وی پس از طی مقدمات و سطوح، در سال ۱۲۷۶ ق همراه با آیت الله سید  
صادق روحانی به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و از محضر آیات: شیخ مرتضی  
انصاری (حدود دو سال)، میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی کمال  
استفاده را نمود، مدت دو سال در سامرا بود و از محضر میرزای شیرازی مجدداً  
بهره مند شد، و از آنجا در سال ۱۲۹۸ ق به قم مراجعت نمود، و به تدریس و ارشاد  
و اقامه جماعت اشتغال ورزید.

### از آثار او

- ۱ - تقریرات میرزای رشتی.
- ۲ - رسالة فی صلاة المسافر.
- ۳ - قلائد الفرائد فی التعليق علی الفرائد.
- ۴ - قواعد الاصول (شامل: مسأله اجتماع و امر و نهی و مسأله ضد).
- ۵ - کتاب الصلاة.

۶- کتاب القضاء.

۷- كنوز الجواهر.

### درگذشت و اعقاب

ایشان سرانجام در ۱۶ / ذی الحجه / ۱۳۳۲ ق در قم درگذشت، و در ایوان آینه صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

۱- شیخ محمد جواد ۲- شیخ عبدالهادی ۳- شیخ محمد ۴- شیخ حسین که همگی در این کتاب معرفی شده‌اند.

### منابع

- ۱- تاریخ قم ۲۷۸.
- ۲- تراجم الرجال ۴۲۱/۱.
- ۳- رجال قم ۹۹.
- ۴- گنجینه دانشمندان ۱۴۷/۱.
- ۵- مقدمة فلائد الفرائد، ص ۵ به قلم استاد شیخ جعفر سبحانی.
- ۶- مؤلفین کتب چاپی ۶۹۵/۴.
- ۷- نقباء البشر ۱۶۵۷/۴.
- ۸- هدیة الرازی الی المجدد الشیرازی ۱۴۱.

### سید غلامرضا کسائی تبریزی

(۱۳۳۵ - ۱۳۹۳ ق)

حاج سید غلامرضا فرزند سید ستار حسینی گاوگانی آذرشهری تبریزی، داماد علامه شیخ احمد تبریزی (پدر شیخ عبدالحسین امینی) که دارای اولاد نشد. در سال ۱۳۳۵ ق در آذرشهر متولد شد.

وی به نجف اشرف مهاجرت کرد و حجره‌ای در مدرسه سید محمد کاظم طباطبائی یزدی داشت. سپس به کربلا رفت و از طلاب علوم دینی در کربلا بود و در «مسجد قاضی» به اقامه جماعت اشتغال داشت.

و در کربلاء به درس سید محمد هادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید زین العابدین کاشانی، شیخ یوسف خراسانی و شیخ محمد علی سنقری شرکت می‌گردد و متولی حسینیہ آقای خوئی در کربلا بود.

وی در سال ۱۳۹۱ ق به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت نمود، و در درس آیات: سید کاظم تبریزی، سید محمد رضا گلپایگانی شرکت می‌جست.

از آثار او: فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام من کتب العامة.

او در روز سه‌شنبه ۸ / ذی قعدة / ۱۳۹۳ ق مطابق با ۱۳ / آذر / ۱۳۵۲ ش در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت، و جسدش به قم انتقال و در روز چهارشنبه از مسجد امام حسن عسگری علیه السلام تشییع و پس ادای نماز توسط آیت الله سید کاظم تبریزی و در وادی السلام به خاک سپرده شد.

له منافع

- ۱ - اعلام کربلا (خطی).
- ۲ - حوادث الایام (خطی).
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۲۷/۳.
- ۴ - معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف ۱۰۷۷/۳.

شیخ غلامرضا گلسرخی کاشانی

(۱۳۵۱ - ۱۴۱۱ ق)

غلامرضا گلسرخی به سال ۱۳۱۱ ش در محله «سلطان امیر احمد» کاشان به

دنیا آمد.





هفت فرزند قبل از وی همگی در همان اوان تولد، درگذشته بودند. نامش را از مولی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام گرفتند، مطابق نذری که پدر و مادر کرده بودند که فرزند جدید، سالم و زنده بماند.

پدرش «مشهدی عباس» کارگر شعراف بود و مادرش «صغری خانم» علاوه بر کار خانه، قالی بافی می کرد تا کمک خرجی باشد برای خانواده. غلامرضا در شش سالگی به دبستان

دولتی «مدیر» رفت، کلاسها را یکی پس از دیگری با موفقیت طی کرد. در حالی که جوانان هم سن و سال او یک «زندگی یک بُعدی»، شب را به روز و روز را به شب رساندن، و در تلاش جهت آینده و معاش، بدون هیچ گونه تغییر و تحولی در جا می زدند.

### تحول روحی و تغییر مسیر زندگی

در آن سالها شیخ محمد خالصی زاده از علمای مبارز عراق - که با استعمار انگلیس سر جنگ و ناسازگاری داشت - به کاشان تبعید شد. اقامت این روحانی آزاده و انقلابی، ثمرات و تحولات چشمگیری را در مردم کاشان، در پی داشت. «سخن» و «عمل»! وی روح «غلامرضا» ی جوان و کارگر زاده را به شدت متحول ساخت، بدان گونه که مسیر زندگی او را تغییر داد. خود او ماجرای این تحول را چنین باز می گوید:

«من کارگر زاده ای فقیر، یازده ساله بودم و تازه به کلاس ششم ابتدائی رفته، که



آیت الله خالصی زاده به کاشان تبعید شد. با شنیدن بیانات پرشور او دبستان را کنار گذاشته، طلبه شدم. و هر شب پای سخنرانی های پرسوز او بودم. از آن روز مبارزه با ظلم و زور در جانم ریشه دوانیده. قبلاً از «آخوند»! زده شده بودم، چون در همسایگی ما عالمی بود گوشه نشین و به قول مردم: «اهل الله»! بود که نه به مسجد می رفت و نه منبر و نه حوزه درسی داشت، و به قول بعضی ها «آیت الله»! بود و مراد بیشتر مردم شهر! در کنار خانه او زنی بی نوا زندگی می کرد که شوهری معتاد داشت، فکر می کنم سال ۱۳۲۲ ش بود و اوّل جنگ بین المللی دوم (۱۴) و گرانی غوغا می کرد. زن جوان از فرط گرسنگی، در حالی که چند بچه کوچک داشت، خودکشی کرد. او چون توان تأمین هزینه فرزندان خود را نداشت، خودکشی کرد! طولی نکشید آقای کذائی، هم مرد در حالی که ارث او را گفتند به آلف و الوف سر می زند. طبعاً من از این گونه آخوند خوشم نمی آمد. وقتی خالصی زاده به کاشان آمد و علیه ظلم و زور و بی انصافی و گران فروشی داد سخن می داد، و محرومان گردش جمع شده بودند و ثروتمندان علیه او توطئه می کردند؟! من مرید او شدم.

زندگی گلسرخی از این پس با «علم و دین و سیاست» گره خورد، آیت الله خالصی زاده، مدرسه سلطانی را که سالها دست دولت بود، پس گرفت و حوزه علمیه تشکیل داد و عالمی را جهت اداره حوزه از آیت الله سید صدرالدین صدر درخواست نمود، و ایشان نیز حضرت آیت الله شیخ جعفر صبور قمی را به آن سامان اعزام داشت که برکات و جودی این عالم بزرگوار هنوز در کاشان ادامه دارد، و خود ایشان نیز در قید حیات هستند و تاکنون صدها طلبه کاشانی را تربیت نموده و به حوزه قم روانه کرده اند.

از کارهای جالب توجه خالصی زاده که پس از شهریور ۲۰ و خاتمه دیکتاتوری سیاه رضا خان آن طور که دوست دیرینه گلسرخی: حجة الاسلام سید رضا علوی کاشانی تعریف می کرد، این بود: دستور داده بود یک توپ چلوار سفید از بازار تهیه کرده بودند، و از این چلوار عمامه درست کرده و سر هر یک از طلاب - که حدود

۱۴، ۱۵ نفر بودند - عمامه بسته و خود جلو و طلبه‌ها عقب وی، وارد بازار می‌شوند و این مانوری بود که آن روز در شهر کاشان، پرسر و صدا بود و در نوع خود یک «نوع مبارزه» به شمار آمد!

از طلاب ساخته و پرداخته آیت‌الله خالصی زاده می‌توان از آیات و حجج اسلام، آقایان: شیخ حسین راستی کاشانی، شیخ محمد امامی کاشانی، سید محمد تسلطی، مسلمی، محمود صلاحیان و حلیمی، نام برد و شاید جوان‌ترین آنها «غلامرضا گل‌سرخی» بود که پس از طی تحصیلات مقدماتی و مقداری سطح، راهی حوزه علمیه قم شد. خود او چنین می‌گوید:

«قدری بزرگتر شدم، قم آمدم. در جرگه مریدان نواب صفوی در آمدم و به صف فدائیان اسلام پیوستم. در آن زمان هم چه کشیدم، خدا می‌داند! با این که در امتحان با رتبه سوم قبول شده بودم و جزوه درس آقای بروجردی را که نوشته بودم، ارائه داده، شهریه می‌گرفتم. چند مرتبه به جرم فدایی اسلام بودن، شهریه‌ام را قطع کردند. شاید، من حدوداً ۱۷ - ۱۸ ساله بودم که با نواب صفوی، از نزدیک آشنا شدم. اولین دفعه ایشان را در زندان «قصر» دیدم. گرچه قبلاً از نزدیک، سخنرانی‌های ایشان را در مدرسه فیضیه دیده بودم، ولی جلسه خصوصی آشنایی من با نواب صفوی، در زندان قصر بود. و یادم هست، وقتی وارد زندان شدم، اولین جمله‌ای که ایشان می‌گفت، این بود:

«چه زودگذر است دقائق ساعات، و چه زودگذر است ساعات روز، و چه زودگذر است هفته‌های سال، و چه زودگذر است سالهای عمر؟ ما به زودی می‌میریم و نمی‌دانیم آیا خدا از ما راضی است یا نه؟ زندان من تمام می‌شود، زندان عمر هم پایان می‌پذیرد، اما نمی‌دانیم خدا از ما راضی است یا نه؟».

این اولین مطلبی بود که من به طور خصوصی از ایشان شنیدم، و خیلی برایم جالب بود. من چند سال با ایشان در جلسات خصوصی و عمومی بودم. با ایشان جلسات خصوصی هم زیاد داشتیم. و شهد الله، حتی یک عمل مکروه از ایشان ندیدم.

علامه گلسرخى خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم شریعتمداری و سید روح‌الله خمینی و دروس تفسیر را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره‌مند شده بود.

سرانجام در پی بیماری در بیمارستان جم تهران بستری شد و در روز یکشنبه ۲۳ / ربیع الاول / ۱۴۱۱ ق مطابق با ۲۲ / مهر / ۱۳۶۹ ش در سن ۶۰ سالگی درگذشت. پیکرش صبح روز بعد در تهران و عصر همان روز در قم تشییع و در یکی از اماکنهای صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

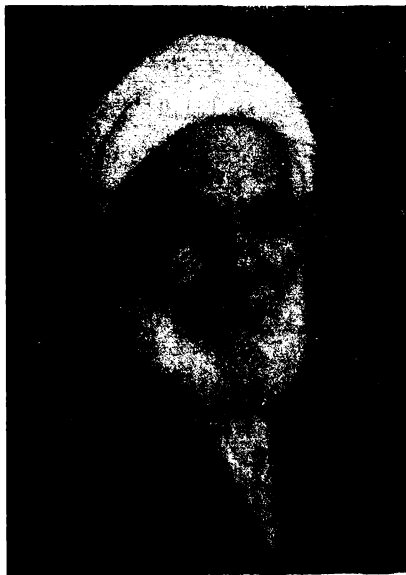
له منابع

۱ - گنجینه دانشمندان ۳۹۴/۲.

۲ - فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۵، ص ۱۶۳، به قلم شیخ علی حجتی کرمانی.

## شیخ غلامرضا مطهری نجف آبادی

(۱۳۴۳ - ۱۴۱۹ ق)



شیخ غلامرضا مطهری فرزند حاج عبدالله نجف آبادی اصفهانی، از دانشمندان و فضیلاي معاصر بود.

وی در سال ۱۳۴۳ ق مطابق با ۱۳۰۳ ش در نجف آباد اصفهان متولد گردید. در سن ده سالگی مادر خود را از دست داد و تحت و رعایت پدری، پرورش یافت. ابتدا به مکتبخانه راه یافت و بعداً در سن هفده سالگی به تحصیل علوم دینی روی آورد به همین خاطر به حوزه علمیه قم مشرف شد و تا

آخر دروس سطح به طور جدّی تحصیل نمود سپس به کرمانشاه رفت و چند سالی هم در آن سامان به تحصیل و ترویج معارف الهی همت گماشت. آنگاه مجدداً به قم رفت و پس از چندی به عتبات عالیات رفت و در حوزه کهن نجف اشرف از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید روح الله خمینی، سید ابوالقاسم خوئی استفاده‌های فراوانی را برد. توقف ایشان در نجف اشرف حدود ۳۵ سال طول کشید. عاقبت در ۲۴ / صفر / ۱۴۱۷ ق در اثر فشارهای سیاسی به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار نمود و پس از یک سال دچار عارضه جسمانی شد، آن هم نفس تنگی بود و این کسالت رو به افزایش می‌رفت.

### از آثار قلمی او

۱ - تعلیقة على العروة الوثقى (شامل کتابهای: طهارة، صلاة، زكاة و خمس است).

علامه مطهری در اثر شدت کسالت ریوی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی بستری شد و پس از سه چهار روز در روز چهارشنبه ۱۳ / ربیع الاول / ۱۴۱۹ ق مطابق با ۱۷ / تیر / ۱۳۷۷ ش زندگی را وداع گفت. پیکرش هم در قبرستان باغ بهشت - مقبرة العلما - به خاک سپرده شد.

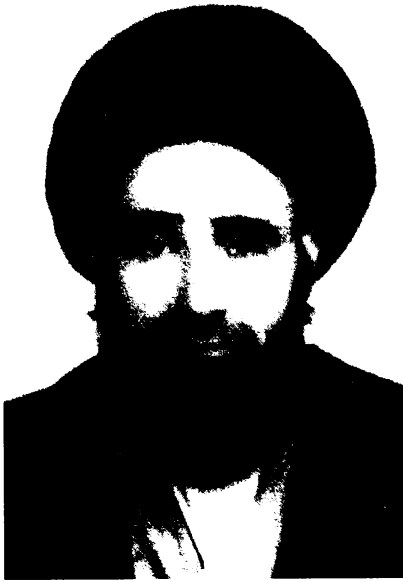
منع

۱ - اظهارات یکی از فرزندان آن مرحوم.

### سید غلامرضا واعظی قائینی

(۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق)

حاج سید غلامرضا فرزند سید اسماعیل و نوه سید محمد حسن واعظ حسینی قائینی (واعظی)، از دانشمندان معاصر بود. در سال ۱۳۴۵ ق در شهر قاین (جنوب خراسان) متولد گردید.



وی دورهٔ مقدمات و ادبیات را نزد آیات: سید ذبیح‌الله حائری، سید معصوم قهستانی، سید علی مهدوی و سید علی آیتی آموخت. در سال ۱۳۶۰ ق به مشهد مقدس رفت و شرح لمعه را نزد علامه سید احمد یزدی «نهنگ العلما» تلمذ کرد، و پس از چهار سال به تهران عزیمت نمود، و قسمتی از دروس سطح را نزد آیات: سید احمد حسینی شهرستانی و سید محمد مصطفوی قائینی استفاده نمود.

در سال ۱۳۷۴ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و در مدرسهٔ آیت‌الله بروجردی سکنی گزید، و بقیهٔ سطوح را خدمت آیات: سید مرتضی خلخالی، شیخ مجتبی لنگرانی (کفایه و مکاسب)، و شیخ محمد فاضل قائینی به انجام رسانید. و از دروس خارج حضرات آیات: سید یحیی مدرسی یزدی (در فقه و اصول)، میرزا حسن بجنوردی (در فقه و اصول)، سید محسن طباطبائی حکیم (در فقه)، سید محمود شاهرودی (در فقه)، و میرزا باقر زنجانی (کتاب النکاح)، استفادهٔ شایان برد. واعظی در سال ۱۳۹۵ ق به قم مهاجرت کرد و به تدریس و اقامهٔ جماعت پرداخت، و در سال ۱۴۰۶ ق به مدت یک سال به عنوان «امام جمعهٔ قاین» منصوب گردید، و مجدداً به قم بازگشت.

### از آثار او

- ۱ - تقریرات اصول بجنوردی.
- ۲ - تقریرات اصول مدرسی یزدی.

۳- تقریرات فقه شاهرودی.

شرح حال فوق را به تاریخ عصر روز جمعه ۲۷ / شعبان / ۱۴۱۶ ق در منزل ایشان در قم یادداشت کردم، ولی متأسفانه در عصر روز دوشنبه ۱۵ / رمضان همان سال مطابق با ۱۶ / بهمن / ۱۳۷۴ ش در اثر خونریزی معده به سن ۷۱ سالگی در قم درگذشت، و جسدش روز بعد در امامزاده سید سربخش علیه السلام مدفون گردید.

### خاطرات

نگارنده ایشان را در قم، در مراسم و مناسبات مختلف زیارت می‌کردم، مردی با وقار، کم حرف و در مجالس عمومی کمتر شرکت می‌جست، و در میان اهل علم به فضیلت و تقوا معروف و موصوف بود. در پی درگذشت آیت‌الله سید محمد علی فقیه در قاین، از طلاب و فضلاء قاین شرح حال ایشان را می‌پرسیدم، که یکی از دوستان آدرس منزل آقای واعظی را در اختیارم گذاشت، ابتدا تماس تلفنی حاصل نمودم و با وقت قبلی در عصر روز جمعه به منزلش - واقع در خیابان آذر - رفتم، استقبال شایانی نمود و پس از آنکه خودم را معرفی نمودم اظهار محبت زیادی نشان داد. شرح حال فوق را از زبان خودشان یادداشت، و عکسی هم از وی در خواست نمودم. پس از مدتی مصاحبه و انس، حضرت آیت‌الله سید محمد علی مدرسی یزدی (اخو الزوجه ایشان) به جمع ما پیوست و مجلس شور و رونق دیگر گرفت، در ماه مبارک رمضان به تبریز سفر کردم، و پس از مراجعت خبر ارتحال ایشان را به من دادند، رحمة الله علیه.

### شیخ غلامعلی روحیان بهبهانی

(ح ۱۳۲۱ - ۱۴۱۲ ق)

حاج شیخ غلامعلی فرزند غلامحسین روحیان بهبهانی، از فضلا و اساتید بود. وی در نجف اشرف از جمله شاگردان حضرات آیات: سید محسن طباطبائی

حکیم و سید ابوالقاسم خوئی بود. به ایران که بازگشت در آبادان سکونت اختیار نمود و پس از پیروزی انقلاب به قم مهاجرت کرد. او فردی با فضل و بخت بود. آثار قلمی نیز داشت.

روحیان در ۲۶ / ذی القعدة / ۱۴۱۲ ق برابر با ۸ / خرداد / ۱۳۷۱ ش در قم در حدود سن ۹۱ سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان بقیع مدفون گردید.

## دکتر غلامعلی شیخ‌نیا «اراکي»

(۱۳۲۲ - ۱۳۸۰ ق)

دکتر غلامعلی فرزند هادی شیخ الممالک اراکي، ملقب به «شیخ‌نیا» از اساتید دانشگاه تهران بود.

او در سال ۱۳۲۲ ق مطابق با ۱۲۸۳ ش در اراک متولد شد.

### تحصیلات دانشگاهی

تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در دارالمعلمین تهران به پایان رسانید، در سال ۱۳۰۷ ش با اولین دسته دانشجویان اعزامی به فرانسه رهسپار و در رشته علوم طبیعی به اخذ لیسانس موفق شد.

وی پس از این موفقیت، مشغول مطالعه و تهیه مقدمات رساله دکترای خود گردید، لیکن پیش از دریافت دکترا، به دستور وزارت فرهنگ، به ایران مراجعت کرد، و مأمور خدمت در شیراز شد.

او در سال ۱۳۱۵ ش به دانشسرای عالی منتقل و عهده‌دار دروس علمی آزمایشگاه زمین‌شناسی شد. وی پس از طی مرحله دانشیاری دانشکده علوم به استادی دانشگاه رسید.

### از آثار او

۱ - دیرین‌شناسی.



۲ - راهنمای زمین شناسی.

۳ - مجموعه اصطلاحات علمی.

او در روز شنبه ۱۵ / صفر / ۱۳۸۱ ق مطابق با ۷ / مرداد / ۱۳۴۰ ش درگذشت، و جسدش در وسط قبرستان حاج شیخ به کد (۲۰۱۹۹) قم به خاک سپرده شد.

❦ منفع

۱ - مؤلفین کتب چاپی ۷۲۴/۴.

## شیخ غلامعلی کماری تبریزی

(۱۳۴۲-۱۴۰۷ ق)



حاج شیخ غلامعلی فرزند میرزا مهدی کماری تبریزی، از فضلاء معاصر بود. وی در سال ۱۳۴۲ ق متولد گردید.

کماری از جمله شاگردان آیت الله سید ابوالقاسم خوئی در نجف اشرف بود.

از آثار او:

۱ - حاشیه علی الرسائل.

۲ - حاشیه علی المکاسب.

۳ - حاشیه علی کفایة الاصول.

۴ - شرح العروة الوثقی.

نامبرده در ۸ / جمادی الثانی / ۱۴۰۷ ق مطابق با ۱۸ / بهمن / ۱۳۶۵ در قم

درگذشت.

# ف

## سید فاخر موسوی آبادانی

(ح ۱۳۳۵ - ۱۴۱۴ ق)

سید فاخر فرزند سید طاهر و نوۀ سید علوی فرزند حسین فرزند سید علی موسوی، از شعرای بزرگ و زهاد عصر ما بود. در حدود سال ۱۳۳۵ ق در قریۀ (معمره) از توابع آبادان خوزستان دیده به جهان گشود.

وی پس از گذراندن ایام صباوت در خانواده‌ای محترم و با فضل، شروع به تحصیل علوم اسلامی نمود، و ادبیات و قسمتی از فقه و اصول (مرحلۀ سطح) را نزد آیت‌الله شیخ عبدالمنعم فرزند شیخ عبدالمحسن خاقانی تلمذ کرد. سپس به سرودن اشعار و خدمات فرهنگی رو آورد، و چنانکه مقتضای محیط طلب می‌کرد اشعار عربی به زبان محلی (حکه) می‌سرود، در ضمن در تربیت و پرورش شاعران و سخنوران حسینی سخت کوشا بود، و تا آخر عمر این شیوه را دنبال نمود.

پس از شروع جنگ علیه ایران در سال ۱۳۵۹ ش همراه با سایر افراد خانواده‌اش به قم عزیمت کرد، و در اثر بیماری و کسالت جسمی همیشه در منزل اقامت و بستری بود، و در طول ایام سال به اقامۀ مراسم عزاداری و جشن سایر معصومین علیهم‌السلام اشتغال داشت.

مجموعه‌های شعری ایشان عبارتند از:

- ۱ - دیوان الموسوی، که در سال ۱۳۹۷ ق به چاپ رسید.
  - ۲ - القصیده الموسویة، که در سال ۱۴۰۴ ق به چاپ رسید.
  - ۳ - معالی الدرر فی رثاء النبی ﷺ و آله المیامین الغرر (در پایان کتاب بعضی از اشعار پدر خود و جمعی از شعرا گنجانده شده است) که در سال ۱۴۰۵ ق به چاپ رسید.
- وی در روز چهارشنبه ۹ / جمادی ثانی / ۱۴۱۴ ق مطابق با ۳ / آذر / ۱۳۷۲ ش در منزلش در قم درگذشت، و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

### خاطرات

در حدود سال ۱۴۰۶ ق در حوالی پمپ بنزین واقع در جاده اراک در شهر قم منزلی اجاره کردیم و چند ماهی (حدود یکسال) در آنجا اقامت داشتیم، در همسایگی ما عده‌ای از اهالی عرب خوزستان (جنگ زده) بودند که در میان آنان مردی بود در طول ایام سال مجالس احیای ذکر اهل بیت علیهم السلام در منزلش برپا می‌نمود. پس از مدتی کوتاه بنده به مجلسش راه یافتم. و در اندک زمانی به قول معروف «مقرب الخاقان» شدم. شاید هفته‌ای چهارالی پنج شب یا روز در آن مجلس حضور پیدا می‌کردم و در سمت راست ایشان (سید فاخر) می‌نشستم.

وی عمامه به سر نداشت بلکه پارچه سیاهی (چَفیه) روی سر می‌انداخت، کمرش کمی خمیده بود و محاسن سفید و کوتاهی داشت. همیشه به حاضرین نصایح پدران و مواعظ ارزشمند می‌نمود. در طب قدیم (گیاهی) مطالعاتی هم داشت. و به شعر محلی (حسجه) گرایش شدیدی پیدا کرده بود و اشعار زیادی حفظ کرده بود و به ندرت شعر قریض هم می‌سرود.

و بسیار جهات اخلاقی را رعایت می‌کرد و همیشه به یاد خدا بود، سیمای

روحانی داشت، و همواره از استاد خود مرحوم خاقانی به نیکی یاد می‌کرد. در اطاقش فقط عکس مرحوم حجة الاسلام شاعر اهل بیت علیه السلام شیخ عبدالعظیم ربیعی نصب بود اگر اشتباه نکنم به ایشان علاقه خاصی داشت. در مجلسش سایر حاضرین مطالب مختلفی سؤال می‌کردند و همه را جواب می‌داد. گاهی به رساله عملیه هم رجوع می‌کرد، بعد جواب سؤالات فقهی را می‌داد. پس از اینکه از آن محل منتقل شدیم روابط را قطع نکردم و هر چند گاهی خدمت ایشان می‌رسیدم. متأسفانه در اواخر سخت بیمار شده بود و کسی را نمی‌پذیرفت.

### شیخ فاضل لنکرانی «قفقازی»

(۱۳۱۴ - ۱۳۹۲ ق)

آقا شیخ فاضل فرزند حاج بشیر قفقازی، سال ۱۳۰۹ ق در اهل «ارکون» ماسانلو لنکران که از بلاد قفقاز است تولد یافته، و ادبیات را در مسقط الرأس از ثقة الاسلام حاج محمد گلی فرا گرفته. و در سال ۱۳۳۱ ق مهاجرت به اردبیل کرده و در نزد شیخ عبدالظاهر اردبیلی ادبیات و نزد آقا سید محمود اردبیلی درس شرح لمعه خوانده، سپس عزیمت به زنجان کرده و سطوح فقه و اصول را از آخوند ملا محمد تقی، مدرس مدرسه خانم و حاج میرزا علی نقی تحصیل کرده است. در سال ۱۳۳۶ ق مراجعت به قفقاز کرده ولی به واسطه انقلاب روسیه جنابش را توقف در آن مملکت فراهم نشده، عزیمت به ایران فرمود و چندی در مشهد مقدس رضوی خدمت حجج اسلام: آقا میرزا محمد آیت الله زاده خراسانی، و آقا شیخ حسن برسی، و شیخ مرتضی آشتیانی، و حاج آقا حسین طباطبائی قمی به استفاده پرداخت. و حکمت الهی را از آقا شیخ اسدالله یزدی، و آقا شیخ حسن کاشانی به دست آورد. و در سال ۱۳۴۱ ق به بلده قم آمده و تا به حال از محضر

درس آیت الله (حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند می‌شوند).

و در اخلاق از شاگردان میرزا جواد ملکی تبریزی بود.

مترجم له از ایام ورودش به قم در ضمن تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح اشتغال داشت و عده‌ای از فضلا از محضرش کسب فیض کردند، او از خواص مرحوم آیت الله بروجردی محسوب می‌شد و همواره در خدمتش بود. در مسجد تکیه آقا سید حسن به اقامه جماعت اشتغال داشت.

از آثار او: نتایج الافکار فی الصلاة (تقریرات حائری).

وی در جمعه روز پنجشنبه ۱۴ / صفر / ۱۳۹۲ ق مطابق با ۱۰ / فروردین / ۱۳۵۱ ش در قم وفات یافت و در قبرستان شیخان مدفون شد.

فرزندانش:

۱ - علی ۲ - شیخ محمد فاضل  
موحدی ۳ - حسن ۴ - جعفر. دامادها:  
مجداردکانی صالح اشراقی نور مفیدی  
گرگانی.

منابع

- ۱ - آثار الحجة ۵۹/۲.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۳۲.
- ۳ - اجساد جاویدان ۳۵۵.
- ۴ - گنجینه دانشوران ۲۱۳/۲.

\*



شیخ محمد فاضل لنکرانی

## خانم فاطمه امامی زنجانى

(۱۲۹۱-۱۳۶۸ ق)

خانم فاطمه امامی دختر شکرالله میرزا، فرزند لطف‌الله میرزا، فرزند عبدالله فتحعلیشاه قاجار، متخلص به (فاطمه) و همسر علامه میرزا عطاءالله امام جمعه ابهر و مادر آیت‌الله شیخ زین‌العابدین امام ابهری، که تولدش به سال ۱۲۹۱ ق در زنجان اتفاق افتاده است.

ایشان علاوه بر آموختن مقدمات تا شرح لمعه نیز تحصیل نموده، و در شعر و شاعری طبعی سرشار و روان داشته، که به قول خود: شعر و شاعری را از پدر به ارث برده است.

### از آثار او:

۱ - تحفه فاطمیه (اشعار)، ۲ - هدیه فاطمیه (اشعار).

اشعار زیر از اوست:

### نصیحت

خوبست که باده محبت نوشی      با خلق خدا کبر و حسد نفروشی  
چون شمع بهر جمع تو بخشی نوری      بر سوختنت زبهر مردم کوشی

✱

ای آنکه قد افراخته چون سروسهی      زریفت به تن کلاه شاهانه نهی  
بر سوز دل فتادگان گاه گهی      بنگر، بنوازشان، بیک نان تهی

### اندرز به بانوان

خانم آزاد تو آزاده باش      کار وطن را زدل آماده باش  
ترک نما زیور بیگانه را      کفش و کلاه و کمر و شانه را  
باد مده ثروت کاشانه را      شاکر از این حسن خدا داده باش

|                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| ترک هوا و هوس از خود نما    | باش تو افتاده، مشو خود نما |
| همچو زمین خاضع و افتاده باش | همت علم و هنر از خود نما   |
| از بد و بد خواه جدائی بکن   | مه روشا چهره گشائی بکن     |
| باعث خوشبختی نوزاده باش     | کسب و عمل برگ و نوائی بکن  |
| منگوله در موی تو ناید بکار  | باش تو سر سلسله جنبان کار  |
| عقل و خرد پیشه نما ساده باش | حیف زایرانی و نقش و نگار   |
| نی بخیالی که شوی دوره گرد   | آنکه سیه چادر تو دور کرد   |
| گفت که با عفت و آزاده باش   | آن دل غمگین تو مسرور کرد   |

سرانجام در رجب / ۱۳۶۸ ق مطابق با اردیبهشت / ۱۳۲۸ ش در ابهر درگذشت  
و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

#### فرزندان ایشان:

۱ - آیه الله شیخ زین العابدین ابهری ۲ - میرزا محمد فتوحی، ساکن تهران متولد ۱۲۸۲ ش در ابهر قاضی دادگستری بازنشسته ۳ - مرحوم ابوالفتح ۴ - آقا ابوجعفر امام، از فرهنگیان زنجان، و سه دختر.

#### منابع

- ۱ - تاریخ زنجان ۱۳۹.
- ۲ - سخنوران و خطاطان زنجان ۲۶۲.
- ۳ - مؤلفین کتب چاپی ۷۵۶/۴.

### میرزا فتح الله ثقة الاسلام تبریزی

(ح ۱۳۱۶ - ۱۴۰۴ ق)

حاج میرزا فتح الله فرزند علامه میرزا محمد و نوه میرزا موسی ثقة الاسلام تبریزی، از دانشمندان و معاریف بود. وی در حدود سال ۱۳۱۶ ق در تبریز دیده به جهان گشود.

پدرش میرزا محمد از دانشمندان و معاریف تبریز بود. در سال ۱۲۹۲ ق در تبریز متولد گردید مقدمات و سطح را نزد پدرش میرزا موسی و برادرش شهید میرزا علی ثقة الاسلام به پایان برد. و در سال ۱۳۲۱ ق به عتبات عالیات رفت و ابتدا در کربلای معلا توقف کرد و از محضر شیخ علی بفروئی یزدی (قوانین و بخشی از شرح لمعه)، شیخ عبدالهادی مازندرانی (مکاسب) و سید مرتضی هندی (حکمت) بهره مند شد.

در حدود سال ۱۳۲۸ ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، شیخ الشریعة اصفهانی، ملا علی محمد نجف آبادی (حکمت) و شیخ محمد اسماعیل محلاتی (مدت کمی) استفاده نمود و در اواخر سال ۱۳۳۱ ق وارد تبریز شد و از ارکان مردمی به شمار آمد. از آثار او: سوانح عمری یا آثار تاریخی، که در سال ۱۳۸۰ ق به چاپ رسید. متأسفانه تا کنون معلوماتی از فرزند ایشان بدستمان نرسید، فعلاً به همین اشاره اکتفا می‌کنیم.

میرزا فتح الله در ۲ / اردیبهشت / ۱۳۶۳ ش درگذشت. پیکرش در قبرستان ابو حنین قم مدفون گردید.

## شیخ فتح الله شهیدی قزوینی

(۱۳۰۰ - ۱۳۷۷ ق)

حاج شیخ فتح الله فرزند علامه شیخ صادق و نوه آیت الله شیخ محمد تقی برغانی قزوینی (شهیدی)، در سال ۱۳۰۰ ق در قزوین دیده به جهان گشود.

تحصیلات عالی خود را در قزوین نزد میرزا هدایت الله شهیدی، و در نجف اشرف نزد آیات: ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی به انجام رسانید، و پس از بازگشت به قزوین در سال ۱۳۳۲ ق به تدریس اشتغال نمود.



### از آثار او:

- ۱ - الفقه، در چند جلد.
  - ۲ - قاعدة لاضرر و لاضرار.
  - ۳ - تقریرات اصول خراسانی.
  - ۴ - تقریرات فقه یزدی.
- سرانجام در روز جمعه ۲۹ / ربیع ثانی / ۱۳۷۷ ق مطابق با اول / آذر / ۱۳۳۶ ش به سن ۷۷ سالگی در قزوین درگذشت، جسدش به قم حمل و در قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد.
- نواده ایشان جناب آقای دکتر مهدی شهیدی (متولد ۱۳۵۵ ق) ساکن تهران، و دارای تألیفاتی چون: ۱ - سقوط تعهدات ۲ - ارث ۳ - تعهدات، می باشد.

### منابع

۱ - الاجازة الكبيرة ۱۲۲.

۲ - مستدرک اعیان الشیعة ۲۰۱/۶.

۳ - نقباء البشر ۸۶۵/۲.

۴ - نقباء البشر (خطی).

## سید فخرالاعلام آیت اللهی شیرازی

( - ح ۱۴۰۷ ق )

حاج سید فخرالاعلام آیت اللهی فرزند آیت الله سید عبدالباقی و نوه میرزا محمد باقر موسوی شیرازی، از فضلالی معاصر بود.

وی که نواده دختری آیت الله سید عبدالحسین موسوی لاری بود، در یک خاندان علمی و عریق در شیراز به دنیا آمد. پدرش از مشاهیر علمای شیراز بود. به

نقباء البشر ۱۰۲۱/۳ رجوع شود.



سید عبدالباقی شیرازی

فخر الأعلام پس از فراگیری مقدمات، به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطح را به انجام رساند. دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب‌الدین مرعشی استفاده نمود.

ایشان به فعالیت‌های دینی، از قبیل اقامه جماعت در یکی از مساجد خیابان راه آهن قم و ارشاد و هدایت عامه اشتغال داشت.

نامبرده در حدود سال ۱۴۰۷ ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

❦ منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

۲ - گنجینه دانشمندان ۵۴/۲.

## سید فخرالدین فیض دزفولی

(۱۳۹۴ - ۱۳۱۱ ق)

حاج سید فخرالدین فرزند علامه سید محمد علی و نوه سید عبدالله موسوی فیض دزفولی.

فرزند برومندش حجة الاسلام آقای حاج سید علی فیض شرح مبسوطی از زندگانی آن مرحوم نوشته به این شرح است: ایشان در ۲۳/ جمادی اول ۱۳۱۱ ق از



مرحومه علویه بی بی ساره بیگم صبیّه  
مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سید  
محمّد صادق دزفولی فرزند سید محمّد  
علی که برادر عالم عامل عارف آسید  
صدرالدین کاشف دزفولی صاحب  
تألیفات عدیده در اخلاق و سیر و  
سلوک بودند متولد شده و پس از  
تکمیل مقدمات نزد آقا بزرگ بیگدلی،  
قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم  
آیت الله شیخ محمّد مهدی بیگدلی

دزفولی و مرحوم آیت الله آقا سید عبدالمهدی داعی و شیخ محمّد سبط الشیخ  
انصاری دزفولی استفاده نموده، و هم از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمّد  
رضا معزی دزفولی و آیت الله سید ابوالقاسم موسوی دزفولی (پسر عموی) خود  
بهره مند شده، و پس از فوت مرحوم والدش آیت الله آقا سید محمّد علی به امر و  
وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی  
پرداخته، و هم فصل دعاوی و خصومات می نمودند که شرح و بسط آن بسیار و  
موجب اطناب است.

آنجناب سفری به اعتاب عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و  
مراجع فخام نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجة الاسلام و  
المسلمین آیت الله حاج سید اسدالله فقیه دزفولی که مقیم نجف اشرف بودند  
نموده، و در درس مرحوم آیت الله (سید محمّد فیروز آبادی و مرحوم آیت الله شیخ  
محمّد حسین نائینی و آیت الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت الله سید ابوالحسن  
اصفهانی) (قدس الله اسرارهم) شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول  
مراجعت نمودند.



معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند، مانند مرحوم آیت الله آشیش حسین آستانه ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان)، و مرحوم حجة الاسلام عارف و عالم ربانی (دائی پدر خود) حاج سید حسین ظهیر الاسلام دزفولی، و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجة الاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم علاوه بر مقامات فقهی، اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه شناسی داشت، که آن را از دائی خود مرحوم سید محمد علی سید الحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود.

و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد و اهتمام تام داشت.

در سال ۱۳۶۱ ق برای امر خیر برادرش مرحوم حجة الاسلام سید محمد مهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده، و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی واقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته، سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت، تا در پنجشنبه ۱۲ / ذیحجه الحرام / ۱۳۹۴ ق مطابق با ۵ / دی / ۱۳۵۳ ش داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتیش، حمل به قم و در وادی السلام در آرامگاه مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد مهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید.

و مجالس عدیده ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد. آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند: مرحوم آیت الله بروجرودی و آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند.

فرزندانش:

۱ - سید علی ۲ - محمد علی ۳ - محمد رضا ۴ - محمد

منابع

۱ - خاندان سادات گوشه ۳۴۶.

۲ - گنجینه دانشمندان ۵۲۵/۴ و ۵۸/۶.

## سید فخرالدین قمی «سیدی»

(۱۲۸۱ - ۱۳۶۳ ق)



حاج سید فخرالدین فرزند سید ابوالقاسم شیخ الاسلام فرزند سید محمد رضا فرزند سید ابوطالب حسینی (داماد میرزای قمی صاحب «قوانین الاصول»)، از شیوخ علمای قم و از معارف عصر خود، خواهر علامه سید ابراهیم تهرانی «لاله زاری» را به همسر انتخاب کرده، ملقب به طاهری و سیدی می‌باشد.

در سال ۱۲۸۱ ق (سال وفات شیخ انصاری) در قم دیده به جهان گشود.

پس از نمو و رشد و طی مقدمات مدت زمانی از محضر آیت الله سید صادق روحانی مقداری سطوح تلمذ کرد، و آن را در تهران نزد آیت الله شیخ محمد حسن آشتیانی به انجام رسانید، مدتی هم در اصفهان نزد آقا منیرالدین تحصیلاتی داشته است. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود. ابتدا در نجف اشرف از محضر آیات:



میرزا حبیب‌الله رشتی، آقا رضا همدانی، شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعہ اصفهانی استفاده نموده و بعداً به سامرا هجرت نمود، و از محضر آیات: سید محمد حسن شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی به مدت ۶ سال بهره‌مند گردید. آنگاه در سال ۱۳۱۷ ق به زادگاه خود بازگشت، و به تدریس سایر کتب سطوح مانند: شرح لمعه، قوانین، مکاسب و رسائل و نیز کتابهای مسالک الافهام و ریاض المسائل اشتغال داشت، و عده‌ای از محضر وی استفاده نمودند.

وی دارای اجازاتی است از: میرزا حسین خلیلی تهرانی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بود.

### نقل یک داستان

فاضل ارجمند جناب آقای سید حسن سیدی فرزند مترجم‌له داستانی از پدر خود برای نگارنده نقل کردند که اینجا ثبت می‌گردد:

شب‌ی از خواب بیدار شدم در حالی که اشتیاق زیادی جهت زیارت حرم مطهر حضرت عسکریین (علیه السلام) در درون خودم احساس می‌کردم، و با اینکه می‌دانستم نیمه شب درب بسته است، مع ذلک در اثر اشتیاق مذکور بیرون رفتم، منزل ماکه در کوچه‌های پُر خم و پیچ بود، در یک دهلیز صدایی شنیدم، ابتدا فکر کردم صدای یک حیوانی باشد ولی بعداً منکشف شد که صدای یک انسان است، نزدیک شدم، دیدم که مشغول عبادت و ذکر الله است، نزدیک‌تر که شدم معلوم شد که آیت‌الله (آخوند ملا فتح‌علی عراقی) نشسته و مشغول عبادت است.

از ایشان پرسیدم: چرا اینجا را انتخاب کردید؟

فرمودند: اشتیاق زیادی جهت زیارت حرم پیدا کردم ولی در وسط راه را گم کردم و به اینجا رسیدم، به همین خاطر مشغول نافله شدم تا اینکه فرجی پیدا شود. بعد همراه ایشان به سمت حرم رفتیم تا اینکه درب حرم را باز کردند.

## از آثار او:

۱ - الفروق بین النافلة و الفریضه، ۲ - رساله فی الارث.

سرانجام در روز دوشنبه ۳ / شعبان / ۱۳۶۳ ق مطابق با ۲ / مرداد / ۱۳۲۳ ش به سن ۸۲ سالگی در قم درگذشت، و در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام در جوار قبر آیت الله حائری یزدی به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

۱ - سید علیمحمد ۲ - سید محمد ۳ - علامه سید عبدالحسین ۴ - سید حسن، در سال ۱۳۳۰ ق در قم دیده به جهان گشود، مقدمات را نزد میرزا علی حکمی ناسوتی و سطوح را نزد میرزا محمد همدانی تلمذ کرد، و خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۲ سال)، سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی شاه آبادی و سید حسن طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و فعلاً در (مسجد حاج آقا نقی) در خیابان باجک قم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.

و سه داماد داشت که عبارتند از:

۱ - آیت الله سید ابوالحسن روحانی قمی (فرزند سید صادق).

۲ - علامه شیخ حبیب الله فقیه مازندرانی.

۳ - میرزا محمد تقدیری.

## منابع

۱ - آثار الحجة ۱/۲۱۹.

۲ - آینه دانشوران ۱۵۰.

۳ - اعیان الشیعة ۲/۲۶۹ (در ذیل ترجمه میرزا ابوطالب قمی).

۴ - افادات دانشمند محترم آقای سید حسن سیدی (فرزند صاحب ترجمه).

۵ - الاجازة الكبيرة ۱۲۳.

۶ - المسلسلات فی الاجازات ۱۷۹/۲.

۷ - تاریخ قم ۲۷۹.

۸ - رجال قم ۱۳۸.

۹ - گنجینه دانشمندان ۱۷۷/۲.

۱۰ - نقباء البشر (خطی).

۱۱ - هدیة الرازی ۱۸۰.

## شیخ فخرالدین محسنی بروجردی

( - ۱۳۷۷ ق )

حاج شیخ فخرالدین محسنی جنانی فرزند علامه ملامحسن نوه آیت الله شیخ عبدالرضا بروجردی.

وی پس از طی تحصیل مقدمات و سطوح نزد پدرش و سایرین، خارج را از محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی بروجردی استفاده نمود و جزو فضلا درآمد.

محسنی در سال ۱۳۷۷ ق مطابق با ۱۳۳۷ ش در بروجرد درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ - در مقبره استادش غروی - مدفون شد.

داماد هایش عبارتند از: آیت الله شیخ محمد غروی (فرزند شیخ محمد حسین) و علامه شیخ عبدالکریم نیری بروجردی.

تذ منیع

۱ - تاریخ بروجرد ۵۶۷/۲.

## میرزا فخرالدین نراقی کاشانی

( - ۱۳۲۵ ق )

حاج میرزا فخرالدین فرزند علامه شیخ محمد و نوه آیت الله ملا احمد (صاحب مستند الشیعه) نراقی کاشانی، از فقها و دانشمندان کاشانی بود.



پدرش ملا محمد نراقی متخلص به «صاحب» متولد ۱۲۱۵ ق در کاشان و متوفای سال ۱۲۹۷ ق در همانجا درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. از آثار او: ۱- مشارق الأحكام في الفقه ۲- انوار التوحيد في الحكمة الالهية ۳- المراسد في اصول الفقه ۴- مثنوی صاحب. میرزا فخرالدین از علمای کاشان و تحصیلات خود را در آن سامان به پایان برد.

### از آثار او

- ۱- شرح قواعد الأحكام، در پنج جلد.
- ۲- فريدة الأحكام (منظومة فقهية).
- وی در ۲۵ / شوال / ۱۳۲۵ ق درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد. علامه شیخ شهاب الدین نراقی (متوفای ۱۳۵۰ ق) فرزند اوست.

### منابع

- ۱- الذریعة ۲۲/۱۴ و ۲۲۲/۱۶.
- ۲- نقباء البشر ۷۳/۱ (فوتش را در سال ۱۳۱۹ ق ثبت کرده است) و ۸۴۶/۲ (سال مرگش را، ۱۳۳۵ ق آمده است).
- ۳- نقباء البشر (قسمت خطی).

### شیخ فرج الله کاظمی «هرسینی»

(۱۳۰۴ - ۱۳۸۲ ق)

حاج شیخ فرج الله کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده اند، آن مرحوم در سال ۱۳۰۴ ق در (نور آباد) لرستان به دنیا آمده، و تا پانزده سالگی در آن سامان بسر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج السعادة) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده، و به خصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران

و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله، و مدت سه سال با آنها مبارزه و بر تحمیلات و فشارهای آنها صبر نموده، تا سال ۱۳۲۲ ق از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده، و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده، و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی در آمده و از محضرش استفاده نموده، تا موقع جنگ بین المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند، ایشان هم در ملازمت معظم‌له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال ۱۳۳۸ ق به نجف اشرف عزیمت، و از اساتید و مدرّسین آن زمان چون: شیخ احمد کاشف‌الغطاء و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده است.

در سال ۱۳۵۱ ق که به ایران مراجعت، و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده، و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نور آباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده، و حدود صدها نفر را ارشاد و از ضلالت نجات داد.

در سال ۱۳۷۱ ق برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر آیت‌الله سید حسین طباطبائی بروجردی بنابر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته، تا سال ۱۳۸۲ ق که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند ذکور و نه فرزند اناث می‌باشند که از فرزندان ذکور

دو نفر اهل علم هستند:

۱ - حاج شیخ محمد کاظم کاظمی موموندی.

۲ - شیخ علی کاظمی، نویسنده.

منابع

۱ - آثار الحجة ۵۹/۲.

۲ - گنجینه دانشمندان ۳۷۱/۶.

## فضل الله آرتا

( ۱۳۷۲ - ق )

تیمسار و سرتیپ، مدیر پلیس تأمینات شهربانی کل کشور بود.

شرح حالش در کتاب زندگینامه رجال و مشاهیر آمده است، به آن رجوع شود.

وی در ۲ / آبان / ۱۳۳۱ ش در تهران درگذشت. پیکرش در قم دفن گردید.

منبع

۱ - روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۳ / آبان / ۱۳۳۱ ش، ص ۸

## سید فضل الله خوانساری

( ۱۳۳۰ - ۱۴۰۱ ق )

سید فضل الله فرزند آیت الله سید علی اکبر و نوه سید محمد مهدی موسوی

خوانساری، که لقب « فرید » هم داشت. از فضلا و معاریف تهران بود.

در سال ۱۳۳۰ ق در خوانسار دیده به جهان گشود.

پدرش از مشاهیر علمای خوانسار بود و تحصیلات عالی خود را در نجف

اشرف نزد میرزا محمد حسن شیرازی به پایان رساند و به امر ایشان بود که به

خوانسار مراجعت نمود و در « بیدهند » توقف کرد و به تدریس علوم اسلامی

اهتمام ورزید. وی در جمادی اول / ۱۳۴۲ ق در بیدهند خوانسار درگذشت و در

کنار یکی از مساجد همانجا به خاک سپرده شد.

سید فضل الله مقدمات را در خوانسار و اصفهان به پایان برد و در سال ۱۳۴۷ ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را نزد آیات: سید احمد خوانساری و سید محمد تقی خوانساری بهره‌مند شد و دروس خارج را از حضرات آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مدت کوتاهی)، سید محمد حجت کوهکمری، میرزا محمد قمی (کبیر) و سید احمد خوانساری و حکمت متعالیه را از علامه شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود.

وی از جمله کسانی بود که سعی و جدیت زیادی نمود، جهت انتقال آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از بروجرد به قم، که در این راه توفیق یافت. ایشان در سال ۱۳۶۵ ق قم را به سوی تهران ترک گفت و در مسجد حضرت سجاد علیه السلام به اقامه جماعت و ارشاد و نیز تدریس اشتغال پیدا کرد و خدمات زیادی جهت اعتلای احکام مذهب نمود. او از جمله کسانی بود که بعد از تبعید آیت الله خمینی به ترکیه از سوی علما موفق شد از ایشان در ترکیه دیدن نماید.

سرانجام در روز اوّل / ذی حجه / ۱۴۰۱ ق در سن ۷۱ سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و پس از ادای نماز توسط آیت الله گلپایگانی در -مسجد طباطبائی - حرم حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد.

مرحوم سید فضل الله که خواهرزاده آیت الله سید احمد خوانساری بود، به افتخار دامادی اش نیز در آمد و دارای فرزندانی چون ۱ - دکتر رضا ۲ - سید مهدی خوانساری و دو دختر گردید.

#### منابع

۱ - آثار الحجة ۲/ ۲۶۴.

۲ - آینه دانشوران ۲۵۴ و ۴۹۷.

۳ - فرزندگان خوانسار ۶۳.

## میرزا فضل الله زنجانی «شیخ الاسلام»

(۱۳۰۲ - ۱۳۷۳ ق)

میرزا فضل الله ملقب به «شیخ الاسلام» فرزند علامه شیخ نصرالله و نوه میرزا عبدالرحیم زنجانی، از علمای بزرگ و صاحب فنون متعدد بود و برادر ارشد علامه میرزا ابوعبدالله زنجانی است.

وی در ۲۳ / شوال / ۱۳۰۲ ق در زنجان دیده به جهان گشود.



شیخ ابوعبدالله زنجانی

پس از رشد به تحصیل علوم دینی اشتغال پیدا کرد و سطح را نزد علامه میرزا عبدالله زنجانی (کاوندی) - متوفای ۱۳۲۷ ق و حکمت را نزد میرزا عبدالمجید زنجانی (حکمی) آموخت. نامبرده همراه برادر خود در سال ۱۳۳۱ ق به نجف اشرف رهسپار شدند و دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد فیروز آبادی و شیخ ضیاءالدین عراقی و مدت کوتاهی در کربلا از محضر میرزا محمد تقی شیرازی بهره‌مند شد.

وی دارای اجازاتی از: سید حسن صدر کاظمی، سید محمد فیروزآبادی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید محمود شکری آلوسی بغدادی (از اهل تسنن) بود. استاد مهدی مجتهدی در کتاب خود «رجال آذربایجان» درباره‌اش می‌نویسد: (آقای شیخ الاسلام زنجانی، از اجله علمای معاصر و در عالم اسلام دارای

شهرت و معروفیت است. کتابخانه او دارای نسخه های نفیس است که به رایگان در اختیار فضلالی ایران و عراق قرار دارد، با اینکه از عمرش خیلی گذشته مشغول افاضه و استفاضه است).

### از آثار او

- ۱- الردّ علی الفلاسفة فی الواحد البسیط.
- ۲- زنجان فی التاریخ، در سه جلد.
- ۳- تأصل الماهیات فی التحقّق.
- ۴- تعلیقة علی اوائل المقالات (از شیخ مفید).
- ۵- تعلیقة علی حاشیة البهبهانی علی منهج المقال.
- ۶- حاشیة علی المنظومة (قسم المنطق فقط).
- ۷- حاشیة علی رسالة حدوث العالم (از ملا صدرا).
- ۸- حاشیة علی شوارق الالهام.
- ۹- رسالة فی اثبات اصالة الماهیة.
- ۱۰- رسالة فی أن الواحد لا یصدر عنه الواحد.
- ۱۱- رسالة مسألة الكرّ و الجمع بین الروایات فی تحدیده.
- ۱۲- شرح المنظومة.
- ۱۳- علم الکلام و تاریخه فی الاسلام.
- ۱۴- شیخ الاسلام در روز یکشنبه ۱۵ / رجب / ۱۳۷۳ ق مطابق با اوّل / فروردین / ۱۳۳۳ ش در سن ۷۱ سالگی در تهران دارفانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.
- میرزا ابوعبدالله زنجانی که از علمای مشهور جهان اسلام است برادر میرزا فضل الله می باشد.

وی در سال ۱۳۰۹ ق در زنجان متولد گردید و در روز پنجشنبه ۷ / جمادی الثانی /

۱۳۶۰ ق مطابق با ۱۲ / تیر ۱۳۲۰ ش در سن ۵۱ سالگی در زنجان وفات یافت و در قبرستان بالا به خاک سپرده شد.

میرزا ابو عبدالله<sup>۱</sup> از جمله شاگردان: میرزا ابراهیم ریاضی در زنجان و حضرات آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعۀ اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اشرف بود.

از جمله آثار قلمی اش: ۱- تاریخ القرآن ۲- زندگانی محمد ﷺ ۳- شرح حال ملا صدرا شیرازی ۴- طهارة اهل الكتاب ۵- عظمت حسین بن علی علیه السلام ۶- فلسفۀ حجاب.

جهت اطلاع بیشتر به شرح حال میرزا ابو عبدالله، به کتابهای زیر مراجعه شود:  
۱- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۸۱، ۲- نقباء البشر ۱/۵۲، ۳- تاریخ زنجان ۱۴۶، ۴- مجله کیهان اندیشه، شماره ۶۶.

#### منابع

- ۱- الاجازة الكبيرة ۱۲۷.
- ۲- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان ۸۵
- ۳- المسلسلات في الاجازات ۳۵۸/۲.
- ۴- أعيان الشيعة ۴۰۷/۸.
- ۵- تاریخ زنجان ۴۰۵.
- ۶- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۸۲.
- ۷- علماء معاصرین ۲۲۴.
- ۸- مصفی المقال ۳۶۴.
- ۹- مؤلفین کتب چاپی ۸۷۱/۴ (تولدش را در سال ۱۳۰۳ ق دانسته است).
- ۱۰- نقباء البشر (قسمت خطی).
- ۱۱- وفيات علماء ۶۹۸.

## شیخ فضل الله محلاتی

(۱۳۴۹ - ۱۴۰۶ ق)



حاج شیخ فضل الله محلاتی فرزند  
حاج غلامحسین مهدی زاده (متوفای  
اواخر / تیر ۱۳۵۸ ش).

در سال ۱۳۴۹ ق مطابق با  
۱۳۰۹ ش در شهرستان محلات دیده به  
جهان گشود.

پس از رشد و نما به تحصیل علوم  
دینی روی آورد و در حسینیه شهر  
محلات حجره ای گرفت و زندگی نوینی  
در سبک طلبی آغاز کرد و دروس  
مقدماتی را به پایان برد. در سال

۱۳۶۴ ق مطابق با ۱۳۲۴ ش به حوزه علمیه قم رهسپار شد و دروس سطح را نزد  
شیخ محمد صدوقی یزدی و میرزا علی مشکینی فرا گرفت و دروس خارج را از  
محضر آیات: سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید  
روح الله خمینی و در حکمت و تفسیر قرآن مجید از محضر سید محمد حسین  
تبریزی «علامه طباطبائی» بهره مند گردید.

### سوابق مبارزاتی

آشنایی و همکاری با فدائیان اسلام، دستگیری و تبعید به مشهد مقدس  
(۱۳۳۲ ش)، شرکت در مبارزات آیت الله خمینی در سال ۱۳۴۲ ش، در سال  
۱۳۵۱ دستگیر و زندانی شد. معاون کمیته مرکزی انقلاب، تلاش جهت راه اندازی و



شکل‌گیری جامعه روحانیت مبارز تهران و انتخاب به عنوان اولین دبیر جامعه روحانیت، نماینده آیت‌الله خمینی در مراسم حج سال ۱۳۵۸ ش، نماینده مردم محلات و دلیجان در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده آیت‌الله خمینی در سپاه پاسداران، حضور مداوم در جبهه‌های جنگ.

محلاتی در تاریخ اول / اسفند / ۱۳۶۴ ش به همراه جمعی از نمایندگان مجلس و مسئولین قضایی کشور که با یک فروند هواپیما عازم جنوب بودند، در حوالی اهواز مورد اصابت موشک قرار گرفت و منفجر شد. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## شیخ فضل‌الله ناصری الیگودرزی

(۱۳۱۵ - ۱۳۹۷ ق)

شیخ فضل‌الله ناصری ملقب به «ناصرالاسلام» فرزند عباس بُرُیُودی الیگودرزی، از فضلا و اساتید گرانقدر حوزه بود.

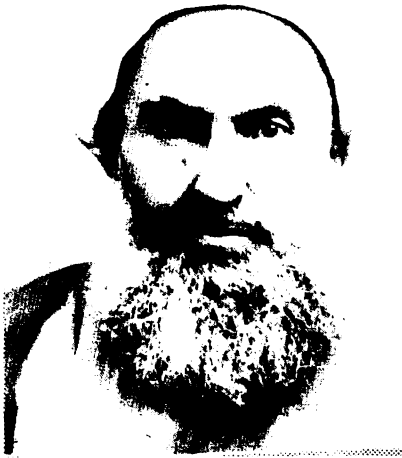
او در سال ۱۳۱۵ ق مطابق با ۱۲۷۶ ش در قریه «گندمیّه» بُرُیُود الیگودرز، متولد گردید. پس از طی دوره کودکی به اراک رفت و مقدمات و سطوح را به انجام رساند و پس از سال ۱۳۴۰ ق به قم عزیمت نمود و از محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سایرین خارج فقه اصول استفاده کرد، سپس به الیگودرز مراجعت و به ارشاد و ترویج مذهب پرداخت.

ناصری در روز شنبه ۲۹ / ذی القعدة / ۱۳۹۷ ق مطابق با ۲۱ / آبان / ۱۳۵۶ ش در سن ۸۲ سالگی در الیگودرز درگذشت، و در جوار امامزاده احمد بن موسی الکاظم علیه السلام - واقع در مقابل مزار حضرت علی بن جعفر - قم مدفون شد.

منع

## شیخ فضل الله نوری

(۱۲۵۹-۱۳۲۷ ق)



حاج شیخ فضل الله فرزند ملا عباس نوری کجوری مازندرانی، از فقها و اساتید به نام و مدافعان راه فضیلت بود.

وی در ۲ / ذی الحجه / ۱۲۵۹ ق (یا ۱۲۵۸ ق) در نور مازندران متولد گردید. مادرش همشیره محدث گرانقدر آیت الله میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسائل) بود و بعداً داماد دائی خود شد.

شیخ فضل الله پس از آموختن

مقدمات در ایران، رهسپار نجف اشرف شد و نخست جزو شاگردان آیت الله شیخ راضی نجفی در آمد، سپس از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی، بهره برد. پس از مهاجرت میرزا به سامرا در سال ۱۲۹۲ ق وی همراه میرزا حسین نوری، جزو اولین کاروان مهاجران به سامرا بودند.

او، از بزرگان شاگردان میرزای شیرازی و از افراد مورد وثوق وی بود، و درس میرزا را به رشته تحریر درآورد.

مرحوم نوری، در حدود سال ۱۳۰۰ ق به تهران بازگشت، و از جمله معارف علما و مجتهدان و فقها و محدثان و مدرسان این شهر، به شمار می آمد. در جنبش تنباکو، حضور فعال داشت و با میرزا محمد حسن آشتیانی همکاری کرد.

شیخ فضل الله نوری، از نظر علمی و فقهی و اجتماعی مورد توجه عالمان

راستین بود. علامه امینی، درباره ایشان می نویسد:

«او، امام و رهبر روحانی و پیشوای دینی بود که شعائر الهی را پاس می داشت و به نشر اندیشه و آثار دینی می پرداخت و در اعتلای حق می کوشید. وی، از رجال بزرگ اسلام و مسلمانان و پرچمدار علم و دین به شمار می آمد و از بزرگترین رهبران روحانی زمان خویش در تهران بود.»

وی، به نشر مسائل اسلامی اهتمام می ورزید و کتابهایی از خود به یادگار گذاشت که عبارتند از:

۱ - منظومه عربی «الدرر التنظيم» در قواعد کلی فقه.

۲ - رساله ای در قاعده ضمان ید.

۳ - رساله ای در مشتق، این رساله قسمتی از تقریرات درس میرزای شیرازی است که در سال ۱۳۰۵ ق در تهران چاپ شده و در سال ۱۴۰۴ ق ضمن مجموعه رسائل، تجدید چاپ گردید.

۴ - رساله تحریم استطرار حاجیان از راه جبل به مکه معظمه، چاپ تهران ۱۳۲۰ ق.

۵ و ۶ - دو رساله عملیه، مشتمل بر فتاوی میرزای شیرازی: یکی دارای ۲۳۶ مسأله، و دیگر حاوی ۶۰ مسأله که میرزای شیرازی بدانها پاسخ داده است.

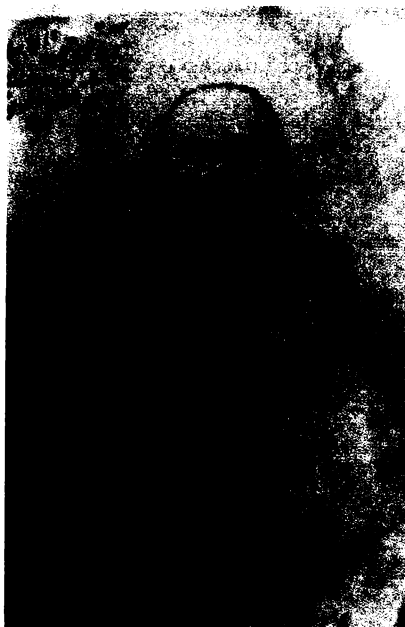
۷ - بیاض، مشتمل بر دعا و ذکر.

۸ - صحیفه قائمیه، مشتمل بر دعاهایی که از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله فرجه نقل شده است.

۹ - تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل.

۱۰ - شصت مقاله.

ایشان، به نشر کتابهای مذهبی، بخصوص کتابهای دعا، اهتمام می ورزیده و کتابهایی با حاشیه و نظارت ایشان، به چاپ رسیده است، از جمله: تحفه الزائر و زادالمعاد علامه مجلسی، اقبال سید ابن طاووس و مصباح کفعمی.



### شیخ فضل الله و مشروطیت

شیخ فضل الله نوری، با آغاز نهضت مشروطه، با علمای مشروطه خواه: سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی سنگلجی، همراه بود و در هجرت اعتراض آمیز آنان به قم، حضور داشت.

وی، در روز ۲۶ / جمادی الاولی / ۱۳۲۴ ق به سوی قم کوچ نمود و در حسن آباد، به طباطبائی، بهبهانی و سید جمال افجه‌ای ملحق شد.

همراهی وی با روحانیان و آزادیخواهان، موجب تضعیف دولت گردید، و بر قدرت عدالت خواهان افزود. دستاورد این هجرت عظیم و تاریخی، صدور فرمان مشروطه و رسمیت یافتن آن از طرف شاه بود.

سید حسن تقی‌زاده، که مخالف سرسخت حضور روحانیان و مذهب در صحنه سیاست بود، شیخ شهید را از مؤسسان مشروطه می‌داند و در این باره می‌نویسد:

«آن مرحوم، در ابتدا با دو عالم بزرگ دیگر، متحد بوده و از مشروطیت دفاع می‌نمود و مقامات علمی عالی او، وی را مؤثر می‌کرد. بعدها، بدبختانه اختلاف عقیده پیدا کرد و راه دیگر گرفت».

تقی‌زاده، در تشریح رد استقراض چهار هزار لیبره که قرار بود دولت ایران از روس و انگلیس بگیرد و مجلس اول با آن مخالفت کرد، به نقش شیخ فضل الله اشاره دارد: «تکیه‌گاه بزرگ مجلس و مایه قوت و قدرت آن، علمای بزرگ تهران بود که در

رأس آنها آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا میر سید محمد طباطبائی و حاج شیخ فضل الله نوری بودند».

بنابه اعتقاد بیشتر مورخان و اعترافهایی که از تقی زاده نقل شد، شیخ فضل الله در آغاز مشروطه با آن مخالف نبوده، بلکه جزو موافقان و مؤثران در آن بوده است. از این روی، مخالفت بعدی وی با مشروطه و طرح مشروطه مشروعه، برخاسته از شرایط و عللی است که نیاز به تأمل و تعمق دارد.

آیت الله نوری در روز شنبه ۱۳ / رجب / ۱۳۲۷ ق در تهران به دار کشیده شد و پیکرش در منزل خودش مخفیانه دفن گردید.

### غسل دادن شهید نوری

شیخ ابراهیم نوری از شاگردان و بستگان مرحوم شهید نوری که در مدرسه یونس خان عقب خانه حجره داشت، حاضر شد جنازه را غسل دهد. او می گوید: جنازه را به حمام بردیم. او غسل می داد و من کمکش می کردم.

غسل دادیم و خلعت کردیم و آن را بردیم و در اطاق پنج دری میان دو حیاط کوچک پنهان نمودیم [دفن کردند].

آن وقت آمدیم سر تابوت. تابوت را با سنگ و کلوخ و پوشال و پوشاک خوب پر و سنگین کردیم بطوری که صدا نکند و لحافی هم تا کرده روی آن کشیدیم. فرزندش حاج میرزا هادی می گوید: یک کاغذی برای متولی سر قبر آقا که از مریدان بود، نوشتم به این مضمون: «نعش پدرم را برای شما فرستادم. از آقایان مجاهدین در حجره خود پذیرائی شایسته بنمائید. دستور بدهید جنازه را ببرند و در قبرستان دفن کنند و صورت قبری بسازند. آن وقت تابوت را به مجاهدین برگردانید تا به معیت همراهان به خانه برگردند».

کاغذ را با سفارشات بدست یکی از آدمها دادم. مجاهدین را صدا کردیم و تابوت قلابی را با ایشان به سر قبر آقا فرستادیم متولی که قضیه را فهمید و به او

فهمانیدند، عیناً به مضمون کاغذ عمل کرد.

مجاهدین با تابوت خالی و با مشایعین به خانه برگشتند، بعد خودشان رفتند  
نظمیه و گزارش کفن و دفن را دادند.

امروز صبح استاد اکبر معمار را آوردیم و درهای اطاق پنج دری را که نعش آقا  
را دیشب در آن گذاشته بودیم، تیغه کردیم و رویش را گچ کاری نمودیم.

این را بگویم، که روز بعد از شهادت شیخ «پیرم» در نظمیه جشن مفصلی  
می‌گیرند و سور و سات فراوانی می‌چینند و اهل حال هم می‌روند و خوشحالی  
زیادی می‌کنند؟

روزها می‌گذشت این چیزی نبود که پنهان بماند. کم‌کم مردم فهمیدند که نعش  
شیخ در خانه اوست. صبح تا شب همینطور می‌آمدند و توی دالان پشت دیوار  
فاتحه می‌خواندند و می‌رفتند. کم‌کم سرو صدای بدخواهان بلند شده بود، از گوشه  
و کنار پیغام می‌دادند امامزاده درست کرده‌اید؟

### پس از هیجده ماه

هیجده ماه از شهادت شیخ گذشته بود. معلوم نیست چه نوع حالت سیاسی  
پیش آمده بود که بازاریها به خیال می‌افتند بیایند و امانت را بشکافند و جنازه را  
برداشته دور شهر بیفتند و «وا اسلاما، وا حسینا» راه بیندازند البته پیراهن عثمان  
برای مقصد خودشان؟ باری دو خطر درکنار بوده، یکی اینکه دولتی‌ها ناگهان بیایند  
و جنازه را در آورده به هر کجا که دلشان می‌خواست ببرند. دیگر خطر بازاریها و  
تظاهرات احتمالی ایشان، از این جهت بود که پدر من به فکر می‌افتد جنازه را از  
خانه خارج کرده به قم بفرستد، محرمانه.

حاج میرزا عبدالله سبوحی واعظ می‌گوید: یک روز زمستانی بود که خانم مرا  
خواند. خدمتشان رسیدم، دیدم دختر حاج میرزا حسین نوری زار زار گریه می‌کند.  
گفتم: خانم چه شده؟ گفت: دیشب مرحوم آقا را خواب دیدم که خیلی خوش و

خندان بود. ولی من در همان عالم خواب گریه می کردم. آقا به من گفت: گریه نکن. همان بلاهایی را که سر سیدالشهدا علیه السلام آورده اند، سر من هم آوردند. اینها می خواهند نعش مرا در بیاورند، تا در نیاورده اند زودتر جنازه مرا به قم بفرست. حالا شما را خواسته ام تا با حاج میرزا هادی کمک بکنید و نعش را هر چه زودتر از این شهر بیرون ببریم و به حضرت معصومه علیه السلام بفرستیم.



شیخ فضل الله نوری / سید محسن عراقی / سید احمد بهبهانی

این بود که همان شب آقا حسین قمی و پسرش آقا نوری را خبر کردیم و با حضور خانم و حاج میرزا هادی و حاج میرزا علی اکبر محرر، صندوق را شکافتیم و نعش را در آوردیم. با اینکه دو تابستان از آن گذشته بود و جایش هم نمناک بود، معذک جسد پس از هیجده ماه همانطور تر و تازه مانده بود. جایش نمناک بود برای اینکه پشت کوچه و جوی آب بود. کفن کمی زرد شده بود. این بود که به دستور خانم دوباره کفن کردیم، از نو کفن کردیم و نمد پیچ نمودیم و همان شبانه آن را از ته دالان و راه سرتون به مسجد یونس خان که پشت خانه بود بردیم. شب آنجا بود. صبح به اسم یک طلبه ای که مرده آن را با درشکه به امامزاده عبدالله علیه السلام بردیم. در امامزاده عبدالله شب آن را در حجره ای قرار دادیم و شیخ علی اکبر قاری را،

بالای سر او برای قرائت قرآن گذاشتیم. شب یک نفر ناشناس برای شیخ علی اکبر نان و تخم مرغ و چوب سفید برده بود. زمستان بود.

صبحش جنازه را روی سقف دلیجانی گذاشتیم و به طرف حضرت معصومه علیها السلام حرکت کردیم. در دلیجان من بودم و حاج میرزا هادی بود و آقا حسین و حاج میرزا علی اکبر محرر و برادرش میرزا فضل الله. مشهدی علی هم به پهلوی سورچی نشسته بود. شیخ شهید زمان حیات خود در صحن مطهر برای خودش مقبره‌ای تهیه کرده بود و یک روزی به سید موسی متولی آن گفته بود: این زمین نکره یک روزی معرفه خواهد شد.

نزدیک قم که رسیدیم از ترس اینکه مبادا شناخته و سر و صدا بلند شود. کاغذی به متولی نوشتیم که زنی از خاندان شیخ فوت کرده، می‌خواهیم در مقبره دفن کنیم و به حاج میرزا هادی سپردیم هنگام دفن تو جلو نیا، مبادا قضیه کشف شود، او هم نیامد.

شب جنازه در مقبره ماند، صبح با شتاب تمام قبری به حد نصاب شرعی کردیم فرصت اینکه عمیقش کنیم نداشتیم مبادا ناگهان خبر شوند سر وقت ما بیایند. قبرکنده شد. من در ته قبر رفتم و سر را گرفتم و مشهدی علی پاها را گرفت و در قبر گذاشتیم. مهر تربتی را هم که خانم داده بود زیر سر آقا نهادیم، شما بگوئید نعش پس از هیجده ماه کمترین بوی عفونتی داشت، نداشت. حاج میرزا عبدالله سبوحی واعظ می‌گوید: من بالا آمدم و خاک ریختم و رفتم.

فرزندانش:

- ۱ - میرزا هادی ۲ - شیخ مهدی ۳ - میرزا ضیاء الدین کیا ۴ - میرزا جلال الدین کیا و هشت دختر.

منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۱۳۴.



- ۲ - الاجازة الكبيرة ۴۲۰.
- ۳ - المآثر و الآثار.
- ۴ - أحسن الودیعة ۵۹/۲.
- ۵ - شهدای روحانیت ۱۱۴.
- ۶ - شهداء الفضيلة ۳۵۴.
- ۷ - علماء معاصرین ۹۴.
- ۸ - فوائد الرضویه ۳۵۲.
- ۹ - گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۴.
- ۱۰ - مجله حوزة، شماره ۶۶ سال ۱۳۷۳ ش، ص ۴۸.
- ۱۱ - معجم المؤلفین ۷۴/۸.
- ۱۲ - مکارم الآثار ۱۶۰۵/۵.
- ۱۳ - مؤلفین کتب چاپی ۸۶۱/۴.
- ۱۴ - نقباء البشر (قسمت خطی).
- ۱۵ - هدیة الرازی الی المجدد الشیرازی ۱۴۴.

## سید فضل الله هاشمی طالخونچه‌ای

(ح ۱۳۲۳ - ۱۴۱۳ ق)

سید فضل الله هاشمی فرزند سید حسین موسوی طالخونچه‌ای اصفهانی، از فضلالی معاصر بود.

ایشان متولد حدود سال ۱۳۲۳ ق در طالخونچه اصفهان بود. و پس از فراگیری مقدمات به مدرسه کاسه گران اصفهان رفت و از محضر آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب در سطوح استفاده نمود، سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر آیات: سید علی علامه فانی اصفهانی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود و پس از ۲۸ سال اقامت به ایران مراجعت کرد و در قم سکونت اختیار نمود، و تا

آخر در آنجا زیست.

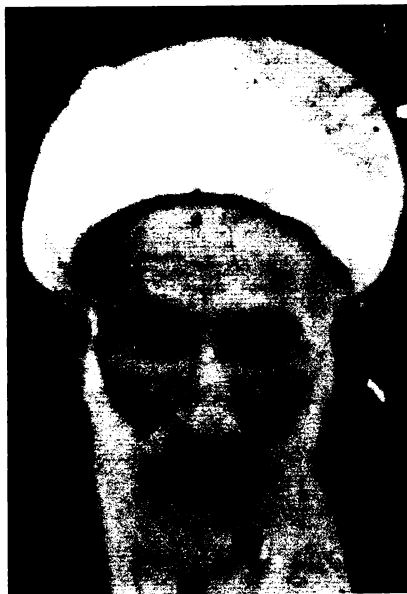
هاشمی در ضمن در ایام تبلیغ به استان اصفهان می‌رفت و به وعظ و ارشاد مذهب اشتغال می‌نمود.

از آثار او: تذکر المتذکرین (در اخلاق).

سرانجام در رجب / ۱۴۱۳ ق مطابق با دی / ۱۳۷۱ ش در پی کسالت، در حدود ۹۰ سالگی در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.  
از وی فرزندی به نام سید رضا (اهل علم) و دو دختر به جای مانده است.

## شیخ فضل علی قزوینی

(۱۲۹۰ - ۱۳۶۷ ق)



زندگینامه معظم‌له به قلم فرزند دانشمندش شیخ محمود شریعت مهدوی تهیه و تنظیم شده، که آن را عیناً در اینجا می‌آوریم:

بسمه تعالی

سماحة الحجة آيت الله الحاج

الشيخ فضل علی قزوینی رحمته الله.

متولد سنه ۱۲۹۰ ق [در قزوین]

متوفی سنه ۱۳۶۷ ق کما فی الذریعه ج

۲۰ ص ۲۵۸، فرزند مرحوم علامه زاهد

بارع تقی مولی ولی محمد رحمته الله، در قزوین

دوره مقدماتی را در مدرسه صالحیه

تکمیل سپس عازم تهران و از اساتید بزرگ بهره‌مند شده، متوجه حوزه علمیه

اصفهان شدند، چندی اقامت نموده در بین محصلین مشار بالبنان گردیده، به مقصد نهائی - نجف اشرف - باب علم عزیمت نموده، پس از انتخاب بحث آیت الله مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در زمره تلامذه مخصوص ایشان قرار گرفته، در مجالس خصوصی و فتوائی حضور داشتند. کفایة الاصول را به نظر معظم له می‌رساندند [او نیز از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، و شیخ الشریعه اصفهانی بهره‌مند گردیده است].

بالاخره حسب الامر استاد خود [در حدود سال ۱۳۲۷ ق] مراجعت به ایران در وطن مألوف مرجع مراجعات عمومی و مرافعات بودند. لکن شدت علاقه به زیارات و بحث و تدریس به طور اغلب در مسافرت بودند. در حوزه علمیه قم [نیز از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نموده است] و در مشهد مقدس به قدر امکان از ایشان جهت استفاده علمی و معنوی استقبال می‌نمودند، خاصه آیتین علمین همدانین آخوند ملا علی و مرحوم میرزا محمد رحمته و چون در بعض علوم اطلاعات داشتند، در مشهد مرحوم حاج شیخ حسن علی اصفهانی [نخودکی] با ایشان روابط حسنه و ممتدی داشت.

تا آنکه در فتنه کشف حجاب (در سال ۱۳۱۴ ش) در منزل آماده پذیرائی بودند، ناگاه یکی از دوستان خصوصی به عجله و هراسان وارد شد، مخفیانه و به طور ناگهانی به ایشان گفت: در فرمانداری بودم نام حضرت عالی و چند نفر از علمای قزوین مطرح شد که برای شرکت در مجلس جشن با همسرشان دعوت خواهند شد. معظم له با حالت اضطراب شدید، ضمناً درسی عملی به سایرین چشم از جمیع ماکان پوشیده، فرار را برقرار اختیار، خائفاً یتروّب به اسرع وقت پناه به قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بردند. و حدود ۱۴ سال در آنجا علاوه بر بحث و تدریس، کتب مشروحه زیر را در آنجا تألیف نمودند، سپس به اشتیاق زیارت ثامن الائمه (علیه آلاف التحية والثناء) حرکت و در دار الایمان قم منزل حضرت آیت الله آقای حاج سید ابوالقاسم روحانی به واسطه انتسابی که داشتند

نازل، مورد احترام بی سابقه همه علما خاصه حضرت آیت الله مرحوم طباطبائی بروجردی زعیم عالی قدر شیعه قرار گرفتند، که در اولین ملاقات در ضمن تجلیل از معظم له تقدیر نمودند، از حق حیاتی که در گذشته در فتنه مسجد گوهرشاد مشهد از فکر ایشان معظم له و حضرت آیت الله بروجردی و هم حضرت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی داشتند که اگر راهنمایی معظم له نبود هر سه در خطر بسیار عظیم واقع شده بودند. بالاخره پس از چند روز اقامت در قم همانطور که آرزوی ایشان بود که زائراً از دنیا بروند به مقصد اصلی نرسیده فوت نمودند (در روز یکشنبه ۵ / شعبان / ۱۳۶۷ ق مطابق با ۲۳ / خرداد / ۱۳۲۷ ش به سن ۷۷ سالگی در قم درگذشت) و در شیخان قم قرب مزار میرزای قمی دفن شدند. عاش سعیداً و مات سعیداً.

### آثار باقیه ایشان:

۱ - سه جلد کتاب مقتل، جلد اول اصحاب حضرت سید الشهداء علیه السلام، جلد دوم احوال و زندگانی خود آن حضرت، جلد سوم بانوان و زنانی که در کربلا حضور داشتند.

۲ - کتاب الجعفر و المذهب، زندگانی و حالات رئیس مذهب حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) و حالات رؤسای چهار مذهب.

۳ - شرح خطبه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیه السلام معروف به خطبه لمّه.

۴ - مختصری از حالات حضرت معصومه علیه السلام.

بقیه نوشته‌جات و بعضی کتب دیگر در طول چهارده سال مهاجرت در قزوین دستخوش حوادث گردید بقیه قابل استفاده نبود، مترجم له در سومین دوره مجلس شورای ملی حرم ۱۳۳۳ ق از شهر قزوین به نمایندگی انتخاب و راهی تهران گردید، ولی قبل از انتهای دوره، استعفای خود را تقدیم رئیس مجلس نمود.

## فرزندانش

۱ - آیت الله شیخ محمود شریعت مهدوی که ساکن قزوین بود و یک دختر که همسر علامه سید احمد روحانی قمی بود.

## کتاب منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۳۲۰.
- ۲ - گنجینه دانشمندان ۲۷۹/۹.
- ۳ - مینودر باب الجنة قزوین ۷۶/۳ (نام پدرش را ولی الله نوشته که اشتباه است).
- ۴ - نقباء البشر (خطی) و ۵ - الذریعه ۲۵۸/۲۰.
- ۶ - نمایندگان مجلس شورای ملی ۳۵۰.

## فیض الله سعادت کرمانشاهی

(۱۳۲۶ - ۱۳۸۵ ق)

فیض الله فرزند اسدالله کرمانشاهی، ملقب به «سعادت». در سال ۱۳۲۶ ق مطابق با ۱۲۸۷ ش در کرمانشاه متولد گردید.

## خدمات مطبوعاتی

وی خدمات مطبوعاتی را از سال ۱۳۰۵ ش با نویسندگی و سردبیری چند نشریه محلی در کرمانشاه آغاز کرد، و از سال ۱۳۲۸ ش روزنامه «سعادت ایران» را هر ۱۵ روز یکبار در آن شهرستان منتشر ساخت، سپس آن را به تهران منتقل ساخت و سه بار در هفته گردید تا سال ۱۳۴۲ ش منتشر شد.

یکی از سردبیران هفته نامه «فصاحت» منتشر سال ۱۳۱۱ ش در کرمانشاه بود. و نیز سردبیر روزنامه «کوکب غرب» منتشر سال ۱۳۰۸ ش در کرمانشاه بود. وی چاپخانه سعادت را در سال ۱۳۱۶ ش در کرمانشاه تأسیس کرد، و خدمات فرهنگی شایسته ای کرد.

ایشان در روز جمعه ۲۲ / ربیع الثانی / ۱۳۸۵ ق مطابق با ۲۹ / مرداد / ۱۳۴۴ ش درگذشت، و در وسط قبرستان حاج شیخ قم به کد (۱۹۲۸۴) به خاک سپرده شد.

#### منابع

- ۱ - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۴۱۲.
- ۲ - چهره مطبوعات معاصر ۱۹۰ و ۲۸۹.
- ۳ - فهرست روزنامه‌های فارسی ۱۱۶.

\*\*\*



## ق

## شیخ قاسم اسلامی

( ۱۴۰۰ ق )

حاج شیخ قاسم اسلامی فرزند حاج حسن رجبی، از دانشمندان و سخنوران و مدافعان راستین آئین تشیع در تهران بود. تولدش در تهران اتفاق افتاد.

وی مقدمات علوم دینی را در تهران نزد شیخ فومنی به پایان برد و در سن ۱۶ سالگی به قم رهسپار شد و دروس سطح را آموخت و خارج را از محضر آیات: سید محمد تقی خوانساری و سید علی یثربی کاشانی و حکمت را از محضر شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیر کلائی» بهره‌مند شد و خود به تدریس سطح پرداخت. آن گاه به تهران بازگشت و در مدرسه مروی به تدریس خود ادامه داد و در شمیران به ارشاد و هدایت و وعظ اشتغال داشت.

اسلامی مدت چهل و سه سال در مجالس و محافل و نیز بر روی منابر به تبلیغ آئین تشیع اشتغال داشت و بر اثر انتقاد و مخالفت‌های فراوان با رژیم گذشته، پنجاه و یک مرتبه به زندان و تبعید محکوم شد. همین طور شکنجه‌های زیادی در سیاه‌چال‌ها متحمل گردید.



## از آثار او

- ۱ - آتش انقلاب، در ردّ کسروی.
- ۲ - آغاز جنگ خانوادگی در اسلام.
- ۳ - اخلاق علوی.
- ۴ - از بعثت تا رحلت.
- ۵ - از رحلت تا شهادت.
- ۶ - اشکی بریز.
- ۷ - الأبحاث اللاهوتية.
- ۸ - الأربعون العلوية.
- ۹ - الانسان الملكوتي.
- ۱۰ - الخلود.
- ۱۱ - الكوكب الدّری.
- ۱۲ - امامت در اسلام، دو جلد.
- ۱۳ - ایضاح المطالب فی شرح المكاسب، در چند جلد.
- ۱۴ - بحث و تحقیق حکم ریش تراشی از نظر اسلام.
- ۱۵ - پاسخ دکتر علی شریعتی، دو جلد.
- ۱۶ - پدر، مادر پوزش می طلبیم.
- ۱۷ - پیوند اشک و خون، ناگسستنی است.
- ۱۸ - ترورچیان عقاید از شین تا شین.
- ۱۹ - تشیع یا مکتب نهایی انسانها، دو جلد.
- ۲۰ - تقریرات درس آیت الله خوانساری.
- ۲۱ - تقریرات درس آیت الله یثربی.
- ۲۲ - تقلید اعلم.
- ۲۳ - تلفنی از برزخ.

۲۴ - تيسير الوصول في شرح كفاية الاصول، در دو جلد.

۲۵ - چگونه باز می‌گردیم؟

۲۶ - حجاب در اسلام.

۲۷ - خرد داوری کند.

۲۸ - خروج خر دجال ( در ردّ مردوخ کردستانی ).

۲۹ - دومین جنگ خانوادگی در اسلام.

۳۰ - رسالة في الاستصحاب.

۳۱ - رسالة في حجية الخبر الواحد.

۳۲ - رسالة في قاعدة لاضرر.

۳۳ - روحانیت.

۳۴ - ریشه خیانت‌های اموی.

۳۵ - سخنی چند با علی شریعتی.

۳۶ - سومین جنگ خانوادگی در اسلام.

۳۷ - شرح الفیه بحر العلوم.

۳۸ - شرح اللمعة الدمشقية.

۳۹ - شرح معالم الاصول.

۴۰ - شرح منظومه سبزواری.

۴۱ - شرحی بر رسائل، در چند جلد.

۴۲ - شفاعت.

۴۳ - غوغای نافر جام « پاسخ میزگرد ».

۴۴ - کتاب الطلاق.

۴۵ - ماذا تقضون؟

۴۶ - متعه در اسلام.

۴۷ - معراج.

۴۸ - مهر تابان در تفسیر قرآن، در ۱۸ جلد.

۴۹ - نبرد با شایعه سازی.

۵۰ - نظام روحانی و سیاسی در اسلام.

۵۱ - وسواس ختناس.

مرحوم اسلامی پس از اذان مغرب (ساعت ۸/۵) روز یکشنبه ۱۴ / رمضان / ۱۴۰۰ ق مطابق با ۵ / مرداد / ۱۳۵۹ ش و قبل از تناول افطار توسط ضرب دو موتور سوار در درب خانه اش در شمیران - تهران - به شهادت رسید. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

#### منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

۲ - گنجینه دانشمندان ۳۳۶/۲.

۳ - مؤلفین کتب چاپی ۸۹۰/۴.

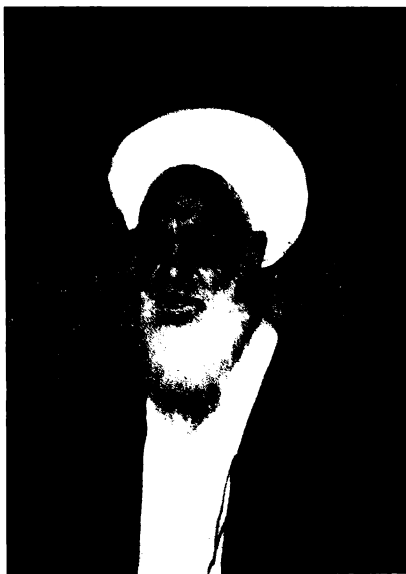
## شیخ قدرت الله وجدانی فخر سرابی

(۱۳۵۱-۱۴۱۷ ق)

شیخ قدرت الله فرزند سیف الله فرزند علی بن حمزه سرابی، معروف به «وجدانی فخر»، در سال ۱۳۵۱ ق مطابق با ۱۳۱۱ ش در روستای «جهیزدان» - از روستاهای شهر سراب، از شهرهای آذربایجان ایران - به دنیا آمد.

چهارده ساله بود که با آغاز سالهای جوانی، در روستای «اسب فروشان»، نزد مرحوم شیخ عبدالعلی و مرحوم شیخ یوسف، ادبیات عرب را فراگرفت و سپس به سراب رخت سفر کشید و نزد حجج اسلام شیخ عبدالله حقی و شیخ حسین محدثی، مقدمات را آموخت و سپس، در طی سفری کوتاه مدت به تبریز، نزد استادان نامدار آن سامان، شرح لمعه را خواند.

شانزده ساله بود که در سال ۱۳۲۷ ش به شهر مقدس قم آمد و نزد آیات: سید



شهاب الدین مرعشی، سید محمد باقر طباطبائی سلطانی، شیخ محمد صدوقی یزدی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی - که رحمت خدا بر آنان باد - به فراگیری درس های خارج فقه و اصول را آغاز کرد و از حضرات آیات: سید محمد حجّت کوهکمری (مدت کوتاهی)، سید حسین طباطبائی بروجردی، شیخ عبدالنبی عراقی (پدر همسرش)، سید کاظم شریعتمداری، سید کاظم تبریزی، سید روح الله

خمینی، سید محمد داماد یزدی، شیخ محمد علی اراکی و دیگر بزرگان حوزه علمیه قم بهره ها برد.

پس از پشت سر نهادن سالها تلاش در راه فراگیری دانش، از حضرات آیات: شیخ عبدالنبی عراقی، مرعشی نجفی، سید ابوالقاسم کاشانی و برخی دیگر از اساتید اجازه اجتهاد گرفت که تمامی این اجازه ها به خط و امضای نامبردگان، نزد بازماندگان وی موجود است.

همچنین از بزرگان دین و دانش چون: شیخ عبدالنبی عراقی، مرعشی نجفی، سید محسن طباطبائی حکیم، شیخ محمد علی اراکی و سید ابوالقاسم خویی اجازه روایت گرفت که این اجازه ها هم همگی به خط و امضای نامبردگان، نزد بازماندگان موجود است.

ناگفته نماند که این استاد ارجمند از همان آغاز دانش اندوزی، به تدریس نیز پرداخته است و پس از گفتن مقدمات، بارها برخی کتاب های درسی حوزه علمیه را به شرح زیر تدریس کرده است:



۱ - شرح منظومه منطق و منظومه  
فلسفه نزدیک به پنج بار، در حرم  
حضرت معصومه علیها السلام.

۲ - شرح لمعه (نزدیک به بیست و دو  
بار، در حسینیه آیت الله مرعشی نجفی).  
در اینجا، گفتنی است که آن مرحوم  
- پس از آن که چهل و سه سال پیش به  
بیماری صعب العلاج گرفتار آمد - با  
خدای خود عهد کرد که اگر شفا یابد، تا  
آنجا که برایش مقدور است، تدریس  
شرح لمعه را رها نکند و خداوند

سبحان نیز او را که بارها به زیارت بانوی بزرگ اسلام فاطمه معصومه علیها السلام رفت و به  
آن حضرت متوسل شده بود، شفا داد و او تا روزی که نزد خدایش رفت، تدریس  
شرح لمعه را که بیش از هفتصد تن از طلاب و فضلا در آن گرد می آمدند، ترک نکرد.

۳ - رسائل و مکاسب (نزدیک به ده بار، در مسجد اعظم).

۴ - کفایة الاصول (نزدیک به پنج بار، در مسجد اعظم).

۵ - تجرید الاعتقاد (چندین بار).

وجدانی فخر در طول عمر پر بار خویش علاوه بر تدریس، آثار قلمی

ارزشمندی از خود به جای گذاشت که عبارتند از:

۱ - آداب معاشرت در اسلام (یا راهنمای انس و مودت).

۲ - اجتهاد در اسلام.

۳ - الإيضاح فی الطلاق و النکاح (به صورت صیغ العقود).

۴ - الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة (در ۱۶ جلد).

۵ - انوار منطقیه.

۶- تقریرات درس استادش شیخ عبدالنبی عراقی.

۷- رساله‌ای در قاعده لا ضرر.

۸- رساله عملیه.

۹- فقه استدلالی درباره کسبهای حرام.

۱۰- کار و کوشش.

۱۱- وظائف المکلفین فی الاصول و الفروع من الدین.

این محقق گرانقدر سرانجام در بامداد روز شنبه ۲۷ / مرداد / ۱۳۷۵ ش برابر با آغاز / ربیع الثانی / ۱۴۱۷ ق در پی سکنه مغزی در بیمارستان خاتم الانبیاء علیهم السلام تهران، دیده از جهان فرو بست و پیکر وی عصر روز یکشنبه در قم تشییع و در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

لله منیع

شرح حال فوق در روز ۱۳ / رجب / ۱۴۱۶ ق از زبان آن مرحوم در منزل ایشان در قم یادداشت نمودم.

## شیخ قربانعلی ذوالقدر زنجانی

(۱۳۵۳- ۱۴۱۷ ق)

شیخ قربانعلی فرزند لطف علی ذوالقدر زنجانی، از مدرسین حوزه علمیه قم بود. تولدش در ۱۶ / ذی حجه / ۱۳۵۳ ق در قریه (خان احمد حصاری) از توابع زنجان اتفاق افتاد.

در سن ۶ سالگی به مکتب راه یافت و علوم اولیه را آموخت، در سال ۱۳۷۲ ق به زنجان رفت و پس از دو سال در سال ۱۳۷۴ ق به قم عزیمت نمود، و سطوح را از محضر آیت الله سید محمد باقر طباطبائی سلطانی و سایرین تلمذ کرد، و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محمد داماد یزدی، شیخ مرتضی حائری یزدی، میرزا هاشم آملی، و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده نمود، در ضمن اسفار را از

محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی»، و شیخ مرتضی مطهری فریمانی بهره‌مند گردید، سپس خود شروع به تدریس نموده و تا سطوح هم تدریس کرده است.

وی در روز پنجشنبه ۸ / ربیع الاول / ۱۴۱۷ ق مطابق با ۴ / مرداد / ۱۳۷۵ ش در اثر بیماری در قم درگذشت، و جسدش روز جمعه تشییع و در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

### منابع

۱ - خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران ۴۱۱.

۲ - گنجینه دانشمندان ۱۵۹/۹.

## شیخ قنبر علی توسلی مازندرانی

(۱۳۰۹ - ۱۳۸۱ ق)

وی در سال ۱۲۷۰ شمسی در روستای کله‌بست (که از توابع بابل محسوب می‌شد) در یک خانواده متدین دیده به جهان گشود.

پس از گذراندن آموزش قرآن در مکتبخانه روستا و بخاطر شور و شوق وافر که نسبت به معارف قرآنی داشت، در سن ۱۲ سالگی جهت تحصیل علوم دینی راهی شهر بابل گشته و در مدرسه آستانه از محضر اساتید نامور چون: ملا محمد جان علامه، سید عبدالرسول صدرایی، سید محمد باقر حجتی، سید محمد تقی عدنانی و سید علی ثقة الاسلام بهره‌های وافربرد.

آنگاه جهت نیل به فیوضات علمی بیشتر به شهر قم مهاجرت کرده و در کنار مرحوم آیت الله شیخ علی موحد از خرمن پرفیض حضرات آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری و شیخ ابوالقاسم قمی (کبیر) خوشه‌های فراوان چید و به مراحل بلند علمی دست یافت و با دریافت اجازات متعدد و جهت انجام وظایف شرعیه عازم وطن گشت.

وی پس از ورود به کلبه‌بست به ترویج معارف و احکام نورانی اسلام و تفسیر قرآن و اقامه جماعت در مسجد جامع پرداخت و به تهذیب نفوس مؤمنین کمر همت بست و خدماتش هم اکنون نیز بر سر زبانهاست.

وی عالمی پارسا و دایم‌الذکر و در عین حال بسیار متواضع و زاهد بوده است و نظراتش در امور مختلف، از جمله حلّ منازعات برای همگان محترم و مورد قبول بوده است.

به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت: شدیداً عشق می‌ورزید و در هنگام شنیدن مصائب آن بزرگواران به شدت منقلب گشته و با تمام وجود اشک می‌ریخت. با آنکه خود عالمی بزرگ و در منطقه صاحب نام بود، اما نسبت به همگان مخصوصاً اهل علم بسیار متواضعانه و با رأفت برخورد می‌کرد تا آنجا که در بعضی اوقات، شخصاً به دیدن طلاب و روحانیون جوان منطقه می‌رفت.

معظم‌له در ساده زیستی هم زبانزد مردم بود و با تأسی از ائمه اطهار علیهم‌السلام با تلاش و کوشش در امور کشاورزی، امرار معاش می‌نمود.

آن بزرگوار پس از عمری خدمت و تلاش در جهت احیای معارف دین و ترویج احکام نورانی اسلام در سال ۱۳۸۱ ق برابر با ۱۳۴۰ شمسی دارفانی را وداع گفت. پیکرش پس از تجلیل فراوان از سوی مؤمنین و علمای منطقه؛ به شهر قم منتقل و در قبرستان شیخان مدفون گردید.

❦ منبع

۱ - آشنائی با فرزندان بابل ۳۴۶.

## شیخ قوام اسلامی جاسبی

(ح ۱۳۲۲-۱۴۰۷ ق)

حاج شیخ قوام (نامش محمد است) فرزند ملا حسین اسلامی جاسبی قمی، از فضلا و نویسندگان حوزه علمیه قم بود.





تولدش در حدود سال ۱۳۲۲ ق در روستای «بیجگان» از توابع جاسب قم اتفاق افتاد.

در سن جوانی به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی آموخت. سطح را نزد آخوند ملا علی همدانی تلمذ کرد و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ ابوالقاسم قمی (کبیر) و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و اخیراً از محضر سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود.

### از آثار او

- ۱ - بشارة المؤمنین در تاریخ قم و قمین.
- ۲ - صراط مستقیم در شرح رسالۀ حقوق (امام سجاد علیه السلام).
- ۳ - کرامات حضرت معصومه علیها السلام.
- مرحوم اسلامی جاسبی در روز دوشنبه ۳ / جمادی الاول / ۱۴۰۷ ق مطابق با ۱۳ / بهمن / ۱۳۶۵ ش در حدود سن ۸۵ سالگی در قم درگذشت، و پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد. وی داماد آیت الله شیخ محمد علی اراکی بود.

### منابع

- ۱ - آینه دانشوران ۳۲۸.
- ۲ - افادات حجة الاسلام شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی.

## سید قوام‌الدین موسوی زنجان

(ح ۱۳۳۸ - ۱۴۲۰ ق)

حاج سید قوام‌الدین فرزند علامه سید محمد حسین و نوه سید قوام‌الدین فرزند سید مؤمن موسوی کله‌ای طارمی زنجان، از فضایی متقی معاصر بود. نیای ایشان سید مؤمن از کاظمین (عراق) به «کلیج» زنجان رفت و آنجا سکونت اختیار نمود. جدش از علما بود.

اما پدرش سید محمد حسین (متوفای ۱۳۸۲ ق) در روستای کلیج متولد شد و در قزوین و اصفهان و نجف اشرف تحصیل نمود. وی در سفر زیارتی مشهد مقدس در سال مذکور درگذشت و در قبرستان باغ رضوان مدفون شد.

سید قوام‌الدین در حدود سال ۱۳۳۸ ق در اصفهان به دنیا آمد. مادرش از سادات معروف «امامی» اصفهان بود. تا سن هشت سالگی در آنجا پرورش یافت، سپس به همراه خانواده‌اش به زنجان رفت و مقدمات را آموخت. در سن جوانی به قم عزیمت کرد و سطح را خدمت آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی استفاده نمود. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبایی بروجردی بهره‌مند گردید.

مدت کوتاهی در نجف اشرف بسر برد و از فقهای آن حوزه کهن بهره‌ها برد. سپس به قم مراجعت فرمود و مشغول تدریس و تربیت طلاب شد. در اخلاق، سلوک، فروتنی و دیگر ملکات فاضله، سرآمد اقران بود. در وفا و صفا بسیار ممتاز و اسوه‌ای برجسته برای دیگران بود. طبعی لطیف و روحی شفاف داشت.

ایشان در آستانه رحلت کربمه اهل بیت علیهم‌السلام حضرت معصومه علیها‌السلام، سال ۱۴۲۰ ق در اثر کهولت سن در قم بدورد حیات گفت، و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد.

منابع

۱ - اطلاعات متفرقه.

۲ - تاریخ زنجان.

## شیخ قوام‌الدین و شنوهای قمی

(۱۳۲۵-۱۴۱۸ ق)



حاج شیخ قوام‌الدین (نامش محمد است) فرزند حبیب‌الله و شنوهای قمی، از دانشمندان و فضلا و نویسندگان معاصر حوزه علمیه قم بود. تولدش در سال ۱۳۲۵ ق مطابق با ۱۲۸۶ ش در روستای بیلاقی «شنوه» از توابع بخش «کهنک» قم اتفاق افتاد. وی دوران جوانی خود را در آنجا گذراند و در سال ۱۳۴۵ ق جهت تحصیل علوم دینی به قم رفت و

مشغول فراگیری ادبیات گردید. در سال ۱۳۴۷ ق به مدت یک سال رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف شد و بخشی از شرح لمعه را نزد سید ابوالقاسم روحانی قمی و قسمتی از مطول را نزد شیخ مرتضی طالقانی آموخت و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مراجعت نمود. و شرح لمعه را نزد سید شهاب‌الدین مرعشی به پایان برد و پس از سپری کردن دروس سطح، مباحث خارج را ابتدا از محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و بعداً از محضر آیات: شیخ محمد علی حائری قمی (اصول فقه)، سید محمد حجت کوهکمری (فقه و اصول)، سید محمد تقی خوانساری (فقه)، سید حسین طباطبائی بروجردی (فقه و اصول) و سید شهاب‌الدین مرعشی (فقه و اصول) استفاده نمود.

ایشان دارای اجازاتی از حضرات آیات: میرزا محمد همدانی، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی و سید شهاب‌الدین مرعشی بود.



شیخ قوام‌الدین وشنوه‌ای قمی

شیخ محمد رضا مهدوی کنی



## از آثار او

۱- ازاحة الشبهة في الاعتراض على النذر للمشاهد المشرفة.

- ۲- اصحاب پیامبر ﷺ در غزوة صفین از طرق اهل سنت.
- ۳- الأحادیث النبویة.
- ۴- الأربعون حدیثاً.
- ۵- الحجاب في الاسلام، ۱۳۷۹ ق، قم رفعی، ۱۰۲ ص.
- ۶- القول الموجز في شأن زکریا بن آدم القمی.
- ۷- النور الساطع فی أحوال الامام جعفر الصادق علیہ السلام.
- ۸- تاریخ الاسلام، در سه جلد.
- ۹- تلخیص الرياض النضرة.
- ۱۰- تلخیص کنوز الحقائق (اثر مناوی).
- ۱۱- تهذیب الخراج لکتاب الخراج.
- ۱۲- حدیث الثقلین.
- ۱۳- حدیث متواتر رایه.
- ۱۴- ردّ رساله حجاب خالصی زاده.
- ۱۵- ردّ رساله حجاب سروان ملایری.
- ۱۶- رساله ای در لباس خز و سنجاب و سمور.
- ۱۷- سیره النبی ﷺ، در سه جلد.
- ۱۸- غزوة خیبر من طرق العامة.
- ۱۹- فضائل المعجم الصغیر (اثر طبرانی).
- ۲۰- فضائل امیرالمؤمنین علیّ از مسند احمد بن حنبل.
- ۲۱- کُتب النبی ﷺ الی الملوك و غیرهم.
- ۲۲- مباهله از طرق اهل سنت.
- ۲۳- مصباح الاستیعاب و الاصابة، دو جلد.
- ۲۴- مصباح الغابة لکتاب اسد الغابة، دو جلد.
- ۲۵- مصباح المسند از مسند احمد بن حنبل.

۲۶ - مقتل امام حسین علیه السلام.

۲۷ - مکارم الأخلاق في أخلاق الأئمة الأطهار عليهم السلام.

۲۸ - نخبة المقال في تهذيب كتاب الأموال.

۲۹ - هزار کلمه از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، همراه با ترجمه فارسی.

و شنوهای سرانجام در پی بیماری ممتدی در صبح روز شنبه اول / صفر /

۱۴۱۸ مطابق با ۱۷ / خرداد / ۱۳۷۶ ش در منزل شخصی خود در قم دار فانی را

وداع گفت. پیکرش روز یکشنبه تشییع و در صحن حضرت معصومه علیه السلام - کنار مقبره

اتابک اعظم - به خاک سپرده شد.

منابع

۱ - آثار الحجة ۱۵۸/۲ (تولدش را در سال ۱۳۲۹ ق دانسته که اشتباه است).

۲ - مؤلفین کتب چاپی ۶۸۶/۵

۳ - یادداشت شخصی آن مرحوم درباره زندگانی‌اش.

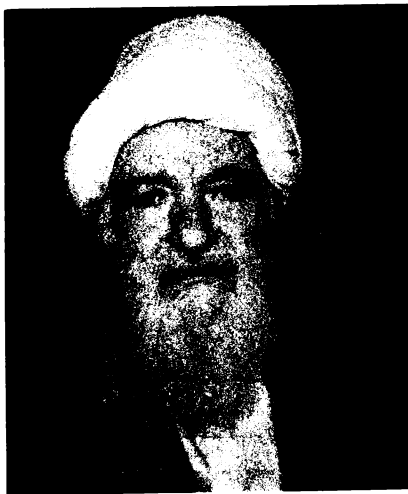
\*\*\*



ک

## میرزا کاظم تبریزی

(۱۳۴۰-۱۴۱۶ ق)



میرزا کاظم تبریزی از علمای مشهور حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم به شمار می‌رفت. فقید سعید به سال ۱۳۴۰ ق در (محلۀ شتربان) تبریز به دنیا آمد و پس از پشت سر نهادن دوران کودکی در دامان پدر خود میرزا فرج‌الله و نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. ادبیات و سطوح را در تبریز فراگرفت و در نوزده سالگی (۱۳۵۹ ق) به تهران رفت و فلسفه و کلام را از اساتید وقت آموخت.

در ۱۳۶۱ ق به نجف اشرف مشرف شد و در محضر اساتید وقت سطوح عالیه و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال را فراگرفت. برخی از اساتیدش عبارتند از



حضرات آیات: میرزا آقا اصفه‌باناتی، شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، شیخ موسی خوانساری، شیخ محمد رضا آل یاسین (در فقه)، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، سید محسن حکیم (در فقه)، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجان‌ی و سید ابوالقاسم خوئی (که بیش از بیست سال از محضرش فقه، اصول، رجال و تفسیر استفاده کرد و از برترین تلامذه‌اش محسوب شد)، وی همزمان با تحصیل به تدریس سطوح عالی و پس از چندی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۹۱ ق به قم آمد و یکی از پربارترین مجالس درسی را تشکیل داد. تدریس او تا زمان بیماری‌اش (۱۳۵۷ ش) ادامه داشت.



آیه‌الله میرزا کاظم تبریزی

آیه‌الله العظمی شریعتمداری

فقیه فقید بر علوم مختلف همچون: فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر، تاریخ، ادبیات، ریاضیات، هیئت، هندسه، کلام، فلسفه و منطق تسلط فراوان داشت و با زبانهای انگلیسی و فرانسه نیز آشنا بود. از ویژگیهای مطالعات فراوان، تعصب و

غیرت دینی، تواضع تتبع و پشتکار علمی (برای نمونه، وی برای پیدا کردن یک حدیث دو مرتبه تمام تهذیب شیخ طوسی را مطالعه کرد)، بهره‌وری از اوقات، احتیاط بسیار در مصرف وجوهات شرعی، دوری از ریاست و مرجعیت (با توجه به اصرار بسیار مردم) بود برخی از تألیفات فراوان او که سر به ده‌ها مجلد می‌زند، عبارت است از:

- ۱- الاصول الجديدة
- ۲- السیف المشتهر فی المصدر و اسم المصدر
- ۳- الفقه المیسر (دوره کامل فقه که آن را از حفظ و بدون مراجعه به کتابهای فقهی نگاشته است)
- ۴- القواعد الفقهية (دربرگیرنده ۹۰۰ قاعده فقهی با تطبیق هر کدام بر فروع)
- ۵- تطبیقات الوسائل (شامل فقه الحدیث و بررسی اسناد آن)
- ۶- تقریرات درس فقه آیت الله خوئی (مکاسب و تجارت)
- ۷- دو شرح گسترده بر کفایة الاصول
- ۸- شرح اسفار
- ۹- شرح عروة الوثقی (دوره کامل فقه)
- ۱۰- شرح هیئت چغمینی
- ۱۱- کتاب الرجال
- ۱۲- کشکول
- ۱۳ تا ۲۵- حاشیه بر هر یک از کتابهای: رسائل، مکاسب، کفایه، حاشیه ملا عبدالله، قوانین، معالم، مطوّل، شرح باب حادی عشر، اسفار، قبسات میرداماد، خلاصة الحساب، کشف المراد و وسیلة النجاة (آیت الله حجت).
- فقید سعید پس از یک بیماری طولانی در صبح روز دوشنبه ۱۹ / رجب / ۱۴۱۶ ق مطابق با ۲۰ / آذر / ۱۳۷۴ ش در ۷۶ سالگی در قم چشم از جهان فرو

بست، و پس از تشییع باشکوه در زیر باران صبح روز سه شنبه در قبرستان ابو حنین، به خاک سپرده شد.

لله منافع

۱ - گنجینه دانشمندان ۲۴۱/۲.

۲ - مجله آینه پژوهش شماره (۳۵) سال ۱۳۷۴ ش صفحه ۱۱۳ به قلم شیخ ناصرالدین انصاری.

## شیخ کاظم زین العابدین

(۱۳۴۹ - ح ۱۴۱۰ ق)

شیخ کاظم فرزند آیت الله شیخ هادی و نوه آیت الله شیخ زین العابدین تبریزی مرندی، از فضیله معاصر بود.

وی در سال ۱۳۴۹ ق در نجف اشرف تولد یافت.

پدرش (متوفای سال ۱۳۹۱ ق) از شاگردان حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائین، شیخ ابوالحسن مشکینی و شیخ ضیاء الدین عراقی در نجف اشرف بود.

از آثار او: ۱ - رساله عملیه ۲ - مناسک الحج ۳ - شرح کفایة الاصول ۴ - تقریرات الفقه (درس نائینی) ۵ - تقریرات الاصول (درس عراقی).

شیخ کاظم مقدمات و سطح را نزد پدر خود آموخت. دروس خارج را از محضر: پدر خود و آیت الله سید ابوالقاسم



شیخ هادی زین العابدین تبریزی



خوئی استفاده نمود. در سال ۱۳۹۹ ق به ایران مهاجرت و در تهران سکونت اختیار کرد و به اقامه جماعت و هدایت عامه پرداخت.  
وی در رمضان / حدود ۱۴۱۰ ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

۱ - آقا جواد ۲ - آقا نجاح ۳ - آقا محمد ۴ - آقا علی ۵ - آقا حسین ۶ - آقا احمد  
۷ - آقا مرتضی و سه دختر.

#### منبع

۱ - اطلاعات متفرقه.

### میرزا کاظم شبستری

(۱۳۰۷ - ۱۳۳۶ ق)

حاج میرزا شیخ کاظم فرزند علامه میرزا علی اشرف شبستری، از فقها و اساتید به نام حوزه‌ها بود.

وی در سال ۱۳۰۷ ق در شبستر متولد گردید.

پدرش از جمله شاگردان مرحوم شیخ مرتضی انصاری به شمار می‌رفت و پس از احرار از ملکه استنباط به شبستر بازگشت و مشغول تألیف در فقه و اصول گردید.  
میرزا کاظم پس از نشو و نما به تحصیل علوم دینی پرداخت و مقدمات را نزد علامه میرزا محمد شبستری (که از شاگردان شیخ محمد حسین کاظمی بود) به پایان رساند سپس به حوزه کهن نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ زین العابدین مرندی تبریزی و مدتی در کربلا و سامرا از محضر میرزا محمد تقی شیرازی بهره‌مند

گردید. نامبرده پس از هیجده سال توقف در عتبات عالیات و نیل به کسب مدارج عالی و دریافت اجازاتی از حضرات آیات: میرزا محمد تقی شیرازی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، به زادگاهش شبستر بازگشت، و مشغول تدریس سطوح مختلف گردید و در خطه ارونق و انزاب شهرت زیادی بدست آورد و اقبال فراوانی از سوی طلاب و مردم یافت.

نامبرده دارای تألیفاتی در فقه و اصول و تعلیقات بر کتب درسی بوده است. از جمله خدمات اش تأسیس مدرسه علمیه در شبستر است که خود در این باره می‌نویسد:

یک باب حیاطی که به عنوان وقف خاص برای خود و پس از وفات نسل بعد نسل بوده و در تصرف تولیتی اینجانب است. حجرات فوقانی و تحتانی تأسیس نموده و برای حضرات طلاب علوم دینی که در شبستر حاضر می‌شدند، منازلی مهیا کرده و تقریباً دوازده سال که مزاحمت نمی‌شد، فضلا و دانشمندان با تقوا و وعاظ با علم و عمل که طرز تبلیغ و خصوصیات منبر را که آشنا شده‌اند که چند نفرشان وفات کرده و چندی دیگر بحمدالله در حال حیات باشند، از ثمرات همان مدرسه است. اخیراً که موانع قومی و پیش آمدهای ناگوار اتفاق افتاده قدرت شرعی سلب گردید، حضرات طلاب که متجاوز از چهل نفر بودند، متفرق گردیدند.

پس از مهاجرت به تبریز و اشتغال به تدریس حضرات طلاب و وظایف منبر به مقدار میسور، مدرسه‌ای برای تعلّم اطفال مؤمنین به وسیله معلمین و کارمندان متدین بر طبق وظیفه شرعی، تأسیس و دائماً مراقبت داشته.

بحمدالله تعالی فعلاً متجاوز از سیصد و پنجاه نفر به تعلّم قرآن و فارسی و حساب و شرعیات و یاد گرفتن عقاید حقّه اثنی عشریه مشغول می‌باشد.

## اجازات علمي

## مرحوم آيت الله نائيني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و افضل صلواته و تحياته على من اصطفاه من الاولين و الآخرين و بعثه رحمة للعالمين محمد و آله الطاهرين المعصومين و اللعنة الدائم على اعدائهم ابد الابدين.

و بعد فان شرف العلم ليس يخفى و فضله ليس يحصى و انه لموهبة الهية خص بها اهله، فكان لهم سمو الرتبة و رفعة المنزلة و استوجبوا بذلك جزيل المدح و جميل الثناء و ممن نال هذه الموهبة القدسية و فاز يشرف العلم و الفضيلة، هو صاحب القريحة القويمة و الطريقة المستقيمة العالم العامل المؤيد و الفاضل الكامل المسدد، ملاذ الانام صفوة الازكياء العظام، غياث المتقين ركن الاسلام و المسلمين، جناب الشيخ الحاج الميرزا كاظم المجتهد الشبستري « دامت تأييداته » فقد صرف شطراً مهماً من عمره الشريف في سبيل العلم و اقام بالتجف الاشرف عدة سنين، باذلاً جهده في الاستفادة من الاساطين و حضرة ابائى الفقهية و الاصولية، حضور تفهم و تحقيق و تعمق و تدقيق، حتى نال درجة الفضل و السداد و بلغ بحمد الله تعالى و حسن تأييده رتبة الاجتهاد. فلجنا به العمل بما يستنبطه من الاحكام على النهج المألوف بين المجتهدين العظام، فليحمد الله سبحانه على ما منحه و اولاه و ليشكره على ما انعم به و حباه و على المسلمين ان يغتنمو وجوده الشريف و يقتدوا به و يقتبسوا من انوار علمه و تقواه و اوصيه بالاخذ بجانب الحائطة في جميع اموره كما هو المرجو من جنابه و ان لا ينساني في صالح دعواته، كما انى لانساء انشاء الله تعالى و السلام عليه و رحمة الله و بركاته.

حرر في جمادى الثانية ١٣٥٣

الأحقر محمد حسين الغروي النائيني

## شطری از اجازة مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی

بعد از حمد و صلوات و سلام می فرماید:

و بعد فان العالم العامل و التحریر الكامل صفوة العلماء الاعلام و قوة العلماء العظام و ركن الاسلام جناب الحاج میرزا کاظم آقا المجتهد الشبستری « دامت افاضاته » ممن صرف عمره الشریف فی تحصیل قواعد الدین الحنیف و قد حضر علیّ و علی غیر واحد من الاعیان، شطراً و افیاً من الزمان لتحقيق المبانی الاصولیة و تنقیح القواعد الفقهیة مراعیاً للتأدّب بالآداب الدینیّة و التخلّق بالاخلاق الالهیّة، حتی فاز و لله الحمد بالمراد و حاز درجة الاجتهاد، فله العمل بما یستنبطه من الاحکام الشرعیّة من مدارکها فانه خبیر بذلك.

تحریراً فی العشرين من ربیع الثانی ۱۳۵۳ محمد حسین النجفی اصفهانی.

## مرحوم آقا سید محمد فیروز آبادی

بعد از تسمیه می فرماید:

الحمد لله الذي جعل العلم علماً للهدی و نجاة من موبقات الردی فرفع مدارج العلماء و معارج الفقهاء و اعطاهم موارث الانبياء و فضّل مدادهم علی دماء الشهداء و ایدهم بدعاء ملائكة السماء، و الصلوة علی سید الانبياء و خاتم السفراء مشکوة الضیاء و ذوابة العلیاء، محمد المبعوث علی جمیع الانام و علی آله مصابیح الظلام و دعائم الاسلام و معالم الحلال و الحرام؛

الی ان صرّح باجتهاد صاحب الترجمة بهذه العبارة: فاز بالقوة القدسية و الملكة القدوسية التي تمكن بها علی استنباط الفروع من الاصول و العروج عن حضيض التقليد الى اوج اعماق ملكة الاجتهاد. فله التصدی للأموال الشرعية التي هي الى نواب الامام الخ...

حرره الاحقر محمد الحسيني اليزدي الفيروزآبادي

فی ۲۶ / محرم الحرام / ۱۳۴۰

### حاج شیخ عبدالکریم حائری، این اجازه را به این عبارت امضاء فرموده

بسم الله الرحمن الرحيم

این سواد اجازات است که مرحوم رضوان مقام حجة الاسلام فیروزآبادی (اعلی الله مقامه الشریف) مرقوم فرمودند، بر حسب تحقیق و الحق انه صدر من اهله و وقع فی محلّه و اسئل الله ان یکثر امثال العالم الفاضل المحقق المعظم له و ان یشتدّ به المسلمین بجاه محمّد و آله الطاهرین.

حرّره الاحقر عبدالکریم الحائری

### مرحوم خیابانی در علماء معاصرین ایشان را چنین می‌ستاید:

آن بزرگوار، عالم محقق امجد و فاضل مدقق اوحد الشریعه فخر الشیعه و رکن الشریعه الشیخ الثقة الجلیل و الفقیه العدل النبیل، الواصل عواطفه علی الحاضر و البادی و المؤید بنعم الله و الایادی، سناد العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ، آن عالم یگانه از دعاة دین و ملت و حماة شرع و سنت و حملة اخبار و حفاظ آثار اهل بیت اطهار علیهم السلام معدود می‌گردد.

در کلیه موجبات تقدم و اسباب تفوق و وسائل براعت و ادوات رفعت، حائز مقام منیع و فائز رتبه رفیع می‌باشد. نه تنها در کسبیات از قبیل فن: کلام و اصول عقاید و مهمات معارف و امهات ریاضیات و علم معقول و منقول و قسمت فقه و اصول و معرفت تفسیر و صناعت اعراب و شعب ادب از آحاد است، بلکه موهباتی نیز مانند: حصانت عقل و حصانت فکر و اصالت رأی و اصابت خاطر و مناعت جانب و سعه صدر و ملکه جود از افراد بشمار می‌رود. در ایام جمعه و وفیات ائمه (علیهم الاف الثناء و التحية) و مواقف شریفه و اوقات متبرکه، مردم از هر طرف و محلات دور دست برای استفاده از بیانات وافیّه و تحقیقات کافیّه معظم له به پای منبر ایشان اجتماع می‌کنند و منبر صحبتش جامع و نافع همه طبقات ناس که هر کس بحسب استعداد خود از انوار کلمات شریفه اش اقتباس می‌نماید. لازل محروساً بعناية الرب العلی و محفوظاً



من کید کل جاهل غوی، بحرمۃ النبی و آلہ الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین.

شبستری در پی ابتلای به بیماری سرطان معده جهت معالجه به تهران عزیمت کرد. ولی معالجات سودی نبخشید و در روز چهارشنبه ۱۴ / ذی حجه / ۱۳۶۶ ق مطابق با ۶ / آبان / ۱۳۲۶ ش در سن ۵۹ سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

#### فرزندانش:

- ۱ - شیخ محمد مجتهدی شبستری، از فضلا و اساتید معاصر ساکن تهران است. متولد سال ۱۳۵۵ ق مطابق با ۱۳۱۵ ش در شبستر.
- ۲ - شیخ محسن مجتهدی شبستری، امام جمعه فعلی تبریز است.
- ۳ - آقا علی ۴ - آقا حسین و پنج دختر.

#### منابع

- ۱ - اطلاعات متفرقه.
- ۲ - تاریخ علماء و شعرا گیلان ۱۸.
- ۳ - علماء معاصرین ۲۵۳.
- ۴ - گنجینه دانشمندان ۳۷۹/۵.

### سید کاظم شریعتمداری

(۱۳۲۲ - ۱۴۰۶ ق)

سید کاظم فرزند علامه سید حسن و نوه سید محمد حسینی بروجردی، ملقب و معروف به (شریعتمداری)، از فقها و مراجع نامدار جهان تشیع بود.

وی در سال ۱۳۲۲ ق در محله «امیرخیز» تبریز دیده به جهان گشود.

جدش سید محمد حسینی در حدود سال ۱۲۷۰ ق از بروجرد به تبریز مهاجرت کرد. نسب ایشان هم با چندین واسطه به حسن افطس بن علی اصغر بن

الامام الهمام علی بن الحسین علیه السلام  
برمی گردد.



سید کاظم مقدمات و قوانین را نزد  
مادرش سربیه خانم آموخت و بخشی از  
سطح را نزد علامه میرزا جواد  
سلطان‌القراء تلمذ کرد. سپس خارج را  
در تبریز از محضر آیات: میرزا صادق  
تبریزی و سید ابوالحسن انگجی  
استفاده نمود و حوزه درسی هم داشت.  
ایشان در سال ۱۳۴۲ ق به حوزه

علمیه قم مهاجرت کرد و فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری  
یزدی و اخلاق نظری و فقه را از محضر میرزا جواد ملکی تبریزی و حکمت متعالیه را  
از محضر میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی) و شیخ محمد علی شاه آبادی (مدت  
سه سال) بهره‌مند شد و خود اقدام به تدریس فقه و اصول و حکمت نمود.



میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی / سید کاظم شریعتمداری / سید موسی شبیری زنجان

وی در حدود سال ۱۳۵۲ ق به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه نجف اشرف از حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده شایان نمود و در سال ۱۳۵۳ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و هدایت مردم اشتغال ورزید.

نامبرده در سال ۱۳۶۹ ق در پی درخواست گروهی از فضلاء تبریزی از تبریز به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و مورد توجه علما و فضلا قرار گرفت، و پس از ارتحال آیت الله بروجردی زعامت دینی و روحی حوزه را بر عهده گرفت و یکی از مراجع به نام گردید. حوزه تدریس اش از اهم حوزه ها بود. در سال ۱۳۴۲ ش «دارالتبلیغ اسلامی» را در قم تأسیس نمود که خدمات فرهنگی زیادی ارائه می داد.



صاحب تاریخ بروجرد درباره ایشان می نویسد: (از روز ورودش به قم مورد توجه آیت الله بروجردی رحمته الله علیه بود، و در امور مهمه با او مشورت می کرد و پس از مرگ آیت الله بروجردی با همکاری مراجع دیگر، حوزه علمیه قم را از خطر سقوط حفظ و اکنون حوزه درسش از پُر جمعیت ترین حوزه های درسی است).



مهدی مجتهدی در رجال آذربایجان درباره‌اش می‌نویسد: (امروز در بین علمای تبریز مقامی بلند دارد و نماز جماعت او پُر شکوه و پُر رونق است. با اینکه مجتهدی جامع شرایط است به اندازه یک طلبه عادی متواضع است. خداوند او را در خدمت به اسلام توفیق دهد).

وی از سال ۱۳۶۱ ش تا پایان حیات در پی غائله حمایت از «حزب خلق مسلمان» تحت نظر قرار گرفت و از سایر فعالیت‌های دینی و حوزوی ممنوع شد.



سید کاظم شریعتمداری

سید روح‌الله خمینی

### از آثار او

- ۱- رساله عملیه.
- ۲- رساله فی اجتماع الأمر والنهی.
- ۳- رساله فی اللباس المشکوک.
- ۴- رساله النهی فی المعاملات.
- ۵- فروع العلم الاجمالی.
- ۶- قاعدة التجاوز والفراغ.
- ۷- کتاب القضاء.

۸- مناسک حج.

۹- مناهج التقی فی الحاشیة علی العروة الوثقی، دو جلد.

۱۰- وسیلة العباد لیوم المعاد.



سید شهاب‌الدین مرعشی / سید کاظم شریعتمدای / سید محمد رضا گلپایگانی



از راست به چپ: سید محمد رضا گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری،

سید شهاب‌الدین مرعشی، سید روح‌الله خمینی

آیت الله شریعتمداری در روز چهارم / اسفند / ۱۳۶۴ ش به علت پیشرفت بیماری سرطان کلیه، از قم به تهران انتقال یافت و در بیمارستان «مهراذ» بستری شد. اما پیشرفت سرطان به ریه و کبد و نیز نارسایی قلبی در غروب روز پنجشنبه ۲۳ / رجب ۱۴۰۶ ق مطابق با ۱۴ / فروردین / ۱۳۶۵ ش در سن ۸۴ سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و شب هنگام در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.



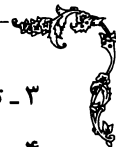
از راست به چپ: سید جعفر طباطبائی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی  
سید محمد کاظم شریعتمداری، سید شمس الدین طباطبائی

### فرزندان:

- ۱ - سید حسن ۲ - سید محمد و دو دختر که دامادهايش عبارتند از:  
حجة الاسلام سید جلال الدین امامی بیجاری و آقای عباسی.

### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۶۱/۲
- ۲ - آینه دانشوران ۲۰۸ (تولدش را در سال ۱۳۲۱ ق دانسته و نام پدرش را سید محمد نوشته که هر دو مطلب اشتباهاند).



- ۳ - تاریخ بروجرد ۳۱۴/۲.
- ۴ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ۹۷ (نخستین مهاجرت ایشان را به قم در سال ۱۳۴۴ ق دانسته که اشتباه است).
- ۵ - روی دادهای سال ۱۳۶۵ ش، ص ۱۰.
- ۶ - علماء معاصرین ۲۸۴.
- ۷ - گنجینه دانشمندان ۱۲/۲.
- ۸ - گنجینه دانشوران ۱۴.
- ۹ - مؤلفین کتب چاپی ۲۲/۵.

## شیخ کاظم فائق تهرانی

( - ۱۳۹۳ ق )

از علما و بزرگانی که در تهران به زهد و تقوا موصوف بود. وی به ارشاد و هدایت و اقامه جماعت در مسجدی که خود در خیابان عین الدوله و به نام خویش معروف گردید «مسجد فائق»، اشتغال داشت. و اواخر عمر در کمال سادگی و متانت در انزوا و عزلت زیست.

ایشان در سال ۱۳۹۳ ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در جوار حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

آیت الله مرحوم شیخ مصطفی فائق فرزندش بود. و اما دامادهای اهل علم او عبارتند از: ۱ - دانشمند و سخنور دانا شیخ رضا سراج تهرانی ۲ - آیت الله سید عزالدین حسینی زنجان «امام جمعه»، از علمای معاصر و در مشهد مقدس سکونت دارد.

❦ منع

۱ - گنجینه دانشمندان ۵۱۹/۴.



## میرزا کاظم قاضی طباطبائی «تبریزی»

(۱۲۹۹-۱۳۶۶ ق)

حاج میرزا کاظم فرزند سید محمد علی و نوه سید محسن فرزند سید عبدالجبار قاضی طباطبائی تبریزی، از دانشمندان و اعیان تبریز بود. برادر ارشد ایشان آیت الله سید باقر قاضی طباطبائی است.

وی در سال ۱۲۹۹ ق در تبریز دیده به جهان گشود.

قاضی پس از طی تحصیلات مقدماتی در تبریز به نجف اشرف رهسپار شد و مدتی چند از محضر آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در سال ۱۳۳۰ ق به زادگاهش مراجعت کرد و نظر به اینکه املاک و ثروت کلانی داشت، بیشتر به آن رسیدگی و اشتغال پیدا می کرد.

وی در روز دوشنبه ۲ / رمضان / ۱۳۶۶ ق مطابق با ۲۹ / تیر / ۱۳۲۶ ش به سن ۶۷ سالگی درگذشت. پیکرش در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

## کاظم کریمی اراکی «کربلائی کاظم»

(ح ۱۳۰۰-۱۳۷۸ ق)

کربلائی کاظم در حدود سال ۱۳۰۰ ق به دنیا آمد و در روستای «ساروق» که از روستاهای اطراف اراک است زندگی می کرد، سواد خواندن و نوشتن نداشت و مانند بیشتر اهالی آن روستا و روستاهای دیگری سواد بود، ولی در اثر انجام دادن برخی کارهای نیک و خالصانه مورد لطف پروردگار قرار گرفت، و به دون اینکه قرآن را نزد کسی بخواند و حفظ کند حافظ قرآن شد.

هنگامی که داستان او از محل زندگیش به جاهای دیگر نقل شد، او را به شهرهای ایران مانند: ملایر، تویسرکان، همدان، کرمانشاه، کنگاور، تهران، قم،



مشهد و نیز کاظمین و کربلا و نجف و کویت و حجاز بردند تا مسلمان‌ها و غیر مسلمان‌ها از نزدیک او را ببینند و با دیدن این معجزه زنده، ایمانشان به جهان غیب محکم‌تر شود.

کربلایی کاظم در محرم / ۱۳۷۸ ق در قم وفات کرد و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد، و خوش بختانه قبر او با تابلویی مشخص شده که علاقمندان می‌توانند با خواندن فاتحه‌ای کنار آن بهره‌مند گردند، و اخیراً بنای یادبودی بر مزار ایشان ساختند که در وسط قبرستان مذکور شاخص است.

کربلایی کاظم را هزاران نفر از مردم ایران و غیر ایران دیدند و امتحان کردند، و صدها نفر از علما و دانشمندان و فرهنگیان نیز با دقت او را مورد آزمایش و امتحان دقیق قرار دادند، که گزارش قسمتی از آنها در روزنامه‌ها و مجلات، در سالهای بین ۱۳۳۲ - ۱۳۳۵ ش یاد شده است. واضح است که وقوع این معجزه می‌تواند چند فایده مهم داشته باشد:

- ۱ - دلیل حقانیت اسلام و قرآن مجید است.
- ۲ - نمونه‌ای از اشراق‌های ربانی است.
- ۳ - مؤید علوم خارق العاده پیامبران و امامان علیهم‌السلام است.
- ۴ - نمونه‌ای از ارتباط با عالم غیب است.
- ۵ - برهانی بر حقانیت شیعه است (زیرا کربلایی کاظم از شیعیان بود و مورد این موهبت الهی قرار گرفت).

### اظهار نظر گروهی از علما درباره کربلایی کاظم

#### آیت‌الله میلانی

پاسخ آیت‌الله حاج سید محمد هادی میلانی، یکی از مراجع تقلید شیعه درباره کربلایی کاظم:

بسمه جلّت اسماؤه. با ایشان مجالس عدیده در نجف اشرف و در کربلا

ملافاتمان شد و جمعی از اهل علم حضور داشتند، و همچنین از سایر طبقات هم بودند و به انحای کثیره و طُرُق مختلفه از ایشان اختبار شد. حقیقتاً مهارتشان در اطلاع به آیات و کلمات قرآن مجید امری است بر خلاف عادت و موهبتی است الهیه، و هر شخصی که با ایشان قدری معاشرت نماید و به اوضاع و احوال ایشان در مراحل عادیه مطلع شود، و قوه حافظه ایشان را در سایر امور امتحان نماید کاملاً ملتفت می شود و بالوجدان می یابد که این گونه تسلط ایشان در معرفت به جمیع خصوصیات قرآن مجید کرامت فوق العاده (بوده)، بلکه توان گفت فرضاً قوه حافظه هر اندازه قوت داشته باشد نتواند عهده دار شود اینگونه امتحانات و اختیارات را که به انحای دقیقه بسیار به عمل آمده، و هو سبحانه و تعالی یهب ما یشاء لمن یشاء وله الحمد.

الاحقر محمد هادی الحسینی الميلانی

### آیت الله بروجردی

جناب آقای میر خلیل سید نقوی تبریزی که از فرهنگیان و مدتها مقیم قم بود و چندی هم با یکی از مؤسسات تبلیغی حوزه علمیه قم همکاری داشتند، نقل کردند که: آیت الله بروجردی در یک آیه تردید داشتند که قرائت با «فاء» درست است یا «واو» از کربلایی کاظم خواستند که آیه را بخواند و به خواندن او اعتماد کردند.

### آیت الله صدر

آیت الله سید صدرالدین صدر - پدر سید موسی صدر -، یکی از بزرگان حوزه علمیه قم بودند. ایشان کربلایی کاظم را مورد امتحان قرار دادند و آیاتی را از او سؤال کردند و او جواب داد، که موجب اعجاب و شگفتی ایشان شد و فرمودند: نمی دانم در واقع چه عملی مورد قبول درگاه الهی است، زیرا من که سید و از اولاد پیامبر ﷺ هستم و سالها درس خوانده و مشغول انجام وظیفه می باشم به این

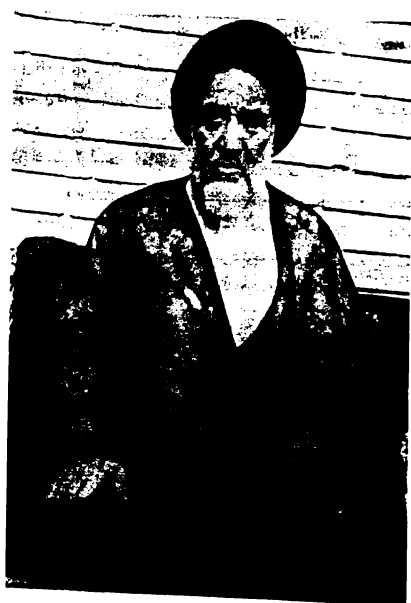
فیض نرسیده، ولی این پیر مرد دهاتی بی سواد، مورد عنایت شده و حافظ قرآن می شود.

### آیت الله حجت کوهکمری

آیت الله سید محمد حجت که از مراجع تقلید شیعه و از اساتید حوزه علمیه قم بودند نسبت به کربلایی کاظم محبت و عنایت خاصی داشتند، و هرگاه او را می دیدند احترام نموده و او را «معجزه مقام ولایت» می دانستند، و به ایشان مساعدت مالی می کردند.

### سید کاظم گلپایگانی «کوشا»

(۱۳۲۴-۱۳۹۶ ق)



حاج سید کاظم ملقب به «کوشا»  
موسوی گلپایگانی، از دانشمندان و  
معاریف اراک و تهران بود.

وی در ۶ / ربيع الاول / ۱۳۲۴ ق در  
«گوگد» گلپایگان متولد گردید. و پس از  
سپری نمودن دوره مقدمات، در سال  
۱۳۳۷ ق به اراک رهسپار شد و نزد ملا  
عبدالحمید و حاج عباس مدرس به  
تحصیل خود ادامه داد. در سال  
۱۳۴۰ ق در پی مهاجرت آیت الله  
حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم  
رفت و پس از مدت کوتاهی به توصیه

پدر خود برای آموزش دقیق تر در همان سال به حوزه علمیه اصفهان منتقل شد و

سطح را از محضر آیات: سید محمد صادق اصفهانی (خاتون آبادی)، سید محمد نجف آبادی، سید علی نجف آبادی، شیخ علی مدرس یزدی و سید احمد مدرس یزدی و سید احمد مدرس (متوفای ۱۳۴۸ ق) و معقول را از شیخ محمد خراسانی استفاده نمود.

نامبرده در سال ۱۳۴۴ ق مجدداً به قم بازگشت و دروس عالی فقه و اصول و حکمت را از محضر آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی، سید حسین کوچه حرمی قمی و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده نمود. مرحوم کوشا در سال ۱۳۵۱ ق که در اثر هوش زیاد و استعداد فوق العاده به تحصیلات خود پایان داد، به شهرستان اراک عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن سامان توقف کرد. وی در مسجد حاج تقی خان به اقامه جماعت و ارشاد و گفتن تفسیر قرآن مجید اشتغال داشت. وی اوقات خود را بیشتر به تدریس و مطالعه می گذراند. از ویژگیهای فردی اش می توان به: مناعت طبع و حلم و وقار و نجابت اش اشاره کرد. همین طور ساده زندگی کردن و تواضع در برابر همه، به همین خاطر در میان مردم اراک و عموم طلاب محبوبیت زیادی داشت.

ایشان در سال ۱۳۸۲ ق مطابق با ۱۳۴۱ ش اراک را به سوی تهران ترک گفت و سایر فعالیت های دینی و علمی خود را در مسجد مختاری ادامه داد و از معارف بزرگان تهران به شمار رفت.

سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ / ربیع الاول / ۱۳۹۶ ق مطابق با ۴ / فروردین / ۱۳۵۵ ش در سن ۷۲ سالگی در تهران درگذشت. پیکرش با تجلیل فراوان به قم حمل و در قبرستان شیخان - درکنار تربت فاضل تونی - به خاک سپرده شد.

#### منابع

- ۱ - آثار الحجة ۲/ ۲۱۱.
- ۲ - آینه دانشوران ۲۲۳.
- ۳ - گنجینه دانشمندان ۴/ ۵۴۱ و ۶/ ۴۳۰.

## شیخ کاظم ناصح یزدی

(ح ۱۳۲۳ - ۱۳۹۶ ق)

حاج شیخ کاظم ناصح یزدی حائری، مردی با فضیلت و جزو خطبای منبر حسینی بود، تولدش در یزد به سال ۱۳۲۳ ق اتفاق افتاد.

وی همراه سایر خانواده‌اش در سال ۱۳۴۱ ق از یزد به کربلای معلی نقل مکان کرد، و به آموختن مقدمات و سطوح نزد پرداخت و در مدرسه (میرزا کریم شیرازی) حجره‌ای داشت. سپس رو به خطابه آورد و یکی از خطبای کربلا گردید. در پی فشارهای دولت عراق در سال ۱۳۹۱ ق به ایران مهاجرت و در قم سکونت نمود. از او دیوان اشعار باقی مانده است.

او در روز پنجشنبه ۴ / صفر / ۱۳۹۶ ق مطابق با ۱۶ / بهمن / ۱۳۵۴ ش در قم درگذشت، و در قبرستان وادی السلام مدفون شد. و از وی فرزندی به نام «محمد» به جای ماند.

❦ منبع

۱ - حوادث الایام (خطی).

## کامران میرزا نایب السلطنه قاجار

(۱۲۷۲ - ۱۳۴۷ ق)

کامران میرزا ملقب به «نایب السلطنه» فرزند ناصرالدین شاه و نوه محمد شاه قاجار. او در سال ۱۹ / ذی قعدة / ۱۲۷۲ ق تولد یافت.

وی در ۲۷ / شعبان / ۱۲۷۵ ق به «نایب السلطنه» ملقب گردید. زندگی نامه ایشان در کتاب شرح حال ایران مفصلاً ذکر شده و تصریح نموده که در جوار حضرت شاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام «شهر ری» مدفون گردیده، ولی در کتاب مکارم الآثار وی را در قم مدفون دانسته، که باید تحقیق شود.

او در شب سه شنبه ۲ / رمضان / ۱۳۴۷ ق مطابق با ۲۳ / بهمن / ۱۳۰۷ ش در پی بیماری در تهران در سن ۷۵ سالگی درگذشت و در بقعه محمد شاه در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

#### فرزندان:

۱ - ملکه جهان خانم همسر محمد علی شاه قاجار و نویسنده کتاب برهان الایمان در دعا.

۲ - محمد باقر میرزا کامرانی «امیر ارفع» متوفای اواسط / شعبان / ۱۳۷۴ ق در هامبورگ آلمان و مدفون در شهر قم.

۳ - محمد مهدی میرزا.

#### منابع

۱ - شرح حال رجال ایران ۱۴۹/۳.

۲ - مکارم الآثار ۲۰۱۹/۶.

## کریم بوذرجمهری

( ۱۳۷۲ ق - )

سرلشگر کریم بوذرجمهری، از افسران ارشد سابق ارتش در ایران بود. وی در اوایل سلطنت رضا شاه چندی شهردار و مدتی وزیر فواید عامه بود. در زمان تصدی او به سمت شهردار، نقشه خیابان سازی پایتخت را به وضع امروزی، به اجرا گذاشت. در اواخر عمر به سمت بازرس در دربار شاهنشاهی منصوب شده بود. نامبرده در بامداد ۲۱ / مهر / ۱۳۳۱ ش بر اثر سکته قلبی در تهران دارفانی را وداع گفت. پیکرش ابتدا در تهران و سپس در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - آرامگاه خانوادگی - مدفون گردید.

#### منبع

۱ - روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۲۱ / مهر / ۱۳۳۱ ش، ص ۸.

## سید کمال الدین مرتضوی اصفهانی

(۱۳۳۶ - ۱۴۱۵ ق)

حاج سید محمد حسین ملقب به «کمال الدین» فرزند علامه سید محمد کاظم موسوی مرتضوی اصفهانی، از فضلا و معاریف تهران بود.

وی در جمادی الاول / ۱۳۳۶ ق در تهران دیده به جهان گشود.

دروس اولیه و مقدمات را در تهران آموخت و بخشی از سطوح را نزد علامه شیخ محمد اسماعیل صادقی جابلقی فراگرفت. سپس به قم عزیمت نمود و سطوح نهایی را از محضر مدرسین برجسته تلمذ کرد و به تهران بازگشت. و به خدمات دینی از قبل تشکیل جلسات مذهبی و اقامه جماعت در مسجد فاطمیه و تدریس معارف قرآن مجید پرداخت.

در روز یکشنبه ۱۲ / ربیع الاول / ۱۴۱۵ ق مطابق با ۳۰ / مرداد / ۱۳۷۳ ش به سن ۷۹ سالگی در پی بیماری در تهران درگذشت، و جسدش عصر روز دوشنبه تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام زیر ساعت به خاک سپرده شد.

له منع

۱ - گنجینه دانشمندان ۴۰۴/۲ و ۳۱۲/۹.

## سید کمال الدین موسوی شیرازی

(۱۳۴۷ - ۱۴۰۷ ق)

سید کمال الدین فرزند سید آقا موسوی شیرازی، از فضلا و عرفا و پارسایان با کمال بود.

وی در سال ۱۳۴۷ ق مطابق با ۱۳۰۷ ش در شیراز تولد یافت. پدرش به کار و کسب اشتغال داشت و از اوتاد و اصحاب حالات معنوی بود. سید کمال الدین، دوران کودکی را در شیراز گذراند و به تحصیل علوم دینی



روی آورد و در مدرسه آقا باباخان حجره‌ای گرفت و ادبیات را همانجا آموخت. در سال ۱۳۶۴ ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را به پایان برد. خارج فقه و اصول را از آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی و دروس حکمت و اخلاق را از آیت‌الله سید روح‌الله خمینی استفاده نمود. سفرهای تبلیغی‌اش بیشتر در کرمان انجام می‌شد

و به همین خاطر به افتخار دامادی آیت‌الله شیخ محمد حسین رُخ‌شاد «آقا نجفی» نایل گشت.

در سال ۱۳۴۳ ش (۱۳۸۴ ق) در اثر مبارزات و فشارهای رژیم حاکم، به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: سید روح‌الله خمینی و سید ابوالقاسم خوئی بهره‌ها برد، و همواره در تعطیلات به ایران رفت و آمد داشت. سالها در نجف اشرف به اقتباس از انوار معرفت و دانش علوی اشتغال داشت و توانست مراحل والائی در علم و عمل بدست آورد. سرانجام در سال ۱۳۵۷ ش (۱۳۹۸ ق) به حوزه علمیه قم بازگشت و در ایام تعطیل و تبلیغ به تهران و کرمان رهسپار می‌شد.

ایشان برای مباحثه و محکوم کردن صوفی‌ها در تمام خانقاه‌ها رفته و با آنان گفتگو می‌کرد. گاهی با لباس مبدل با سایر فرق شیخیه و مخصوصاً بهائی‌ها نشست و برخاست داشت و میدان گفتگو را باز می‌گذاشت. او در کرمان جلسات هفتگی درس اخلاق داشت، و معمولاً از کتابهای آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی از قبیل: لقاء الله و مراقبات السنه، برای جوانان مستعد بیان می‌کرد. همچنین کتاب معراج السعاده (اثر نراقی) را برای مبتدیان توصیه می‌کرد.



نماز شبش ترک نمی‌شد و همیشه اوّل وقت نماز می‌خواند. در سال ۱۳۴۲ ش در اثر فعالیت‌های سیاسی تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و سرانجام دستگیر شد، ولی چندان طولی نکشید که آزاد گردید. هنگامی که صوفی‌ها سعی داشتند «ماهان» کرمان را به عنوان مرکز تصوف درآورند، ایشان به ماهان رفته و به عنوان امام جماعت، مشغول تنویر افکار شد و نگذاشت مردم به دام صوفی‌ها بیفتند، چون که خود عارف بود و مفاهیم عرفانی را با دعا و احادیث وارده از معصومین علیهم‌السلام تطبیق می‌داد. ظاهر جنجال‌ی نداشت، ولی در خفا بسیار فعال و موقعیت‌شناس بود.

خلاصه آقا سید کمال در زمینه صوفی‌شناسی، استاد مسلم بود و گاهی دیده می‌شد که در اطاقش یک صوفی صاحب کشکول و عصا، نشسته و چند روزی هم توقف می‌کرد و از وی به خوبی پذیرائی می‌کرد. سید کمال به او می‌گفت: تمام دعا‌های رسیده از معصومین علیهم‌السلام پُر از مفاهیم عرفانی است و احتیاجی به این دغل‌بازی صوفی‌ها نیست. اینها خود مغازه باز کرده‌اند و از سادگی مردم سوء استفاده می‌کنند.

نامبرده در ایام عاشورا معمولاً به روستاهای اطراف کرمان می‌رفت و عزاداری جانانه‌ای می‌کرد و می‌گفت: خداوند عبادت یهود را در کنیسه و عبادت نصاری را در کلیسا قرار داده، اما زمین را برای حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسجد می‌داند و مسلمانان هر جا که بایستند همانجا مسجد است، و انتظار شنبه و یکشنبه را هم نباید کشید.

### از آثار او

۱ - رساله‌هایی در ردّ بهائی‌ها و تصوف (مفقود شده).

۲ - مجموعه سخنرانی‌های اخلاقی.

ایشان در روز عید قربان ۱۴۰۷ ق مطابق با ۱۵ / مرداد / ۱۳۶۶ ش در سن ۶۰

سالگی در اثر واژگون شدن ماشین در اتوبان قم - تهران دارفانی را وداع گفت. پیکرش با تجلیل به قم حمل و پس از تشییع در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

#### فرزندان:

۱ - حجة الاسلام سید علی، ۲ - سید محمد حسین و چهار دختر که دامادهايش عبارتند از: حجج اسلام آقایان ۱ - شیخ باقر دریاب اصفهانی، ۲ - سید فرید موسوی مراغه‌ای، ۳ - شیخ مرتضیٰ نجفی زنجانى، ۴ - آقای محمد حسین نمازیان - ساکن کرمان ..



مراسم تشییع و نماز بر پیکر سید کمال‌الدین موسوی شیرازی (به امامت سیدرضا بهاء‌الدینی)





ل

## میرزا لطفعلی شریفی زنوزی

(۱۳۰۷-۱۳۹۴ق)

او در شهر تبریز چشم به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر در نزد پدر معظم خود، حجة الاسلام میرزا ابوالحسن زنوزی (برادر آیت الله میرزا رضی زنوزی) و اساتید دیگر فراگرفت. و پس از مدت زمانی برای کسب مدارج علمی بالاتر به نجف اشرف عزیمت کرد، و در آن دیار از محضر اساتید بزرگ و آیاتی چون: میرزا محمد حسین نائینی، میرزا علی ایروانی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی استفاده های شایان برد. همچنین با حضرات آیات: سید محمد هادی میلانی، سید ابوالقاسم خوئی و سید شهاب الدین مرعشی همدرس و همبحث شد، و در نهایت به مرتبه والایی از فقاہت و معنویت نایل گردید. سپس به شهر تبریز مراجعت کرد، ولی چون برنامه «کشف حجاب» و اختناق رضا خانی زندگی را در شهر برای مردم دشوار کرده بود، نتوانست در آنجا بماند. بعد از آن از حسن اتفاق در سفری با اهالی روستای «خواجه ده» - در ۱۸ کیلومتری میانه - آشنا شد و در سال ۱۳۱۶ ش به آن روستا هجرت کرد. پس از اقامت کوتاه، چون به اوضاع نابه سامان آنجا و حومه آشنا گردید، احساس تکلیف بیشتر کرد و تصمیم به اقامت همیشگی در آنجا گرفت و

دعوتها و توصیه‌های برخی از بزرگان، مبنی بر هجرت به شهر قم را نیز نپذیرفت. تا اینکه پس از ده سال اقامت در خواجه ده، با اصرار علمای بزرگ شهرستان میانه وارد این شهر شد.

این فقیه بزرگوار علاوه بر اقامه نماز جماعت در مسجد «حاج علی اکبر» تبلیغ و ارشاد مردم و رسیدگی به مشکلات آنان، تدریس سطوح عالی حوزه علمیه جعفریه را هم بر عهده گرفت. حوزه یک ساله این شهر با شروع درس آیت الله زنوزی نشاط و رونق بیشتری به خود گرفت، و طلاب و مؤسس آن را امیدوار ساخت.

زهد، تقوا و مقام والای علمی این مجتهد بزرگ بر کسی پوشیده نیست. از اهالی و علمای میانه کسانی که در آن روزها در مشهد و قم به محضر آیت الله میلانی و مرعشی مشرف می شدند، می دانند که چگونه آن دو بزرگوار از علامه زنوزی سراغ می گرفتند، و افسوس می خوردند که چرا ایشان باید با آن شخصیت علمی و معنوی این چنین در محیطی کوچک گمنام بماند.

علامه زنوزی پس از سالها تلاش و خدمت به مردم سرانجام در سال ۱۳۹۴ ق به سن ۸۷ سالگی دار فانی را وداع گفت، و پیکر پاکش به شهر مقدس قم انتقال یافت، و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد. اولاد ذکور نداشته‌اند.

منبع

۱ - سیمای میانه ۲۱۳.

## شیخ لطفعلی محقق اردبیلی

(۱۳۴۰ - ۱۴۱۹ ق)

حاج شیخ لطفعلی فرزند علامه شیخ جعفر و نوه عبدالله قلعه جوقی اردبیلی، معروف و ملقب به «محقق»، از فضیلتی معاصر بود.

وی در سال ۱۳۴۰ ق مطابق با اسفند / ۱۳۰۰ ش در اردبیل دیده به جهان گشود. شیخ لطفعلی مقدمات و سطح را نزد پدر فاضل خود تحصیل کرد و چندی هم

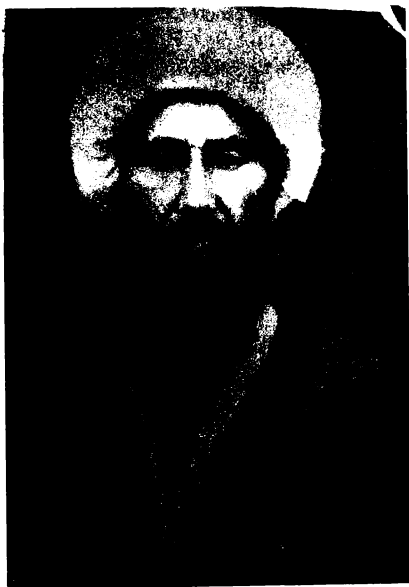


در درس خارج پدر خود و علامه شیخ غلامحسین غروی اردبیلی حاضر شد. سپس در سال ۱۳۶۵ ق مطابق با ۱۳۲۵ ش به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد دروس خارج فقه و اصول و نیز رجال را از محضر آیات: سید محمد حجت کوهکمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و حکمت را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود.

نامبرده مدتی چند هم در تهران توقف کرد و حکمت متعالیه را از محضر فیلسوف گرانقدر میرزا مهدی آشتیانی بهره‌مند گردید و به زادگاهش مراجعت نمود، و به اقامه جماعت و ارشاد و تدریس اشتغال ورزید.

### از آثار او

- ۱- أول ما خلق الله.
- ۲- رساله‌ای در اخلاق (یا روانکاوی).
- ۳- رساله‌ای در تعلیم و تربیت.
- ۴- رساله‌ای در ردّ داروین.
- ۵- رساله‌ای در علم اقتصاد.



شیخ جعفر اردبیلی «محقق»

۶- رساله‌ای در منازل الآخرة (در بحث معاد).

محقق حدود چهار سال آخر عمر خود را از اردبیل به قم منتقل شد و به طور مجرد زندگی کرد و همواره مشغول عبادت و مطالعه بود. و سرانجام در سال ۱۴۱۹ ق در قم درگذشت و پیکرش در ابتدای قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد.

❦ منبع

۱- شرح حال فوق از زبان مرحوم محقق، در روز شنبه ۲۲ / ذی حجه / ۱۴۱۶ ق در منزلش در قم یادداشت نمودم.

❦ ❦

